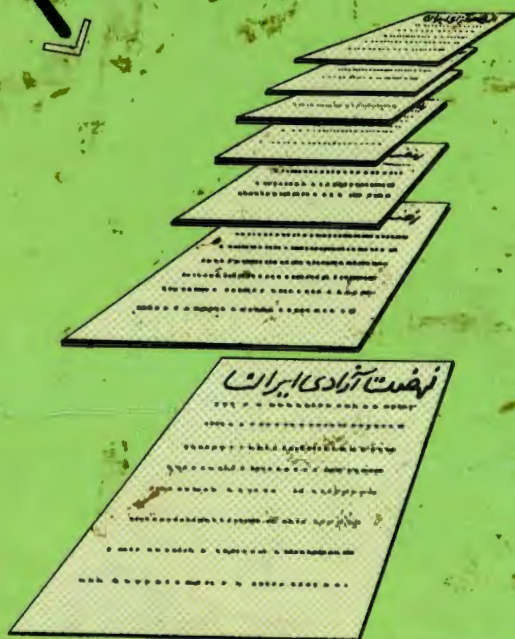


تاریخ معاصر ایران



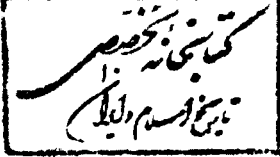
اسناد نهضت آزادی ایران

جلد ۹ - دفتر اول: ادامه مقاومت و مبارزه ۱۳۵۷-۱۳۵۴

قیمت ۴۵۰ ریال

مرکز پخش: دفتر نهضت آزادی ایران
تهران - خیابان استاد مطهری - شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷

کلیه حقوق طبع محفوظ است - نقل از مندرجات فقط با ذکر نام مأخذ مجاز میباشد



۷

صفحاتی از:

تاریخ معاصر ایران

اسناد نهضت آزادی ایران

۱۳۵۴-۱۳۵۷

جلد ۹- دفتر اول: ادامه مقاومت و مبارزه

صفحاتی از تاریخ معاصر ایران — جلد نهم دفتر اول
گردآورنده و ناشر: نهضت آزادی ایران
چاپ اول: تابستان ۱۳۶۲
تیراژ: ۱۰۰۰۰ جلد

اسناد نهضت آزادی ایران

۱۳۵۴-۱۳۵۷

جلد نهم - دفتر اول

ادامه مقاومت و مبارزه

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بخش اول - نشریات تحلیلی با امضاهاى مستعار	
۱ - بیانیه مسلمانان آگاه	۹
۲ - بیانیه دانشجویان دانشگاه	۱۶
۳ - بیانیه دانشجویان مسلمان مبارز - شانزدهم آذر و توطئه‌هاى	
رژیم برضد جنبش دانشجویی	۲۳
۴ - بیانیه دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران - با توطئه‌هاى	
رژیم و مارکسیست‌ها چگونه مقابله کنیم؟	۲۹
۵ - بیانیه دانشجویان مسلمان ایران - به یادبود جلال آل-	
احمد	۳۳

بخش دوم - نشریات تحلیلی «جنبش مسلمانان ایران»

۱ - نشریه شماره ۱ شهر یور ۱۳۵۶	۳۹
۲ - نشریه شماره ۲ آبان ۱۳۵۶	۵۳
۳ - نشریه شماره ۳ آذر ۱۳۵۶	۵۶
۴ - نشریه شماره ۴ دی ۱۳۵۶	۶۳

۶۸	۱۳۵۷	اردیبهشت	۵	نشریه شماره
۷۷	۱۳۵۷	خرداد	۶	نشریه شماره
۹۰	۱۳۵۷	تیر	۷	نشریه شماره
۹۱	۱۳۵۷	تیر	۸	نشریه شماره
۹۳	۱۳۵۷	شهریور	۹	نشریه شماره
۹۶	۱۳۵۷	مهر	۱۰	نشریه شماره
۱۰۰	۱۳۵۷	آبان	۱۱	نشریه شماره
۱۰۶	۱۳۵۷	آبان	۱۲	نشریه شماره

بخش سوم - نشریه اخبار جنبش اسلامی

۱۱۴	۱۳۵۷	۲۹ آبان	۱	شماره
۱۱۷	۱۳۵۷	۱ آذر	۲	شماره
۱۲۱	۱۳۵۷	۶ آذر	۳	شماره
۱۲۵	۱۳۵۷	۱۱ آذر	۴	شماره
۱۳۳	۱۳۵۷	۱۵ آذر	۵	شماره
۱۳۷	۱۳۵۷	۱۸ آذر	۶	شماره
۱۴۳	۱۳۵۷	۲۵ آذر	۷	شماره
۱۵۵	۱۳۵۷	۳۰ آذر	۸	شماره
۱۶۳	۱۳۵۷	۷ دی	۹	شماره
۱۷۱	۱۳۵۷	۱۲ دی	۱۰	شماره
۱۸۳	۱۳۵۷	۱۸ دی	۱۱	شماره

بخش چهارم - اعلامیه های امضادار اشخاص

۱۹۳	۱۳۵۷	لبنان	۱	اعلامیه دکتر سحابی - دعوت برای کمک به شیعیان
۱۹۶	۱۳۵۷	مراسم ترحیم محمد همایون	۲	اطلاعیه های شخصیت های اسلامی و ملی بمناسبت بزرگداشت
			۳ - نامه مهندس بازرگان به استاد محمد تقی شریعتی بمناسبت		

- شهادت دکتر علی شریعتی ۱۹۹
- ۴ - اعتراض مهندس بازرگان در مورد محکومیت مجدد آیت الله طالقانی به علمای اعلام و مراجع عظام ۲۰۱
- ۵ - اعتراض دکتر سحابی به دادرسی ارتش در مورد محکومیت مجدد آیت الله طالقانی ۲۰۲
- ۶ - اعتراض وکلای انتخابی آیت الله طالقانی به رأی دادگاه نظامی ۲۰۳
- ۷ - اعتراض دکتر سحابی به افتراءات کیهان ۲۰۵
- ۸ - اعلامیه گروهی از شخصیت‌های اسلامی و ملی بمناسبت مجلس ختم حاج مصطفی خمینی ۲۰۹
- ۹ - تحلیل ریشه‌های انحراف رژیم شاه و زمینه‌های انقلاب - بیانیه درخواست‌های همگانی ۲۱۱
- ۱۰ - اطلاعیه گروهی از شخصیت‌های اسلامی و ملی بمنظور تحریم نوروز ۱۳۵۷ ۲۲۰
- ۱۱ - دعوت مهندس بازرگان جهت بزرگداشت شهدای قم و تبریز ۲۲۱
- ۱۲ - اعلام جرم آقای مهندس بازرگان به دادستان تهران در مورد بمب گذاری منزل ایشان ۲۲۲
- ۱۳ - نامه جمعی از شخصیت‌های اسلامی و سیاسی به نخست‌وزیر در مورد انفجار و دستگیری و آدم‌ربائی ۲۲۳
- ۱۴ - مصاحبه مهندس بازرگان با مخبر تلویزیون بلژیک: تا هنگامیکه شاه در این مملکت است ایران روی آزادی را نخواهد دید ۲۲۶
- ۱۵ - دعوت عام برای بزرگداشت شهدای یزد، جهرم و اهواز ۲۲۹
- ۱۶ - نامه مهندس بازرگان به ریاست شهربانی کل کشور در مورد بمب گذاری منزل ایشان ۲۳۰
- ۱۷ - اعلامیه گروهی از شخصیت‌های اسلامی و سیاسی بمنظور

- ۲۳۱ مجلس ترحیم علی اکبر لاجوردی
- ۱۸ - اعتراض جمعی از اعضاء نهضت آزادی ایران و علاقمندان
آن به محکومیت آقایان طالقانی و منتظری ۲۳۲
- ۱۹ - دعوت مهندس بازرگان از شاه به مباحثه ۲۳۳
- ۲۰ - اعلامیه گروهی از شخصیت‌های اسلامی و ملی بمناسبت
بزرگداشت سالروز شهادت دکتر شریعتی ۲۳۵
- ۲۱ - اعلامیه گروهی از شخصیت‌های سیاسی و ملی بمناسبت مراسم
جشن نیمه شعبان ۲۳۸
- ۲۲ - نامه دعوت کنندگان مراسم نیمه شعبان به شهربانی کل
کشور ۲۴۱
- ۲۳ - اعلامیه جمعی از رجال روحانی و سیاسی و منفرد و
سازمانهای اسلامی و ملی به رژیم شاه ۲۴۳

اسناد نهضت آزادی ایران از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷

مقدمه

در سال ۱۳۴۴، بعد از زندانی شدن سران و فعالین نهضت عده‌ای از افراد فعال نهضت آزادی ایران که هنوز آزاد بودند، و با توجه به شرایط رژیم حاکم و جمع‌بندی مبارزات سیاسی سالهای ۴۰ و بخصوص قیام خونبار پانزدهم خرداد، ادامه مبارزات سیاسی را غیرعملی میدیدند، به پایه گرایش استراتژی جدیدی دست زدند و کار مطالعه و خودسازی را آغاز کردند و از سال ۱۳۴۷ موفق به تدوین استراتژی جهاد مسلحانه و مبارزه مخفی شدند. این سازمان در سال ۱۳۵۰ **سازمان مجاهدین خلق** نام گرفت. سایر افراد نهضت همچون تمامی اقشار مذهبی مبارز تمام امکانات خود را در اختیار گزارده و در حد مقدور همکاری میکردند.

در سال ۱۳۵۴، انحرافات و تحولاتی در درون سازمان مجاهدین خلق رخ داد. از سال ۵۴ تا پیروزی مرحله‌ای انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تغییرات وسیع و سریع و عمیق در کشور بوجود آمد و ملت ما هر روز شاهد حادثه‌ نازه‌ای بود.

نهضت آزادی ایران در طی این سه سال، در هر مورد، و در هر شرایطی متناسب با ضرورتها و امکانات، نقش و وظیفه و رسالت ملی و اسلامی خود را انجام داده است و هرگز بیرون از صحنه و خاموش و آرام و ساکت نبوده است.

در قسمت‌های زیر هر یک از این فعالیت‌ها را در بخش‌های جداگانه مختصراً گزارش و اسناد مربوط به هر بخش جداگانه منتشر میگردد.

بخش اول - نشریات تحلیلی با امضاهای مستعار:

در سال ۱۳۵۴ پس از انتشار بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق که ضربه سختی به نهضت اسلامی امت ما وارد ساخته بود و موجی از نگرانی توأم با تعجب و استهفام در محافل مذهبی بخصوص جوانان مسلمان پرشور چه در داخل و چه در خارج از کشور بوجود آورده بود، با توجه باینکه از کادرهای اولیه سازمان مجاهدین عملاً کسی در خارج از زندان باقی نمانده بود افراد قدیمی نهضت آزادی ایران که با سازمان مجاهدین همکاری میکردند مسئولیت سنگینی بردوش احساس کردند و برای خنثی کردن اثرات این توطئه منافقانه که از ناحیه دشمنان نهضت اسلامی ایران شکل گرفته بود با ایجاد هسته سه نفری کاملاً مخفی (آقایان مهندس عبدالعلی بازرگان - مهندس محمد توسلی و یکی از همفکران نهضت آقای مهندس میر حسین موسوی) تحلیلهائی تهیه و منتشر ساخته که در داخل کشور بخصوص در بین دانشجویان و در خارج از کشور تکثیر و بطور وسیع توزیع میشد. بین سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۶ جمعا چند تحلیل با نامهای مستعار مختلف از قبیل «مسلمانان آگاه»، «دانشجویان دانشگاه»، «دانشجویان مسلمان»، «مسلمانان متعهد» و تهیه و بارعایت کامل مسائل امنیتی توزیع شد.

در این بیانیه ها، نظرات این اعضای نهضت آزادی ایران در قبال کودتای منافقان در درون سازمان مجاهدین و توطئه رژیم در ضربه زدن به نهضت اسلامی ایران و سایر مسائل منعکس است. ضمناً این نظرات که مورد تأیید روشنفکران مذهبی قرار داشت نمودار جو فکری سالهای مذکور نیز میباشد.

بخش دوم - نشریات تحلیلی «جنبش مسلمانان ایران»:

بدنبال بن بستهای سیاسی و اقتصادی در اداره مملکت و اوج گیری فشار و خفقان و بوجود آمدن زمینه های عمیق برای قیام توده های محروم و تحت ستم جامعه، رژیم پیشاپیش، برای حل مسائل خود دست به تغییراتی زد و هویدا نخست وزیر سیزده ساله خود را برکنار و آموزگار مهره شناخته شده آمریکا را جایگزین ساخت. با وجود جو خفقان و سلطه ساواک و پلیس این تغییرات زمینه هائی برای قشر روشنفکر و متعهد

فراهم ساخت تا در شرایط جدید به افشای ماهیت رژیم و روشنگری و بسیج مردم بپردازد.

جمعی از اعضای نهضت آزادی ایران (آقایان مهندس عبدالعلی بازرگان - مهندس محمد توسلی - سید مهدی جعفری - دکتر فریدون سبحانی - مهندس هاشم صباغیان) همراه با چند تن از برادران همفکر که در بسیاری از فعالیتهای اجتماعی - فرهنگی سالها همکاری داشتند (آقایان دکتر حبیب الله پیمان - مهندس حسین حریری - مهندس یزدان حاج حمزه - مهندس حسین موسوی) از اوایل تابستان سال ۱۳۵۶ با ایجاد هسته مخفی دست به اقداماتی در جهت روشنگری مردم بخصوص قشرهای جوان و روشنفکر و بسیج و تشکل آنان زدند یکی از اقدامات انتشار نشریات تحلیلی با عنوان «جنبش مسلمان ایران» بود.

این تحلیلیها از شهریورماه ۱۳۵۶ تا آبان ۱۳۵۷ براساس ضرورتها و حوادثی که بوجود میآمد منتشر شد که دوازده شماره آن در مجموعه حاضر گردآوری شده است. در شرایط خاص این دوره که جو سانسور و خفقان حاکم است این هسته موفق شد با رعایت مسائل امنیتی در حالیکه نشریه نسبتاً بطور وسیع در داخل و خارج توزیع میشد کوچکترین برگه و اثری از خود باقی نگذارد و نه تنها ساواک بلکه دوستان نزدیک نیز از افراد این هسته بی اطلاع باشند.

این نشریه شاید تنها نشریه تحلیلی منظم و موثر بود که مورد استقبال مردم مبارز و مجاهد چه در داخل و چه در خارج کشور قرار میگرفت و به مبارزات مردم محتوی و شکل می بخشید.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که در تیرماه ۱۳۵۷ تحلیل های مشابهی با عنوان «جنبش مسلمانان مبارز ایران» و «جنبش مسلمانان مبارز» منتشر میشد و در آنها زیر پوشش طرفداری از آیت الله العظمی امام خمینی و مجاهد شهید دکتر شریعتی ناجوانمردانه دروغها، تحریفها و اتهاماتی متوجه یکی از مخلصترین و پایدارترین چهره های مبارز مسلمان ضد استبداد جناب آقای مهندس بازرگان میکردند که طی بیانیه تیرماه ۱۳۵۷ عمل منافقانه نویسندگان آنها افشاء شد.

بعدها معلوم شد این اقدام توسط آقای دکتر پیمان بدون اطلاع سایر افراد این

هسته انجام شده است. ایشان با ادامه همین نشریه بعد از پیروزی انقلاب «جنبش مسلمانان مبارز» را تشکیل دادند که عملکرد خاص ایشان در این دوره و بعد از پیروزی انقلاب نیاز به بحث جداگانه دارد.

بخش سوم - انتشار اخبار جنبش اسلامی:

در آبانماه ۱۳۵۷ پس از اوج گیری نهضت اسلامی رژیم جنایتکار شاه مجبور شد با توسل به سیاست سانسور مطلق و اختناق کامل، مطبوعات را تعطیل و رادیو تلویزیون را اشغال و تمام کانون‌های تجمع مردم از قبیل مساجد، مدارس و دانشگاهها را تعطیل نماید و با قطع روابط مردم و بی‌خبر نگه داشتن آنان با خیال راحت کشتار مردم را گسترش دهد و از این طریق شور انقلابی خلق ما را خاموش سازد.

نهضت آزادی ایران بحکم وظیفه برای مقابله با این توطئه رژیم دست به انتشار نشریه‌ای با عنوان «اخبار جنبش اسلامی» زد و از این طریق تا آنجا که ممکن بود اخبار جنایات رژیم و اقدامات مردم را در شهرهای مختلف جمع‌آوری و از طریق تشکیلاتی و افراد مطمئن نشریه مزبور را در سطح وسیعی توزیع مینمود که خود مردم نسبت به تکثیر و توزیع مجدد آن نیز اقدام میکردند.

طی ۵۲ روز یعنی از تاریخ ۲۶/۸/۵۷ تا تاریخ ۱۸/۱۰/۵۷ جمعاً یازده شماره از نشریه اخبار جنبش اسلامی چاپ گردید. صفحات این نشریه حداقل سه صفحه و حداکثر ۱۲ صفحه بوده است با توجه به فقدان نشریات آزاد در این مدت مجموعه این نشریه سند معتبر و با ارزشی برای نشان دادن جزئیات حوادث انقلاب در چند ماههٔ مربوط می‌باشد.

بخش چهارم - اعلامیه‌های امضا دار اشخاص

این اعلامیه‌ها که قبل از پیروزی انقلاب در سالهای ۵۷-۱۳۵۶ منتشر گردیده‌اند شامل اعتراضات و نامه‌های مختلف به حکومت وقت میباشد گرچه همه مفاد این قبیل نامه‌ها مبین جهت گیری نهضت آزادی و یا اعضاء آن نمی‌باشد اما از آنجا که وحدت همه نیروها و افراد جهت سرنگونی رژیم نقش بسزائی داشت بعضی از اعضاء نهضت آزادی این بیانیته‌ها را که عموماً جهت ضد رژیمی آن مشهود می‌باشد

امضاء کرده‌اند. ما برای تکمیل مجموعه اسناد و فعالیت‌های نهضت آزادی این اسناد را نیز جمع‌آوری و در این مجموعه می‌آوریم.

بخش پنجم - جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر^۱

بخش ششم - هیئت اعزامی امام خمینی به تأسیسات نفت جنوب جهت تأمین مصرف داخلی^۱

بخش هفتم - کمیته اعتصابات امام خمینی^۱

بخش هشتم - کمیته امام خمینی سرپرست سفارت و کنسولگریهای ایران در آمریکا^۱

بخش نهم - شورای انقلاب^۲

بخش دهم - دولت موقت^۳

بخش یازدهم - ستاد برگزاری نمازهای عید فطر و راهپیمائیهای میلیونی انقلاب و استقبال از امام^۴

۱ - در دفتر دوم جلد نهم اسناد چاپ می‌شود.

۲ - در نشریه «شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان» آمده است.

۳ - در کتاب «مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان» آمده است.

۴ - اعضای نهضت در میان مسلمانان مبارز و فعال سالهای ۵۶ و ۵۷ نقش مؤثری در برنامه‌ریزی و تدارکات نمازهای عید فطر قیطره در سالهای ۵۶ و ۵۷ و همچنین ستاد برگزاری راهپیمائیهای میلیونی تاسوعا و عاشورا اربعین و بهمن ماه سال ۵۷ و بالاخره ستاد استقبال از امام داشته‌اند.

برای حفظ تاریخ و اصالت‌های انقلاب و جلوگیری از تحریفها، این اسناد نیز که مربوط به انقلاب اسلامی ایران می‌باشد جمع‌آوری و منتشر خواهد شد.

بخش اوّل

نشریات تحلیلی

با امضاهاى مستعار

بسمه تعالی

اخیرا بیانیه‌ای از طرف سازمان مجاهدین مبنی بر تغییر بنیانهای اعتقادی سازمان منتشر شده است که در محافل مختلف مردمی موجی از اضطراب و نگرانی توأم با تعجب و استفهام برانگیخته است.

این بیانیه به بررسی تاریخچه و مسائلی از جنبش مبارزاتی خلق ما پرداخته که اهم آن بزعم نویسنده ضرورت تغییر مواضع استراتژیک - ایدئولوژیک است. بیانیه چنین ادعا میکند که سازمان پس از گذراندن ده سال کار تشکیلاتی که چهار سال آن در مبارزه رویا با دشمن سپری شده و جمع بندی و تجزیه تحلیل تجربیات گذشته باین نتیجه رسیده است که ایدئولوژی اسلام جواب گوی مشکلات و مسائل جنبش انقلابی در حال رشد و تحول ایران نبوده و باید مکتب مارکسیسم را تنها ایدئولوژی طبقه کارگر بعنوان راهنما انتخاب کرد و بر این اساس اسلام را بعنوان ایده آلیسم و اوهام بدور میافکند و به بنیان گذاران سازمان که چنین اشتباه و انحرافی را مرتکب شده‌اند بشدت انتقاد میکند. این تغییر ناگهانی و ۱۸۰ درجه برای خلق ما که با شخصیت مذهبی و افکار انقلابی اسلامی بنیان گذاران و فعالین اولیه سازمان آشنا بودند باور

کردنی نبود که چنین تغییری بطور طبیعی و عادی اتفاق افتاده باشد و اکثراً بعلت آشنا نبودن به مسائل درونی مجاهدین و تصویری که نسبت به حماسه‌های شهدای مؤمن و صدیق آن داشتند این قضیه را برتریم دشمن نسبت میدادند، برای آنها بسیار غیر منتظره و شگفت آور بود که چگونه ممکن است سازمانی که براساس مکتبی نضج گرفته با چنان پشتوانه عظیم تاریخی ناگهان دسته جمعی تغییر عقیده دهد و نه تنها مبانی اعتقادی خود و نسلهای مبارز گذشته بلکه برای توجیه انحراف و فرصت طلبی خود به بنیان گذاران اصیل سازمان و شهدای راستین خلق تهمت ایده آلیسم و اوهام پرستی بزند.

برخی دیگر از علاقمندان به سرنوشت خلق که از نزدیک با مسائل درونی مجاهدین آشنائی بیشتری داشتند از مدتها قبل آثار چنین گرایش و انحرافی را در برخی از نوشتجات و انتشارات سازمان کم و بیش احساس میکردند و بخصوص از سال گذشته با حذف جمله بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بتدریج حذف تاریخ تأسیس سازمان و آیه فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً از ابتدای اعلامیه‌ها و آرم سازمان مسائل و مشکلات ناگواری را پیش بینی میکردند تا اینکه بالاخره با انتشار بیانیه شایعات چهره حقیقی بخود گرفت و نشان داد انحرافات و کجرویهای اخیر از کجا ناشی میشده است.

اکنون آشکار شده است که عده‌ای از مارکسیست‌های فرصت طلب که در غیاب فعالین شهید و اسیر در سازمان نفوذ کرده بودند بتدریج پست‌های رهبری را اشغال کرده و با کودتای خونین مخالفین خود را به شدت سرکوب نموده حاکمیت خود را ظاهراً بر سازمان تحمیل نموده‌اند. در این جریان به ادعای خودشان حداقل ۵۰ درصد اعضا که با برنامه‌های حساب شده درازمدت آموزشی آنها تغییر عقیده نداده‌اند مشمول تسویه‌های سبک و سنگینی شده‌اند و این افراد به علت شکل خاص سازمانی و عدم آشنائی و ارتباط با یکدیگر در وضع غیرقابل‌تشکل و جبهه‌گیری قرار دارند.

برای روشن شدن قضیه لازم است کمی به عقب برگشته تاریخچه سازمان و بیوگرافی فعالین سابق آنرا بررسی نمائیم. مؤسسين سازمان مجاهدین که اکثراً از اعضا سابق نهضت آزادی ایران بودند (سازمانیکه با رسالت اسلامی تأسیس شده بود) همگی از

فعالین انجمن‌های اسلامی دانشجویی و کانونهای مذهبی ایران بوده و دوران تربیت اسلامی و آموزش تئوریک خود را در بطن فعالیت‌ها و مبارزات مذهبی گذرانده بودند و با اینحال قبل از کار عملی حدود هفت سال با پشتکار و مداومت و صرف حداکثر وقت بکار تئوریک و شناخت اصول اعتقادی پرداخته و باین ترتیب فرصت پیدا کرده بودند کاربرد تئوریهای انقلابی اسلامی را در رابطه با مسائل زمان خویش کشف نمایند. در سال ۵۰ با یورش ساواک و سرکوب و دستگیری و اعدام فرزندان حماسه‌آفرین خلق بیش از ۹۰ درصد افراد (که شامل تمام کادر رهبری بود) و ۹۵ درصد امکانات از دست رفت، معدود افراد باقیمانده که عموماً از کادرهای پائین تر بودند با ایمان و عمل و صبر انقلابی با یاری حق که همیشه همراه حق‌طلبان اندک است بصورت معجزه‌آسایی از کوره سخت سرکوب خونین پلیسی سالهای ۵۰ و ۵۱ آبدیده سلامت خارج شدند و با شتابی که شهدای نخست به نهضت داده بودند به تجدید قوا و عضوگیری و توسعه سازمان بصورت وسیع و تصاعدی پرداختند از آن به بعد نیز بکرات سازمان ضربه خورده و هر بار اصلی‌ترین کادرهای خود را از دست داده است و بسا اینحال مجاهدین دیگری پرچم افتاده را برافراشته و جهاد را تداوم بخشیده‌اند. در چنین شرایط سهمگینی در مبارزه با رژیم‌می که از تجربیات ضد انقلابی امپریالیسم در سرکوب نهضت‌های چریکی آمریکای لاتین و دیگر نقاط عالم سود میبرد سازمان مجاهدین بتدریج و بناچار برای حفظ موجودیت بیشترین و اصلی‌ترین انرژی خود را بکارهای عملی و تاکتیکی معطوف نمود و از آموزش کافی و کار تئوریک غافل ماند. زندگی تنها و منزوی افراد جوان و تازه‌کار در خانه‌های امن و عدم آشنائی و ارتباط با مردم و نداشتن امکانات و وقت کافی برای کار تئوریک و عرضه مسائل و مشکلات با اسلام انقلابی بجای آنکه سازمان را از نظر ایدئولوژیک نسبت به سالهای ۵۰ تکامل بخشد بتدریج خلاء و تضادی بین عمل و تئوری بوجود آورد و برنامه فقط مبارزه شد در چنین خلاء و ناتوانی از استخراج مبانی انقلاب اسلامی بخصوص تخفیف ضوابط ایمانی برای داوطلبین عضویت در سازمان هرآینه امکان رشد مارکسیسم و بالا آمدن منافقین پیدا میشود و سازمان روش التقاطی بخود میگیرد (مارکسیسم بعنوان علم مبارزه در دل ایدئولوژی

اسلام). واضح است که چنین ترکیب نامأنوس و نامتجانس امکان رشد ندارد و بالاخره گسیخته میشود. و در این آب گل آلود مارکسیست‌ها با همان حیل‌های همیشگی خود حداکثر استفاده را مینمایند و وارث ناخلف شهدای مسلمان میشوند. باین ترتیب برای سازمانی که شهادت انقلابی را پذیرفته است و برخلاف سازمانهای سیاسی که در رده‌های عقب‌تر مبارزه میکنند نمی‌تواند رهبری ایدئولوژیک را در وجود رهبران حفظ نموده در این نقل و انتقال امانت بطور اجباری و موقت از خط اصلی اتخاذی منحرف میشود و تجربه بسیار ارزنده و مفیدی برای ادامه و بقیه مسیر کسب مینماید. نویسنده بیانیه کادر غاصب رهبری در توضیح خط ایدئولوژیک جدید که چیزی جز اباطیل کهنه و قالبی توده‌ای‌های قدیم نیست، با انتقاد و لگدمال کردن حزب توده میکوشد اولاً خود را از آثار شوم و خائنانانه آن حزب وابسته نجات دهد در ثانی برای جوانان تازه کار و بی اطلاع از سوابق اینگونه اندیشه در ایران حرفهای تازه و فریبنده‌ای ردیف نماید. اما ملت ما در تاریخ معاصرش کراً این نحوه گرایش را آزموده است، از مخالفت با قیام میرزا کوچک خان به بهانه طرفداری از حزب اتحاد اسلام گرفته تا تأیید رضا خان بعنوان سردار ملی و قهرمان ملت و کار شکنی و مخالفت با مصدق بعنوان مبارزه با بورژوازی ملی و ...

نویسنده حتی نهضت‌های مارکسیستی سایر کشورها را بیاد انتقاد میگیرد و برای آنکه نمونه قابل مقایسه نشان ندهد مسئله رو یزونیسم را مطرح کرده و تمام تغییرات را بگردن رهبران مارکسیست میاندازد. چرا که در غیر اینصورت در توجیه خیانت‌های مارکسیست‌های معروف و سابقه‌داری مانند نیک‌خواه‌ها، لاشائی‌ها، پارسا نژادها و صدها مارکسیست قدیم و جدید که فعلاً تئوریسین و گرداننده اصلی سازمان امنیت و دستگاههای علمی و فرهنگی رژیم هستند دچار تناقض میشود. اما برعکس در قضاوت‌های راجع به اسلام پای افراد را پیش میکشد و با انتقادهایی از دریچه تنگ کینه توزانه دگماتیسم خویش میکوشد آنرا بحساب اسلام بگذارد. در حالیکه نقش مثبت و سازنده شخصیت‌های مذهبی و نه مکتب آنها مطلقاً قابل مقایسه با نقش مخربی که اینگونه افکار و رهبران در منحرف کردن مردم داشته‌اند، نمیباشد. چرا که برای ما

کلیه کشورهای استعمارزده نوپا کهنه آنچه در این مرحله تاریخی مطرح است اتحاد و بسیج کلیه طبقات و نیروهای ملی در برابر استعمار غاصب و چپاولگر است و تا وصول پیروزی نهائی پرداختن بهر اختلاف داخلی و تفرقه و شکاف نهایتاً بسود نیروهای دشمن تمام میشود. در این جا مسئله ای مطرح میشود که در چنین شرایط سهمگین که دشمن در اوج هماهنگی نیروهای خویش است مطرح کردن اختلاف ایدئولوژیک در سنگرهای مقاومت و حذف پنجاه درصد آن چه چیز را حل میکند و بسود که تمام میشود؟

جواب روشن است، مارکسیسم در برابر مسائل قرن گذشته اروپا و مشکلات سرمایه داری صنعتی عرضه شد، برای آنها مسئله ای بعنوان استعمار وجود نمی داشت (چرا که خود عامل آن بودند) و چنین تحلیلی در مارکسیسم وارد نشده است اما مارکسیستهای متعصب ما که نتوانسته اند از قالبهای صادراتی فکری خود خارج شوند و مستقلاً بیندیشند در تحلیل قضایا و کوشش برای انطباق آن با مارکسیسم دچار سرگردانی و اشتباه میشوند و این مسئله نه تنها برای ایران بلکه برای اغلب کشورهای آسیائی و آفریقائی تکرار شده است و کمونیستها در برابر نهضت‌های ضد استعماری که عمدتاً جنبه ملی و ناسیونالیستی داشته پوزسیون منفی و غیر منطقی گرفته اند. مثال: مصر، الجزایر، ایران و...

در ایران حزب توده اتحاد طبقات را تحت رهبری حکومت ملی دکتر مصدق نمیتوانست با تحلیل‌های ساخته شده خود توجیه کند بنابراین علیرغم اینکه استعمار آمریکا با آن مخالفت میکرد و در مقابل قانون ملی شدن نفت خواستار آزاد بودن نفت شمال برای روسها بود.

ما هر گاه توانستیم استعمار را از مقابل خود برانیم آنگاه به مسائل داخلی و استعمار طبقاتی میپردازیم آنهم نه بطور تقلیدی و با فرمولهای دیگران که خاص شرایط خودشان است بلکه با ابتکار و خلاقیت خودمان. چرا که مسائل کارگری ایران با مسائل طبقات کارگر زمان مارکس در شرایط زمانی آلمان قرن نوزدهم هرگز یکی نیست و نه

طبقات سرمایه‌دار بهمان شکل بوجود آمده‌اند که بتوانیم براحتی از همان قالب‌ها استفاده نمائیم. آیا هرگز مارکس پیش بینی و در محاسبات خود وارد کرده بود که روزی کشورهای فقیر سابق صادرکننده سرمایه به کشورهای بزرگ صنعتی تبدیل شوند و با خرید سهام کمپانیهای ورشکسته آن اینچنین سرمایه‌ها را در هم ادغام نمایند. و آیا هرگز تصور میکرد امضای یک سرمایه‌دار کویتی زیر چکی، ممکن است بزرگترین بانکهای اروپا را به ورشکستگی بکشاند. آیا کارگر ایرانی که با سهیم شدن در سود کارخانجات و بیمه و بهداشت و پیکان و رادیو و تلویزیون و... با اتکاء به تجربیات ضد خلقی امپریالیسم اینچنین بزمین چسبانده شده است با پرولتار زمان مارکس که پشتوانه فرهنگی سالیان دراز شکل طبقاتی داشت از نظر خصوصیات پرولتاری یکی است؟ تازه همان کارگر آلمانی امروز که قریب یکقرن از پرودن و مارکس گذشته ربع قرن است اعتصاب نکرده و از بورژواها هم بیشتر فاسد شده است. چرا که رابطه آنها هم دیگر رابطه سرمایه‌دار و کارگر نیست بلکه رابطه دزد و شریک دزد است. دزدانیکه همه بغارت کشورهای فقیر مشغولند.

آیا در ایران واقعاً طبقه‌ای که از رشد بورژوازی بوجود آمده باشد بعنوان سرمایه‌دار بزرگ سراغ داریم بهمان سیر طبیعی که در غرب میبینیم. در اینجا مسئله بصورت دیگری با وابستگی به دربار و مرکز قدرت مطرح است مثال خیامی‌ها، رضائی‌ها، ثابت باسال‌ها و غیره.

آیا در شرایطی که جنبش مسلحانه ایران عمده‌تاً هم از نظر نیروی انسانی و هم مالی از طبقه بقول شما بورژوا تغذیه میشود، این ناسپاسی و کند ذهنی نیست که با تمسک به قالبهای مارکسیستی بنام بورژوازی سنتی آنها را از حمایت مبارزه حذف کنیم و بدفاع از طبقه فرضی و خیالی کارگر که هنوز بوجود نیامده دلخوش کنیم. و آیا این کار بیشتر به ایده آلیسم و اوهام پرستی شباهت ندارد؟ در شرایط فعلی ایران، دهقان و کارگر بیشتر به جنبش پیوسته یا دانشجوی و بازاری و کاسب؟ چه کسی پناه داده و بودجه از کجا تأمین شده است؟ و بالاخره عضوگیری از چه طبقه‌ای بوده است. ما باید

متفقاً در برابر استعمار و غارت نفت مبارزه کنیم نه اینکه به مبارزه درون تشکیلاتی پرداخته و دست خود را بجای دشمن بخون برادر همسنگرمان آغشته کنیم، فرض کنیم همه حرفهای دهن پرکن ایدئولوژیک تو درست و همه حرفهای دیگران خرافی و اوها م دست آخر مگر نه اینکه در شرایط فعلی مذهبی و غیر مذهبی، دانشجو و آخوند با هم شلاق میخورند و باهم شکنجه میشوند. اینست معنای صداقت و درک زمان، فیدل کاسترو تازه بعد از یکسال پس از پیروزی انقلاب مارکسیست بودنش را خیر داد و تا آنموقع ملتش نمی دانست و در کادر رهبری سوسیالیست های الفتح در بالاترین رده ها یک سرمایه دار مقاطعه کار کوییتی وجود دارد که به نیروی او چرخ انقلاب میگردد. آیا اینکار خیانت به جنبش و اشتباه در محاسبه نیروها و خلاصه کردن نیست؟ آیا اینکار آب با سیاب دشمن ریختن محسوب نمیشود؟

چنین تصمیم عجولانه ای را خلق ما جز به خواب نما شدن نمیتواند توجیه کند.
مثل الذين اتخذوا من دون الله اولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتاً وإنّ اوهن البيوت
لبیت العنكبوت

مسلمانان آگاه

پائیز ۱۳۵۴

بسمه تعالی

وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فِيمَكْتُ فِي الْأَرْضِ.....

مجاهدین خلق ایران را مستضعفین ایرانی چونان گلی میدانند که بر نهاد آرزوهای بهروزی آنان روئیده است، همان آرزوهائیکه با فریادهای خشمگینانه و بیدار کننده سیدجمال ها و نائینی ها بیدار گشت و در طول یک قرن زندگی پر تلاطم ملت ما مطابق خواسته خدائی و ضروریات تاریخی رشد کرد و پس از گذرانیدن فراز و نشیب های بسیار بخاطر حقانیت خود زنده ماند و هر دم بر سرسبزی آن افزوده گشت و بالاخره در بهاران سالهای خونین بعد از ۵۰ بگل نشست.

چرا ننشینند که خونهای پاکی از دیر باز این نهال را سیراب کرده اند و چرا نبالد. این درخت رستنش از ظلمات ظلمها و سیاه چالها و گرسنگی ها و شکنجه های مداوم بسمت نور حیات بخش خدائی است و خلق مسلمان ایران از همان اوان نشان داده است که نشانه های این درخت ریشه در زمین را خوب میشناسد و علت پشتیبانی بیدریغ و صادقانه اش نیز در سالیان اخیر از سازمان مجاهدین خلق مسلمان ایران بدین دلیل بوده است.

از مدتها پیش که شایعات تمایلات مارکسیستی یک عده از رهبران سازمان مجاهدین در افواه عمومی می پیچید مردم را عقیده بر آن بود این بار دست خیانتکار رژیم مزدور در کار است. چرا که قبلا نیز همین مردم از این قبیل دسیسه ها بسیار دیده بودند و از جلاد چه انتظار میتوان داشت. ولی شگفت آنکه شواهد و شایعات موجود با پخش بیانیه ای منتسب بسازمان مجاهدین تایید شد و این بار ضربه از درون و جائیکه انتظار نمیرفت فرود آمده بود و در سازمان امید برانگیز مردم، کودتائی رخ داده و سازمان دیگری بجای آن نشسته بود. سازمان جدیدی که آرم سازمان مجاهدین مسلمان را قلب کرده و با افکار شناخته شده کهنه توده ایهای خیانتکار (همان ها که بیانیه، مذبوحانه تلاش کرده است با تخطئه ایشان خود را از گناهان آنان مبرا کند) موجودیت خود را اعلام میکرد.

این کودتا همانطور که شایعات قبلی حکایت میکردند با آتش گلوله و خون و با استفاده از غیبت رهبران متفکر و مجاهد و مسلمان سازمان انجام گرفته است و در بیانیه کذائی چه عبث تلاشی کرده است که این چرخش ۱۸۰ درجه را نتیجه رشد طبیعی و تکاملی خط سیر مبارزان مجاهد مسلمان جا بزند. و بحق این ضربه هولناکی بر تمام گروه‌های مبارز و صادق بود ولی میدانیم که این ضربه با تمام شدتش ویران کننده نیست و نمیتواند باشد و نیروهای انقلاب اسلامی از این ماجرا پندها خواهند آموخت که آنها را در معرکه بکار آید. همانسان که از دوران مشروطیت ببعده در مقابل نیروهای سازشکار و اپورتونیسیم کمونیستهای وطنی پندهای زیادی آموخته اند.

باید معتقد بود که نیروهای پیش تاز انقلاب اسلامی خواه منافقین تمام جبهه را غصب کرده باشند و یا نتوانسته باشند (که نتوانسته اند و اشاره نویسنده بیانیه بتصفیه پنجاه درصد ایده آلیسم اوهام پرست! از داخل سازمان مؤید وجود جبهه ای قوی و فزون از پنجاه درصد ادعائی است) این نهال ریشه در قلوب خلق زحمتکش مسلمان ایران بالاخره بار خواهد نشست. کَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلَاهَا نَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا. (آیه ۲۴ سوره ابراهیم)

ضربه فوق مسئولیتهای جدی و حساسی را متوجه تمام مسلمانان متعهد و پشتیبان نهضت‌های پیشتاز انقلابی مینماید و قطع سریع و قاطع هر گونه کمک و پشتیبانی از سازمان مجاهدین مارکسیست استالینیست و بر ملا کردن ماهیت روش خیانت کارانه سازمان جدید از آن زمره اند و نیز اگر رژیم بآزاد گذاشتن چاپ و نشر کتابهای مارکسیستی در دو سال اخیر بطرز بیسابقه ای بگسترش این نوع افکار وارداتی و دگماتیسم و بی ریشه پرداخته است انتقاد و بحث در مورد فحوی بیانیه فوق و هر اندیشه وارداتی مشکوک بشکلی که تعصب در آن حکمفرما نباشد میتواند کمک بسزائی در روشن کردن اذهان مردم و زدودن آثار شوم چنین ضربه ای بنماید.

بحث در مورد تمامی محتوی بیانیه حجیم سازمان مجاهدین استالینیست در

حوصله این چندورق نیست و آنچه مقدور است با شماره و مختصر در ذیل میآید. و امید آنکه بتدریج و در سطوح مختلف بررسیهای وسیع تری در اختیار مردم قرار داده شود.

۱- سراسر بیانیه کذائی حاکی از تلاش شدیدی است برای طبیعی نمایاندن تغییر ۱۸۰ درجه ای ایدئولوژی سازمان و توجه آن. در صورتیکه هم بررسی ابتدائی بیانیه وهم بررسی دقیق تاریخ و چگونگی مبارزات مجاهدین خلق مسلمان و نیز زندگی رهبران اصلی سازمان مجاهدین در سالهای قبل از گرفتاری و شهید شدن نشان میدهد که این تغییر زاده یک حرکت طبیعی نیست (توجه شود به توضیحات مفصل بیانیه در مورد مبارزه سخت درون تشکیلاتی و توطئه های قتل و کشتار مخالفین) بلکه عده ای مارکسیست (همان مارکسیستهایی که نویسنده بعنوان جوانان تیز هوش اشارت به عقاید مارکسیستی آنان از سالهای ۴۷ میکند) از خلاء موجود در کادر رهبری استفاده کرده و با روش های کودتائی ایده های خود را با خشونت و دسیسه (بقول استالینیستها تاکتیک) بر تمام سازمان گسترش داده اند و همان طور که نویسنده بیانیه اذعان دارد اگر رهبران و موسسین اولیه و پیشگام در معرکه این مبارزه بودند چنین اتفاقی نمیافتاد و وقتی رهبران اوهام پرست و ایده آلیست (بزعم نویسنده بیانیه) به دم رگبارهای تیرهای سحری سپرده شده اند و یا پشت میله های زندان دستان از عمل کوتاه شدن انجام این کودتا امکان پذیر میبوده است.

۲- اصولاً دلیل چسباندن مارک مارکسیسم به سازمانی با زیر بنای عقیدتی کاملاً متفاوت که نقشی سازنده و موثر را در روبروئی با دشمن داراست چیست. مگر نه آنکه در ایران گام بگام دو سازمان انقلابی یکی مارکسیستی و دیگری اسلامی با هم بدشمن خونخوار تاخته اند و ضربات کاری بر آن وارد کرده اند. آیا بهتر نبود جنایاتی که خارش ایده های مارکسیستی آنرا راحت نمیگذاشته اگر واقعا صداقت انقلابی داشتند و بفدائیان خلق که قهرمانان و صادقانه در یکی از دو جبهه مقدم میجنگند ملحق میشدند و از سوی دیگر بنا بعقیده نویسنده بیانیه اگر تنها و تنها مارکسیست لنینیست بنا به ضرورت تاریخی باید در مبارزه خلق با دشمن پیروز میگردید چه احتیاجی بود در این

مرحله از مبارزه که مجاهدین مسلمان با پشتوانه قوی توده‌ای می‌توانستند نقش موثری را در طول مبارزه بازی کنند و بعد از بین بروند شما آنرا متلاشی کنید. میرفتید جبهه مارکسیست‌ها را تقویت میکردید می‌گذاشتید بعد از انجام دادن نقش تاریخی خود مجاهدین بنا بر همان ضرورت تاریخی از بین بروند.

۳- نویسنده تیز هوش (که گویا از همان جوانان مارکسیست تیز هوش سالهای ۴۷ است که از همان اوان تخم نفاق در درونش پراکنده بوده تا کی بار دهد) برای حق جلوه دادن روش ناجوانمردانه‌ای که رهبری جدید بدان دست یازیده بمخدوش کردن نقش گروه‌ها و افراد آن در تاریخ معاصر پرداخته است و جالب اینکه فعالیت های آن گروه‌ها را نه در تاثیر متقابل با وقایع زمان خودشان که با فعالیت‌های سالهای ۵۰ بعد می‌سنجد. از آنجمله است ارزبایی نقش نهضت آزادی در سالهای ۴۰. گویا در مغز کوچک نویسنده نمی‌گنجد که نهضت آزادی تنها و تنها در یک برهه زمانی کوتاه وظیفه‌ای را بعهده گرفت و آنرا بپایان برد و یورش وحشیانه دستگاه پلیسی را بنهضت در آنسالها که بیشترین فشارها نسبت بگروه‌ها بر نهضت آزادی وارد آورد میتوان مبین حقانیت راهی دانست که نهضت در پیش گرفته بود. چرا که رژیم در غالب نهضت تبلور تدریجی توده‌های انقلاب اسلامی را میدید که در آینده میتواند بصورت اصیل ترین خطر برای خود او و حامیانش در آید. آیا میتوان با انتخاب دو جمله از این مقدمه و از آن کتاب واقعیت‌های تاریخی را قلب کرد. مگر نه آنکه مجاهدین مسلمان از درون نهضت سر برزدند.

۴- بیانیه بشکلی مداوم و یکنواخت با عنوان کردن شعارهای خارجی مارکسیستی به قشری از توده زحمت کش و ضعیف شده‌ای حمله میکند که خصیصه و اخلاق پرولتاریای ایده آل نویسنده را ندارند. نویسنده تیز هوش با دید آنا کرونیستی خود و با عدم تسلط کافی بر تاریخ انقلابات کشورهای آزاد شده در جهان امروز و نهضت‌های آزادی بخش موجود متوجه نیست که با طرد این اقشار ضعیف شده و استثمار گردیده که بالقوه در این مرحله از مبارزه حامیان اصلی نیروهای پشت‌تاژند گروه‌های

پشتازرا به زویننی بی دسته مبدل میسازند که برکد تهاجمی خود را از دست داده و تبدیل باهن پاره بیمصرف گردد. نویسنده تمام امید خود را به پدید آمدن اکثریتی از پرولتاریائی می بندد که در بیست و سی سال آینده درست مطابق الگوهای تعریفی مارکسیستی بوجود خواهد آمد تا انقلابیون استالینیست ما با پیوند یافتن بدان آنها را بر اریکه قدرت برسانند و دیکتاتوری پرولتاریا را بوجود آورد (میتوان از هم اکنون آثار مخرب این طرز فکر اپورتونیستی سازمان نو بنیاد مجاهدین مارکسیست را حدس زد).

۵- توجه به میکرو مکانیسمهای موجود در هر جامعه سنتی و مذهبی بیک حرکت انقلابی در یک برهه زمانی و در یک منطقه و یژه گی یک انقلاب بومی را میبخشد که آنرا در مقابل ایده های صادر شده قالبی انقلاب انترناسیونالیستی کمونیسم قالبی قرار میدهد (گرچه در مجموع و بصورت زنجیری در سراسر جهان این و یژه گیها در تاثیر متقابل هدفهای اصلی انقلابات انترناسیونالیستی را تبیین میکند) و باین میکرو مکانیسمها نمیتوان رسید و از آن استفاده کرد مگر باشکلی صادقانه و غیر دگماتیک. و گرنه رشته پیوند نیروهای انقلابی پشتاز با نیروهای عامه مستضعف که ضامن پیروزی هر انقلاب موفق است بریده خواهد بود. کلی بافی و قالب ریزی مسائل بومی در فرمولهای پیش ساخته ای که ظرفیت برای جای دادن این مسائل ندارند و برگشت مزجعانه بقابهای کهنه شده مارکسیستی قرن نوزدهمی جز بویران کردن پلهای ارتباطی گروههای پیشگام با مردم نخواهد انجامید خصیصه های پرولتاریائی ساخته و پرداخته شده ذهن نویسنده بیانیه همان قدر با خصیصه های عامه زحمتکش مسلمان ایران (بالتیجه انقلابی ایران) فاصله دارد که خصوصیات کارگر معادن ذغال سنگ انگلستان قرن نوزده با دهاقین سالهای ۱۹۴۰ چین.

۶- عدم صداقت و دورویی نویسنده تیزهوش آنقدر تیزهوشانه مخفی نگردیده است که اشمئزاز هر انقلابی و یا پشتیبان آنرا بر نیانگیزد. مثلا او گاه بضرورت ایده هائی که باید حتماً و بهر شکلی که شده ثابت شود باسلام بعنوان مکتبی ایده آلیستی و حاوی افسانه های جن و پری و مسلمانان بعنوان اوهام پرست و ترسو و مردم گریز و صوفی (که

ترس از نیروهای متافیزیکی تمام نیروهای او را خشکانده و او را زبون و بیچاره ساخته) می‌تازد و در جای دیگر دست اتحاد بسمت نیروهای اسلامی دراز میکند که با صداقت انقلابی آنرا بفشارد (اگر مینوشتند تا گلوی آنرا بفشارد صادقانه‌تر بود) و درجائی هندوانه زیر بغل طلبه‌های جوان و رزمندگان میگذارد (تا کادرهای جانباز ولی ساده مسلمان را در درون صفوف خود نگه دارد) و در جای دیگر بیش‌رمانه بشرح و تفصیل تسویه خونین و کودتائی بهانه مبارزه درون تشکیلاتی میپردازد که در آن پنجاه درصد از همین کادر مسلمانان مبارز اوهام پرست و خودخواه در برهوت تهران در مخفیگاه‌های خود رها گشتند. و این هشدار است برای نیروهای انقلاب اسلامی که دیگر بار در دهان گشاده این سوسمار کهنه کار که دسیسه را خوب از اربابانش استالین و استالینیستها یاد گرفته است نیفتند.

۷- ضربه ای که کودتا به نهضت‌های اسلامی وارد ساخته است ضررش تنها دام‌نگیر نیروهای انقلابی اسلامی نیست که دامنه‌اش تا تاثیر گذاری بر فدائیان خلق نیز گسترش خواهد یافت چرا که زحمتکشان مسلمان ایران با تجربه‌های تلخی که از گذشته دارند یکباردیگر بشکل حادی نسبت بتمام نهضت‌های انقلابی مارکسیستی اگر چه صادقانه بعمل دست زند بدبین خواهد ساخت و اگر همگامی تمایلات عامه مستضعف همان آب مورد لزوم برای شنای یک انقلابی که چون ماهی برخشکی جان نسپارد روش این تیز هوشان برای خشکاندن این آب کمتر از تبلیغات و عملیات رژیم کاری نیست.

۸- چه لزومی داشت که در بیانیه چهره پاک شهیدان گذشته مجاهدین مسلمان را با نسبت دادن اوهام پرستی و ایده آلیست بودن چرکین سازند. مگر نه آنکه ده سال فعالیت پیشگامانه و صادقانه آنها بود که شور انقلاب را در ایران بوجود آورده است گر چه میدانیم شما نمیتوانید و نخواهید توانست بدانان که چهره خونین بستر خاک کشانده اند نتازید و نکته پراکنی نکنید چرا که کوبیدن آنها و ایده‌های اصیل آن شهیدان توجیه کننده موقعیت شما و عقاید شما در مقابل سازمان محصول کودتائی است و البته از کسانی که از استالین آبه نازل میکنند چنین روشی دور از ذهن نیست.

۹- نویسنده گویا اصل مشعشعانه‌ای در مورد اسلام و فرق آن با مارکسیسم پیدا کرده است و با بحث مبسوطی میگوید اسلام چرائی مبارزه و مارکسیسم چگونگی آنرا مطرح میسازد. گویا مسلمان مورد نظر ایشان شبیه رفیق کارمندهای جماهیر شوروی در ذوب آهن ایران باشد که اگر با آنان بگوئیم باید مبارزه کنید جواب خواهند داد چرا، بعد یادشان می‌آوریم که مارکسیست هستند و حتما جوابشان این خواهد بود اینرا که میدانستیم مبارزه چرا؟

سفسطه بازی جناب در سایر موارد نیز کمتر از مثالهایستکه میتواند اِلَى الْأَبَدِ ادامه یابد. ولی همانطور که تاریخ نهضت فکری اسلام انقلابی در پنجاه سال گذشته نشان میدهد نکته گیریهائی از این قبیل جز آبدیده کردن و پروراندن جانهای مسلمان نقشی دیگر نداشته است و همیشه نیز چنین خواهد بود.

در پایان اعتقاد خود را در باره تلاشهای پشتانانه انقلابی چنین ابراز میداریم. تنها گروه‌هائی بسمت هدف خویش به پیش خواهند رفت و پیروز خواهند شد که پیوند استواری با تمام نیروهای لایزال عامه مستضعف برقرار سازند همانهایی که علی علیه السلام آنها را العامة من الامة در مقابل خاصه استعمارگر میدانند و آنانرا:

۱- عَمُودَ الَّذِينَ (ستون نگهدارنده چادر در برگیرنده ایدئولوژی توده‌ای منبعث از قوانین حرکت تکاملی و هدفدار دستگاه خلقت).

۲- جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ (نیروهای تسلیم شده بسننهای ضرور خدائی حاکم بر خلقت و تاریخ).

۳- وَالْعِدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ (یورش برندگان و مهاجمین بسمت نیروهای ضدخلقی و ارتجاعی) می‌شورد.

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ. (سوره رعد آیه ۱۷)

والسلام علی من اتبع الهدی.

دانشجویان مسلمان

آذر ۱۳۵۴

بنام خدا

شانزدهم آذروتوطئه‌های رژیم بر ضد جنبش دانشجویی

امسال رژیم با مطالعات و بررسیهای فراوانی که با استفاده از مغزهای فروخته شده عوامل خود و تجربیات ضد خلقی در سرکوبی جنبش‌های مردمی کسب کرده، تصمیم گرفته است با متد تازه‌ای با جنبش دانشجویی مقابله کرده و آنرا بزعم خود نابود سازد. شناخت و تحلیل این حيله‌ها و کيدهای ساواک برای تداوم مبارزه و خنثی کردن ضربات دشمن بسیار فوری و ضروری است و ما ذیلاً برخی از موارد آنرا ذکر میکنیم:

۱- تغییر اغلب رؤسای دانشکده‌ها و مسئولین امور دانشگاه و انتصاب افراد صد درصد مطیع و احياناً وابسته ساواکی.

۲- برچیدن کلیه کانونها و انجمن‌های مستقل دانشجویی از قبیل کتابخانه‌های اسلامی، اطاق کوهنوردی، نشریه و سازمان انتشارات، گروه سخنرانی، فیلم، مسافرت و... بمنظور سلب امکانات کار گروهی.

۳- توطئه تفرقه افکنی بین گروههای مبارز و ضد رژیم برای منحرف کردن جهت مبارزه و فراموش کردن دشمن واقعی.

۴- ممانعت از اسم نویسی و ورود دختران با حجاب بدانشگاه برای ضربه زدن به جناح اسلامی و در عوض پذیرفتن درصد مشخصی از دختران بدون رعایت ضوابط کنکور و برای ایجاد زمینه‌های انحراف فکری و فساد اخلاق (رژیم در اینمورد بر اثر مقاومت دانشجویان و فشار افکار عمومی مجبور به عقب نشینی گردید).

۵- مجاور ساختن خوابگاه پسران و دختران و مشترک کردن سلف سرویس، تشکیل اردوهای مختلط تفریحی کنار دریا و ایجاد مجالس رقص و موسیقی و دعوت از هنرمند نماهای مبتذل و فاسد برای سرگرم کردن دانشجویان.

۶- تشکیل اردوهای تابستانی بنام «عمران ملی» برای نشان دادن خدمات و اثرات خود و پر کردن وقت پربهای تابستانی دانشجویان با لاطائلات و برنامه‌های

حساب شده.

۷- تغییر در برنامه درسی و امتحانات برخی از دانشکده‌ها بطوریکه هفته حدود ۱۶ آذر دانشگاه رسماً و عملاً تعطیل باشد.

اینها قسمتی از برنامه‌هایی است که در جهت اهداف شیطانی رژیم بمرحله اجرا در آمده است و بموازات رشد جنبش دانشجویی دائماً توسعه و تعمیم می‌یابد. جنبش دانشجویی در ایران بعنوان جنبشی سیاسی انقلابی (نه تنها صنفی با جنبش دانشجویی در ایران بعنوان جنبشی سیاسی انقلابی (نه تنها صنفی بادعای رژیم) در رابطه مستقیم با شرایط خاص اجتماعی ایران و استبداد و اختناق حاکم کشور را تشکیل میدهند ولی در شرایط پلیسی حاکم بعنوان مهمترین سنگر آزادی، از حیات و استقلال معنوی خلق پاسداری کرده و نقش حساس و سازنده‌ای در جریان نهضت ملی ایران داشته‌اند. جنبش دانشجویی ایران نه بعنوان حرکتی مستقل و جدای از حرکت‌های سیاسی و سرنوشت ملت ایران بلکه در ارتباط و پیوند مستقیم با آن و با بهره‌مندی از رشد فکری و آگاهی سیاسی اجتماعی بعنوان شاخه‌ای از جنبش ضد استبدادی ضد استعماری در دوران مبارزات نهضت ملی ایران برهبری دکتر مصدق وسعت گرفت و شکوفا شد و همواره پیشاپیش سایر قشرها و طبقات در جریانات بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در واقعه ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، در مبارزات سیاسی سالهای ۴۰-۳۹ دوران نخست وزیری دکتر امینی، در قیام ملی ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و بالاخره در جهت گیری بسمت جنبش نوین انقلاب مسلحانه حرکت کرده است.

این جنبش بشکل تظاهرات گسترده در اولین عکس العمل دانشجویان نسبت به کودتای ۲۸ مرداد در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ نمایان شد. در آن روز نیکسون (نماینده آیزنهاور) برای چیدن میوه کودتای ۲۸ مرداد و دستورالعمل به نوکران کودتاچی بایران می‌آمد. دانشجویان که کاخ آمال و آرزوهای خود را با سقوط حکومت ملی دکتر مصدق و استیقرار مجدد دیکتاتوری شاه واژگون میدیدند بشدت بورود نیکسون اعتراض کردند و در مصاف با پلیس مسلح رژیم با فدا کردن سه تن از جوانمردان خود (شریعت رضوی، قندچی، بزرگ نیا) خون و شهادت را در مقابله با شرایط یزیدی برگزیدند. از آن تاریخ

این نهال برومند با خون شهدای دیگری دائما آبیاری شده، ریشه‌ها دوانده و شاخ و برگها و میوه‌ها داده است و دانشجویان این روز را نقطه عطف بزرگی دانسته و بیاد شهدای در خون خفته‌اش پیمان خود را با تازه واردین دانشگاه تجدید میکنند و این روز به برکت خون شهدای پیشگامش نه تنها در دانشگاه ایران بلکه در سرتاسر عالم از سال ۱۹۶۵ بدرخواست «سازمانهای بین المللی دانشجویان» روز جهانی دانشجویان شناخته شد و همه ساله در تمام کشورها مراسمی باین مناسبت برگزار میگردد.

رژیم سفاک همه ساله برای سرکوبی این جنبش متوسل به حربه تازه‌ای میگردد. ابتدا کوشید تا شاید این نطفه را در دانشگاه تهران خفه کند و با دستگیری رهبران دانشجویان و دخالت گارد نظامی و پراکنده کردن دانشکده‌ها و قسمتهای مختلف آن (بخصوص فنی) سعی کرد از گسترش این حرکت بکاهد، وقتی از مهار کردن دانشگاه تهران ناامید شد کوشید حداقل مانع سرایت جنبش بسایر دانشگاه‌ها شود و علاوه بر آن در تلاش این برآمد که محیطهای تازه دانشگاهی بوجود آورد و یکی از دلخوشی‌هایش برای تأسیس این دانشگاه‌ها این بود که از ابتدا با برنامه حساب شده‌ای در گزینش استاد و دانشجویان بروز تظاهرات گردد. بر اساس این برنامه دانشگاه پهلوی شیراز، دانشگاه ملی، و دانشگاه آریامهر را تأسیس کرد و بشدت کوشید آنها را از جریانات دانشجویی و جنبش برکنار دارد و بخاطر رقابت با دانشگاه تهران بیشترین بودجه و کاملترین امکانات را برای آنها فراهم کرد اما بمصدق «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» همین دانشگاه‌ها بزودی بزرگترین پایگاه علیه خودش شدند بطوریکه امروز بالاترین رقم شهدای جنبش مسلحانه خلق متعلق به دانشگاه آریامهر است و دانشگاه پهلوی شیراز که مدتها تحت ریاست غلام‌خان زاده «علم» بوده است امروز پرتحرک‌ترین و مبارزترین دانشجویان را دارا است.

مبارزات دانشجویی همه ساله در ۱۶ آذر اوج میگردد و ساواک با تمام امکاناتش هرگز نتوانسته آتش این عشق و امید را خاموش کند، نه با حضور گارد مسلح نه تهدید و محرومیت و نه اخراج و منحل کردن ترم و...

۱۶ آذر تا سال ۱۳۳۹ هر سال در دانشکده فنی بتنهایی برگزار میشد اما از آن سال

بعده این مراسم با شکوه بیشتری در همه دانشکده‌های داخل و خارج برگزار می‌شود. رژیم برای جلوگیری از تظاهرات ابتدا روز ۱۶ آذر و بعداً هفته قبل و بعد این روز را به بهانه امتحانات میانسال تعطیل کرد اما اکنون دانشجویان بجای یک روز ماه آذر را ماه اعتصاب می‌خوانند. پلیس از تظاهرات در داخل دانشگاه جلوگیری کرد، دانشجویان دامنه تظاهرات را به خیابان و چهارراه و بازار کشاندند.....

در آخرین و تازه‌ترین چاره‌جوئی ضمن تشکیل اتحادیه‌ای از دانشجویان، وابسته به ساواک و خودفروخته و پخش مجله اتحاد و توضیحات و پیغامهای انحرافی به دانشجویان، مشاورین پست ساواک چنین توصیه کرده‌اند که چاره‌ای جز پذیرفتن ۱۶ آذر و تظاهر به تجلیل از آن نیست اما باید آنرا تحریف کرده و از محتوی خالی ساخت بگونه‌ای که اثر انقلابی خود را از دست بدهد و به این طریق به آزادی ابراز عقیده او را فریب داده از حمایت جنبش مسلحانه برکنار دارد و به کارهای حاشیه‌ای مشغول سازد. این برنامه که با مشورت و صلاحدید خود فرعون تنظیم شده بود در شروع سال تحصیلی جاری بشرح ذیل اجرا شد:

در روز اول مهرماه هنگام افتتاح دانشگاه در حضور شاه سه نفر از دانشجویان و فارغ التحصیلان بصورت باز و بی پرده مقاله‌ای را که ساواک ماهرانه تهیه کرده بود قرائت کردند، مأمورین دانشجویانم‌ای ساواکی مسئله تظاهرات و اعتصابات و واقعه تاریخی ۱۶ آذر را بازگو و تحلیل کرده تقصیرها را بگردن سربازان و سرپرستان دانشکده می‌اندازند و شاه و دولت را از این جنایت مبرا می‌سازند. ساواک از این برنامه چند هدف را تعقیب مینماید:

۱- واقعه ۱۶ آذر را عمل تصادفی و اتفاقی جلوه می‌دهد که عده‌ای سرباز بدون برنامه و دستور قبلی بخاطر آنکه مورد اهانت بعضی از دانشجویان قرار گرفته‌اند عصبانی شده و تیراندازی کرده‌اند بنابراین نه انگیزه سیاسی در کار بوده و نه وابستگی به جنبش ضد استبدادی وجود داشته.

۲- با وجود اینکه ادعا میکند این واقعه تصادفی بوده میکوشد تا با مطرح کردن اینکه چرا شاه مملکت در ۱۵ بهمن در دانشگاه مودسوء قصد قرار گرفت و چرا گروهی

بنام دانشجو در دانشگاه با اصلاحات ارضی مخالفت کردند (اشاره به نهضت امام خمینی و قیام خرداد) و چرا بختیار که در آنموقع (۱۶ آذر) فرماندار نظامی بوده و بعدها از مخالفین دولت شده و با کنفدراسیون دانشجویان و دولت عراق بر علیه شاه همکاری کرده است، اصالت آنرا نفی کرده و موضوع را، برنامه از قبل طراحی شده ای توسط بیگانگان معرفی نماید که می خواسته اند شاه را بدنام سازند ؟

۳- با مطرح کردن ابهام و پیچیدگی مسائل سیاسی آن دوره و سرگردانی و عدم پختگی سیاسی زعماء آنروز اضافه میکند چگونه یک دانشجوی ۲۰ ساله سال اول بدون آموزش سیاسی میتواند است مسائل آنروز را درک کند؟ بنابراین آلت دست قرار گرفته و از خارج رهبری شده است.

ما در اینجا فقط یک سؤال مطرح میکنیم و تاریخچه دقیق ۱۶ آذر را جداگانه منتشر ساخته در معرض قضاوت شما قرار میدهیم:

سربازان را چه کسی بدانشگاه راه داده بود و چرا مسلسل داشتند؟

چرا افسر فرمانده و سربازان و درجه داران مسئول این جنایت بجای آنکه تسلیم قانون و اعدام شونده از طرف فرمانداری تهران (سرلشگر باتمانقلیچ) درجه و نشان و پاداش گرفتند و خود بختیار که مسئول اینکار بوده به ریاست سازمان امنیت ارتقاء پیدا کرد؟

خواهران و برادران دانشجو

در این شرایط که دشمن همه وسائل و امکانات پلیسی، سیاسی و تبلیغاتی خود را برای نابود کردن مبارزه انقلابی مردم ایران و سرکوب جنبش های پشتاز بکار انداخته است، ما باید با هشیاری کامل توطئه های خائنه رژیم را خنثی کرده و با فشردن صفوف خود در جنبش ضد استبدادی خلق، به مبارزه خویش با تمام قوا ادامه دهیم. با بلند کردن فریاد اعتراض ملت ایران و پاره کردن نقاب های فریبنده، از تنگناهای فعلی که رژیم بدان دچار شده است برای گسترش ابعاد مبارزه و بسیج خلق ستم دیده سود جوئیم. در این مبارزه دانشجویان مبارز و مسلمان که در دهه اخیر صفوف مقدم جبهه مبارزه ضد استعماری و ضد استبدادی ملت ایران را اشغال کرده سهم بزرگی در

حمایت از جنبشهای مسلحانه خلق بر عهده داشته‌اند وظیفه و مسئولیتی مشترک بردوش دارند.

خواهران و برادران شما بخوبی احساس کرده‌اید که رژیم لبه تیز حملات پلیسی و تبلیغات و جنگ روانی خود را عمدتاً، متوجه سازمانهای ما و آرمانها و اهداف مقدس ما کرده است. این امر به تنهایی ثابت میکند که فداکاریها و جانبازیهای شما تا چه حد در تضعیف دشمن و گسترش مبارزه مردم ایران تأثیر داشته است.

رژیم مکار میخواهد با تشدید جنگهای تبلیغاتی و نفاق افکنی و ایجاد اختلاف و همراه با آن با وارد کردن ضربات پلیسی و نظامی روحیه شما را متلاشی سازد. اجازه ندهید عناصر فاقد احساس مسئولیت نسبت به جنبش و یا ناآگاه نسبت به توطئه‌های رژیم و یا مغرض و فرصت طلب با اشتباهکاری با اقدامات دانسته و مغرضانه خود به تفرقه و نفاق و اختلاف در میان مبارزین کمک کنند. ضمن تقویت مبانی فکری و ایدئولوژیک و همراه با فشردن صفوف خود در جنبش و حفظ اصالت و استقلال کامل خویش پرچم هم‌آهنگی بین همه مبارزین ضد رژیم را بردوش حمل کرده، هدفهای اصیل مبارزه مردم و مصالح جنبش‌های انقلابی خلق را همیشه پیش رو نگاهداریم زیرا عوامل دشمن و یا فرصت طلبان سیاسی سعی خواهند کرد با استفاده از موقعیت‌ها جنبش را از مسیر اصلی منحرف سازند و مردم مبارز و در پیشاپیش آنها دانشجویان را متوجه هدفهای غیر اصیل ساخته مبارزه خلق را از حمایت قشرهای مبارز محروم سازند و مبارزه انقلابی و مسلحانه مجاهدان پیشتاز را به انزوا بکشانند.

میکوشیم تا بار دیگر دشمن را در برنامه‌هایش دچار شکست سازیم و مبارزه ضد دیکتاتوری ملت ایران را یک گام دیگر بسوی پیروزی نهائی به پیش رانیم.

پیروز باد مبارزه ضد استبدادی ملت ایران

درود بر مجاهدان قهران جنبش‌های پیشتاز

موفق باد جنبش دانشجویی پیشتاز

مبارزه ضد محمدرضا شاهی خلق ایران

دانشجویان مسلمان مبارز

آذر ۱۳۵۵

بسمه تعالی

باتوطنه‌های رژیم و مارکسیست‌ها چگونه مقابله کنیم؟

در سالهای خجسته ۵۰ در آن هنگامیکه مجاهدان کبیر مسلمان پنجره‌های تازه‌ای را با افقهای بازتر، بروی خلق مسلمان ایران می‌گشودند، نوکران امپریالیسم بین‌المللی همگام با توسعه بخشیدن به ظرفیت پلیسی خود و با استفاده از مغزهای فروخته شده یک عده روشنفکر کژدم صفت اقدام به توسعه کمی و کیفی توطئه‌های دیگر خود بر علیه خلق ستمکشیده و مسلمان ما و نیروهای پشتاز و مسلح کردند. گسترش روز افزون این توطئه‌ها که توسط حیوانهای متفکری نظیر جعفریان‌ها، نیکخواه‌ها، قاسمی‌ها، لاشائی‌ها، (این طرفداران دو آتشه سابق دیکتاتوری پرولتاریا) شکل گرفته دارای ابعاد گسترده‌ای است که مرزهای آن از برنامه‌های وسائل ارتباط جمعی گرفته تا توطئه‌های ساواک برای مغز شوئی زندانیان و نیز تفرقه افکنی بین نیروهای پشتاز و توده گسترش دارد. متاسفانه گروه‌های مارکسیستی با خطاهای هولناک خود (ضربه زدن و متلاشی کردن سازمان‌های اسلامی، افشاگری در برابر پلیس، کشتن رفقای هم‌رزم مسلمان و تبلیغات زهر آگین و پراز دروغ در تمام سطوح ممکن) در چند سال اخیر کمک بسزائی برای تحقق این توطئه‌های ضد خلقی و ضد نیروهای اسلامی نموده‌اند.

قرار داد نوشته نشده رژیم خونخوار با مارکسیست‌ها برای سرکوبی نیروهای اسلامی بهر شکل ممکن در سالهای اخیر یک استثناء نیست بلکه رجعت بتاریخ ۵۰ ساله اخیر نشان میدهد که این موضوع از قیام میرزا کوچک خان تا کنون بصورت قانونی نامتدون وجود داشته است و همواره نیز وجود خواهد داشت. موضع گیری صحیح و قاطع در مقابل توطئه‌های رژیم سفاک و ضربه‌های مارکسیست‌ها برای مسلمانان نه تنها ضروری بلکه مسئله زندگی است.

با توجه به نقشه‌های گسترده رژیم در و پروتی با نیروهای انقلابی اسلامی و روند اجرائی آن چه در زندان (مخصوصاً در دو سال گذشته) و چه در بیرون میتوان هدفهای زیر را تشخیص داد:

۱- ورود در و قرار دادن نیروهای مبارز و انقلابی مسلمان و مارکسیست‌ها و در نتیجه غفلت از دشمن و احیاناً سازش با آن (در بازجوییهای اخیر از مسلمانان، درخیم‌های ساواک مسلمان‌تر از خود آنها شده‌اند)

۲- جدا نمودن گروههای پیشتاز انقلابی و بازوهای مسلح انقلاب اسلامی از خلق مسلمان ایران با ایجاد تشکیک به مبانی اعتقادی این پاکبختگان جان برکف، در نتیجه خشکاندن ریشه‌های مردمی این خیزش مانند حرکت‌های مارکسیستی.

۳- ایجاد تفرقه بین گروههای مترقی اسلامی در سطوح مختلف بخصوص روحانیون با یکدیگر و با مجاهدین مسلمان و روشنفکران و دانشجویان پیشرو مسلمان، و شمردن خیانت‌های مارکسیست‌ها بر علیه مسلمانان و بر ملا کردن روش ضد اخلاقی آنان برای تعمیم بدبینی به مجاهدین اصیل.

۴- تزریق راست‌گرائی، محافظه‌کاری، ارتجاع، سطحی‌نگری در مسائل ایدئولوژیک با ایجاد هراس از نوآوری و نوزائی بخصوص توسط روحانیون مرتجع. اما سیاست مارکسیست‌ها در مقابل گروههای مترقی اسلامی در تمامی کشورهای مسلمان جهان یک اصل برمیگردد، مارکسیسم، اسلام را چون رقیبی پرتوان می‌بینند که در شکوفائی انقلابی خود بعلت ریشه‌های عمیق خویش در میان توده مسلمان و جذب آنها بسمت خویش ماهی مارکسیسم را در خشکی بی‌آبی به لاشه‌ای متعفن بدل می‌سازد و برای همین هم هست که مثلا گروه حبش در لبنان گروههای شیعی حرکه المحرومین و اهل را برای نهضت فلسطین (و فلسطین یعنی گروه ژرژ حبش) خطرناکتر از اسرائیل بشمار می‌آورد. هر چند گروههای مذکور بزرگترین رقم شهیدان را در جنگ بر علیه فالانترئیست‌ها داشته باشند.

سؤال را تکرار میکنیم، با توطئه نوکران امپریالیسم چگونه مقابله کنیم؟ با توطئه مارکسیستها چگونه روبرو شویم؟
ما راههای زیر را موثر می‌یابیم:

۱- تلاش پیگیر در راه وحدت عقیده و وحدت عمل بین تمام نیروهای پیشرو مسلمان و احتراز جدی از تفرقه و اختلاف (در این زمینه مخصوصاً روحانیون مترقی مسئولیت سنگین‌تری دارند)

۲- طرد راست‌گرایی، ارتجاع، محافظه‌کاری، سطحی‌نگری و هشیاری در مقابل عوامل سطحی‌نگر که چه بسا ناخودآگاهانه در برهه کنونی نژادپیشان در دعوت به تحجر و درجا زدن (در قالب‌ها و اسلاماگفتن‌ها و سینه‌چاک‌کردنها) ندای ساواک باشد.

۳- اعتقاد باین مسئله که در مقابله با رژیم یا باید چکش بود یا سندان اگر ضروری است که بازوی انقلاب اسلامی چون چکشی سهمگین بر علیه رژیم سفاک درآید نباید چون گذشته سندان‌ها در مقابل ضربه‌های مارکسیستها گردد.

۴- پیشروی هر چه بیشتر و شجاعانه‌تر در راه روشن کردن و ارائه دادن ایدئولوژی انقلابی اسلامی بر پایه تجربیات انقلابی سالهای اخیر.

۵- تحریم کامل مارکسیسم در هر سطح و هر موقعیت و هر مقطع زمانی، ضربات سالهای اخیر باید آخرین از نوع خود باشد.

۶- برخوردی نقد‌آمیز از تمامی تجربیات و تئوریهای علمی مکتب‌های مترقی اجتماعی جهان با هر مسلک و هر نوع جهان‌بینی بشرط اولویت دادن قرآن در هر تعلیم و تعلم ایدئولوژیک.

۷- در تاریکی نگهداشتن دشمن و نیز مارکسیست‌ها در هر سطح عملیاتی و زنده کردن تقیه در مفهوم انقلابی آن.

۸- تلاش در راه استحکام پیوند بین توده‌های مسلمان و نیروهای پشیمان‌زاد بدون ترس از مرتجع‌ها، گوشه‌نشینها و ترسوها، از طریق ارائه محتوی عمیق و مردمی ایدئولوژی انقلابی اسلامی.

۹- عبور از مرحله اخلاق ایستا که بساده لوحی می‌انجامد به اخلاق پویا (زیرکی در مقابل شرایط) در روبرویی با رژیم و مارکسیستها.

۱۰- مشغول نگشتن با مارکسیستها و در نتیجه غفلت از حیل‌های رژیم.

۱۱- یاد و یادآوری مداوم و موکد نامهای پاک شهیدان راه خدا همچون حنیف نژادها، سعید محسن‌ها، بدیع‌زادگان‌ها، رضائی‌ها و صادق‌ها بعنوان کسانی که با نثار خونهای خود در روی آسفالت خیابانها و یا پایه‌های میدان تیرخونی تازه در رگهای خلق مسلمان ایران بگریان انداختند.

۱۲- بردن پیام شهادت این شهیدان عزیز به میان توده با هر شکل ممکن.

دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران

زمستان ۱۳۵۴

بسمه تعالی

به یاد بود

جلال آل احمد

مسلمان متفکر و متمهد

«تقدیر، گاه درشگفت آفرینی های معجزه آسای خویش، زیبایی و ذوق بسیار بخرج می دهد. در کارخانه عظیم خلقتش که شبانه روز می چرخد و سنگها، گل ها، درختها، ماهی ها، پرنده ها، حشرات، چهار پایان، ددها، دامها و آدمهای بیشمار میسازد همه تکراری، استاندارد شده، و مثل هم، گاهی از روال عادی کارش خارج میشود و بدیعه می آفریند. به استثناسازی دست میزند: شعری می سراید، اثری هنری خلق میکند...» (خر-دکتر شریعتی)

جلال از بدیعه های آفرینش بود، در قلم و تفکر، و انقلابی ای بود سرشار از صداقت که گرچه در خانواده ای مذهبی رشد یافته بود ولی سنت گرا نبود. او با صداقت ذاتی، مدتها بجستجوی حقیقت، مکاتب مختلف را کندوکاو نمود و بالاخره با انتخاب مکتب فکری اسلام، ماهیت اصیل خود را بازآفرینی کرد و به اصل خویش بازگشت. جلال خود در «شرح احوالات» می نویسد:

«در خانواده ای روحانی بدنیا آمده ام پدر و برادر بزرگ و یکی از شوهر خواهرانم درمسند روحانیت مردند. الباقی خانواده همه مذهبی اند..... دبستان را که تمام کردم دیگر پدرم نگذاشت درس بخوانم که «برو بازار کار کن» توشیح دیپلمه آمد زیر برکه

وجودم (درسال ۱۳۲۲) یعنی که زمان جنگ. به این ترتیب است که جوانکی با انگشتر عقیق به دست و سرتراشیده از آن محیط مذهبی تحویل داده میشود به بلبشوی زمان جنگ دوم بین الملل.....

جلال در این بلبشوبه قول خودش عضو حزب توده میشود اما او وعده ای از همفکرانش نتوانستند دنباله روی کورکورانه را تحمل کنند و انشعاب کردند. در نیروی سوم فعالیت فراوانی داشت تا اینکه در اردیبهشت ۱۳۳۲ باز همان بازیها را در نیروی سوم هم می بیند از آنان جدا میشود. در این سالها کارهای قلمیش شکوفا میشود و در کتابهای خود به عنوان داستان گوشه های مختلف اجتماع را نقاشی میکند. باز خودش مینویسد:

«همچنین جواریها بود که جوانک از خانواده گریخته و از بلبشوی ناشی از جنگ و آن سیاست بازیها سرسام بدر برده، متوجه تضاد اصلی بنیادهای سنتی اجتماع ایرانیها شد با آنچه با اسم تحول و ترقی و در واقع به صورت دنباله روی سیاسی و اقتصادی از فرنگ و آمریکا دارد مملکت را به سمت مستعمره بودن میبرد و بدگش می کند به مصرف کننده تنهای کمپانیها، وجه بی اراده هم، وهم اینها بود که شد محرک «غرب زدگی» سال ۱۳۴۱... انتشار غرب زدگی که مخفیانه انجام گرفت نوعی نقطه عطف بود در کار صاحب این قلم.»

جلال در فروردین ۴۳ به حج میرود و حاصل آن سفرنامه اش «خسی در میقات» بود. در آنجا صادقانه شرح میدهد:

«بعد تطهیری و بعد مسجدا النبی. بزرگترین غبن این سالهای بی نمازی از دست دادن صبحها بود، بابویش، بالطافت سرمایش... پیش از آفتاب که بر

می خیزی انگار پیش از خلقت برخاسته‌ای و هر روز شاهد این تحول مجدد روزانه بودن... و امروز چنان حالی داشتم که به همه سلام می‌کردم، و هیچ احساسی از ریا برای نماز، و یا ادا در وضو گرفتن... دعاها همه بخاطرم هست، سوره‌های کوچک و بزرگ که در کودکی از برکرده‌ام... آن وقتها عین وردی میخواندمشان و خلاص ولی امروز صبح دیدم عجب بار سنگینی می‌نهند بر وجدان. صبح وقتی می‌گفتم (السلام علیک ایها النبی) یک مرتبه تکان خوردم ... »

جلال در این سفرنامه چه زیبا بر کارهای ضداسلامی عمال آرامکویعنی حکومت سعودی فریاد می‌آورد و با تأمل و تفکر در ماهیت انقلابی اسلام به این نتیجه میرسد که:

«آنوقت اگر غرب با این استعمار نوع جدیدش این چنین برارابه مسیحیت میراند، چرا در این حوالی که ما، ارباب اسلام را چنین زنگ، زده رها کرده‌ایم و از خود می‌پرسیدم که برای موضع گرفتن در مقابل غرب، این مراسم حج خود نوعی سکوی پرش نیست؟.....» از کتاب خسی در میقات

جلال، انقلابی صدیق، که در دوران حیاتش چون خاری در چشم رژیم بود، سرانجام همانند دیگر انقلابیون مجاهد نظیر دکتر شریعتی یعنی به دست رژیم سفاک ایران شهید شد. و تجربه‌ای با ارزش و پر بار برای جوانان سرگردان که در ابتدای راهند باقی گذاشت تا آنکه با صداقت در جستجوی راه و مقصدند باریگر راه‌های ناهموار را تجربه نکنند و امانت او را به دست گرفته راهش را ادامه دهند.

سلام بر او و بر صداقت انقلابی او

یادش گرمی باد و صداقت و تعهدش سرمشقی برای دوستانش

دانشجویان مسلمان ایران

شهریور ۱۳۵۶

بخش دوم

نشریات تحلیلی

«جنبش مسلمانان ایران»

بسمه تعالی

مثل الذین کفروا برّ بهم أعمالهم کرما دی شدت به الریح
فی یوم عاصف لا یقیدرونّ مما کتبوا علی شیء ذلک هو
الضلال البعید.

حاصل تلاشها و اقدامات کسانی که حق را پوشاندند
بمنزله تل خاکستری است که در یک روز طوفانی
تندباد شدید همه را برباد فنا میدهد (دشمنان حق) از
تلاشها و دستاوردهای خود طرفی برنبنند آری اینست
همان گمراهی دور از فلاح. (ابراهیم/۱۸)

مردم مسلمان ایران، برادران و خواهران

رسوایی رژیم کفر پیشه و ستمگر ایران اینک عالمگیر شده است. نه فقط مردم
ایران در شهر و روستا در کوچه و خیابان، در کارخانه و مدرسه، بلکه همه مردم بیدار دل
جهان به ماهیت پلید و ضد مردمی این رژیم که از دیدگاه مردم مسلمان ایران کافر
حربی محسوب میشود پی برده و پرده از چهره کریه و فریبکار و لافزن و جنایت پیشه و
خونخوار آن برگرفته اند.

رژیم خائن ایران که اینک درگیر بحرانهای کشنده اقتصادی و سیاسی گردیده
است برای اینکه بار دیگر از آتش خشم خلق ستمدیده ما برهد و چند صباحی بیشتر به
حیات سراسر خیانت پیشه خود ادامه دهد دست به تلاش مذبحخانه و اقدامات رسوا
شده ای میزند و با تغییر کابینه و تظاهر به افتتاح باب انتقاد و گفت و شنود میکوشد تا
خشم مردم را فرو نماند و سرگرمی تازه ای برای انحراف جنبش انقلابی توده ها دست و
پا کند. غافل از آنکه خلق مسلمان ایران راه قاطع و انقلابی خود را که به محو و نابودی
این رژیم منجر خواهد شد دیری است انتخاب کرده و فرزندان دلیر جان برکف خلق با
ایمان کامل به حقانیت و درستی اینراه و پیروزی نهائی به جهاد مقدس خود همچنان

ادامه میدهند.

ضعفهای درونی رژیم و تضادهای پدید آمده بین استبداد پهلوی و امپریالیسم امریکا و بحران‌ها و تنگناهای سخت اقتصادی و بالا تر از همه رشد همه جانبه مبارزه آشتی ناپذیر خلق و قهر و تسلیم ناپذیری همه قشرها و طبقات تحت ستم و استثمار موقعیتی پدید آورده که در پرتو آن جمعی از عناصر آزادیخواه مهر سکوت را شکسته، طی نامه‌ها و بیانیه‌هایی پرده از روی حقایق تلخ و زشتیها و جنایتهای رژیم کنار زده و شمه‌ای از فساد و غارتگری و ظلم و شکنجه و آزاری را که بر مردم تحمیل میشود و ضایعات وحشت‌انگیزی که در مملکت وارد میشود برملا سازند و عمدتاً ریشه این جنایات و فقر و ظلم و بدبختی‌ها را در سلطه حکومت استبدادی و سلطنتی پهلوی و نقض کامل قوانین اساسی و پایمال شدن حقوق و آزادیهای مردم و عجز و درماندگی رژیم در حل مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی کشور و تشدید بحران در همه زمینه‌ها، بالا گرفتن موج نارسائیها و نارضایتی‌ها که همه از ماهیت فاسد و ضد مردمی و استعماری و وابستگی به استعمار و سرمایه‌داری جهانی ناشی میشود، همراه با توسعه اقدامات افشاگرانه مبارزان وطن در داخل و خارج از کشور و توجه عمیق تر افکار عمومی جهان نسبت به شرایط اختناق و سراسر شکنجه و وحشت، اقتصاد ورشکسته و فساد از حد گذشته موجود در ایران و در عین حال نگرانی محافل امپریالیستی و در راس آن جناح حاکم امریکا از ادامه شرایط لرزان و شکننده کنونی که باسانی میتواند منافع عظیم اقتصادی امریکا و جهان سرمایه‌داری را بخطر اندازد، استبداد سلطنتی را در موقعیت دشواری قرار داده است زیرا اربابان برای حفظ آنچه دارند تغییراتی را در جهت تحکیم اوضاع و غلبه بر بحران خواستارند.

تغییر مضحک و در عین حال مهتوع دولت و جانشین شدن آموزگار وزیر پر نفوذ و فعال کابینه هویدا بجای وی به پست نخست وزیری و باقی ماندن هویدا بصورت مهره‌ای همچنان فعال در هیئت حاکمه و انجام جابجائی‌هایی در داخل دستگاه حکومتی و تشبیت همان عناصر اصلی که تاکنون مجری سیاست‌های ایران بر پایه استبداد داخلی و استعمار خارجی بوده‌اند و بالا تر از آن بی‌اعتنائی و قبحانه و لجاجانه

شاه نسبت بقوانین اساسی در نحوه تغییر دولت و تشکیل دولت جدید و حتی عدم رعایت ظواهر امر در جلب تمایل و رای اعتماد مجلسین این امید واهی را بار دیگر برباد داد که استبداد حاکم خود منشاء تغییراتی بنفع مردم و برضد خویش گردد.

همه چیز از تصمیم راسخ رژیم به ادامه سیاست های ضدملی گذشته حکایت میکند. انصاری دلآل نشان دار کمپانی های خارجی همچنان در رأس اقتصاد مملکت تثبیت میشود تا اجرای برنامه هائی را ادامه دهد که هدفش نابودی کامل تولیدات داخلی و تبدیل کشور به بازار مصرف کالاها و صنایع و ماشینهای ممالک غرب و سرمایه داری جهانی بوده است.

کشاورزی ما قربانی همین سیاست ضدملی گردید بطوریکه اگر یک روز قادر بخرید و وارد کردن گندم، برنج، گوشت، پنیر و میوه نباشند قحطی کاملی سراسر کشور را فرا میگیرد. (آماریکه تسلیمی وزیر بازرگانی کابینه هویدا اعلام نمود مؤید این مطلب است).

تحت سلطه این رژیم صادرات غیر نفتی ماطلی سالهای حکومت استبدادی و دست نشاندہ بنزدیک صفر میل کرده است و در مقابل حجم واردات با سرعت بی سابقه ای در حال فزونی است بطوریک حدود $\frac{3}{4}$ در آمد ۲۰ میلیاردی نفت صرف خرید کالا از خارج میگردد.

تحت حمایت نوکر صفتانه متصدیان رژیم خائن ایران که در سالهای اخیر همه اطاقها و راهروهای هتل های تهران را لاشخورهای شرکت های خارجی در بست در اختیار گرفته اند تا سهم خود را از جسد لگدمال شده و تاراج رفته ثروتهای ملی ما بچنگ آورند. آموزگار دلآل شرکت های نفتی در رأس دولت جای میگردد تا سلطه غارتگرانه اربابان خود را بر منابع نفتی و غیرنفتی ما تحکیم بخشد و ابقای نصیری در رأس سازمان شکنجه گر و ضدامنیت کشور جز نشانه عزم رژیم به ادامه همان روشهای سرکوب و اختناق و شکنجه و اعدام گذشته نمیشد. کمتر کسی فریب تظاهرات گره واری این دستگاہها را به پشیمانی از شکنجه کردن مردم میخورد و این حقایق معلوم میکند که رژیم رسوا و دیوانه استبدادی تا چه اندازه نسبت به فریاد و اعتراضات خلقهای جهان و

آزادبخواهان ایران بی اعتناست و حتی اعترافات خود را در زمینه قبول اعمال شکنجه بدست فراموشی میسپارد. اینها همه نشانه آنست که علیرغم ادعاهای بلندگوهای دولت هیچگونه تغییری جدی در جهت تأمین حداقل آزادی برای مردم و احترام بحقوق و منافع ملت رخ نداده است و محور سیاست ایران مانند گذشته بر پایه حکومت مطلقه استبدادی خاندان پهلوی می چرخد، استبدادی که موجودیت و منافع خویش را در گرو خدمت به منافع سیاست های استعماری و امپریالیستی و سرمایه داری جهانی و دلالت داخلی آنها قرارداده است و دولت ها جز آلت های بلا اراده و چاکران درگاه و غلامان خانه زاد این بزرگترین خائن و غارتگر تاریخ نبوده نیستند.

اینک می بینیم آنچه از آن بعنوان یک موقعیت و فرصت نام برده میشود در واقع چگونه چیزی بوده است باید دید منافع حکومت مطلقه استبداد ایران در کجا است؟ حکومت استبدادی چه در فرم و چه در محتوی هرگز نمیتوانسته است پایگاهی در بین مردم ایران داشته باشد و برغم تبلیغات شبانه روزی رژیم نظام شاهنشاهی در چهارده قرن اخیر حتی در یک لحظه مورد تأیید ملت ایران نبوده است. ملت ایران در چهارده قرن قبل با قبول اسلام خط بطلان بر نظامات استبدادی شاهنشاهی کشیدند و آنرا که سرچشمه رنجها و بدبختیها و ظلمها بود منهدم ساختند و بجای آن بحاکمیت اصول عدل و برادری اسلامی و برابری انسانها و حق مردم در تعیین سرنوشت تن دادند.

از آن ببعده اینگونه حکومتها و نظامها، حکومتهای غاصبی از سوی مردم تلقی شده است که تنها بازور سرنیزه بر مردم تسلط پیدا کرده اند، لذا مردم هر وقت و هر جا فرصت و قدرت یافته اند از قیام برضد آن خودداری نکرده و همچنان در راه برقراری حکومت مردم و حاکمیت عدل و برابری کوشیده اند. نهضت مشروطیت یکی از جلوه های تلاش مردم در جهت نفی حکومتهای غاصب استبدادی بوده است. ناکامی حکومتهای استبدادی در جلب حمایت مردم بارها و بارها تکرار شده است و ناچار جز تکیه بر پایگاه طبیعی اجتماعی خود یعنی طبقات و قشرهای استثمارگر و ثروتمند راه دیگری نداشته اند. اگر روزی ملاکین بزرگ، اشراف و خانها عناصر تشکیل دهنده و پایگاه اجتماعی حکومت استبدادی بودند، اینک سرمایه داران دلال صفت جای آنها را

در هرم قدرت گرفته‌اند. منافع این گروه بطوری با منافع سرمایه‌داری بزرگ غرب گره خورده است که بدون حمایت آن باسانی قادر به حفظ موقعیت خود نیستند. دولت‌های منبعت از این طبقه بوده‌اند که ایران را ظرف چندسال بصورت مستعمره اقتصادی سرمایه‌داری جهانی درآورده‌اند و سیاست‌هایی را در زمینه اقتصاد، کشاورزی و صنعتی و تجارت اعمال کرده‌اند که نتیجه آن جز تضعیف و انهدام تولیدات داخلی و مساعد کردن زمینه برای سودجویی و غارت بی حد و مرز اموال و ثروتهای عمومی و دسترنج مردم توسط سرمایه‌داران خارجی و عناصر وابسته به آنها در داخل نبوده است. روحانی "عنصر فاسد و مامور آلت دست همین سیاست‌ها قبلاً در پست وزارت آب و برق با ساختن سدهای گرانقیمت و غیر مفید پول سرشاری به جیب خود و اربابانش سرازیر کرد که امروز دچار این فاجعه بی‌برقی شده‌ایم (در مملکتی که تا چند سال دیگر قصد دارد به دروازه‌های تمدن بزرگ برسد) و بعداً در پست وزارت کشاورزی زراعت و دامپروری ملی را که در حد خود کفائی و حتی بالاتر از آن قرار داشت ظرف چندسال چنان بخرابی و انهدام کشانید که هرگز باین آسانی دوباره جان نخواهد گرفت، بطوریکه تلاشهای رژیم هم برای جبران محدود این ضایعات بجائی نرسیده است. (رژیم از آن جهت دست با اقداماتی ظاهری برای اصلاح و ترمیم ضایعات وارد بر کشاورزی میزند که عواقب آن مانند هر پدیده دیگری اینک سخت بزیان او عمل میکنند. بحرانهای ناشی از تورم و نوسانهای درآمد نفت و قیمت کالاهای وارداتی و افزایش سریع و مستمر قیمتها مشکل تأمین نیازمندیهای اساسی روزانه مردم از خارج و... عواملی هستند که رژیم را وادار بانجام اقدامات نارسائی در این زمینه نموده است).

نتیجه اجرای این سیاست‌ها بازگرداندن اقتصاد کشور به عصر استعمار کلاسیک (تولید یک کالائی) و وابسته کردن بدرآمد نفت و از بین بردن همه تولیدات ملی (از جمله سقوط آخرین و نابودی عمده‌ترین و قدیمی‌ترین تولید کالای صادراتی ایران یعنی صنعت فرش بوده است) در مقابل این ضربات مهلک که بر سقدت تولیدی جامعه وارد آمده است، رژیم در سایه خرابی و انهدام دهات و هجوم روستائیان بشهرها

به ساختمان سازی رونق داد و همراه با آنها صنایع مونتاژ (طریقه دیگری برای فروش محصولات خارجی و دلالتی سرمایه داری جهانی) را توسعه و رواج داد تا از بحران کار بکاهد و بر بیکاری عظیم روستائی غلبه نماید، لکن تجمع کارگران در شهرها و افزایش دستمزدها و تورم شدید و متزاید بنوبه خود بر سرعت انهدام کشاورزی و تولیدات اصیل ملی افزود و موجب تمرکز هر چه بیشتر سرمایه و ثروت در دستهای سرمایه داران وابسته داخلی و اربابان خارجی آنها گردید. دولت که از همه درآمدهای خود جزنفت تقریباً محروم شده است در اجرای برنامه های توسعه طلبانه خویش احساس درماندگی میکند. بخصوص تأمین هزینه های خرید اسلحه و لشکرکشی ها و توسعه قدرت نظامی و ایفای نقش ژاندارمی منطقه و احداث پایگاههای عظیم نظامی در سراسر کشور که عمدتاً در جهت ایفای سیاست استراتژیک امپریالیسم امریکا در منطقه میباشد و همچنین توسعه بی حد سازمانهای امنیتی و نیروهای سرکوب کننده داخلی که بهیچوجه حاضر بکاهش آنها نیست، بار سنگینی برای اقتصاد کشور بحساب میآید.

رژیم استبدادی بجای چاره جوئی اساسی کمبود درآمد خود را از راه تحمیل مالیاتهای سنگین بر مردم تحصیل میکند. روزی نیست که مردم خبر تصویب اجرای مالیات تازه و افزایش قیمت کالا و خدمات دولتی (پست، تلفن، آب، برق و بنزین و...) را نخوانند و نشنوند. در همان حال اجرای برنامه ای توخالی و نمایشی نظیر تغذیه رایگان و دادن سهمی از سود کارخانه به کارگران که صرفاً برای فریب افکار عمومی در داخل یا خارج و پوشاندن چهره ضد مردمی و ضد ملی دستگاه حاکمه تنظیم شده بود، نه فقط متوقف ماند بلکه از یک دوره تظاهر بحمايت از کارگران و توده های زحمتکش در شهر و روستا، رژیم ناچار شده است در مقابل تشدید تضادهای بین دهقانان و دولت و سرمایه دار و کارگر و نارضایتی روزافزون توده های محروم، چهره خشن و ضد مردمی خود را ظاهر سازد. اعتصابات گسترده کارگران در سالهای اخیر و مقاومتها و اعتراضاتی را که بصورت کم کاری، خرابکاری و نظایر آن در برابر استثمار و استبداد حاکم نشان میدهد، همه سبب شده است که رژیم به حمایت از سرمایه داران و برای حفظ خود از زحمتکشان مقررات سخت و بی سابقه ای را بر ضد کارگران تصویب کند، بطوریکه

برای هرگونه پرخاش و اعتراض ساده و حتی صرف تهدید باعتصاب هم مجازات سنگینی در نظر گرفته شده است. بی شک در آینده ای نه چندان دور با افزایش بحران کار و افزایش بیکاری و فقر متزاید کارگران و توده های محروم در شهرها و روستاها، دامنه اعتراضات گسترش میابد و در مقابل اقدامات سرکوب کننده رژیم تشدید خواهد شد. علاوه بر آثار شومی که بر سیاست های ضدملی رژیم مترتب است، فساد و فرسودگی دستگاههای اجرائی حکومت استبدادی خود عامل دیگری در بهدر دادن ثروتهای ملی محسوب میشود. علیرغم ادعاهای دروغ و برنامه های انقلابی شاهانه بر ضد فساد و دزدی و ریخت و پاش، میلیاردها از درآمدهای ملی و ثروت کشور بطور دائم توسط عناصر تشکیل دهنده حکومت و در رأس آن خانواده سلطنتی ربوده و صرف تأمین هزینه خوشگذرانیها و ساختن کاخهای افسانه ای یا انباشتن دربانکهای خارجی و سرمایه گذاری در خرید سهام شرکتهای مختلف جهانی میگردد. کیست که نداند رئیس همه دزدها و غارتگران مملکت و بزرگترین سهامدار در همه شرکتهای بزرگ تولیدی و تجاری و بزرگترین زمیندار و مقاطعه کار و صاحب کارخانه و تجارت و بزرگترین سهامدار و سرمایه دار ایرانی در شرکتهای و مؤسسات و بانکهای خارجی شخص شاه و دیگر اعضای خانواده ننگین پهلوی است؟ عمق و وسعت این ضایعات بقدری است که هرچند یکبار رژیم بوجود آن اعتراف میکند و یکی دوفراز همپالگی های خود را که بدلائل دیگری مغضوب اند فقط برای چند صباحی تنبیه میکند و بعداً هم با سرو صدا آنها را در پست های تازه ای میگمارد تا بوظائف خود ادامه دهند. تحت چنین شرایطی که میگوئیم نگهدار و حامی طبیعی و صمیمی دستگاه قدرت استبدادی در داخل طبقه سرمایه دار دلال صفت و غارتگری است که مواضع قدرت اقتصادی سیاسی را بیشتر اوقات توأمأ اشغال کرده است و چندسالی است که سعی کرده است سران نظامی را هم در منافع اقتصادی و دزدیهای خود سهیم کند و در خارج، حامی رژیم از یک سو قدرتهای اقتصادی جهان سرمایه داری است که منافع حیاتی در ایران دارند و از دیگر سو دولتهای سلطه جو و متجاوز جهانخوارند که نه فقط حامی کمپانیها و منافع اقتصادی وابسته به خود هستند بلکه در عین حال منافع عظیم استراتژیک در منطقه دارند

و ایران سریل حساس آنها در آن منطقه از جهان بشمار میرود و نقشی را باید برای آنها ایفا کنند که آلمان در اروپا و برزیل و آمریکای جنوبی و ژاپن در خاور دور دارد، وجود همین منافع عظیم اقتصادی و استراتژیک در ایران است که دولت‌های بزرگ سلطه‌گرا نسبت باوضاع آسیب‌پذیر ایران نگران می‌کند. چه ضعف و ناتوانی رژیم از ایجاد یک وضع باثبات از لحاظ سیاسی و اقتصادی در یک چنین زمینه‌ای رشد نهضت‌ها و حرکت‌های انقلابی در سال‌های اخیر و تشدید نارضایتی عمومی و عمیق‌تر شدن شکاف بین مردم و هیئت حاکمه، همه موجب تکامل مبارزه و رشد شرایط و مقدمات انقلاب در ایران شده است. قدرتهای سلطه‌جو و سرمایه‌داران جهانی که خود را در مقابل خطر از دست دادن همه چیز می‌بینند و چنین وضعی را نتیجه فساد و ضعف و فرسودگی رأس هرم قدرت استبدادی و جدائی کامل آن از ملت میدانند اصلاحاتی را خواستارند که این وضع بحرانی و شکننده را در جهت تثبیت وضع موجود تغییر دهد. این جناح از قدرتهای سلطه‌جوی امپریالیستی که دارای روشن بینی بیشتری نسبت به حوادث و اوضاع هستند و منافع درازمدت استعماری خود را در مدّ نظر دارند مایلند که قدرت مطلقه استبدادی تجدید شود و با دادن مقدار معینی آزادی به مردم از فشار نارضایتی و خفقان بکهند و بجای حکومت عناصر فاسد و سلطه‌یک خاندان ثروت اندوز قشری از تکنوکراتهای خدمت‌گزار و سرسپرده زمام امور را در دست گیرند و چون استبداد محمدرضاشاهی در مقابل همین اندازه تغییرات که متضمن محدود شدن نسبی قدرت و سلطه مطلقه او است مقاومت و سرسختی نشان میدهد آن محافل هم تا حدودی فعالیت‌های افشاگرانه نیروهای آزادیخواه ایرانی را در خارج آزاد گذارده به مطبوعات و دیگر وسائل ارتباطی وابسته به خود اجازه دادند تا بطور نسبی پرده از روی چهرهٔ خشن و کثیف و فاسد و درهم شکسته رژیم بردارند و گوشه‌ای از غارتگریها، شکنجه‌ها و اقدامات بی‌رحمانه و ضد مردمی آنها را برملا سازند. شاه در رأس هیئت حاکمه در مقابل این حوادث تسلیم نشد زیرا چنانکه گفتیم اینکار اولاً او را از منافع عظیم مادی که در سایه سیاستهای گذشته کسب کرده است محروم می‌سازد و سلطه مطلق او را بر اقتصاد و سیاست کشور متزلزل می‌سازد و از دیگر سومیل بکسب و تمرکز پول و قدرت وجود او را فرا گرفته است و برای حفظ

موجودیت رژیم در وارد کردن فشار و سرکوبی مردم و شکنجه و آزار مردم حق طلب پیشرفت کرده است و آنقدر در لجنزار فساد و تباهی و آدمکشی و خیانت و جنایت فرو رفته که هیچ راه بازگشتی برای او باقی نمانده است و یکقدم عقب نشینی را مقدمه نابودی خود می‌شمارد. رژیم برای مقابله با فشارهای خارجی و سرکوبی و کنترل اعتراض‌ها و شورش‌های داخلی ضمن تکیه بیشتر بر پایگاه اجتماعی خود که سرمایه داری وابسته و مدیران و کارشناسان وابسته و در خدمت می‌باشند هم از تناقض و تضاد بین جناح‌های مختلف و قدرتهای استعماری سود می‌جوید و هم قدرت نظامی و نیروهای سرکوب کننده و ضد خلقی خویش را بخدمت می‌گیرد. در همان حال برای خنثی کردن فعالیت‌های افشاگرانه در داخل و خارج بمانورهای گول زنده‌ای دست می‌زند و چنان وانمود میکند که گویا تصمیم دارد آزادی محدودی در چارچوب نظام شاهنشاهی بمردم عطا کند، زندانیان سیاسی را آزاد کند و شکنجه را موقوف سازد و برای مردم حق انتقاد قائل شود و سرانجام اقتصاد مملکت را سامان بخشد و ثبات مورد نیاز اربابان خود را رأساً تأمین کند.

در مقابل چنین موضعگیری از جانب رژیم آن جناح از قدرتهای اقتصادی که اینک در امریکا در رأس قدرت است و استبداد فاسد سلطنتی شاه را عاجز از انجام اصلاحات جدی میداند و بر ظاهر سازیهای دستگاه وقوف دارند بدلائل چندی از اعمال قدرت و فشار نامحدود و جدی برای پیشبرد نظریات خود و وادار کردن شاه به اجرای تغییرات مطلوب پرهیز دارند. این اعمال قدرت از جانب قدرتهای سلطه جوی خارجی هم میتواند بصورت یک اقدام سریع نظامی در داخل (کودتا بر ضد شاه) انجام گیرد نظیر آنچه در مورد رژیمهای دست نشانده‌ای چون نگو دین دیم در ویتنام انجام شد و هم میتواند به صورت اعمال محدودیتهای شدیدتر در کمک اقتصادی و سیاسی ظاهر شود و تا تسلیم شاه ادامه یابد، اما در اجرای هر یک از این دو روش با مشکلات و موانع جدی روبرو هستند. در حال حاضر نه اوضاع جهانی و نه تناقضات درونی امریکا و مخالفت جناحهای دیگر از قدرتهای اقتصادی و سیاسی اجازه دست زدن بیک اقدام جدی علیه یکی از دست نشانده‌گان را نمیدهد، بنابراین این احتمال تقریباً منتفی است، بخصوص

که تجربه هم نشان داده است که این روش چندان دردی دوانمیکند و شاید حرکت حوادث را در جهت سقوط و متلاشی کردن رژیم سیاسی - اقتصادی موجود که هدف آنها حفظ آنست تسریع نماید، زیرا فساد کنونی همه استخوان بندی و پیکره رژیم را فرا گرفته است و هرگز به شاه و خاندان سلطنتی محدود نمانده است و هیچ قدرتی و جناحی از درون هیئت حاکمه قادر نیست به اوضاع نابسامان فعلی سامان جدی و اساسی بخشد. آمریکا برای اعمال فشار سیاسی و محدودیت اقتصادی و نظامی نیز با مشکلاتی روبرو است. آنها میترسند که شاه و رژیم او برای حفظ قدرت خویش به مانورهای دست بزنند که منافع اقتصادی و استراتژیک او را در منطقه بخاطر انداخته و تعادل موجود قوا را بنفع رقابیش در همان جبهه غرب (مثلا فرانسه) برهم زند.

این وضعیت از لحاظ منافع و هدفهای سیاسی آنها نقض غرض بشمار میرود بهمین جهت ملاحظه میشود که در فشار برای اجرای خواستههایشان کمال احتیاط و میانه روی را مرعی میدارند و راه آشتی و سازش را با قدرت استبدادی محمدرضاشاهی باز میگذارند. با اینهمه فشار سیاسی آنقدر بوده است که رژیم را در وضعیتی قرارداده است که لااقل تا وقتی بر بحران عظیم اقتصادی غلبه نکند و از تنگناهای کشنده موجود تا اندازه ای رهائی نیابد و اوضاع را به ثبات نسبی نرساند و تناقض بین نظریات خود و امپریالیستها را حل ننماید، نمیتواند همانند گذشته آشکار و نامحدود هرفریاد و نیروی مخالفی را سرکوب سازد و ناچار است بعضی ظواهر و محدودیتهای مراعات نماید. از همین نقطه ضعف است که حرکتهای آزادیخواهی ضد استبدادی میتواند ضربات مؤثرتری بر پیکره رژیم وارد آورد و اینکار در وهله اول با توده ای کردن اعتراضات و تشویق و تحریض حرکت های خودبخودی مردم در سطوح مختلف امکان پذیر است. آنچه مسلم است رژیم تا آخرین مرحله در مقابل فشار برای هر تغییری که قدرت نامحدود و سلطه مطلقه او را بر اقتصاد و سیاست کشور بخاطر اندازد مقاومت می ورزد. در نهایت امر و هنگامیکه خطر را نزدیک احساس کند به تغییرات روبنایی دست خواهد زد چنانکه هم اکنون در این زمینه دست با اقداماتی گول زننده و سطحی زده است که آزاد کردن تعدادی از زندانیان سیاسی از آنجمله است. همچنانکه نباید از قدرتهای

استعماری و سلطه جوی غربی انتظار فشار زیاده از حد بر رژیم را داشت. سیاست دولت با بلوک شرق برهبری شوروی هم در این میان همانند گذشته براساس همزیستی با رژیمهای ضد مردمی و دیکتاتورها و اقلیت های حاکم رهبری میشود که کلاً متأثر از سیاست تاجرانابه آنها در تقسیم جهان به مناطق نفوذ خود میباشد. فرصت طلبی این دولت های باصطلاح سوسیالیست، سالها است ماهیت ملت گرایی افراطی خود را نشان داده است. آنها هیچ فرصتی را برای جلب منافع و امتیازات بیشتر از راه دوستی و حمایت از رژیم های دست نشانده و ضد خلقی از دست نداده اند. در کاربرد این شیوه بین جناح های مختلف و متضاد بلوک کمونیستی تضاد اساسی مشهود نیست. سفر شاه و فرح در شرایطی که وی از ترس جان قادر به مسافرت به ممالک اروپا و امریکا نیست و دولت ها هم حاضر به تضمین جان وی نیستند به لهستان و چکوسلواکی دو کشور کمونیست اروپای شرقی سخت بامعنا جلوه میکند.

بنابراین تنها عامل تعیین کننده در سرنوشت رژیم استبدادی شاه قدرت کوبنده مبارزه جوی مردم است که باید ضمن شکل خود در حرکت های ضد استبدادی و انقلابی با استفاده از هر فرصت مناسب ضربات تازه ای بر پیکر رژیم وارد سازند.

بدون تردید یک عامل اساسی برای به بن بست کشاندن رژیم و شکست برنامه های ضد خلقی آن، مبارزه انقلابی مردم و در پیشاپیش آن مبارزه مسلحانه مجاهدان و فدائیان خلق بوده است که با خون شهیدان خود و تحمل شکنجه ها و پرکردن زندانها پرچم مبارزه ملت را برافراشته نگه داشتند و فریاد قهر و خشم و اعتراض مردم را بگوش جهانیان رساندند و امید بآینده و سروری جهانی را در دل های مردم مستضعف زنده نگاهداشتند و نگذاشتند که رژیم، ایران را بگورستان محمدرضا شاهی تبدیل کند، تا آنجا که خواب راحت را از شاه و وابستگان او گرفته اند و بطوریکه در هیچ جا نه داخل و نه خارج از کشور از خشم ملت و مجاهدان از جان گذشته احساس امنیت نمیکند.

رژیم خائن استبدادی و دست نشانده شاه با موضعگیری سیاسی - اقتصادی همه قشرها و طبقات اصلی جامعه را علیه خود بسیج کرده است. قشرهای روشنفکر

کشور سالها است ضربات مهلک تازیانه استبداد داخلی و قدرتهای سلطه جوی خارجی را برگرده های خود احساس میکند و در مقابل بیشترین سهم را هم تاکنون در مبارزه با آن و دربرافراشته نگاهداشتن پرچم پیکار خلق برعهده گرفته اند و هم در این راه قربانی ها داده اند و می دهند تولید کنندگان داخلی خرده پا و کسبه که طبقه خرده سرمایه دار ملی را تشکیل میدهند در سالهای اخیر ضربات سختی را از جانب رژیم تحمل کرده اند. سیاست اقتصادی رژیم که در جهت حمایت از انحصارات و تراست ها و کارتل های سرمایه داری و وابسته داخلی و اربابان خارجی آنهاست این طبقه را در فشار خردکننده ای قرار داده است. آگاهی رژیم از نقش پیشرو و مترقی این طبقه در طول یک قرن اخیر در حمایت از (نهضت های) آزادیخواهی و ضداستعماری و ضداستبدادی سبب شده است که کینه توزانه سرمایه داری خرده پای ملی را مورد حملات سخت و آزار قرار دهد و قدرت آنرا در هم کوبد و متلاشی سازد. روحانیت مترقی و مبارز در صف روشنفکران کشور در طول یک قرن مبارزه ضداستعماری و ضداستبدادی نقش برجسته و پیشرو در میدان نبرد برعهده گرفته اند. بیداری وجدان و رشد آگاهیهای درست و اصیل اسلامی و در نتیجه توسعه و افزایش قدرت جنبش اسلامی و فشرده شدن نیروهای مبارز در صفوف این حرکت رژیم را بانقمام جوئی و سفاکی بی نظیری از مسلمانان و روحانیون مبارز کشانده است. تلاش استبداد و استعمار از زمان سلطه رضاخان در ایران و آتاتورک در ترکیه بمنظور محو هویت اسلامی این ممالک و ریشه کن ساختن فرهنگ اصیل اسلامی هدفی جز نابود کردن این نیروهای محرکه قوی و ریشه دار حرکت های مترقی و انقلابی در این ممالک نداشته است. استبداد محمدرضاشاهی این برنامه را با وسعت و عمق بیشتری ادامه میدهد در همان حال که ارتجاع مذهبی را برای مقابله با جنبش مترقی اسلامی حمایت میکند سعی دارد بجای فرهنگ اسلامی، فرهنگ غیرمذهبی سرمایه داری و مصرفی اروپای غربی و آمریکا را حاکم کند که هدفش تبدیل مردم به گله حیوانات سربزیری است که انگیزه ای جز خوردن و اطفای شهوت جنسی نداشته باشند. ترویج لاقیدی و لامذهبی و بی بندوباری و فساد و طلاق و تشویق میل به مصرف و تکیه روی آزادی جنسی و روابط آزاد زن و

مرد، بی اعتبار کردن همه ارزشهای اصیل اخلاقی و مذهبی در میان جوانان و شستشوی مغزی نسل جدید که بکمک برنامه‌های استعماری آموزشی و تبلیغات تلویزیون و نظائر آن همه در جهت خدمت به منافع سرمایه داری وابسته و اربابان خارجی آنها و حفظ قدرت استبدادی و محروم کردن جامعه از نیروی محرکه انقلاب و قیام علیه وضع موجود صورت می‌گیرد، خلق مسلمان ایران هرگز فریب نمایشها و تظاهرات استعماری رژیم را در حمایت از فرهنگ اسلامی از طریق تأسیس دانشگاه اسلامی یا چاپ قرآن و نظائر آن نمی‌خورد و کمترین تردیدی در مورد ماهیت ضداسلامی و ضدخلقی آن بدل‌راه نمی‌دهند و خلقهای آگاه و مبارز مسلمان میدانند که اگر عناصری چون سادات، شاه، ضیاءالحق بعد از آنکه ماهیت ضداسلامی آنها بر همه آشکار شده است اینک مدعی حمایت از اسلام و اجرای مقررات اسلامی اند، هدفی جز مقابله ضروری با نهضت‌های انقلابی خلقهای مسلمان ندارند بهمین جهت علیرغم همه تظاهرات دروغین و اقدامات خائنانه‌شان همگی با پدیده ترسناک رشد فوق‌العاده و تهدیدآمیز جنبش مترقی اسلامی روبرو هستند و ملاحظه می‌کنند که همان جوانها که هدف برنامه‌های پرهزینه سیاست‌زدائی و اسلام‌زدائی و استعماری میباشند بجای تن دادن به فساد و بی‌بندوباری و بجای فریفته شدن و گول خوردن با پیوستن بصوف مجاهدان مسلمان و مبارزان ضداستبداد و ضداستعمار نهضت‌های آزادیبخش را قدرت روزافزونی می‌بخشند. مقاومت این نسل خلاق و مبارزه در مقابل برنامه‌های فرهنگی رژیم و تشکل مذهبی آنها در صفوف نبرد مسئولین و مقامات مربوطه را دچار شگفتی و خشم ساخته است. امروز مقاومت فرهنگی و حفظ سنگر فرهنگ اصیل و انقلابی اسلامی در مقابل حملات همه جانبه استبداد و استعمار وظیفه عمومی همه مبارزان راه آزادی و استقلال بشمار میرود زیرا استبداد و استعمار میکوشند با فتح این سنگر آخرین و مهمترین عامل مقاومت خلق ما را در هم بشکنند. زحمتکشان خلق ما سالها است طعم تلخ استعمار اقتصادی و استبداد سیاسی رژیم پهلوی را می‌چشند، سرمایه داری وابسته چپاولگر ایران در زیر چتر حمایت استبداد محمدرضاشاهی بی‌هیچ مانع و محدودیتی به غارت ثروتها و منابع ملی و استثمار زحمتکشان مشغول است و شاه مجبور شد موضع خود

را بعنوان دشمن طبقه کارگر و بعنوان ابزاری سرکوب کننده در دستهای سرمایه دار دلال صفت داخلی آشکار نماید. اینک طبقه کارگر با وضوح بیشتری دشمن واقعی خود را که رژیم استبدادی محمدرضا شاه و هم پیمان او سرمایه داری وابسته است می شناسند و اراده خود را برای مبارزه با آن و کسب حقوق حقه خویش راسخ تر مینماید. همه این قشرها و طبقات اینک میتوانند در جبهه مشترک مبارزه با استبداد محمد رضا شاه شرکت جویند و باتوجه به نقش قاطعی که این رژیم در حفظ سلطه استعماری امپریالیستیهای سرمایه داری جهانی و سلطه استعماری غارتگران داخلی دارد همه نیروهای خود را برای درهم شکستن محور و تکیه گاه آن که استبداد سلطنتی پهلوی میباشد متمرکز سازند.

مردم ایران و در پیشاپیش آن نیروهای مبارز و جنبشهای پشازا هم اکنون هرچریان فرصت طلبانه ای را که هدفش حفظ و تأیید استبداد محمدرضا شاه باشد محکوم میکند و کوشش در منحرف کردن مبارزه خلق مسلمان ایران تلقی میکند. امروز شعار اصلی مبارزه سیاسی همه قشرها و طبقات ضد رژیم باید مبارزه با سلطه استبدادی موجود تا محو کامل آن و اعاده حاکمیت بملت و قطع نفوذ اجانب و خلع ید از غارتگران داخلی کشور باشد.

همه نیروهای مبارز و مجاهد خلق مسلمان ایران وظیفه دارند تمام امکانات خود را در جهت تشکل قشرها و نیروهای مترقی و طبقات زحمتکش و تحت ستم در مبارزه علیه استبداد سیاه پهلوی بکار برند و همچون گذشته در پیشاپیش و در صف مقدم جبهه پیکار رهایی بخش خلق و تا کسب آزادی و استقرار عدالت و برابری و اخوت اسلامی ادامه دهند.

پیروز باد نبرد رهاییبخش مردم مسلمان ایران علیه استبداد و استثمار

درود بر همه نیروهای مجاهد و از جان گذشته خلق

ننگ و نفرت و سرنگونی باد بر رژیم استبدادی و ضد مردمی پهلوی

جنبش مسلمانان ایران

رمضان ۱۳۹۷

شهریور ۱۳۵۶

مردم محروم و زحمتکش ایران

رژیم خائن و استبدادی باردیگر ماهیت ضد مردمی خود را آشکار ساخت و ضعف و زبونی خود را در برابر نیروی خشمگین مردم در پوششی از خیانت پنهان ساخت. سالهاست که رژیم بنابه ماهیت پلید و سودجویانه و ضد مردمی خود از حل مسئله مسکن و تأمین نیازمندیهای سیل مهاجرین روستائی به تهران. همانند هر مسئله اجتماعی دیگری اظهار عجز و ناتوانی میکند، از آنجا که محوری سیاست های اقتصادی - اجتماعی بر منافع بی حد و مرز شاه و خاندان کشفش، سرمایه داران وابسته و استعمار خارجی استوار است، لذا فقر و بیکاری حاصله از این سیاست ها توده های محروم و زحمتکش روستاها و شهرهای کوچک را در جستجوی کار و نان به پایتخت میکشاند.

توده های زحمتکش مهاجر به تهران، ضمن تن دادن به استثمار سرمایه داران در شرایط بسیار دشواری در حاشیه های شهر یا بیغوله ها ساکن میشوند و در عین حال که بانیروی کار خود پول و ثروت برای اربابان قدرت و ثروت می آفرینند خود از همه مزایای زندگی شهری همچنان محروم میمانند. ضرورت ادامه حیات و تأمین پناهگاه زحمتکشان حاشیه نشین تهران را اوادار میکند علیرغم محدودیتهای قانونی و مزاحمت های پلیسی و فشارها و تحمیلات در اراضی خارج از محدوده بارنج و بدبختی آجر روی آجر قرار دهند و کلبه هائی بسازند و زن و فرزند را در آن جای دهند. در تمامی این سالها شب و روز این طبقه محروم و تحت ستم باژاندارم و مامورین شهرداری و سازمان امنیت دست و پنجه نرم میکنند. در عین حال که همه درآمد ناچیز خود را بجهت سودجویان و مامورین دولتی فرو می کنند مجبورند ضرب و شتم و حملات و یورش های وحشیانه شبانه روزانه آنها را هم تحمل کنند و بارها شاهد خراب شدن خانه ای باشند که با خون و عرق و رنج بنا کرده اند.

تحمیلات ستمگرانه رژیم بر زحمتکشانش آواره وحاشیه نشین تهران موجب بروز مقاومت‌هایی در میان ساکنان محروم شمیران‌نو، افسریه، سلیمانیه، شهرری، جوادیه، تهران پارس، باغ فیض، قاسم‌آباد شاهی، نعمت‌آباد، دولت‌آباد و..... گشت و دریافتند که در برابر سفاکی و بیرحمی و سودجویی پاسداران رژیم چاره‌ای جز مقاومت ندارند و باید از خانه و کاشانه خود با چنگ و دندان و با چوب و آجر دفاع کنند. مقاومت‌های پراکنده زحمتکشانش در مناطق مختلف گاه بیک شورش واقعی تبدیل میشد، اینهمه رژیم را بوحشت انداخت و از گسترش خشم و مقاومت توده به هراس افتاد.

رژیم در برابر خطر گسترش خشم و کینه خلق زحمتکش به نیرنگ دست می‌زند، چون خود را از تهیه مسکن و سایر نیازمندیهای طبقات محروم وحاشیه نشین عاجز می‌بیند و در همان حال از تشدید برخوردها و اوج گرفتن شورشها می‌هراسد به خدعه بطور ضمنی اجازه می‌دهد تا مردم در خارج از محدوده خانه بسازند و مقررات دولتی را نادیده بگیرند و در همان حال مامورین شهرداری را بجان مردم می‌اندازد و مجموعه‌ای از تخریب و کشمکش بوجود می‌آورد. رژیم جنایتکار و نیرنگ باز پهلوی میکوشد از این موقعیت باین شکل سودجوید که با آزاد گذاردن نسبی فعالیت خانه سازی در این مناطق بوسیله مردم خود را از وظیفه تهیه مسکن برای زحمتکشانش خلاص کند. بجای آن خلق محروم با فروش همه هستی خود و با قرض و گرو گذاشتن و نیروی کار و بازوی خویش با هرجان کنند است مصالح ساختمانی را با گرانترین قیمت فراهم کنند و با پرداخت مزد کمرشکن بنا و کارگر و استفاده از کارشبان روزی همه اعضای خانواده و دوستان چند آجر روی هم قرار دهند و از این راه هم سود کلانی بجیب سودجویان وارد سازند و هم دولت خود را از انجام وظیفه اش معاف دارد و برای شاهنشاه این بزرگترین غارتگر و جنایتکار تاریخ ایران دعا گو میتراشد که اجازه فرموده اند مردم استثمار شده و غارت شده خلق با خون و عرق و رنج خود در زمین خدادادی کلبه‌ای بسازند. مردم زحمتکش و بیدار ایران بعد از پنجاه سال تحمل استبداد ستمگرانه پهلوی اینک بهمه نیرنگ‌ها و خدعه‌های آن آشنائی دارند و هرگز فریب تظاهرات مردم دوستانه و عابدانه؟! این آدمکش سودجود و عیاش و هرزه رانمی‌خورند، در همان حال که عکس منحوس و نفرت انگیزش را بعنوان سپری

در برابر حملات مامورین او بر درو دیوار نصب کرده اند، زیر لب سرود خشم و نفرت و لعن و نفرین و شورش و عصیان زمزمه میکنند و در دل آرزو میکنند که هر چه زودتر این سایه ظلمت و استثمار و فقر و شکنجه و عتاب خانه و کاشانه و وطن آنها را ترک کند.

آتش خشم توده های زحمتکش و ازجان گذشته منجر به آتش زدن جیب مامورین در محل و شکستن درو پنجره شهرداری ناحیه ۶ و ۲ و آتش زدن چند اتومبیل در شهرداری گردید و همین مقاومت به عقب نشینی و تسلیم شاه و اعلام عجز مزورانه او بوسیله عامل پلید جدید او آموزگار گردید و ثابت شد که هیچ قدرتی نمی تواند در برابر همبستگی نیرومند خلق آزاده و استوار مقاومت کند.

بحران سیاسی و اقتصادی که رژیم را در بر گرفته است مانع از آن است که همانند گذشته از موضع قدرت و بی رحمی و قتل و کشتار با مردم رو برو شود و بجاست که مردم ستم دیده ما از این موقعیت برای تشکل انقلابی خود در جهت کسب حقوق خویش و ضربه زدن بر پایه های متزلزل رژیم استفاده کند و هرگز فریب تظاهرات ریاکارانه و در ظاهر مردم دوستانه رژیم خونخوار و آدمکش پهلوی را نخورند.

گسترده باد مقاومت مردم زحمتکش خلق

ننگ و نفرت بر استبداد پهلوی

پیروز باد مبارزه خلق مسلمان ایران

«جنبش مسلمانان ایران»

آبان ۱۳۵۶

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مِمَّنْ فِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ
مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا يَأْتِفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

و اینگونه در هر جامعه ای سران تبه‌کار و ستمگر را قرار دادیم تا به مردم نیرنگ و خدعه زنند لکن (این کوردلان بیشعور) نمیدانند که نیرنگ آنها جز بزیان خود آنها تمام نمی‌شود. (انعام/۱۲۲)

هموطنان عزیز:

سیاست رژیم پس از پایان سفر مفتضحانه و سراسرننگ و خیانت و رسوائی شاه به امریکا اینک وارد مرحله تازه‌ای شده است. شاه در حقیقت شکست خورده و مفتضح و رسواتر از پیش از این سفر بازگشت. اقدامات مذبحوحانه ساواک و سفارت برای بسیج مزدوران شعار بدست به عنوان دانشجویان طرفدار شاه نه فقط آبرویی برای رژیم تامین نکرد که بیشتر و وسیعتر باعث رسوائی و آبروریزی سردمداران رژیم و شاه هم گشت. ماهیت دانشجوی نمایان را مردم امریکا و مطبوعات جهان در همان لحظات اول فاش ساختند و نوشتند که چگونه ساواک و سفارت هفتصد افسری را که در پایگاههای نظامی امریکا در تگزاس و نقاط دیگر آموزش می‌دیدند به اضافه تعدادی از افراد اقلیت‌های مذهبی آسوری و ارمنی و یهودی مقیم امریکا و مزدوران دیگری از ایران وارو پا و تعداد زیادی مامورین ساواک با دادن بلیط مسافرت و یکصد تا سیصد دلار پول توجیبی را جمع‌آوری کرده و شعار بدستشان دادند تا در مقابل هزاران دانشجوی مبارز ایرانی نمایش مضحکی ترتیب دهند و بعد از تمرین زیاد شعار مسخره‌ای را مسخره‌تر ادا کنند و بگویند: جوید شاه، جوید شاه و بعد که این نقشه در انظار جهانیان به رسوائی کشید رژیم بامتوسل شدن به محافل مرتجع امریکائی و خریدن و رشوه دادن به

مرتجع ظاهراً صهیونیستی چون مک دونالد به تلاش افتاد تا مبارزه اصیل دانشجویان ایرانی را به عنوان تروریسم و کمونیسم خاص ضد غربی مسخ کند و وانمود سازد که اینها وابسته به دستجاتی هستند که کارشان جز تروریسم و خرابکاری نیست.

شاه برای جلب لطف و حمایت از باب به پست ترین نوع وطن فروشی و خیانت به ملت و کشور و ابراز نوکری و وفاداری تن داد، از پیش آرزو کرد که ارباب از او بخواهد تا بابا لای بردن قیمت نفت که مورد تقاضای همه اعضای اوپک است مخالفت کند و او که تا چندی پیش در بلند گوه‌های خود زکی یمانی (وزیر نفت سعودی) را که طرفدار افزایش کمتر قیمت نفت بود آنچنان مورد حملات شبانه روزی قرار میداد اینک با وقاحت تمام چنانکه گوئی ارث پدری را می بخشد سرمایه و ثروت خلقی را بیش‌رمانه پیشکش میکند تا چند روزی بیشتر بتواند خون و مال و فرهنگ و همه ارزشها و میراثها و ثروت‌های مادی و معنوی کشوری که در پیامال هدفهای کثیف و پلید خود کند و در همانحال با سفارش میلیاردها دلار اسلحه جدید و تأکید به روی خیانت‌های قبلی خود دایره به عقد قراردادهای تجاری چند ده میلیارد دلاری اشغال بازار ایران را با کالاهای امریکائی به قیمت نابودی کامل تولیدات کشاورزی و صنعتی داخلی کاملتر کند و خیانت خود را به ملت و کشور و نوکری خود را نسبت به ارباب تکمیل نماید. هیچکس در آنجا از وی نپرسید توبه چه حق و باچه اختیار قانونی و به نمایندگی از جانب کدام ملت اینگونه ثروت و استقلال و آزادی کشور و ملتی را در طبق اخلاص گذاشته و برای حفظ قدرت و سلطنت خود تقدیم بیگانه میکنی.

تظاهرات وسیع ایرانیان خارج از کشور و دانشجویان و آزادیخواهان داخل در اینمدت بهمه دنیا نشان داد که شاه نه فقط کمترین رابطه‌ای با ملت ندارد که مورد نفرت تمامی مردم ایران است و آنچه او انجام میدهد از معامله و عقد پیمان و قرارداد از نظر ملت ایران حائز کمترین اعتبار قانونی نیست و آنها که بر اقدامات خائنه او صحه میگذازند علناً دشمنی خود را با ملت ایران ابراز کرده‌اند.

بی شک تظاهر شاه به رعایت حقوق بشر و تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی

درایران هیچکس را فریب نداده است و دنیا همانند گذشته میدانند که وجود رژیم استبدادی و غارتگرانه شاه عامل اصلی رشد و تکامل جوانه‌های یک انقلاب اجتماعی درایران است و رژیم علی‌رغم ظاهر سازیها و تظاهرات ریاکارانه، از روشهای پلیسی و اعمال وحشت و زور و اختناق و آزار بر مردم رنج‌دیده ایران دست نکشیده است.

شاه مستبد و خائن که خود را در برابر فشار افکار عمومی جهان و مبارزه و خشم و نفرت مردم ایران تنها و در تنگنا می‌بیند پس از بازگشت از سفر امریکا انباشته از یاس و خشم و عصبانیت و پراز احساس شکست و خواری و بی‌آبرویی باروش تازه‌ای درصدد انتقامجویی از مردم پیاخاسته ایران و آزادیخواهان از جان گذشته است. نمایش شکست خورده و مفتضح تظاهرات طرفدار رژیم در امریکا را به گونه‌ای دیگر درایران تکرار میکنند. کماندوهای پلیس و رنج‌های ارتش و نیروی هوایی و مامورین گردن کلفت ساواک را در لباس شخصی مسلح به اسلحه‌های سرد و گرم تحت عنوان دانشجوی و کارگر علیه دانشجویان و دیگر آزادیخواهان بسیج می‌کند و وحشیانه به جان مردم می‌اندازد همچون روز عید قربان که بیش از هشتصد کماندو و رنج‌ر اباچوب‌های متحدالشکل به جان مردم بی‌پناهی انداخت که در باغ گلزار در نزدیکی کاروانسرا سبکی با آرامش اجتماع کرده بودند تا به مناسبت عید قربان به سخنرانی گوش کنند و پس از زدن و مجروح کردن صدها نفر به اتوبوسهای خود سوار شده در زیر حمایت ژاندارما فرار میکنند. رژیم از این طریق هم از مردم معترض به جان آمده انتقام می‌گیرد و فریاد آنان را در گلو خفه می‌سازد و هم بدنیا وانمود میکند که (مردم!) خودشان جلوی مخالفین را می‌گیرند و دخالت مامورین انتظامی را که برای تکمیل برنامه سرکوبی است در قالب وظیفه آرام کردن اغتشاش و جلوگیری از برخورد دو گروه توجیه میکند. اگر در آغاز دانشجویان بعضی از بانکهای غارتگر وابسته به شاه را به عنوان سمبل سرمایه‌داری و غارتگری و ضد مردمی یا مؤسسات صهیونیستی را مورد حمله قرار می‌دادند اینک مامورین مخفی شاه با حمله به مغازه‌های مردم و مؤسسات تجاری خارجی و حتی کتک زدن مردم کوچه و خیابان و شکستن شیشه مغازه‌ها و غارت اموال آنان و تظاهر به دانشجوی بودن سعی میکنند مردم و افکار عمومی جهان را نسبت به مبارزه حق طلبانه روشنفکران ایران بد بین و مخدوش

سازند و در همان حال بادامن زدن به اینگونه اغتشاشات زمینه را جهت سرکوبی علنی و تشدید اختناق و توسعه بازداشت‌ها و سایر روشهای سرکوب مساعد سازند و همچون ۱۵ خرداد سال ۴۲ توطئه تازه‌ای برای کشتار و گرفتاری مردم بیدفاع ایران فراهم می‌بینند. با اینکار ضمن منحرف ساختن مسیر اعتراضات بر حق مردم و اخلال در مبارزه اصیل آزادیخواهان بهانه‌های تازه‌ای برای اعمال شدیدتر روشهای فرعونی (فاشیستی) بدست بیاورند و اقدامات خود را «ضروری» قلمداد کنند. چنانکه ازهم اکنون حملات وحشیانه گارد به دانشجویان و استادان در کلاسهای درس و بازداشت‌های دسته جمعی و ضرب و شتم آزادیخواهان به شدت تمام مجدداً آغاز شده است.

برادران و خواهران شاه بیش از هر موقع دیگر رژیم خود را در تزلزل و تنگنا می‌بیند، لذا کینه توزتر از گذشته علیه مردم عمل میکند. ورشکستگی اقتصادی و سقوط دائمی و سریع تولیدات داخلی و نارضایتی روزافزون همه طبقات تحت استثمار و فشار و رسوائی بیش از پیش رژیم نزد افکار عمومی جهان و رشد مقاومت‌های داخلی و پایداری مبارزین و مجاهدین خلق پایه‌های تخت او را روز بروز سست‌تر میکند و بیشتر می‌لرزاند. در مقابل این وضعیت دشوار، رژیم وحشی‌تر و محیل‌تر میشود بنابراین مبارزین خلق ایران باید با هشیاری و دقت بیشتری عمل کنند و تاکتیکهای مبارزه خود را بر بینه‌ش صحیح و آگاهی از روشهای خدعه آمیز دشمن استوار سازند و با مقاومت و پایداری و نشان دادن قدرت متحد ملی تلاشهای مذبحخانه رژیم را بی اثر سازند.

برادران و خواهران مبارز مادر دانشگاه بخصوص باید با آگاهی کامل و با احساس مسئولیت و با توجه به نقش بسیار حساسی که در مبارزه عمومی ضد استبدادی و رهائی بخش مردم ایران دارند، ضمن حفظ هم‌بستگی و فشرده کردن صفوف خود توطئه‌های پلیسی رژیم را فاش و خنثی کنند و اجازه ندهند که رژیم مبارزه اصیل آنها را نزد خلق مخدوش سازد و پیوند بین آنها وتوده را که در حال نیرومندتر و وسیعتر شدن است سست و یا قطع نماید. نباید اجازه دهیم رژیم قبل از اینکه اعتراض و عصیان ملت و مبارزه عمومی مردم بمراحل پیشرفته‌تری برسد، باز زمینه‌سازی و بکرمک نیزنگ‌های

خائنانه و با ایجاد اغتشاشهای مصنوعی، بیک سرکوبی قبل از موقع دست یازد و بهانه یک یورش وسیع به نیروهای مبارز را فراهم سازد. ضمن ادامه مبارزه و ابراز مقاومت و پایداری، تلاش وسیعی برای آگاه ساختن توده مردم از توطئه های رژیم بعمل آورده و باهشیاری خود رژیم را در برنامه های تازه اش ناموفق سازند. در این راه تلاشها هر اندازه متمرکز تر و گسترده تر باشد تأثیر بیشتری برجای میگذارد و دشمن را در برنامه تازه اش با شکست مواجه میسازد. ما مطمئن هستیم که نه تبلیغات دروغین شاه برای ترساندن و فریب مردم جهان و نه خدعه های او برای سرکوبی مبارزین خلق و بدام انداختن هسته های مقاومت هیچیک نمیتواند او را از سرنوشت شومش نجات دهد.

برادران و خواهران مسلمان مسئولیت شما در قبال شرایط حساس کنونی بس سنگین است. جنبش انقلابی نیروی مبارز مسلمان در دهه اخیر در حقیقت ستون فقرات مبارزه رهائی بخش ملت ایران بوده و پشتاتزان مجاهد مسلمان همراه با دیگر عناصر مبارز و آگاه هرگز صحنه مبارزه با رژیم خائن و دست نشانده را خالی نگذاشته اند. بدنبال تحولات سیاسی اخیر توسعه مبارزه سیاسی گروهها و دستجات و عناصر مختلفی از موضع مخالفت با دیکتاتوری و کسب آزادی وارد عمل شده اند. انگیزه های متفاوتی در پشت سر هر یک از این حرکتها و تلاشها نهفته است که تشخیص اصیل از غیر اصیل و اقدامات صادقانه از فرصت طلبانه و مغرضانه برای مردم عادی لااقل در مراحل نخستین آسان نیست. اتحاد و همبستگی همه نیروهای مبارز اصیل و ضد استبدادی، ضرورت پروزی در این مرحله از پیکار است اما این ضرورت نباید موجب شود عناصر فرصت طلب و یا مغرض به صفوف مبارزین اصیل راه یابند. یا بخصوص اصالت جنبش مسلمانان انقلابی ایران را خدشه دار کنند. از دیدگاه مبارزین مسلمان و انقلابی ایران سرنگونی رژیم و تحقق خواسته های مردم جز از راه یک مبارزه انقلابی و سرانجام با استفاده از سلاح ممکن نیست. در عین حال بر این حقیقت وقوف داریم که لازمه ایجاد جو مساعد برای رشد انقلاب در وهله اول سیاسی کردن توده زحمتکش و بسیج همه نیروهای مخالف رژیم است. هر ضربه ای بر قدرت سیاسی رژیم وارد شود و هر قدمی که در راه کسب آزادی برداشته شود در صورتیکه بوسیله نیروهای اصیل رهبری شود میتواند زمینه رشد

سرریعتر مبارزه انقلابی را فراهم کند. بهمین دلیل باید از افتادن رهبری مبارزه سیاسی بدست عناصر سازشکاری فرصت طلب قویاً جلوگیری کنیم و برای تضمین سلامت جنبش اصیل خود و هم آهنگی و همکاری با دیگر مبارزین اصیل از اصالت و استقلال حرکت انقلابی مسلمانان در صحنه پیکار مراقبت کرده از پراکندگی نیروهای آن در مسیرها و جریانات جانبی و احیاناً انحرافی سخت جلوگیری کنیم. نهضت مسلمانان ایران باید همچنان پرچم مبارزه انقلابی مردم ایران را برافراشته نگاهدارد و خلق را در جهت حرکت بسوی یک انقلاب رهائی بخش بیدار کند و آموزش دهد.

مادر این مرحله باردیگر بر ضرورت همبستگی و اتحاد همه نیروهای اصیل و ضد دیکتاتوری شاه و طالب آزادی تأکید کرده از روشهاییکه به تجزیه و تفرقه نیروها منجر میشوند باید شدیداً پرهیز شود. زیرا تجزیه و تفرقه نیروهای ضد استبدادی نتیجه ای جز تضعیف جبهه مردم در برابر استبداد نداشته و به رژیم کمک میکند تا با استفاده از این تفرقه نیروهای مبارز را به انزوا کشاند و یک یک سرکوب کند. در این شرایط جریانات انحرافی تقویت میشوند و روح بد بینی و یأس در میان مبارزین شایع میگردد و احیاناً نهضت ضد استعماری و ضد استبدادی مردم ایران بمبارزات داخلی مشغول شده ضعیف و متلاشی میگردد.

ما همچنین موضع بی تفاوتی و سکوت آندسته از محافل روحانی را که مدعی مبارزه بارژیم بوده اند شایسته نمی دانیم. در شرایط حاضر وظیفه همه نیروها و عناصر آزادیخواه و مسلمان است که مسئولیت خود را درک کنند و بخصوص بر رهبران مذهبی و روحانیون و مراجع است که مسئولیت حساس خود را در قبال عقیده و ایمان و ملت درک کنند و سهم خود را در تقویت جبهه مبارزه حق طلبانه مردم ایران برعهده گیرند و موضع شایسته خود را در این حرکت اشغال نمایند و همچنین از هموطنان و برادران خود در صفوف نیروهای انتظامی و پلیس و ارتش می خواهیم که اجازه ندهند رژیم آنها را از پست و وظیفه اصلی خود که پاسداری از وطن در قبال تهاجم بیگانه است به خیابان کشانده و در مقابل برادران و خواهرانشان قرار دهند. در این باره خوب بیندیشند که ضرب

و شتم و شکستن دست و پا و سرو سینه خواهران و برادرانتان و احياناً کشتن آنها بسود چه کسی و درجهت منافع چه محافلی است. خواهران و برادران مسلمان شما هدفی و خواسته ای جز محو استبداد و جلوگیری از فروش مملکت به بیگانگان و غارت ثروت های ملی به قیمت فقر و بدبختی و محرومیت مردم و جلوگیری از اسارت ملت و ورشکستگی اقتصادی و تأمین استقلال و آزادی مردم ندارند. دشمن ما دشمن شماست و ماهمه تحت ظلم و ستم یک رژیم قرار داریم. هدف اعمال قدرت و کینه خود را که بدستور رژیم متوجه هموطنان و برادران شماست بسوی شاه جنایتکار و وطن فروش برگردانید تا در برابر خدا، وجدان و ملت خود شرمسار نباشید.

موفق باد اتحاد همه نیروهای اصیل و ضد استبداد ایران

پیروز باد جنبش انقلابی خلق مسلمان ایران

سرنگون باد رژیم خائن و ضد مردمی پهلوی

جنبش مسلمانان ایران

آذر ۱۳۵۶

بسمه تعالی

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ، إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا.

آنان که به جنبش و مکتب ایمان آورده اند مبارزه و جنگشان در راه خدا است و کسانی که حق را نادیده گرفتند در راه محکوم به فناء طاغوت و ستمگران و اهل باطل می جنگند پس (شما که بر طبق سنت الهی آفرینش پیروزی را خواهید داشت) با طرفداران و یاران شیطان بجنگید که نقشه ها و توطئه های شیطان سست و محکوم به نابودی است. (نساء/۷۶)

مردم مسلمان ایران:

همانگونه که در اولین بیانیه، ریشه ها و علل تحولات سیاسی و تناقضات بین رژیم و استعمار مسلط امریکا را تجزیه و تحلیل کردیم نتیجه گرفتیم که امریکا برای نابود ساختن زمینه های فکری و اجتماعی انقلاب مسلحانه و تضمین منافع عظیم اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه تغییراتی رو بنائی در نحوه اداره مملکت را خواهان است و اختلاف او با رژیم هر گره یک درگیری که منافع و موقعیت او را متزلزل سازد منجر نمی گردد. اینک حوادث سریعتر از آنچه انتظار میرفت پرده های اوهام و خیالبافیها و امیدهای واهی بعضی از عناصر و قشرهای غیر انقلابی سطحی نگر را از هم پاره کرد و چهره بیرحم و متجاوز و خون آشام رژیم یکبار دیگر عریان و کریه و نفرت انگیز در معرض نگاه مردم ستمکشیده ایران قرار گرفت. شاه خائن با تقدیم همه ارزشها و منابع و ثروت های ملی و قبول واسطه گی امپریالیسم و صهیونیسم، سادات و دیگر شاهان

دست نشانده و خائن عرب را در خیانت به انقلاب فلسطین یاری می کند و بیشتر از گذشته در نقش ژاندارمی آمادگی خود را برای سرکوبی نهضت‌های ضد استعماری و انقلابی در منطقه اعلام می کند و با خیانت آشکار به ملت و کشور و کشورهای عضو اوپک بزرگترین هدیه مالی را به آمریکا تقدیم می کند و چون آمریکا پس از رسوایی عظیمی که در ویتنام دچار شد دیگر نمی خواهد آشکارا درگیری تازه‌ای در نقطه دیگری از دنیا داشته باشد و علاوه بر آن نمی تواند مخارج کمر شکن جنگ و تلفات انسانی آن و در نتیجه بحران اقتصادی و افکار عمومی آمریکا را تحمل کند شاه فرمانبردار که آزمایش مطلوبی در رفتار داده ماموریت می یابد که در شاخ آفریقا دخالت کند.

سیاست تازه آمریکا تعیین چند دلال عمده سیاسی- نظامی در هر منطقه از جهان است و شاه سگ به زنجیر بسته‌ای است برای دیگر کشورهای وابسته به آمریکا مانند پاکستان و اردن و سومالی و عمان و... نیز دستور می گیرد. در برابر همه این سرسپردگیها و خیانت‌ها و رشوه دادن‌ها به صورت تثبیت معامله شصت میلیارد دلاری آزادانه به سرکوبی مردم رنج‌دیده و نیروهای مترقی و مبارز ایرانی به شیوه جدیدی ادامه می‌دهد و به جای سرکوبی مستقیم ملت که تاکنون انجام میداد اکنون با مهارت افراد و نیروها و صاحبان افکار مختلف را به جان هم می اندازد و به بهانه ایجاد نظم به قلع و قمع طرفین می پردازد. جلاد که مدتی تشنه به خون ملت بیکار و مترصد نشسته بود، با ولع و حرص سبعمانه خون می طلبد و فرمان کشتار دستجمعی مردم بیدفاع و معترض را صادر میکند.

به دنبال تشدید انواع فشارها و اختناق و ضرب و شتم و تغییر تاکتیک و وارد آوردن انواع اتهامات ناروا به نیروهای مبارز اینک در آستانه ورود کورت والدهایم دبیرکل سازمان ملل متحد و برای یادآوری قدرت همیشگی و نشان دادن به مردم که حوادث اخیر جهانی تغییری در سیاست ترور و وحشت شاه ایجاد نکرده در خیابان‌های قم و در صحن حضرت معصومه و درگذرهای این شهر پیکارجوی ضد استبداد و سنگر مقاومت و پاسداری، خون جاری می شود و اجساد صدها شهید بر روی زمین می افتد. رژیم فریبکار و رسوای شاه اعتراض مردم را نسبت به استبداد و ستمگری دستگاه

حاکمه و توهین یکی از نوکران بی شخصیت و بی شعور سازمان امنیت به پیشوای آزاده و شجاع حضرت آیت الله خمینی را که در روزنامه اطلاعات روز شنبه ۱۷ دی درج شده بود، باوقاحت تمام به صورت مسخ شده‌ای جلوه می‌دهد و وانمود می‌کند که اعتراض علیه اصلاحات ارضی شاه و آزادی زنان بوده است، درحالیکه هیچگونه ارتباطی به این دو موضوع نداشته است و اساساً این اتهام سلاح زنگ زده و رسوا شده‌ای است که همه مردم از پیش آنرا خوانده‌اند و فریب چنین تبلیغاتی را نمی‌خورند.

به دنبال کشتار قم روز چهارشنبه ۲۱ دی ماه دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر تهران در محوطه دانشگاه جمع شده به کشتار بیرحمانه و سایر بیداد گریهای رژیم اعتراض می‌کنند که همه نیروهای کماندوی دانشگاه و نیروهای کمکی دیگر به دانشجویان حمله میکنند و چندین ساعت به مضر و مجروح کردن دانشجویان اقدام میکنند و بالاخره حدود هشتاد دانشجوی مجروح و مضر و را دستگیر و روانه زندان مینمایند. غیر از دانشگاه صنعتی، شهر اصفهان و کاشان و اهواز و خرمشهر و تبریز و روز پنجشنبه ۲۲ دیماه هم تهران و چند شهر دیگر به عنوان اعتراض به این اقدام وحشیانه به تعطیل بازار و تظاهرات دست می‌زنند.

برادران و خواهران

در شرایطی که رژیم خون آشام به جای پر کردن زندانها از زندانیان بیگناه و در نتیجه گرفتار شدن در مسائلی که جوابی برای آنها نداشت اینک مستقیماً در خیابان به کشتن مخالفین و راحت کردن خود از مزاحمت معترضین دست می‌زنند، و در شرایطی که رژیم خون آشام همه گونه امکانات و آزادی عمل و دفاع را از نیروهای مترقی سلب کرده است و هر صدای اعتراض و مخالفتی را در پوششی از اتهامات مسخره سرکوب و خاموش میکند، و در شرایطی که جریانات روشنفکری و رفرمیستی عجز خود را از انجام هر اقدام موثر در چارچوب امکانات و به اصطلاح آزادیهای داده شده ثابت کرده‌اند و ضعف آنها در ایجاد یک تشکل و اقدام موثر سیاسی و بسیج توده‌ای ثمر بخش علیه استبداد و برای کسب آزادیهای قانونی آشکار شده است، راهی جز پیگیری و ادامه نبرد

انقلابی بارژیم باقی نمی ماند، شاه بدستور ارباب امپریالیست خود می کوشد باحفظ ظواهری از آزادی های سیاسی و تبعیت از شیوه های تازه به راهنمایی سفیر تازه امریکا سولیوان که تجربیات گرانبهائی در شیوه های سیاسی و روانی سرکوبی جنبشهای انقلابی دارد، شرایط ذهنی و روانی و پایگاههای ایدئولوژیک انقلاب مسلحانه را از بین ببرد و متلاشی سازد. اما رژیم در وضعیتی نیست که بتواند در این طرح خود موفق شود، زیرا اندک کاهشی در فشار و اختناق، توده خشمگین و در پیشاپیش آن نیروهای مترقی و آزادیخواه را به میدان اعتراض و عصیان سیاسی و اجتماعی وارد می کند که اگر ادامه یابد به آسانی می تواند موفقیت رژیم را به خطر بیندازد و سریعاً به یک شورش و قیام عمومی تبدیل گردد. در مقابل چنین وضعیتی، چنانکه عملاً هم اتفاق افتاد، رژیم ناچار است شیوه های سرکوبی و کشتار و قتل عام را دوباره زنده کند که دیدیم عملاً بدان دست زده و در نتیجه علیرغم میل ارباب باردیگر زمینه رشد روحیه انقلابی و حمایت از انقلاب مسلحانه در بین مردم فراهم گردید.

برادران و خواهران مسلمان

مسئولیت شما که ستون فقرات جنبش انقلابی مسلمانان ایران هستید بسیار سنگین است. از یک سو باید در خنثی کردن نقشه های تازه رژیم و ارباب امپریالیست او وزنده نگاهداشتن روحیه انقلابی در جامعه یک لحظه از پای ننشینید و باروشنگری و تبلیغات آگاهی بخش خود مردم را از نقشه های خائنه رژیم مطلع سازید، از دیگر سو اقدامات نفاق افکنانه رژیم را برای از بین بردن وحدت فکری در بین نیروهای مسلمان مبارز و تجزیه پایگاه جنبش بی اثر سازید. رژیم با همه امکانات و وسائل مستقیم و غیر مستقیم می خواهد در بین نسل جوان و انقلابی مسلمان شک و تردید را جانشین یقین و ایمان و تفرقه و نفاق را جانشین همبستگی و اتحاد سازد.

باهرکوشش نفاق افکنانه و هرگرایش انحرافی که هدفش ایجاد تزلزل و تردید در ایمان راسخ شما به جهان بینی و ایدئولوژی انقلابی اسلام است سرسختانه مبارزه کنید، صفوف خود را فشرده تر سازید، فریب آزادیهای دروغین و ادعائی را نخورید،

نیروها و سازمانهای خود را از دستبرد پلیس سفاک درامان نگاهدارید و هسته‌های تشکیلاتی مجزا دروازه چشم‌مأمورین دشمن بشکل نیروهای پیشرو مسلمان را پیش برده در اشاعه آگاهی انقلابی و اعتلاء روحیه انقلابی در بین توده‌های زحمتکش و نیروهای جوان و روشنفکر از هیچ کوششی باز نایستید. وحدت عمل و پیوند های خود را از طریق تأکید بر خطوط اصلی ایدئولوژی مشترک و خط مشی واحد مبارزه تعیین کنید. از افتادن در دام مباحثات و منازعات کلامی که هدفی جز ایجاد شک و تردید و تفرقه و نفاق ندارند پرهیز کنید و با مطالعه عمیق سطح آگاهی و ایمان ایدئولوژیک خود را افزایش داده و پرچم پرافتخار انقلاب توحیدی را علیرغم کینه‌توزیهای خاص دشمن برافراشته نگاهدارید.

رژیم غدار و خون‌آشام بیش از همه مسلمانان انقلابی را دشمن میدارد و لبه تیز حملات سرکوب‌کننده خود را در وهله اول متوجه مواضع نیروهای پیشرو مسلمان می‌سازد. با پرهیز از خرده‌کاری و اقدامات پراکنده و ناشی از عدم احساس مسئولیت، نیروها و سازمانهای خود را از آسیب حملات سریع و پی در پی پلیس مصون دارید.

همانند گذشته مبارزه با رژیم را بر هرگونه درگیری در منازعات گروهی و ایدئولوژیک مقدم شمرده توطئه رژیم را برای سرگرم ساختن نیروهای مبارزه کشمکشهای جزئی و نقش بر آب سازید. باتبلیغات مثبت و به کمک آگاهی‌دادن و تأکید بر روی مواضع فکری و ایدئولوژیک خط مشی جنبش زمینه را برای موفقیت اقدامات انحرافی ناموفق سازید.

پیروزی و وحدت و تشکل نیروهای انقلابی و اصیل مسلمان

سرنگون باد رژیم خائن و ضد مردمی پهلوی

جنبش مسلمانان ایران

دی‌ماه ۱۳۵۶

بسمه تعالی

الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون
فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان ینکد
الشیطان کان ضعیفا.

کسانی که به نظام الهی گرویده اند در راه الله پیکار
می کنند و کسانی که راه تکامل را نادیده گرفته اند در راه
قدرت های ضد خدائی می جنگند. پس با پیروان و
سپاهیان شیطان پیکار کنید که نقشه و توطئه شیطان
بسی بی پایه و سست است. (نساء/۷۶)

تحولات ماه های اخیر، که توسعه چشمگیر اعتراضات و عصیان مردم ستم دیده
علیه رژیم استبدادی بارش آگاهی و بینش اجتماعی خلق مسلمان همراه بوده است،
نظام جبار و متجاوز را در مقابل شرایط دشوار و پیچیده ای قرار داده است. پنجاه سال ظلم
و استبداد، فقر و محرومیت، زندان و شکنجه، قتل و تبعید همراه با تحمل انواع حقارت ها
و تحمیل های ضد انسانی و مشاهده هزاران جنایت و فساد کاری، خیانت و زشتکاری،
پایمال کردن ارزش های اخلاقی و حقوقی انسانی و آزادی های فردی و اجتماعی و
اقدامات گستاخانه علیه اسلام راستین، قلب های خلق رنج دیده را از کینه و نفرت نسبت
به عاملین جنایات مزبور آکنده ساخته است، بطوریکه وقتی رژیم بضرورت و ناچار
مجبور شد از فشار پنجه های خون آلودش برگلوی مردم بکاهد، فریاد دادخواهی و انتقام و
عصیان خلق در فضای قبرستانی ایران پیچید و رعد آسا تخت های قدرت طاغوت را بلرزه
درآورد.

در شهر و روستا، مزرعه و کارخانه، مدرسه و دانشگاه، بازار و مسجد و هر محفل،
اجتماعی برخاست زنگ خطر را مجدداً بصدا درآورد زیرا همه یکصدا نابودی رژیم
سلطنتی ضد مردمی و ضد اسلامی و استقرار حاکمیت مردم و نظام توحیدی و بازگشت
حقوق و آزادی های اساسی مردم و رهائی کشور از نفوذ سلطه استعمار و سرمایه داری

غارتگر داخلی را خواستار بودند. رژیم در کنترل اوضاع به سردرگمی دچار شد برای آنکه ثابت کند می‌تواند بدون بازگشت بدوران قبل، امنیت را برقرار کند بی‌آنکه فضای باصطلاح بازار را مسدود نماید به ابتکارات تازه‌ای دست زد لازم بود هرچه زودتر رشد اعتراضات مردم متوقف شود زیرا مردم به هدایت و روشنگری روحانیون مبارز و آگاه و در رأس آنان امام خمینی و رهبری سازمانهای پیشتاز و عناصر مترقی و روشنفکرانهدام بنای طاغوتی را هدف قرار دادند و یک زبان و یک صدا پایان دادن به حکومت استبدادی پنجاه ساله پهلوی و رژیم دست‌نشانده استعمار را تقاضا کردند. ابتکارات تازه رژیم برای مرعوب ساختن مردم خیلی زود برسوانی کشید، تشکیل کمیته‌های اقدام و سازمانهای زیرزمینی انتقام بوسیله ساواک و بمب‌گذاری در خانه آزادمردانی چون مهندس بازرگان و ربودن و مضروب ساختن مبارزین راستینی نظیر دکتر بیمان قسمتی از برنامه جدید سرکوبی و نشانه‌هایی از یک طرح جدید برای کنترل اوضاع بنفع خود و اربابان غارتگرش میباشد.

برطبق این طرح موزیانه ابتدا اعتراضات به حق مردم را بصورت یک بلوای لجام‌گسیخته و آشوب‌گرانه معرفی کردند و آنگاه کوشیدند عملیات مأمورین ساواک را مقابله مردم و اعضای حزب رسوای شاه معرفی کنند. ابتکارات تازه متوجه چند هدف عمده و اساسی است، اول در صورت امکان ایجاد صحنه‌های بظاهر طبیعی از برخورد و مقابله گروههای سیاسی رقیب بصورتی که در بعضی کشورهای دیگر تجربه شده است و در ضمن این برخوردها از یکطرف ساواک عناصر و نیروهای اصیل و مبارز را سرکوب و شکار کند و از طرف دیگر با دامن زدن به اغتشاش و هرج و مرج و حتی قتل و ترور و آشوب، زمینه را برای یک سرکوبی و اختناق تازه به شیوه گذشته و بدست همین رژیم یا بدست عناصری که عنصر تازه‌ای و باشیوه‌های کم و بیش متفاوت آماده سازند.

۱- مبارزه اصیل و برحق مردم را (بیشتر بطور غیر مستقیم) در جهت رهبری و هدایت کنند که سرانجام در نقطه مطلوب رژیم و اربابان متوقف شود و در مقابل گرفتن بعضی امتیازات و انجام بعضی تغییرات روبنائی فروکش نماید و تحول مبارزه در چند

ماه اخیر که نتیجه دخالت و روشنگریهای عناصر و نیروهای مترقی و انقلابی مسلمان بود خیلی زود اثرات نیکوی خود را آشکار ساخت، اعتراضات علیه رژیم که فردی بود دستجمعی شده، پراکندگی به اجتماع تبدیل گردید و بسیاری مردم از بیتفاوتی عملی به میدان مبارزه کشانده شدند؛ بعضی رهبران مذهبی متوجه مسئولیتهای مذهبی خود شدند و مبارزات اخیر اگرچه با شهدا و قربانیان زیاد توأم بود ولی این تجربه هم حفظ و تضمین منافع عظیم و حیاتی اقتصادی و سوق الجیشی که امپریالیسم و درراس آن آمریکا در ایران و منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند دارد ایجاب میکرد شرایطی که موجب رشد زمینه های انقلاب مسلحانه در ایران می شد تا حد ممکن تغییر کند. شیوه حکومت استبدادی توأم با غارتگری و فساد و خشونت و اختناق عامل تحریک انقلاب و خشونت شناخته شد. مصلحت دیدند با اعمال تغییراتی و ضمن دادن نوعی آزادی محدود و قابل کنترل، از فشار درونی و قابل انفجار جامعه بکاهند و با آوردن فرمانروایان تازه و قابل اعتمادی و رشکستگی اقتصادی را تا حدی ترمیم و زیر سرپوش نهادهای ظاهرآدموکراتیک و به کمک بعضی از اصلاحات رو بنثانی امنیت و ثبات برای ادامه سلطه سیاسی - نظامی - اقتصادی امپریالیسم بر منطقه تأمین شود. بعضی از این محافل امپریالیستی که از رشد مبارزه انقلابی مسلحانه در ایران بوحشت افتاده بودند و اقدامات سرکوب کننده را کافی نمی دیدند، علاوه بر دامن زدن به جنگهای روانی و نزاعهای عقیدتی و نفاق افکنانه که در اثربرداری و هشیاری انقلابیون راستین و مسلمانان حق طلب و پیشرو، زودتر از آنچه انتظار داشتند خنثی گردید^۱ قصد دارند در پرتو شرایط تازه، سازمانها و تشکل های انقلابی را شناسائی و ریشه کن سازند.^۲

-
- (۱) - توصیه های هوشمندانه و ناشی از دوراندیشی و وسعت نظر مرجع مجاهد حضرت آیت الله خمینی تأثیری سریع در فرونشاندن بعضی از این جدالها داشته است.
- (۲) - گفته شد که سولیوان «سفیر آمریکا» با کوله باری از این نوع تجربیات در سرزمینهای دیگر از جمله فیلیپین به ایران آمده است تا برای تکمیل ماموریت هلمز (رئیس اسبق سازمان سیا آمریکا، سفیر سابق آمریکا در ایران) برنامه سرکوبی و ریشه کن کردن کامل سازمانهای انقلابی را رهبری کند.

سیاست آنها در فدا کردن قدرت تولیدی کشاورزی، دامپروری و صنعت ملی و متکی کردن کشور به درآمد ناشی از فروش یک ماده خام (نفت) و صرف قسمت عمده میلیاردها دلار درآمد نفت برای خرید سلاحهایی که فقط بدرد دفاع از منافع سوق الجیشی و اقتصادی امپریالیسم در خلیج و اقیانوس هند و سرکوبی جنبشهای آزادیبخش منطقه و کشتار مردم مملکت می خورد و تامین هزینه های کمرشکن نظامی و پلیسی و امنیتی و جشنها و عیاشیهای درباریان و انباشتن ثروت و ساختن کاخها و باخت درقمارخانه ها و کازینوها، و وابسته کردن کامل اقتصاد کشور به غولهای سرمایه داری غرب، کشور را در میان بحران خطرناک اقتصادی فرو رانده است که هرگونه نوسان در قیمت نفت یا کاهش فروش آن عواقب شوم و خطرناکی برای ملت بیارمی آورد. اکنون امپریالیستها قادرند هر وقت اراده کردند مردم ایران را به قحطی و گرسنگی مصیبت باری بکشانند.

بحرانهای پی در پی اقتصادی، رژیم را که تنها به درآمد نفت متکی است مجبور میکند بیش از پیش برای هزینه های خود مالیاتهای تازه ای به مردم رنجیده و محروم ایران تحمیل کند.

سالها فشار اقتصادی همراه با اختناق و سلب آزادی و انواع دیگر ستمها همه طبقات زحمتکش و روشنفکر جامعه را دربر گرفت و به انبار باروتی از خشم و نفرت تبدیل ساخت. فرهنگ انقلابی اسلام که سرچشمه اعتقادات ایران است بامیراثی غنی از پیکار علیه ظلم و بیدادگری و سلطه طاغوت ها و فراعنه و عصیان و جهاد برای آزادی و برادری و برابری و حاکمیت توحید مانند گذشته کبریتی بود بر باروت نارضایتی ها و خشم و کینه توده های مسلمان و به مجرد پدید آوردن فرصتی هر چند گریز پا، چون اهرم نیرومندی خلق را بمقابله رژیم کشانیده است تا خواستهای بحق آنان را تجسم واقعی بخشد و آرزوهای آنانرا برای آزادی و عدل و نفی ظلم و اسارت منعکس نماید نظرف چند ماه شعله های کم سوی اعتراضات به آتشفشانی از خشم و عصیان مردم در سراسر کشور مبدل شد.

عدم صداقت رژیم در دادن آزادیهای قانونی، سبب شد سریعتر از آنچه در ذهن و مغزهای گنبدیده تئوریسین های سابقاً روشنفکر و انقلابی رژیم و مشاورین امپریالیست و صهیونیست آنها می گنجید، مردم اعتراضات خفیف و انفرادی را که قابل تحمل رژیم بود به مقابله صریح و مستقیم با قدرت دیکتاتور رژیم شاه کشاندند و پرده از جنایات پنجاه ساله رژیم حاکم بر ایران برداشتند و علت و عامل بد بختی و اسارت ملت را در حاکمیت خاندان پهلوی و سرمایه داران وابسته و سلطه اقتصادی - نظامی - سیاسی - فرهنگی امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا معرفی کردند. اوج گیری اعتراضات مردم و ظهور آثار تحرک تازه در سازمانها و تشکل های انقلابی پیشگام رژیم و اربابان اورا در برابر وضع دشواری قرار داده است. مقاومت های دلیرانه مردم در شهرهایی چون قم، تبریز، جهرم، یزد و اهواز و شرکت اکثریت مردم شهرها و دهات در اعتصابات و فریاد خشم خلق که از دهان گویندگان شجاع مذهبی برنمابر و متن نوشته های مبارزان در بیانیه ها و از حلقوم ملیونها نفر از زحمتکشان و روشنفکران برای عموم حاصل شد که دشمن مسلح بیرحم را بدون سلاح نمی توان شکست داد.

میدان مجدداً برای ادامه حاکمیت قدرتهای ضد مردمی خالی شد. بدنبال یک چنین رکود و توقیفی در مبارزه و حتی از آغاز اجرای طرح سرکوبی نیروهای مبارزو سازمانهای پیشگام و مجاهدان مسلمان بشدت شروع شده و ادامه می یابد. پیشبرد این مقصود مستلزم آنست که رهبری مردم را منحصراً عناصری فرصت طلب و سازشکار یا اصلاح طلب و محافظه کار برعهده گیرند و نیروهای انقلابی و مبارزین آگاه نتوانند در روشنگری خلق و هدایت آنها تا مراحل نهائی تر مبارزه موفق شوند. توجه به حوادثی که در پاکستان اتفاق افتاد و به سقوط بوتو عنصر کثیف و دست نشانده و ضد مردمی و ضد اسلامی و روی کار آمدن قلدر تازه ای با اسم ضیاء الحق منجر گردید میتواند آموزنده باشد. بعد از آشوبی که یک پایه آنرا جبهه اتحاد ملی پاکستان تشکیل میداد و حکومت بوتو دانسته یا ندانسته و بر طبق طرح اربابان بدان دامن میزد به اوج خود رسید، ضرورت دخالت ارتش مطرح شد و امتیازات مسخره ای تحت عنوان مراعات اصول اسلامی بمردم

اعلام گردید. اتحاد ملی خواسته یا ناخواسته خاموش شد و یک دوره ظاهراً باثبات برای استعمار و قدرتهای ضد مردم داخلی مجدداً آغاز شد. بدیهی است در ایران شاه در حفظ قدرت مطلقه خود اصرار وسیعی دارد این طرحها را خود اجرا کند اما تضاد منافع و موقعیت او با خلیق بقدری است که هرگز موفق نمی شود با وجود خود ورژیم کثیفش زمینه ها و عوامل انقلاب مردم را تخفیف دهد و خیال ارباب ها را آسوده سازد، در اینصورت شاید مجبور شود به تغییراتی تن دهد. شکل استحاله بعدی به عوامل متعددی بستگی دارد، کنار رفتن بنفع فرزندش، آمدن یک قلدر نظامی یا یک گروه سیاسی قابل اطمینان در راس کار و تظاهر به مبارزه با مظاهر نظام گذشته همه جز وسیله ای برای فریب و نیرنگ خلق و خاموش کردن مبارزه مردم نیست. البته این تغییرات در صورتی است که مبارزه کنونی مردم در اثر ضعف رهبری (که احتمالش زیاد است) و با عوامل دیگری خود به خود به خاموشی نگراید.

۲- هدف اساسی که انهدام سازمانهای پشستاز و سرکوبی مبارزین اصیل و آشتی ناپذیر است، در درجه اول اهمیت و فوریت قرار دارد. رژیم از هم اکنون با جلوانداختن نیروی پایداری که برخلاف قوانین موجود نقش ساواک و شهربانی و ضابطین دادگستری و دادرسی ارتش را برعهده گرفته و به بازداشت مردم و یورش به خانه های آنان پرداخته است و در خیابانها و کوی و برزن به دستگیری و گرفتاری افراد به بهانه فحاشی به مامورین و یادداشتن یک نوار سخنرانی یا قصد تظاهرات سرگرمند و بالاخره با هلیکوپتر در کوه پائین آمده با زدن و زخمی کردن، ۶۵ دانشجو را دستگیر می کنند و به دادگستری تحویل میدهند و سعی دارند نیروهای انقلابی و مبارزین مزاحم را از صحنه خارج سازند تا نتوانند مانعی در پیشبرد برنامه های آنها ایجاد کنند. تهدید و ارباب وسیله دیگری برای خاموش کردن صداهای مزاحم است اما مردم ایران به آن درجه از آگاهی و شناخت رسیده اند که تحمیق یا تخدیر مجدد آنها غیر ممکن است. نقشه های شیطنانی رژیم هیچکس را فریب نمی دهد و مردم دشمن را شناخته و راه مبارزه با آنرا تجربه میکنند. مردم به حقوق مسلم خود آشنا شده اند و فرهنگ انقلابی

اسلام راستین برای آنها تکیه گاه اصیل حرکت اجتماعی و ایفای مسئولیتهای تاریخی و مشغول فروزان راه آینده و تشخیص حق از باطل و محرک جهاد و فداکاری در راه خواستههای برحق آنهاست.

شرایط دشوار و پیچیده کنونی، هشیاری بیشتر مبارزین مسلمان را ایجاب میکند. یاد آوریهای زیر ضروری بنظر میرسد:

۱- سازمانها و عناصر پیشگام انقلابی مسلمان لازم است نقش تاریخی و رسالت اسلامی خود را در هدایت جنبش بسوی یک جهاد مسلحانه با رعایت تام اصول مبارزه و شیوههای تجربه شده و آگاه ساختن خلق مسلمان ایران به راه درازی که در پیش دارند و این حقیقت که پیروزی نهائی دردوقدمی و دردسترس نیست و بیک مبارزه طولانی و علمی نیازمند است ایفا کنند. در این راه باید از فرصت موجود در پراکندن آگاهی و فرهنگ انقلابی سود جویند. بعضی عناصر مبارز تصور میکنند که چون شرایط تازه سیاسی کلاً برضد مردم طرح ریزی شده است، استفاده از فرصت های بدست آمده که مستلزم شرکت در فعالیتها و مبارزات سیاسی علنی است جز به زیان جنبش تمام نمی شود، زیرا این نوع مبارزات در شرایط حاضر به معنای تاکید وضع موجود و نفی جنبش انقلاب مسلحانه مردم ایران است. این عده فراموش میکنند که توده ای شدن مبارزه و شرکت فعال مردم در انقلاب موقوف به سیاسی شدن آنهاست.

۲- جنبشهای انقلابی بدون استفاده از مبارزات سیاسی وسیع نمی توانند توده مردم را آگاهی انقلابی و هشیاری اجتماعی بدهند و انقلابی شدن مردم موقوف به عبور آنها از یک دوره مبارزه سیاسی و شرکت در تظاهرات و اعتصابات و درگیری مستقیم با رژیم است، نتیجه استفاده نکردن از فرصتهائی نظیر آنچه اخیراً بدست آمده است جز این نیست که جنبشهای انقلابی در چارچوبهای تنگ سازمانی خود محصور بمانند و در انزوا و جدائی از مردم به خفقان دچار شوند. تزی فراراه مجاهدان پشیمان و رهبران متعهد و آگاه قرار میدهند. پیچیدگی شرایط اجتماعی و سیاسی و در نتیجه پیچیدگی راه و

رسم مبارزه از خصلت‌های برجسته شرایطی است که ما در آن قرار داریم. برای آنکه همیشه بهترین راه و مناسبترین تاکتیک و درست‌ترین جهت را انتخاب کنیم باید هشیارانه شرایط حاکم بر مبارزه را دائماً ارزیابی کرده همه عوامل موثر در پیروزی و شکست را در نظر بگیریم.

بر اساس ضرورت فوق توجه برادران و خواهران مبارز و مسلمان خود را به نکات ذیل جلب می‌کنیم:

۱- جنبش آزادیبخش مردم ایران در مسیر تاریخی خود در این مرحله در دو جناح در حال پیشروی است. یکی در سطح سیاسی - توده‌ای و دیگری در مسیر اصلی مبارزه انقلابی مسلحانه، جنبش انقلابی مسلمانان ایران باید نقش خود را در رهبری مبارزه سیاسی برعهده گیرد و آنرا در جهت هدفهای انقلابی مردم هدایت کند.

۲- اسلام و در مفهوم دقیق ترش اسلام شیعی، در تمامی تاریخ مبارزات خلقهای مسلمان محور فکری و اهرم ایدئولوژیک جنبشهای مردمی بر ضد قدرتهای طاغوتی بوده است بهمین جهت نقش مبلغین مذهبی و روحانیون روشنفکر در گسترش و پیشبرد مبارزه پراهمیت است.

۳- روشنفکران انقلابی مسلمان با استفاده از فرصتی که بیداری و آمادگی مردم بوجود آورده است، نسل جوان و قشرهای پیشگام و زحمتکشان را در شهر و روستا بسوی تشکل‌های انقلابی و ایجاد هسته‌های مقاومت سوق داده ضرورت سازماندهی صحیح و آموزش اصول کار تشکیلاتی را گوشزد کنند.

۴- سازمانهای انقلابی پیشگام و دیگر تشکل‌های مبارزه‌ای با توجه به توطئه‌ها و طرحهای ریشه برانداز سازمانهای اطلاعاتی و مشاورین امپریالیست و صهیونیست آنها بدقت تمام از سلامت و امنیت خود دفاع کنند.

۵- آموزش ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی به عنوان زیر بنای فکری انقلاب

اجتماعی خلق مسلمان ایران همچنان اهمیت خود را حفظ می کند.
مردم مبارز و مسلمان ایران با ایمان به حتمیت شکست و نابودی رژیم طاغوتی هرگز نباید در مقابل تلاشهای مذبحخانه خصم تزلزل و یاس به خود راه بدهند. سرسختانه و از راه درست برای رسیدن به پیروزی مبارزه کنند استقامت ورزند و مطمئن باشند که باز هم دشمنان مردم و اربابان آنها در برنامه های خود شکست می خورند و مردم آگاه تر و مصمم تر از میدان معرکه بیرون می آیند. رژیم حتی اگر از بن بست و تنگنای کنونی خارج شود، بحرانهای مصیبت بارتری در انتظار اوست و دست و پا زدنهای او را از تنگنا و بحران نجات نمی دهد بلکه بیشتر در مرداب نابودی و هلاکت و عذاب فرو می برد.

وسيعلم الذين ظلموا ائى منقلب ينقلبون

پیروز باد مبارزه انقلابی خلق مسلمان ایران

برقرار باد اتحاد نیروهای اصیل اسلامی

نابود باد رژیم فاسد پهلوی دشمن اصلی مردم مسلمان ایران

جنبش مسلمانان ایران

اردیبهشت ۱۳۵۷

ولا يحسبن الذين كفروا انما نملى لهم خيرا لانفسهم انما نملى لهم ليزدادوا اثما ولهم عذاب مهين.
..... و هرگز کافران نباید چنین بپندارند که مهلت ما در باره ایشان حتما برایشان خیری در بردارد، بلکه علتی جز این ندارد که ما بدیشان مهلت می دهیم تا (برطبق سنت الهی آفرینش) برگناهان و جنایات خود بیفزایند و در این حال عذاب خوار کننده بدنبال دارند.
(آل عمران/۱۷۸)

مردم مسلمان ایران

مبارزه و مقاومت دلیرانه شما در برابر نظام جبار و ستمگر، شاه را در برابر وضع دشواری قرارداد، از یک طرف در برابر ارباب امپریالیست و استعمارگر خود متعهد بود شیوه‌های سرکوب گذشته را علناً تجدید نکند و «فضای باز سیاسی» را مسدود ننماید و از طرف دیگر تخت و تاج خود را در برابر امواج سهمگین اعتراضات خشم آلود توده رنج دیده و روشنفکران مبارز در خطر قطعی می دید.

تحلیل ریشه‌ای عوامل و شرایطی که به اتخاذ سیاست خشن و در عین حال دو پهلوی شاه منجر شده است برای تعیین وظایف اصلی و اساسی نیروهای انقلابی مسلمان و روشن کردن راه دشوار آینده ضرورت کامل دارد. چندعامل یا جریان عمده در حال حاضر در صحنه سیاسی - اجتماعی ایران در حال تعامل و تاثیر متقابل روی یکدیگرند.

اول - قدرتهای استعماری که برای تثبیت اوضاع ایران و تضمین منافع اساسی (اقتصادی و سوق الجیشی) خود همچنان با سیاست خود کامه شاه و سیاست ورشکسته

وی مخالفند و برای جلوگیری از رشد زمینه‌های انقلاب، روشهای دیگری را پیشنهاد میکنند. کمال مطلوب آنان یکنوع حکومت لیبرال و آزادیخواه بمعنای غربی آن است که در آن نظام سرمایه داری وابسته و در خدمت آنها استوار بماند و بجای شاه گروهی از سیاستمداران معتقد به دموکراسی غربی و طرفدار و وابسته به قدرتهای استعماری باروشهای دموکراتیک کشور را اداره کنند، دور از دزدی و فساد بن بست های اقتصادی و اجتماعی را گشوده با تغییرات روبنائی و انجام بعضی اصلاحات از عدم رضایت توده بکاهند و با دادن آزادیهای نسبی و محدود، روشنفکران را جلب کنند و سرانجام کشور را از لحاظ سیاسی اقتصادی و نظامی همچنان وابسته به استعمار نگاهداشته، آنرا بصورت یک قدرت نیرومند و مهارکننده در منطقه خلیج و اقیانوس هند در آورده برای پیشبرد هدفهای استعماری حفظ منابع نفتی و راهها و خطوط و مواضع سوق الجیشی و سرکوبی جنبشهای انقلابی مورد استفاده قرار دهند. آنها با هیچیک از جنبه های رژیم خودکامه شاه مخالف نیستند، که همه در جهت تامین و تضمین هدفهای اساسی آنها بوده است، جز آنکه تصور میکنند سیاست استبدادی شاه وسلطه خانواده فاسد و غارتگر او علت نارضائتی های مردم و عامل رشد شرایط انقلاب در ایران است. آنها با تضادهای اساسی بین مطامع خود و منافع مردم ایران کار ندارند. فساد و دزدی و غارتگری شاه و خانواده و اطرافیان او را عامل خشم مردم می دانند ولی ورشکستگی اقتصادی ایران را که نتیجه سلطه آنها بر اقتصاد کشور است و کشاورزی و صنعت ما را در پای آن قربانی کرده است بحساب نمی آورند. غارت شبانه روزی منابع طبیعی این سرزمین را حق طبیعی خودشان می دانند و سالیانه میلیاردها دلار پولی را که از خزانه این ملت فقیر بیرون میکشند و بجیب صاحبان صنایع اسلحه سازی میریزند و با اینکار هم اقتصاد بحران زده خود را رونق می بخشند و هم با اسلحه ای که با پول ملت به حکومت ایران فروخته اند فرزندان برومند خلق مسلمان را بقتل می رسانند و هرفریاد اعتراضی را با گلوله پاسخ می دهند- و از چاههای نفت که باید صنایع آنها را بپرچاند و خطوط ارتباطی آن و مواضع سوق الجیشی در خلیج و اقیانوس هند پاسداری و حراست کند همه عادی تلقی می نمایند. آنها قبول ندارند که همه این بلاها و آفات خانمانسوز و استقلال

برباد ده و نابود کننده که قرنی است بر مردم ایران و همه ملل اسیر و تحت ستم استعمار وارد آمده و می آید، و حتی بقاء و تکامل حکومت استبدادی ایران و توسعه فساد و انحطاط فرهنگی و اجتماعی و ورشکستگی کامل سازمانهای اداری و اجرایی و هزاران آفت شوم دیگر همه نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم تسلط قدرت های استعماری بر ایران است.

و امروز هم اگر در بلندگوهای خود از حقوق بشرو آزادی دم می زنند هدفی جز تضمین حاکمیت و سلطه استعماری خود و جلوگیری از گسترش نارضایتی و رشد انقلابهای آزادیبخش نمی باشد. مردم مسلمان ما همانند دیگر ملل اسیر و تحت سلطه دیرگاهی است به نیات شوم و فریب و خدعه های غولان و شیاطین استعمارگر پی برده و از آن آگاهند و از همین آگاهی است که تضاد اساسی بین هدفهای برحق ملت ایران و سیاستهای استعماری خود را نشان میدهد و قدرتهای سلطه جورا نگران می سازد. بهمین جهت مردم رنج دیده ایران میدانند که فقط با شاه و دارودسته او طرف نیستند که در مقابل آنها قدرتهای بزرگ استعماری جهانی ایستاده اند. اما آنها بی میل نیستند که مردم همه عوامل بدبختی خود را فقط در ماهیت اشخاص جستجو کنند- درست است که شخصیت محمدرضا شاه در جهت قلدری و استبداد، دزدی و فساد، قتل و آدمکشی، قساوت و بیرحمی، سودجویی و پول اندوزی، عیش و عشرت به گونه ای مسخ شده است و سلطه اینگونه تمایلات افراطی او را از صورت و ماهیت انسانی خارج ساخته، دیوانه وار در جهت مقاصد خود عمل میکند اما این عامل فقط بر شدت شرایط حاکم بر مردم می افزاید و خطوط رنج و ستمگری را عمیق تر میسازد و بهمین جهت هر عنصر دیگری در حال حاضر بهتر از این شخص است گرچه عبیدالله بن زیاد باشد^۱ و بسقول امام خمینی «تا شخصیت عنصر جدید بمرحله فعلی محمدرضا شاه تنزل پیدا کند مردم فرصت پیدا میکنند نفسی بکشند و حرکتی بکنند.» اما نباید تصور کرد بدون تغییر اساسی نظام

(۱)- اشاره به آخرین خطابه مرجع عالیقدر امام خمینی بعد از قتل و کشتار اخیر رژیم در قم و سایر شهرستانها.

حاکم فقط با رفتن شاه و مثلاً آمدن ولیعهد یا یک قلدر نظامی و حتی یک سیاستمدار وابسته و دست نشانده تضادهای اساسی بین منافع مردم و رژیم حل میشود. خواستهای اساسی مردم ایران که متضمن استقرار حاکمیت مردم و نفی استبداد و استثمار و سلطه و استعمار و نان و آزادی و برادری و برابری است با مطامع استعماری قدرت های سلطه جو و وابستگان آنها در داخل مغایرت و تضاد تام دارد بهمین جهت مبارزه تاریخی ملت مسلمان ایران تا وصول باین هدفها ادامه می یابد و هیچ تغییر و بنائی آنها را در نیمه راه متوقف نمی گرداند.

دوم- همین عامل و خصوصیت شخصی شاه است که پیشبرد سیاست تازه استعمارگران را دشوار ساخته است و بهیچ قیمتی حاضر نیست حتی یکقدم از راهی که پیش آمده است عقب نشینی کند و از مطلق العنانی خود دست بردارد، دیوانه وار به قدرت بلامنزاع خود دل بسته است. خواست اربابان استعمارگر آنست که شاه چنان فضای بازی را اجازه دهد که در پرتو آن و در طول مدت کافی یک نیروی سیاسی مستقل از شاه که تا اندازه ای از اعتماد عمومی برخوردار و سلامت و صلاحیت لازم برای اداره کشور و حل مشکلات را داشته باشد و در ضمن با منافع حیاتی آنها و یا بنیادهای نظام موجود مخالف نباشد، تکوین یافته و تدریجا رشد کند تا در اولین فرصت مناسب بطریق مسالمت آمیزی همه یا قسمتی از اختیارات شاه به این نیرو منتقل گردد. شاید تا آنموقع شاه حاضر شود داوطلبانه برفع توله اش کنار رود و کار انتقال قدرت بطور عادی و بدون مشکلی انجام گیرد، ولی تضاد شاه با ارباب ها از همین جا پدید آمده است که وی حاضر نیست هیچ نیروئی را در قدرت مطلقه خود سهیم کند و هیچ انتقادی را بر سیاستهای داهیانه! و مدبرانه! خویش نپذیرد. از همین شکاف و تضاد بین شاه و قدرتهای استعماری است که جنبش رهائی بخش ملت ایران توانسته است ضربه های تاکتیکی تازه ای به رژیم وارد آورد و آنرا در تنگنا قرار دهد و مبارزه خود را توسعه و تکامل بخشد.

شاه در مصاحبه اخیر خود نشان داد که در برابر خواست اربابان، مقاومت میکنند و دیوانه وار از موضع خویش دفاع می نماید. مصاحبه کنندگان که در

وابستگی شان به سیاستهای ضد مردمی تردیدی نیست با سئوالات حساب شده خود سعی کردند این موضع سرسختانه شاه را نمایان سازند. شاه کوردل که محو قدرت مطلقه خویش است ناشیانه در دام افتاد و علناً مخالفت خود را با هر نوع سازش و نرمشی در برابر جریانات اصلاح طلبانه و قانونی اعلام کرد و راه هرگونه امکان مسالمت آمیزی را مسدود ساخت. شاه با این مصاحبه و با سیاستی خشن و سرکوب کننده که پیش از آن اتخاذ کرده است به اربابان خود ثابت کرد که سیاست فضای باز آنها و تغییراتی که در جستجوی آن هستند، با وجود او در راس حکومت جمع شدنی نیست. آنها یا باید دست از این برنامه تازه بردارند و او را مثل گذشته در بست و بدون قید و شرط تایید کنند و یا برای پیشبرد هدفهای خود به زور متوسل شده، با خشونت برکنارش سازند. بازهم تاکید میکنیم که این تضاد هرگز نشانه وجود خصولتهای مثبتی بنفع مردم در شخصیت شاه و یا ضدیت او با استعمار نیست، وی تا کنون بهتر از هر قلدر دیگری در جهان به منافع استعمار و آمریکا خدمت کرده است و آسانتر از هر خیانتکار دیگری در تاریخ منافع و مصالح ملت و سرزمین خویش را فدای مطامع بیگانه ساخته است، تضاد بین او و اربابها از اینجاست که او آنقدر بی شعور و کوردل و احمق شده است که نمیتواند مثل آنها مصلحت دراز مدت خود و منافع اربابها را تشخیص دهد. آنها اندیشیده عمل میکنند ولی شاه قدرت تفکر و تعقل را از دست داده است و ده اسبه در سراشویی سقوط و نابودی می تازد. شاه به مرحله ای رسیده است که قرآن از آن به عنوان مرحله نهائی عمر جباران و طاغوتها توصیف میکند.

سیاست جدید شاه در کشاندن نیروهای مسلح ارتش و پلیس به خیابانها و سرکوبی و قتل بیرحمانه مردم در خیابانها و بازارها و در مساجد و دانشگاهها و خانه مراجع بزرگ مذهبی و اعلامیه های شدیداللعن و دیکتاتور مآبانه او مبین حقایق اساسی زیر است:

اولاً خلق ستم دیده و مبارز ایران به رهبری نیروهای پیشرو و انقلابی مسلمان و به هدایت مرجع عالیقدر و مبارز سرسخت امام خمینی به حق نظام شاهنشاهی و حکومت مطلقه محمدرضا شاه را اولین و مهمترین مانع در راه تحقق خواستههای خود معرفی

کرده‌اند. شعار مرگ بر حکومت یزیدی شاه، نفی نظام شاهنشاهی در این مرحله از مبارزه درست انتخاب شده است و هیچکس نمیتواند در این حقیقت شک کند که جز با نابودی حکومت شاه پشروی در راه استقرار یک حکومت ملهم از تعالیم آزادی‌بخش توحیدی تحقق پذیرد. ضرورت‌های عینی طرح این شعار بقدری ملموس و محسوس‌اند که بسرعت در تمام فضای کشور طنین افکنده همه جا با استقبال پرشور مردم خشمگین و ستم‌دیده مواجه گشت. بهمین دلیل این بار برخلاف پیش شاه توده مردم را مستقیماً در مقابل خود می‌یابد و خطر را برگردد تاج و سرخویش در پرواز می‌بیند. این گام تکاملی در مبارزه ملت ایران که برهبری جنبش انقلابی اسلامی و هدایت امام خمینی برداشته شد، پیروزی بزرگی محسوب میشود که باید بخوبی از آن پاسداری گردد.

ثانیاً- شاه که دفاع از موقعیت خود را با خواستهای مردم در تضاد قطعی می‌بیند چاره‌ای جز توسل به زور و استفاده از تنها نیروی در اختیار خویش (ارتش و پلیس) ندارد. اعزام نیروهای مخصوص و فرماندهان نظامی مورد اعتماد به قم برای سرکوبی قیام‌کنندگان و یورش دیوانه‌وار به مردم و خانه‌های مراجع مذهبی و اشغال نظامی شهرهای قم و تبریز و استقرار واحدهای ارتشی و پلیس و ژاندارمری در تمام نقاط حساس و در کوهها و معابر همه در عین حال از وحشت و هراس شاه گواهی میدهند. شاه می‌بیند همه مردم ضد او هستند پس باید فقط به نیروهای مسلح خود تکیه کند.

ثالثاً- در گسترش سیاست جدید سرکوب و قتل عام با مقاومت ارباب روبرو است، قدرتهای استعماری در عین حال که سرکوبی شورشها و مبارزان انقلابی را کاملاً تایید میکنند از توسعه آن بهمه گروههای مخالف حکومت به گونه‌ای که شرایط گذشته را از هر لحاظ تجدید کند ابا دارند. شاه در این قسمت ناچار از رعایت احتیاط است. از هم اکنون از یکطرف بازداشت‌های وسیع و فقط بدلیل داشتن اعلامیه و نوار و اعزام به محاکم نظامی و دادن محکومیت‌های سنگین آغاز شده است^۱. ضرب و شتم

(۱)- چهار دانشجو را فقط بجرم داشتن جزوه هائی حاوی نامه‌های با امضاء در دادگاههای نظامی اول به ۱۵ سال و ۷ سال زندان محکوم ساختند.

دانشجویان و مردمی که حتی به آرامی اجتماع کرده خواستهای خود را اعلام می کنند با خشونت و بیرحمی فوق العاده ای انجام میگیرد، هدف از این اقدامات سرکوبی نیروهای انقلابی ضدشاه و خارج کردن قیام کنندگان از صحنه مبارزه است.

رابعاً- شاه در عین حال که امکان هرگونه مصالحه را حتی با کسانی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت دارند رد می کند و آنها را خائن و نوکر بیگانه قلمداد می نماید نمی تواند علیرغم سیاست ارباب خود به سرکوبی علنی و سریع آنها بپردازد، ناچار عاجزانه حضور آنها را در صحنه تأیید و تحمل میکند اما با تمام قوا می کوشد این گروهها بصورت یک نیروی سیاسی پا نگیرند و تشکل پیدا نکنند. مانند گذشته از تکوین و ظهور هر نیروی رقیب بسختی در هراس است لذا با اتهامات مسخره و تکراری که اینها کمونیست هستند و با توده ایها موتلف اند و میخواهند ایران را تجزیه کنند به خیال خود اربابش را میترساند و به مردم ساده لوح و به افکار عمومی خارج از کشور و سیاستمداران غربی تلقین میکند که جانشین بلافصل من کمونیستهای تجزیه طلب و دست نشانده روسها هستند پس باید در اندیشه فرصت دادن به رشد نیروهای سیاسی مستقل از من نباشید^۱ که در اینصورت همه منافع شما بخطر می افتد.

خامساً- شاه در این مصاحبه در عین حال که از شدت عمل و سختگیری و به خیال خود از موضع قدرت سخن می گفت، ضعف و شکست سیاستهای خود را آشکار ساخت و در برابر سؤوالهای خبرنگاران مجبور شد اعتراف کند که برنامه های اقتصادی او شکست خورده است و مردم هرگز از حکومت او راضی نیستند و حزب ساخته رسوای او هیچ کاری صورت نداده و با وجودیکه ۱۹ اصل انقلابی!! و شاهانه ارائه داده مشکلات و تنگناها با شدت و جدت بیشتری پابرجا و خشم توده ناراضی روزافزون است و اکنون در برابر کوهی از تمناها وسیلی از قیام و اعتراض مردم چپته اش از «اصل» خالی است و چیزی برای گفتن ندارد لذا از اینکه بتواند مردم را بطرف خود جلب کند

(۱)- تبلیغاتی که در مورد انقلاب افغانستان براه انداختند از همین جهت بود و گویا موفق نشدند حتی بعضی از رهبران مذهبی را هم بترسانند و دچار تردید کنند.

کاملاً مایوس است و امیدی جز به ارتش خود ندارد. او حتی نتوانسته است همکاری صمیمانه روزنامه نگاران مزدور و دادگستری دست نشانده را هم بطور رضایت بخشی جلب نماید. شاه نتوانست هیچ برنامه‌ای یا راه حلی ارائه دهد. این عجز کامل در برابر شرایطی که مستقیماً علیه او رشد می‌کند نشانه خطرناکی برای رژیم اوست. با توجه به عدم تعادل دماغی که بدان مبتلاست از روی بی‌شعوری، بطور قطع بیش از گذشته بر سر نیزه تکیه خواهد کرد، و در این راه تا آنجا می‌رود که همه جباران تاریخ پیش رفتند.

ساد سآ- روش شاه و اظهارات او در مصاحبه مطبوعاتی نباید اربابها را چندان راضی کرده باشد درست است که گسترش شورش در ایران و انقلاب افغانستان قاعدتاً موجب میشود اقدامات شاه را تایید و وجودش را در حال حاضر لازم بشمارند، اما بیش از گذشته آشکار شد که شاه از حفظ ثبات کشور برای آینده درازمدت عاجز است و کمتر از هر کس دیگر میتواند با مردم کنار بی‌آید و چون علناً و لجوجانه نسبت به رشد هر نیروی سیاسی دیگری عدم تحمل نشان میدهد، خواه ناخواه کار را بر خود و نیروهای بیگانه سخت میکند و به آنها هم ثابت می‌کند که احمق‌تر و بی‌شعورتر از آنست که برای انجام اصلاحات و تغییرات مطلوبی بشود با او کنار آمد.

تردید نیست که توسعه جنبش آزادیبخش مردم و اوج گیری مبارزه علیه رژیم شاه در یکسال اخیر به عوامل چندی بستگی داشته است که عمده آنها عبارتند از رشد ضرورت‌های عینی یعنی تشدید مشکلات اقتصادی و ظلم و ستم بیحد بر مردم، استمرار مقاومت و مبارزه نیروهای پیشرو جامعه، رشد آگاهی مردم در پرتو اعتلای فرهنگ انقلابی اسلامی، رشد و توسعه کمی و کیفی نیروهای پیشگام و انقلابی مسلمان و بالاخره بروز شکاف و تضاد در سیاست‌های شاه و ارباب‌های استعمارگر او.

جنبش از عوامل اخیر بخوبی سود جست و قشرهای بزرگی از مردم رنج‌دیده را به میدان مبارزه با رژیم کشاند و شعارها را تکامل بخشید و آگاهی مردم را بسرعت بالا برد بطوریکه امروز میتوان از یک مقاومت و مبارزه عمومی سخن گفت.

روشنگری‌های گروه‌های پیشگام مسلمان و هدایت‌های مستمر و بموقع امام خمینی سبب شد هدفها و انگیزه‌های مبارزه روشن شود. این اقدامات و روشنگری‌ها که

در تکامل مبارزه بسیار موثر بوده، فرصت طلبها را خلع سلاح کرد و جریان‌ات غیراصیل را بی اعتبار نموده و امکان منحرف کردن مبارزه و فریب مردم را بسیار ضعیف ساخته است. کار به آنجا رسیده است که همه میدانند حتی تحقق خواسته‌های مرحله‌ای مردم که در چارچوب قوانین اساسی اعلام میشود، با وجود شاه و سلطنت او میسر نیست، بطوریکه طرح شعار سیاسی نفی سلطنت محمدرضا شاه بعنوان فوری‌ترین شعار حل مشکلات و تضادهای جامعه کنونی ایران کاملاً منطقی بوده مورد قبول همه جناحها و جریان‌ات مبارزه جو قرار می‌گیرد و حتی با شکاف و تضاد بین رژیم و اربابهای استعمارگرش هماهنگی دارد.

اما خواسته‌های اساسی مردم مسلمان ایران با بنیادهای نظام موجود در تضاد است. اگر نتوان با اقدامات سیاسی و فشار افکار عمومی و قیامهای مردمی شاه را برکنار کرد و بعضی خواسته‌های مردم را جامه عمل پوشاند تغییر نظام و استقرار یک نظام اسلامی جز با کمک اسلحه و طی یک جنگ دراز مدت مسلحانه عملی نمیشد.

ولی باید توجه داشت که در حال حاضر با وجود بیداری عمومی و وجود حالت اعتراض در بین همه طبقات قشرهای تحت ستم در شهر و روستا، عملاً مقاومت و مبارزه محدود به دانشجویان و روشنفکران مذهبی و قشرهای آگاه بازاری و پیشه‌وران خرده پا است و طبقات کارگر و مزدوران دولتی در شهرها با وجود ناراضی در اعتصابات شرکت نمی‌کنند. بیشک وادار کردن رژیم به عقب نشینی و تسلیم در برابر بعضی خواسته‌های مردم مستلزم شرکت این طبقات در مبارزه مقاومت است.

در تحلیل علت عدم شرکت دستجمعی کارمندان دولتی و خصوصی و کارگران در اعتصابات و تظاهرات سیاسی بیش از آنچه عامل مصرف یا عامل دیگری اثر داشته باشد، ارباب و ترس ناشی از اقدامات پلیسی و مامورین امنیتی موثر بوده است. توده‌های کارگر و کارمند اولین قربانی بحران اقتصادی و استثمار و ستمگری رژیم هستند. آگاهی آنها نسبت به موقعیت حساس و تعیین کننده‌ای که دارند و شرکت آنها در مبارزه مردم علیه رژیم هیئت حاکم را در وضعیت بسیار دشواری قرار خواهد داد و قیام عمومی را وارد مرحله‌ای تازه خواهد نمود.

گسترش شعله های قیام در بین سایر طبقات محروم جامعه، رژیم را به بن بستهای خطرناکی می راند و شاه مجبور میشود نیروهای مسلح را در یک جنگ و برخورد دائمی با مردم نگاهدارد. نیروهای مسلح و در وهله اول افسران جوان و درجه داران و سپس سربازان در این برخورد و تماس تدریجاً به بسیاری از حقایق آشنا میشوند و درباره مفهوم و معنای برادرکشی که شاه بر آنها تحمیل میکند می اندیشند و بزودی متوجه میشوند که نه برای میهن و نه در دفاع مردم و تامین امنیت جامعه و نه علیه دشمن بیگانه که فقط برای حفظ تاج و تخت شاه و ادامه ستمگری و خودکامگی او و پاسداری منافع بیگانه و اربابهای استعمارگرش مجبوراند مردم محروم و رنجدیده و فرزندان برومند و خواهران و برادران مسلمان خود را با اسلحه آمریکائی و اسرائیلی قتل عام کنند بزودی آگاه میشوند که بجای دفاع و حراست از منافع مردم و کشور خویش از منافع و مصالح استعمارگران و در رأس آنها آمریکاو دیکتاتور دست نشانده و بیمار و دیوانه، نگاهداری میکنند. آنها بر محرومیت های خود آگاه خواهند شد و شرایط زندگی خود را با فرماندهان عالیرتبه و فاسد و کثیف و خود فروخته ارتش مقایسه خواهند کرد. آگاه کردن برادران ما در نیروهای مسلح ارتش و پلیس و ژاندارمری، در شرایط حاکم در ایران و ماهیت پلیس و بیمارگونه شاه دیوانه و خائن یک وظیفه عمده و اساسی نیروهای پیشرو جنبش است.

در بین تمناهای یادشده بین خلق مسلمان ایران و شاه و قدرتهای استعماری باید گفت که تضاد و مبارزه مردم با قدرتهای استعماری و سرمایه داری وابسته بآن در مرحله بعد از حل تضاد خلق با شاه قرار دارد و جنبش آزادیبخش مردم ایران با اولویت دادن به شعار نفی سلطنت محمدرضا شاهی میتواند از شکاف تاکتیکی بین شاه و اربابهای استعمارگرش سود جوید و مبارزه سیاسی با رژیم را توسعه دهد. در همانحال تلاش مستمر در جهت رشد مبارزه مسلحانه و تدارک جنگ دراز مدت انقلابی با کل رژیم و قدرتهای استعماری نگاهبان آن باید باشد و سرعت دنبال گردد.

شاه در زمینه سیاست داخلی دو هدف را دنبال میکند: اول سرکوبی بیرحمانه و خشن نیروهای مبارز و توده قیام کننده برای بیرون راندن آنها از صحنه پیکار و

خاموش کردن آتش قیام خلق مسلمان. در این زمینه برای جلب حمایت ارباب قیام کنندگان را به ارتجاع موهوم سرخ و سیاه منتسب میکند اگرچه این حنا کاملاً رنگ باخته است و امروز کم و بیش همه میدانند که قیام عمومی مردم دارای خصلتی توده‌ای و اسلامی و هدفهای صریح و روشن مترقیانه و انقلابی است. مصاحبه امام خمینی با مخبر لوموند خطوط اصلی و هدفهای جنبش را روشن ساخته است و دشمنان رنگارنگ جنبش اسلامی ایران را خلع سلاح کرده است. میتوان گفت که آمریکا و قدرتهای استعماری با شناختی که از خصلت‌های انقلابی جنبش دارند شاه را در سرکوبی هایش تأیید می‌کنند.

دوم- شاه سعی میکند نیروها و گروههای سیاسی مترقی و روشنفکران آزادیخواه را با اتهامات مضحک بی اعتبار سازد و با ارباب و تهدید و اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیتهای مستقیم و غیرمستقیم از تشکل و رشد آنها جلوگیری بعمل آورد تا این اسلحه قدیمی او که اگر من نباشم نیروی جانشینی جز کمونیستها یا هرج و مرج طلبان وجود ندارند همچنان بُرندگی خود را حفظ کند و این درست همان چیزی است که آمریکا ظاهراً با آن مخالف است و فضای باز سیاسی را برای رشد و تکامل نیروهای سیاسی چانشین شاه لازم میدانند.

شاه در سرکوبی تازه‌اش برخلاف ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ هیچ حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و بی اعتباری تمام ادعاهایش ثابت شده است. اگر آنروز برنامه اصلاحات ارضی تحمیل شده از طرف ارباب و اصلاحات اقتصادی را مستمسک سرکوبی خلق و وسیله جلب حمایت توده مردم و اربابها قرار داد و چندی بعد از آن هم درآمد بیست میلیارد دلاری نفت بداد او رسیده اکنون با یک اقتصاد ورشکسته، کشاورزی نابود شده و صنعت پوشالی و درآمد ملی وابسته به نفت و در مقابل هزینه‌های سرسام‌آور خرید اسلحه و تاسیس پایگاههای زمینی و هوایی و دریائی و نگاهداری نیروهای مسلح و پلیس و امنیت و.... چه خواهد کرد. تورم ناشی از اقتصاد بیمار و ضدملی، تحمیل مالیات‌های کمرشکن به مردم، هزینه‌های طاقت فرسای زندگی همراه با رشد آگاهی و بیداری خلق، جامعه را به انبارباروتی تبدیل ساخته است که هر دم امید اشتعال آن

میرود.

در زمینه سیاست خارجی از یکسوقدترتهای استعماری غرب را از شیخ کمونیست موهوم می ترساند و ماهیت انقلابی و ضداستعماری جنبش مسلمانان را برخ آنان میکشد و با انعقاد قراردادهای جدید تجاری و خرید میلیاردها دلار کالا و اسلحه از حساب ملت ایران حمایت آنها را جلب مسی کند^۱. شاه با همین روش دیگر قدرتهای استعماری و سرمایه داری جهانی را راضی نگاهداشته است.

از سوی دیگر با ممالک کمونیست همچنان لاس تجاری و سیاسی میزند. شاه بخوبی از ماهیت سوداگرانه کمونیستها مطلع است و اتفاقا آنها را قانع تر از سرمایه داران غربی می بیند، با تکه گوشتی زبان به تمجید او می گشایند. اگر شاه سالها است در ممالک سرمایه داری غرب امنیت ندارد و چندسال است از ترس تظاهرات مردم آن کشورها و ایرانیان مقیم از مسافرت به آن ممالک خودداری میکند، در کشورهای کمونیست با استقبال گرم و پرشور و فرمایشی و دولتی روبرو میشود. رهبران کمونیست و نمایندگان مردم دستهای تاهرق در خون شاه را می فشارند و کودکان تاج گل به جلاذ تقدیم میکنند و به او بخاطر کشتن انسانها و پایمال کردن آزادی و حقوق بشر، دکترای حقوق عطا میکنند و به زنش دکترای فلسفه و خلق برای پیروزی او در جنگ با مردم هلله میکنند و هورا می کشند. احساس امنیتی که شاه در این ممالک میکند حتی در کاخ نیاوران و در حصار تانک ها و سرنیزه ها هم از آن محروم است. شاه چرا نگران ممالک کمونیست باشد در حالکیه می بیند وقتی پای منافع اقتصادی و نفوذ سیاسی در میان است همه آرمانها و شعارها از محتوا خالی میشوند. آنها نیز در جستجوی مناطق تحت نفوذاند، اگر نه، جنایت های دیکتاتور نظامی و کمونیست حبشه علیه آزادیخواهان حبشه و لشکرکشی و قتل عام و اعمال سیاست قوم کشی در باره خلق انقلابی و استقلال طلب اریتره با حمایت مستقیم و علنی و همه جانبه شوروی را چگونه میتوان توضیح داد.

(۱) - توجه کنید باظهارات نخست وزیر انگلیس در پاسخ انتقاد بعضی نمایندگان کارگرنسبت به فروش اسلحه به شاه که برای سرکوبی مردم بکار میرود. وی در پاسخ صریحا از منافع عظیم بارزگانی انگلیس در ایران سخن گفت و بطور ضمنی فهماند که منافع اقتصادی تنها علت طرفداری از شاه و سیاستهای او میباشد.

خلق مسلمان ایران طی یک قرن تجربه و آزمایش در صحنه پیکار اجتماعی و در پرتو آموزشهای مکتب توحیدی به این حقیقت ایمان آورده است که جز به قدرتهای لایزال و سنت های تغییر ناپذیر واراده و خواست تحقق پذیر الله و نیروی کوبنده و زوال ناپذیر ناس نباید تکیه کند. مردم تا وقتی ضعیف اند قدرتهای سودجو روی سرنوشت آنها مصالحه میکنند، تنها وقتی مستضعفان در سایه اتحاد و ایمان به حق نیرومند شوند نظرها بسویشان جلب میشود.

تنها از موضع قدرت و در سایه اتکاء به نیروی خودی است که میتوان از امکانات و ازیاریهای دیگران بهرمنند شدی آنکه خطر فدا شدن مصالح امت یا پایمال شدن هدف در میان باشد.

در برابر شرایط تازه ای که از برخورد مردم مبارز ایران با شاه بوجود آمده است وظیفه پیشگامان جنبش آزادیبخش مردم مسلمان ایران همچنان سنگین است، تشخیص درست موقع، تحلیل درست مسائل روشنگری و هدایت خلق، انتخاب خط مشی واحد و تاکتیکهای مناسب، داشتن تحرک و ابتکار عمل، شکل و سازماندهی فوری و سریع برای بسیج همه طبقات و قشرهای محروم برای ورود بمرحله جنگ مسلحانه دراز مدت با دشمن بایستی در مدنظر قرار گیرد.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق مسلمان ایران

نابود باد رژیم طاغوتی پهلوی

مستحکم باد اتحاد نیروهای اصیل و مبارز اسلامی

«جنبش مسلمانان ایران»

خرداد ۱۳۵۷

بسمه تعالی

الْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ - مُبِيرِ الظَّالِمِينَ - مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ - نَكَّالِ الظَّالِمِينَ - صَرِيحِ
الْمُسْتَضْرِحِينَ

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (۱۲ محرم ۱۳۸۳) نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت
ستمیدیده ایران است.

در این روزه‌ها نفر از افراد ملت ایران که به عنوان اعتراض به اقدامات ضد
انسانی و ضدقانونی حکومت بخصوص دستگیری و زندان آیت الله خمینی در خیابانها به
تظاهرات آرام مشغول بودند هدف رگبار مسلسل دژخیمان سلطنت خود کامه پهلوی قرار
گرفتند و چندین هزار نفر تنها در تهران به خاک و خون افتادند.

رژیم از همانروز اصرار داشت که این حرکت مردمی و اصیل را لکه دار کند و
این خاطره را با تحریف در اذهان وارد سازد.

امسال که مردم ایران تصمیم دارند خاطره این روز را در پانزدهمین سالگرد آن
گرامی دارند، رژیم با توطئه‌ای وسیع قصد دارد ضربه‌ای قطعی بر جنبش آزادیخواهانه و
ضداستبدادی مردم حق طلب ایران وارد سازد.

ما ضمن تجلیل از خاطره شهدای پانزده خرداد ۱۳۴۲ و شهدای سالهای بعد از آن
و به پیروی از نیات مقدس مرجع عالی مقام آیه الله العظمی خمینی، و برای نقش برآب
کردن توطئه وسیع دشمن، به مردم شریف ایران توصیه میکنیم که روز دوشنبه
۱۵ خرداد ۱۳۵۷ تا ساعت ۵ بعد از ظهر از خانه‌های خود بیرون نیایند و با سکوت و مبارزه
منفی شکوهمند خویش مشت محکمی بر دهان یاوه سرای رژیم استبداد حاکم بکوبند.

«جنبش مسلمانان ایران»

خرداد ۱۳۵۷

..... وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ.

و بدون تردید خداوند حیله‌ای را که از روی
خیانت (عدم صداقت و تقوی) انجام شده باشد به
نتیجه‌ای (رو به رشد) هدایت نمی‌کند.

(یوسف / ۵۲)

هموطنان مبارز

جنبش مسلمانان ایران از یکسال قبل این مسئولیت را احساس کرده و لازم دیده است در فرصتهای مناسب افشاگری و تحلیلهای روشنگرانه‌ای برای خلق اسیر و مبارز ایران منتشر نماید و در جهت تشکل انقلابی مردم و اقدام بموقع علیه استبداد و استعمار و فرصت طلبی و چپ‌نمائی و نفاق سهمی داشته باشد.

از آنجاکه این تحلیل‌ها بعنوان اسناد قابل اعتماد و استنادمورد حسن ظن و استقبال بسیاری از مردم حقشناس و مجاهد ایران قرار گرفته است، اخیراً عده‌ای نا آشنا به مسئولیت اجتماعی از این اعتبار و نام سوء استفاده کرده و باحسن نیت در خردادماه شرح حالی از متفکر بزرگ و مجاهد عالیمقام دکتر شریعتی به مناسبت سالروز شهادتش بنام «جنبش مسلمانان مبارز ایران» منتشر کرده‌اند و عده‌ای دیگر با زیر پا گذاشتن اخلاق و تقوی اسلامی در تحلیلی سیاسی بتاریخ تیرماه حرفهای نفاق افکنانه خود را تحت نام و امضای «جنبش مسلمانان مبارز» و نقل آیات ۵۲ و ۵۱ سوره توبه در ابتدای اعلامیه بصورت بسیار حیله‌گرانه و متقلبانه و دقیقاً بشکل و قالب نوشته‌های سابق جنبش مسلمانان ایران منتشر کرده‌اند.

این توطئه‌گران عمل منافقانه خود را در پشت نقاب طرفداری از مرجع آگاه و بزرگ آیه‌الله العظمی خمینی و مجاهد شهید دکتر شریعتی پنهان کرده و ناجوانمردانه

دروغها، تحریفها، و اتهاماتی متوجه یکی از مخلصترین و پایدارترین چهره‌های مبارز مسلمان ضد استبداد میکنند.

ما باینوسیله به مردم مبارز و شریف ایران هشدار میدهم که توطئه‌ای وسیع برای ایجاد تفرقه و دشمنی در صفوف مسلمانان مبارز در کار است و صریحاً اعلام میداریم این سوءاستفاده‌ها از ناحیه هر فرد یا گروهی باشد عملی ضد اخلاقی و محکوم است و از ملت مبارز ایران مصراً خواستاریم که برای نقش برآب کردن این توطئه‌های تفرقه افکنانه صفوف خود را فشرده‌تر سازند و به هیچ منافقی اجازه ندهند از احساسات یا روحیه حق طلبی آنان سوءاستفاده کنند.^۱

برقرار باد اتحاد نیروهای اصیل و انقلابی مسلمان

نگ و نفرت بر رژیم دیکتاتوری و سرسپرده پهلوی

جنبش مسلمانان ایران

تیر ۱۳۵۷

۱- بعدها معلوم شد این عمل منافقانه توسط آقای دکتر پیمان انجام شده است بعد از صدور این بیانیه وی رابطه خود را با جنبش مسلمانان ایران قطع کرد و زیر عنوان «جنبش مسلمانان مبارز» به فعالیت پرداخت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ثابت قدم و پایدار باشید. و در برابر پایداری و استمرار دشمن (در شیوه‌های ضد خلقی) از خود مقاومت بیشتر نشان دهید. با یکدیگر در ارتباط باشید و همبستگی کامل خود را حفظ نمایید. از خدا پروا داشته باشید، باشد که پیروز و رستگار شوید.
(آل عمران/۲۰۰)

خواهران و برادران

درد بر شما دلیران مسلمان که پس از رمضان عبادت و خودسازی انقلابی، با تظاهرات شکوهمند خویش در عید فطر و پنجشنبه شانزدهم و جمعه هفدهم شهریور پیکر رژیم منفور ایران را بلرزه در آوردید. این خروش حق طلبانه گرچه در روز ۱۷ شهریور بدستور شاه جلاد به خاک و خون کشیده شد نشان دهنده رشد آگاهی خلق ما و ضامن پروزی نهائی این ملت ستمدیده است.

رژیم خون آشام و سفاک شاه در جریان تظاهرات اخیر سرنوشت قطعی یعنی زوال و نابودی خود را به وضوح لمس کرد و مأیوسانه باین واقعیت پی برد که دیگر با برنامه‌های فریبکارانه‌اش مانند تغییر دولت و نغمه آشتی ملی نمیتواند قهر و نفرت یکپارچه ملت را نسبت به خود فرو نشانند. لذا آخرین تیر ترکش خود را در روز جمعه رها ساخت تا بخیال خود با حکومت نظامی و کشتار جمعی مردم ملت را وادار به عقب‌نشینی کند شاید چند صبحی بیشتر به چپاولگری و سلطه خود ادامه دهد ولی غافل از آنکه اراده ملت قهرمان ایران بیاری خدا بزودی این نظام خود کامه و پوشالی را نابود خواهد کرد. **إِلَّا أَنْ نَصَرَ اللَّهُ قَرِيبًا.**

خواهران و برادران مسلمان

مبارزه ابعادی تازه یافته است. تهاجم انقلابی مردم مسلمان با پیروی از رهنمودهای امام خمینی و الهام از راه پرافتخار پیشگامان مجاهدین خلق و نوشته های شهید دکتر علی شریعتی به رشد خیره کننده ای رسیده است.

امروز فریاد- آزادی، استقلال، حکومت اسلامی- تمامی خانه های تنگ مستضعفین را در نوردیده است. امروز خلق دلیر ما با چشمانی باز و با خمشی دمام افزون شونده، حمله خود را به پاسداران ظلم و پلیدی شدت بخشیده است. طبیعی است در این شرایط زیروروکننده دشمن مردم مسلمان با تمام نیرو به میدان آید و با تمام قدرت درخیمی، برای جلوگیری از دست رفتن منافع عظیم خود که از حلقوم میلیونها انسان گرسنه و محروم دزدیده میشود، بکارگردانی افسران آمریکائی و کمک سربازان اسرائیلی، در یک روز هزاران نفر در زیر رگبار مسلسلها و تانکهای انگلیسی بشهادت برسانند، از یک کودک ۳ ساله نگذرند و به پیرمرد ۹۰ ساله رحم نکنند. ولی خلق دلیر ما با ایستادگی شگفت آفرین و با نثار سخاوتمندانه خون خود در راه خدا نشان داده است که شایستگی آنرا میتواند پیدا کند تا (باذن الله) قدرت عظیم زرادخانه جهانخواران را درهم کوبد و اتحاد شوم آنها و توطئه هایشان را نقش بر آب کرده و نظام توحیدی را جانشین آن گرداند. خلق مسلمان ما، از اعلام حکومت نظامی رژیم مرعوب نگشته و به مبارزه و جهاد طولانی و ابدی خود در راه حق ادامه میدهد، مگر ۵۰ سال مبارزه درخشان و پیگیر ملت ایران در دوران حکومت سیاه دودمان پهلوی جز در شرایط حکومت نظامی بوده است؟

خواهران و برادران

برای درهم شکستن توطئه های رژیم و برای شکوفان کردن هر چه بیشتر مبارزات برضد دشمنان امت مسلمان، و برای بریدن دستهای تامرفق بخون آغشته استبدادیان و استثمارگران و استعمارگران در این مرحله حساس از مبارزه توجه شما را به رعایت نکات ذیل جلب مینمائیم:

۱- با توجه به طولانی بودن مبارزه خلق در راه حاکمیت نظام اسلامی، بر اساس

طرحی منظم و اندیشیده با دشمن روبرو گردید و در این راه از دانش و تجارب مبارزات مشابه بهره گیرید.

۲- با دشمن مکار و جلاد جز با تاکتیکهای پویا و انعطاف پذیر نمیتوان مقابله کرد، از مقابله احساساتی با دشمن بپرهیزید و در فعالیت های مبارزاتی از هوشیاری انقلابی بهره جوئید و آسیب پذیری خود را به حداقل ممکن برسانید.

۳- با دوستان معتقد و مورد اطمینان خود هسته های تشکیلاتی ایجاد کرده و با خودسازی و فعالیتهای درونگروهی تمام کارهای مبارزاتی خود را بشکل منضبط و بصورت تشکیلاتی ادامه دهید.

۴- هیچ نوع کمکی را به جنبش حتی در سطح دادن لیوانی آب بیک مجاهد کوچک مشمارید و از کلیه امکانات خلق مسلمان برای پیشبرد هدفهای جنبش بهره گیرید.

۵- در شرایط فعلی با اعتصابات عمومی، پخش اعلامیه، پرکردن دیوارها از شعارهای انقلابی و نیز گسترش اندیشه های انقلابی به کارخانه ها و روستاها و ادارات و دانشگاهها و بازارها مبارزات سیاسی خود را شدت بخشید.

۶- آن دسته از برادران ارتشی را که هنوز هویت انسانی خود را در ارتش ضد خلقی شاه از دست نداده اند با اهداف جنبش رهاییبخش اسلامی آشنا سازید و آنانرا به پیوستن به صفوف خود دعوت کنید.

۷- همگام با عمل بینش ایدئولوژیکی اسلامی خود را با مطالعه مستمر و منظم ارتقاء بخشید و خلوص ایدئولوژیکی خود را علیرغم تبلیغات و توطئه های فرصت طلب های چپ و راست حفظ نمائید.

پیروزی مبارزه انقلابی خلق مسلمان ایران

برقرار باد اتحاد نیروهای اصیل اسلامی

نابود باد رژیم فاسد پهلوی، دشمن اصلی مردم ایران

جنبش مسلمانان ایران

شهریور ۱۳۵۷

بسمه تعالی

وَلَتَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَىْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ
الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ
إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
ما حتماً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و از دست
دادن اموال و جانها آزمایش میکنیم و صابرين را بشارت
ده، آنان که هرگاه مصیبتی بدیشان رسد گویند ما از
خدائیم و بسوی او بازمی گردیم. (بقره/۱۵۶)

خواهران و برادران مسلمان

در فاجعه زلزله طبرس گروه کثیری از خلق ستمدیده ما جان خود را از دست دادند و اخبار دلخراشی که در ارتباط با این مصیبت میرسد همه مبین ابعاد دیگری از ظلم و ستمی است که بر خلق محروم و بی دفاع ما دز گوشه و کنار این مملکت میگردد. خلقی که تحت ظلم و خودکامگی است و حیات او از هر نظر قرین محرومیت میباشد.

بی شبهه این مصیبت قابل پیشگیری بوده است، چنانچه در دیگر مناطق زلزله خیز دنیا که تعداد و شدت زلزله بمراتب بیش از ایران است، مردم بخاطر حمایت دولت از خطرات آن در امان می باشند ولی در مملکت ما که کوچکترین احساس مسئولیت و تعهدی از جانب حکومت نسبت به مردم وجود ندارد، قهراً پیش بینی های ایمنی و اقدامات اولیه در برابر این قبیل عوارض طبیعی بسیار بعید و دور از ذهن خواهد بود.

مناطق خراسان و فارس بدلیل ویژگیهای طبیعی، زلزله خیز است. خاصه آنکه در سالهای اخیر شاهد تکرار زلزله های متعددی در این مناطق نظیر لار، فیروکارزین، بندرعباس و کاخک بوده ایم که هر کدام بسهم خود خرابی ها و کشتارهای بیشماری به جای گذاشته است.

بنا به اظهار روزنامه های عصر ۵۷/۶/۲۸ دستگاههای ثبت کننده بطور متوسط روزانه ۲۲ زلزله در این مناطق ثبت کرده اند. در چنین وضعی آیا وظیفه دولت نبوده که پیشگیریهایی لازم را برای حفظ جان ساکنان این منطقه بکند؟... خلق مستضعف ایران بخوبی میداند که چنین انتظاری از رژیم فاسد و حکومت جبار ایران چه انتظار عبثی است. رژیم منفور ایران فقط حفظ جان مستشاران آمریکائی و اسرائیلی را که برای کشتن و نابودی خواهران و برادران ما به مزدوری گرفته شده اند وظیفه خود میداند و در قبال امنیت و آسایش آنان احساس مسؤولیت میکند.

شاه که لاف «پوندش» با مردم، هر روز مفتضح و رسواتر از روز قبل می شود، درست در جریان همین سالها، بگفته مفسر هرالد تریبیون بیش از ۲۰ میلیارد دلار صرف خرید اسلحه کرده است و میلیاردها دلار به فرمان ارباب، به دولتهای امپریالیستی انگلیس، آفریقای جنوبی و اسرائیل کمک نمود و همچنین مخارج سرسام آوری را از بیت المال مردم تحت ستم ایران صرف برگذاری جشنهای ضد خلقی ۲۵۰۰ ساله و غیره نمود. این ثروت ملی بجای آنکه صرف تامین بهداشت و فرهنگ و مسکن برای مردم شود و چرخ اقتصاد مملکت را بگرداند به تاراج رفته و ما حاصل آنکه ایران تبدیل به یک پایگاه ارتش آمریکا و مرکز آموزش نظامی و تمرین آدم کشی سربازان و افسران اسرائیلی گردیده است که سلطه استعمار و استیلای خارجی در این سرزمین هر چه بیشتر قوام یابد.

هنوز خاطره کشتار و قتل عام مسلمانان تهران در هفدهم شهریور، مردم این شهر را از عزای عزیزان خود خارج نکرده است و هنوز خون این شهیدان راه حق که بفرماندهی شخص شاه به خاک و خون کشیده شدند سطح خیابانها را گلگون کرده است. هنوز صدای ضجه و فریاد ۷۰۰ ایرانی بیگناه که در سینما رکس آبادان پشت درهای بسته در آتش رژیم سفاک بانظارت رئیس شهربانی شاه سوخته و خاکستر گردیدند، به گوش تمام مردم ایران میرسد و قلوب مردم ملامال از خشم انقلابی است.

در چنین شرایطی رژیم برای سرکوبی این قیام و عصیان خلق متوسل به حکومت نظامی میگردد تا در پناه تانک و مسلسل، هم مساجد را که کانون قیام و

حرکت انقلابی در شهر و روستا بوده است تعطیل کند و هم گویندگان شجاع و بیدار مذهبی را اسیر و دربند نماید. و بجای مساجد کانون مخالفت و اعتراض را به تلو یزیون و مجالس قلبی که تحت کنترل خود میباید بکشاند و بجای گویندگان مذهبی نمایندگان را میدان دهد تا شاید بعد از کشتارها و جنایات بی شمار تحیب قلبی شده باشد و خشم و کینه ها فروکش کند و در خارج نیز، به افکار عمومی آزادیخواهان و مجامع بین المللی نشان دهد علیرغم حکومت نظامی، دموکراسی و آزادی بیان و استقلال نمایندگان، محترم و محفوظ مانده است و مهمتر آنکه با متوجه کردن انتقادات به دولت و شخص نخست وزیر یا امثال نصیری ها و بازداشت مسخره نوکران وفادار و خوش خدمتی همچون روحانی، مهدوی و شیخ الاسلام زاده ها شاه را که مقصر و موثر و فرمانده اصلی این جریانات بوده است مبری نماید و چنین جلوه دهد که اطلاعات درست بشرف عرض نرسیده است؟..... و اکنون که آفتاب عمر حکومتش به لب بام رسیده است شاید چند صباحی دیگر خود را سر پا نگه دارد. اما بین خلق مسلمان ما و شاه هیچگونه پیوندی وجود ندارد. آنچه هست کشتار و جنایت و خیانت از طرف او و خشم و کینه و نفرت از طرف مردم به او و نظام شاهنشاهی اش میباشد.

هنگامیکه دروازه های تمدن واهی ساختگی اش جز سقوط ارزشهای انسانی خلق ما ثمری نداشته و سیاهی «انقلاب» اش روی برنامه های فساد فرعونیان را سپید کرده است و زمانیکه غارت و سرقتها بیکران عوامل فساد داخلی هر کدام با بهره گیری از نظام موجود، اقتصاد کشور را به ورشکستگی مطلق کشانده است، هرگز دور از ذهن نیست مردم مظلوم و ستمکش ایران که در چهار دیواری ای از گل و خشت خام بنام خانه زندگی میکنند و از ابتدائی ترین و ساده ترین وسائل زندگی محرومند، در اثر عوامل طبیعی از قبیل باران، سیل و زلزله بگونه ای قتل عام شوند که بیش از ۹۰ درصد از سکنه شهری نابود گردند.

اکنون، حنای عوام فریبها و خدعه و نیرنگهای شاهانه دیگر رنگی ندارد. خلق ستم دیده و حق طلب ایران بیدارتر از آنست که این برنامه ها برای او اشتغالات ذهنی بوجود آورده و دشمن اصلی را فراموش کند.

مردم مسلمان و مبارز ایران به تبعیت از مرجع عالیقدر خود آیه الله خمینی لحظه ای از ستیز سرسختانه خود علیه ظلم و چپاول رژیم فاسد و خودکامه ایران درنگ نخواهد کرد. خلق ما به راهش که راه مکتب توحید است و تلاشش که پیروزی حق بر باطل است سخت مصمم است، چون میداند که تأیید و نصرت خدا را در پشت سردارد. مردم مبارز و با استقامت و نستوه ایران بنا به وظیفه انسانی بطور مستقل و دور از جنجالهای تبلیغاتی رژیم بیاری موثر و بنیادی آسیب دیدگان زلزله طبس خواهند شتافت ولی این مسأله باعث نمیشود که از مبارزه بنیادی علیه خودکامگیهای استبداد و عوامفریبیها و جنایات و فجایع شاه غافل بمانند و به راههای انحرافی و فرعی اغفال کننده کشیده شوند.

مادر این مرحله حساس از مبارزه به خواهران و برادران توصیه میکنیم:

- ۱- در هر کجا و هر موقعیتی که هستید با دوستان همراه و معتقد خود ارتباط منظم و تشکیلاتی برقرار ساخته با بهره گیری از تجارب گذشته جنبش در گروههای کوچک و پویا به مبارزه انقلابی خود ادامه دهید.
- ۲- با فعالیت سیاسی و افشاگری حیل‌های رژیم، قهرو خشم خلق مسلمان را نسبت به رژیم و به طرف صفوف هسته‌های مبارزه انقلابی هدایت کنید.
- ۳- اعتصابات صنفی و حالت اعتراض خواهران و برادران کارگر- کارمند- و بازاری خود را حمایت کرده به جهت‌های صحیح مبارزه سیاسی سوق داده در جهت توسعه و تشدید دامنه این اعتصابات بمنظور تضعیف هر چه بیشتر رژیم تلاش نمایید.

پیروزی مبارزه انقلابی خلق مسلمان

برقرار باد اتحاد نیروهای اصیل اسلامی

نابود باد رژیم فاسد پهلوی دشمن مردم ایران

«جنبش مسلمانان ایران»

۱ / مهر / ۱۳۵۷

(وَلْتَبْلَوْنَكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَ
تَبْلُوا أَخْبَارَكُمْ)

و مسلماً شما را در درگیری‌ها با همه سختی‌هایش
آزمایش میکنیم تا مجاهدین و پایداران شما را بشناسیم و
میزان آگاهی و عکس‌العمل شما را امتحان کنیم.
(محمد/ ۳۲)

قُمْ فَأَسْتَقِمَّ (بپاخیز و استقامت کن)

مردم مسلمان ایران، خواهران و برادران

جنبش حق طلبانه خلق ما شرایط حساسی را طی میکند، نیروهای طاغوتی و
مگ‌ار رژیم و اربابان جنایتکارش از هرسودست اندر کار پیاده کردن نقشه‌های
ضداسلامی و مزورانه‌ای هستند، به این خیال باطل که فشارهای انقلابی و روزافزون
مردم مسلمان ایران را خنثی کنند و حرکت اسلامی ما را که می‌رود با گسترش و جهت
گیری خود کاخ ظلم و استبداد طاغوتیان را ویران و برفنا نماید، از پیشروی بازدارد.

در ایامیکه رژیم باروی کار آوردن قلد‌رهای نظامی قصد سرکوب نیروهای
رزمنده خلق ما را دارد و در حالیکه شاه جنایتکار با چهره سالوسانه و فریبکارانه جدیدی
بمیدان متابنه با مردم آمده و میکوشد با ایجاد فشار و تضيیقات مصنوعی مقاومت مردم را
بفرساید، و در شرایطی که بلندگوهای تبلیغاتی رژیم شیوه‌های مسالمت‌آمیز و در
عین حال سازشکارانه را به قصد تفرقه‌افکنی در صفوف رزمندگان راه حق، تشویق و
تبلیغ می‌نماید، هر مسلمان معتقد موظف است که بحکم وظیفه شرعی خود با هوشیاری
و مقاومت سختی‌های این درگیری حق و باطل را تحمل کند تا با سر بلندی از بوت‌ه
آزمایش الهی پیروز بیرون آمده و بصوف مجاهدین راه حق بی‌یوندد.

خواهران و برادران

ما مبارزه پشچیده و طولانی را در پیش روداریم که بایستی با بهره گیری از هوشیاری و برخورد آگاهانه با مسائل آنرا ادامه دهیم، بطوریکه شاهد بوده ایم در ماههای اخیر دشمن برای نجات خود از عواقب اوجگیری مبارزات دلیرانه مردم و خنثی کردن فشارهای انقلابی که بر او وارد میشود، سلسله ای از وقایع گاه خونین و گاه ظاهراً دموکراتیک بوجود آورده است، ولی نه قدرت نمائی قلدران نظامی شاه و نه کشتار جمعه ۱۷ شهریور و نه حوادث کرمان و غرب کشور و نه تضمین رسمی نخست وزیر شاه مبنی بر آزادی مطبوعات و بیان و قلم و خیمه شب بازی دموکرات نمایانه مجلس شه ساخته و نه هیچ یک از این جریانات نمیتواند در اراده آهنین مجاهدین راه حق برای نابودی رژیم ضد مردمی ایران خللی وارد کند.

با اوجگیری مبارزه قهرآمیز مردم که در نتیجه رهنمودهای حضرت آیه الله خمینی و نقش آگاهی دهنده آثار شریعتی براه پیشتازان انقلابی مجاهدین خلق گرایش یافته است، رژیم که خطر جدی و نابود کننده خود را لمس کرده، در هفته های اخیر بازم برای پیاده کردن نقشه های شوم تر و جلوگیری از گسترش خطر نابودی خود، دست به حادثه سازی زد و با برنامه تنظیم شده وارد معرکه گردید و چماق، بدستان و اشرا جیره خوار خود را به جان مردم مبارز انداخت، روز شنبه ۱۳ آبان ساحت مقدس دانشگاه را به خون کشید و بار دیگر آتش مسلسل شاه بروی دانشجویان پیکارگرو رزمنده ما گشوده شد، با طرح نقشه قبلی فردای این کشتار، مأمورین ناپاک ساواک معرکه گردان یک سری تخریب و آتش سوزی و ایجاد رعب و وحشت در تهران گردیدند، تخریب و آتش سوزی با این وسعت در شرایطی انجام گرفت که نیروهای باصلاح انتظامی حکومت نظامی و پلیس صحنه را خالی کرده و در حاشیه دور تماشاچی بی تفاوت این حوادث بودند حال آنکه روز قبل همین نیروها بدون علت و به بهانه پرتاب یکی دوسنگ دانشگاه را بخون کشیدند، و این همه برای آن بود که رژیم ارباب های امپریالیست خود را که تا چند روز پیش ترمزی در مقابل خواست مستمر شاه برای روی کار آوردن یک دولت نظامی بودند و استفاده از آن را جز در شرایط بحرانی تجویز نمی نمودند به

بحرانی بودن شرایط متقاعد کند و باطنی یک طرح موافقت شده قلدراهی نظامی را بروی کارآورد و دیدیم که چگونه هشدار و اعلام خطر امینی بلندگوی سیاست دموکرات‌ها در ایران مبنی بر اینکه «اگر دولت نظامی روی کار آید مملکت به آتش کشیده می‌شود» بفاصله یکی دو روز به بیان این مطلب که «در بعضی شرایط استفاده از یک دولت نظامی اجتناب پذیر است» تغییر یافت و اخطار تلفنی چند روز قبل کارتر به شاه که «اگر دولت نظامی روی کار آوری آمریکا از آن حمایت نخواهد کرد» پس از تغییر دولت به تأیید و حمایت بلا درنگ وزارت خارجه آمریکا از تغییرات جدید مبدل گشت، ماحصل طرح آنکه شهرها و مؤسسات ارتباط جمعی (ساختمان روزنامه‌ها و رادیوتلوویزیون) و همچنین مؤسسات مهمی که در حال اعتصاب بودند اشغال نظامی شد و تضمین رسمی نخست وزیر قبلی شاه مبنی بر آزادی قلم و بیان نقش بر آب شد و بجای آن تانک‌ها و توپ‌ها و مسلسل‌ها در سطح وسیع بطرف مردم حق طلب و بی دفاع نشانه گیری شد و کشتار با شدت بیشتری از گذشته ادامه یافت و در عین حال این نمایش خشونت آمیز شاه جنایتکار پس از مدتی اختفا با چهره‌ای سالوسانه بر پرده تلوویزیون ظاهر شد و صدای کریه او با جملاتی پراز تزویر از راه امواج رادیو گوش مردم ما را آزد کرد که «من پیام انقلاب شما را شنیدم».!... زهی بیشرمی، که با رگبار مسلسل جواب دادی! و یا «خواسته‌های شما را تأیید می‌کنم»، ننگ بر تو که در صورت تأیید بایستی خواست فراگیر مردمی «مرگ بر شاه» را بنا نبودی خود تحقق بخشی، با وقاحت تمام از روحانیت شیعه که تا چندی پیش آنها را ارتجاع سیاه مینامید و در مصاحبه‌های خود انواع اهانت‌های ناروا به آنان نسبت میداد، تقاضای کمک میکند گویا او چهره تابناک مظهر قهرآشتی ناپذیر مردم مسلمان ایران و مرجع آگاه شیعیان جهان حضرت آیه الله خمینی را که به همراهی روحانیت مترقی و مبارز و ملت مسلمان ایران برای نابودی رژیم خودکامه او و بساط ننگین سلطنت پهلوی بپا خواسته‌اند فراموش کرده است. این گرگ خونخوار پس از سی و چند سال دیکتاتوری و انجام آنهمه جنایات و ریختن خون هزاران جوان آزاده، قیافه توبه کارانه بخود می‌گیرد و متعهد تامين آزادی برای ملت ایران می‌شود. ولی

خلق مسلمان ایران بخوبی آگاه است که توبه گرگ مرگ است و با وجود ننگین شاه و خاندان کثیفش براریکه قدرت روی آزادی را نخواهد دید.

آری ای خواهر و برادر مسلمان، ما مبارزه پیچیده و طولانی در پیش داریم دشمن غدار با دو حربه متفاوت به میدان آمده است، حربه خشونت و کشتار و سرکوب برای مبارزین و مجاهدین راستین و حربه تزویر و فریب برای ساده اندیشان، او بخوبی میداند که بالاخره طومار هستیش بدست مجاهدین راه حق درهم پیچیده خواهد شد و بنابراین بهیچوجه نمیتواند گرایش روزافزون مردم را به این موحدین ورشد و شکل گیری حرکت های انقلابی آنها را تحمل کند، لذا ضمن سرکوب این نیروهای انقلابی قیافه ای دموکراتیک و آزادخواهانه بخود میگیرد و با تشویق شیوه های مسالمت آمیز و دادن وعده های بی اساس و تفرقه افکنی سعی دارد حرکت های اصیل مردمی را از پیوستن به این نیروها بازداشته و مجاهدین راستین را در انزوا قرار دهد.

خواهران و برادران

ما که با ایمان به مکتب اسلام و آگاهی به حقانیت مبارزه خود در جریان درگیری انقلابی با جبهه باطل یعنی رژیم کفر پیشه و اربابان جهانخوارش هستیم، اکنون در آغاز این راه افتخارآمیز که بنا باعلامیه مرجع و رهبر آگاهمان آیه الله خمینی راه مجاهدین صدر اسلام است، این فرصت را یافته ایم که با پذیرا شدن سختی ها و مشکلات ناشی از این درگیری و مقاومت و پایداری درقبال آنها سعادت پیوستن به صفوف مجاهدین راه حق را نصیب خود سازیم و بحکم آیه شریفه ابتدای اعلامیه بهره گیری از هوشیاری و برخورد آگاهانه و دور از هیجان با حوادثی که در جریان این درگیری بوجود آمده و در آینده نیز باید انتظار پیش آمدن آنها را داشته باشیم، از شرایط ضروری و توصیه ای قرآنی برای طی این طریق است.

در موقعیت فعلی که دشمن با روی کار آوردن قلدرهای نظامی و سیاست خدعه و نیرنگ بمیدان آمده است، بر ما است که با مقاومت همه جانبه و با حرکاتی آگاهانه در صفوف متشکل با دشمن روبرو شویم و نقشه های شومش را نقش بر آب سازیم.

ما ضمن درود و تهنیت به برادران و خواهران کارگر و کارکنان مسلمان و معتقد و اعتصابی خود در مؤسسات مختلف که با اعتصابات آزادیخواهانه و حق طلبانه شان جنبش مسلمانان ایران را یاری داده و می دهند، در شرایط فعلی ضرورت ادامه این اعتصابات را در ابعادی وسیع تر متذکر شده و مقاومت همه جانبه مردم مسلمان ایران را برای خنثی کردن نقشه های ضداسلامی و ضدانقلابی رژیم توصیه نموده و توجه خواهران و برادران مسلمان خود را به نمونه هایی از اقدامات متناسب زمان حاضر جلب مینمایم:

۱- از رسانیدن هر نوع کمک تدارکاتی و فنی به نیروهای ضدحلقی ارتش و پلیس شاه خودداری کرده و به کارگران و کارکنان که اجباراً با این واحدها روابط کاری دارند توصیه کنید با اعتصاب خود همکاری با آنها را تحریم نمایند. این خواهران و برادران بایستی مطمئن باشند که خلق مسلمان ایران در تحمل دشواری های این درگیری پشتیبان آنها خواهند بود و آنان را در این راه یاری خواهند کرد.

۲- بر برادران سرباز و درجه دار و افسرانی که هنوز شخصیت انسانی و اسلامی آنها مسخ و نابود نگشته لازم است هر چه زودتر صف خود را از صفوف دشمن جدا کرده و بهرنحوی که برایشان مقدور است در تضعیف نیروهای ضداسلامی دشمن بکوشند.

۳- برادران کارگر که نیروی کار آنها توسط سرمایه داران داخلی و مؤسسات وابسته به بیگانگان استثمار می شود بایستی برنامه اعتصابات و مبارزات خود را هم آهنگ با اوجگیری جنبش تنظیم و تشدید نمایند و برای ریشه کن کردن نظام استثماری حاکم و استقرار نظام توحیدی با سایر نیروهای رزمنده خلق مسلمان ما همراه گردند.

۴- برادران کارگر و کارکنان شاغل در واحدهای استخراج و پالایش و انتقال فرآورده های نفت و گاز با ادامه اعتصابات آگاهانه خود سهم مهم و بزرگی در اثر بخشی مقاومت ملت مسلمان ایران دارند و با مقاومت دلیرانه خود و جلوگیری از صدور نفت و گاز بخارج میتوانند با اقدامات دقیق و هوشیارانه ضمن تنبیه حامیان جهانخوار رژیم در غرب و شرق با نگاهداری باقیمانده ثروت های ملی مهمترین حربه و امکان

مالی رژیم را که از آن برای دوام خود و سرکوبی جنبش خلق ما استفاده میکند از دستش خارج سازند.

۵- با تمرین و ممارست و صرفه جوئی خود و افراد خانواده خود را برای زندگی ساده و غیرمصرفی و زاهدانه که لازمه مقابله با شرایط سخت و مقاومت در برابر مشکلات است آماده نمائیم.

۶- با توجه به اصل اخوت اسلامی، بکمک خواهران و برادران مبارز خود که در اثر اعتصابات در محذورهائی هستند بشتابیم و با آنها در تحمل سختی های مبارزه شریک گردیم.

۷- بخاطر داشته باشیم که برای استقرار مبارزه انقلابی تا پیروزی نهائی به نیروهائی رشد یافته و آگاه در دو بعد سیاسی و نظامی نیازمندیم، از امکانات موجود برای آماده سازی این نیروها استفاده کرده، برای ایجاد امکانات بیشتر تلاش کنیم.

۸- با بهره گیری از منابع نیروبخش اسلامی دانش ایدئولوژیک خود را رشد داده و ایمان قلبی خود را با اعمال صالح پیوند زنیم.

پیروزباد مبارزه انقلابی خلق مسلمان ایران

برقرارباد اتحاد نیروهای اصیل اسلامی

نابود باد رژیم فاسد پهلوی دشمن اصلی مردم

جنبش مسلمانان ایران

آبان ۱۳۵۷

بسمه تعالی

بِسْمِ اللَّهِ الْقَاصِمِ الْجَبَّارِ

خواهران و برادران دانشجو

در طول مبارزات رهایی بخش مردم ایران و در جنبش حق طلبانه خلق ما، دانشگاه همواره سنگر رزمندگان انقلابی و دانشجو پیشگام و پیشتاز بوده است. شما با فعالیت‌های انقلابی و ندای روشنگرانه خود پیام انقلاب را در کوچه و بازار و مساجد و کارخانه‌ها به خلق محروم ایران رسانیده‌اید. در پرتو ایفای این رسالت، و تجلی قدرت یکپارچه شما دانشگاه همیشه سنگر امید و تجلی گاه آرزوهای استقلال طلبانه مردم بوده است، آنها در فریادها و مشت‌های گره کرده شما، تصویر آینده میلیون‌ها مشت گره خورده بر قنداقه تفنگها را می‌بینند، چرا که شما فرزندان پیکارگر خلقید و آینه آینده.

خلق مسلمان ما هرگز از یاد نمیبرد که از سالهای ۵۰ بعد شهدای دانشگاه در سنگر سازمان مجاهدین خلق پرچم سرخ شهادت را در اهتزاز نگهداشته و دشمن را بستوه آوردند.

آری بذرهای انقلاب به کمک بازوان توانای شما پاشیده شد و با یاری شما نهال این انقلاب مبارک باید بارور گردد و به ثمر برسد. این رسالت شما خواهران و برادران است.

رژیم وابسته به امپریالیست‌های جهان‌خوار برای چاره جوئی در مقابل قهر انقلابی خلق ما و ادامه چاکری خود دامنه سیاست مذبحخانه و حیل‌های خود را در ابعاد مختلف گسترش داده است و روزی نیست که بزعم خود برای سرکوبی جنبش گسترده خلق مکرری تازه نیندیشد، ولی تاکنون به یاری الله و هوشیاری مبارزین صدیق این مکرها عقیم مانده و بضرر رژیم پایان گرفته است.

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرَنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (نمل / ۵۰)

تلاش مذبحانه رژیم شاه جنایتکار برای دخالت در اعتصابات کارمندان و کارکنان مستضعف مؤسسات بمنظور انحراف اذهان و شعارهای این گروه از مردم از جهت گیری سیاسی اصیل به خواسته‌های محدود صنفی با دادن وعده‌های پوچ ادامه دارد به این امید که با این دسائس شعارهای انقلابی قشر عظیمی از خلق ما منحرف و تلاش‌های حق طلبانه آنان به کانال‌های فرعی هدایت شود. درعین حال با این حيله گری رژیم میخواهد در سطح جهانی چنین وانمود کند که اعتراضات مردم ایران برای رسیدن به بعضی خواسته‌های رفاهی است نه تغییرات بنیانی سیاسی، ولی می‌بینیم که کارکنان مستضعف این مؤسسات حساب خود را با خواسته‌های بنیادی خلق ما پیوند زده‌اند و در عین حالیکه درصد احقاق حقوق از دست رفته صنفی خود هستند اعتراضات خود را در جهت خواسته‌های بنیانی سیاسی سوق داده و میدهند.

از شروع سال تحصیلی امسال با توجه به اوجگیری جنبش حق طلبانه مردم رژیم با آگاهی به این حقیقت که عرصه دانشگاهها در صورت وحدت و یکپارچگی دانشجویان جولانگاه مبارزات انقلابی و طلایه دار این جنبش خواهد شد و با تکیه بر این تجربه که خشونت و دخالت مستقیم نیروهای پلیس در دانشگاه در نهایت به زیان او تمام خواهد شد به حيله جدیدی متوسل شده است و دست به تحریکات و دامن زدن به اختلاف در میان شما دانشجویان رزمنده زده است به این خیال که نیروهای عظیم دانشجویی را به درگیری‌های داخلی مشغول داشته و از همراهی و همگامی با مبارزات گسترده خلق بازدارد، ما با نگرانی شاهد شکل گیری مسائلی در دانشگاه هستیم که اگر مثل همیشه شما دانشجویان دلیر آگاهانه و هوشیارانه با آن روبرو نشوید نتایج ناگواری بار خواهد آورد.

خلق ما هر چند که خود با تصمیم قاطع به میدان مبارزه وارد شده است ولیکن با نگرانی چشم به سنگر دانشگاه دوخته و به این کانون پرورش پیکارگران پیشتاز نمیتواند بی اعتنا باشد خواسته‌های منطقی شما برای برقراری کلاسها و بازنگاهداشتن دانشگاهها برای هر رزمنده صدیق قابل درک است ولی متانت انقلابی شما برای تحقق

این امر باید بکار گرفته شود چرا که در پشت صحنه مخالفت‌ها دست رژیم مکار در کار است و در پی بهانه‌هایی است که دانشگاه این سنگرمهم مبارزات خلق را از اختیار شما خارج کرده نیروهای انقلابی و متشکل شما را پراکنده سازد. شیوه‌های جدید مقابله رژیم با مبارزات خلق ما در کرمان و اور و همدان و... باید هشداری برای هر مبارز متعهد باشد.

خواهران و برادران

باتوجه به نمونه‌هایی از حیل‌های رژیم که ذکر گردید هوشیاری و متانت هر چه بیشتر شما در پیشبرد جنبش دانشجویی نقش تعیین‌کننده دارد، ما برای رویارویی با مشکلات و مسائل فوق پیشنهاد میکنیم:

۱- با پرداختن به مسائل فرعی از دشمن اصلی و حیل‌گر غافل نشوید.

۲- مبارزه برای پیشبرد هدفهای منطقی خود را در درون محیط بسته دانشگاه نگه‌ندارید و منطقی خود را برای بازنگهداشتن دانشگاه به میان خلق انبوه مسلمان ببرید و به آنان بگوئید اگر دانشگاه باز باشد ایده‌های انقلاب اسلامی همه محیط دانشگاهی را در خواهد نوردید.

۳- شعار «بگذارید دولت دانشگاهها را تعطیل کند نه دانشجو» را هر چه بیشتر گسترش دهید.

۴- بآبهره‌گیری از تقوا و خودداری انقلابی از هر نوع درگیری درون دانشجویی بپرهیزید و بجای کارهای عکس‌العملی فعالیت‌های سازنده و مثبت خود را گسترش دهید.

۵- مترصد تا کتیکهائی نظیر کرمان و آمل از طرف رژیم خونخوار باشید و به عوامل تحریک اخطار کنید که اعمالشان بسود رژیم تمام خواهد شد.

۶- از تشریح عقاید خود برای دانشجویان بیطرف غافل نگردید.

۷- روابط خود را با استادان و کارمندان که دارای انگیزه‌های مبارزاتی هستند گسترش دهید و با تشریح عقاید خود برای آنها بخواهید که از هدفهای شما

حمایت کنند.

۸- خلق مسلمان را از یاد نبرید، دانشگاه تنها یک پایگاه و تنها یک وسیله است، این خلق است که انقلاب را به پیروزی میرساند. پیوندهای خود را با خلق محروم و انقلابی محکمتر سازید و از محیط دانشگاه دروازه‌هایی به مساجد، کوچه و بازار، کارخانه و.... و خانه‌ها باز نمائید.

۹- فعالیت‌های فرهنگی خود را برای ایجاد ارتباط با دانشجویان سال اول و نیز با خلق غیردانشگاهی هرچه بیشتر گسترش دهید و نمایشگاه‌های کتاب و عکس، جلسات سخنرانی نمایش و تئاتر و.... را چون اسلحه‌ای برضد حکومت طاغوت بکار گیرید.

۱۰- با دوستان و برادران خود در محیط‌های دبیرستانی تماس ایدئولوژیک و تشکیلاتی برقرار کنید و آنان را برای ایفای رسالت آینده‌شان بتدریج آماده سازید و اعتصابات آنان را در جهت مطلوب هدایت کنید.

جنبش مسلمانان ایران

آبان ۱۳۵۷

بخش سوم
نشریه اخبار
جنبش اسلامی

نشریه اخبار جنبش اسلامی

در آبانماه ۱۳۵۷ پس از اوج گیری نهضت اسلامی رژیم جنایتکار شاه مجبور شد با توسل به سیاست سانسور مطلق و اختناق کامل، مطبوعات را تعطیل و رادیوتلوویزیون را اشغال و تمام کانونهای تجمع مردم از قبیل مساجد، مدارس و دانشگاهها را تعطیل نماید و با قطع روابط مردم و بی خبر نگهداشتن آنان با خیال راحت کشتار مردم را گسترش دهد و از این طریق شور انقلابی خلق ما را خاموش سازد.

نهضت آزادی ایران بحکم وظیفه برای مقابله با این توطئه رژیم دست به انتشار نشریه‌ای با عنوان «اخبار جنبش اسلامی» زد و از این طریق تا آنجا که ممکن بود اخبار جنایات رژیم و اقدامات مردم را در شهرهای مختلف جمع آوری و از طریق تشکیلاتی و افراد مطمئن نشریه مزبور را در سطح وسیعی توزیع مینمود که خود مردم نسبت به تکثیر و توزیع مجدد آن نیز اقدام میکردند.

از تاریخ ۵۷/۸/۲۶ تا تاریخ ۵۷/۱۰/۱۸ جمعاً یازده شماره از نشریه اخبار جنبش اسلامی چاپ گردید. صفحات این نشریه حداقل سه صفحه و حداکثر ۱۲ صفحه بوده است. با توجه به فقدان نشریات آزاد در این مدت، مجموعه این نشریه سند معتبر و با ارزشی برای نشان دادن حوادث انقلاب در چند ماهه مربوط می باشد. بعلاوه، پس از شروع بکار هیئت اعزامی امام خمینی برای نفت بریاست مهندس بازرگان، «اخبار جنبش اسلامی» بمنظور انعکاس و گزارش فعالیت های این هیئت، «فوق العاده» هائی را در چندین شماره منتشر ساخت، که تمامی آنها در مجموعه‌ی اسناد «هیئت اعزام امام خمینی برای نفت» جمع آوری و چاپ شده اند و لذا در این مجموعه، فوق العاده‌های «اخبار جنبش اسلامی» نیامده اند.



در اینجا این توضیح را باید اضافه کنیم که چون اغلب شماره های موجود از اخبار جنبش اسلامی خوانا نبود با حفظ همان شکل اولیه اقدام به حروف چینی جدید شد تا این اسناد تاریخی برای همه علاقمندان بویژه محققین سهولت قابل استفاده باشد.

اخبار

۵۷/۸/۲۹

شماره ۱

یکی از مقامات پزشکی قانونی تهران گفته است که روز شنبه ۲۰ آبان (عیدقربان) پزشکی قانونی ۸۰ جواز دفن تیرخوردگی صادر کرده است. این کشته‌شدگان کسانی هستند که در تظاهرات مردم تهران و درگیری با حکومت نظامی مورد اصابت تیر قرار گرفته‌اند.

بر خلاف آنچه رادیو اعلام کرده است که سپهبد محمد خادمی خودکشی کرده است نامبرده بوسیله ساواک ترور میشود. دکتری که در بیمارستان رضا پهلوی از جسد معاینه کرده گفته است که تیر از پشت گوش راست خورده و از گلو خارج شده است و مسنم است خودکشی اینچنین نمیشود. خانم ایشان هم شکایتی در دادستانی حکومت نظامی مطرح کرده و گفته است سه نفر بمنزل مراجعه کرده‌اند و قصد دستگیری او را داشته‌اند که بعد از مقاومت او را ترور می‌کنند گفته میشود سپهبد خادمی در مقام ریاست هواپیمائی ملی در خرید و انتعال جزیره کیش به مقامات دربار سهم اساسی داشته‌است و بخاطر اطلاعات فراوانی که در ارتباط با دربار از مفاسد و دزدیهای این پرونده داشته است سر به نیست شده است. نامبرده قبلاً تهدید کرده بود که اگر مرا هم مانند دیگران بخواهید بازداشت کنید اسرار را خواهم گفت.

در منطقه دروس شمیران خانه یکی از کارشناسان نظامی آمریکائی منفجر میشود و خسارت زیادی وارد میشود.

از طرف کارکنان رادیو تلویزیون اعلامیه‌ای منتشر شده است که چنانچه موفق نشدیم از بخش جلوگیری کنیم از تولید برنامه جلوگیری خواهیم کرد.

کارکنان سازمان برنامه اعتصاب نموده‌اند و ضمن درخواست‌های سیاسی طی قطعنامه‌ای از آقای مهندس صالحی «وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه» خواسته‌اند که استعفا بدهد.

برادر و خواهر مسلمان

بیش از ۱۰ روز است که از سلطه جابرانه دولت نظامی شاه میگذرد، در این مدت مختصر آزادیهایی که به بهای خون هزاران شهید کسب شده بود مجدداً سلب گردیده است. رژیم جنایتکار شاه با تکیه بر اصل سانسور مطلق و اختناق کامل از طرفی مطبوعات و رادیو و تلویزیون را تعطیل و تصاحب کرده، و از طرف دیگر مساجد و دانشگاهها و مدارس را که کانون تجمع و نقطه شروع تظاهرات بودند بسته است و باینوسیله با بی‌خبر نگهداشتن مردم و با خیال راحت به کشتار فجیع و سبمانه خود در ابعادی گسترده‌تر ادامه میدهد و میکوشد باینوسیله با خونت، شور انقلابی خلق ما را خاموش کرده به سردی و یأس بکشانند.

رژیم پلیسی شاه در سایه چنین تسلط شومی بخود اجازه میدهد در روز روشن و بی‌پروا دادستان شهر آمل را بقتل برسانند و با کارت سیزی که از کارت گرفته است از عواقب خشم و عصیان مردم نهراسد.

ما بحکم وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر و سفارش به حق و صبر اخبار و اطلاعاتی که کسب میکنیم در اختیار شما قرار میدهیم و چون امکانات خبرگیری و تکثیر و توزیع در شرایط فعلی محدود است از برادران و خواهران انتظار داریم با ما همکاری کرده این پیک را تکثیر و توزیع نمایند و به سراسر کشور ارسال دارند.

تهران- بقرار اطلاع از منابع موثق:

روز شنبه ۱۳ آبان ماه جلسه‌ای با شرکت عده‌ای از سپردگان رژیم حاکم جهت تقسیم شهر تهران به بخش‌های مختلف برای برنامه‌های خرابکاری و آتش‌سوزی در منزل دکتر فلاح یکی از اعضا هیئت‌مدیره شرکت نفت تشکیل شده است، تعدادی از شرکت کنندگان به قرار ذیل میباشند.

دکتر فلاح- شمس قنات‌آبادی- احمد نامدار- علی رضائی- پرویز خوانساری- محمد علی مسعودی- میر اشرفی- بیوک صابر- غلامعلی اویسی- و... گفته میشود علی رضائی بتنهائی ۲۰۰ میلیون تومان تهدید کرده است.

خرمهر

روز سه‌شنبه ۲۳ آبان معینان رئیس دفتر شاه و دکتر اردلان وزیر دربار ۱۲ نفر از روزنامه‌نگاران منجمله پهلوان (سرمدیر فردوسی) و زنتاب فرد را به جلسه‌ای فرا خوانده‌اند و برای حل مشکل شاه و راضی کردن خمینی به راهگشائی پرداخته‌اند ظاهراً روزنامه‌نگاران نهضت مردم را ناشی از اشتباهات ۴۵ ساله رژیم میدانند و رفتن شاه را به عنوان تنها راه حل تأکید میکنند.

آبادان

روز شنبه ۸/۲۰ در مسجد صدر آقای موسوی (دعوت شده از قم) سخنرانی میکند. بعد از سخنرانی بخاطر بیانات تند که ایراد کرده بود دستگیر میشود و مورد شکنجه قرار میگیرد. در تظاهرات مردم بخاطر این جریان کودک خردسالی تیر میخورد که بستری میشود.

شایع است که متن توبه نامه شاه و بیانیه ازاری را علی دشتی با نظر امینی تهیه کرده است.

شاه در جریانات اخیر از کمیته مشورتی «امینی-انتظام-نهادی- شریف امامی» و یک نفر دیگر استفاده میکند.

اهواز

در تظاهرات ۸/۲۳ تاکنون ۱۴ اسم شناسایی شده است. منصور نواصری- ناصر خروش- محسن ابراهیمی- علی صرعی زاده- محمد علی محمدی- لیلانقشائی (۸سال)- فرشته ریاضی (۸ سال)- حسین صادقی- حسین لتیا سوندی (وی محصل بوده و توسط گروهیان صفری شهید میشود و هنگام مرگ با خون خود نام قاتلش را می نویسد)- حشمت الله آرامی (توسط گروهیان چهار الننگ از شهر بانی)- پرویز ادیبی- بهراد براتی- صادق چشمر؟- بخانواده کسانی که برای گرفتن اجساد مراجعه کرده‌اند گفته‌اند که بچه‌های شما خرابکارند و شما حق پوشیدن لباس سیاه ندارید و باید بازاری هر گلوله ۲۷۰ تومان پرداخت کنید. رئیس بانک اسلامی اهواز (آقای خواجه) فرمانداری برده شده است و شدیداً تهدید شده اگر پولی به کارگران اعتصابی از هر ناحیه کمک کند، خانه‌اش منفجر شده و به زندگیش خاتمه داده میشود.

تاکنون مردم بهر هر ترتیب شده طرفداری خود را از اعتصابیون شرکت نفت در خوزستان اعلام داشته‌اند. روحانیون و بازاریان در اینکار پیشقدم بوده‌اند و دانشجویان نیز کمک فکری کرده‌اند.

مشکلات موجود یکی وجود عناصر کمونیست است که طرفدار خرابکاری و آتش زدن منابع هستند و دیگر مشکل امنیتی کمک‌رسانی به افراد تحت شرایط کاملاً پلیسی.

در بازداشتگاه، آزمون به نصیری حمله کرده و او را مضروب ساخته است.

پهلید (شوهر شمس) و یکی از ولاهرها در پاریس کتک مفصلی خورده‌اند.

شهد

روز جمعه ۲۶ آبان راه‌پیمائی عظیمی مانند روزهای قبل در مشهد برگزار میشود در خیابان نادری نیروهای ارتشی حرکت مردم را متوقف میسازند. در اینموقع مردم کف خیابان می‌نشینند و متفرق نمیشوند. مأمورین اقدام به پرتاب گاز اشک‌آور می‌کنند ولی مردم مقاومت می‌کنند تا اینکه حدود ۱۲ ظهر تیراندازی شروع می‌شود و سه نفر کشته میشوند (حدقل) و عده زیادی زخمی میگردند. برای آنکه مردم بطرف منزل روحانیون بزرگ شهر نزنند، کلیه خیابانهای اصلی را که بخانه آقایان قمی- مرعی- شیرازی منتهی میشد سدود میکنند.

قم

شعار بچه‌های شهر:

نفت را کی برد؟ آمریکا.

گاز را کی برد؟ شوروی.

پولش کی خورد؟ پهلوی. پس مرگ بر پهلوی.

مرگ بر شاه چند بخشه؟ سه بخشه، مرگ، بر، شاه.

تا شاه کفن نشود، این وطن وطن نشود.

کرمانشاه

روز یکشنبه ۵۷/۸/۲۱ دانشجویان کرمانشاه از خیابان فردوسی تظاهرات را شروع می نمایند و بعد از ظهر مورد هجوم کماندوها قرار گرفته و ۵۰ نفر کشته و ۵۰ نفر مجروح میشوند و تعداد زیادی دستگیر میشوند. در بین دستگیر شدگان ۶۰ نفر دختر میباشند که با توجه به موضوع تجاوز به سه دوشیزه در همدان، نگرانی و وحشت زیادی بین خانواده ها حکمفرما شده است.

کاشان

در هفته گذشته مردم کاشان جنازه پدر رضا عطار پور (معروف به حسین زاده) که از ساواکی های بسیار قدیمی و معروف و بقولی معاون کل ساواک و مسئول تمام گروه های مذهبی است، از قبر خارج کرده و آتش میزند.

یزد

کلیه اصناف و طبقات مردم شهر یزد کماکان در اعتصاب بسر میبرند. مردم یزد تحت رهبری جامعه روحانیت با برقراری صندوقهای قرض الحسنه برای حمایت از کسبه و اعتصاب کنندگان بسیج شده اند.

• • •

قم

روز یکشنبه ۲۱ آبان در تظاهراتی که در شهر قم بر پا شد ۶ نفر کشته شدند.

شایع است طلبه ای هنگام درگیری مسللی از زیر عباي خود بیرون آورده و چند مأمور را به تیر می بندد.

• • •

آمل

اعلامیه ای با مضامین دانش آموزان آمل منتشر شده است که در آن به مبارزه مسلحانه بعنوان تنها راه باقیمانده اشاره شده است و گفته شده: ما دانش آموزان در حال حاضر برای بدست آوردن- باتیر و کمان های آلوده به مواد سمی افراد نظامی را هدف قرار می دهیم و باینوسیله با از پا انداختن آنها اسلحه شان را مصادره می کنیم.

دوگنبدان

روز شنبه ۸/۲۰ عده ای از جوانان در یکی از مساجد شهر بعد از نماز عصر اجتماع میکنند در اینموقع یک هلیکوپتر ارتشی در خیابان مجاور بزمین نشسته و عده زیادی رنجر از آن

پساده میشوند و جمعیت را برگیار مسلسل مینندند. بقرار اطلاع حداقل ۱۰ نفر کشته و عده زیادی شدت زخمی میشوند اهالی شهر زخمیها را به شهرهای گساربان، بهبهان، آتاجاری، اهواز و شیراز می رسانند ولی بیمارستان های این شهرها طبق دستور فرمانداری از پذیرفتن زخمیها خودداری میکنند. این تصمیم برای کنترلر مجروحین و دستگیری بعدی آنها در سراسر کشور گرفته شده است.

در تظاهرات هفته گذشته صنایع فولاد (که حداقل هزار نفر زن شرکت داشته اند) بیش از ۵۰ نفر دستگیر می شوند. در تظاهرات عده ای از روحانیون بهراه آقای محمد علی موسوی، روحانی مسئول، در پیشاپیش مردم حرکت میکنند.

بدنباله اخبارهائیکه اعصابیون بخارجی ها و کسانیکه سعی در شکستن اعتصاب دارند میکنند، روز شنبه اتومبیل آخرین سیستم و مجهز به بیسیم لیلنلئیس صنایع نفت ایران را که بعد از انصاری شخص دوم شرکت نفت است آتش میزند و منجر میکنند قبلانلئجه مأمور ارتشی مراقب گفته بود اگر چند تا از این شورش ها را بکشی دیگر جرأت اعتصاب نخواهند داشت. متعاقب این انفجار اتومبیل دکتر قشینه و خانه اش بآتش کشیده میشود (رئیس کار گزینی).

در صنایع فولاد اهواز مرتبا بخارجی ها استغفا میدهند و بکشور خود برمیگردند.

• • •

بهبهان

در دومین حمله مردم به اتوبوس امریکائیها عده زیادی مجروح میشوند. در شوشتر نیز ۲۰ خانه امریکائی خراب شده است.

شوشتر

در این شهر پلیس اعلام میکند برای مذاکره با مردم آماده است و بهتر است نمایندگانی مراجعه کنند، مردم ۸ نفر از معتمدین را برای مذاکره میفرستند. این عده یکسره به زندان اهواز فرستاده میشوند. در بین دستگیر شدگان آقای طاهراهیار آموزگار دبستان قلا چندین بار دستگیر شده است.

طبق بخشنامه ای که از طرف دولت شده است، هیچیک از بیمارستانهای خصوصی حق پذیرفتن مجروحین تظاهرات را ندارند و فقط بیمارستان پهلوی مجاز است.

روز شنبه ۵۷/۸/۲۰ و نفر که در تظاهرات تیر خورده بودند به بیمارستان آریا حمل میشوند، مسئولین بیمارستان مشغول رسیدگی بودند که از طرف پلیس مراجعه شده و آنها را میبرند.

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۲

آذرماه ۵۷

مشهد

تهران

یکشنبه ۲۸ آبان (عید غدیر)

امروز پلیس برای جلوگیری از تظاهرات مردم کلیه خیابانهای منتهی به صحن و نیز خیابانهای را که بخانه آقایان علما مربوط میشد مسدود میکند اما مردم تجمع و تظاهرات را در کوچه‌های فرعی آغاز کرده و از بیراهه‌ها خود را بمیدان راه آهن می‌رسانند در اینموقع حدود ۵۰ هزار نفر اجتماع کرده بودند و مأمورین با تانک و نفر برد در فاصله معینی موضع گرفته بودند، ناگهان حمله هلیکوپترها با شلیک گاز اشک‌آور از فاصله نزدیکی آغاز میشود و متعاقب آن نیروهای ارتش حمله میکنند و نتیجتاً ۸ نفر زخمی میشوند.

دوشنبه ۲۹ آبان

صبح مردم بخاطر مجروحین مقابل بیمارستان شاهرضا اجتماع و تظاهرات می‌کنند و کارکنان بیمارستان اعصاب کرده و خارج نمیشوند، پلیس دکتر روحانی و پروفیسور رضوانی وسه نفر دانشجورا دستگیر میکند مردم شهر در میت آقای مرعشی، وعده‌ای از روحانیون برای اعتراض به دستگیری این افراد بصورت راهپیمائی بطرف بیمارستان حرکت میکنند. دنباله تظاهرات تا شب ادامه پیدا میکند تا جائیکه مأمورین برای نخستین بار با چکمه و تفنگ وارد صحن شده به پرتاب گاز و تیراندازی مبادرت میکنند و در نتیجه یک نفر کشته و ۸ نفر مجروح بجای میگذارند، در خروجی صحن نیز تعداد زیادی چماق بدست کمین کرده بودند که با کمک پلیس فراریان را بشدت مضروب و دستگیر میکردند (جمعا ۲۰ نفر دستگیر شده‌اند).

سه شنبه ۳۰ آبان

امروز دکترها و کارکنان بیمارستان شهناز در کنار مردم در بیمارستان تحصن میکنند و فرهنگیان در دادگستری بست می‌نشینند، پلیس مجبور میشود تا ساعت ۱۲ دکتر روحانی و پروفیسور رضوانی را آزاد کند اما مردم تحصن را برای آزادی دانشجویان ادامه میدهند تا ساعت ۲/۵ که آنها نیز آزاد میشوند. در اینموقع مردم حرکت کرده به دبیرستان اقبال میروند و تابلو مدرسه را پائین آورده، عکسها را آتش زده و نام مدرسه را رزاقی (شهید روز ۲۹ آبان) میگذارند شهید راه حق

روز یکشنبه (عید غدیر) از صبح زود واحدهای پلیس پنج شمیران و خیابان تنکابن و کوچه‌هاییکه بخانه آیه الله طالقانی منتهی میشد محاصره می‌نمایند و ضمن قطع عبور و مرور از خیابانهای مزبور اشخاصی را که بدیدن ایشان می‌آمدند مورد بازرسی بدنی قرار میدهند و باینوسیله دو نفر را دستگیر میکنند.

بازداشت شدگان دولت نظامی «بروش پهلوی»

بقرار اطلاعات واصله تیمسار نصیری در قصر شخصی شان واقع در ارتفاعات نیاوران (غرب منظره) بازداشت! میشوند. جلیسفر آنکه آقای حسینی مهران، وزیر اقتصادی و دارائی رژیم که چیزی در باره اقتصاد و امور بانکی و نفت نمیداند با اشاره و خواست تلفنی آقای هویدا بعنوان نماینده ایران در کنفرانس اوپک، بدون اجازه از آقای انصاری که اکنون متواری است شرکت خواهند کرد. لازم به یادآوری است که انصاب آقای مهران به مقام وزارت بعد از بازداشت آقای هویدا بوده است!

معلوم نیست چرخهای پیوسیده رژیم متزلزل و پوشالی را کدام گروه میگرددانند؟

اعصاب کارکنان پست و تلگراف بی‌سیم سید خندان هنوز ادامه دارد و کارکنان ایرانی کارندهای آمریکائی و کارشناسان آنها را از ساختمان بیرون کرده‌اند.

طبق اطلاعات موثق مقامات امنیتی و پلیس به کلاترپها دستور داده‌اند شبانه به مساجد حمله کرده جستجو و بازرسی دقیقی بکنند و باینوسیله ماشین‌های تکثیر، کتابهای سیاسی، اعلامیه پول در صندوق‌های قرض الحسنه و احياناً اسلحه‌ای اگر یافتند ضبط نمایند و در صورت لزوم بانفجار و تخریب مبادرت نمایند تا باینوسیله بهانه‌ای برای تعطیل آنها در ایام محرم بتراشند.

«رزاقی» کارمند آموزش و پرورش ۴۰ ساله و دارای ۸ فرزند بوده، و در این ۶ ماه مرتباً در تظاهرات شرکت میکرده است و برای شهادت آماده بوده، بطوریکه وصیت نامه‌اش را بعد از شهادت در جیبش یافته‌اند.

اسامی دو نفر دیگر از شهدا:

غلامرضا قدسی ۲۷ ساله کارمند بهداری.

تقی محمد نبی طلبه مبارز مدرسه قلی‌خان.

روز جمعه ۳ آذر قرار است مراسمی بمناسبت هفته شهدا برگزار شود.

کاشان- ۲۶ آبان

حدود ۵۰ هزار نفر از مردم بنوان اعتراض به حکومت نظامی و روز ارتش با لباس سیاه با نظم کامل و سکوت دست به راهپیمایی زدند. این راهپیمایی بدون برخوردی انجام شد.

در این شهر هفته گذشته چند قالی و قالیچه از فروشگاه‌های سرقت می‌شود، صاحب فروشگاه به کلانتری مراجعه میکند، رئیس شهر بانی میگوید برو از خمینی بخواه برایت پیدا کند. با این جواب رئیس شهر بانی، اکنون این سؤال برای مردم مطرح شده که «سارق واقعی» چه کسی می‌باشد؟

اصفهان

در تظاهرات پراکنده چند روز اخیر اصفهان تعداد زیادی مجروح می‌شوند.

انتخاب رسیده حاکی است که کلیه دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه اصفهان را که برای دوره‌های تخصصی در بیمارستان ثریا این شهر کار میکرده‌اند بدلیل کمک و پانسمان زخمیهای حوادث اخیر اخراج نموده و تنها پزشکان بیمارستان تحت نظر مستقیم ارتشیان مشغول کار هستند.

شیراز- یکشنبه ۸/۲۸

امروز بمناسبت عید غدیر مردم در فلکه مصدق اجتماع کرده بودند و یکی از روحانیون بیدار و مبارز سخنرانی میکرده، در اینموقع فرماندار نظامی با اعوان و انصارش سررسیده و شروع به فحاشی به گوینده می‌کند و فریاد میزند «شفه شو».

در اینموقع مردم بشدت عصبانی شده شعار می‌دهند و متعاقب آن مأمورین آماده، تیراندازی را شروع میکنند که در نتیجه آن ۸ نفر کشته و بیش از ۶۰ نفر مجروح میشوند.

اصفهان

روز پنجشنبه ۸/۲۵ با وجود حضور واحدهای ارتش مردم در خیابان ابن سینا دست به تظاهرات می‌زنند و با وجود پرتاب گاز و تیراندازی متوقف نمی‌شوند در نتیجه ۵ نفر کشته و عده زیادی مجروح میشوند.

رفتار سر بازاران با مردم فوق‌العاده خشن و بی‌رحمانه است بطوریکه حتی اجازه باز کردن منازعه‌ها و برداشتن وسائل شخصی را هم نمی‌دهند و بدون علت شیشه‌های منازعه‌ها و اتومبیلها را می‌شکنند.

قم

در تظاهرات روز شنبه عید قربان ۵ نفر در اثر گاز سمی مسموم می‌شوند. گاز سمی و گلوله پلاستیکی (که ایجاد درد شدید و تورم در نقطه اصابت می‌کند)، هدیه‌های جدید آقایان کاتر و کالاهان برای رژیم ضد مردمی ایران است که اولی در ویتنام و دومی در جنگهای ایرلند بکار رفته است.

اراک

در تظاهراتی که روزهای پنجشنبه ۲۵ و جمعه ۲۶ انجام شد، جمعاً ۸ نفر کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. تظاهرات از مسجد واقع در میدان ارک انتهای بازار شروع می‌شود و بزودی وسعت می‌یابد، مردم بدنیاال: سخنان بیدار کننده روحانیون که از قم دعوت شده بودند بطرفداری از نهضت انقلابی اسلامی شعارهایی میدهند، در این موقع کماندوهای پلیس بجمعیت حمله کرده و با باتوم بشدت مردم را می‌زنند حتی روحانیونیکه پیشاپیش صف حرکت می‌کردند مضروب میشوند، این آغاز تظاهرات گسترده‌ای میشود که تا دو روز ادامه پیدا میکند و به آتش زدن بانکها و ساختمانهای دولتی می‌انجامد، اکنون بیمارستانهای شهر مملو از مصدومین تظاهرات است.

کارخانه‌های ماشین‌سازی، آلومینیوم‌سازی و... هنوز در اعصاب هستند.

بروجرد

در قصبه‌ای نزدیک بروجرد، بعد از آنکه جوانی در تظاهرات ضد رژیمی بدست یک ژاندارم شهید میگردد، مردم به ژاندارم مزبور حمله کرده و خلع سلاحش میکنند سپس بعد از کتک مفصل سرش را با تیغه حلی می‌بریند.

مختصری از جریان اعتصاب پالایشگاه تهران:

خرمشر
در تظاهرات عظیمی که هفته گذشته در این شهر برگزار شد و در اثر تیراندازی، گفته میشود ۴۳ نفر کشته شده‌اند، در انشای تیراندازی طفل کوچکی که در آغوش مادرش بوده مورد اصابت گلوله قرار میگیرد و مغزش متلاشی میگردد و بدن نحیفش از بغل مادر پرتاب میشود، سربازی که شاهد جریان بوده ناگهان فریادی کشیده و بسوی مأمورین تیراندازی میکند و پس از کشتن یک درجه دار و دوسر باز خود کشتی میکند. بعد از کشتار هفته قبل هیچکدام از مأمورین ارتش و شهر بانی جرأت نمیکند از ترس انتقام مردم به تهنائی در شهر ظاهر گردند.

کرمانشاه

طبق اخبار رسیده، ایل سنجابی که تعداد آنها به دو بست هزار نفر میرسد آمادگی خود را برای مبارزه در راه استقلال ایران و نهضت اصیل اسلامی اعلام داشته‌اند.

خمین - پنجشنبه ۸/۲۵

در تظاهرات وسیع شهر در اثر درگیری با قوای انتظامی حاج مهدی امیری کشته و چند نفر مجروح می‌شوند.

کرمانشاه - شنبه ۸/۲۷

امروز تمام بازار شهر تعطیل بود، مأمورین برای دستگیری برخی از روحانیون بمنزلشان یورش بردند، در منزل آقای عبداللهی پیشنماز مسجد صباغ، واقع در خیابان بهار مأمورین اثنایه خانه را بیرون ریخته و منهدم نمودند ولی خوشبختانه موفق بدستگیری ایشان نشوند.

بیجار - چهارشنبه ۵۷/۸/۲۴

بیجار شهری است کوهستانی و سرد در استان کردستان که تنها شهر شیمه این منطقه میباشد - فقر شدیدی در شهر حاکم است و بیشتر اهالی کارمند دولت می‌باشند. در مراسمی که با تظاهرات گسترده بیش از ده هزار نفر بخاطر شهادت یکی از اهالی شهر در کرمانیه، برگزار شده بود مردم به راهپیمائی پرداختند و علیه شاه شاعر هائی دادند - تظاهر کنندگان هنگامیکه قصد اقامه نماز در مقابل بازار

بدنبال اعتصاب کارگران و کارمندان شرکت نفت در خوزستان، دامنه آن سرعت به پالایشگاه‌های تهران، تبریز، کمانشاه و شیراز میکشد کارکنان پالایشگاه تهران بدنبال چند روز اعتصاب با رهبران سیاسی و مذهبی مذاکره میکنند و پس از مشورت تصمیم میگیرند از آیه الله خمینی کسب تکلیف نمایند و سپس تا دریافت نتیجه تصمیم می‌گیرند به ۴۸ ساعت تحصن در داخل پالایشگاه دست بزنند، در مدت تحصن چندین سخنرانی توسط کارمندان و کارگران ایراد میشود و گارد مسلح پالایشگاه به متحصنین می‌پیوندد، در اینموقع شروع به پائین آوردن عکسهای شاه میکنند و بجای آن عکسهای آقای خمینی را نصب میکنند و عبارتی از دکتر شریعتی را بدیوار میزنند. در مدت کمی بیشتر دیوارهای پالایشگاه از شمارهای انقلابی پوشانده میشود و متحصنین با انتخابات میردازند در این اثنا تیساری که فرماندهی سربازان را داشته نمایندگانی برای مذاکره مطالبید، اما کارگران جواب میدهند ما با شما کاری نداریم اگر شما کاری دارید خودتان بیآئید، تیسار میگوید من اگر بیایم اول آن عکس را پائین میکشم بعد مذاکره میکنم، بلافاصله چند نفر از کارگران به روی میز میروند و میگویند اگر بیاید و بخواهد چنین کند باید از روی جنازه ما عبور نماید. بالاخره بناچار تیساری آید و با سخنانش سعی میکند تفرقه بیاندازد ولی در اثر هوشیاری کارگران موفق نمی‌شود و ناچار سالن را ترک میکند (ناگفته نماند بمحض ورود تیسار عده زیادی شروع به نماز جماعت میکنند) در این هنگام نمایندگان دور تر چشم مأمورین ساواکی بطرز ماهرانه‌ای خلوت میکنند و مه تبادل نظر میردازند تا اینکه روز چهارشنبه جواب تأیید آیه الله خمینی از پاریس میرسد و کارکنان با خواندن اعلامیه برای جمع و نیز قرائت قطعنامه کارکنان، تحصن خویش را پایان داده و پالایشگاه را ترک میکنند و تا ۱۱ روز (تا دوشنبه ۲۹ آبان) در خانه‌های خود متحصن میشوند و روز دوشنبه با چهره‌هائی مصمم یکدیگر را مجدداً ملاقات کرده تصمیم میگیرند بخاطر ممانعت از توطئه رژیم برای انزاج کارگران و بستن پالایشگاه همه روزه در محوطه و جلور درب پالایشگاه اجتماع کرده در سکوت مطلق تا پایان وقت حاضر باشند و برای این منظور اعلامیه‌ای منتشر مینمایند علاوه بر پالایشگاه تهران علیرغم تطمیع و تهدید مدیران سرسپرده و سرنیزه دژنیمان و علیرغم بلندگوهای تحت اشغال دولت نظامی، پالایشگاه جنوب نیز هنوز آهاز بکار نکرده است.

داشتند با عکس العمل شهر بانی و پرتاب گاز اشک آور مواجه شدند و کار به خشونت کشید.

شهید این شهر کوچک کارمند بانک بود و بخاطر فعالیت‌هایی که قبلاً در مسجد شهر برای تشکیل کتابخانه و نمایشگاه کرده بود تعجب شده بود.

سفر کلیائی - سه شنبه ۸/۲۳

سفر شهری است در استان کردستان با مردمی شیعه مذهب که در شمال شرقی شهرستان کرمانیه (کرمانشاه سابق) واقع شده است.

شب دوشنبه مأمورین شهر بانی برای تحریک مردم تماشا های آیه الله خمینی را در مدارس شهر از ناحیه چشم سوراخ میکنند و در کلاسها رها میکنند صبح روز دوشنبه دانش آموزان پس از مشاهده وضع برای ابراز تنفر و انزجار از این عمل به خیابانها میریزند و تظاهرات میکنند، در این هنگام مأمورین شهر بانی به حمایت ارتش بروی محصلین خردسال آتش می‌گشایند و در نتیجه ۷ نفر کشته و بیش از ۶۰ نفر بسختی مجروح میشوند. پس از تیراندازی، مردم دیگر نیز به محصلین می‌پیوندند و اداره فرمانداری را آتش زده و بیخانه کلیه مأمورین ساواک و شهر بانی که قبلاً شناسائی شده بود آسیب می‌رسانند.

شهر بانی از تحویل اجساد به مردم خودداری کرده و برای جلوگیری از گسترش موج انقلابی در شهر افراد شناخته شده مذهبی را دستگیر میکند.

زنجان - پنجشنبه ۸/۲۵

امروز روز هفت شهدای هفته گذشته این شهر بود مردم بدعت و روحانیون برای استماع سخنرانی در گورستان شهر اجتماع میکنند و بر مزار ۷ تن شهید راه حق حاضر میشوند. سخنران حمله شدیدی به رژیم شاه میکند و در پایان فرهنگیان اعلام می‌دارند تا یک هفته دیگر اعتصاب خود را ادامه خواهند داد و همچنین اعلامیه روحانیون همدان قرائت می‌شود در این اعلامیه از مردم خواسته شده بود برای حجاج جشن بگیرند و پول آرا به خانواده شهداء حق اختصاص دهند.

پس از مراسم مردم با آرامش از گورستان خارج می‌شوند اما در خیابانهای اطراف گورستان پلیس باتیراندازی و گاز اشک آور به مردم حمله میکند و مردم به کوچه‌ها پناهنده شده

تظاهرات را ادامه میدهند.

در تظاهرات و کشتار قبلی مردم این شهر مجسمه شهبانورا که در محوطه سازمان زنان قرار داشته به پائین کشیده و آتش می‌زنند و در یکی از میدانی نیز مجسمه شاه را با پتک خرد میکنند.

سرجنگلداری این شهر اعتصاب کرده و علاوه بر خواستهای عمومی ملت خواهان پس گرفتن زمینهای غصبی سردار جاف میباشد.

مردم یکی از سینماهای آتش زده را قصد دارند به کتابخانه تبدیل کنند.

بانکهای شهر تماماً با ورق آهنی پوشانده شده است و عکسهای شاه را پائین آورده و تماشا آیه الله خمینی را بجای آن نصب کرده‌اند.

نیشابور - یکشنبه ۸/۲۸

بمناسبت عید غدیر امروز اجتماع بزرگی در مسجد جامع شهر تشکیل شد، ضمن سخنرانی حدود ۲۰ نفری جماعت بدست با شعار جاوید شاه بطرف مسجد نزدیک میشوند که با صدای جمعیت تفع میشوند پس از خاتمه برنامه هنگامیکه مردم قصد راهپیمائی در شهر داشتند پلیس حمله و تیراندازی میکند که در نتیجه آن ۲ نفر کشته و ۲۲ نفر زخمی میشوند، ۴ نفر از زخمیها را که حالشان وخیم بود به مشهد منتقل میکنند، گفته میشود بعد از ظهر مردم دو نفر از پاسانها را با گلوله از پای در می‌آورند.

بشهر

جماعت بدستهای دست نشانده رژیم بسیاری از درختان مرکبات، دکاکین، مغازه‌ها و بانکها را مورد حمله و تخریب قرار داده‌اند و خسارات فراوانی باهالی شهر رسانده‌اند.

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۳-دوشنبه ۶ آذر

اخبار شهرستانها
نیشابور

اراک

در شماره گذشته اخبار تظاهرات و کشتار روزهای ۲۶-۲۷-۲۸ آبان درج شده بود و اینک با اطلاعات تازه و دقیق تری که رسیده است، تفصیل بعضی از موضوعات را باطلاعتان میرسانیم.

تظاهرات و راهپیمایی از دو ناحیه شرقی و غربی بازار شروع میشود و در مدخل بازار پلیس حمله شدید خود را با باتوم آغاز میکند و بیش از همه روحانیونی را که در پیشاپیش صف رهبری را بعهده داشتند هدف ضربات خود قرار میدهند. یکی از روحانیون آتینان مجروح میشود که در بیمارستان احتیاج به خون پیدا میکند و چند نفری از آنها همراه مردم به یک نانوانی پناه میبرند، ولی مأمورین داخل نانوانی شده همه، حتی نانوا را بشدت کتک میزنند، در این درگیری بعضی از روحانیون عمامه‌های خود را دور دست پیچیده و از آن بعنوان سپری در برابر ضربات باتوم استفاده میکردند.

در مرحله دوم، بعد از گسترش تظاهرات تمام شهر، پلیس تیراندازی میکند که جمعا ۸ نفر کشته میشوند. زخمیها بیشتر به بیمارستانهای پهلوی (راه آهن اراک) و قدس منتقل میشوند. از مجروحین بیمارستان پهلوی در همان روز اول ۳ نفر فوت میکنند و از ۱۲ مجروح بیمارستان قدس حال یکفر و نیم است.

اولین شهید، پسر بچه ۱۲ ساله‌ای بود که تیر بوسط پایش اصابت میکند، خواهرش سراسیمه او را در قفس کشیده به بیمارستان میرساند اما متاسفانه ساعتی بعد زیر عمل فوت میکند و کارکنان بیمارستان بخاطر حفظ نظم و ممانعت از گریه و شیون پدر و مادرش خبر فوت را شبانه به خانواده‌اش میدهند.

بعد از این تظاهرات و کشتار، کارشناسان روسی کارخانه‌های ماشین‌سازی و آلومینیم‌سازی همراه خانواده‌شان اراک را ترک میکنند و گفته‌اند در این موقعیت خطرناک که مردم خواهان خروج خارجی‌ها هستند، صلاح خود نمیدانند باقی بمانند.

روز ۲۸ آبان ساعت ۹ صبح بیش از سی هزار نفر از مردم شهر در مسجد جامع و اطراف آن گرد آمده و به سخنان گوینده گوش میدادند که ناگهان عده‌ای با ساز و دهل و اسب چوبی عربده کشان در جلوی مسجد و در حمایت مأمورین ظاهر میشوند، پلیس که از قبل خود را آماده این توطئه کرده بود با پرتاب گاز اشک‌آور در داخل مسجد و ایجاد رعب و وحشت، مردمی را که از مسجد خارج میشدند به رگبار مسلسل می‌بندد و در این فاجعه ۶ تن کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح میشوند. مزدوران رژیم حتی از گلوله باران کردن کسانی که برای اهدای خون رفته بودند دریغ نمیکند و ۲ نفر را باینترتیب شهید میکنند.

پاسبانی که در جلو بیمارستان دست به این جنایت زد حسینی نام دارد.

قم

در یکی از خیابانهای شهر جسمی به داخل یک کامیون ارتشی پرتاب میشود، سربازان بتصور آنکه نارنجک است، همگی فرار میکنند و به انتظار انفجار می‌مانند، مدتی میگذرد خبری نمی‌شود، شجاع‌ترین آنها با احتیاط کامل نزدیک می‌شود و بداخل کامیون سر میکشد، شلفعی می‌یابد که روی آن عبارت ذیل حک شده بود:

«ما از مسلسل شما نمیترسیم، ولی شما از شلغم ما میترسید.»

تا باهروز ۹/۴، ۲۰ روز است که شهر تعطیل است.

یکی از مجروحین تظاهرات عید قربان بنام حبیب‌الله بشارت دانشجوی سال اول دانشگاه تهران درگذشت.

کرمان

سرهنگ سروری معاون شهر بانی، مورد اصابت ۳ گلوله قرار گرفته و در بیمارستان بستری است.

• • •

گجساران (دوگنبدان)

در شماره اول اخبار جنبش، وقایع دلخراشی این شهر را با اطلاع رساندیم و اینک گزارش کاملتر آنرا برای آن دسته از خوانندگان که مطلع نشده‌اند درج میکنیم:

بعد از ظهر پنجشنبه ۱۸ آبان به مردم گجساران خبر میرسد که نمایندگان کارکنان صنعت نفت که تا آزمون مدت چهار هفته در اعصاب بوده‌اند، به عنوان گروگان دستگیر و به اهواز فرستاده شده‌اند بنابراین این خبر، تمام مردم اعم از بازاری، فرهنگی، بعنوان اعتراض جلوی مسجد جامع شهر در کوی کارکنان نفت، اجتماع کرده و تا ساعت ۱۱ شب در آنجا متحضر میشوند. در این موقع فرمانده ژاندرامری مردم را با تهدید مجبور به پراکنده شدن میکند.

صبح روز ۱۹ آبان، مردم در مسجد صاحب الزمان، اجتماع باشکوهی پیا کرده و نمایندگان مردم سخنرانی میکنند. در این موقع عده‌ای اوباش تحت حمایت نیروهای ارتش، در بیرون مسجد بقصد ایجاد آشوبهایی نظیر کرمان و پاوه، تظاهراتی بنفع رژیم برای می‌اندازند و با وجود شلیک تیرهای هوایی، خوشبختانه بهانه‌ای برای کشتار به دست نمی‌آورند. مأمورین مایوس نمی‌شوند و حدود ساعت ۱۲/۵ در محل منازل مسکونی کارگران اقدام به پرتاب سنگ و تیراندازی می‌کنند و عده‌ای با چماق به ساکنین منازل حمله میکنند در این موقع، یکی از کارگران مغایرات شرکت نفت بنام آقای لاجین فرهادی از ناحیه دست مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد. ساعت ۴ بعد از ظهر مجدداً مردم مقابل مسجد جامع اجتماع کرده بودند که سربازان بروی آنها آتش می‌گشایند و نتیجتاً در تیراندازی گسترده‌ای که تا ۳ صبح ادامه پیدا میکند، ۸ نفر کشته و حدود ۲۵ نفر زخمی میشوند.

شنبه ۲۰ آبان

مقامات انتظامی از برنامه‌های عزاداری بدلیل برملا شدن تعداد کشته‌ها جلوگیری نمودند.

یکشنبه ۲۱ آبان

۵ جنازه در دره‌های اطراف گجساران پیدا شده است. تعداد زخمی‌شدگان بسیار زیاد است و بیمارستانهای گجساران، بهبهان و آقاجاری طبق دستور ارتش از پذیرفتن زخمی‌ها خودداری میکنند و همین امر موجب عصبانیت شدید مردم شده است.

گجساران (دو گنبدان) بصورت بیخوله جنگ‌زده‌ای شده است و تعداد کشته‌ها بگفته مردم به ۴۷ نفر رسیده است و منازل از زخمی‌ها پر است.

اصفهان

تفصیل راهپیمائی عید قربان.

برای اقامه نماز عید، از چند روز قبل اعلام شده بود پیاده روی از بازار (مرکز شهر) به مسجد مصلی شروع میشود، اما حکومت نظامی با اعلامیه شدیدالحنی اعلام کرده بود هرگونه راهپیمائی را بشدت سرکوب میکند و فقط نماز فرادئی آزاد می‌باشد و از روز قبل خود فرماندار با معاونش در خیابان‌ها حرکت کرده با بلندگو اعلامیه را تکرار میکردند. در روز عید ارتش، بازار و میدان خمینی (نقش جهان) بشعاع چند صد متر محاصره کرده بود، اما مردم به صوت پراکنده از خیابانهای فرعی با حمل پلاکارت در مسجد مصلی حاضر میشوند و علیرغم دستور فرماندار پس از اقامه نماز و ایراد سخنرانی، در اجتماع ۴۰۰ هزار نفری راهپیمائی خود را در مسافتی طولانی آغاز میکنند و از ۹ صبح تا ۵/۵ بعد از ظهر حرکت مینمایند.

•••

ستندج

مسلمانان شیعه و سنی در یک اجتماع ۵۰ هزار نفری تحت رهبری آقای صفدری (روحانی تمیدی) به استقبال زندانیان سیاسی آزاد شده میروند و مشترکاً در خیابان پهلوی نماز برگزار میکنند.

• • •

بهشهر

گفته میشود در تظاهرات ۲۲/۸ این شهر ۳۰ نفر کشته شده‌اند و سه نفر از سربازان بخاطر سرپیچی از فرمان آتش فرمانده هدف گلوله وی قرار گرفته‌اند و ۷ سر باز با لباس میڈل به مردم پیوسته‌اند. در روز بعد مردم این شهر کنترل کامل شهر را در اختیار می‌گیرند.

•••

بندرشاهپور

کارمندان و کارگران گمرگ این بندر از مدتی قبل در اعصاب بسر می‌برند و ضمن اعلام خواسته‌های سیاسی خود هرگونه سازشی را رد کرده‌اند.

• • •

رفسنجان

نیمه شب ۲۵ آبان بسیاری از بازرگانان سرشناس این شهر از جمله آقایان حاج اکبر نظری و حاج محمد نظری بازداشت شده‌اند، ظاهراً این بازداشت‌ها بخاطر اعصاب‌ها و تعطیلی بازار میباشد.

سراب اردبیل

در تظاهرات هفته پیش این شهر دو نفر کشته میشوند. در تاریخ ۸/۲۵ تعداد حدوداً ۱۵۰ مهندس و کارشناس روسی بقصد روسیه شیروی از تهران خارج میشوند. روز چهارشنبه ۹/۱ حدود ۸۰۰ نفر از کارکنان اعصابی پالایشگاه تهران در حالیکه سوار اتوبوس‌های سرویس و اتوبوس‌های سواری بودند با چراغهای روشن و گاه با نواختن بوق بطرف ساختمان مرکزی شرکت نفت واقع در خیابان تخت‌جمشید میروند و در بعضی از خیابانها برای متوجه کردن مردم از ماشین پیاده شده مقداری راهپیمائی میکنند اعصابیون تا ساعت ۱۱/۵ در طبقه همکف ساختمان شرکت نفت توقف میکنند.

گناه

در روز ۳۰ آبان مجلس سخنرانی در یکی از مساجد گناه تشکیل شده بود، سر باز مسلحی در شنای سخن علیه مردم و نفع رژیم سخنانی میگوید که باعث تشنج میشود مردم او را خلع سلاح کرده در شهر تظاهرات میکنند و چند اداره و بانک را با آتش می‌کشند، مأمورین بطرف مردم تیراندازی میکنند و چند نفر مجروح میشوند از جمله یک نفر بنام کبگانی که اکنون در بیمارستان برازجان بستری است.

مردم تفنگ مصادره شده از سر باز را در مقابل آزادی همه دستگیر شدگان به ژاندارمری می‌دهند. از آنروز بعد، معلمین مدارس را به پاسگاه ژاندارمری میبرند و پس از ضرب و جرح رها میکنند.

زنجان

بعد از تظاهرات اعتراض آمیز روز پنجشنبه مردم زنجان، نیروهای پلیس در کوشش برای پراکنده کردن مردم عده‌ای را دستگیر میکنند و ریسمان به گردنشان بسته پس از عبور دادن از چند خیابان زندان می‌برند.

کرمانشاه

کارکنان شرکت ملی نفت ایران منطقه کرمانشاه طی اعلامیه‌ای بمناسبت کشتار مردم خمین نسبت به انتصاب پالیزیان، استاندار جدید و شکستن حریم مدارس اعتراض نموده‌اند.

پس از مدتها تعطیلی، بازار یزد بستور روحانیت باز میشود، پاسبانان با لحن تحقیر آمیزی میگویند دیدید تعطیلی نتیجه‌ای نداد و مجبور شدید بالاخره باز کنید! ساعت ۱۱ محصلین دبیرستانها با حمل عکس‌ها و شعارهایی از چند طرف حرکت میکنند، سر بازارها میان آنها حائل شده و مانع بهم پیوستن میشوند و سپس با پرتاب گاز اشک‌آور به محصلین حمله میکنند و عکس‌ها و شعارها را پاره میکنند و چون موفق به پراکنده کردن نمیشوند تیراندازی میکنند و در نتیجه تعدادی کشته و زخمی میگردند. متعاقب این جریان روز سه‌شنبه ۸/۳۰ بعد از نماز مغرب، مردم از مسجد خارج میشوند و هنگامیکه شعارهای صلوات و درود بر خمینی میدادند مواجه با حمله دژخیمان میشوند و در جریان تیراندازی تعدادی کشته و جمعی دستگیر میگردند. مأمورین با تعقیب مردم بداخل خانه‌ها رفته و آنها را شدت کتک می‌زنند.

مدیریت عامل مخابرات یزد مخالفت خود را نسبت به تلگراف شماره ۱ سیار ۸/۲۶ به کارکنان همدان اعلام داشته و از تاریخ ۸/۲۸ بمدت یکساعت ارتباط کلیه نقاط را با یزد قطع نموده است و گفته است اگر این تلگرام لغو نشود این مرکز عکس العمل شدیدی نشان خواهد داد.

تلگراف سیار ۸/۲۸ دستگاه مدیریت به ماکرو و یو همدان که طی آن کارکنان را تهدید به اخراج کرده بود، در سراسر ایران موجی از اعتراض و خشم برانگیخته است. اداره کل مخابرات اصفهان نیز طی اعلامیه‌ای به تلگراف مزبور اعتراض کرده و ضمن تهدید به عکس العمل شدید اعلام کرده هیچ گونه خرابی را در سیستم رفع نخواهد کرد.

گرمسار

مردم این شهر پس از شهادت دو جوان مبارز (نوروز فریدی و مرتضی تفکری) مراسم با شکوهی علیه رژیم ممانعت پلیس برگزار کردند.

فیروزآباد

دخالت مأمورین در تظاهرات آرام این شهر منجر به کشته شدن ۲ نفر میگردد.

تظاهرات در بازار

در روز ۱/۱ از ساعت ۱۱/۵ صبح تظاهرات از بازار زرگرها - کفاشها - فرش فروشها شروع شده در بازار چهارسو کوچک - سرای سیروس - سید عزیزالله و چهار راه مسجد جمعه، اوج میگیرد. در ساعت ۱۲ تیراندازی شروع میشود و در ناحیه آتش نشانی بازار کفاشها سه نفر کشته میشوند و عده ای زخمی میگردند، از جمله زخمی شدگان آقای مصطفی افضلی از ناحیه ران آسیب دیده اند و به بیمارستان ستم شعبان منتقل میشوند، همچنین آقای اخلاقی تاجر بازار تیر میخورد و به درمانگاه خیام منتقل میگردد اما متأسفانه ساعتی بعد فوت میکند.

روز دوشنبه ۸/۲۹ تظاهرات پراکنده ای در عباس آباد عین الدوله انجام میشود که ضمن تیراندازی دو نفر کشته میشوند که یکی از آنها پسر بچه ۱۳ ساله ای بوده است. جنازه ها توسط سربازان برده میشود.

در روز ۲۸ آبان در خیابان شاهپور، سر بازی به ماشینی که عکس آیه الله خمینی را به شیشه نصب کرده بود تیراندازی میکند و راننده مورد اصابت گلوله قرار میگیرد.

در روز ۸/۲۷ جنازه جوانی را که هدف گلوله قرار گرفته بود به بیمارستان فیروز آبادی شهری میرند دکتر خنجری که کشیک بیمارستان بود تقاضای خون میکند، مردم حدود ۸ لیتر خون میدهند اما بعد متوجه میشوند جوان فوت کرده است.

چند روزی است ماهلین هائی را که به بهشت زهرا میروند با دقت بررسی میکنند.

اخبار خارجی

در بیشتر شهرهای بزرگ اروپائی و همچنین ایالات متحده تظاهرات وسیعی در پشتیبانی از نهضت قزاقی بخش اسلامی برگزار شده است.

طبق اطلاعات مؤثق عده ای از دانشجویان در پاریس، شاهپور غلامرضا را دستگیر کرده و بشدت مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار میدهند.

کارمندان و کارکنان سازمان برنامه که در حال اعتصاب بسر میرند اعلام کرده اند ۷۵۰ تومان حق مسکن خود را در راه جنبش به مردم خواهند داد.

کارمندان سازمان امور اداری و استخدامی کشور به جنبش مردم پیوستند و همگامی خود را با دیگر مبارزین اعلام داشتند.

کارکنان مرکز آموزش مدیریت دولتی نیز با صدور اعلامیه ای، به صف مردم پیوستند و اعلام داشتند از انجام کار خودداری خواهند کرد.

کارکنان کادرفنی شرکت مخابرات در اطلاعیه ای ضمن اعتراض به اعمال وحشیانه و ضد قانونی دولت نظامی همگامی خود را در تمام مراحل با جنبش اسلامی مردم ابراز داشته اند.

کارمندان مرکز آمار ایران روز ۲۴ آبان دست به اعتصاب نسته زده و طی قطعنامه ای اعلام داشتند تا قزادی تمام زندانیان سیاسی و برکناری دولت نظامی از ادامه کار خودداری خواهند کرد.

اعتصاب سازمان کشتیرانی

در اعتصاب این سازمان که برای دولت گران تمام شده است آقای فیروز آذر و خانم منوچهری بازداشت شده اند.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات روز ۲۵ آبان اعلامیه ای منتشر کرده اند و گفته اند مادام که قزادی قلم نباشد دست بانتشار نمیزند و در چنین شرایطی انتشار هر روزنامه و مجله ای را عملی خائنه شمرده اند.

نیروگاههای برق کشور طبق یک برنامه معین ارائه شده بدولت، تولید برق را در ساعات معین کاهش داده اند. و جالب اینکه این امر علیرغم قانون تصویب شده چند ماه قبل آقای شریف امامی است که طی آن مجازاتهای سختی برای کسانی که کارهای حساسی از مملکت را با اعتصاب فلج نمایند در نظر گرفته شده است.

بیانیه ای از طرف اعضاء هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی (سپاهیان انقلاب سابق) منتشر شده است و خطاب به مردم مبارز ایران خواستهای سیاسی خود را در ۱۰ ماده اعلام نموده است.

اخبار جنبش اسلامی

اخبار شهرستانها

شماره ۴ - شنبه ۱۱ آذر

ساری ۱۴ کشته ۷۰ زخمی

۷۰ نفر زخمی میشوند. از چماق بدستان ۲ نفر کشته و ۴۰ نفر مجروح میشوند.

اسم برخی از شهدا بقرار ذیل میباشد:

محمود علامه - ۱۳ ساله محصل.

خانم اسلامی ۳۰ ساله خانه دار همراه دختر ۳ ساله.

خانم پیوندی ۱۷ ساله محصل.

چوب بدستان زخمی در بیمارستان ضمن اظهار ندامت، میگویند «از اداره تعاون روستائی بما گفته اند اگر در تظاهرات شرکت نکنید به شما بذر و وام نخواهیم داد و ما اجباراً به این کار ننگ آور کشانده شدیم.»

پلیس در روزهای بعد به مغازه های مسلمانان سرشناس شهر حمله میکند.

روز سوم شهدا، مردم در گوستان ملا مجدالدین اجتماع میکنند و آقای عبدالحمید روحانی مترقی شهر سخنرانی مینمایند. بعد از سخنرانی، پلیس بایشان حمله کرده و با سرنیزه ایشان را مضروب میکند و اکنون در بیمارستان بستری هستند.

کرمان

فعالیت های پر شور جنبش در شهرستانها، به شکل زنده و حیاتی بخش همچنان ادامه دارد و هر روز بر وسعت و عمق آن افزوده میشود، هر واقعه نتایج مثبت و مفید جدیدی بدنبال دارد. بعنوان نمونه برخی عملیات جنبش را در کرمان ملاحظه نمائید.

مسجد کرمان پس از هجوم وحمله و غارت و آتش زدن و کشتارهای فجیعی که در آن توسط «کولیهای دولتی» و «دولتی های کولی» انجام گرفت، اکنون مرکز تجمع و ستاد عملیات و کانون مبارزات مردم شده است. عکس بزرگ حضرت آیه الله خمینی در بالای برج ساعت از دور نمایان است، پر در و دیوار مسجد شمارهای اسلامی و ضد رژیم

روزی یکشنبه ۸/۲۸ (عید غدیر) حدود ۶۰ نفر افراد محلی از آبادی «ماه فروچک» که عموماً بهائی هستند، چوب بدست و با حمایت پلیس و با شعار «جاوید شاه» در خیابانهای شهر به تظاهرات می پردازند. این تظاهرات از میدان ولیعهد آغاز و تا میدان «پای ساعت» ادامه می یابد.

هنگامیکه این افراد به نزدیکی مسجد جامع ساری که آقای غفاری مشغول سخنرانی بودند می رسند مردم میخوانند بمقابله این چوب بدستان وارد خیابان شوند، اما پلیس با ضربات باتوم و گاز اشک آور و تیراندازی از آنان حمایت میکند.

روز دوشنبه ۸/۲۹ - مردم از هجوم افراد بیشتری از آبادیهای فرح آباد مطلع میشوند و با نظر و دعوت روحانی شهر از ساعت ۸ صبح در مسجد رضا جمع میشوند. در ساعت ۹ صبح حدود یکصد نفر کمونیست از مقابل مسجد عبور میکنند و بطرف میدان پای ساعت میروند، در موقع عبور از مقابل مسجد شعار «نان - مسکن - آزادی» میدهند، مردم در مقابل شعار «آزادی - استقلال - حکومت اسلامی» را جواب میگویند. در جلوی این گروه افراد پلیس در حرکت بودند. حدود ساعت ۹/۵ صبح مردم مسلمان از مسجد رضا بطرف میدان پای ساعت حرکت میکنند هنگامیکه جمعیت ۵ هزار نفری مسلمانان به میدان نزدیک میشود، پلیس با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی هوائی ب مردم حمله میکند، در اینموقع کلیه مغازه های شهر تعطیل شده و مردم بهم می پیوندند. جمعیت بسوی مسجد جامع سرازیر میشود در اینموقع چوب بدستان حمله میکنند و مسلمانان در هت های کوچک ۵۰ نفری در سطح شهر پراکنده شده و خیابانهای فرهنگ و قارن را با چند وانت مسدود میکنند. نیروهای ارتشی و شهربانی که با واحدهای تانک و توپهای سبک مجهز شده بودند، همراه با چماق بدستان مردم را پهاک و خون میکشند و در این جنگ و گریز تا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر ۱۴ نفر از مسلمانان کشته و

پشیم میخورد در هر گوشه و کنار مسجد که آتش زده شده و با زن و مرد و کودکی شهید شده‌اند، خاطره آن نوشته شده است.

اعلامیه‌ها و اخبار جنبش شهر و مملکت، بر روی تابلو اعلانات نصب شده است و همگان مطلع میشوند و تمامی اخبار میکنند. همه جا شعار «درد بر خمینی» و «مرگ بر.....» پشیم میخورد، مسجد و بازار کلاً در اختیار مردم است و نظامی‌ها و عمال رژیم جرأت نزدیک شدن ندارند. همه روزه مسافران و خبرنگاران از مسجد دیدن میکنند و بر مصیبتین جنایتکاران لعنت می‌فرستند.

خبر دیگر فعالیتی است که در مدرسه عالی «آرشام» جریان دارد. دانشجویان و معلمین از این مرکز برای تجمع و سخنرانیهای روشنگر اسلامی استفاده میکنند. این مرکز تاکنون بخاطر دوری از شهر از دستبرد عمال رژیم مصون مانده بود و هر هفته جلسات بحث و سخنرانی ادامه داشت. در هفته اخیر که این فعالیت‌ها به اوج خود رسیده بود، از آقای دکتر توسلی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران برای دو روز سخنرانی دعوت بعمل آمده بود.

پس از برگزاری اولین سخنرانی که در آن جمع کثیری شرکت کرده بودند، ساواک و ژاندارمری از برگزاری سخنرانی دوم جلوگیری کردند.

خبر دیگر از این شهر اعلام موجودیت گروه چریکی مسلمان «وحدت» میباشد که اخیراً اعلامیه‌ای صادر کرده است و در آن از دو واحد عملیاتی بنام‌های «بدر» و «مالک اشتر» نام برده است. یکی از عملیات اخیر این گروه ترور معاون شهربانی کرمان است که در عملیات مسجد دست داشته است.

قم (۹/۱۰)

امروز مردم در کوچه‌ها و محله‌های اطراف خیابان ارم به تظاهرات پرداختند و کوشش داشتند حتی المقدور وارد خیابانهای اصلی نشوند. شعار آنان عبارت بود از:

محرم قیام ملی ما - عاشورا روز رهایی ما

نیروهای نظامی و شهربانی جلوی منزل آیه‌الله شریعتمداری را سد کرده، مانع تماس مردم با ایشان میشوند.

قوچان

در تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری شهر قوچان که در روز ۹/۷ بمنظور بزرگداشت شهید زقانی (فرهنگی) - برگزار شد، بیش از سه چهارم جمعیت از شهرهای بجنورد - چناران - مشهد و روستاهای اطراف شرکت کرده بود. تنها از مشهد بیش از ۱۵۰۰ اتوبوس حرکت کرده بود. در منخل شهر رئیس شهربانی از مردم خواش میکند که اتوبیلهای را در همان نقطه پارک کنند و او از آنها حفاظت مینماید. جمعیت از آنجا با تظاهرات بطرف مسجد جامع حرکت میکنند، در مسجد هنگامیکه سخنرانی مشغول خطابه بود، خبر میرسد چماق بدستان اتوبیلهای برا خرد کرده‌اند. اما چون احتمال تیراندازی میرفت، مردم بمقابله با کولیهای دولتی نپرداخته، تصمیم میگیرند روز چهارشنبه ۹/۸ بمنظور اعتراض در دادگستری مشهد متحصن شوند که از صبح زود ارتش دادگستری را محاصره مینماید، مردم با روپوشدن با چنین وضعی با همان ماشینهای خود شده بسوی منزل آیه‌الله شیرازی رهسپار میشوند. در آنجا آقای علی تهرانی ضمن سخنرانی میگوید «شکستن اتوبیلهای از مظاهر نوید بخش امنیت نظامی است و ره آورد انقلاب سفید و دستاورد تمدن بزرگ است.»

مشهد

روز یکشنبه ۹/۵ بدنبال اعلام اعتصاب عمومی در سراسر کشور، در مشهد کلیه مغازه‌ها تعطیل میگردد و از ساعت ۸ صبح حدود ۲۰۰ هزار نفر از منزل علماء و مدرسه نواب حرکت میکنند و بطرف خیابان خمینی (پهلوی سابق) و چهار راه لشکر و فلکه برق خیابان هفدهم شهریور (ششم بهمن سابق) میروند و شعارهای ضد رژیمی میدهند و بعلامت خشم فراوان، با مشت‌های گره کرده، پاهای خود را محکم بر زمین می‌کوبند در این تظاهرات که تا ساعت یک بعد از ظهر ادامه داشت، آقای هاشمی نژاد سخنرانی میکنند و در جواب صحبت «آزهار» نخست‌وزیر، که اگر راهیبانی و تظاهرات دینی باشد مانعی ندارد ولی اگر سیاسی باشد بشدت سرکوب میکنیم، اعلام مینماید «دین از سیاست هرگز جدا نیست.»

اخبار تهران

در تشییع جنازه حضرت آیه الله غروی، در سه شنبه ۹/۷ جمعیت کثیری از خیابان بوذرجمهری حرکت مینمایند. پلیس برای جلوگیری تظاهرات بدستور سرهنگ پارسا، تیراندازی میکند در نتیجه ۲ مرد و یک زن مجروح میگرددند و یک پیرمرد در اثر ازدحام زیر دست و پا کشته میشود.

هر شب در خیابانهای هاشمی - دامپزشکی - جیحون و دیگر نواحی اطراف آن، تظاهرات انجام می شود.

روزیکشنبه ۹/۵ (بهشت زهرا)

با وجود محاصره بهشت زهرا توسط نیروهای تاندان مسلح، مردم در جاده (تهران - قم) اجتماع کرده بطرف حضرت عبدالعظیم حرکت میکنند. حوالی شهر ری سربازان با شلیک تیر مردم را مضرک کرده، چند نفر را دستگیر می کنند و نفر از دستگیرشدگان را بوضع وحشیانه ای بروی زمین می کشند بطوریکه پوست دست و صورت یک نفر از آنها کاملاً کنده میشود.

روز دوشنبه ۶ آذر، حدود ۲۰۰ نفر از میدان اعدام بسوی بازار راه می افتند و در ساعت ۱۰ صبح موقعی که بانتهای بازار میرسند، دسته ای سرباز به آنها حمله ور شده و ۱۰ نفر را دستگیر می کنند.

روز دوشنبه ۹/۶ - امروز در خیابان پهلوی بین خیابان سپه تا بلوار، دانشجویان تظاهرات وسیعی می کنند. در ساعت ۱۱ سربازان با قنداق تفنگ و سرنیزه به جمعیت حمله کرده و تعدادی را زخمی می کنند.

روز سه شنبه حدود ۱۵۰ نفر از دانش آموزان و دانشجویان از ابتدای خیابان ایرانشهر با شعارهای اسلامی بطرف میدان فردوسی حرکت میکنند، پلیس نزدیک میدان بآنها حمله کرده و تعدادی را زخمی مینماید.

اخبار ارتش

از ارتش خبر میسرمد که روزه به روز تعداد فراریان افزوده میگردد و تمام بازداشتگاههای پادگانها پر از افراد نافرمان است.

در هفته گذشته بیش از یکصد سرباز از پادگان های تهران و نیز افرادی از نیروی دریائی در اهواز بخاطر نافرمانی در گشودن آتش بسوی مردم، مخفیانه تیر باران گشته اند. (درد و رحمت پروان پاکشان)

گفته میشود «عضدی و حسینی» از شکنجه گران ساواک فرار کرده اند.

عوامل رکن ۲ ارتش برای توجیه (یا درست تر بگوئیم، مغزشویی) سربازان اینروزها شایعاتی را پراکنده میکنند از جمله:

شاهنشاه به مشهد رفته و بعد از نماز جلوی ضریح اظهار داشته اند: «یا امام رضا، چون مردم مرا نمیخواهند، من میخواهم استعفا بدهم.» بعد از این بیانات، ضریح بشدت می لرزد و شاهنشاه از تصمیم مبارک منصرف میشوند. شاه کمر بسته حضرت علی است و باین دلیل تاکنون هیچ تیری بر او کارگر نبوده و از تمام سوه قصدها جان سالم بدر برده!؟

روز یکشنبه ۹/۵ - جمعیتی در حدود ۱۰۰۰ نفر از خیابان غیاثی با شعار درود برخیمینی آغاز حرکت میکند. در کمتر از یکساعت به ۴۰۰۰ نفر میرسند. در اینموقع نیروهای ارتشی جمعیت را محاصره کرده و شروع به تیراندازی میکنند و گفته میشود در این جریان ۲ نفر کشته و ۳ نفر مجروح میشوند. جمعیت تظاهرات را در کوچها ادامه میدهند و تا ساعت ۴ بعد از ظهر تیراندازی ادامه پیدا میکند.

گزارش مختصری از مراسم حج امسال

امسال بخاطر مصادف شدن عید قربان با روز جمعه (حج اکبر) نسبت بسالهای قبل تعداد بیشتری بخصوص از خود عربستان در مراسم حج شرکت کرده بودند. گروههای ایرانی کماکان از طریق گروههای اوقاف به حج آمده بودند و اغلب بخاطر گرفتاریهای پرواز به جده ناراحت و ناراضی بنظر میرسیدند. امسال تعداد ایرانیانی که از اروپا و امریکا آمده بودند بیشتر از سالهای قبل بود و همین عده تقریباً برنامه ریزی و اداره تظاهرات علیه شاه و حمایت از آیه الله خمینی را به عهده داشتند. شعارهای عربی (الموت شاه ایران- یحیی خمینی) همراه شعارهای فارسی مرگ بر ... درود بر خمینی- استقلال، آزادی، حکومت اسلامی، سلام بر مجاهد، سلام بر فلسطین و ... تقریباً همه دیوارهای مکه و مدینه را پر کرده بودند.

تظاهرات علیه شاه پس از قرائت دسته جمعی دعای عرفه، با شعارهای الله اکبر- درود بر خمینی و ... ساعتها در عرفات و بعد در منی و در تمام طول راه رمی جمرات ادامه داشت و برادران افغانستانی و پاکستانی و اندونزی و فلسطینی با تظاهر کنندگان همصدا بودند، خصوصاً در تظاهراتی که در محل غار حرا صوت گرفت و منجر به دستگیری ۳۵ نفر گردید.

برای آزادی برادران گرفتار عده ای موفق بدیدار و مذاکره با یاسر عرفات که همراه سران مجاهد فتح در اردوگاه فلسطین بود شدند ولی تاکنون از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

وحشت مأمورین سعودی از تظاهرات ضد رژیم ایرانیان بخوبی محسوس بود و دائماً شعارهای نوشته شده روی دیوارها را پاک میکردند. یکی از روزنامه های سعودی نوشته بود که دولت عربستان از کلیه کشورهای عربی و نیز کشورهای که کمک مالی از آن کشور دریافت میدارند خواسته است تا از شاه ایران تا آنجا که میتوانند پشتیبانی کنند، چه تزلزل و نابودی رژیم ایران مخاطرات بزرگی برای رژیم عربستان سعودی ببار خواهد آورد.

اعتصاب در دفتر مرکزی شرکت نفت

در پی اعتصاب چند هفته ای کارکنان پالایشگاه تهران، بیش از ۶۰ نفر از کارکنان دستگیر میشوند و ارتش محوطه پالایشگاه را اشغال مینماید و از ورود افراد بداخل پالایشگاه جلوگیری مینماید.

روز چهارشنبه ۵۷/۹/۱ کارکنان پالایشگاه برای اعتراض به دستگیری دوستانشان و جلوگیری از ورود بداخل پالایشگاه در اداره مرکزی (تخت جمشید) گرد می آیند، به آنها قول داده میشود که تا روز شنبه ۹/۴ به خواسته هایشان رسیدگی میشود. شنبه ۹/۴ ساعت ۹ صبح، کارکنان با مراجعه به پالایشگاه، مواجه با شرایط سابق میشوند و بالا نفاق جلوی اداره مرکزی می آیند و در آنجا مواجه حمله پلیس با گاز اشک آور و تیراندازی می شوند و چند نفر زخمی میگردند از جمله:

پور جعفریان- یدالله قدرت- حبیبیان- ملکوتی و علیزاده (گفته میشود روز دوشنبه یکی از این افراد شهید شده است). از این لحظه بعد، کارکنان اداره مرکزی نیز به آنان ملحق میشوند و همگی تصمیم میگیرند با سکوت و نشسته با اعتراض خویش ادامه دهند. مدتی بعد قرار میشود نجم آبادی- (معاون انصاری) برای صحبت حاضر شود که امتناع میکند و تیمسار صدری رئیس اداره حفاظت حاضر میشود و میخواهد صحبت کند که او را هومیکنند و جناب تیمسار از ترس غش میکند و از حال می رود؟! سپس نژند و ایرانی، دو نفر از افراد هیئت مدیره که شدیداً مورد تنفر کارکنان هستند حاضر میشوند ولی در محاصره قرار گرفته و موفق به صحبت نمیشوند و با تلاش مأمورین خود را نجات میدهند. بعد از این جریان تصمیم گرفته میشود تا آخر وقت اداری در محوطه بمانند و با آیاتی از قرآن مجید و اشعار انقلابی خود را تقویت نمایند و در آخر جلسه قطنامه ای در حمایت از کارکنان دستگیر شده تهیه و قرائت میشود. در همین روز کارکنان خطوط انتقال نفت همبستگی خود را با اعتصاب اعلام و خط لوله جنوب تهران را می بندند.

روز یکشنبه ۹/۵ افراد گارد مرد مستی را بیهانه اینکه جلوی آسانسور طبقه همکف ایستاده است بیاد کتک میگیرند و مضروب میازند. در اینموقع کارکنان از اطافهای خود

خارج شده دست به اعتراض میزند و مأمورین متعاقباً آنها را تا طبقه چهارم تعقیب میکنند، دراینموقع کارکنان پالایشگاه از راه میروند و بلافاصله مواجه با حمله مأمورین میشوند و در اثر تیراندازی آنان چندین نفر زخمی میگردند و ۵ نفر دستگیر میشوند. در میان زخمی شدگان دو خانم از ناحیه سر آسیب می بینند.

روز یکشنبه ۹/۵ - کارکنان اداره مرکزی تصمیم میگیرند برای مطلع شدن از وضع کارکنان پالایشگاه در سالن طبقه همکف اجتماع کنند.

کارکنان پالایشگاه بدون دادن تمهید بداخل پالایشگاه میروند و در رستوران اجتماع میکنند و خواستار آزادی دستگیر شدگان میگردند. معاون پالایشگاه اظهار میدارد: «من نمیتوانم کاری انجام دهم» در همین اثنا کارکنان متوجه میشوند که احتمال محاصره ارتش وجود دارد لذا رستوران را ترک کرده، بطرف اداره مرکزی (تخت جمشید) حرکت مینمایند. در آنجا به کارکنان خط لوله و کارکنان اداره مرکزی می پیوندند. در این موقع پلیس با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی به اعضا بیون حمله میکنند و ۲۰ نفر را زخمی میسازد.

روز دوشنبه - کارکنان پالایشگاه در داخل محوطه رستوران اجتماع میکنند. نجم آبادی (عضو هیئت مدیره) و تیمسار نوروزی و ایرانی میکوشند تا کارکنان را بکار برگردانند و درازای شروع به کار قبول آزادی دستگیر شدگان را میدهند اما کسی بحرف آنها اعتنائی نمیکند.

دستگیر شدگان

آقای مهندس وحداد از مهندسين با سابقه و مبارز مخابرات در جریان اعتصابات این اداره دستگیر شده اند. آقایان - نوائی - موسوی - بابک چی - کارمندان سازمان آب دستگیر شده اند.

آقای شرافتی مسئول تلفن ۱۲۴ بین المللی دستگیر میشود. از ایشان خطی آزاد برای تماس با خارج خواسته میشود ولی چون کارکنان در اعتصاب بودند ایشان امتناع مینماید. آقای نعمت میرزاده (شاعر) بازداشت شده است.

حجت الاسلام شیخ جواد غروی و علی باری پس از بازگشت از پاریس بازداشت میشوند.

اعتصاب بانک مرکزی

روز شنبه ۹/۴ کلیه کارمندان بانک مرکزی دست از کار کشیده، اعتصاب نمودند. پلیس برای بازگرداندن آنان دخالت کرده ولی موفق نشد. در این میان یکی از کارمندان که به فرمانده پلیس اعتراض نموده بود، دستگیر میشود و بقیه کارمندان به تظاهرات پرداخته، جلوی بانک اجتماع میکنند در اینموقع پلیس برای متفرق کردن آنها متصل به شلیک تیرهوائی میشود و نهایتاً پس از ۲ ساعت درگیری مجبور میشود کارمندان بازداشتی را آزاد کند.

پس از این جریان با صدور قطعنامه ای حاوی خواسته های صرفاً سیاسی، تا روز ۹/۱۱ اعلام اعتصاب عمومی نموده، اعلام مینمایند چنانچه به خواسته های آنان رسیدگی نشود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

اسامی تعدادی از موسسات دولتی که در حال اعتصاب هستند:

- ۱- وزارت نیرو
- ۲- توانیر و کلیه ادارات وابسته
- ۳- شرکت ملی نفت ایران
- ۴- بانک مرکزی
- ۵- سازمان انرژی اتمی
- ۶- شرکت مخابرات
- ۷- گمرکات جنوب
- ۸- ادارات مرکزی گمرک
- ۹- ادارات ترخیص کالا
- ۱۰- آب و برق خوزستان
- ۱۱- وزارت دادگستری
- ۱۲- وزارت راه و ترابری
- ۱۳- وزارت دارایی
- ۱۴- تلویزیون
- ۱۵- اداره استاندارد
- ۱۶- سازمان برنامه
- ۱۷- مرکز آمار
- ۱۸- سازمان امور استخدامی و اداری
- ۱۹- مؤسسات فرهنگی

.....

برای متخصصان آمریکائی شرکت تلفن بی سیم سیدخندان، که کارمندان ایرانی آنها را از اداره اخراج کرده اند، در ابتدای خیابان جردن دو دستگاه ساختمان اجاره کرده اند.

اخبار داخل:

از دید خارج

مجله نیوزویک - ۲۷ نوامبر (۶ آذر)

«سیامک زند» رئیس اداره مطبوعات دربار شاه که به لندن فرار کرده است، فاش نموده که تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران غربی در مقابل دریافت هدیه‌های گرانقیمت مقالات و خبرهایی در مدح و تمجید شاه در روزنامه‌ها و مجلات خود منتشر کرده‌اند. وی اظهار داشت از جمله کسانی که از این قبیل هدایا دریافت کرده‌اند (GERARED) (DE DOBWER) روزنامه‌نگار فرانسوی میباشد که دستبندی بارزش ۲۰۰۰۰۰ (معادل یک میلیون و چهار صد هزار تومان) دریافت کرده و دیگری AR. DE BORGHRAVE گزارشگر مجله نیوزویک میباشد که یک جفت فالچپه بارزش ۲۰۰۰۰ دلار (معادل یکصد و چهل هزار تومان). همچنین رابرت ماس ROBERT MOSS مقاله‌نویس روزنامه انگلیسی دلی تلگراف نیز متهم به دریافت هدایا و مخارج مسافرتش بعنوان رشوه گردیده است. شخص دیگری که سیامک زند در اظهاراتش نام برد لرد چالفونت lord CHALFONT یکی از وزرای سابق دولت انگلیس میباشد که گهگاهی مقالاتی برای روزنامه تایمز لندن می‌نویسد. او نیز متهم است که رشوه گرفته است.

سیامک زند اظهار میدارد که از مخالفان شاه است و دلیل فرارش از ایران همین موضوع میباشد.

در تهران گفته میشود که زند و خانواده‌اش در سوءاستفاده‌های مالی جزیره کیش دست داشته‌اند. باید یادآور شد که سیامک زند برادر داماد محمود منصف مدیر عامل فراری جزیره کیش میباشد. همچنین برادر سیامک زند تمام منازعه‌های جزیره کیش را به بوتیک‌های انحصاری خود اختصاص داده است.

بطوریکه از بیمارستانهای سینا- داریوش - هزارتختخواهی گزارش میدهند، اکثر بیماران، تختها را جهت زخمیهای نظاهرات خالی میکنند و می‌گویند، آنها بیش از ما به مداوای سریع احتیاج دارند.

...

گفته میشود در جریان مذاکرات تلفنی کارتر و شاه، یکی از کارمندان مخابرات این مذاکرات را ضبط میکند و بخاطر عدم رازداری مسأله فاش شده و بلافاصله توسط مأمورین ساواک کشته میشود.

...

یک پیش نویس دستوری از طرف مقامات امنیتی برای سندیکاهاى مختلف ارسال شده است که متن آن را بااطاعت میرسانیم:

«پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر» شاهنشاه، از روزیکه بامر مبارک شاهانه دولت نظامی زمام امور کشور را بدست گرفته در این مدت قلیل توانسته است جلوی آشوب و غارت و آتش سوزی و اغتشاش را بگیرد و از اموال و جان مسلمین حفاظت نماید، و از طرفی برای ما و عموم ملت ایران مسلم و روشن است که علماء اعلام و روحانیون با زهد و تقوی هرگز دستور چپاول و سوزاندن اموال مسلمین را نمیدهند، لذا اعضای هیئت مدیره سندیکای... وابسته باطاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، از طرف خود و بنماینده گی... نفر اعضای مجمع عمومی، پشتیبانی کامل خود را از قانون اساسی مشروطه سلطنتی و متمم آن اعلام و در نیل به این هدف عالی از هیچگونه فداکاری دریغ نخواهیم داشت.

اعضای هیئت مدیره سندیکا

نام اعضای هیئت مدیره

...

بخاطر اغتشاشات سیاسی که اخیراً در ایران بوقوع پیوسته، و بخصوص بخاطر اعصاب‌های بی‌درپی ادارات دولتی، از قبیل اداره گمرک، قسمت بین‌المللی شرکت تلفن، سرویس‌های تلکس، ترانسپورت، سوخت و غیره، بیش از ۸۰۰ شرکت خارجی که در ایران فعالیت دارند با مشکل عظیمی روبرو هستند. برای آنها کار کردن در این شرایط متخول اجتماعی غیر ممکن شده است و بسیاری از آنها مجبور شده‌اند برای جلوگیری از اعصاب کارمندان، حقوق آنها را تا ۲۵٪ افزایش دهند. مشکل‌تر اینکه کم کاری در ادارات دولتی، باعث تأخیر پرداخت پول به مقاطعه کاران خارجی گردیده است. تاکنون تهدیدهای زیادی بر علیه صدهزار خارجی و اموال آنها صورت گرفته که در صورت شدت گرفتن ممکن است به ترک عموماً آنها منجر گردد. در حال حاضر کارکنان و کارگران شرکت نفت در حال اعصاب میباشند و یکی از خواسته‌های آنها اخراج بیش از ۶۰۰ مهندس و تکنیسین خارجی میباشد. تورم و ازدیاد سرسام آور خرج زندگی میتواند باعث این خواسته آنها باشد زیرا درآمد آنها در مقایسه با خارجیان بسیار ناچیز است. بعنوان مثال یک آمریکائی ماهیانه ۶۰۰۰ دلار و یک انگلیسی ۵۰۰۰ دلار درآمد دارد در حالیکه کارگران ایرانی که اکثرآ نیروی انسانی را در مناطق نفت خیز تشکیل میدهند ماهیانه فقط ۸۰ دلار درآمد دارند از طرف دیگر تأیید شاه از طرف کاتر و دولت انگلیس، به بدی اوضاع کمک کرده تا جائی که میتوان حمله اخیر به سفارت انگلیس و شرکتهای هوایی BRITISH AIR و PAN AM یکی از اثرات این اقدامات دانست. از طرف دیگر در اغتشاشات اخیر تهران به دنبال پرتاب بمب آتش زا به اتوبوس کارکنان شرکت هلیکوپتر «بل» در اصفهان و آتش کشیدن اتومبیل «جرج لینک» (GEORGE LINK) مسئول عملیات نفتی در اهواز و همچنین تلفن‌های تهدیدآمیز به منازل امریکائی‌ها و انگلیسی‌ها، در عرض چند هفته گذشته حدود ۴۳۰۰ زن و بچه آمریکائی که تعداد کل آنها به ۴۱۰۰۰ نفر میرسد ایران را بقصد کشورشان ترک کرده‌اند.

در حال حاضر ۳۰۰ کمپانی امریکائی، ۳۶۰ آلمانی و ۲۰۰ انگلیسی و تعدادی متعلق به سایر کشورهای اروپائی در ایران مشغول فعالیت هستند. شایعات اخیر در مورد خارجیان باعث شده که تعداد زیادی از این کمپانیها، به سفارتخانه‌های

مربوطه برای کسب اطلاعات و راهنمایی مراجعه کنند. در این میان سفارت امریکا دارای بهترین سیستم تماس با ۲۵۰۰۰ امریکائی ساکن در تهران میباشد. بنا به نظهارات رئیس امنیتی سفارت امریکا ROBERT BANNERMAN این سفارت میتواند با استفاده از سیستم‌های ابدائی کامپیوتری، در صورت لزوم در ظرف یک الی دو ساعت با تمام کمپانیهای امریکائی در تهران تماس بگیرد. از این گذشته در اواسط ماه نوامبر یک مرکز اطلاعات تلفنی در محل سفارت بوجود آمده است که اطلاعات لازم را در هر مورد و حتی شایعات در اختیار امریکائیها بگذارد. علاوه بر این شش خط تلفنی برای پاسخگویی به سؤالات در مورد ترک کردن ایران اختصاص داده شده است.

مقامات رسمی سفارت امریکا اظهار میدارند، در ظرف چند ماه آینده ممکن است موقعیت بوضع حاضر و یا حتی وخیم‌تر از این بشود در نتیجه کمپانیها و اشخاص مؤلفند تصمیم نهائیشان را در مورد ترک کردن یا ماندن زودتر اتخاذ نمایند. رؤسای چندین شرکت بزرگ از جمله W LEHFELDT معاون شرکت جنرال الکتریک قسمت «سرویسهای فنی» به کلیه کارمندان و تکنیسین‌های این شرکت گفته است که میتوانند خانواده‌هایشان را به کشورشان بفرستند ولی بهتر است خودشان طبق پیشنهاد مسئولین همچنان بر سر کارشان حاضر باشند. همچنین مقاطعه کاران بزرگ نفتی در اهواز، افراد خانواده‌شان را به کشورشان فرستاده‌اند. در بوشهر مردم اتومبیل و منازل خارجیان مقیم این شهر را سنگ باران کرده‌اند و در نتیجه ده هزار نفر از مهندسين و کارمندان ملیت‌های مختلف که در ساختمان دیر نیروگاه اتمی با شرکت آلمانی «کرافت و رک یوبیون» همکاری میکنند، مجبور به ترک شهر و اقامت در یک کمپ شده‌اند. علاوه بر این تعداد زیادی از رانندگان کره‌ای با کامیون‌های پر از بار از سواحل بارگیری خرمشهر توسط کارگران اعصابی بیرون رانده شده‌اند.

ترجمه مقاله‌ای از روزنامه
DAILY EXPRESS
خبرنگار—
PETER HARDY
مکان— اهواز

اتومبیل «جرج لینگ» که رئیس کمپانی OSCA که یک کنسرسیوم (چند شرکت) امریکائی و انگلیسی است، بوسیله بمب آتشرآ متفجر شد و راننده او که بتعقیب مهاجمین پرداخته بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و بسختی مجروح

شد.

هیچکس که دارای گذرنامه خارجی باشد جرأت قدم زدن در خیابانها هنگام شب ندارد و از حمله اعصابیون میترسد. در محله بازار حتی هنگام روز خارجی ها ظاهر نمیشوند.

ارتباط سفارت انگلیس با هزاران نفر از کارکنان و کارگران فنی نفت انگلیس که در حوزه های نفت مشغول کاراند تقریباً غیر ممکن شده است. ولی بنظر میرسد که برنامه ای برای تخلیه برق آسای کارکنان خارجی از حوزه های نفتی جنوب تهیه شده است که در صورت ضرورت اجرا گردد. این برنامه بر اساس علائم رنگی که توسط چراغها به کارگران فنی و سایر کارکنان ابلاغ میشود، عملی میگردد یکی از کارمندان بنام JOE DODKINS گفته است که ما گفته اند که میتواند ظرف ۲۰ دقیقه از بحرین برای ما هواپیما بیاورند و ما گور خود را از اینجا گم کنیم. گویا امریکایی ها نیز چنین برنامه ای دارند.

دو نفر از کارگران فنی انگلیسی که خواسته اند نامشان محفوظ باشد، اظهار داشتند توسط اعضای سیا (C.I.A) با آنها تماس گرفته شده است تا نسبت به شکستن اعصاب کارگران نفت اقدام کنند. این دو نفر اظهار داشته اند که تماس اعضای سیا از طریق نیروی دریایی ایران و کاملاً مخفیانه انجام گرفته است. این افراد اضافه کرده اند که:

«از ما میخواستند که آنها را آموزش دهیم تا بتوانند چاه ها را دوباره وارد جریان استخراج کنند، ولی ما به آنها گفتیم که تمایلی به این کار نداریم. این جنگ به ما مربوط نمی شود و ما فقط میخواهیم فعلاً سر و صدائی از طرف ما ایجاد نشود اگر کارکنان ایرانی راجع به چنین کاری از طرف ما پی ببرند، ما را غیباً محکوم به مرگ میکنند. ما به این جهنم دره فقط برای اسکناس آمده ایم، آیا میشود برای دلیل دیگری کسی باینجا بیاید؟»

اتباع انگلیسی درحوزه های نفتی در وضع خطرناکی بسر میریند. بعضی از آنها تعریف کرده اند که چگونه از محل ایجاد ساختمانها و تأسیسات در حال ساخت در حوزه های نفتی آنها را بیرون کرده و فرار کرده اند. این دو نفر (BILL JACK) از ترس کارگران اعصابی مجبور میشوند شب را روی بام یک کلوب متعلق به یک شرکت ساختمانی بسر ببرند، شبی که در آن ۱۴ وسیله نقلیه توسط کارگران با دینامیت منفجر میگردد.

شخص دیگری تعریف میکرد که هلیکوپتری که وی را به اهواز میربده، بعلت نقص فنی مجبور به فرود آمدن در محلی

نزدیک بهبهان میشود اما ناگهان خود را در محاصره عده ای از جوانان می بیند، خلبان با رادیو تقاضای کمک میکند وجوانان با سنگ به هلیکوپتر حمله میکنند. در آن وضع خلبان تصمیم میگیرد ریسک کند و با همان وضع به پرواز ادامه دهد و بسختی خود را نجات میدهد. (CHRIS TONGE)

شخص دیگری بنام (FOSTER WHEELOR CONSTRUCTION) کار میکند میگفت ایرانیانی که با وی کار میکنند، به او اخطار کرده اند که ایران را ترک کند در غیر اینصورت او را بقتل خواهند رساند. همچنین اظهار داشته در قسمت او ۴۳ انگلیسی با ۷۵۰ ایرانی کار میکنند و از اینکه خود را در میان کسانی می بیند که دائم مشغول مذاکره در باره ادامه یا شکستن اعصاب هستند، بسیار میترسد و تاکنون چندین نفر از افراد او و یک امریکائی در اثر زد و خورد با کارگران اعصابی بسختی مجروح شده اند.

CHRIS TONGE میگوید وضع کار و تولیدات بهیچوجه بحالت عادی برنگشته و هر که خلاف این واقعیت را بگوید بی ربط و مزخرف گفته است.

روزنامه دیلی میل (DAILY MAIL) خبرنگار THOMPSON

انتظار میرود که روز دوشنبه ۱۱ دسامبر (عاشورا) ساعت منع عبور و مرور درتهران ۲۴ ساعته بشود. در این روز طبق یک سنت مذهبی هزاران نفر از مردم به خیابانها آمده و به عزاداری خواهند پرداخت و در نتیجه امکان آن می رود که مقاومت علیه رژیم شاه و همچنین خارجیانی که هنوز ایران را ترک نکرده اند به حد اعلا برسد.

کارگران اعصابی شرکت ملی نفت ایران (درمراکز نفت خیز) تهدید کرده اند که از اول ماه دسامبر (دهم آذر) شروع به کشتار انگلیسی ها و امریکائیهای شاغل در شرکت نفت خواهند کرد و بهمین دلیل تعداد زیادی از خارجیان خانواده هایشان را به کشورشان فرستاده اند ولی اکثر کارمندان انگلیسی اظهار داشته اند، علیرغم ترس و وحشت زیاد تصمیم دارند همچنان در ایران بمانند.

دولت نظامی ایران تا بحال اظهار نظر رسمی در مورد ۲۴ ساعته کردن منع عبور و مرور نکرده است ولی امکان آن می رود که از اول ماه دسامبر مقررات حکومتی نظامی در مورد ساعت منع عبور و مرور که در حال حاضر در تهران از ساعت ۵ صبح الی ۹ شب میباشد، هر چه بیشتر اجراء گردد. گرچه در حال حاضر نیز به سر بازاران دستور اکید داده شده که افرادی که مقررات را رعایت نکنند مورد هدف گلوله قرار دهند.

اخبار جنبش اسلامی

تهران
مهرم

ماه قیام، ماه خون

شماره ۵، چهارشنبه ۱۵/۹/۵۷

شنبه ۹/۱۱ (اول محرم)

از صبح زود حرکت مردم از نقاط مختلف شهر آغاز میشود. خیر شهیدان و مجروحان دیشب همه را غمگین کرده بود، ماه محرم با خون شهیدان برآستی آغاز شده بود و پیام شهیدان کر بلا بیش از همیشه الهام بخش بود....
تظاهرکنندگان با شمارهای خود مردم را از فاجعه دیشب آگاه میکردند.

مأمورین سفاکانه تیراندازی میکردند و از کشته پشته می ساختند. بیشترین کشته در چهارراه سرچشمه بود که پس از مدتی، تلی از شهدا را مأمورین در گوشه‌ای جمع کرده و مدتی بعد با آمبولانسهای ارتشی بردند. در اینجا مردم از بازار تهران حرکت کرده بودند و پس از طی خیابان بوزرجمه‌ری و ری از طریق امیر کبیر، در ساعت ۱۰/۴۰ به سرچشمه میرسند و چون در قسمت جلو و عقب تظاهرکنندگان با اتومبیلها راه بندان ایجاد کرده و مانع رسیدن مأمورین میشدند، سربازان پیاده از میدان سپه حرکت کرده و خود را به سرچشمه میرسانند و بدون انتظار و استفاده از گاز اشک‌آور مردم بیدفاع را به مسلسل می بندند و بگفته شهید عینی حداقل در این محل ۲۰۰ نفر شهید میگردند پدر مجاهدی که اخیراً یکی از فرزندانش بجرم ترادگی تیرباران شده بود، اظهار میداشت که در کنار او با یک برگبار، ۲۵ تا ۳۰ نفر بزمن افتادند. و در ابتدای کوچه ارژنگی مقابل سرای ناهید بیش از ۶۰۰ جفت کفش زنانه و مردانه و بیگانه متعلق به شهدا و مجروحین و کسانی که مرنج به فرار شده بودند پراکنده شده بود.

یکی از کشته شدگان بنام «اصغر استنادیا» راننده اتوبوس دو طبقه در پشت فرمان کشته شد. مردم جنازه او را که دارای ۵ فرزند بود به مسجد فائق در خیابان شهزاد آوردند. گلوله درست به مفر او اصابت کرده بود و آنرا متلاشی کرده و به دیواره اتوبوس چسبانده بود.

نیساعت پس از جمع آوری شهدا و مجروحین هنگامیکه داشتند کف خیابان را از خونهای پر برکت شهدا می شستند، دو مجروح نیمه جان را در جوی خیابان امیر کبیر یافتند و دو مجروح دیگر نیز روی پشت‌بام خانه‌ای افتاده بودند که سربازان نمیگذاشتند مردم هیچکدام را به بیمارستان برسانند.

از این لحظه بعد مردم در راهپیمائیا و تظاهرات خود می گفتند «اول محرم سرچشمه کر بلا شد»
در اطراف بیمارستانها هزاران نفر برای اهدای خون اجتماع کرده بودند و آماده هرگونه کمک به مجروحین بودند. تنها در بیمارستانهای «بهاورد و بهادران» از ساعت ۱۰ شب شبیه تا صبح یکشنبه ۲۳ کشته و حدود ۳۰۰ زخمی برده‌اند و در بیمارستانهای بازرگانان- سوم شعبان- طرفه- سوانح- جرجانی و شفا پیمانان تعداد زیادی مجروح برده‌اند ظهر روز شنبه بیمارستان شفا پیمانان اعلام کرد که بیمارانش را به جای دیگری منتقل کرده و آماده پذیرش ۷۰۰ مجروح است و در ساعت ۴ همانروز اعلام نموده تمام ظرفیت بیمارستان تکمیل است.

شایع است مسافری که عازم تهران بود، بخاطر تاخیر ورود به شهر مواجه با ساعت حکومت نظامی میشود و ناچاراً در اطراف بهشت‌زها در اتومبیل خود میخوابد. نیمه‌های شب در اثر سر و صدا از خواب بیدار میشود و در فاصله نزدیکی چند ماشین ارتشی را مشاهده میکند و لودری رامشغول حفر چاله می بیند که پس از کندن زمین جنازه‌ها را در گودال ریخته و با خاک آترا میپوشانند.

گشتار در خیابان رامسر (یکشنبه ۹/۱۱)

حدود ساعت ۱۱ صبح تعداد زیادی دختر و پسر جوان حالیکه پیراهن‌های سیاهی پوشیده بودند و عکس‌هایی از آیه‌الله خمینی حمل میکردند، از خیابان سپهد زاهدی شروع به حرکت میکنند. این عده در حالیکه مرتباً تعدادشان افزوده میشد، به خیابان تخت‌جمشید میرسند و از آنجا بطرف سفارت امریکا حرکت میکنند. در مقابل سفارت علاوه بر مأمورین مسلح ارتش، دو سرباز امریکائی با لباس شخصی عملیات حفاظتی را رهبری و کنترل میکنند و مرتباً با بی سیم جریان را بداخل سفارت گزارش میکنند. در این هنگام که جمعیت به حدود ۱۵۰ متری غرب سفارت رسیده بود، یک کامیون سرباز به طرف آنان حرکت میکند. جوانان به کوچه‌های جنوبی تخت‌جمشید و خیابان ثریا می‌گریزند و در خیابان رامسر، به دانشجویان تربیت معلم که تظاهرات کرده بودند میپیوندند در اینجا مأمورین جمعیت را محاصره می کنند و برگبار می بندند و ۴ نفر را هدف گلوله قرار میدهند. دو نفر

آنها مقابل خوابگاه دانشکده تربیت معلم و دو نفر دیگر مقابل خانه شماره ۵۵ خیابان رامسر یزین می افتند و پس از انتقال به بیمارستان فوت میکنند. یکی از این شهدا، در آخرین لحظات حیاتش با روحیه‌ای شگفت‌انگیز با قطرات آخر خوش روی کاپوت اتومبیل پیکان شماره (۱۲۳۳۵) - تهران (س) که در گوشه خیابان رامسر پارک شده بود. شمار مترا مینویسد. «مرگ بر.....»

خیابان خراسان

در تظاهرات این منطقه ۵ نفر کشته شدند. مردم پارچه سفیدی را که بخون آنها آغشته بود، در وسط خیابان در معرض دید عموم قرار دادند.

بازار

در تظاهرات پراکنده بازار، گفته میشود ۶ نفر کشته شده‌اند و پلیس عبور و مرور بطرف سبزه میدان و بازار را قطع میکند.

شاهپور

در این ناحیه مردم به خیابانها میریزند و شروع به آتش زدن لاستیک میکنند و شعار میدهند. مأمورین سرمرسند و بداخل کوجوها تیراندازی میکنند و مردم را تعقیب مینمایند. صبح روز بعد پلیس بداخل خانه‌های شناخته شده میریزد و بدنیاال بلندگو میگردد و مردم را مورد بازجویی قرار میدهد.

اتابک

در تظاهرات این منطقه گفته میشود ۴ نفر شهید شده‌اند.

در خیابان شمیران مقابل سینما ریولی، مردم یک جیب شهربانی شماره ۲۷۲۴ را با آتش میکشند. از جزئیات حادثه و سرنوشت سرشنیان آن اطلاعی در دست نیست.

بهشت زهرا

همه روزه در ایام محرم تظاهراتی در بهشت زهرا بر پا میگردد هنگامیکه جنازه سوراخ سوراخ شده تازه شهیدی را می‌آورند تظاهرات به اوج خود میرسد. تنها صبح روز یکشنبه دوم محرم ۲۰ شهید را دفن کردند.

شب جمعه ۹/۹ بعد از شاعت ۹ شب جمعیتی در خیابانی تظاهرات میکردند سر بازاران هجوم می‌آورند و مردم به خانه‌ها پناه می‌گیرند. در یکی از این خانه‌ها که مردم خود را مخفی میکردند سر بازاران از پشت در تیراندازی میکنند و پسر صاحبخانه کشته میشود و مأمورین جنازه او را بزور گرفته با خود میبرند.

شنبه ۹/۱۱

این خیر بنواتر بما رسیده است و علیرغم غیر عادی بودن، صحیح بنظر میرسد.

حدود ظهر روز شنبه مأمورین ارتش، ۲۶ نفر جوانی را که بععلت تظاهرات دستگیر کرده بودند، در پیاده روی مقابل مجلس روی زمین مینشانند تا نفر بر خالی بیاید و آنها را به زندان ببرد مدتی طول میکشد و جوانان از یکجا نشستن و سرما آنهم گوشه‌خسبایان بتنگ می‌آیند و یکی از آنان اعتراض میکند و میگوید مگر به خیابان آمدن جرم است؟ افسر فرمانده بنا لحن تند میگوید خفه شو حرف زدن هم ممنوع است! از این قسمت واقعه نقل قول‌های متعددی کرده‌اند که چگونگی آن دقیقاً روشن نیست.

بروایی جوان معترض بجوابگویی پرداخته حتی درصدد خلع سلاح یکی از سر بازاران برمیآید و فرمانده به این بهانه فرمان آتش میدهد و هر ۲۶ نفر را شهید مینمایند. سر بازاران اجساد شهدا را بداخل کامیون ریو انداخته بمقصد نامعلومی میرند عصر آنروز سر بازاران به آسایشگاه خود رفته و اسلحه‌هایشان را یزین می‌اندازند و روی تخت خود شروع به گریه میکنند. وضع غیر عادی سر بازاران همه را متأثر میکند و سرهنگ (که بتازگی از سرگردی به درجه سرهنگ تمامی رسیده بود) برای آنها صحبت میکند در حین صحبت حال سر بازی بهم میخورد و او را به بهداری میبرند و برای راحتی وجدان بقیه، ۲۴ ساعت استراحت میدهند.

مسجد قبا

روز شنبه ۹/۱۱ پس از اقامه نماز مغرب و عشا و سخنرانی آقای دکتر مفتی، مأمورین ارتش مسجد را محاصره میکنند و با تیراندازی هوایی به ارباب مردم میردازند. فرمانده آنها با بلندگو اعلام میکند «چون برای تشکیل این اجتماع کسب اجازه نشده است باید تعطیل گردد» و باینترتیب این مسجد را از ابتدای ماه محرم تعطیل مینمایند.

مسجد تهرانی

عصر روز ۹/۱۱ در مسجد تهرانی واقع در منطقه دروس، هنگامیکه مردم مشغول تقدمات نماز جماعت بودند، معاون کلانتری فهلک در محل حاضر شده با توهین و نامرزا بکمک مأمورین همه را از مسجد خارج میسازد و بدون جهت برای ارباب ساکنین محل مدت یکساعت تیراندازی مینماید.

هموطن،

اکنون که مطبوعات - رادیو و تلویزیون - مساجد - مدارس - دانشگاهها و کلیه مراکز تجمع و کسب خبر را تعطیل نموده‌اند، وظیفه همه ما است در ابلاغ اخبار بکوشیم و با تکثیر و توزیع این نشریه توطئه رژیم را خنثی سازیم.

روز پنجشنبه ۹ آذر ماه در بهشت زهرا اعلام شده بود که نماز جمعه در مسجد المهدي (تهران نو) برگزار میگردد. از صبح جمعه مسجد بوسیله نیروهای ارتش محاصره میگردد و مردم که از ساعت ۹ صبح آمده بودند متفرق میشوند. در همان محل تراکتهائی پخش میشود که در آن از مردم دعوت شده بود شب شنبه از ساعت ۹ بعد روی پشت بامها رفته شعار «الله اکبر» و «لا اله الا الله» بگویند.

شعارهای شبانه (در پشت بام ها)

ارتش به این بی غیرتی، ندیده هیچ مملکتی.
حسین، راه ترا ما برگزیدیم، هردو با هم گرفتار یزیدیم.
افتد اگر این پیکر زارم، دست از خمینی برنیدارم.
انقلابی ترین مرد جهان است آیه الله خمینی،

رهبر نهضت آزادگان است آیت الله خمینی.
مردم چه وقت خواب است، بر خیز انقلاب است.
یزید به تخت نشسته، چه سفت و سخت نشسته.
توپ و تانک و مسلسل، دیگر اثر ندارد، مسلمان ایرانی از مرگ ترس ندارد.

الله اکبر، خمینی رهبر، میریم بجنگ شاه مستمگر
خمینی، ایران انقلاب است، نقش مخالفین تو بر آب است،
جان من فدایت، همچو مصطفی است،
مرگ بر این (۲)

..... جنایت میکند - ارتش حمایت میکند
ما مسلمانان همه آزاده ایم، دست بیعت با خمینی داده ایم
تنها ره رهایی جنگ مسلحانه است
مسلمان بیا خیز برادرت کشته شد.
ایران شده فلسطین، مردم چرا نشستین؟

ساواک برای خدشه دار کردن نهضت اسلامی، در روز ۲۶/۸/۵۷ اعلامیه جعلی بنام حضرت آیه الله خمینی منتشر مینماید و در سطح وسیع شبانه پخش میکند و در ساعات حکومت نظامی بمنازل و آپارتمانها می اندازد ولی این اعلامیه آتچنان ناخوشایند تهیه شده بود که ساده ترین افراد محض رؤیت متوجه جعلی بودن آن نمیشدند.

آقای بوشهری (شوهر اشرف) به بانک مرکزی مراجعه می نماید و آقای خوشکیش رئیس بانک به کارمندان دستور میدهد کار خروج چندین میلیون ارز را برای ایشان ترتیب دهند ولی کارمندان شدیداً اعتراض کرده و خاطر نشان میکنند ممنوعیت خروج ارز شامل همه میگردد. در اینموقع بقیه کارمندان که متوجه موضوع شده بودند همصدا شده دست از کار میکشند.

تظاهرات کارکنان بانک مرکزی که بدنبال اعصاب کارکنان بانک ملی آغاز شده بود به تیراندازی کشید.
کارمندان این بانک همراه کارمندان بانک سپه در حالیکه لباس سیاه به تن کرده بودند در حیاط بانک به کارمندان بانک ملی می پیوندند سپس با قرار دادن ماشین مخصوص حمل پول پشت در ورودی بانک مانع ورود خودروهایی ارتشی میشوند و شروع به تظاهرات میکنند ولی مأمورین از طریق پارکینگ بانک مرکزی بمحوطه بانک ملی حمله و تیراندازی میکنند و کارمندان را به خیابانهای اطراف پراکنده میسازند. در جریان این تظاهرات که خوشبختانه تلفاتی نداشت، کلیه نگهبانان مسلح بانک شرکت کرده بودند.

با همه تلاشهاییکه برای شکستن اعصاب پالایشگاه انجام میگردد هنوز اعصاب ادامه دارد.

کارکنان خط لوله تهران هنوز در اعصابند و در نتیجه آن، خطوط لوله شاهرود - تبریز و زنجان و سایر قسمتهائی که از تهران تغذیه میگردد تعطیل گردیده است.

گفته میشود بعلت اعصاب قسمت پخش و سایر قسمت های شرکت نفت، مقداری از مصارف سوختی از کویت تأمین میشود.
بعلت خوابیدن خطوط لوله تهران، سوخت تهران با قطار از اهواز حمل میگردد.

قرار است پالایشگاه آبادان و سایر قسمت های شرکت نفت در جنوب از روز شنبه دوباره اعصاب نمایند.
یکی از کارکنان زخمی شرکت نفت، بعلت اینکه تیر به نخاع او خورده بود، هر دو پایش فلج میشود و پزشکان بخاطر حساس بودن موضع از درآوردن تیر خودداری کرده اند.

خواهران و برادران مسلمان

در این روزهای بحرانی و پرحادثه، هر روز تعداد زیادی از خواهران و برادران ما هدف گلوله های دژخیمان قرار میگیرند و احتیاج به خون پیدا میکنند. اهدا خون میتواند مجاهد مجروحی را از مرگ حتمی نجات دهد.
کسانیکه گروه خون خود را نمیدانند هر چه زودتر برای تعیین نوع آن به مراکز آزمایش و اهداء خون مراجعه کنند و آماده ایثار باشند. در ضمن چون بعضی از گروههای خون از جمله O منفی و A منفی بسیار نادرند، کسانیکه خونشان با این دو گروه تطبیق میکند وظیفه خدائی شان حکم میکند سریعاً به بیمارستانهایی که معمولاً مجروحین به آنجا منتقل میشوند مراجعه نمایند و جان خواهر یا برادری را نجات دهند.

اصفهان (۱۱ کشته - ۵۶ زخمی)

روز یکشنبه ۹/۵ حدود ۹ صبح عده‌ای از مردم قصد داشتند در مسجد مصری واقع در خیابان سروش اجتماع کنند ولی با ممانعت مأمورین پلیس مواجه میشوند. مأمورین بسر کردگی استوار توکلی، بسوی تظاهرکنندگان تیراندازی میکنند و جوانی از ناحیه چشم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید میشود. مردم که از این واقعه بشدت عصبانی شده بودند، بمأمورین حمله میکنند. شخصی میج یکی از پاسبانان را که همچنان مشغول تیراندازی بوده میگیرد و لوله هفت تیر او را بهوا میگیرد که بکسی اصابت نکند و شخص دیگری باله بیل از پشت سر به گردن او میزند که در دم کشته میشود. عده دیگری استوار توکلی را تعقیب میکنند و او را در حالیکه بخانه‌ای پناه برده بود، با کارد از پای در می‌آورند. پس از آن اسلحه و بیسیم این دو نفر را برداشته متواری میشوند. لحظه‌ای بعد مأمورین ارتش و شهر بانی و ساواک در محل حاضر میشوند

و بسوی افراد عادی که بنظرشان مشکوک می‌آمده تیراندازی میکنند و باین ترتیب ۳ نفر را و بربری مسجد مصری از پای در می‌آورند. پس از این تیراندازی که تا ساعت ۱۰/۵ ادامه پیدا میکند، مردم از کوچه‌ها به سایر نقاط شهر سرازیر میشوند و زد و خورد های دیگری در سایر خیابانها اتفاق می‌افتد. در هر کدام از خیابانهای مسجد سپید (محمد رضا شاه سابق) - مدرس - فلکه طوقچی و ابن سینا ۲ تا ۵ نفر کشته میشوند. بعد از ظهر رادیو اعلام میکند «طبق اعلامیه شماره ۶۵ ساعات منع عبور و مرور از ۱۱ شب به ۸ شب تقلیل پیدا میکند.»

در بیمارستان عسگریه تا ساعت ۱۰ شب ۵۶ زخمی می‌آورند که دو نفر از آنها فوت میکنند. این بیمارستان پس از معالجه فوری و بانسمان مجروحین بخاطر حمله احتمالی پلیس آنها را از بیمارستان مرخص میکند و مجروحین شدید را به بیمارستانهای جرجانی و رضا پهلوی انتقال میدهد. در این ۲ بیمارستان ۵ نفر شهید میگردند. عده دیگری هم در بیمارستانهای سپاهان و هزار تخته‌خوابی بستری شده‌اند. گفته میشود ۴ پاسبان در خیابان مسجد سید بوسیله بمبهای دستی (کوکتل مولوتف) کشته شده‌اند.

روز ۹/۱ عده‌ای از مردم در محله خواجه دست به تظاهرات زده بودند. در کوچه درویشها، نزدیک چهار راه فروردین، به یکی از افسران ژاندارمری بنام جهادی برخورد میکنند. او که اسلحه و بی سیم داشته، بسوی تظاهرکنندگان تیراندازی میکند و دو نفر را مجروح مینماید. پس از این جریان مردم او را محاصره می‌کنند و با سنگ درصدد مقابله برمی‌آیند. در این بین دو بمب یکی بنزینی و دیگری کوکتل

بسوی او پرتاب میشود که باعث میشود دود کوچه را بگیرد در این موقع چند نفر از پشت خود را به او نزدیک میکنند و با سنگ‌های مرمر نما که در آن محل بوده به او حمله میکنند. یکی از سنگها به سر او اصابت میکند و آنرا میشکند و زمین می‌افتد شخص دیگری با کپسول گاز به سر او میکوبد و پس از بهوش کردن اسلحه و بیسیم او را مصادره کرده متواری میشوند.

ظهر همانروز مرلشگر ناجی به‌مراه عده زیادی نفرات به محله می‌آیند و برای کسیکه از اسلحه خیر بدهد ابتدا ۵۰۰ هزار تومان و سپس ۱۰ هزار تومان جایزه تعیین میکنند و همه مغازه‌داران نزدیک محل و از هر خانه یک نفر را دستگیر میکنند. آن روز و روز بعد مأمورین هر جوانی را در محله می‌دیدند، بشدت مضروب می‌کردند. این افسر اکنون در بیمارستان بستری است.

رفسنجان

روز چهارشنبه ۹/۱ برای استقبال از یک زندانی سیاسی جمعیت کثیری در حومه شهر واقع در رحمت آباد اجتماع میکنند پلیس به جمعیت حمله و تیراندازی مینماید که در نتیجه دو نفر شهید و عده‌ای مجروح میشوند (مردم پاسبانی بنام حسن رضائی را قاتل میدانند) در روز یکشنبه ۹/۵ راه پیمائی عظیمی ترتیب مینماید که پس از نماز جماعت در خیابان مدرس پایان میگیرد سه‌شنبه ۹/۷ مروان حیدری معاون شهر بانی که بآزار مردم و بخصوص دختران دانش آموز شهرت دارد در خیابان برق بقتل میرسد و جنازه فوراً بکرمان منتقل میشود. از ضارب کوچکترین اثری نیست.

بوشهر

در شب شنبه اول ماه محرم مردم بوشهر راه پیمائی عظیمی برپا مینمایند، فدائی آتشب ارتش اقدام باعزام نیرو از کارزون مینماید و مردم را که بتظاهرات گسترده‌ای دست زده بودند به گلوله مینیندند که در نتیجه هشت نفر شهید و عده‌ای مجروح میشوند.

قم

در سطح شهر هر روز تظاهراتی برگزار میشود. بتازگی تمام عابرینی را که حامل بسته یا کیفی هستند، مورد بازدید قرار میدهند. همچنین اکثر وسائط نقلیه شخصی را که بشهر وارد میشوند مورد بازدید مأمورین قرار میدهند.

تبریز

بعلت فشار زیاد مردم، استانداری تظاهرات را در ماه محرم آزاد اعلام نموده است.

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۶ - شنبه هجدهم آذر

شهرستانها

برازجان (۲۷ مجروح)

جمعه ۹/۱۰ - ساعت ۱۱ شب مفازهای آتش زده میشود و متعاقب آن تظاهراتی در شهر بر پا میگردد. مأمورین بروی جمعیت آتش گشوده و ۴ نفر را مجروح میسازند.

شنبه ۹/۱۱ (اول محرم) - مردم بعنوان اعتراض به کشتارهای شب شنبه تهران و سایر شهرستانها، همه مفازها را تعطیل میکنند و در گروههای متعددی در سطح شهر به تظاهرات می پردازند. مأمورین مجدداً به طرف جمعیت تیر - اندازی میکنند و ۱۰ نفر زخمی میشوند.

یکشنبه ۹/۱۲ - در تظاهرات امروز تا ساعت ۱۱ صبح ۷ نفر زخمی شدند که رو بهم رقم مجروحین این سه روز به ۲۱ نفر رسید. مردم کمیته امدادی بنام «کمیته اهام خمینی» برای مداوای مجروحین و اعزام کسانی که حالشان وخیم است به شیراز و همچنین جبران خسارات مردم و کمک مالی به اعصابیون تشکیل دادند.

دوشنبه ۹/۱۳ - در تظاهرات امروز ۱۶ نفر دیگر مجروح شدند که جزئیات واقعه هنوز برای ما روشن نیست.

بوشهر (۲ تا ۸ کشته - ۲۵ مجروح - ۴۰ اسیر)

مردم این شهر، شب شنبه اول محرم در مسجد جامع جمع میشوند و پس از خاتمه برنامه سخنرانی بخایابانها ریخته و تظاهرات میکنند و روز شنبه و یکشنبه نیز دست به راهپیمایی میزنند. مأمورین اعزام شده از کازرون در هر سه روز بر مردم آتش میگشایند و ۲ تا ۸ نفر را کشته، ۲۵ نفر را مجروح و ۴۰ نفر را دستگیر مینمایند.

کرمانشاه

عده ای از مردم این شهر به «ده جعفر آباد» که چماق بدست های اجیر شده از آجا به مساجد کرمانشاه حمله کرده بودند، هجوم میآوردند و مردان ده را تنبیه مفصلی میکنند، این مزدوران پس از کتک خوردن اظهار میدارند نفهمیده آلت دست فرار گرفته بودند.

«قلم

به قم ایستاده و

کار

به کم کاری نشته و

در برابر آن که مستند خدائیش را دیگر بار

می طلبد

خلق بانگ برمی دارد

لا اله الا الله»

«شب ما چه با شکوهست

وقتی گلوله ها

آترا خالکوبی می کنند

ودل ما را

دل های مضطرب ما را

در دوسوی شب

بانک الله اکبر

بهم وصل می کند.»

«دشمن مسلح است

ما بیسماز

همه را از دم نمی توان کُشت

آنکه می ماند

از صفوف ماست»

نیایشهای شبانه

سکوت هرمسان،

خیانت است بقرآن.

رژیم شاهنشاهی سرچشمه فساد است،

جمهوری اسلامی مرکز عدل و داد است.

حُسن راه ترا ما برگزیدیم،

که ما چون تو گرفتار یزیدیم.

اصفهان (حدود ۶۵ کشته- زخمی بیشمار)

اصال بمناسبت ماه محرم، از طرف جامعه روحانیت این شهر، بمدت ده روز از ساعت هشت و نیم الی دوازده صبح عزاداری عمومی اعلام میشود و برای هر روز نام یکی از مساجد بزرگ شهر جهت تجمع اعلام می گردد.

شنبه اول محرم

امروز مرکز تجمع مسجد جامع در میدان کهنه بود، عده ای از جوانان از خیابان بزرگمهر دسته جمعی و بطور آرام بطرف مسجد براه می افتند و در مسیر خود با اتوبیبل گشتی فرمانداری نظامی برخورد میکنند. مأمورین بروی آنها آتش می گشایند و در نتیجه چهار نفر کشته میشوند که نام یکی از آنها «رضا زلسانی» از محله خواجو، حمام بیستون میباشد. دوستانش نقل کرده اند که رضا قبل از حرکت گفته بود «بچه ها وضو بگیرید که اگر کشته شدیم با وضو باشیم»

مردم از تمام نقاط شهر به مسجد سرازیر میشوند بطوریکه تا ساعت یازده تعداد جمعیت به یکصد هزار نفر رسیده بود. پس از خاتمه مراسم در ساعت یازده و نیم هنگامیکه مردم مشغول خارج شدن از مسجد بودند، مجدداً مأمورین با مسلسلهای سبک تیراندازی می کنند که گفته میشود پنج نفر دیگر در این مرحله کشته میشوند. پس از مشاهده سبعت و وحشیگری مأمورین مردم بکوچه ها و خیابانهای شهر ریخته دست بنظواهر گسترده ای میزنند که طی آن در خیابان گلزار سه نفر و در کوچه های خیابان مسجد سید حداقل سه نفر دیگر کشته میشوند. نام دو نفر از شهدا که شناخته شده اند از این قرار است: عباس نبوی- دانشجو و احمد خوانساری- عصر همان روز در سطح شهر تظاهرات وسیعی انجام میگردد که در خیابانهای آتشگاه، جی کهتند و احمد آباد، تعدادی کشته و مجروح می شوند. در سه راه ملک آباد یک کامیون «ریو» ارتشی در حالیکه پر از سرباز بوده بوسیله کوکتل مولوتف به آتش کشید میشود. شب تا ساعت ده تیراندازی مداوم مأمورین در اکثر نقاط شهر بگوش میرسد.

یکشنبه دوم محرم

مجلس امروز در مسجد رحیم خان خیابان طالقانی (شاه سابق) برگزار میشود ولی بخاطر بارندگی فقط بیست هزار نفر در مسجد اجتماع میکنند. پس از خاتمه مجلس، برنامه نیایش شبانه در پشت بامها با شعارهای تکبیر و تهلیل، اعلام میشود. هنگام شب، علاوه بر شعارهای دسته جمعی عده ای بکوچه ها و خیابانها میریزند و تظاهرات می کنند و تا ساعت ده شب علیرغم حکومت نظامی (۸ شب) شعارهای اسلامی میدهند- در جریان این تظاهرات سه نفر در خیابان چهارباغ

خواجو، سه نفر در بزرگمهر و تعدادی در سایر نقاط شهر بقتل میرسند. بدنبال تیراندازیها، عده ای از جوانان با کوکتل و مواد آتشزا بمباشنه های ارتشی حمله میکنند. نام یکی از مقتولین دوم محرم، محمود مغربی، دیلمه ۲۲ ساله میباشد که در چهارباغ خواجو شهید میگردد.

دوشنبه سوم محرم

امروز مصادف با چهلم شهدای سوم و چهارم آبان بود و مردم بدنباله تظاهرات روزهای قبل بخوابان آمده و شعار میدادند. گفته میشود تنها در محله عسگریه یازده نفر در برخورد های خونین کشته شده اند. یک شاهد عینی اظهار داشته، در قبرستان «تخت فولاد» عصر دوشنبه چهار جسد ناشناس با آمبولتسهای شهرداری اصفهان بزمین گناشته میشود که مردم بر آنها نواز گزاردند و بخاک میسپارند.

در تظاهرات هفته گذشته (قبل از محرم) اصفهان در عملیات مختلف، سه نفر از مأمورین ارتش خلع سلاح میشوند واسلحه کمری آنها مصادره میگرددند، همچنین منزل یک خانواده امریکائی در خیابان آپادانا تخریب میگردد.

جمعه ۹/۱۵ (۷ محرم)

در آخرین لحظاتی که این نشریه در دست تهیه بود اخبار کشتار روز جمعه اصفهان تلفنی باطلاح ما رسید. امیدواریم گزارش روزهای سوم محرم ببعده را در شمار آئینده باطلاعات برسانیم.

امروز پس از مراسم عزاداری عمومی، در مسجد سید مردم طبق برنامه قبلی تصمیم به راهپیمائی میکنند و ناجی (فرماندار نظامی) عدم مخالفت خود را باینکار اعلام میکند ولی بمحض اینکه مردم حرکت خود را آغاز میکنند، حمله مأمورین از زمین و هوا (هلیکوپتر) شروع میشود. شاهدان عینی تعداد مقتولین را حداقل ۱۵ نفر ذکر میکنند و تعداد مجروحین چند برابر است. علیرغم تیراندازی، مردم به راهپیمائی خود ادامه میدهند و از طریق کوچه ها وارد خیابان زاهدی و خمینی (شاه سابق) میگرددند. در آنجا نیز تیراندازی میگردد و ۳ نفر دیگر کشته میشوند (حداقل) در این مکان و خیابانهای عبدالرزاق و دروازه دولت، افرادی مشکوک که اسلحه کمری داشته اند، دست به تخریب اماکن و بانکها میزنند و در دروازه دولت یک جیب شهر بانی مستقر در مقابل شهرداری طرف مردم تیراندازی میکند و جمعی دیگر را مقتول و مجروح میسازد. با وجود این مردم به راهپیمائی خود ادامه میدهند و بخوابانهای شهناز- شیخ بهائی- آذر- پل آذر- بلوار سی و سه پل- بلوار آئینه- پل خواجو و چهارباغ خواجو وارد میشوند و بالاخره در مقابل مسجد صدر خواجو، اجتماع

کرده و در حالت نشسته به سخنان روحانی متعددی گوش فرا میدهند و سپس متفرق میشوند.

مأمورین در این تظاهرات از گاز تھوع آور بمقدار زیادی استفاده کردند و سه نفر از سربازان در جلو مسجد سید اسلحه خود را بمیان مردم انداخته فرار انقلابی کرده‌اند. بعد از ظهر جمعه هجوم مردم به بیمارستانها برای دادن خون شروع میشود. ازحام در درمانگاه عسگریه بیشتر از سایر نقاط است.

آبادیان

در هفته گذشته، کارگاه مرکزی و قسمتهای مهندسی پالایشگاه در اعتصاب کامل بود ولی قسمت پالایشگاه که بزرگترین و سایر سوختها را تأمین میکند بدلیل تأثیرات سوء بر مصارف داخلی، و نیز بخاطر فشار سرنیزه کار میکند.

اهواز

روزهای نهم، دهم و یازدهم آذرماه، تظاهرات پراکنده‌ای در شهر صورت گرفته است.

روز شنبه دهم آذر یک بمب نیرومند در ساختمان حسابداري شهربانی واقع در خیابان مولوی نیش سیروس منفجر میشود.

آب و برق خوزستان اعلامی‌های صادر کرده‌اند و طی آن، از اول محرم، دو هفته اعتصاب اعلام نموده‌اند.

روزیکشنبه بمسجدیکه در آن ختم مادر «صدر کیوان» نماینده اهواز در مجلس شورا بوده از طرف مردم حمله میشود.

دزفول

در تاریخ پنجم آذر به «دهقان» معاون ساواک حمله میشود.

در تاریخ ششم آذر در یک درگیری گفته میشود بیش از ده نفر از مردم و نظامیان کشته میشوند. گفته میشود رئیس شهربانی ترور شده است.

مردم قهرمان دزفول اخیراً با یک روش انقلابی افراد ارتش را تخلع سلاح میکنند، پایین طریق که کسبه‌هایی پرازشن را روی پشت بامها قرار داده و بمحض دیدن یک گروه گشتی بروی آنان انداخته و اسلحه‌شان را مصادره مینمایند.

شوشتر

در تاریخ ششم آذر اداره نوسازی شهرداری را مردم با کپسول گاز منفجر میکنند.

مشهد

در روز شنبه ۹/۱۱ ساعت یک بعد از ظهر در حدود دو بیست نفر از افراد بازنشسته ژاندارمری و ارتش از ملک آباد در ضمن دادن شعارهای «جاوید شاه» براهپیمایی پرداختند، در جلوی مدرسه‌ای مورد حمله شاگردان قرار میگیرند که ناچار پراکنده میشوند.

در روز یکشنبه جمعیت در حالیکه آقایان تهرانی و مرعشی در جلو حرکت میکردند خیابان تهران را پیچوده و به جلوی پارک کوش میرسد، سرهنگی که فرماندهی نیروهای ارتشی را داشته، دستور تیراندازی با آقایان را میدهد، سرباز مأمور جهت مسلسل را بطرف سرهنگ مزبور متوجه مینماید که وی بسرعت با اسلحه کمری سرباز مزبور را شهید مینماید و با چیپ فرار میکند، در این هنگام نیروهای ارتش مبادرت به پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی هوایی مینمایند.

در روز دوشنبه سیزدهم آذر مردم برای آزادی دانشجویان و دانش آموزان دستگیر شده در محوطه دادگستری تحصن اختیار مینمایند در بالا خیابان نیز تظاهراتی انجام میگردد و در ساعت دوازده آقای خامنه‌ای سخنرانی مینماید سپس تظاهرکنندگان به متحصنین میپیوندند در نتیجه شهربانی مجبور با آزادی شش نفر از دستگیر شدگان میگردد.

چهارشنبه ۹/۱۴ - در سایر شهرهای خراسان نیز مانند بجنورد - تربت حیدریه - فردوس - بیرجند - گناباد و ... تظاهراتی صورت میگردد. در تربت حیدریه ۴ نفر زخمی و در بجنورد یک نفر کشته و دو نفر زخمی میشوند.

سیرجان

در تظاهرات وسیعی که روز عید غدیر در سیرجان انجام شد، تعدادی مجروح شدند و دوشمرب فروشی و یک سینما تخریب و تعطیل گردید.

شیراز

روز چهارشنبه ۹/۸ آقای دکتر باهنر در دانشکده کشاورزی برنامه سخنرانی داشته است که راه ورود به دانشکده بوسیله مأمورین سد میشود ولی بهر صورت جلسه تشکیل میگردد ولی بعداً ایشان را در بازگشت به تهران در هواپیما دستگیر مینمایند. استادان دانشگاه شیراز بعنوان اعتراض به دستگیری دکتر باهنر در دانشگاه متحصن میشوند تا بالاخره ایشان را با یک هواپیمای ارتشی به تهران آورده و تحویل کمیته میدهند و ساعت یک بعد از ظهر آزادشان مینمایند.

روز سه شنبه ۹/۱۳ در گویستان بهشت زهرای تبریز شش شهید دفن شدند که از پیرمرد ۶۰ ساله تا پسر بچه ۱۱ ساله در بین آنها دیده میشد و تمام این شش نفر گلوله بسریا قلبشان اصابت کرده بود (علیرغم ادعای رژیم که سر بازان فقط پها میزنند) در این شهر یک دانشجوی دانشگاه که اعلان نمایشگاه عکسی را در مسجد شعبان بدیوار میکوبید، توسط مأمورین ساواک دستگیر میشد و پس از بازجویی مقدماتی، برای بازرسی محل سکونت همراه مأمورین بخانه اش برده میشود. همسایه ها با دیدن دانشجوی سه نفر مأمورین و دستنبد متوجه قضیه میشوند و به مأمورین حمله میکنند و پس از فرار آنها دستنبد را از دست دانشجوی باز کرده او را آزاد میکنند.

زرق سراب

در روستای زرق از توابع سراب، بدنیاال تظاهرات مردم ژاندارمها تیراندازی نموده و چهار نفر را مجروح میسازند. متعاقب آن مردم چند نفر از ژاندارمها را اسیر میکنند. بالاخره با مراجعه رئیس پاسگاه به ریش سفیدان محل و ابراز تنفر از شاه و توبه دسته جمعی ژاندارمها، اهالی آنها را آزاد میکنند.

قوچان

کلیه قضات دادگستری این شهر بعنوان اعتراض بر رژیم استبدادی و همدردی با مردم مشهد، قوچان را ترک کرده و در مشهد اجتماع نموده اند.

مشهد

دوازدهم آذر- امروز در حالیکه مردم جلومنزل آیت الله مرعشی اجتماع کرده بودند، یک افسر ارتشی به سر بازانی که روی تانک بودند فرمان آتش میدهد ولی سر بازان امتناع میکنند و افسر مزبور بسوی آنها تیراندازی کرده و دوسر باز را میکشد و پس از آن بسوی جمعیت تیراندازی میکند.

سیزدهم آذر- امروز مردم در جلوی دادگستری اجتماع میکنند و آزادی زندانیان سیاسی را خواستار میشوند. تا ساعت ده و نیم شب که اجتماع مردم ادامه داشت نیمی از زندانیان آزاد میشوند و آزادی بقیه بفرده موکول میشود.

شیراز

کلیه کادر پزشکان این شهر، بعلت خارج کردن مجروحین از اطاق عمل توسط سر بازان اعصاب کرده اند. این سببیت مأمورین باعث شهادت تعدادی از مجروحین حوادث شده است.

تهران

تظاهرات دانشجویان و محصلین در خیابانهای هاشمی و اطراف که تظاهرکنندگان عکسهائی از آیه الله خمینی و پرچمهای عزاداری حمل میکردند، منجر به دخالت مأمورین و مجروح شدن ۴ نفر گردید و بقرار اطلاع ۳ نفر بازداشت شدند.

در خیابان ثریا در زرد و خورودی که بین سر بازان و مردمی که در انتظار نفت اجتماع کرده بودند اتفاق افتاد، پسر بچه ۱۴ ساله ای کشته می شود.

در خیابانهای نواب جنوبی تظاهراتی در ۹/۱۱ از ساعات اولیه شب آغاز میگردد و در ساعت ۹/۱۵ منجر به تیراندازی می گردد که تا ساعت ۲/۵ بامداد ادامه پیدا میکند.

در خیابان نواب- خیابان بریانک- کوچه باغ حکیم، در تظاهراتی که در ۹/۸ صوت گرفت، ۴ نفر مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. یکی از آنها که از ناحیه سر مورد هدف قرار گرفته بود، در دم جان میسپارد و ۳ نفر دیگر بعلت بی توجهی مأمورین در انتقال به بیمارستان، در اثر خونریزی شهید میگرددند. اجساد این ۴ نفر در ساعت ۵ بامداد ۹/۱۲، توسط مردم محل برداشته میشود.

در روزهای بعداهائی این محله و نیز خیابانهای سینا- بابائیان در دسته های صد نفری براه افتاده و با آتش زدن لاستیک مانع حرکت و نفوذ خودروهای ارتشی به منطقه میگرددند.

در ساعت ۱۰/۵ صبح ۹/۱۲، در خیابان پهلوی حدود هزار نفر به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات در خیابان تخت جمشید- تقاطع حافظ، مواجه با حمله سر بازان شده و منجر به زد و خورد های پراکنده ای، در خیابانهای اطراف میگردد.

در ساعت ۱۱/۱۵ روز ۹/۱۲ در خیابان نادرشاه حد فاصل کریمخان و تخت طاووس، تظاهراتی شروع و تا ۱۲/۵ ادامه پیدا میکند. بگفته ناظران گویا تظاهرکنندگان مسلح بوده اند.

در چند روز گذشته در نواحی مختلف شهر، عده ای که مشغول نصب پلاکاردهائی از کلمات امام حسین بودند، دستگیر شدند.

مردم شب ها روی پشت بامهای الله اکبر و لا اله الا الله سر میدهند و روزها در خیابانها شعار «حسین سرور ماست خمینی رهبر ماست.»

روز دوشنبه ۹/۱۳ در تظاهرات خیابان شاه بین حافظ و پهلوی، دو نفر جوان شهید شدند و جنازه آنان بعلت مسدود بودن راهها، مدت زیادی بر کف خیابان باقیماند.

آرتش

حسن قصد به خسرو داد.

شایع است ۴۰ افسر نیروی هوایی را که برنامه‌ای برای بسیاریان کاخ صاحبقرانیه داشته‌اند هفته گذشته تیرباران کرده‌اند.

شایع است در پادگان جی سرگروه‌بانی افراد خود را بخط کرده اعلام میکند بشهر خواهند رفت و در صورت احتیاج بایستی بخدمت تیراندازی کنند اما میل دارد اینکار را با موافقت و رضایت سربازان انجام دهد و برای اینکار داوطلب میخواند. بعد از مدتی ۳۵ سرباز برای اینکار آماده میشوند و سرگروه‌بانی پس از چند بار تکرار برنامه خود و اتمام حجت، تمام آنها را با مسلسل درو میکند و بعد خود را میکشد.

طبق گزارشات رسیده «محمد اسماعیلی شمشادی» کارمند اداره تسلیحات ارتش مدت نزدیک یکماه است بعزت وارد شدن ضربه شدید مغزی بحال اغماص در بیمارستان شهر بانی بستری می‌باشد، از این شخص و تعداد دیگری از کارمندان تسلیحات خواسته شده بود در آتش زدن بانکها و اماکن عمومی شرکت کنند و بخاطر سرپیچی نامبرده را با یککفر دیگر با قنداقه تنگ به قصد کشت کتک میزنند و آنشخص سه روز بعد در میگذرد

طبق اطلاع رسیده، به نظامیانی که در کشتارهای خیابانی شرکت میکنند، بترتیب درجه پاداش پرداخت میکنند.

سروان - روزانه ۵۰۰۰ ریال
گروهان - « » « ۲۵۰۰ »
سرباز - « » « ۱۰۰۰ »

گفته میشود، ۳۵۰ نفر از سربازان عشرت آباد را به بند ۴ اوین منتقل کرده‌اند. علت اینکار را تخریب و پیدا کردن اعلامیه ذکر کرده‌اند.

اخیراً عده‌ای مزدور برای پاک کردن شعارهای علیه شاه استخدام شدند. این افراد در گروه‌های دوسه نفره سوار پیکان با ترس و وحشت روی کلمه «شاه» را با رنگ پاک میکنند و مردم شعار تازه‌ای درست کرده‌اند.
«رنگ ننگ را پاک نمیکنند»

هموطن

اکنون که مطبوعات - رادیو و تلویزیون - مساجد - مدارس - دانشگاهها و کلیه مراکز تجمع و کسب خیر را تعطیل نموده‌اند، وظیفه همه ما است که در ابلاغ اخبار و تکثیر و توزیع آن بکوشیم.

حدود ساعت ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه ۵۷/۹/۱۳ هنگامیکه سرلشکر خسرو داد، فرمانده پادگان باغشاه و فرمانده تیپ نیروهای ویژه هوا برده تهران (رنج) که ضمناً فرمانده هوانیروز (هواپیمائی نیروی زمینی) نیز میباشد (همان جنایتکاری که در منزل حضرت آیه الله شریعتمداری دو نفر از طلاب را بقتل رساند) هنگامیکه قصد خارج شدن از هلیکوپتر مربوط به پشتیبانی منطقه ۳ را داشت، توسط دو سرباز وظیفه از گروه ۱۰ توپخانه مراغه که فعلاً بعنوان پشتیبانی نیروهای خیابانی تهران آمده‌اند و در باغشاه اسکان داده شده‌اند، هدف گلوله قرار میگیرد که هنوز از چگونگی نتیجه حادثه خبری در دست نیست.

یکی از دو سرباز فوق توسط گروه‌بانی یکم رنج از نیروی ویژه مورد اصابت گلوله قرار میگیرد که در جا شهید شده و صورتش متلاشی میگردد و دو دین سرباز با مصادره اسلحه خویش موفق به فرار میگردد.

واحدهای ارتشی، مجهز به کامیون لیلاند مخصوص هستند که مجهز به تانکر آب و پمپ و جارو میباشد، بطوریکه پس از تیراندازی و کشتار، بلافاصله اجساد را از صحنه خارج کرده و آثار خون را بسرعت می‌شویند.

بقرار اطلاع بعد از اعلامیه اول محرم آیه الله خمینی، مربوط به فرار سربازان از سربازخانه‌ها، تعداد زیادی از سربازان فرار انقلابی را از ارتش ضد خلقی شاه برگزیده‌اند.

در بعضی از پادگانها مقررات منع عبور و مرور بعد از ساعت ۹/۵ اجرا میگردد و هر سربازی از خوابگاه خارج شود، هدف گلوله قرار میگیرد همچنین اخیراً درجه داران داخل پادگان به گلت مجهز شده‌اند و فرماندهان حتی در داخل پادگانها با اسکورت حرکت میکنند. در داخل پادگان فرج آباد، شعارهای ضد دولتی فراوانی نوشته شده و سرهنگ کریمی که روز ۱۷ شهریور در میدان شهدا با مسلسل بکشتار مردم مبادرت کرد، تهدید بمرگ شده است (سرهنگ کریمی بعد از ۱۷ شهریور از درجه سرگردی به سرهنگ تمامی ارتقاء درجه پیدا کرده است).

اخیراً از طرف دفتر مخصوص فرج، به هر کدام از کادرهای ثابت ارتش مبالغی بعنوان «حق وفاداری»! پرداخت میگردد. این پاداش که علاوه بر حقوق و مزایا میباشد، از قرار ذیل است:
افسران ماهیانه ۲۰۰۰ تومان - درجه داران ۱۰۰۰ تومان

گفته میشود:

از اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های منتشر شده

- ۱- قطعنامه سازمان انرژی اتمی.
- ۲- بیانیه کارکنان سازمان مدیریت صنعتی در پیوستگی به جنبش اسلامی ایران.
- ۳- اعلامیه کارکنان ادارت مرکزی بانک ملی بتاريخ ۹/۱۴ در باره اعتصاب و سیاسی بودن خواسته‌هایشان.
- ۴- اعلامیه کارگران مسلمان مبارز صنعت نفت در تاریخ ۹/۵ و اعلام تنفر از گسائیکه در شکستن اعتصاب میکوشند.
- ۵- بیانیه شماره ۶ سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در باره روزنامه‌های ساواک که در این روزها منتشر میشود.
- ۶- پیام کارکنان رادیو تلو بیژون ملی ایران و اعلام تنفر از گردانندگان نظامی رادیو تلو بیژون و همبستگی با کارکنان اعتصابی وزارت نیرو.
- ۷- بیانیه هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران در مورد دادگاههای فرمایشی.
- ۸- اعلامیه حضرت آیت الله صدوقی پیرامون حوادث روز ۹/۹.
- ۹- اعلامیه دانشگاهیان طرفدار جمهوری اسلامی در باره، اعلام یکماه فرصت به خارجیان برای خروج از ایران (در این اعلامیه کلیه فرانسویان مقیم ایران تا زمانیکه آیه‌الله خمینی در فرانسه هستند مستثنی شده‌اند).
- ۱۰- بیانیه کانون وکلای دادگستری و اعلام تناقض حکومت نظامی با قانون اساسی.
- ۱۱- اعلامیه کارکنان هواپیمائی ملی و اعلام اعتصاب

تا ۹/۲۱

بانک ایرانیان توسط ۱۰ نفر افراد مختلف با نام مستعار، ۲۵ میلیون دلار به حساب هزبریزدانی در امریکا حواله کرده‌اند.

گفته میشود ۵۰ میلیون تومان با بهره ۵٪ از صندوق خدمات درمانی! به اشرف برای فعالیتهای اقتصادی!! داده شده است.

هتل در بند (متعلق به بیتاد پهلوی) را به سه مؤسسه هواپیمائی ملی - شرکت نفت - صندوق خدمات درمانی فروخته‌اند. در حالیکه صندوق خدمات درمانی بدهی زیادی به اطباء - داروخانه‌ها و بیمارستانها دارد.

کارمندان بیمه ایران دست از کار کشیده‌اند و اظهار اعتصاب کرده‌اند. ولی برقرار اطلاع، چون سرمایه بیمه بیشتر متعلق به مادر شاه بوده است و ایشان هم سهام خود را گرفته و بخارج منتقل نموده است، بیمه از عهده پرداخت خسارت اتومبیلها بر نمی آید و به بهانه اعتصاب نامحدود دست از کار کشیده‌اند.

گفته میشود ۶۰٪ شاگردان مدرسه اشرف پهلوی واقع در خیابان سلطنت آباد، همراه خانواده‌شان به خارج رفته‌اند و مدرسه خالی شده است. این خانواده‌ها نوباً وزیران و صاحب منصبان عالی‌رتبه مملکتی هستند!!؟

دکتر نهاوندی در پروکسل خانه مجلی تویه کرده و قبلاً افراد خانواده‌اش را به آنجا منتقل کرده است.

یاسینی پس از سلب مصونیت در مجلس، با صحنه‌سازی از طریق در فرعی مجلس با تاکی فرار میکند و گفته میشود در یکی از کاخهای اشرف پنهان شده است.

اعلامیه‌ای بنام کارکنان وزارتخانه‌ها، ادارات، سازمانها و مؤسسات دولتی، خصوصی و ملی ایران منتشر شده است که در آن روز چهارشنبه ۸ آذرماه را بعنوان پشتیبانی از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران تعطیل عمومی اعلام نموده است.

نشریه‌ای بنام «کوشر» از طرف انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی در هند منتشر میشود که نسخه‌ای از فوق‌العاده شماره ۱۰ آن بلست ما رسیده است و در آن پیرامون وقایع اخیر ایران مطالب مفصلی درج شد.

خواهران و برادران مسلمان

در این روزهای بحرانی و پر حادثه هر روز تعدادی از خواهران و برادران ما هدف گلوله‌های دژخیمان قرار میگیرند و احتیاج بخون پیدا میکنند. اهدا خون میتواند مجاهد مجروحی را از مرگ حتمی نجات دهد. کسانیکه گروه خون خود را نمیدانند هر چه زودتر برای تعیین نوع آن به مراکز آزمایش و اهدا خون مراجعه کنند و آماده ایشار باشند. در ضمن چون بعضی از گروههای خون از جمله منفی و منفی A منفی بسیار نادرند کسانیکه خورشان باین دو گروه تطبیق میکند وظیفه خدائی شان حکم میکند سریعا به بیمارستانهایی که معمولا مجروحین به آنجا منتقل میشوند مراجعه نمایند و جان خواهر یا برادری را نجات دهند.

اخبار جنبش اسلامی

تهران

شماره ۷ شنبه بیست و نهم آذر ۵۷

پیام قائد بزرگ امام خمینی

(محرم الحرام ۱۱/۱۳۹۹، ۲۱ آذر ۱۳۵۷)

چون وسایل ارتباط جمعی در حال اعتصاب بسر می‌برند باید به‌وسیله ممکن رابطه بین شهرستانها بروز نموده و مسائل روز و تظاهرات و اخبار مبارزاتی خود را بیکدیگر برسانند.

یکبار دیگر کشور ما، تجلی‌گاه اراده خلق مستضعف و مسلمانان گشت و مشتهای گره کرده مردمی که سالها همه چیزشان را بفشارت برده، و حتی از ناله کردن نیز محروم‌شان کرده بودند، بر فرق دشمنان خدا و خلق خدا فرود آمد و خوابهای شیرین‌شان را برای فریب خلق و انحراف جنبش و طولانی تر کردن سلطه شومشان بر هم زد.

یکبار چنگی و جهت‌گیری عمیق مردم مسلمان ما که با غریب «استقلال - آزادی - حکومت اسلامی» طنین افکن شده بود، نهایت انزجار و نفرت مردم را از رژیم سفاک و جنایتکار حاکم نمایان می‌ساخت.

فریادهای «الله اکبر» و «لا اله الا الله» که شب هنگام در سراسر مین ما قلبهای مردم را بیکدیگر میدوخت، اکنون در کنار هم، با صلابتی رعد آسا، می‌رفت تا پرده‌های فریب و تزویر را برد و بار دیگر کیفیت و کثیت انقلاب عظیمی را که سراسر اندام خلق مسلمان ما را در بر گرفته است، به جهانیان و به رو به صفتان گرگ خصلتی که سالها خیانت را خدمت و تقلید را اصالت و غارت بزرگ را تمدن بزرگ نامیدانند، نشان دهد.

این جرثومه‌های پلیدی و ننگ که تا دیروز از بوقهای تبلیغاتی خویش مردم را از رخنه عوامل دست‌نشانده (که کسی جز خودشان نیست) بر حذر میداشتند!، وقتی دیدند که مردم در روز تاسوعا و عاشورا با شکل و وحدت و نظم خویش اجازه رخنه در صفوف خود ندادند، مذبحخانه بکشتار آزمایشی در شهرهای اصفهان و اراک و... دست زدند و با استخدام جمعی جاهل و خودفروخته، تظاهرات باصطلاح «ملی و میهنی» براه انداختند و چماق‌بدستان مزدوری را برای آزار و ارباب مردم به خیابانها گسیل داشتند و در بوقهای «انکراالصوات» خویش دمیند که گویا برخوردی بین موافقت و مخالفین بوده است.

و پیشترانه‌تر اینکه ادعا میکنند که خیرنگاران خارجی از این مراسم فیلمبرداری کرده‌اند... که شاید برای تمسخر و خنده!

اما تهران، در این دو روز، همچون قلب پرطپشی بود که برای چندمین بار وحدت رأی خلق مسلمان ما را برای سرنگونی رژیم طاغوتی حاکم به روشن‌ترین وجهی نمایانگر ساخت. نگاهی به جمعیت شرکت‌کننده در این رفراندوم

عظیم که از مرز میلیون گذشته بود و بنقل از خبرگزاریها به ۲ میلیون می‌رسید، و با توجه به آمار بیش از ۵۰٪ کودکان و پیران و ناتوانان در مقایسه با جمعیت کل تهران روشن می‌سازد که رأی قاطع مردم در این رفراندوم که خلق شاه و واژگونی رژیم سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی را خواستار شده بودند تا چه حد از اکثریت برخوردار است.

طبقات مختلف مردم از اولین ساعات صبح روز تاسوعا: در بیش از ۸ نقطه تهران اجتماع کردند و اگر شرایط روانی آنروز را با توجه به تهدیدهای رژیم و سابقه برخوردهای مأمورین در نظر بگیریم، به اهمیت و عظمت این پذیرش شهادت انقلابی بیشتری خواهیم برد. اکثریت شرکت‌کنندگان صبح تاسوعا وصیت خود را کرده بودند و بسیاری از آنها غسل شهادت کرده و روزه گرفته بودند و آگاهانه و عاشقانه به استقبال شهادت شتافته بودند این اجتماعات، همچون سیلابهای پر برکت بهاری برودخانه عظیم انسانی خیابان شاهرضا می‌پیوستند و با آن بطرف غرب تهران حرکت خود را آغاز میکردند. در حالیکه طنین «الله اکبر و لا اله الا الله» آسمان را بلرزه درگورد بود، مردم به یاد پرگویشهای ازهار می‌افتادند که احمقانه گفته بود، همگی نوار و بلند گو است.

جمعیت خروشان و طوفنده به پیش میرفت و هر از گاهی که هلیکوپتری در آسمان ظاهر میشد، با مشتهای گره کرده به او اشاره میکردند. مردمی که ماه محرم را با خون آغاز کرده بودند، در این لحظات، فرصتی می‌یافتند که خشم و نفرت خود را در تشنگی حیرت‌انگیز بنمایش بگذارند.

زنی که همچنان طفلی بزر بر سینه داشت و فریاد میکشید،

شهرستان ها

تبریز

در روزهای تاسوعا و عاشورا، راهپیمائی عظیمی با شرکت قریب ۷۰۰ هزار نفر از طبقات مختلف مردم شهر تبریز و روستاهای اطراف برگزار گردید. این راهپیمائی که مسیر آن خیابانهای اطراف شهر بود، از ساعت ۹ صبح شروع و تا ساعت ۳/۵ بعد از ظهر ادامه پیدا کرد و جمعیت ضمن حمل عکسهای از امام خمینی و شهدای نهضت اسلامی سالهای اخیر، شعارهای اصلی جنبش یعنی نفی شاه و رژیم سلطنتی و استقرار حکومت اسلامی را با بیانهای مختلف مطرح نمودند.

راهپیمائی دیگری بعد از ظهر عاشورا از ساعت ۲ بعد از ظهر با شرکت جوانان (دانش آموزان- دانشجویان- معلمین و استادان) در خیابانهای مرکزی شهر شروع شد و تا ساعت ۸ شب ادامه پیدا کرد. در این راهپیمائی که حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند، جمعیت بصورت صفوف منظم پانزده نفری در حالیکه دستهای یکدیگر را قلاب کرده بودند با کوبیدن پاها زمین بآهنگ مارش نظامی حرکت کرده و شعارهای انقلابی جنبش را تکرار میکردند. این راهپیمائی بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت.

در راهپیمائی صبح و بعد از ظهر قطعنامه ذیل قرائت گردید و به تأیید مردم رسید.

بسم الله الرحمن الرحيم

«قطعنامه خلق مسلمان آذربایجان»

- ۱- براندازی حکومت جابر خاندان پهلوی و نیجنتاً آزادی کلیه زندانیان سیاسی.
 - ۲- برقراری حکومت اسلامی و بازگشت امام خمینی.
 - ۳- قطع حاکمیت امپریالیست چپ و راست از ایران (شوروی، چین، آمریکا و غیره).
 - ۴- آزادی کامل مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی که برهبری خلق مسلمان ارائه گردد.
 - ۵- ایجاد نهضت فرهنگی بجای فرهنگ سلطه گری و تحقیر.
 - ۶- ایجاد نظام اقتصاد توحیدی بجای اقتصاد سلطه گر و استثمار و طبقاتی غرب.
 - ۷- استقلال توحیدی دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور که در آنها انسان مجاهد آموزش یابد.
 - ۸- محاکمه کلیه چپاولگران و ایادی خارجی و داخلی آنان در دادگاههای خلق مسلمان ایران برهبری خلق مجاهد ایران.
- در سایر شهرهای آذربایجان منجمله. اردبیل- مرند و اهر نیز راهپیمائی شده است.

پیرزن فوتویی که دو نفر او را دردم برداشتن کمک میکردند و با اینحال نفرین میکرد، طفل ۱۱ ساله‌ای که با صدای ریزش که بسختی گرفته بود، فریاد «الله اکبر- خمینی رهبر» سر میداد، پیرمردی که با تکیه بر عصایش خود را جلو میکشید و پیرزنی که بتازگی سه فرزندش را قربانی راه حق کرده بود و با تمام وجود فریاد میکشید «استقلال- آزادی- حکومت اسلامی» همه و همه صحنه‌های شووانگیز و حماسه آفرین این دوروز بزرگ بودند.

در مسیر خیابانهای شاهرضا- آیزنهاور دیوارها تا ارتفاع ۳ متر از شمارها و آنچه مردم درد داشتند پوشیده بود. و چه زیبا بود اشعاریکه عصر عاشورا مردم خسته از راهپیمائی در بازگشت بخانه زمزمه میکردند:

برادر، فریادت را شنیدم، بسویت پرکشیدم، برادر من

برادر، شهادت مبارک

در این نظارات مجاهد سترگ و تسلیم ناپذیر آیه‌الله طالقانی و سایر روحانیون تهران و همچنین آقایان مهندس بازرگان و دکتر سبحانی و دکتر سنجابی شرکت داشتند و طرفداران سازمان افتخارآفرین مجاهدین خلق با حضور مجاهد بزرگ مهندس لطف الله میثمی حضوری چشمگیر و تعیین کننده داشتند جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که مبتکر و طراح این راهپیمائی بود با تدارک گروه عظیم مخبرین خارجی و برافراشتن پلاکاردهائی از حقوق انسانی، نقش مؤثری در ابلاغ پیام ملت ایران به جهانیان داشت.

در پایان مراسم قطعنامه‌ای از طرف کمیته برگزار کننده راهپیمائی قرائت گردید که در آن به بیعت مجدد مردم ایران با آیت الله خمینی اشاره شده بود و ضمن خواستار شدن استقلال و آزادی واقعی و حکومت اسلامی و رفع هرگونه استعمار انسان از انسان، از اعصاباط پزشکوه کارگران و کارمندان قدردانی و پشتیبانی شده بود و مردم را به صبر و مقاومت در مقابل ناملامیاتی که اجباراً در مسیر حرکت جنبش عارض میشود دعوت کرده بود.

اما نکته مهمی که قابل تذکر است، اینکه مردم ایران با راهپیمائی عظیم خود و با نظم چشمگیری که داشتند، با وجود اینکه به هر کاری توانا بودند و شیشه‌های بزرگ موزه شیاد در دست‌ریشان بود، نشان دادند که آتش زندگان اموال عمومی، شکنندگان شیشه‌ها و ویران‌کنندگان واقعی خود رژیم و عوامل پنهان و آشکار آنست.

و دیگر اینکه با نظم پذیری و همکاری برادرانه نشان داد که قابلیت تشکیل را در صورتی که از یک رهبری سالم و با ایمان برخوردار باشد، دارا میباشد و میتواند در سایه تشکیلات منظم اسلامی بر دشمن تا دندان مسلح پیروز گردد.

صافان که در شماره قبل باطالع رسانده بودیم، امسال از ابتدای محرم از ناحیه جامه روحانیت اصفهان بمدت ۱۰ روز هر روز در یکی از مساجد بزرگ شهر مراسم عزاداری عمومی اعلام شده بود و همانطور که گزارش روزهای نخستین را درج کرده بودیم، متأسفانه این مراسم عزاداری همه روزه با خشونت و سبیت مأمورین مواجه شده و به کشتار وسیع کشیده میشود در شماره گذشته آمار ۶۵ کشته و صدها مجروح روزهای نخست را گزارش کرده بودیم و اینک آخرین اخبار رسیده از حوادث بنیابر خونین روز عاشورا و روز بعد از آنرا بااطلاعتان میرسانیم.

روز عاشورا طبق نوبت اعلام شده، مسجد چهارباغ مرکز تجمع و عزاداری بود وسیل جمعیت از صبح زود بسوی این مکان سرازیر شد ولی مأمورین برخلاف وعده دولت غاصب و جابر نظامی، حتی روزعاشورا نیز بر مردم آزاد نگذاشتند و عزاداران را با خشونت از مسجد دور کردند و مانع تشکیل مراسم شدند. اما مردم مصمم عقب نشینی نکرده و به بازار و سایر خیابانها سرازیر شدند و تظاهرات و راهپیمایی را شروع کردند و آنرا بنام سطح شهر گسترش دادند.

این راهپیمایی و تظاهرات در ساعت ۴ بعد از ظهر هنگامیکه بسیاری از مردم بخانه‌های خود باز می‌گشتند به اوج خود رسید و برخی از جوانان مجسمه‌های شاه و رضا شاه و تمام الواح انقلاب! را پائین کشیدند و در مسیر خود کلیه سینماها - مشروب‌فروشیها - بانکها و سوپرمارکت‌های متعلق بخارجیان را باآتش کشیدند حتی ساختمان ساواک واقع در خیابان کمال اسمعیل حمله کرده و درب آنرا از جا می‌کنند و بعنوان نشانه‌ای از پیروزی بمیدان مجسمه حمل میکنند. مردم قصد داشتند بنای ساواک را باآتش بکشند اما تیراندازی مأمورین داخل ساختمان و محاصره سریع مأمورین ارتش مانع اینکار میشود و در این درگیری ۶ نفر کشته و ۲۰ نفر مجروح می‌گردند. چگونگی پائین کشیدن مجسمه‌ها و آتش زدن ساختمانها شباهت زیادی به واقعه پیش از روی کار آمدن دولت نظامی اژدری درتهران دارد و بنظر میرسد مقدمات و تحریکات از ناحیه ساواک بوده باشد.

بعد از این جریانها، رژیم برای تقویت روحیه متزلزل و وحشت زده مأمورین خود و نیز خرد کردن روحیه مردم دست به کشتار وسیع و اقدامات تخریبی و ایدائی میزند که هنوز با شدت ادامه دارد. از عصر روز عاشورا بعد هر اجتماعی را در خیابانها و کوچه‌ها برگرار مسلسل می‌بندند و تنها در خیابان فروری بیش از ۶۰ نفر باینترتیب کشته شده‌اند. در خیابانها و چهارراهها افراد چماق بدست مستقر شده و انومیلیها را متوقف میکنند و عکس شاه را بازور به شیشه‌ها می‌چسباند و کوچکترین مخالفت و بمانعتی را تا سرحد مرگ سرکوب میکنند و سرنشینان را مجبور به گفتن «جاوید شاه» مینمایند. مأمورین برخلاف سابق در کوچه‌های پیچ در پیچ شهر با یکبار حرکت میکنند و در هر گوشه جوان مشکوکی ببینند که قیافه‌ای اسلامی دارد به گلوله می‌بندند و فرار میکنند و حتی به

انومیلیهاییکه عکس آیه‌الله خمینی را نصب کرده باشند تیراندازی مینمایند.

اکنون اصفهان چهره شهر جنگ‌زده‌ای پیدا کرده است مردم در خانه‌ها و پشت باهما سنگر گرفته منظر حمله مأمورین هستند و حتی شبها از بمب‌های خوشه‌ای مخصوصی که با هلیکوپتر برای تخریب و لرزای پرتاب میشود در امان نیستند. در کوچه‌ها و خیابانها چوب بدست‌های اجبر شده از روستاهای اطراف شهر، با شاره‌های مبتذل خود در حمایت مأمورین آرامش را از مردم سلب کرده‌اند.

تعداد شهدای این جریان هنوز بخاطر شرایط خاص شهر دقیقاً مشخص نشده است ولی رقم آن از ۱۰۰ نفر تا ۱۰۰۰ نفر گفته میشود.

تعداد شهداء در «فلکه طوقچی» یکنفر، در «مسجد سید» ۳ نفر، در «فلکه مجسمه» ۴ نفر، در محله «حسین آباد» ۶ نفر، در فلکه «شاه عباس» ۲ نفر زن، در مقابل ساواک ۷ نفر و در سایر نقاط شهر و کوچه‌های اطراف دهها نفر میباشد. تعداد زخمیها در بیمارستان عسگریه ۲۰۰ نفر و در بیمارستان ثریا ۶۰ نفر میباشد.

مشهد

در روزهای عزاداری تاسوعا و عاشورا، دست کم ۸۰۰ هزار نفر در راهپیمایی شرکت کردند. روز تاسوعا راهپیمایی در ساعت ۱۰/۵ صبح، پس از سخنرانی یکی از روحانیون، از مدرسه نواب آغاز میگردد و از خیابانهای تهران - بهار - خمینی - خسروی - خسروی نو - پشت بالا خیابان، مردم عبور مینمایند و در خاتمه قتلنامه خوانده میشود.

شب عاشورا، اجتماع با شکوهی در داخل صحن امام رضا(ع) تشکیل میگردد و بر خلاف رسم سالهای گذشته که عمال رژیم تعزیه گردان میشوند و قیام حسین را بنحوی توجیه درباری میکنند، امسال خطبه‌ای توسط مردم در بزرگداشت نهضت اسلامی ایران و رهبری امام خمینی ایراد میگردد.

در روز عاشورا راهپیمایی مجدداً از مدرسه نواب آغاز می‌گردد و جمعیت از طریق خیابانهای طبرسی - پائین خیابان بظرف فرودگاه حرکت میکنند و پس از طی ۱۲ کیلومتر مسافت به خیابان تهران مراجعت مینمایند و در آنجا پس از استماع سخنرانی و قتلنامه متفرق میگرددند. این راهپیمایی کاملاً آرام و بسیار منظم بود و مردم مرتباً شعارهای ضد شاه - ضد سلطنت و برقراری حکومت اسلامی را تکرار میکردند.

شب عاشورا در حالیکه مردم در صحن امام رضا(ع) مشغول استماع خطبه‌ای بودند، عده‌ای که بنظر میرسد از ناحیه عوامل رژیم تحریک شده باشند، اقدام به پائین آوردن مجسمه‌های شاه میکنند. متعاقب این جریان، روز سه‌شنبه (بعد از عاشورا) عده‌ای چماق بدست در اطراف ساختمان شهربانی مشهد اقدام به شاره‌های «جاوید شاه» میکنند و شیشه‌های منازلهائی را که عکس آیه‌الله خمینی را نصب کرده بودند خرد میکنند مردم خیلی سریع این مزدوران را

محاصره میکنند و آنها مجبور میشوند بداخل ساختن شهر بانی پناه ببرند. بعد از ظهر همانروز مردم بدستور آیه الله قمی و سایر روحانیون، شهر را تحویل میکنند.

قطعه نامه

۱- ما خواهان انهدام و الغاء نظام شاهنشاهی و طرد دودمان پهلوی که منشاء اسارت ملت و غارت مملکت و تسلط امپریالیسم بر کشور و ملت مسلمان ایران است میباشیم.

۲- ما به مبارزه پیگیر خود تا برقراری جمهوری اسلامی که مبتنی بر تعالیم عالیه قرآن و متکی بر آراء عمومی است ادامه خواهیم داد.

۳- صفوف متحد و فشرده ما منحصرأ در پشت سر رهبر قاطع و تسلیم ناپذیر خود امام خمینی و الهام گیرنده از رهنمودها و شعارهای آن قائد و پیشوای بزرگ است.

۴- جنبش مادر جهت استقلال و تمامیت ارضی ایران میباشد و هر گونه نمفه و انگیزه تجزیه طلبی را که بیشک برخلاف مصالح ملی است مردود و محکوم میدانیم.

۵- ما تفر و انزجار خود را نسبت به همه دولتهائی که بمنظور غارت ثروتهای ملی ما بحمايت از رژیم وابسته و منفور ایران اقدام ورزیده و با این عمل در واقع ملت ایران را نادیده گرفته و مورد اهانت و تحقیر قرار داده اند، ابراز میداریم.

۶- ما از هر دسته و هر کسی که محتوی انقلابی و مترقی ایدئولوژی اسلام را نادیده گرفته و آترا چه از موضع ارتجاعی و چه از موضع باصطلاح انقلابی صرفأ یک امر ذهنی و فردی و جدا از مسائل سیاسی و اجتماعی میدانند و این برداشت نادرست خود را با طرح شعارهای انحرافی بازگو و تبلیغ میکند و از این طریق آب به آسیاب نظام حاکم می ریزد تفر و انزجار خود را ابراز میداریم.

۷- ما از سربازان و درجه دوزان که بفرمان امام خمینی و بخواست مردم ایران صفوف ارتش ضد مردمی را ترک میکنند پشتیبانی و حمایت خواهیم کرد و متقابلاً ارتشانی را که همچنان در صف مقابل باقی میمانند، خصم ملت و دشمن قرآن میدانیم.

۸- ما عناصر وابسته و مزدوری را که مدعی نمایندگی مردم مشهد در مجلس شورای ملی و سنا میباشند و در واقع بردگان آریامهر و مهره های کثیف این رژیم اند و بر تمام جنایات آن صحنه میگذارند در رده اول دشمنان این ملت و مملکت دانسته و آنان را از قهر خدا و خشم مردم برحذر میداریم.

۹- بفرمان امام که هرگونه همکاری با رژیم و دستگاههای اداری آترا تحریم نموده اند، از کلیه اعصابت یا کم کاریهایی که بر رژیم ضرر به وارد میآورد، و بخصوص در بخش صنایع نفت و عدم پرداخت مالیات حمایت میکنیم و خواهان ادامه آن میباشیم.

این قطعه نامه در حضور جمعیت متراکم و فشرده شرکت کننده در راه پیمائی قرائت شد و مورد تأیید صریح و قاطع عموم حاضران قرار گرفت.

تاسوعا و عاشورا سال ۱۳۹۹

آذرماه ۱۳۵۷

حمله به بیمارستان و کشتن کودکان

مدتی است پزشکان این شهر بخاطر اعتراض به سفاکیهای رژیم خونخوار و مأمورین سفاک ارتشی از پذیرفتن بیماران بیمه شده ارتش خودداری میکنند. ارتش ابتدا به تهدید پزشکان میپردازد و چون نتیجه ای نمیگیرد، روز سه شنبه ۹/۲۱ با عده ای جنایات پرست به بیمارستان حمله میکند و جنایاتی مرتکب میشود که روی چنگیز و تاتار... را سفید میکند. در تیراندازی با مسلسل به دیوارهای بیمارستان ۲ کودک خردسال در بخش اطفال کشته میشوند و ۱۵ دکتر باجماع مزدوران بشدت مجروح میگردند این حیوانات سنگدل، حتی سرم را از دست مجروحین میکنند و رب و وحشت شدیدی در دل بیماران ایجاد میکنند و در آخر سر شیشه ها و وسائل بیمارستان را خرد میکنند و گوششان را گم میکنند. اکنون تمام بیمارستانها و اطباء این شهر در اعصاب و حیرت بسر میبرند و نظام پزشکی کشور هیشی را مأمور رسیدگی به این قضیه حیرت آور کرده است. آیا پایه های نظام پوسیده شاهنشاهی با این تشبثات مذبحخانه حیوانی برقرار می ماند؟

شیراز (۳۰ کشته)

روز چهارشنبه ۹/۲۲ ساعت ۹ شب هنگامیکه مردم برای گفتن شعارهای «الله اکبر و لا اله الا الله» به پشت بامها رفته بودند، مأمورین ارتش وحشیانه بخانه ها حمله میکنند و همه را برگیار مسلسل می بندند. طبق آخرین اطلاعات مؤثق، تاکنون ۳۰ نفر از مجروحین بیمارستان سعدی فوت کرده اند. بخاطر این اعمال وحشیانه، ۲۰۰ نفر از پزشکان دست به اعصاب زده و خواستار رسیدگی به این عمل جنایتکارانه و نیز آزادی سه تن از پزشکان زندانی میشوند.

روز پنجشنبه ۹/۲۳، جمعیت زیادی اجساد ۳۰ نفر شهید را تشییع میکنند اما پلیس به مشایین حمله میکند و مانع این تظاهرات میشود. مردم ناچار اجساد را مجدداً به سردخانه میسپارند.

کرمانشاه

روز هشتم محرم رئیس ساواک این شهر بنام اندرز بخش ترور میشود و او را که جراحات بسیار شدیدی برداشته، برای معالجه به لندن میفرستند.

اراک (۳ نفر کشته ۱۵ نفر مجروح)

روز عاشورا جنازه شهید باآرامی در خیابانها تشییع میگردد، اما پلیس مانع تجمع مردم میگردد و به ضرب و جرح و ارباب عزاداران می پردازد.

کاشان

۹/۲۳ (پنجشنبه) امروز مزدوران رژیم خیابانها را بسته و مشغول مرمت مجسمه ها و میدانهای نیمه سوخته بودند در این شهر تمام مغازه ها کماکان تعطیل است و هر روز تظاهرات پراکنده ای انجام میشود.

روز ۹/۲۲ از آسمان گلوله های مخصوصی با هلیکوپتر بروی مردم ریخته شد که در این حمله ۵ نفر کشته شدند.

نائین

روز ۹/۲۳ عده ای چماق بدست از روستای «بافران» با حمایت مسللهای ارتش به شهر آمده، مردم را مجبور به گفتن شعار «جاوید شاه» میکنند. آیا چند وانت اوپاشی تحت حمایت باینترتیب میتوانند شاه محتررا جاوید کنند؟

اردستان

روز ۹/۲۳ عده ای چماق بدست از روستای «مهاباد» واقع در ۱۰ کیلومتری اردستان به شهر حمله میکنند و هنگامیکه قصد داشتند به مغازه های مزین با عکس قای خمینی حمله کنند، مردم بمناوت میردازند و آنها را فراری میدهند در این هنگام ارتش وارد عمل شده و تیراندازی میکند و ۵ نفر را مجروح و ۱۵ نفر را دستگیر میکند.

نظر

روز ۹/۲۳ مانند سایر شهرهای این منطقه طبق یک برنامه، واحد دولتی چماق بدستان باین شهر حمله میکنند و مأمورین تحت حمایت ژاندارمری تعدادی را در تیراندازی مجروح میکنند.

هموطن:

اکون که مطبوعات- رادیو و تلویزیون- مساجد مدارس- دانشگاهها و کلیه مراکز تجمع و کسب خبر را تعطیل نموده اند وظیفه همه ما است که در ابلاغ اخبار و تکثیر و توزیع آن بکوشیم.

در روزهای تاسوعا و عاشورا، تظاهرات و راهپیمایی وسیعی با شرکت حدود ۱۲۰ هزار نفر از طبقات مختلف مردم شهر و روستاهای اطراف آن، برگزار گردید. پس از پایان مراسم عزاداری روز عاشورا، عده ای با تحریک عوامل پلیس، اقدام به پائین آوردن مجسمه شاه میکنند که این عمل بهانه ای برای تیراندازی مأمورین مسلح میشود که طی آن حداقل ۳ نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح می شوند. متعاقب این جریان مزدوران روستائی چماق بدستی که از قبل آماده بودند، تحت حمایت افراد پلیس، در شهر حرکت کرده و به تخریب و آتش زدن و ضرب و جرح مردم میردازند افراد پلیس حتی تیراندازی را تا مقابل بیمارستان اصلی شهر ادامه داده و در آنجا به کسانی که برای اهدا خون به مجروحین اجتماع کرده بودند تیراندازی میکنند و جوانی را از پای در می آورند. و هنگامیکه پزشکان بیمارستان، ضمن تماس تلفنی با رئیس شهربانی اعتراض و تهدید به اعصاب میکنند، در جواب میگوید «این افراد به ما ارتباطی ندارند و از تهران برای اجرای ماموریت آمده اند». این است آنچه رادیوهای نظامی شاه بعنوان زد و خورد موافقین و مخالفین عنوان میکنند.

آشوبان(یک کشته- ۷ مجروح)

در تظاهراتی که روزهای ۵ و ۶ محرم در این شهر انجام شد، یک جوان دیلمه فرهنگ بنام «ایوب شریفی» شهید و ۷ نفر مجروح شدند. تظاهرات روز پنجم از مسجد تکیه بازار شروع شد و مردم به فرمانده ژاندارمری که با خشونت و توهین مانع عزاداری میشد حمله کردند و او را مضروب نمودند. روز بعد افراد ژاندارمری بانتمام کتک خوردن فرمانده خود بروی جمعیت آتش گشوده و کشتار میکنند. بقرار اطلاع پس از این جریان ژاندارمها فرار کرده اند و افراد تازه ای از قرش به آشوبان منتقل شده اند.

شهرضا(یک کشته- چهار مجروح) حداقل

۲۰ هزار نفر از مردم این شهر در روزهای تاسوعا و عاشورا به تظاهرات گسترده ای بر علیه رژیم استبدادی شاه پرداختند و در پایان روز عاشورا مجسمه شاه را بطور ناگهانی بیابین کشیدند بلافاصله بعد از این اقدام، مأمورین مسلح با حمایت هلیکوپترهایی که از اصفهان پیروز در آمده بود، حمله و تیراندازی شبانه خود را آغاز میکنند و در نتیجه آن یک نفر بنام فضل الله دباغ (کاسب) و چهار نفر(حداقل) مجروح میشوند.

کنگاور

در روز چهارم آذرماه عده‌ای چماق بدست از روستائیان به تحریک بخشدار و حمایت رئیس شهربانی به دبیرستان این سینا حمله کرده و با بستن درها و پست‌تاب گاز اشک‌آور به ضرب و جرح دانش‌آموزان، مدیر و رئیس فرهنگ مبادرت مینمایند و هنگامیکه جوانان شهر به مقابله با آنان می‌پردازند پلیس با کمک دو هلیکوپتر سرباز که از کرمانشاه اعزام می‌گردد دخالت نموده و مردم را به گلوله میندند که در نتیجه ۹ تن زخمی می‌گردند.

فردای روز حادثه مردم همراه با فرهنگیان بعنوان اعتراض در حیاط دادگستری اجتماع مینمایند که این بار نیز بدون احتظار مورد حمله مأموران قرار می‌گیرند و عده‌ای بازداشت می‌گردند.

نام دو تن از تیرخوردگان روز اول عبارتست از اسد عزیزاده و داود موسوی.

یزد

روزهای تاسوعا و عاشورا تظاهرات وسیعی در شهر یزد انجام میشود و مردم در اطراف مسجد حضیره و میدان میر چخماق اجتماع میکنند و به سخنرانی روحانیون گوش فرا میدهند در اواخر تظاهرات، یک گروه ۲۰۰ نفری از جمعیت جدا شده و با چند رشته کابل و بکمک یک کامیون پایه‌های پولادین مجسمه شاه را از جا کنده و مجسمه را بدور شهر میگردانند.

روز شانزدهم آذر (۶ محرم) مناسبت روز جهانی دانشجوی بیادگشته شدگان ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، دانشجویان انستیتوها و مدارس عالی یزد و محصلین دبیرستانها، راهپیمایی عظیمی را از محل انستیتی یزد شروع میکنند و مقابل کلانتری واقع در میدان شاه روی زمین نشسته و قطعنامه‌ای را قرائت می‌کنند.

همدان

خدایاباری فرماندار همدان بوسیله سرباز وظیفه محافظ خود بنام محسن کاشانی هدف گلوله قرار میگیرد و از ناحیه دست و شکم بشدت زخمی میگردد.

نامبرده اینک در بیمارستان پارس تهران در اطاق مراقبت بستری است.

گفته میشود، شخصیکه همراه فرماندار بوده و کشته شده رئیس ساواک همدان بوده است.

ملایر

روز دوشنبه ۹/۱۳ مردم این شهر برای سوگواری و برگزاری نماز جماعت در مسجد حبیب‌خانی اجتماع میکنند که بطور غیر مرتبیه‌ای با حمله مأمورین که مجهز به چماق و باطوم بودند مراجع میگردند. در این جریان عده زیادی منجمله روحانی سرشناس شهر، حجت‌الاسلام «میرشاهولد» بسختی مجروح میشوند همچنین امام جماعت مسجد چهارده معصوم حجت‌الاسلام «عباسی» و جمعی دیگر دستگیر میشوند و در شهربانی مورد شکنجه و اهانت قرار میگیرند. این اعمال وحشیانه ششم تمام مردم بخصوص روستائیان را برمی‌انگیزد و فردای روز حادثه، تمام طبقات مردم در دادگستری متحصن میشوند و خواستار آزادی دستگیرشدگان میشوند.

با شروع ماه محرم تظاهرات مردم این شهر گسترش پیدا میکند و در روز ششم منجر به تیراندازی پلیسی و برخوردی می‌گردد که ۶ مجروح بجای میگذارد.

روز تاسوعا بدعوت روحانیت راهپیمایی ۴۰ هزار نفری انجام میشود. روز عاشورا مجدداً مردم راهپیمایی خود را از مساجد شهر آغاز میکنند ولی پلیس از حرکت مردم جلوگیری کرده و مبادرت به تیراندازی میکند که در نتیجه آن بیش از ۲۰ تن مجروح و یک نفر شهید میگردد. یکی از تظاهرکنندگان با غیرت بنام «احمد وفائی» با مشاهده این عمل جنایتکارانه مأمورین بخدمت آمده و با تاسکی باری بمیان مأمورین مسلح یورش میرود و سه نفر را زیر میزند که یکی از آنها درجا کشته میشود و خود نیز با شلیک مأمورین مستقر در پشت‌بام مغازه‌های اطراف شهید میگردد. در این هنگام مردم که بشدت خشمگین شده بودند، بخانه مأمورین حمله میکنند و خانه یکی از آنها بنام حسینی را باآتش میکشند و پسرستان شکری را که از افسران کثیف و جنایتکار است مجروح میسازند، این عکس‌العمل مردم ترس و وحشت زیادی در دل آنها ایجاد میکند.

روز بعد از عاشورا (۹/۲۱) مردم با وجود باران شدید جنازه شهید «احمد وفائی» را در حالیکه شمار میدادند تشییع میکنند.

شهید وفائی، در ابتدای بازار این شهر یک مغازه کوچک فقل و کلید سازی داشته و سه ماه قبل ازدواج کرده بود، عموی وی چندی قبل مورد اصابت گلوله مزدوران شاه قرار گرفته بود و برادر طلبه‌اش مدتی است در زندانهای شاه است.

این شهید شجاع با شهادت انقلابی کلید انقلاب را ساخت.

«صورت اسامی عده‌ای از نورچشمیهای این مملکت که تا اکتبر ۱۹۷۸ از بوس تحصیل بنیاد پهلوی استفاده کرده‌اند (ماهنامه مبلغ هزار و دو بیست دلار باضافه هزینه دانشگاهی)»

پیروز فرشچی - احمد رضا صیرفی - امیر پرویز وهاب‌زاده (۱۴ ساله) - همایون گرجی - پاریس عظیمی - عباس رضانی - پروش اردلان - فریبرز صامی - فرشید وزیری - کیومرث بقانی - سهراب کاشانی - شراره یوسفی - شهروز نهاوندی (۱۳ ساله)

این اسامی طی نامه شماره ۱۳۶۷ مورخ ۵۷/۶/۲۸ از اداره حسابداری بنیاد پهلوی به اداره خارجه بانک مرکزی ایران ارسال و برای هر یک از آنان، تا پایان اکتبر ۱۹۷۸ ماهیانه یک هزار و دو بیست دلار حواله گردیده است.

«کارکنان اداره خارجه بانک مرکزی ایران»

بهشت زهرا

امروز (۹/۲۴ جمعه) بهشت زهرا شاهد مراسم پرشکوهی بود. استادان دانشگاه و دانشجویان مسلمان بمناسبت چهلمین روز شهادت سیزدهم آبان اجتماع کرده بودند. یکی از استادان ضمن سخنرانی پرشوری مراتب انزجار دانشگاهیان را از سفاکیهای رژیم و کشتار بیرحمانه خلق مسلمان ابراز داشت و اعلام کرد تا پیروزی نهانی مردم، دانشگاهیان همگام آنها خواهند بود. در این مراسم، سخنرانیهای توسط دانشجویان ایراد شد و در خاتمه قطعنامه‌ای بعنوان همبستگی با کارکنان اعتصابی رادیو تلویزیون قرائت شد و مورد تصویب قرار گرفت که متن آن بقرار ذیل است:

خواهران و برادران - میدانید که کارکنان سازمان رادیو و تلویزیون ایران بعنوان همبستگی و همدردی با ملت شریف ایران و پشتیبانی از جهاد دلیرانه مردم دست به اعتصاب زده‌اند و همبستگی خودشان را در این جهاد مقدس با ملت اعلام داشته‌اند. ما ضمن تقدیر و تشکر از این همبستگی، از خواهران و برادران می‌خواهیم که بعنوان تقدیر از این اعتصاب بجا و تسلیم نشدن در برابر سانسور و اجرا برنامه‌های تخریبی و ضد خلقی و گمراه کننده که برای خنثی کردن مبارزه حق جویان مردم ما بوسیله رژیم تحمل میشود، همه مردم از امشب آنتن‌های تلویزیونهای خود را پائین بکشند.

بیژن آرام - مهرداد عاملی - حسن تسلیمی - همایون شاقلی - مهناز زاهدی - عبدالله پاکروان - رضا خلعتیری - مصومه پرتو - علی منصور - ناصر گودرزی - پروانه پویان (۱۳ ساله) - شهرناز بها - شیرین احمدی (۱۶ ساله) - شادان رهنما (۱۱ ساله) - محمد رضا صنیعی - فریدون ریاحی - فرح‌ناز نجم‌آبادی - عبدالرضا کیان‌پور - محسن زاهدی - فاطمه خسروانی - مینا بهادری - سعدی شیخ الاسلام زاده - محمود گل‌سرخ - کورش افخمی - مجید هویدا - ستاره آزمون - منصور مجیدی - علیرضا رهنما - سورن وحیدی - فرشته کاظم زاده - رامیک آرزومانیان - مظفر روحانی - پروانه انصاری - ترانه شالچیان (۱۴ ساله) - بابک حکمت - فیروز شیمی - یاسمن شهرستانی - بهاره صنیعی (۱۵ ساله) - الهه متمدنی - فریده حریری - مسعود فرح - بخشیان (۱۶ ساله) - هما هدایتی - کامبیز ستوده - محمود عظیمی - شیرین صدر - ندیم متمدنی - سیرانوش پارسا - مجتبی خسرو - پاشا انصاری - فرشاد نیک‌پی - فرشته گنجی (۱۵ ساله) - ژانت شریفی - محمدرضا عالیخانی - جلال یگانه (۱۵ ساله) - ابراهیم سام - فائزه متمدن باهری - هما ولیان (خانم ۲۶ ساله‌ای که یازده سال است از این بوس استفاده میکند) - مهناز صدقیانی - رضا ضیائی - حمید آموزگار - پوراندخت ثابتی - عباس وثوقی‌نیا - حسین ازهاری - امیر هوشنگ مهدوی - ستار اغلائی - فرشته معین‌زاده - کورش معینی - محمود رضا دادستان - شهباز ریاضی - فریدون فلاح - فاطمه ملقبه به فرانواز اصفیا - پروانه اتابای - پریسا اتابای - مهشید گوهری - ناهید بوذرجمهری (۱۴ ساله) - ژیمان خوش‌کیش - محمود بهرامی - فرامرز هدایت - پرنیاز خبیر - بابک شریف امامی - نازیلا ایادی - پروین زالتاش - هوشنگ اخباری (۱۴ ساله) - یکتاب پیروز - محمد علی اخوان - سروناز القابیان - نوشین شالچیان - انوشیروان رحیمی - بهروز و

تمدن بزرگ = غارت بزرگ

هموطن مستضعف و غارت شده

چندی قبل از طرف جامعه کارکنان بانک مرکزی ایران، لیستی انتشار یافت که در آن اسامی برخی از کسانی که در دو ماه مهر و آبان سال جاری اقدام بخارج کردن ارز از مملکت کرده بودند درج شده بود. در آن لیست اشاره شده بود که مقادیر ذکر شده تنها محدود بدوماه اخیر است و قبل از آن و بعد از آن جریان فرار سرمایه ادامه داشته و دارد. همچنین اشاره شده بود که ارقام تنها مربوط بخروج ارز غیر بازرگانی است و می دانیم رجال آ امین! ما با تأسیس شرکتهای صوری بازرگانی و جعل اوراق وارداتی از طریق ارز بازرگانی بصورت رسمی، مبادرت بانتقال سرمایه های کلانی کرده اند. این لیست بزودی دست بدست و سینه به سینه متعقل شد و مردم با کنجکاو و جویای شناسائی دزدان بیت المال خود بودند، گرچه گفته شد چهار نفر از کارمندان متعهدی که در فاش کردن این خیانت دست داشتند، توسط مأمورین ساواک سر به نیست شدند اما به هم خود خدمتی بس بزرگ به ملت غارت شده ایران انجام دادند و جزئومه های فساد و رسوائی را بیشتر رسوا کردند. آنچه مسلم است، این لیست مربوط به عوامل دست دوم خیانت و دزدی است و سرکرده و سرکردگان قافله دزدان که رأس هرم و خاندان و اطرافیان نزدیکش میباشند حساب جداگانه ای دارد.

غارتگر بزرگ اغلب زدیهایش بدون اینکه بایران برسد، مستقیماً از طریق کارتهای بزرگ نفتی و کمپانیهای عظیم فروش اسلحه و مهمات، و سایر قراردادهای خریدهای عمده، مرتباً و مستقیماً بصورت درصد مشخص در ربع قرن اخیر بحسابهای مربوطه سرازیر میشده است و میشود و احتیاجی بروابط بانکی نداشته است و ۳۷۵۰ میلیون تومانی که از طریق سی و هفت اعتبار حواله شده با رمز سیاسی به حسابهای اختصاصی در بانکهای کشورهای سوئیس، فرانسه و آمریکا واریز شده و در لیست بانک مرکزی ذکر شده، تنها جزء مختصری از ثروت بیکران داخلی ایشان است که از هزاران طریق غیر قانونی بدست آمده است و به تنهایی از درآمد ده ساله مملکت بیشتر میباشد.

مطلب دیگر اینکه انتقال سرمایه از طریق ارز تنها یکی از راههای خروج آنست. همین اواخر بود که جناب نیک پی، شهردار درستکار تهران را در فرودگاه مهرآباد با چندمانهائی پر از اسکناسهای هزار تومانی ظاهراً دستگیر کردند و آمدهای کلاش تر و موش صفت تری همانند هویداها، زرنگ تر از آن

بودند که از راههای معمولی استفاده کنند و دم لای تله دهند و بی سر و صدا در طول سالیان درازی مرتباً توشه روزهای زمستانی خود را فراهم کرده اند.

موضوع مهمتری که مطرح است، اینست که سرمایه های خارج شده، تنها بخشی از دارائی منقول این دزدان است و هرکدام آنها علاوه بر موجودیهای نقدی، زمینها، آپارتمانها، شهرکها، کلکولنجات و سهام شرکتهای فراوانی دارند که از حساب خارج است و با مختصر احساس خطری که از رشد جنبش انقلابی مسلمانان کرده اند، قسمتی از آنها که در حکم ذخیره است به خارج منتقل کرده اند و مسلماً با اوج گیری رو به تزاید جنبش، جریان انتقال ثروت این خائنین تشدید خواهد شد.

اما مطلبی که ما با تنظیم جدول زدیها براساس مشاغل، میخوایم نشان بدهیم اینست که میزان فساد و خیانت و دزدی رابطه مستقیمی با هرم قدرت دارد و به نسبتی که نزدیکتر میشود دزدی بیشتری میگردد.

در این جدول نشان داده میشود که درباریان و اطرافیان شاه (با اینکه فقط ممنودی از افراد دست دوم در جدول بانک مرکزی ذکر شده) رکورد دزدی را شکسته و بیشتر درصد کل ارقام مربوط با آنهاست.

ردیف دوم مربوط به امراء ارتش و ساواک است یعنی همان نگهدارندگان تاج و تخت و کسانی که شاه با تکیه بر سر نیزه و تفنگ آنها حکومت میکند و بالاخره ردیف سوم اختصاص به وزیران و معاونین آنها دارد که یک قلم دزد و خائن بوده اند و وظیفه ای برای خود در مدت وزارتشان جز دزدی و چپاول قائل نبوده اند، همان کسانی که چرخهای اداری مملکت را برای نگهداری نظام پوسیده شاهنشاهی در سالهای اخیر میچرخانده اند و بالاخره سرمایه داران وابسته و کارمندان ارشد دولت که هر کدام به نسبت تقریبشان به دربار امکان دزدی و سوء استفاده بیشتری پیدا کرده اند.

سردمداران رژیم پس از انتشار این لیست بسیار کوشیدند تا شاید آنها را تکذیب کنند و چه عجب تلاشی کردند تا شاید طاغوت اعظم را تبرئه کنند و چنین نتیجه گیری مینمایند که دزدی و خیانت اطرافیان باعث خرابی اوضاع شده و اینها نمیگذاشته اند اطلاعات صحیح بشرف عرض؟! برسد وشاه به بدبختیهای مردم آگاه شود.

اما چه احمقانه استدلالی، که خود دلیل دیگری بر بیعرضگی و بیخبری هرم قدرت میباشد.

۱۲۱	فرماندار نظامی تهران	ارتش‌دوایی
۶۴	رئیس هواپیمائی ملی	سپهبد خدای
۵۷	رئیس تربیت بدنی	سپهبد خسروانی
۵۰	استاندار	سپهبد ضرغامی
۴۸	رئیس سازمان ورزش	سپهبد علی حجت
۴۸	رئیس بازرسی شاهنشاهی	سپهبد فردوست
۴۸	فرمانده سرای نظامی	سپهبد هاشمی نژاد
۳۷	فرمانده نیروی دریائی	دریاد ارظلی
۴۸	فرمانده گارد شاهنشاهی	سپهبد بدره‌ای
۳۵	پسرفرمانده نیروی دریائی	حسن رمزی عطائی
۲۷	وزیر کشاورزی	سپهبد ریاحی
۲۳	وزیر جنگ	سپهبد صنیعی
۲۲	پسرسپهبد گیلان‌شاه	عباس گیلان‌شاه
۲۱		سرتیپ اعتمادمقدم
۱۹	رئیس دارائی ارتش	سرلشکر نورائی
۲۷		سپهبد امیر ضرغام
۱۹۸۱	جمع	

سرمایه داران

۵۴۰	چوب دار سابق	هژیریزدانی
۲۶۲	مدیر گروه صنعتی بهشهر	حبیب لاجوردی
۲۱۴	پارک هتل و آسانسور	ابوالحسن دیباز
۱۹۲	سرمایه دار کلیمی	حبیب القانین
۱۷۸	صاحب مولن روز	حبیب اخوان
۸۵	سرمایه دار	احمد کاشانی
۷۹	« و مقاطعه کار	محمد علی خرم
۹۵	کارخانه دار	سیروس ارجمند
۷۵	سرمایه دار	ابونصر عسجد
۷۱	»	حسن نمازی
۶۴	»	جعفر اخوان
۶۲	»	محمد خسروشاهی
۶۲	»	احمد وهاب زاده
۴۷	»	محمود اخوان
۴۱	کارخانه دار	محسن آرمایش
۳۱	محمد تقی برخورداریان سرمایه دار	محمد تقی برخورداریان
۲۸	»	حسن کووس
۱۸۰۸	جمع	

۴۲۰	فرزندان اشرف پهلوی	شهرام پهلوی نیا
۳۷۰		شهریار پهلوی نیا
۲۹۰		تهرزاده پهلوی نیا
۴۲۳	شوهر خواهر شاه	مهرداد پهلبد
۹۲	داماد سابق شاه	اردشیر زاهدی
۲۷۰	پزشک مخصوص شاه	سپهبد کترایادی
۳۴۰	آجودان کشوری شاه	محمود خیامی
۱۲۰	معاون دربار	امیر متقی
۷۲	»	ابوالفتح آقابای
۸۵	دائی فرح	رضا قطنی
۷۱	رئیس دفتر دربار	علی ایزدی
۷۰	مشاور دربار	شجاع الدین شفا
۵۷	رئیس تشریفات دربار	هرمز قریب
۵۱	ازاقوام فرح	امیر ناصر دیا
۵۱	آجودان شاه	خسرو اکمل
۴۸	رئیس باشگاه شاهنشاهی	جمشید بزرگمهر
۴۷/۵	رئیس دفتر مخصوص فرح	کریم پاشا بهادری
۴۷	ندیمه فرح	پری دولو قاجار
۴۵	معاون وزارت دربار	خزیمه علم
۴۴	ازاقوام فرح	دکتر محمد حسن دیا
۴۲	رئیس دفتر شاه	جمشید خیبر
۴۲	آجودان شاه	رستم امیر بختیاری
۳۹	پسر خاله شاه	ایرج میسر
۳۷	ندیمه فرح	فاطمه خزیمه علم
۳۶	آجودان شاه	قحان بختیار
۳۱	آجودان کشوری شاه	هدایت الله بختیاری
۲۱	ازاقوام فرح	احمد قطنی
۳۲۶۸/۵	جمع	

امراء ارتش

۳۸۰	رئیس سازمان امنیت	ارتشبد محمد نصیری
۱۳۵	معاون « »	پرو یزائی
۳۷۰	نماینده املاک شاه در شمال	سرلشکر متوجه‌رین
۲۸۰	معاون وزارت جنگ	ارتشبد طوقانیان
۲۳۹	رئیس سازمان ورزش	سپهبد جهانبانی

مقامات دولتی

۳۷۱	ایران ناسیونال	احمد خیا می
۲۴۵	هیئت مدیره شرکت نفت	رضافلاح
۱۱۶	مدیرعامل سازمان برنامه	خدادادفرمانفرمائیان
۱۵۲	رئیس اطاق بازرگانی	محمدلاجوردی
۱۰۷	» » »	محمدخسر و شاهی
۹۷	معاون رادیوتلو یزیون	فرخ غفاری
۸۲	معاون شهرداری	رضا شیخ بهائی
۵۲	شهردار	غلامرضا نیک پی
۵۷	مدیرعامل شرکت گاز	تقی مصدقی
۵۲	رئیس اطاق صنایع	طاهر ضیائی
۷۱	امام جمعه دولتی	سید حسن امامی
۵۹	صنایع پتروشیمی	باقر مستوفی
۴۵	رئیس سازمان برنامه	صفی اصغیا
۴۷/۵	سازمان نقشه برداری	بدرالدین مرعشی
۳۸	رئیس ذوب آهن	محمد علی شیبانی
۳۸	استاندار جنوب	احمد ظهیری
۴۱	مرکز انتقال خون	فریدون علاء
۳۷	رئیس سازمان برق تهران	مصباح جالیونس
۳۵	عضو صنایع پتروشیمی	هوشنگ مهدی
۳۲	رئیس فدراسیون فوتبال	کامبیز آتابای
۳۱	رئیس اطاق صنایع	عنایت بهیانی
۳۱	عضو اطاق بازرگانی	علی محمد بنکدار
۳۲	هوایمائی ملی	هوشنگ اربابی
۲۳	سازمان گسترش صنعتی	رضانیا زمند
۲۰	عضو شرکت نفت	مهدی ابوسعیدی
۱۹	زحمتکش بی جیره و مواجب	یحیی محمد جعفریان
۱۹	شرکت واحد	باقر عاملی
۱۸	عضو شرکت نفت	امیرنویدی
۱۷	سازمان گسترش صنایع	هوشنگ آتابائی
۱۶	اداره معاملات خارجی	فریدون میکده
۱۶	معاون اداره ثبت	احمد بنی پور
۸۲	اتاق اصناف	رسول رحیمی
۱۶۹۹/۵	جمع	

وزراء

۴۸۰	وزیر دارائی و رئیس شرکت نفت	هوشنگ انصاری
۶۲	وزیر تعاون و روستا	عبدالظیم ویان
۶۸	وزیر کشاورزی	منصور روحانی
۵۲	وزیر بهداری	انوشیروان پویان
۵۱	» » »	منوچهر شاهقلی
۴۸	» » »	دکتر شیخ الاسلام زاده
۴۲	» » »	دکتر جهانشاه صالح
۵۱	» » »	عبدالحسین مجتبی
۵۱	وزیر علوم	هوشنگ نهاوندی
۴۱	نخست وزیر	جمشید آموزگار
۴۱	وزیر نیرو	ایرج وحیدی
۳۷	وزیر بازرگانی	منوچهر تسلیمی
۳۷	وزیر دادگستری	غلامرضا کیان پور
۳۶	وزیر آموزش و پرورش	منوچهر گنجی
۳۲	وزیر مشاور و روستا نور	عزت الله یزدان پناه
۳۱	وزیر بازرگانی	منوچهر عالیخانی
۲۹	وزیر مسکن و شهرسازی	هما یون جابر انصاری
۲۱	وزیر مشاور و معاون نخست وزیر	منوچهر آرمون
۲۲	وزیر کار و دبیر کل حزب	عطا الله خسروانی
۱۸	وزیر اطلاعات	داریوش همایون
۱۷	وزیر پست و تلگراف	فتح الله ستوده
۱۶	وزیر آموزش و پرورش	علی اصغر هدایتی
۱۵	وزیر کار	کاظم ودیعی
۱۱۶۳	جمع	

بانکداران

۱۹۱	رئیس بانک پارس	علی نیکپور
۱۸۵	رئیس بانک تعاون و توزیع	سیف الله رشیدیان
۱۷۲/۵	رئیس بانک صادرات	محمد علی فرح
۶۵	رئیس بانک توسعه صنعتی	ابوالقاسم خردجو
۴۲	مدیرعامل بانک تهران	هوشنگ رام
۳۵	» » » کار	شاهین برخورداریان
۳۱	» » » صنایع	شاهپور شهبازی
۳۱	مدیر کل بانک ملی	یوسف خوشکیش
۸۵۲/۵	جمع	

پادگان شاهرود

سربازی که با تفاق ۸ سرباز دیگر از پادگان شاهرود فرار کرده است نقل کرده که هنگام رد شدن از سیم خاردار دژبانی با مسلسل آنها را غافلگیر کرده است ولی وقتی باو گفته اند که بفروان امام خمینی از سربازی فرار میکنند، پانها راه داده است. اکنون این پادگان عملاً بعلت فرار گسترده سربازان خلوت شده است و فرماندهان دچار سردرگمی شدیدی شده اند.

یکی از مقامات برجسته سازمان «سیا» در تماس تلفنی با یکی از همکارانش در ایران، اظهار داشته است که کارتر بعد از تظاهرات میلیونی ایران، در سردرگمی عجیبی فرو رفته و به مشاورینش گفته است که دیگر حمایت از شاه بیهوده است و او هیچگونه پایگاهی در میان مردم ندارد.

روز چهارشنبه ۹/۲۲ در خیابان سلسبیل، وانت باری با پنج سرنشین شروع به دادن شمارهای «جاوید شاه» میکند، مردم از شنیدن این مزخرفات عصبانی شده با اعتراض بسمت آنها میروند اما ناگهان این افراد دست به اسلحه برده و ۴ نفر را هدف گلوله قرار میدهند که سه نفر آنها درجا شهید میشوند و این مزدوران در زیر رگبار مسلسل هر سه جنازه را با خود میبرند.

زهی بیشمری بر شاه و موافقتیش!

جوانان مشهد و یزد برای آنکه سربازان فراری شناخته نگردند، موهای سر خود را کوتاه کرده اند.

مساله دروغ پرانی رکن ۲ اینروزها خیلی بیخ پیدا کرده است. نوع دروغهاییکه میسازند نشان میدهد که سرکردگان ارتش تا چه حد کوتاه فکر و ساده لوح تشریف دارند آخرین دروغی که برای مقابله با فرار سربازان ساخته اند، مربوط بخواب آیه الله قمی است که گویا در خواب حضرت امام رضا سفارش شاه را بایشان کرده است! البته بلندگوی کلاتری شهر ری! گویا این خواب را به آیت الله گلپایگانی نسبت میداده است و در خواب ایشان بجای امام رضا، امام زمان ظاهر گشته است.

لیست تجهیزات جنگی که آمریکا از سال ۱۹۷۳ به بعد به کشورهای خاورمیانه فروخته است.



۱- ایران- ۱۴/۱ بلیون دلار

شامل:

اف ۴- اف ۵- اف ۱۴- اف ۱۶ (جت های جنگنده)

رادار پرنده «آواکس»- انواع هلیکوپترها

۴ ناوشکن جنگی- ۳ زیر دریایی- موشکهای جنگی

۴- کویت- ۶۵۹ میلیون دلار

شامل:

جنگنده های آ- اف وابسته به نیروی دریائی انواع موشکهای

بینی و هوائی

۲- اسرائیل- ۶/۵ بلیون دلار

شامل:

هواپیمای جت جنگنده اف ۱۵ و اف ۱۶ و انواع

جنگنده های دیگر- تانک- توپخانه موشکهای مختلف-

سیستم های الکترونیک

۵- مصر- ۲۰۰ میلیون دلار

شامل:

۲۰ فروند هواپیمای حمل و نقل هوائی ث ۱۳۰

۶- سودان- ۹۰ میلیون دلار

شامل:

۶ فروند هواپیمای حمل و نقل هوائی ث ۱۳۰ که در حال

تحويل است باضافه سفارش ۱۹۰ ملیون دلار سیستم دفاع

هوائی شامل جنگنده های اف ۵

۳- اردن- ۱/۱ بلیون دلار

شامل:

جت های جنگنده اف ۵- تانک و توپ موشکهای دفاع

هوائی- ضد تانک- هوا به هوا

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۸- پنجشنبه ۳۰ آذر

چاپخانه ها، امکانات و تجربیات خود را در اختیار جنبش قرار دهند و مستقلاً نشریه ای هر چند محدود منتشر نمایند.

۲- هموطنان شهرستانی در منطقه و استان خود، نشریه خبری و تحلیلی جداگانه ای داشته باشند. همانطور که با کمال مسرت بتازگی نشریه خبری «اخبار جنبش خراسان» «پیام اصفهان» و «پیام قم» و... منتشر میشود. این نشریات میتوانند دقیقاً واقعیات و اخبار منطقه خود را برای ثبت در تاریخ منعکس سازند.

۳- در تهران گرچه نشریه های خبری جبهه ملی و نشریه خبری مشترک (سازمان ملی دانشگاهیان- کانون نویسندگان- کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی) و... منتشر میشود، اما این تعداد هرگز نمیتواند خلاء غیبت مطبوعات را پر کند. بسیار ضروری است محله های مختلف شهر برای خود نشریات دیواری در مساجد- ایستگاههای اتوبوس- مدارس و کوچه و بازارها داشته باشند و باینوسیله ذوق و استعداد خود را در اختیار جنبش قرار دهند.

باشد که در سایه دستهای بهم فشرده و مشتهای گره کرده، وعده خدا پر پیروزی مستضعفین و سرنگونی فرعونها تحقق یابد.

هموطنان مبارز

کارکنان صنعت نفت جهت رفاه حال هم میهنان عزیز مصرف داخلی را باندازه کافی تأمین میکنند ولی دولت ژنرالها برای زیر فشار قرار دادن، اقدام به احتکار مواد سوختی نموده، تا بدینوسیله بنفع خود تبلیغ کنند و کارکنان را با مردم رو در رو قرار دهد و تضادی که میان رژیم و مردم وجود دارد به تشتت و دو دستگی میان هموطنان مبارز مبدل سازد.

نقل از خبر نامه شماره ۸ مورخ ۵۷/۹/۲۲ کارکنان افتخار آفرین صنعت نفت جنوب.

ما بخواست خدا بزودی نشریه ویژه ای راجع به اعتصابات این بخش حیاتی میهنمان منتشر خواهیم کرد.

قسمتی از پیام ۱۱ محرم امام خمینی.

.....چون وسائل ارتباط جمعی در حال اعتصاب بسر میبرند، باید به هر وسیله ممکن رابطه بین شهرستانها برقرار نموده، مسائل روز و تظاهرات و اخبار مبارزاتی خود را بیکدیگر برسانید....

پیامی از متفکر شهید: شریعتی

آنانکه رفتند کاری حسینی کردند.
آنها که ماندند باید کاری زینبی کنند.
وگرنه یزیدی اند.

و بخشی از کار زینبی که در این شرایط یزیدی میتوان کرد، ابلاغ پیام یاران حسین است و نمایش حماسه هایی که همه روزه در گوشه کنار مملکت اتفاق می افتد. و علیرغم شکستن قلمها، بریدن زبانها، کشتن و سوزاندن انسانها، فریاد حق طلبی برکشیدن و وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر انجام دادن.

جنایتکاران میخواهند جنایاتشان در سرپوش بی خبری و سکوت انجام شود و ما باید با تمام امکانات درفاش کردن آن تلاش کنیم.

ما باید ثابت کنیم که ملت میتواند خودکفا باشد و نیازی به رنگین نامه های دولتی ندارد. ما منتظر نیستیم آنها واقعیات جامعه ما را آنطور که صلاح خودشان میدانند و نه آنطور که هست، برای ما منتشر سازند.

ما باید ثابت کنیم که شایستگی ثبت و ضبط حماسه های قهرمانان خود را داریم و بر آئیم مقدمات تدوین و نگارش تاریخ واقعی مردم خود را فراهم سازیم.

ما باید با تصویر قهرمانان شهید خود و شرح مجاهدات آنها، الگوهائی برای کودکان خود و برای نسلهای آینده بسازیم تا آزادی و استقلالی را که پدران آنها در ازایش خونها دادند ارج نهند و در حفظش بکوشند.

در این راه باید:

۱- خواهران و برادران صاحب قلم، از شعرا و نویسندگان تا ارباب جراید و کارکنان فنی مطبوعات و

کشتاردز: شهرستانها

چنگیز، آسوده بخواب که استادت بیدار است.

پناه برده و با خدای خویش مناجات «لا اله الا الله والله اکبر» میکردند، در شیراز و ... حمله میکردی و صدها نفر از آنان را به این جرم بمسلسل می بستی؟
آیا تو هم گرگان در لباس میش و روستائیان را میفرستی و می خریدی و بیجان مرد و زن و کودک شهری می انداختی؟
آیا تو هم.....
چنگیز، تعجب نکن. استادت فرزند خلف شیطان است.

استادت بیدار است و بیداد میکند.
بیدار است و به وعده وحشت بزرگش جامه عمل میپوشاند.
بیدار است و نوجوانان حسین را به سینه بهشت زرهاها و بهشت مصومه ها و بهشت رضاها روانه میسازد.
چنگیز، آیا تو هرگز می توانی جنایتی ادعا کنی که استادت نکرده باشد؟

اما توای هموطن مبارز و مسلمان

در این خونین ترین محرم تاریخ ما، در این نیمه ای که از آن گذرانده ایم، رژیم جلاّد و جنایتکار در ابعاد گسترده تری دستش را به خون مردم ما آغشته کرده است.

اگر در تهران بخاطر حضور مخبرین و اتباع خارجی کوشش میکند به جنایتش سرپوش قانونی بگذارد، در شهرستانها در سایه اختناق پلیسی و اشغال مطبوعات و رادیو و تلویزیون و... با خیال راحت تری عمل میکند. اخباریکه از شهرستانها میرسد آنچنان نگران کننده است که زندگی را زهر میکند.

آیا توهم در همدان به دختران مدارس تجاوز می کردی و یا در مشهد مقدس با جوانان مسلمان عمل منافی عفت انجام میدادی؟
آیا توهم در سرچشمه تهران و میدان شهدا از کشته ها پشته می ساختی؟
آیا توهم در کرمان و یزد و ... مساجد و مدارس و کتابخانه و قرآن را به آتش میکشیدی و بر ویرانه های آن مستانه مرقصیدی؟

در چنین شرایطی بگفته سرور شهیدان عالم:
..... فلیرغب المؤمن لبقا ره محقاً
فأنتی لا آری الموت الآحیة
ولا الحیوة مع الظالمین الا برماً

آیا توهم برای بنام کردن مخالفات صدها زن و مرد و کودک آنها را زنده زنده در آبادان میسوزاندی؟
آیا توهم در مشهد و ... بدکترافیکه نمیخواستند بیمه سربازان تو را قبول کنند با چماق حمله می کردی و سرم را از دست مجروحین میکشیدی و حتی بکودکان شیرخوار رحم نکرده به مسلسل می بستی؟

اراک (حدود ۵۰ کشته ۱۰۰ مجروح)

هفتم محرم- مجالسی که از اول ماه محرم در مسجد «محمد ابراهیم» برپا میشد در شب هفتم هنگامیکه مردم با آرامش کامل رهسپار خانه های خود بودند و تعداد کمی نیز هنوز در مسجد به نماز اشتغال داشتند پلیس حمله میکند و جمع زیادی را زخمی مینماید.

دهم محرم- امروز راهپیمائی وسیعی با شرکت ۱۰۰ هزار نفر انجام میشود و در ساعت ۴ بعد از ظهر با برگزاری نماز جماعت در میدان خمینی بی پایان میرسد. در ساعت ۶ بعد از ظهر در میدان باغ ملی تعدادی اجتماع کرده و اقدام به پائین آوردن مجسمه مینمایند. اینکار مقننه و بهانه ای برای پلیس میگردد تا بطور گسترده ای در سطح شهر وارد عمل شده و تیراندازی نماید. در عملیات میدان و سایر نقاط شهر مجموعاً ۴۰ نفر کشته و بیش از ۶۰ نفر مجروح میشوند.

یازدهم محرم- امروز روزنمایش و قدرت نمائی پلیس و

آیا توهم در اصفهان و اراک و خوانسار و ... مردمی را که نمیخواستند عکس منحوس را بمغازه یا ماشینشان بزنند حمله می کردی و آنها را میزدی و میکشتی و مجبور می کردی برای جاوید کردنت شمار بدهند؟
آیا توهم در کاشان و تبریز و قم و ... به خانه ها و بازار و مغازه ها حمله می کردی و آنها را غارت می کردی و میسوزاندی؟
آیا توهم در زنجان شبانه بمنزل مخالفین میریختی و یا مانند پوشهر روحانی شهر را به بیرون از خانه خواننده و مقابل چشم زن و فرزند به گلوله می بستی؟
آیا توهم در اصفهان و کاشان و... از بمب های خوشه ای استفاده می کردی؟ همان بمب هائیکه اسرائیل غاصب از بکار بردنش در مقابل اعراب بدلیل مخالفت افکار عمومی جهانیان و سازمان ملل خودداری کرده، همان بمب هائیکه مانند نارنجک عمل کرده و نرسیده بزمین بالای سر ظاهر کنندگان منفجر میشود.
آیا توهم به مردمی که از خفقان روزی شبانه به پشت بامها

ارتش بود. آنها سوار بر زره پوشها در خیابانها رژه میرفتند.

شیراز چهارشنبه ۲۲ آذر (۲۳ کشته)

● بیرمردی بنام دارابی امروز مورد اصابت گلوله قرار میگیرد.

چهارشنبه بیست و دوم آذر- شب هنگام حدود ساعت ۸، مردم از مساجدی که در منطقه کلیه سمدی قرار دارد بیرون آمده در حالیکه بقیه از بالای پشت بامها آنان را با ندادی تکبیر همراهی می نمودند، بنظواهرت میردازند. در این هنگام ارتش بوسیله نورافکن محل جمعیت را روشن نموده و یک استوار بروی مردم تیراندازی مینماید که در نتیجه ۲۳ نفر کشته میشوند. یک سرباز شجاع- استوار قاتل را بسزای عملش میرساند که فردای آتش اعدام میگردد.

دوازدهم محرم- امروز بیش از ۲۰۰۰ نفر جاهل و خود فروخته از دهات (سمنان- هزاوه- مرزگران- ایجان حاوسیان)، بابل و چماق بشهر حمله میکنند و خانه ها و مغازه ها را آتش میزنند و غارت میکنند و مردم را مجبور بسوار شدن در تریلی ها و گشتن «جاوید شاه» میکنند.

در این حمله که تحت حمایت پلیس بود تعدادی کشته و مجروح میشوند.

● گفته میشود قبل از جریان فوق دولت با برنامه ای حساب شده! برای بمقابله کشاندن بهائی ها با مردم، منازل عده ای از آنان را و گویا منزل استوار قاتل را که بهائی بوده، بآتش میکشد ولی بهائی ها باین توطئه کثیف پی میبرند، در عین حال آیت الله محلاتی و سایر علمای شهر در همان زمان اعلامیه ای منتشر کرده و در ضمن محکوم نمودن آتش زدن خانه ها، موضع اسلام را در برابر اقلیت ها و فرقه های مذهبی متذکر میشوند.

گروهی دیگر از اوباش با حمایت کامل پلیس و بدستور استوار رضا ابوالحسنی و سروان محبتی رؤسای پاسگاه و ژاندارمری اراک به سه حمله نموده و به ضرب و جرح و غارت مغازه ها و خانه ها میردازند، مردم بناچار بدفاع برمبختند که در نتیجه یک نفر از مهاجمین کشته و دیگری دستگیر میگردد، در تحقیقاتی که مردم از این شخص بعمل میآورند وی قرار می نماید که فقط در مقابل دریافت صد تومان حاضر باین کار گشته است.

هنگام شب مأمورین ژاندارمری، ده را محاصره کرده و شخص دستگیر شده را میربایند.

● روز جمعه ۲۴ آذر مردم برای تشییع جنازه بیست و سه شهید چهارشنبه شب که در اختیارشان بوده، در معیت آیت الله محلاتی و سایر علماء از بیمارستان سمدی حرکت خویش را آغاز مینمایند. در چهار راه زند پلیس بطرف مردم آتش میگشاید که در نتیجه هشت نفر زخمی میشوند ولی مردم قاطعانه بحرکت خود تا قبرستان ادامه میدهند.

● پنجشنبه سیزدهم محرم- تمامی مغازه ها و ماشینهای که عکس شاه را نصب نکرده بودند مورد هجوم افراد پلیس و ارتش و چماق بدستان قرار میگیرند، در این روز سیزده جوان دوچرخه سوار و یک مسافر تاکسی که باین شرایط اعتراض نموده بودند بدست چماق بدستان و یک استوار بشهادت میرسند، تعداد مجروحین که در بین آنان نام آقای میرجعفری یکی از روحانیون شهر نیز پنجم میخورد از مرز پانصد نفر گذشته است.

● در ضمن خبر میرسد که علماء شیراز خواسته اند برای جلوگیری از سوء استفاده رژیم سفاک، مردم تنها در تظاهراتی که بدعوت روحانیون انجام میشود شرکت نمایند.

● گفته میشود این حوادث بوسیله استاندار و بهادری نماینده مردم اراک در مجلس شورای ملی! با کمک شهربانی، ژاندارمری و ساواک تدارک دیده شده است در ضمن طبق اطلاع رسیده بهر کدام از کندخداهای دهات که در تظاهرات شاهانه شرکت کردند مبلغی در حدود صد هزار تومان از بیت المال مردم هدیه داده اند.

زابل

در روزهای اخیر چماق داران شاهنشاهی بمسجد «حکیم» حمله کرده و طلبه ها را بیاد کتک میگیرند، در ضمن در سطح شهر نیز بمردم حملاتی شده است، در این جریانات عده زیادی زخمی شده اند.

کرمان

روز چهارشنبه ۹/۲۲، ۸ کامیون کمپرسی و تعدادی وانت‌بار و موتور سوار از صبح زود در خارج شهر اجتماع میکنند سپس با حمایت پلیس و چماق بدست وارد شهر میشوند و شمارهای جاوید شاه میدهند و برخورد کردن نمازگاه‌هاییکه عکس آقای خمینی را نصب کرده بودند می‌پردازند. سپس به فاطمیه و دیگر مساجد حمله میکنند و در پنجره‌های آنرا می‌شکنند. در این هنگام مردمیکه در مسجد «امام خمینی» مشغول استماع سخنرانی بودند با خیرشده وبا سنگ و چوب با استقبال چماق بدستان می‌روند و آنها را تا دهاتشان فراری میدهند. در تیراندازی که پلیس برای حمایت مهاجمین میکند یک نفر از مردم زخمی میشود از مهاجمین تعدادی زخمی و بقیه فراری میشوند.

دنباله مشهد

● آقای منفرد، یکی از مجروحین بیمارستان شاهرضا در میگردد و همچنین طفل ۹ ماهه‌ای که صدمه دیده بود فوت میکند.

● روز یکشنبه ۹/۲۶ هنگامیکه آقای مؤجد (امام جماعت) برای برگزاری نماز عازم مسجد بودند، توسط یکی از مأمورین شهربانی بنام «استوار حقیقی» هدف گلوله قرار میگردد از ناحیه شکم بسختی مجروح میشود. استوار مزبور توسط یک پاسبان آژاده بکیفر خود میرسد.

نجف آباد (حدود یکصد کشته)

دستهای پلید و جنایتکار مأمورین رژیم «تمدن بزرگ» اینبار در نجف آباد از آستین دهاتی به استضعاف کشیده و ناآگاهی بیرون آمد که در اثر سالیان دراز قتل و جهل، فقط با ۱۰۰ تومان خریده شده بود.

برنامه چماق بدستان که سنه درماندگی و در عین حال رُوبه صفتی رذیلتانه رژیم است، در این شهر هم بمورد اجرا گذاشته شد با این تفاوت که در اینجا فریب پیش از پول کارگر افتاد.

این چنین:

چند شب قبل از واقعه، یکی از مزدوران تطمیع دیده رژیم، در لباس روحانیت، در یکی از دهات اطراف نجف آباد به منبر رفته و ضمن تسبیح رژیم و تایید امام خمینی، مژورانه به

تحریف حکومت اسلامی می‌پردازد و اظهار میدارد «در خلافت عدل اسلامی که انشاءالله بربرهی امام خمینی بوجود می‌آید، زمینهای غصبی شما را میگیرند و اصولاً شاید مصلحت باشد شما از سرزمین خود مهاجرت کنید...»

فردای آتشب عده‌ای در لباس روستائی به ده ریخته و با تظاهرات ساختگی، بنای اعتراض را بحکومت اسلامی و که زمینهای آنها را میخواهد بگیرد، میگذارند و با آقا دگگی ذهنی قبلی عده‌ای را فریفته، بدنبال خود بشهر میکنند.

حاصل این هجوم که بهانه‌ای برای دخالت مأمورین میشود، بیش از یکصد کشته و تعداد بیشماری مجروح و شهری سوخته و غارت شده و بازاری متروک و مخروبه می‌باشد.

سردمدار و جمع کننده دهاتیان ساده لوح، شخص مزدوری بنام «میراب» بوده است که در ضمن جاهل و قلدرده میباشد.

متعاقب این جریان گروهی از خیرنگاران خارجی و نماینده‌ای از دادگستری در معیت آقای احمد صدر حاج سیدجوادی (عضو شورای مرکزی کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر)، برای تحقیقات محلی، به نجف آباد میروند که مورد ضرب و جرح مأمورین انتظامی و پلیس قرار میگیرند.

یزد ۲۳ آذر (۹ نفر کشته)

امروز بمناسبت سوم سرور شهیدان حسین بن علی (ع)، مراسم عزاداری در شهر یزد بر پا گردید. حرکت دستجمعی مردم از صبح از میدان مهرچخماق شروع شد که مصادف با حمله نیروهای نظامی گردید و ۹ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی شدند.

بعد از این جریان عده‌ای از مأمورین با لباس میدل به مسجد خضیره که آقای صدوقی امام جماعت آن هستند حمله کرده، در و پنجره و شیشه‌های آنرا می‌شکنند و صندوق قرض‌الحسنه را غارت میکنند.

زنجان (۷ کشته)

بدنبال تظاهرات و راه‌پیمائی‌های مردم، اکنون مأمورین پلیس در جستجوی فعالین هستند و بمنازل آنها شبانه مراجعه میکنند و با شلیک گلوله بجهت آنها خاتمه می‌دهند. تنها در هفت گشته ۷ نفر را باینترتیب کشته‌اند.

کاشان (بیش از ۱۰ شهید و ۱۰۰ مجروح)

روز تاسوعا، بیش از یکصد هزار زن و مرد راهپیمایی بزرگ خود را از مسجد «آقا بزرگ» (بزرگترین مسجد شهر) آغاز میکنند. این راهپیمایی بدون هیچ حادثه و با نظم کامل تا ساعت ۳/۵ بعد از ظهر ادامه پیدا میکند. اما شب هنگام، دو نفر بنامهای «مصطفی بنی هاشمی و رضا عارفی کاموئی» در خیابان پامناز مورد اصابت گلوله مأمورین پلیس قرار میگیرند و شهید میشوند.

● **روز عاشورا**، در راهپیمایی مجدد، مردم جنازه شهدا را تشییع میکنند و هنگام عبور از چهار راه پنجه شاه از خشم و نفرت بطرف مجسمه حمله میکنند و میخواهند آنرا پائین بکشند که بانلایش فراوان یکی از روحانیون مسرحرکت بطرف میدان کمال الملک تغییر میکند و بهانه از دست پلیس گرفته میشود. جنازه شهدا برای تدفین به زیارتگاه «حبيب ابن موسی» برده میشود و نیروهای پلیس که قبلاً در اطراف مجسمه مستقر شده بودند و دنبال بهانه می گشتند مأیوس نشده، خود را از طریق خیابان پهلوی به فلکه شاه عباس می رسانند و در آنجا مردم را به گلوله میبندند و در نتیجه شخصی بنام «عباس افشار» کشته میشود و ۱۲ نفر بشدت مجروح میگردند سپس مأمورین برای موجه جلوه دادن عمل جنایتکارانه خود، ادارات فرمانداری- شهرداری و دادگستری را به آتش میکنند و به این بهانه هر جمعی را بمسلسل می بندند.

● **روز یازدهم محرم** مردم برای مقولین دیروز که شبانه بخاک سپرده شده بودند، مجلس فاتحه ای میگزایند که مجدداً پلیس حمله کرده و چند نفر دیگر را مجروح میسازد.

● **روز دوازدهم محرم** تظاهرات از زیارتگاه «پنجه شاه» آغاز میشود و از آنجا به دروازه فین میروند. مأمورین انتظامی در آنجا نیز مردم را محاصره میکنند و در اثر تیراندازی ۹ نفر را مجروح میسازند. دنباله تظاهرات تا فلکه قاضی اسدالله ادامه پیدا میکند اما بخاطر محاصره کامل شهر توسط پلیس و سربازان، متفرق میشوند. در اینموقع هلیکوپترهای ارتش بر فراز آسمان شهر پرواز کرده، تظاهرات پراکنده کوچکهای شهر را کنترل میکنند و کامیونهای ارتشی در تمام سطح شهر حرکت کرده، هر عابری را به گلوله می بستند. آنها حتی داخل منازل و دکاکین شده و چنگیزوار می کشند. در یک مکان ناتوانی «قاسم علائیان» نانوادر در حالیکه دستش در ظرف خمیر بوده با شلیک سه گلوله در سینه و پهلو و ران قتل میسرانند و طلبه ای را به شهربانی برده در آنجا پس از

شکنجه های فراوان میکنند و چند منزل و دو باب مغازه پارچه فروشی را به آتش میکنند و ۵ نفر از اهالی را بنامهای «احسان روحی- محمد یوسف پور- شاهزاده ابراهیمی- رحمت روحانی- علی شیردل» را مقتول میسازند و ۳۶ نفر را بسختی مجروح مینمایند.

● پنجشنبه ۱۴ محرم- ۲۴ آذرماه

امروز از صبح نیروهای انتظامی در شهر حرکت کرده و تیراندازیهای پراکنده ای میکنند. از عصر حمله آنها شدت یافته و مانند روز قبل به منازل و دکاکین آسیب می رسانند و در و پنجره ها وشیشه ها را میشکنند و حتی داروخانه ها را هم استثناء نمیکنند. ربع و وحشت شدیدی اهالی را فرا گرفته و هیچ جنبیده ای جرأت نمیکنند در خیابان حرکت کند. امروز ۱۵ نفر مجروح شده اند ولی نه دکترها جرأت میکنند از خانه خارج شوند و نه مردم میتوانند برای اهدای خون به بیمارستانها بروند مأمورین حتی آسپنالها را در خیابان متوقف کرده و راننده و سرنشینان آنرا بشدت کتک میزنند. نتیجتاً مجروحین با حتی مختصر جراحات و خون ریزی بزودی خدا را ملاقات میکنند.

قم

بیش از ۳۰۰ هزار نفر از طبقات مختلف این شهر در روز تاسوعا و عاشورا از جلوی میدان آستانه تا انتهای خیابان تهران راه پیمائی کردند و در حالیکه آیه الله منتظری و مدرسین شجاع حوزه علمیه در صف مقدم قرار داشتند، سخنان آقای بشارت (کسیکه برادرش در روز عید قربان شهید شده بود) و آقای انصاری گوش فرا دادند سپس روحانی متعهد دیگری بنام «آقای شرعی» قطعنامه راه پیمائی را قرائت نمود.

● **روز جمعه ۹/۲۴** مردم کماندوشی را که در کوچه حاج سید حسن با لباس شخصی حرکت میکرد، بخاطر جنایت روز قبلس شناسائی کرده و با وجودیکه مسلح بوده دستگیر میکنند و میخواهند او را برای محاکمه انقلابی بمنزل آیه الله گلپایگانی ببرند، اما در بین راه آنقدر ضربه چاقوبه او میزنند که تا آنجا نرسیده بسزای اعمال پلیدش میرسد.

● **روز شنبه ۹/۲۵** نیز در خیابان آذر پاسبانی را بهمین سرنوشت محکوم میکنند و متعاقب آن مأمورین به میدان کهنه (انتهای آذر) حمله میکنند و مغازه ها را تخریب مینمایند و به در و دیوار تیراندازی میکنند.

● **روز شنبه ۹/۲۵** سربازی با اسلحه از گروهان ژاندارمری (مقابل میدان تره بار) فرار میکند و دو نفر از نظامیانی را که مانع فرار او شده بودند بخاک و خون میکند.

اهواز (۱۶) کشته - ۴۰ مجروح

شانزدهم آذرماه - در راهپیمایی ۳۰ تا ۴۰ هزار نفری که با شرکت استادان و دانشجویان دانشگاه، بطرف بهشت آباد انجام میپذیرد، پلیس با ایجاد مانع و تیراندازی و شلیک گاز اشک آور، دخالت نموده و مردم بناچار با سنگ و لاستیک و ... بمقابله برمیخیزند، در این حادثه یکی از افسران از ناحیه سر جراحاتی برمیآورد و همین مسئله باعث میشود که مأمورین از خدا بیخبر و مزدور مردم را به رگبار مسلسل بینند، حاصل این جنایت کثیف و بیشرمانه شانزده شهید و چهل مجروح میباشد که اسامی عده ای از شهداء بقراریست:

حسن برادران - ادهم - خانم - پسر و دختر آقای تجویدی که برای همدردی با مردم چراغهای اتومبیل خود را روشن نموده بود و افسری مستقیماً بماشین آنها تیراندازی می نماید.

● هفدهم آذرماه - ساعت پنج بعد از ظهر، ۲ نفر پلیس بقتل رسیده و اسلحه شان مصادره میگردد. در ضمن پلیس دیگری بنام چهارلنگ که در کشتار عید غدیر این شهر دست داشته است به کیفر اعمالش میرسد.

● روزهای ناسوعا و عاشورا، همانند شهرهای دیگر، راهپیمایی بزرگی با شرکت چهار صد هزار نفر در این شهر برگزار میشود.

● روز ناسوعا حرکت از مدرسه بهبهانی در ساعت ۹ صبح آغاز میشود و مردم به ناحیه قدیمی «کمپلو» حرکت میکنند. روز عاشورا نیز مناطق فقیرنشین در مسیر جمعیت قرار میگیرد.

سه شنبه ۹/۲۸

مهندس تصاعدی (برادر سرهنگ تصاعدی فرماندار معدوم جهوم) که رئیس بخش صنعت نفت مارون است، با ایجاد رعب و إعمال فشان، عده ای از افراد گروه تولید را مجبور بکار کرده است.

● در پادگان اهواز ستوان وظیفه «قدرانیان» که تنها ۲۴ ساعت از مدت خدمت او باقی مانده بود، عده ای از افسران را برای خداحافظی جمع میکند و هنگامیکه قصد داشته طبق طریق خود آنها را ترور کند، گلوله اش گیر میکند و موفق نمیشود. او را در همان پادگان تیرباران میکنند.

● شب سه شنبه تعدادی از کارگران تولید در فرمانداری اهواز تحت شکنجه بوده اند.

● ۵۰٪ کارکنان شرکت نفت روز چهارشنبه ۹/۲۹ آذر استعفا خواهند داد. در گچساران برای هر کارگر یک سرباز گمارده اند.

آبادان (۸) کشته

روز عاشورا، راهپیمایی بزرگی با شرکت طبقات مختلف مردم تشکیل میشود، هنگام عبور جمعیت از مقابل نیروی دریائی، بخاطر شعارهای ضد سلطنتی که مردم میدادند، سربازان اقدام به تیراندازی میکنند و در نتیجه ۶ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند.

شوشتر (۳۰) کشته

روز چهارشنبه ۹/۲۲ - بدعوت آقای آل طیب، روحانی با نفوذ شهر، یکی از روحانیون قم برای ایراد سخنرانی در مسجد «حسین» این شهر دعوت شده بود. هنگامیکه ایشان در مسجد مشغول سخنرانی بودند، پلیس ابتدا چراغها را خاموش میکند و سپس به ۲ جوان موتور سوار که نگهبان درب مسجد بودند تیراندازی میکند و آنها را بقتل میرساند. مردم بدون اعتنا به تیراندازی به استماع سخنرانی ادامه میدهند و سپس با آرامش کامل مسجد را ترک میکنند. هنگام خروج مردم، پلیس برای دستگیری سخنران حمله و تیراندازی میکند. مردم به دور گوینده حلقه زده مانع اینکار میشوند اما با این عمل تعدادی جان خود را از دست میدهند و بنبدال آن در ادامه تظاهرات بیش از ۳۰ نفر کشته و تعداد بیشتری مجروح میشوند.

نام سه تن از شهدا از این فراتر است:

پشادای - غلامیان - کهبازی

● شهربانی اجساد شهدا و مجروحین را نمیگذارد بدست مردم بیفتند.

● یکی از سربازان که تحت تأثیر این جریانات قرار گرفته بود، اسلحه خود را بمیان مردم پرتاب میکند تا خودش فرار کند، اما پاسبانی که از پشت مراقب حرکات او شده بود، او را بشهادت می رساند.

● در همان شب مغازه آقای پیدار بخت با طرح سروان جعفری آتش زده میشود.

اهواز

● در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۹/۲۶ بمب فوق العاده نیرومندی به ستاد واحدهای ارتشی در فلکه شهر پرتاب میشود و در نتیجه انفجار ۸ نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی میشوند.

روز شنبه ۹/۱۸ - محصل جوانی هنگام کار با مواد منفجره، درخانه‌اش از ناحیه شکم شدت مصدم میگردد و در اندک زمانی بعد از رسیدن به بیمارستان شهادت میرسد. شخص دیگری که بدون هیچگونه آشنائی قبلی برای کمک به او آمده بود، دستگیر و به تهران اعزام میگردد.

سیزوار (۷ کشته - ۳۰ مجروح)

روز چهارشنبه ۹/۲۲ - حجاج بدستان شاهشاهی در این شهر به مردم حمله میکنند و مردم متقابلاً بدفاع میپردازند در این درگیری، پلیس بروی مردم آتش می‌کشد و در نتیجه ۵ نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح میشوند. گفته میشود از افراد پلیس ۲ نفر بدست مردم کشته شده‌اند.

اسامی برخی از شهدای حادثه از این قرار است:

ابراهیمی - صاحب کتاب فروشی

طلوع - دلال برنج

فشتقی - روستائی اهل قریه فشتقی

فسکانی - محصل

ایمانی - ؟

چهارشنبه شب، پس از کشتار، پلیس عبور و مرور را در خیابان مرکزی شهر ممنوع اعلام میکند و در غیاب مردم، کلیه اثاثیه مسجد جامع را غارت و تخریب مینماید. روز پنجشنبه جمعیت انبوهی، جنازه شهدای روز قبل را تا قبرستان مصلی تشییع مینمایند.

خوانسار (۱۹ آذر - ۲۸ مجروح - ۴ کشته)

در تظاهراتی که در ساعت نه بعد از ظهر توسط مردم شهر برپا شد بدستور ستوان رستگاری بسوی مردم آتش گشوده میشود که در نتیجه سیزده نفر زخمی میشوند، حال یکی از مجروحین به نام سید صالحی ونیم است.

● همچنین در روزهای نوزدهم، بیستم و بیست و یکم آذرماه تظاهراتی با شرکت مردم این شهر برپا میگردد که طی آن پشتیبانی خود را از امام خمینی اعلام میدارند.

● پنجشنبه بیست و سوم آذر - ساعت ده صبح دودستگاه رؤو ارتشی پر از سربازان مسلح، با گفتن جاوید شاه بخوابانهای شهر آمده و مردم بی‌پناه را زیر رگبار گلوله میگیرند، در این حادثه ۳ الی ۴ نفر شهید و پانزده نفر زخمی میشوند.

اسامی سه نفر از شهدا که بدست ما رسیده بقرار زیر میباشد:

جواد عساری ۲۳ ساله

سعد غضنفری ۱۷ ساله

.... سقانی ۱۸ ساله

فردای آروز (جمعه) فرماندار نظامی شهر در حالیکه بر جنازه‌ها میخندید گفت «چهار نفر را کشته و نود و شش نفر دیگر را هم خواهم کشت».

● منزل یکی از علمای خوانسار بنام آقای حاج حسین عظیمی، گلوله باران شده است.

متن تلگراف «جماعت اسلامی پاکستان» به «آقای دکتر ابراهیم یزدی»

دربشینیانی از جنبش اسلامی ایران

آقای دکتر ابراهیم یزدی، جماعت اسلامی پاکستان، پشتیبانی خود را از جنبش اسلامی آزادی مردم مسلمان ایران اعلام میدارد. ما با تمام وجودمان همراه باحرکت اسلامی ایران میباشیم. ما جنایت‌های بزرگ شاه و اعمال وحشیانه شما را محکوم میکنیم. ما و مردم پاکستان با شما هستیم. باشد تا با یاری خدای متعالی حکومت اسلامی در ایران بنیان گذاری گردد.

مولانا ابوالاعلی مودودی - مؤسس جماعت اسلامی

میانوهیل محمد - امیر جماعت اسلامی پاکستان

سید اسد گیلانی - امیر جماعت اسلامی لاهور

امروز سراسر شهر تیریز بمناسبت هفتم شهدای اصفهان و به همگامی با سایر هموطنان تعطیل بود بطوریکه حتی تاکسی هم کار نمی‌کرد. بهین مناسبت یاده روی عظیمی از طرف قاطبه مردم ترتیب داده شده بود. هنگامیکه صف تظاهرکنندگان با نیروهای نظامی مواجه می‌شوند، فرمانده آنها که درجه داری بوده است، مردم را با اصرار زیاد سوگند میدهد که متفرق شوند و مردم بمجرد شنیدن سوگندهای او بانکا اینکه بخدا و پیغمبر معتقد است، او را سردست بلند کرده و ابراز احساسات شدیدی مینماید. بعد از مشاهده این وضع، سربازان تحت فرماندهی اش به مردم می‌پیوندند و خودروها را رها میکنند. بلافاصله مردم بروی تانک‌ها و زره‌پوشها و نفربرها سوار شده، بشدت ابراز احساسات میکنند. کمی بعد، بدستور فرماندهی تمام نیروهای انتظامی از مقابل مردم کنار رفته بجایگاه خود برمیگردند.

● در حین این جریانات مأمورینی که با لباس میڈل خود را در بین جمعیت جا زده بودند، مبادرت به پرتاب گاز اشک‌آور و تیراندازی میکنند که در نتیجه آن ۷ نفر کشته و ۴ مجروح میشوند. ۳ نفر از این شهدا در همین مراسم تاگورستان شهر تشییع میشوند.

قائن (۲ کشته - ۷ مجروح)

طبق اخبار رسیده، چند روز قبل، هنگامیکه مردم پس از برگزاری مراسم سوگاری در مسجد مهدی، عازم منزل خود بودند، مأمورین سفاک رژیم با آنها حمله میکنند و ۲ نفر کشته و ۷ نفر مجروح بجای می‌گذارند.

مشهد

پنجشنبه ۹/۲۳ - امروز ۴۰ هزار نفر از طبقات مختلف مردم بخاطر بزرگداشت شهید «رضا حنائی» که بدست سرهنگی بقتل رسیده بود، از مدرسه نواب و مسجد بناها بطرف بهشت رضا حرکت میکنند و از آنجا به فریمان میروند. جمعیت پس از توقف مختصر در فریمان و استماع سخنرانی آقای موسوی خراسانی بشهر باز میگردد.

دماوند

در چند روز گذشته راه‌پیمائیهایی بسیار وسیعی در این شهر انجام میشود، مردم هنگام عبور از مقابل شهربانی و ژاندارمری اعلامیه امام خمینی را در مورد فرار سربازان از سربازخانه‌ها قرائت میکنند.

بیمارستان هزار تخته‌خوابی - اجتماع سه هزار نفر از پزشکان و کادرهای دانشکده‌های پزشکی و بیمارستانهای سراسر کشور در این بیمارستان، یکبار دیگر مژده محکمی به یاقه گوئیهای حکومت سرنیزه بود.

ابتدا چندتن از پزشکان سخنرانی کردند و سپس دو نفر از نمایندگان بیمارستان مشهد، عین واقعه قتل عام سفاکانه پزشکان را برای حضار و خبرنگاران تشریح نمودند، درخاتمه قطعنامه‌ای بعنوان هم بستگی با خواسته‌های حرکت اسلامی ایران صادر شد و پس از آن یکی از خبرنگاران خارجی که در نجف آباد از مزدوران رژیم کتک خورده بود، پشت تریبون آمده ضمن بیان چگونگی حمله باو و چند نفر دیگر که برای کسب خبر به نجف آباد رفته بودند گفت «گرچه من امریکائی هستم ولی این اجازه را بخود میدهم که بگویم مرگ بر امپریالیست، مرگ بر شاه»

من تلگراف دکترزیدی^۱ در پاسخ تلگراف جماعت

اسلامی پاکستان

برادران مسلمان:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، تلگراف بموقع شما دریافت شد. سیاست‌گرایی مینظامم. مبارزه قهرمانانه ملت مسلمان ایران، و حرکت انقلابی و اسلامی آنان تحت رهبری سیاسی و مذهبی رهبر عالیقدر ما «امام خمینی»، بموقیقت‌های شایانی در راه درهم شکستن رژیم طاغوتی شاه و پشتیبانان خارجی اش دست یافته است. پیروزی ما در حال حاضر از هر زمان دیگری نزدیکتر می‌باشد. من از خدای سبحان و تعالی می‌خواهم که مبارزه و همبستگی امت اسلام، خصوصاً ملت مسلمان و وفادار پاکستان خوشبختی و فلاح برای همه مسلمانان سراسر جهان بهمراه آورد.

با تشکرات بسیار و سلام

برادر دینی شما - ابراهیم زیدی

۱ - دکتر ابراهیم زیدی، از مسلمانان مبارز دور از وطن می‌باشد که نزدیک ۲۰ سال است بخاطر شرایط پلیسی ایران در آمریکا اقامت دارد. نامبرده رئیس انجمن‌های اسلامی دانشجویی و مسئول نهضت آزادی ایران در آمریکا می‌باشد.

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۹ - هفتم دی ۱۳۵۷

تهران

آخرین لحظه:

آتش زدن خانه سرهنگ زیبایی

ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۰/۶ در قاطع خیابان ثریا و ملک الشعرا بهار مقابل اداره اصناف، جمعیت نظاهرکننده به یک اتوبوس مرسدس بنز مشکوک میشوند و پس از مشاهده بی سیم آن، هنگامیکه میخواهند داخل آنرا بازرسی کنند، سرنشین اتوبوس مسلسل از زیر صندلی بیرون کشیده و بسوی مردم تیراندازی میکند و یک زن چادری و دو جوان را بخاک و خون می کشد و خود با سرعت فرار میکند و در خیابان تخت جمشید سوار یک آمبولانس ارتشی در حال حرکت شده و میگریزد. هنگام فرار دفترچه و قباله ای از جیبش بیرون می افتد که مردم بلافاصله آنرا بر میدارند و می بینند روی آن نوشته:

سرهنگ علی زیبایی - آدرس - خیابان بهار بالاتر از تخت جمشید - کوچه مهتاب - شماره ۴

بلافاصله جمعیت برای دستگیری او بسوی خانه هجوم می برند اما متأسفانه او را نمی یابند اما خانه مجلش را با تمام وسائل لوکس آن با آتش کامل میکشند. مردم قالی های او را با کارد تکه تکه میکنند و لوسترها و چینی آلات و ظروف قیمتی را بکلی خرد میکنند علاوه بر آن سه قبضه اسلحه کمری و یک کتگاه بی سیم و مقداری زیادی لوازم مخابراتی و کتب و اعلامیه های جعلی توسط مردم مصادره میگردد.

اتوبوس مرسدس بنز این جانی سابقه دار در همان خیابان ثریا با آتش کشیده میشود و اتوبوس دیگرش در منزل خیابان بهار، سرهنگ بازنشسته علی زیبایی از شکنجه گران معروف و قدیمی ساواک میباشد که همراه سیاحتگر از زمان حزب توده مأمور بازجویی و شکنجه بوده است.

مردمیکه در آتش سوزی خانه این مزدور شرکت داشتند میگفتند اشیاء این منزل از پول خون جوانان وطن تهیه شده و حرام است و باین دلیل کسی چیزی را با خود نمیرد.

بیمارستان هزار تخته خرابی

امروز صبح (۱۰/۶) طبق قرار قبلی از ساعت ۸/۵ مردم بسوی بیمارستان هزار تخته خرابی حرکت کردند تا در مراسم تشییع جنازه شهید مهندس کامران نجات الهی شرکت کنند با وجود ممانعتهاییکه از طرف نیروهای نظامی نسبت به ورود افراد به محوطه بیمارستان بعمل می آمد، نزدیک ساعت ۹/۵ بیش از ۵ هزار نفر تجمع میکنند. در اینموقع حضرت آیت... طالقانی با اتفاق آقای دکتر سبحانی در معیت بیش از هزار نفر به محوطه وارد میشوند. ایشان ضمن سخنرانی کوتاهی بعد از تجلیل از شهید شهید نجات الهی و تسلیت بخانواده او دانشگاهیان و ملت ایران را به صبر و مقاومت و اتحاد دعوت کردند. در ساعت ۱۰/۱۵ یکی از استادان پلی تکنیک تهران بعد از شرحی درباره همکار قیدشان تأکید کرد که گلوله شلیک شده از ساختمان مقابل و عمدی بوده است و آنوقت شهید را بکلی از بین برده و مسلم است از پائین خیابان نمیتوان شکم را هدف گرفت. باینترتیب آکاذیب شب قبل دکتر مفیدی با همه اشک تسامح هایش و نیز اعلامیه مزورانه فرمانداری نظامی بوضوح بر ملا شد.

بین ساعت ۱۰/۱۵ تا ۱۱ سخنرانان دیگری از جمله خانم دکتر سمسارزاده و دکتر عباس شبیبانی مطالبی در تحلیل اوضاع روز و مراتب انزجار مردم از کشتارهای اخیر ایراد کردند.

ساعت (۱۱) مراسم تشییع جنازه مرحومین نجات الهی و مسعود دهقانی دانشجوی بابلی شروع گردید که بیش از ده هزار نفر جنازه ها را روی دست به دور محوطه بیمارستان گرداندند و شعارهایی از قبیل:

مقاومت را میکشیم - شاه ترا میکشیم

میکشیم میکشیم آنکه برادرم کشت

شاه جنایت میکند ارتش حمایت میکند

..... داده شد بعد از پیاده روی در

اطراف بیمارستان، آقایان دکتر سبحانی و دکتر سنجابی و فروهر و گزویی (روحانی) سخنرانی کردند.

ساعت (۱۲) بعد از مذاکره تلفنی فرمانده نیروهای نظامی (سرلشگر کیانی) با او ایسی، در حضور آقایان دکتر سبحانی و داریوش فروهر، قرار میشود که جنازه ها با آمبولانس توسط مردم تا میدان ۲۴ اسفند مشایعت گردد. این مسیر با نظم

کامل و شعارهای «الله اکبر و لا اله الا الله» طی میگردد. در ساعت یک بعد از ظهر هنگامیکه مردم همراه آلبولاس حامل جنازه‌ها به میدان میرسند از طرف سربازان مستقر در مقابل دبیرخانه دانشگاه (محل تخصص استادان) تیراندازی به سوی مردم آغاز میشود و حدود یکساعت ادامه پیدا میکند. در این تظاهرات آقایان دکتر سحابی و داریوش فروهر و جمعی از نمایندگان روحانیت در صف مقدم حضور داشتند و پزشکان و پرستاران بیمارستان مسئول انتظامات مراسم بودند. در اثر تیراندازی مأمورین بیش از همه پزشکان و پرستارانیکه در چمن مقابل مجسمه روی زمین نشسته بودند کشته و زخمی میشوند و این نظامیان حیوان صفت نشان میدهند که هیچ حرمتی را مراعات نخواهند کرد.

گفته میشود در اثر این تیراندازی ۵۴ نفر کشته شده‌اند از جمله سرگردی که در تمام مراحل از بیمارستان تا میدان، با مردم مدارا و مساعدت نمیکرده‌است.

● یکشنبه سوم دیماه

امروز متعاقب بازشدن مدارس، علیرغم تصور باطل سرمداران کودن رژیم، که فکر میکردند بر اوضاع مسلط شده‌اند و مردم آرام گرفته‌اند، موج تظاهرات و مخالفت با رژیم سفاک مجدداً بالا گرفت و محصلین نوجوان، پسر و دختر، بغیابانها ریختند و حمایت خود را از جنبش مردمی و رهبری امام خمینی و انجراشان را نسبت به رژیم چینی‌تار بار دیگر با صدای رسا اعلام کردند. جمعیت کثیری از آنها در خیابانهای ایرانشهر- فرست- فردوسی و ویلا تظاهرات کردند و هنگامیکه در تقاطع ویلا و فردوسی مقابل شرکت هوایمانی اسرائیلی «العال» میرسند، هدف رگبار مسلسل قرار میگیرند و ۴ نفر کشته و بیش از ۱۵ نفر مجروح می‌شوند. مردم ۳ خودرو ارتشی ۲ مینی بوس و ۱ جیب ارتشی را به آتش می‌کشند (در خیابان ثریا).

کارمندان ادارات و کسانیکه در آپارتمانها زندگی میکردند از پنجره‌ها و بالکن‌ها به سربازان دشنام میدادند و به آنها سنگ پرتاب میکردند و سربازان نیز مرتباً به پنجره‌ها و اطافها تیراندازی میکردند.

● در پارک وی در تقاطع با فرح‌زاد، مأمورین ۲ نفر از دخترانی را که به تظاهرات پرداخته بودند مجروح میکنند و ۴ نفر آنان را دستگیر مینمایند.

● در خیابان هاشمی در اثر تیراندازی چندین نفر مجروح میشوند.

● مردم برانکار مجروحی را بعلت راه‌بندان، سردست به بیمارستان نامداران میبرند، در اینموقع بطور ناگهانی مأمورین

نظامی سر می‌رسند و بتصور آنکه تشییع جنازه است، مردم را به گلوله می‌بندند و چند نفر دیگر را مجروح میکنند و خود جنازه را میبرند.

● دوشنبه ۴ دیماه

امروز از صبح خیابان ثریا- ایرانشهر- فرصت و ویلا صحنه تظاهرات بود. محصلین دانشمآ خیابانها را با گذاشتن تیر آهن و لاستیک مشتعل می‌بستند و مزدوران مرتباً مانور میدادند و تیراندازی میکردند. روی دیوارهای خیابانهای ایرانشهر و ثریا، رقم شهدای امروز این منطقه را ۴ نفر ذکر کرده بودند.

● در غرب تهران محصلین بسوی دانشگاه تهران حرکت می‌کنند و در چند نقطه مورد اصابت گلوله قرار میگیرند ولی از تعداد شهدا و مجروحین اطلاعی در دست نداریم.

● در خیابان شوش (میدان غار) یک تریلی ارتشی متعلق به شرکت «انکا» توسط مردم به آتش کشیده شده و راننده آن با گفتن «مرگ بر شاه» جان سالم بدر برد.

● امروز طبق قرار قبلی، گردهم آئی در بیمارستان «داریوش کبیر» (دکتر علی شریعتی) صورت گرفت. مردم از صبح زود به طرف بیمارستان حرکت کردند اما سربازان و کامیونهای پلیس که از همه طرف راه را محاصره کرده بودند، مانع ورود مردم به بیمارستان میشدند بالاخره بعد از فشار و ازدحام جمعیت مجبور شدند درها را باز کنند و این موقعی انجام شد که مردم بدون اعتنا به سربازان و مسلسلهاشان از روی نرده‌ها خود را بداخل میرسانند.

برنامه با سخنرانی چند تن از پزشکان بیمارستان‌های مختلف شروع شد سپس نماینده‌ای از طرف کارکنان بانک مرکزی در باره انقلاب و مبارزات مردم ایران صحبت کرد و بعد نماینده‌ای از مملتان هبستگی آنان را با تمام طبقات و ادارات اعلام نمود. بعد از سخنرانی یکی از پزشکان بیمارستان اعلام کرد که کلیه بیمارستانها اعم از خصوصی و دولتی اعلام کرده‌اند که آماده پذیرائی تمام مجروحان و تیرخورده‌های احتمالی هستند و مجاناً آنها را مداوا خواهند کرد.

در اوایل جلسه آقایان مهندس بازرگان- دکتر سحابی و دکتر سنجابی بجمع پیوستند و با استقبال و درود همه حاضران مواجه شدند. سپس آقای دکتر حاج سید جوادی و آقای داریوش فروهر سخنرانی کردند.

در داخل سالن بیمارستان نمایشگاهی از عکسهای مختلف شهدا همراه با اعلامیه‌های مختلف تشکیل داده شده بود.

کار کتابفروشیها هم در داخل سالن رونق فراوان داشت ولی سربازان هنگام خروج مردم را بازرسی میکردند و چند نفری را به این ترتیب دستگیر نمودند.

این مراسم بدون تیراندازی و کشتار پایان رسید.

سه شنبه آینده نیز قرار است در بیمارستان امیر اعلم نظیر چنین مراسمی برپا گردد.

● سه شنبه (۵ دیماه)

امروز تمام طول خیابان تخت جمشید شاهد کشتار فوج مزدوران ارتشی بود و تا آخرین ساعات شب صدای تیراندازی بگوش میرسید و جنگ و گریز ادامه داشت. در ساعت ۱۲ نیروهای مخصوص (کماندو) فاصله چهار راه پهلوی تا جلو سفارت امریکا را بستند و مانع حرکت اتومبیلها شدند تا براحتی به کشتار نوجوانان بپردازند. تمام دیوارهای این خیابان از شعارهای ضد رژیم و ضد امریکائی پر بود. امریکائی، قبل از اینکه از دنیا بروی از ایران برو. مرگ بر شاه امریکائی.

دروید بر خمینی - برقرار باد جمهوری اسلامی

در ساختمان شرکت نفت کارمندان از پشت شیشه‌ها فریاد مرگ بر شاه سر میدادند و ادارات سازمان برنامه و راه آهن و بانکهای که در حد فاصل بین پهلوی و تخت جمشید (حافظ) بودند کارمندانشان از پشت پنجره‌ها با مشت‌های گره کرده فریاد مرگ بر شاه میکشیدند. مزدوران رژیم خیابانها را محاصره کرده به پیاده‌ها و سواره‌ها و داخل منازل تیراندازی میکردند. حتی در ساختمان وزارت علوم، به یکی از استادان اعتصابی متحضر بنام «کارمان نجات‌اللهی» که برای رفع خستگی و هواخوری به بالکن آمده بود تیراندازی میکنند و او را به قتل میرسانند.

● در فاصله بین ویلا و قیصرآباد نظامیان چند نفر را بگلوله بستند و اجساد آنها را توسط کامیونها با خود بردند.
● در منطقه بازار امروز یک ستوان یکم ارتش و یک گروهان اعدام شدند و در خیابان شهباز یک پاسبان باین کيفر رسید.

● مزدوران سفاک هرگاه از کامیون پیاده شده و مردم را به گلوله می‌بستند، مأموری هم آنها را نشانه میگرفت تا نتواند اسلحه خود را بسوی یکدیگر یا فرمانده برگرداند.

● نزدیک میدان فردوسی مردم یک اتوبوس ارتشی را به آتش کشیدند و یک نظامی میگرفت اگر مردم تا یکماه دیگر نتوانند همینطور مقاومت کنند تمام ارتش از هم پاشیده میشود.

هموطن

اکنون که مطبوعات - رادیو و تلویزیون - مدارس - مساجد - دانشگاهها و کلیه مراکز تجمع و کسب خیر تعطیل و توقیف و در اختیار نظامیان درآمده، وظیفه همگان است که در انتقال اخبار و تکثیر و توزیع سریع آن بکوشند.

کرج

روز جمعه ۱۰/۱ - در ساعت ۵ بعد از ظهر مردم این شهر پس از پایان سخنرانی در مسجد جامع، بخوابانها آمده و به تظاهرات پرداختند. در خیابان قزوین جمعیت تراکم زیادی پیدا میکند. در اینموقع نیروهای نظامی با تانک و کامیون بطرف مردم حمله میکنند و با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی موجب زخمی شدن تعداد زیادی از مردم میشوند.

مردم راه‌پیمائی را از طریق خیابانهای مظاهری و امیری تا ساعت ۹/۵ شب ادامه میدهند.

● کارکنان هواپیمائی ملی ایران در تاریخ ۵۷/۹/۲۸ اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند و ضمن اعلام همبستگی با ملت به پا خواسته ایران تحت رهبری امام خمینی، اطلاع داد که در تاریخ ۹/۲۷، ۸ نفر از خلبانان و ۲ نفر از قسمت فنی این اداره بخاطر آنکه روز ۹/۲۷ بنا به وظیفه شرعی و وجدانی از کار کردن امتناع کرده بودند اخراج شده‌اند. حکم این اخراج توسط سرلشگر امیرفضلی (مدیر عامل هواپیمائی ملی) با استناد به بنشنامه شماره ۱۰۰/م پ ک صادر شده است.
روز ۹/۲۷ مصادف با هفتم شهدای اصفهان - نجف آباد خیراز و آبادان بوده است.

● روزنامه آلیک «روزنامه رسمی ارانته در تهران» که همگام روزنامه‌ها و مطبوعات داخلی مدتها است فعالیتی ندارد، طی یک شماره فوق‌العاده، از ارانته ایران خواسته است که از برگزاری جشنها و مراسم کریسمس بخاطر اعلام همبستگی با مسلمانان ایران جداً خودداری کنند.

● کارکنان اعتصابی برق تهران، با احترام عید آنها از خاموش کردن برق یکشنبه شب خودداری نمودند.

• • •

● حدود یکما هست که هواپیماهای C-۵، که از بزرگترین هواپیماهای ترابری امریکاست و براحتی میتواند یکهزار سرباز با تجهیزات را در خود جای دهد، مرتباً بایران پرواز دارد و در فرودگاه مهرآباد مهمات و نفربرهای ارتشی تخلیه میکند، گنجایش مهمات این هواپیما معادل پنج تریلی بزرده سیلندر ارتش میباشد.

● کارکنان گمرک در برابر فشار مسئولین امر در مورد شکستن اعتصابشان قطعاً مانع ایستادگی کرده‌اند تا جایی که

حاضر شدند به خدمتشان خاتمه داده شود ولی اعتصاب را نشکنند.

دارو و شیر خشک و مواد غذایی از گمرکات ترخیص میگردد و گران شدن این اجناس بدلیل اینکه از گمرک ترخیص نمیشود، بهانه‌ای بیش نیست.

● روز دوشنبه ۹/۲۷ در ساعت ۲۱/۱۰ شب در خیابان آرامگاه در فاصله ۵۰۰ متری چهارراه چیت سازی، آمبولانسی در پشت یک تانکر توقف میکند و با عجله ۷ جسد را از آن خارج کرده بداخل تانکر می‌اندازند. از قراری که تحقیق شده، در این تانکرها اسید وجود دارد و اجساد را برای نابودی و حل شدن در آن قرار میدهند.
گفته میشود در ایام محرم قبل از تاسوعا ۶ دستگاه از این تانکرها توسط هواپیماهای آمریکائی بایران تحویل شده است.

● یکنفر ساواکی که در یک مجلس مورد نمسخر و استهزا قرار گرفته بوده چنین اعتراف مینماید.

آتش سوزی اتوبوسهای شرکت واحد در روز بعد از حادثه دانشگاه توسط ساواک نبوده بلکه مستقیماً بدستور از هزاری و فرمانده گارد شاهنشاهی، گروهبانهای گارد مامور ابتکار میشوند و این مزدور اضافه کرده که تلفنگرام گارد به ساواک برای عدم اعزام مأموران مخفی در آنروز در پرونده‌های ساواک ضبط شده است.

● در هفته گذشته کلیه کسانی که بجرم داشتن اعلامیه و یا بعد از ساعت ۹ شب دستگیر میشوند با رنگ و قلم مو همراه یک سرباز برای شمار نویسی بر روی دیوارها و پاک کردن شمارهای ملی به بیگاری گرفته شدند.

● یک سرهنگ متلین نیرو هوائی بنام «حسابی» را بجرم اینکه در شبهای «نمایش شبانه» در پشت بام خانه خود حضور مییافته، بازداشت کرده‌اند.

ارتش

پادگانهای ارتشی در شرایط از هم گسخته‌ای است فرماندهان ناپدید شده‌اند و از ترس ترور در مراسم صبحگاه حاضر نمیشوند و کارها از هم پاشیده است. مطابق بخشنامه به افسران وظیفه و بیشتر گروهانها و سربازان اسلحه داده نمیشود و پادگانهای دوردمت از سرباز بکلی خالی شده است.

اعلامیه‌ها :

● انجمن اسلامی پزشکان ایرانی در ایالات متحده امریکا ضمن انتشار سه اعلامیه مویخ نوزدهم آذرماه خطاب به امام خمینی، پزشکان و متخصصان بهداشتی و مردم ایران، تشکیل انجمن همکاری با سایر انجمنهای اسلامی ایرانی در امریکا و پیوستگی خود را به جنبش اسلامی مردم ایران با اطلاع رسانده‌اند.

در اعلامیه خطاب ب مردم پس از قدرانی از مبارزات حماسه آفرین اخیر مطلب را اینچنین پایان میبرند.

«ما پزشکان ایرانی ساکن امریکا با الهام از جانبازیهای شما در راه خدا و اعتلای اسلام عزیز تشکیل انجمن اسلامی پزشکان ایرانی را در شمال امریکا اعلام میکنیم و با اتحاد خود در این انجمن انشاءالله در رساندن صدای حق طلبانه شما بجهانبان اقدام خواهیم کرد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نخواهیم نمود.

جان ما فدای راه شما باد که راه خداست ما همراه شما برای استقرار حکومت اسلامی و برقراری عدالت و آزادی با دادن جان و مال مبارزه خواهیم کرد.»

● کارمندان مبارز: گمرک ایران در تاریخ بیست و هشتم آذرماه اعلامیه‌ای منتشر نموده‌اند که اینچنین آغاز میگردد

«رژیم سلطنتی دست و پازندهای آخر خود را میگذراند و میروند تا برای ابد از تاریخ ایران محو گردد» و با حمله به آقای صدریه که برای بکار کشاندن کارمندان متوسل به ارباب و تهدید گردیده است ادامه داده و او را به پیوستن به صفوف ملت و راه خدا دعوت نموده‌اند و مطالب خود را اینچنین پایان میبرند.

کارمندان گمرک بی‌اخاسته‌اند و میروند تا در تاریخ بشریت نام خود را جاودانه ثبت کنند.

● ساعت هشت بعد از ظهر روز شنبه بیستم آذرماه آقای حسین مفید (امام جماعت مسجد ابا عبدالله الحسین واقع در تهران پارس) را مامورین دستگیر نموده‌اند و هنوز از ایشان اطلاعی در دست نیست.

درد بر سربازان و افسرانی که فرار انقلابی از ارتش را برگزیده‌اند.

شهرستانها:

اهواز

شب عاشورا (۲۰ آذرماه) هنگامیکه مردم در «عباسیه» به سخنان خطیب «آقای عبداللهی» گوش میدادند، پلیس بطور ناگهانی بطرف مردم حمله کرده و مبادرت به تیراندازی می کند و ۸ نفر را با گلوله شهید میسازد. در پی این جنایت افراد پلیس در ساعات منع عبور و مرور شبانه، به ۵ مغازه از جمله (طلا فروشی تقفیان و زرگری طاووسی) دستبرد می زنند و جالب آنکه یکی از مأمورین از فرط عجله سربیزه خود را جا میگذارد.

● سه شنبه ۲۸ آذر- جامعه پزشکان شهر با توافق جمعی از روحانیون و دانشجویان، بعنوان اعتراض به حمله سبانه به بیمارستان ۱۷ شهریور (شاهرضا) مشهد، در محل بیمارستان جندیشاپور تحصن اختیار میکنند و تصاویر بزرگی از امام خمینی و دکتر سربیزی را در در بیمارستان نصب مینمایند. بنیال این تحصن، سازمانها و گروههای مختلف شهر، همبستگی خود را با این اقدام اعلام میدارند. در این اجتماع یک روحانی، یک استاد و یکی از کارکنان شرکت نفت سخنرانی می نمایند و در پایان مراسم پزشکان شهر اعلام میدارند که دیگر بیمه ارتش را بهچگونه قبول نمیکنند.

● چهارشنبه ۲۹ آذر- در این روز مطمئن شهر بعنوان اعتراض به حکومت نظامی و کشتار مردم، در اداره فرهنگ تحصن اختیار میکنند.

شب هنگام تظاهرات پراکنده ای در خیابان پهلوی صورت می گیرد که منجر به پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی میشود که در نتیجه آن یک نفر شهید میگردد. متعاقب این جریان چماق بستان دولتی به بیمارستان جندیشاپور حمله میکنند و کلیه در و پنجره و شیشه های آنرا خرد میکنند (باید توجه داشت که این عمل موقتی صورت میگیرد که رادیو و تلویزیون دولتی دم از استقلال و مصونیت بیمارستانها میزند).

در همین شب انفجاری در ستاد ارتش واقع در باغ ملی خیابان ۲۴ متری صورت میگیرد.

● خط لوله ۴۲ اینچ انتقال نفت به بنادر جنوب در محل «گره» منفجر میگردد.

● پنجشنبه ۳۰ آذرماه- شب هنگام تظاهرات وسیعی در شهر صورت میگیرد که به درگیری پلیس با مردم و مجروح شدن عده ای منجر میگردد.

● جمعه ۱ دیماه- آقایان بیژن زاده و کوچک زاده وعده دیگری از بازاریان سرشناس بوسیله فرمانداری دستگیر می شوند.

● شنبه (۲) دیماه- امروز (POLE GREEN) رئیس شرکت نفت در مناطق جنوب که پس از انفجار ماشین و زخمی شدن (LINK) و انتقال نامبرده به آمریکا، مسئولیت شرکت نفت را بعهد گرفته بود، در منطقه کوروش شهر، هنگام عبور از خیابان با رگبار مسلسل بکیفر میرسد. این شخص با وجود تهدیدهای مکرر کارکنان اعتصابی، دست از لجابت و مخالفت با خواسته های مردم برنمیداشت.

علاوه بر این شخص، رئیس واحد تولید شماره ۲ و نفت اهواز بنام «ملک محمد بروجردی» که برای درهم شکستن اعتصابات از هیچ عملی فروگذار نکرده بود، در خیابان ۱۷ کیان پارس هنگامیکه با اتومبیل از منزلش خارج میشد با شلیک گلوله ۳ مجاهد که مجهز به هفت تیرهای صدا خفه کن بودند، ترور میشود.

متعاقب ترور این شخص و نفر ثالثی که هویتش برای ما روشن نیست، رؤسای اغلب قسمتها از ترس استعفا میدهند و تولید به صفر میل میکند.

● دوشنبه (۴) دیماه- امروز طبقات مختلف مردم متشکل از بازاریان- دانشگاهیان- پزشکان- معلمین- سازمانهای دولتی- شرکت نفت و صنایع فولاد، در اجتماع با شکوهی در محل بیمارستان شماره ۱ جندیشاپور اجتماع کردند. در بین این جمعیت ۵۰ هزار نفری عنصر فرصت طلبی خود را نماینده دانشجویان دانشگاه تهران معرفی کرده و اجازه صحبت میگیرد و در ضمن سخنان خود که از روی پیش نویسی قرائت میشده رشد جنبش نوین ایران را حاصل رشد انقلابی کارگران و نقش عمده و تعیین کننده آنان معرفی مینماید. اما مردم مسلمان اهواز که متوجه جهت خاص صحبت های او شده بودند، با سرو صدا و صلوات مانع ادامه آن میشوند و آقای موسوی روحانی مسئول اهواز بجای این منافی برنامه را ادامه میدهد.

● نظامیان اهواز برای درهم شکستن اعتصاب کارگران نفت، زن و بچه کسانی را که مخفی شده اند دستگیر کرده و تهدید کرده اند که اگر آنها خود را معرفی نکنند و سرکار حاضر نشوند، خانواده شان را مورد آزار و احیاناً تجاوز قرار خواهند داد.

دروود بر کارکنان افتخار آفرین صنایع نفت جنوب

تا روز ۵/۱۰/۵۷ - تعداد ۶ هزار جمعاً از صنایع نفت خوزستان استعفا داده‌اند. تنها از اهواز ۲۸۰۰ نفر و از مسجد سلیمان ۴۰۰ نفر استعفا داده‌اند.

● تأسیسات نفتی خارک بکلی تعطیل شده و کارکنان این جزیره کشتیهای باری را از اسکله دور کرده‌اند.

● روز ۲/۱۰ دو پاسبان موتور سوار هنگام گشت در داخل شهر هدف گلوله قرار میگیرند و کشته میشوند.

● اعتصاب در مجتمع عظیم صنایع فولاد این شهر که متعلق به بنیاد پهلوی است همچنان ادامه دارد و ۱۵۰۰ مهندس آن دست از کار کشیده‌اند. کارگران روی تمام عمارت‌های بنیاد پهلوی رنگ زده‌اند.

● مدیر عامل جدید شرکت نفت «آقای انتظام» برای بازدید تأسیسات و مذاکره با کارکنان اعتصابی به جنوب میرود. اما کارکنان اعتصابی ضمن ابراز احساسات برای ایشان میگویند شما بهتر است با آقای خمینی مذاکره کنید زیرا ما از زیر درخت سبب دستور میگیریم.

کارکنان اعتصابی قبلاً سه شرط برای بازگشت به کار معین کرده بودند ۱- نفت بخارج صادر نگردد ۲- نظامی‌ها به سر بازخانه برگردند ۳- ارتش نفت را احتکار نکند.

گچساران

در هفته گذشته امام جمعه شهر و سه تن از کارگران و بازاریاران را دستگیر میکنند. بنظر میرسد اتهام آنها کمک رسانی به اعتصابیون میباشد.

● کارگری را که به یک گروهبان پیشنهاد فرار از ارتش داده بود دستگیر میکنند و به نقطه نامعلومی میبرند.

● تأسیسات نفتی این شهر به یک سرهنگ ارتشی واگذار شده است و مقررات نظامی در پالایشگاه اجرا میشود.

خرمشهر

شخصی بنام فیصلی که گویا قبلاً نماینده مجلس بوده، عده‌ای مزدور چماق بدست را اجیر مینماید و با اتوبوس به شهر حمله میکند. مردم جلوی اتوبوس او را میگیرند و مانع خرابکاری میشوند ولی، بلافاصله چند کامیون سرباز که محافظ چماق داران بودند مردم را به گلوله می‌بندند و یک نفر شهید و ۳۰ نفر زخمی میشوند.

آبادان

میزان دریافت نفت خام پالایشگاه آبادان از ۸۰۰ بشکه در روز به ۲۰۰ هزار بشکه رسیده است. تمام قسمتها بجز قسمت «پروسس» در حال اعتصاب هستند.

همدان

جنازه سرباز شهیدی که فرماندار همدان را بگلوله مینند از طرف مردم همدان بوسیله تعداد زیادی اتوبوس سواری (حدود ۵۰۰ اتوبوس) تشییع میشود و میلیتی حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان برای خانواده اش جمع آوری میگردد.

رفسنجان

مردم این شهر بمناسبت اعتراض به حمله وحشیانه مأمورین و کشتار آنها در بیمارستان «۱۷ شهریور (شاهرضای سابق)» مشهد، در مسجد جامع تحصن اختیار نمودند. روز سه شنبه ۹/۷ در ساعت ۳ بعد از ظهر، در خیابان معین زاده، سروان حیدری (معاون شهربانی) توسط یک گروه از چریکهای فدائی اسلام اعدام گردید.

گرمسار

روز پنجشنبه ۲۳/۹/۵۷ ساعت یک بعد از ظهر، عده‌ای چماق بدست که توسط علی باقری (مالک مشهور) و منصور صادقی (نماینده مجلس) تحریک شده بودند، به منازل و مغازه‌های این شهر حمله میکنند و به تخریب و غارت و آتش زدن میپردازند و عده‌ای را مجروح میکنند.

کازرون

گفته میشود متعاقب فرار بیش از ۶۰۰ نفر از سربازان شجاع از پادگان این شهر، دو نفر از آنان بطور اتفاقی در خانه یک گروهبان دستگیر میشوند. صبح فردای دستگیری، از همگی افسران و کادرهای ارتش و شهربانی دعوت میشود که برای نظارت بر اعدام این دو سرباز غیور در «صبحگاه» حاضر شوند.

هنگام اجرای حکم، بمحض آنکه فرمان آتش داده میشود جوشه آتش بطرف فرماندهان که در صفوف مقدم قرار داشتند نشانه گیری نموده و بسیاری از آنها را روانه قبرستان میکنند.

گفته میشود تیراندازی بیش از ۲ ساعت ادامه داشته است و از سرنوشت سربازان شجاع اطلاعی در دست نیست.

آخرین لحظات

زندانیان سیاسی وعادی زندان مشهد پتوها و تشک‌های خود را آتش میزنند و اقدام به فرار مینمایند و تا اطاق دفتر زندان و بی سیم میرسند. در آنجا درگیری حاصل میشود و یک نفر کشته میگردد. متعاقب این جریان هلیکوپترهای ارتشی حمله میکنند و ۲ پاسبان و ۳ زندانی کشته میشوند و زندان بمفاصله ۳۰۰ متری محاصره میگردد. پس از این جریان زندانیان به زندانیان حمله میکنند و آتش سوزی بزرگی برافروخته می‌اندازند که بخاطر محاصره زندان از میزبان صدمات و تلفات آن اطلاعی در دست نیست.

عباس کاوندی - رسول زارع - غلامرضا کوهی - حسین امیری - سید تقی سیدی - علی اصغر مهری - احمد رجب زاده - علی اکبر غفاریان - محسن سوسمند - محمد کشتادری - سید محمد حسین حمیدپور - علی اکبر زمانی - محمد امیری - علی اصغر منصور - جواد دهقانی - براتملی موسوی - حسن نوری - صادق محمد پور - رضامرادی - جواد ثابتی - علیرضا علیزاده - علی اکبر غفاریان - حبیب گلایتن - غلامعلی جوادی - حسن کلابی - رضازارع - موسوی منتی - رضا مظاہری - حیدر حیدری - عباس جنگ آزما.

● یکشنبه ۱۰/۳ - امروز صبح زود جمعیت کثیری از منزل آقایان قمی و شیرازی و سایر نقاط شهربوسی بیمارستان ۱۷ شهریور (شاهرضا) حرکت میکنند جمعیت ساعت ۱۰/۵ به بیمارستان میرسند و در آنجا اسامی شهداء و مجروحین روز جمعه خوانده میشود و بعد از سخنرانی آقای هاشمی نژاد، جنازه ۸ نفر از شهدا تشییع میگردد. این مراسم تا ساعت ۷ شب ادامه پیدا میکند. علمای این شهر حکم مهورالذم بودن سرلشکر میرهادی فرماندار نظامی شهر را صادر مینمایند و متعاقب تهدیدات آنها فرماندار تعویض گردیده شخص تازه‌ای بنام یزدجردی فرماندار نظامی میشود.

زاهدان - خاش - زابل

رژیم حیلہ گر و مکان بعد از اجرای برنامه‌های انحرافی و صحنه سازیهای مزورانه در جهت تجهیز و تشویق بهائیان شیراز علیه مسلمانان، بفکر درگیریهای از این قبیل در منطقه زاهدان و خاش و زابل افتاده است. و در این زمینه برای ایجاد اختلاف بین اهالی شیمه و سنی و شوراندن آنها علیه یکدیگر و بدست آوردن بهانه تازه‌ای برای کشتار و بهره برداری، مقدار زیادی از اعلامیه جعلی معروف به «خوابنامه» و همچنین نوارهای منحرف و مبتذلی از عمال خود در بین سکنه این شهرها پخش کرده است.

اهالی بیدار و هوشیار شهر برای اعتراض به این نقشه‌های شیطان و توطئه نفاق افکنی رژیم در اداره دادگستری متحصن شده‌اند.

● ۴ نفر از سربازانیکه روز جمعه ۹/۲۴ در عملیات حمله به مسجد کرمان از تیراندازی به مردم امتناع کرده بودند بدستور فرمانده مربوطه هدف گلوله قرار میگیرند. نام یکی از این شهدای حرار «ابراهیم احترامی» ساکن تهران و (ناخوانا) از روستای کشور و دیلمه میباشد.

دوشنبه ۹/۲۷ - امروز بمناسبت هفتم شهدای شهرهای اصفهان - نجف آباد - یزد - کاشان - و... و پیوستگی با سایر مردم کشور در عزای عمومی و تعطیل سراسری، جمع کثیری از طبقات مختلف مردم در مقابل منازل آقایان قمی و شیرازی گرد آمده و بسوی بیمارستان شاهرضا حرکت میکنند تا از آنجا جنازه شهید «منفرد» را که در جریان حمله به بیمارستان کشته شده بودند تشییع کنند. در حادثه مزبور ۱۷ نفر که بیشتر از بخش اطفال بودند مجروح میشوند و شهید «منفرد» هنگام حمله سربازان مشغول جوشکاری بوده است. جمعیت جنازه را به بهشت رضا میبرند و در بین راه یکی از روحانیون خطاب به انبوه سربازانی که در کامیونها و تانکهای ارتشی مستقر بودند میگوید:

«برادر سرباز این خواهر تو است و این برادر تو، توهم بردارمی، نباید اجازه دهی که مزدوران پهلوی برای چند روزی بیشتر چاپیدن، تو را آلت دست قرار دهند. این گلوله تو از پول ملت است. کشت، کلاهد و بالاخره غذایت از پول ملت تهیه شده، هنوز هم دیر نشده فکر کنی و بروی مردم آتش نگشایند.»
بسی از سربازان در حالیکه بشدت متأثر شده بودند می‌گریستند و جوابی برای گفتن نداشتند.

● جمعه ۱۰/۱ - بعد از ظهر امروز در چند نقطه شهر تظاهراتی انجام میشود. مرکز این تظاهرات بین چهار راه نادری و میدان خمینی (مصممه) بوده و به درگیری با مأمورین انتظامی کشیده میشود که طبق گزارشات رسیده حدود ۲۰-۱۰ نفر کشته و ۸۰ نفر مجروح میشوند.

● شنبه ۱۰/۲ - امروز از ساعت ۲/۵ بعد از ظهر، مردم از مقابل منزل آیه... شیرازی تظاهرات و راهپیمایی را آغاز میکنند. مأمورین انتظامی برای متوقف کردن مردم مبادرت به تیراندازی هوایی میکنند اما تظاهرکنندگان متوقف نمیشوند و عده‌ای با چوب به یک استوار بنام «حسین ساکت ریاضی» حمله میکنند و او را بشدت کتک میزنند بطوریکه بیهوش میشود. متعاقب این جریان و به بهانه این عمل مأمورین در خیابان نادری از پشت، جمعیت را هدف گلوله قرار میدهند که در نتیجه آن ۱۲ کشته و ۷۰ نفر زخمی میشوند.

اسامی عده‌ای از مجروحین برقرار ذیل میباشد:
حسن عاقلی - حاجی حداد - هادی موسوی زاده - برات‌الله سرداری - رمضان نوروزی - میرزا رضانجامی -

تبریز

روز یکشنبه ۱۰/۳، استادان و کارکنان دانشگاه تبریز بمنظور اعتراض به رژیم جنایتکار حاکم، در محل دانشگاه تحصن میکنند. مردم این شهر از ساعت ۹ صبح از نقاط مختلف بصورت راهپیمائی بسمت محلّ تحصن استادان حرکت میکنند و در حوالی دانشگاه اجتماع عظیمی بوجود میآورند. در اینموقع پلیس با استفاده از ماشینهای شبه ماشین آتش نشانی، کف سفید رنگی که ایجاد تهرج و سرگجه میکند به روی جمعیت می باشد و متعاقباً مبادرت به تیراندازی میکند که در نتیجه آن حدود ۸ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند. بنابراین جریان شهر بکلی تعطیل میشود و کف سفید رنگ مانند آثار سیل بر خیابانهای شهر باقی میماند.

زنجان

تیمسار کمالی (فرمانده گارد) که با حکم مأموریت ویژه در زنجان بسر میرد، برای کنترل اوضاع تمامی رؤسای ادارات را عوض کرده و سرسپرده های جدیدی بجای آنها گماشته است.

● چند روزی است مأمورین انتظامی به تلافی گروگان گرفتن فرزندان یک افسر ارتشی، هرکجا جوانی بدمستان بیفتد به باد کتک میگیرند.

● گفته میشود بنابراین حمله به حمام زنانه و پرتاب گاز اشک آور بداخل آن، تاکنون ۴ نفر از افراد گارد بدست مردم کشته شده اند و همچنین در کوچه های تنگ و باریک این شهر مردم موفق شده اند در این مدت ۱۲ تا ۱۹ نفر از مأمورین را غافلگیر کرده به درک واصل نمایند.

رهشایی

بنبنال حمله مأمورین انتظامی و ضرب و جرح مردم در ایام محرم، تعدادی از اکراد بطرفداری و دفاع از مردم با ۵۰۰ مرد مسلح به شهروار شده و تلفاتی به ارتش وارد می آورند و سربازان را فراری میدهند. نیروهای کمکی از پادگان «توقچک» هنگامی میرسند که اکراد شهر را ترک کرده بودند.

در ضمن گفته میشود تیمسار زاورهم استاندار سابق این استان از ترس به تهران گریخته است.

اصفهان

در دزد و خوردهای پراکنده هفته گذشته تعداد زیادی در این شهر کشته و زخمی شدند.

اقداماتی که مأمورین انتظامی و پلیس این شهر برای سرکوبی مردم انجام میدهند بقرار ذیل میباشد:

۱- ضرب و جرح مردم و شکستن اتومبیلها بخاطر عدم الصاق عکس شاه یا نصب عکس آنها... خمینی.

۲- اجبار مردم به گهگتن شعار «جاوید شاه» و درصورت ممانعت کتک زدن تا سرحد مرگ.

۳- حمله مزدوران چماق بدست به مغازه های بسته.

۴- حمله و تیراندازی به مردمیکه جهت اهداء خون به مجروحین، در برابر بیمارستانها اجتماع میکنند و کشتار آنها (بیمارستان ثریا).

۵- تیراندازی به مردمیکه خیرنگاران را احاطه مینمایند.

۶- بازرسی وسائط نقلیه موتوری و مصادره موتوسیکلت ها و عیو کامیونهای ارتشی از روی آن.

نخب آباد

بدنبال فجایع و کشتار روز عاشورا، طی هفته گذشته، مأمورین مسلح و چماق بدست های دولتی، به منزل معتمدین شهر حمله کرده و با ضرب و جرح آنها را مجبور میکنند شعار «جاوید شاه» بدهند و سپس به تخریب منازل و آتش زدن آنها میپردازند یکی از منزلی که در این حمله آسیب فراوانی دیده خانه دکتر آزادی میباشد.

یزد (۱۳ کشته- بیش از ۱۰۰ مجروح)

روز سیزدهم محرم امسال طبق سنت همه ساله بعنوان سوم شهادت امام حسین، مراسمی در مسجد «املاسمعیل» برگزار میگردد. این مراسم بدست مداخله و ممانعت مأمورین، و تیراندازی آنها، بخون کشیده میشود و در نتیجه ۱۳ نفر شهید و بیش از یکصد نفر مجروح میشوند. مجروحین بخاطر آنکه تجربه بیمارستان ۱۷ شهریور مشهد تکرار نگردد، بدستور پزشکان شهر و آقای صدوقی حتی المقدور از مراجعه به بیمارستان خودداری میکنند.

روز هفتم محرم، معلم مدرسه ای را در دهکده «میبد» بطرز فجیحی شله کرده بقتل میرسانند. این موضوع خشم و نفرت مردم را به نهایت رسانده است.

کرامان

عصر روز جمعه ۱۰/۱ بمناسبت هفتم شهادت «حمید نامجو» که روز جمعه ۹/۲۴ با گلوله مأمورین بقتل رسیده بود پیاده روی و تظاهرات گسترده ای در این شهر انجام شد. در این مراسم که در مسافت ۵ کیلومتری پیاده روی انجام میشد، مردم به قبرستان صاحب الزمان رفتند و برای مجاهد شهید که در کنار سایر شهدای جمعه ۹/۲۴ (دادبین- مهدوی- حسینی و حسن توکلی) آرمیده بود، فاتحه ای قرائت نمودند.

اخبار جنبش اسلامی

سه‌شنبه دوازدهم دیماه ۱۳۵۷ شماره ۱۰

شهرستانها:

مشهد (شورش در زندان)

زندان، ۱۰ هزار نفر مرد که با ۲۰۰۰ ماشین آرمه بودند از ساعت ۲/۵ بعد از ظهر تا ۹/۵ شب تظاهرات داشتند. در اینموقع روحانیون و دادستان و اعضای حقوق بشر برای مذاکره به استانداری میروند و رئیس دادگستری بعد از تماس با وزیر از قول او میگوید «شاه با آزادی ۱۳ نفر (که ۷ نفر آنها به حبس ابد محکومند) موافقت کرده است و میگوید در خصوص یک گروه ۱۰ نفره یک گروه ۱۶ نفره و یک گروه ۳۲ نفره تظاهرکننده اقدام خواهیم کرد.» ساعت ۱۱ شب آیه‌الله مرعشی جریان مذاکرات را با اطلاع مردمی که در سه راه زندان تجمع کرده بودند میرساند و میگوید متفرق شوید و ۸ صبح فردا مجدداً اجتماع کنید.

روز بعد شهر بخاطر همدردی با زندانیان بکلی تعطیل می‌شود. آتشب زندانیان پوشاک، پتو، نان نداشتند و گرسنه خوابیدند. با وجود آنکه مأمورین گفته بودند با هلیکوپتر مواد غذایی خواهند آورد.

زندانیان عادی اعلام کرده‌اند که ما هم سیاسی هستیم و به ما عادی نگویید. نهضت ما حسینی است رهبر ما خمینی است.

(شنبه ۱۰/۹)

امروز مردم این شهر و روستاهای اطراف راهپیمائی عظیم یک میلیونی خود را از منزل آقایان علما آغاز کردند و از طریق فلکه آب، خیابان تهران و خیابان بهارباستانی رسیدند. هنگامیکه جمعیت غرق احساس و شعار بود، جوانی به بالای تانک می‌رود تا صورت سرباز را ببوسد اما تیری بشکم او می‌خورد و شهید میشود. سربازانیکه شاهد این صحنه بودند بشتت منقلب میشوند و با اسلحه برمدم می‌پیوندند در اینموقع فرمانده آنان بنام «سرهنگ کمالی» شروع به تیراندازی میکند اما از میان مردم او را به مسلسل می‌بندند و ماشینش را پاتش میکنند. استواری که همراه او بوده مبادرت به تیراندازی میکند ولی با مقابله مردم پابرامر می‌گذارند و پس از طی مسافتی دستگیر میشود.

در این زد و خوردها لاقلاً ۸ نفر کشته و ۶۰ نفر مجروح میشوند که در میان آنان چند سرباز مشاهده شده‌اند.

متعاقب این جریان یک گردان سرباز کمکی به محل می‌رسد ولی بخاطر راه‌بندان و حمله مردم ناگزیر به

روز سه‌شنبه ۱۰/۵ زندانیان کلیه بندهای سیاسی و عادی زندان مدرن مشهد، با دادن شعارهای «درد بر خمینی - الله اکبر خمینی رهبر - مرگ بر شاه و...» شورش خود را آغاز میکنند و قسمتهای شرکت تاموئی، تأسیسات برق و شوفاژ و ماشین‌های زندان را پاتش میکنند و پس از تصرف زندان و گروگان گرفتن ۱۲ نفر کوشش میکنند دیوارها را سوراخ کرده و فرار کنند. آنها اشیاء قابل اشتعال خود را مقابل درب آهنی زندان آتش می‌زنند تا قفل آنرا ذوب نمایند اما از برج نگهبانی پاتنها حمله میشود و ۱۲ نفر کشته و ۱۲ نفر مجروح میگردند.

مأمورین برای فیصله دادن به شورش، دست بدمان علما میشوند و پس از مدتی پسر آقای شیرازی با چند نفر دیگر برای مذاکره با زندانیان پزندان میروند و از مسئولین قول آزادی ۸۳ نفر را میگیرند. در این زندان حدود ۲۰۰۰ زندانی وجود دارد که تاکنون ۶۰ نفر تظاهراتی، ۱۷ نفر خردسال ۷ نفر از سیاسی‌های قدیمی و ۱۰۸ نفر زندانی عادی آزاد شده‌اند.

روز بعد (چهارشنبه ۱۰/۶) مجدداً آیه‌الله مرعشی، پسر آقای شیرازی، پسر آقای قمی و آقای نونانی (بانو نانی مزدور اشنه‌اشد) و همچنین نمایندگان حقوق بشر و دادستان مشهد به زندان میروند. زندانیان به دادستان و رئیس شهربانی (سرهنگ فرزین) اجازه صحبت نمیدهند و اعلام میکنند تنها به روحانیون اعتماد دارند.

بعد از این جریان آیه‌الله مرعشی برای زندانیان شروع به صحبت میکند اما بخاطر تیراندازی هوائی عصبانی شده صحبت خود را قطع میکند و متعاقب آن سرهنگ فرزین به مأمورین دستور میدهد با اسلحه به سراغ زندانیان بروند و قضیه را با مسلسل خاتمه دهند. روحانیون بخاطر این عمل وهمچنین عدم آزادی ۸۳ نفره تصمیم میگیرند زندان را ترک کنند (قبلاً پاتندگان حقوق بشر ترک کرده بودند) ولی سرهنگ فرزین سخت به دست و پا می‌افتد و مانع رفتن آقایان میشود.

ساعت ۱۳ - زندانیان از میان خود نمایندگان ۵ از بند برای مذاکره میفرستند و تا ساعت ۸ شب با روحانیون و دادستان مذاکره میکنند. از طرفی در محل سه راهی خارج

عقب‌نشینی می‌گردد. مردم خشمگین و عصبانی تانکی را که سرزنشانش آنرا تخلیه کرده بودند به آتش میکشند و تانک دیگری که از مهلکه می‌گریخت سه زن و یک بچه خردسال را زیر می‌گیرد و میکشد و بالاخره با آتش کشیده میشود. مردم مقدار زیادی اسلحه و فشنگ را به استانداری و از آنجا به منزل آقای شیرازی می‌برند.

در خیابان احمد آباد مردم به انجمن ایران و آمریکا و منزل چند مستشار آمریکائی حمله میکنند و چون منازل اجاره‌ای بوده، اثاثیه آنرا بیرون ریخته و آتش می‌زنند. در جریان این حمله دژبانهای نگهبان بطرف مردم شلیک میکنند و نتیجتاً یک نفر کشته و ۱۷ نفر مجروح میشوند. پس از تمام شدن فشنگ‌ها مردم هر چهار دژبان را دستگیر میکنند.

اداره آگاهی، سینما شهر فرنگ و ساختمان پسی کولا با آتش کشیده میشود و دو نفر از مردم در آتش می‌سوزند.

مردم به فروشگاه ارتش حمله میکنند و تمام اجناس آنرا به بیمارستان شاهرضا می‌برند و می‌گویند این اجناس متعلق به مردم محروم و مستضعف است و کسانی که مردم را بگلوله می‌زنند حق استفاده از آن را ندارند.

زندندان زنان واقع در خیابان شاهرخ مورد حمله مردم قرار می‌گیرد و با انفجار درب آن کلیه زندانیان زن آزاد میشوند. تعداد زیادی از افراد شناخته شده که به روی مردم آتش گشوده بودند دستگیر میشوند و سه نفر از مأمورین موتر ساواک در ساعت ۳ بعد از ظهر در میدان شهدا با چوبه‌دار اعدام می‌شوند.

کلاتری ۳ و ۶ مورد حمله مردم قرار می‌گیرد و قسمتی از سلاح‌های آن مصادره می‌گردد.

از ساعت ۲ بعد از ظهر نیروهای ارتشی از شهر عقب‌نشینی میکنند و از داخل پادگانها صدای مهیب انفجار و تیراندازی زیاد شنیده میشود که نمودار برخورد داخلی و منزلت شدن روحیه نیروهای ارتشی است. در برخوردهای امروز حداقل ۴۰ نفر کشته شدند.

(یکشنبه ۱۰/۱۰)

شب یکشنبه عزیزی (استاندار خراسان) و اویسی به قیایان روحانیون تلفن نموده و ریاکارانه از جنایات سبعانه و وحشیانه مزدورانشان در روز شنبه اظهار تأسف نموده‌اند!! با وجود این مردم امروز هم در خیابانها اجتماع و تظاهرات مینمایند و نیروهای ارتشی هم بدون هیچگونه اختصار و مقدمه‌ای از پشت بام ساختمان مقاومت ملی در چهار راه نادری و از روی تانکها به مردم شلیک میکنند و نفربرهای

ارتشی در چندین نقطه به صفوف نان و نفت یورش می‌برند و مردم بیگانه را بمسلسل مینندند.

تعداد شهدا و مجروحین امروز از شمار خارج است با آنکه اکثر جنازه‌ها را ارتش جمع‌آوری کرده با اینحال ۷۵ جسد و بیش از ۴۰۰ زخمی بدست مردم افتاده است. روحیه مردم بسیار عالی است و مشغول معالجه و رسیدگی به مجروحین هستند.

وشت

در تظاهرات وسیعی که روز یکشنبه ۱۰/۹ در این شهر انجام شد، عده زیادی کشته و زخمی شدند که ما نام ۲ نفر از شهدا و ۱۷ نفر از مجروحین را بدست آورده‌ایم.

شهداء: تقی اشکیکی - کارگر ۳۱ ساله

ابراهیم جعفری - دبیر مدرسه عالی بازرگانی - ۲۹ ساله

مجروحین:

۱- رضا زنده دل مهندس کارخانه چوکا

۲- غلام فرح بخش - دیلمه

۳- امیر تیفندر - هنرجوی هنرستان

۴- محمود تابان شمالی دیلمه

۵- مهرداد جادو سخن سال اول نظری

۶- حسین آزاد - محصل

۷- شهرام رفیعی - »

۸- رضا بوستان زاد - »

۹- حسین کارانی - »

۱۰- منوچهر آفاجانی - »

۱۱- فریدون احمدنیا - »

۱۲- مظاهر صابری - »

۱۳- محمود رضا بوستان زاد - »

۱۴- محمد بیگانه - »

۱۵- پرویز اکبری - »

۱۶- اردشیر نظری - »

۱۷- جلیل خیراندیش - »

صومعه سرا

در تظاهرات وسیع این شهر ۲ نفر شهید و ۶ نفر مجروح میشوند. که نام یکی از شهداء «شهرام طلوعی» ۱۹ ساله و سال آخر نظری میباشد. بعد از این جریان مردم خانه ۵ نفر از افراد ساواک را به آتش میکشند.

فزون (بیش از ۱۸۰ کشته و ۴۰۰ مجروح)

از ابتدای ماه محرم مقامات حکومت نظامی و ساواک به عنوانی مختلفه از برگزاری جلسات عزاداری اهالی جلوه‌گیری بعمل آورده و در طول ماه تا روز چهارشنبه ۱۰/۶ چندین بار حسینیه و مسجد النبی و سایر مساجد را بسته و مانع عزاداری مردم شده‌اند و در این راه از هیچ‌گونه مفاک و اعمال خشونت و ضرب و جرح و کشتار خودداری ننمودند.

چهارشنبه ۵۷/۱۰/۶

امروز در مسجد النبی مردم بمنظور اعتراض به خشونت‌ها و خون‌ریزی‌های رژیم مفاک و همچنین شهادت مهندس نجات‌اللهی (استاد پلی تکنیک تهران) گرد آمدند. هنگام خروج از مسجد مأمورین فرماندار نظامی بدون اختصار قبلی بسوی مردم شلیک میکنند و ۱۶ نفر را مجروح میسازند.

غروب همان روز هنگامیکه ۵ برادر و پسر عمو (بنام محمودیان) قصد ورود به‌خانه‌شان را داشتند ملاحظه میکنند که راه ورود بکوچه مربوطه توسط ژاندارها مسدود شده و مانع رفتن آنها به‌خانه میشوند. توضیحات این جوانان برای رفتن به‌خانه نه تنها ژاندارها را قانع نمیکند، بلکه خشونت آنها شدت بیشتری یافته منجر به تیراندازی بسوی آنان میشود که دو نفر آنان بلافاصله کشته میشوند و یک نفر بشدت مجروح میگردد. دو نفر دیگر که برای حمل آنها اقدام میکنند مجدداً مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند و یکی از آنها زخمی میشود و دیگری را که روی جنازه برادر خود خم شده بود با قنداق تفنگ بپوش می‌کوبند که او هم بیهوش شده و در نتیجه ممانعت از رسانیدن به بیمارستان درمی‌گذرد.

علما و روحانیون شهر پس از اطلاع از ماجرای بطرف بیمارستان حرکت میکنند اما مواجه با اشغال نظامی بیمارستان میشوند در تماسی که برای اعتراض با فرمانداری می‌گیرند گفته میشود که بزودی مقامات مسئول به بیمارستان خواهند آمد اما بعد از یک ساعت آمبولانسی که سربازی در جلوی آن نشسته بود از بیمارستان خارج میشود و اجساد را از دسترس روحانیون دور میکند. ساعت ۱۲ شب فرماندار نظامی و رئیس شهربانی در بیمارستان حاضر میشوند و ضمن هلرخواهی اظهار میدارند که جنازه‌ها فردا صبح در غسلخانه تحویل خواهد شد. علما و روحانیون و خانواده‌های شهدا شب را در بیمارستان بحالت تحسن بسر می‌برند.

پنجشنبه ۱۰/۶- امروز جمعیت کثیری در حدود ۴۰ هزار نفر در محبت روحانیون شهر برای بغاک سپردن شهدای دیروز بطرف غسلخانه مقبره شاهزاده حسین حرکت مینمایند در اینجا نیز مأمورین خونخوار رژیم بار دیگر نقاب از چهره

خویش بر می‌گیرند و بدون اختصار قبلی از پشت بوسیله مسلسل و زره‌پوش مردم را برگیر می‌بندند و حتی آنها را تا کوچه‌های فرعی تعقیب میکنند و به آتش می‌گیرند و تا نیمه‌های شب به تیراندازی ادامه میدهند. در همین روز یک کامیون ارتشی عمداً به صف مردمی که برای تهیه نفت اجتماع کرده بودند حمله میکند و بطور ماری پیچ طوری حرکت میکند که تعدادی زن و مرد و کودک را زیر می‌گیرد و میکشد. در اثر این خشونت و سبقت و تیراندازی‌های بعدی ۳۵ زن باردار سقط جنین میکنند که ۱۶ طفل سقط شده آنها روز جمعه در محل غسلخانه مشاهده میشود.

تعداد شهید شدگان در این روز بیش از ۱۸۰ نفر و زخمی‌ها بالغ بر ۳۰۰ نفر میباشند که اکثر آنها را ارتش با کامیون بخارج شهر منتقل نموده و در روستاهای اطراف منجمله «آب گیلک» در گودالهایی مدفون ساخته است و تعدادی را در انبارهای مهمات مخفی نموده. بیشتر مجروحین بخاطر ترسی که از زنده به گور شدن یا دستگیری داشتن از مراجعه به بیمارستان‌ها خودداری کرده‌اند و در خانه‌های خود تحت درمان قرار گرفته‌اند. این عده را بخاطر فقدان وسائل و لوازم بهداشتی و جراحی مرگ تهدید میکند.

جمعه ۵۷/۱۰/۸

امروز هیئتی از طرف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در محبت دو نفر از مخبرین یونایتد پرس و جمعیت حقوق بشر آمریکا، برای تحقیق در مورد این جنایت وارد شهر میشوند. خبرنگاران از اجساد شهدا عکس برداری مینمایند و همراه ۲۰ هزار نفر از مردم در حالیکه جنازه ۱۶ طفل سقط شده بردوشها حمل میشد پراهمیائی بزرگی دست می‌زنند. اسم تعدادی از شهدا و مجروحین که تاکنون بدست ما رسیده بقرار ذیل است.

اسامی شهدا.

این اسامی تاکنون بدست ما رسیده است.

- | | |
|---------------------|-----------------------|
| ۱- عباس پالو | ۸- یوسف رحیمی فر |
| ۲- قاسم گروسی | ۹- افضل عباسی |
| ۳- ابوالفضل علیچانی | ۱۰- زهرا کلانتری یکتا |
| ۴- محمد رضا عباسی | ۱۱- حسن افغانی |
| ۵- امیر ارباب‌ها | ۱۲- احمد محمودیان |
| ۶- حسن ظفوری | ۱۳- حسین محمودیان |
| ۷- حمید اعرابی | ۱۴- ابوالفتح محمودیان |

الف- بیمارستان دهخدا

- ۱- حاج علی طاهری
- ۲- حمید گنجی ای باف
- ۳- هوشنگ کریم زاده
- ۴- غلامرضا کشاورز
- ۵- محمد شاه محمدی

ب- بیمارستان شاه اسماعیل

- ۱- علی شامی پور
- ۲- حسین ذاکرانی
- ۳- داود توفیقی
- ۴- حسین میربیران
- ۵- غلامعلی الموتی
- ۶- زهرا تصایی
- ۷- علی طاهری
- ۸- اصغر طالقانی
- ۹- غلامحسین حکیم جوادی
- ۱۰- قدرت الله عدنی
- ۱۱- یوسف جوارب دوزها
- ۱۲- حسین نقدی پور
- ۱۳- علی فرد
- ۱۴- محمد حسین اکبری

ج- بیمارستان کوش گبیر

- ۱- مختار مقدم ۱۶ ساله
- ۲- اسمعیل نیشابوری ۱۵ ساله
- ۳- علی جعفر پور ناصری ۱۵ ساله
- ۴- حمید مستانه ۱۴ ساله
- ۵- هادی مظنی ۱۵ ساله
- ۶- حسین درافشان
- ۷- اصغر منفیان

کرج

در تظاهرات روز سه شنبه ۱۰/۵ این شهر گشته میشود ۲۲ نفر شهید شده اند.

یاسوج

خبر دستگیری حاج سید کرامت ملک حسینی از روحانیون یاسوج در مسجد حبیب شیراز، شهر را در حالی غیر عادی فرو برده است.

رودسر

در تظاهرات روز چهارشنبه ۱۰/۶ جمعا ۴ نفر در این شهر مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید میشوند.

قم

تأسیس کمیته دفاع از مجروحین و مصدومین

جامعه پزشکی شهرستان قم طی اعلامیه ای کشتار وحشیانه بیمارستان شاهرزای مشهد را محکوم کرده اند و بخاطر زیر پا گذاشتن حرمت محیط پزشکی توسط دژخیمان خون آشام و تعقیب و آزار مجروحین در بیمارستان، کمیته ای بنام «کمیته دفاع از مجروحین و مصدومین» تشکیل داده و اعلام داشته اند مأمورین بهیچوجه حق ندارند در تعقیب بیمار مجروح وارد محیط بیمارستان شوند و بازجویی از بیمار تا حصول بهبودی کامل اکیدا ممنوع است و همچنین تهدید کرده اند اگر موارد فوق نقض شود و عملی با توسل به زور و فشار صورت گیرد طی اعلامیه ای تخریبات آنرا با اطلاع عموم خواهند رساند. در خاتمه از کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر خواسته اند آنها را در این هدف یاری نمایند.

اردکان

یک هفته قبل از عاشورا عده ای از جوانان پر شور و مسلمان با هوشیاری خاص به اختلافات دیرینه اهالی خاتمه داده موفق میشوند آنانرا به تظاهرات عظیم و یکپارچه ضد رژیم فرسخوانند. در این تظاهرات ژاندارمری دخالت نموده و یک نفر بشهدت میرسد و ۶ نفر زخمی میشوند، اهالی زخمی ها را به شیراز میبرند و میخوانند در آنجا بستری نمایند اما بیمارستان از پذیرفتن آنها امتناع میکند ناچار مجروحین را به تهران می آورند و متأسفانه بخاطر گذشت زمان تمامی آنها بشهدت میرسند.

مردم شهر که از شنیدن این جریان بشدت خشمگین شده بودند، در مقابل فرمانداری تظاهراتی براه می اندازند و با اسلحه گرم بمقابله میپردازند. در این درگیری یک نفر از مردم و یک نفر از مأمورین کشته میشوند. در تمام مدت این زدو خورد، راه شیراز- اردکان بکلی مسدود میشود.

زوزند

— ۹/۲۴

مأمورین بروی جمعیتی که دست براهپیمائی زده بودند آتش گشوندند و در این حادثه تعداد زیادی زخمی می شوند.

هموطن

اکتونی که مطبوعات- رادیو و تلویزیون- مدارس- مساجد دانشگاهها و کلیه مراکز تجمع و کسب خبر تعطیل و توقیف و در اختیار نظامیان درآمده وظیفه همگان است که در انتقال اخبار و تکثیر و توزیع سریع آن بکوشید.

همانطوریکه قبلاً گزارش کرده بودیم، در تاریخ هشتم محرم هنگامیکه مردم راود پس از پایان تظاهرات آرام به منازل خود می‌رفتند، به وسیله مأمورین بروی آنها آتش گشوده می‌شود و سه نفر زخمی می‌گردند که یکی از آنها بنام «حسن توکلی» فرزند روحانی مجاهد کرمان در روز بعد (صبح روز عاشورا) در بیمارستان شهید میگردد.

در تاریخ ۹/۲۴ جمعیتی که برای شرکت در مراسم هفت حسن توکلی دست به راهپیمایی زده بودند مواجه با تیراندازی پلیس می‌شوند و در این حادثه ۴ نفر بنامهای رنجبر، حسینی، مهدوی، مهندس دادبین شهید شده و ۲۰ نفر مجروح و ۱۰ نفر مفقود الاثر می‌شوند و ۵ نفر از اهالی بنامهای عباس مشارزاده، محمد رضا مشارزاده، عبدالحسین ساوه، جلال کمالی، علی ایرانمنش دستگیر می‌شوند و همچنین یکی از مأمورین مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد.

از روز ۹/۲۵ فرهنگیان این شهر با بست بستن در اداره آموزش و پرورش بدستگیری نامبردگان اعتراض می‌کنند.

روز ۵۷/۹/۳۰ یکی از مجروحین حوادث اخیر در میگردد وی علی نامجو نام داشت و از فرهنگیان مبارز این شهر بود که محل خدمت خود را در یکی از دهات اطراف شهر انتخاب کرده بود. تشییع جنازه این مرحوم روز جمعه ۱۰/۱ انجام میشود روز سه‌شنبه ۱۰/۵- از ساعت ۶ صبح افراد پلیس و ارتش اقدام به محاصره اداره آموزش و پرورش که فرهنگیان برای اعتراض به دستگیری همکارانشان در آن اجتماع کرده بودند میکنند و با بستن آب و جلوگیری از رسیدن غذا سعی میکنند متحصنین را در تنگنا بگذارند. مردم شهر بمحض اطلاع از این عمل در یکی از مساجد جمع شده و تصمیم می‌گیرند از تمام بلندگوها اذان بخش کنند. پس از گرد آمدن جمعیت، سبیل مردم از مسجد بطرف اداره آموزش و پرورش برآه می‌افتد و مأمورین با دیدن انبوه جمعیت ناچار به عقب‌نشینی می‌گردند.

جوپار

علی فدائی فرزند روحانی مجاهد این بخش بوسیله دو نفر از مأمورین پاسگاه با لباس مبتذل بضرر چاقو مجروح می‌شود. نامبرده در روز سه‌شنبه ۵۷/۹/۱۴ مطابق با ۴ ماه محرم در یکی از بیمارستانهای کرمان بدرجه شهادت می‌رسد تشییع جنازه آن مرحوم در همان روز از کرمان تا گورستان جوپار انجام می‌شود.

همه‌روزه تظاهرات وسیعی بعد از ظهرها و شب‌ها در این شهر انجام میشود. در تظاهرات روز ۱۰/۷ یکنفر شهید میشود و روز بعد تشییع جنازه باشکوهی در شهر برگزار می‌شود و آقای حجت‌الاسلام جوادی سخنرانی مینمایند.

نام شهید این شهر «اسفندیار جعفرزاده» میباشد که گلوله منفور او را بکلی متلاشی کرده است.

آستانه اشرفیه

تعداد ۱۲۲ نمازه بعد از تظاهرات مردم این شهر توسط پلیس به آتش کشیده میشود.

نجف‌آباد

در جریان حملات وحشیانه اخیر مأمورین دکتر ابوترابی که مورد علاقه و احترام مردم میباشد، ۲ نفر از مجروحین را در منزل خود مداوا و نگهداری میکرد است اما مأمورین وحشی و جنایتکار از ماجری مطلع شده و شبانه به خانه‌اش یورش می‌برند و ۲ مجروح را شهید کرده و دکتر و افراد خانواده‌اش را با خود می‌برند.

از این شهر بعد از حملات چماق‌بست‌های دولتی جز ویرانه‌ای باقی نمانده است. همه‌روزه مردم سایر شهرهای ایران و توریست‌های خارجی برای ملاحظه بناهای سوخته و ویران شده بدست چنگیزهای آریامهری از این شهر دیدن میکنند و بر سر در دروازه شهر تابلویی به مضمون زیر نصب شده است «به دروازه‌های تمدن بزرگ خوش آمدید»


سنندج شورش در زندان

نیمه شب روز سوم دیماه در زندان سنندج با برنامه قبلی یک درگیری تصنعی ایجاد میشود. پلیس مداخله کرده و بداخل زندان میرود، زندانیان از موقعیت استفاده کرده مأمورین را خلع سلاح میکنند و سپس به اسلحه خانه حمله می‌برند و پس از مسلح شدن در یک درگیری خونین ۱۲ نفر از افراد پلیس را کشته و خود ۵ نفر شهید میدهند و موفق به فرار میشوند تعدادی از این زندانیان سیاسی و بقیه عادی بوده‌اند.

همدان

اعدام انقلابی رئیس کلانتری

سرگرد کارزونی رئیس جانی کلانتری ششم بهمین همدان (که بتنهائی ۵ نفر را از جمله رضا زمانی و مرتضی توتونچی را بشهادت رسانده بود) همراه با ۲ یا ۳ نفر از محافظینش توسط گروه توحیدی «حدید» بکفر میرسد.



دانشگاه جنای شاپور
مرکز پزشکی جنای شاپور

مختصات درمناشه

نام پال اردو در لوم خاوادگی لرم
نام پدر: نشانی محل سکونت

شماره شناسنامه: ۱۰۹۵۰۷۰-۱
محل صدور: تاریخ تولد

مدت تقریر: بیماری
در تاریخ: ۵/۱۰/۳۲

دزگشته و بموجب این برگه
اجازه تدفین جسد صادر میگردد

علافت فری دیگر: مارا لب ورس در اوسات هولم
درس: سا مالک درمحل

اسماء پرورش: اسماء پرورش
محل مهر و مهره درسان

نتیجه خیانت به مصالح ملت مسلمان ایران

جواز دفن «پال ادوارد گرین» رئیس انگلیسی شرکت نفت در مناطق جنوب

آغاچاری

مامورین نیروی دریایی که برای بیکار انداختن دستگاههای تولید کننده نفت به «کرنج آغاچاری» اعزام شده بودند، بععلت عدم آشنائی با دستگاههای فنی، ۳ تهربین بارزش ۱۰ میلیون دلار را از بین برده اند.

اهواز

روز پنجشنبه ۱۰/۷ در ساعت ۸ بعد از ظهر هنگامیکه مردم در بیمارستان چندیشاپور متحصن بودند مأمورین به اطافی که ۱۷ نفر مجروح بستری بودند با گاز اشک آور حمله میکنند. مردم با شکستن شیشه ها تلاش میکنند تا جان مجروحین را نجات دهند اما گفته میشود یک پرستار در این حمله کشته شده است.

امروز شنبه ۱۰/۹- در اجتماعی که در بیمارستان چندیشاپور تشکیل شده بود، آقای خزعلی (از مدرسین حوزه علمیه قم) و چند نفر از اساتید دانشگاه و همچنین نماینده شرکت نفت سخنرانی مینمایند. نماینده شرکت نفت اظهار میدارد که تولید امروز بیش از ۳۳۰ هزار بشکه است و کارکنان داوطلب شرکت نفت تصمیم گرفته اند آنرا با پمپ به تهران بفرستند ولی ساواک مانع این کار میشود. در این اجتماع ابلاغ مأموریت امام خمینی به آقای مهندس بازرگان نیز قرائت گردید.

راههایی که به زندان کارون منتهی میشود امروز توسط نیروهای ارتشی مسدود گردید و تانکها و کامیونهای ارتشی زندان را محاصره کرده اند. بقرار اطلاع از چند روز قبل تعدادی چاقوکش و مزدور وارد زندان شده اند و ضمن شکنجه کردن زندانیان سیاسی آنانرا تهدید به قتل کرده اند. زندانیان بخاطر حفظ جان خود شب ها کشیک میدهند.

انتصار اهواز

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ... (حشر ۹)

جامعه بازرگانان و پیشه‌وران مسلمان اهواز اعلامیه‌ای در تاریخ ۹/۲۷ منتشر کرده‌اند و در آن پشتیبانی کامل و بی‌دریغ خود را (بنا بوظیفه شرعی و اسلامی) اعم از مادی و معنوی نسبت به کارگران و کارمندان صنایع نفت اعلام داشته‌اند و در مقابل مزدوران دژخیم خود فروخته که بیش‌رمانه شب و روز بمنازل آنها تاخته و با بیرون کردنشان از منازل شرکتی و ایجاد مشکل مسکن تصور میکنند میتوانند لطمه‌ای به اعصابیات مردم کوبیده آنان وارد سازند، با قاطعیت اعلام کرده‌اند که قلمه اسکان و جا دادن آنها در منازل خود و هرگونه کمک مالی هستند.

بخشی از عملیات انقلابی مردم قهرمان مشهد

در روز شنبه ۱۰/۹

۱- کلانتری ۶ را در کوه سنگی آتش زدند. که تمام پرونده‌های موجود در آن و سه ماشین کلانتری نابود گردید.

۲- منازل دومستشار آمریکائی آتش زده شده و در نتیجه شلیک گلوله پاسبانان محافظ یک نفر کشته شد. مردم هم متقابلاً یک پاسبان را کشته و ۲ پاسبان دیگر را دستگیر مینمایند و به منزل آقای شیرازی میبرند.

۳- مردم به چهار نفر از مأمورین آگاهی حمله میکنند سه نفر آنها را کشته و در میدان مجسمه آو یزان میکنند. نفر چهارم به مردم می پیوندد.

۴- دیوارهای زندان زنان واقع در خیابان شاهرخ توسط مردم منهدم و زندانبان آزاد گردیدند.

۵- انجمن‌های ایران آمریکا و ایران و انگلیس و پیسی کلاً با آتش کشیده میشود.

۶- عده‌ای از سربازان با خودروهای خود و اسلحه‌شان به مردم می پیوندند و با کمک آنها یک دستگاه تانک و سه دستگاه ریووسه دستگاه جیب ارتشی را با آتش میکشند.

یک سرهنگ و یک استوار به مردم محلق میشوند اما سرهنگ دیگری بنام «کلالی» آنها را هدف گلوله قرار میدهد و خود نیز توسط مردم کشته میشود.

۷- فروشگاه ارتش آتش زده میشود و اجناس آن به بیمارستان امام رضا منتقل میگردد.

روزیکشنبه ۱۰/۱۰

۱- تمام کلانتری‌ها با استثنای کلانتری ۱ و ۵ با آتش کشیده شدند.

۲- مردم ساختمان «نیروی مقاومت ملی» را با آتش میکشند ولی در اثر حمله ناگهانی مأمورین مستقر در آن تعداد زیادی کشته و زخمی میشوند.

۳- هتل هایت توسط مردم محاصره و اجناس آن تخلیه میگردد و بلستور علماء چون این ساختمان را از بوجه موقوفات امام رضا تهیه شده است، باید به بیمارستان تبدیل گردد.

سیرجان

سروان صالحی که مسئول آتش زدن مسجد جامع کرمان بوده است و در سیرجان مسئول سرکوبی مردم بوده، در شب ششم دیماه با انفجار بمبی در ماشینش بشدت مجروح شده و یک پایش قطع میشود.

اسامی مفتولین و مجروحین شهر قم

تعداد مجروحین از عاشورا تا پایان آذر ۵۷ نفر

شهادی از ۹/۲۰ تا ۹/۲۷ (هفته بعد از عاشورا)

۱- حسین جواد پور- نقاش- ۹/۲۳

۲- اصغر اسلامی- نقاش- ۹/۲۴

۳- مریم ابراهیمی- ۷ ساله- ۹/۲۳

۴- اسمعیل حسن عسگری- مکانیک- ۹/۲۱

۵- هادی کریمی- ۱۷ ساله- ۹/۲۷

تلفات مأمورین

۹/۲۲- مأمور آگاهی در لباس مبدل در خیابان

چهارمردان کوچکه آسید حسن بقتل میرسد. نام این مزدور «قنبری» میباشد.

۹/۲۷- در خیابان آذرباجه بانک ملی مأمور آگاهی بنام

حسینی با ۱۳ ضربه چاقو بطور فجیعی کشته میشود.

۹/۲۱- زندانبان زندان شهر بانی توسط مردم بشدت

مجروح میگردد و اینک در بیمارستان بستری است.

همچنین ۴ نفر از گارد شهربانی و مأمورین انتظامی بطور

انفرادی هدف گلوله قرار میگیرند و کشته میشوند ولی اسامی

آنها در دست نیست.

محلات

عصر روز پنجشنبه ۵۷/۱۰/۷ بمناسبت شهادت مهندس

کامران نجات‌اللهی، مجلس یادبودی از طرف فرهنگیان این

شهر در حسینیه آن برگزار گردید و هزاران نفر از گروههای

مختلف مردم شرکت کردند. در این جلسه یکی از روحانیون

ضمن سخنرانی مؤثر خود و تجلیل از شهداء نهضت انقلاب

اسلامی و یاد از مجاهدینی چون دکتر علی شریعتی و تجلیل

از مقام اساتید آگاه و بیداد قطننامه‌ای را قرائت کرد که در

آن یکبار دیگر همبستگی همه اقشار و طبقات با رهبری امام

خمینی و سرنگونی رژیم جنایتکار پهلوی اعلام گردید. بعد

از جلسه شرکت کنندگان براهیسانی دست زدند و شهر در

محاصره کامل زره‌پوشهای ارتشی درآمد.

دلچیان

عصر روز پنجشنبه ۵۷/۱۰/۷ و صبح روز شنبه ۱۰/۹

راه‌پیمائی عظیمی با شرکت همه طبقات مردم بخصوص

فرهنگیان و دانش‌آموزان ترتیب یافت و در آن تظاهر کنندگان

ضمن حمله شدید به مزدوران داخلی و امپریالیست‌های شرق

و غرب یکبار دیگر همبستگی خود را با همه مبارزین راه حق و

عدالت اعلام کردند و شمارهای عمومی ملت را ادا کردند.

● روز هفتم دیماه جمعیتی در خیابان قدیم شمیران نزدیک سینما پاسیفیک مشغول تظاهرات بودند که ناگهان خودروهایی ارتشی ظاهر میشوند. مردم بسرعت به کوچه های اطراف فرار میکنند و در خانه ها مخفی میشوند. مأمورین ارتش بداخل کوچه «شانتیانی» حمله میکنند و ۳ نفر را مورد اصابت گلوله قرار میدهند. یکی از آنها پیرمردی بود که در پیاده رو مورد حمله قرار میگردد و دیگری پسر بچه ای که در جلو درب وزارت بهداری که در انتهای غربی کوچه است در خون خود می غلطد نفر سوم موتورسواری بود که از ناحیه ران مجروح میشود و توسط افراد کوچه به یکی از منازل برده میشود و پس از درمان اولیه و جلوگیری از خونریزی به بیمارستان اعزام میشود.

لحظه ای پس از دور شدن مأمورین یک زن و ۴ مرد از خانه خود خارج میشوند و بسرعت پسر بچه مجروح را از روی زمین بر میدارند و به نزدیک ترین خانه پناه میبرند اما معلوم نیست صاحب خانه بچه دلیل از پذیرفتن آنها خودداری میکند و در را می بندد این عده که احساس کرده بودند کودک هنوز نیمه جانی دارد بجای آنکه او را بخانه خود ببرند (شاید بخاطر نداشتن وسائل بهداشتی و لوازم مداوای اولیه) با وجود خطرات فراوان تصمیم میگیرند او را به بیمارستان برسانند که در انتهای شرقی کوچه «شانتیانی» هر ۵ نفر هدف رگبار مسلسل قرار میگیرند و در خون خود می غلطند.

● روز ششم دیماه در ابتدای خیابان تخت جمشید جوانی وسط خیابان ایستاده بود و به اتومبیلها سفارش میکرد چراغهای خود را روشن کنند و گاهی کاغذهاییکه روی آن جمله «مرگ بر شاه» نوشته شده بود به شیشه ماشینها نصب میکرد. ناگهان سربازی بدون آنکه متوجه شود خود را به او نزدیک میکند و از فاصله چند متری او را بر گبار می بندد و از شکم تا گلوی او را می درد.

● در همین روز در تظاهرات خیابان تخت طاووس ۴ نفر شهید میشوند که یکی از آنها «حسن عرب» محصل سال ششم دبیرستان بوده است و از تصدیق داخل جیبش که گلوله قسمتی از آن را سوراخ کرده بود شناسائی میشود. سه نفر دیگر در ردیف شهدای گمنام جای میگیرند. درود خدا بر آنان.

● امروز (ششم دیماه) تنها در بیمارستان هزارتخت خوابی ۲۹ زخمی و ۴ شهید توسط مردم منتقل شدند.

● اسامی شهدای میدان مقابل مجسمه (۱۰/۶) در تشییع جنازه مرحوم «کامران نجات اللهی»

- ۱- حسین کریمی
- ۲- مرتضی ربیعی
- ۳- جلال ابراهیمی
- ۴- رسول قدیمی
- ۵- حمید عالی نصب
- ۶- حسین قشقایی

سایر اسامی هنوز بدست ما نرسیده است.

● تا ساعت ۴ بعد از ظهر چهارشنبه ۱۰/۶-۱۱ جسد به بهشت زهرا آورده اند. یکی از شهدای شناخته شده شهید «نوری» کارمند بانک عمران میباشد که گلوله پشمش اصابت کرده است. باید توجه داشت اجسادیکه بدست مأمورین می افتد خارج از این آمار است.

● روز ۵۷/۱۰/۱- تعداد ۵ جسد از زندان اوین به بهشت زهرا منتقل میکنند. گنجه میشود این افراد بجرم دست زدن به اعصاب غذا در روز عزای عمومی سراسری کشور به شهادت رسیده اند.

۱- قاسم ایرانشاهی (۱۸ ساله) که سر او را با مته سوراخ نموده و گوشهایش را بریده اند.

۲- حسن اسدی پور- معلم بجنودی که با جوش کاربیت بر بدنش جاوید شاه نوشته اند.

۳- محمد داودی که دندانهایش کشیده شده و قفسه سینه اش خرد شده است.

۴ و ۵- دو نفر ناشناس که یکی از آنها کور شده است.

● شب ها بعد از ساعات ممنوعه، مأمورین حکومت نظامی به پمپ بنزین ها هجوم می آورند و جیره نفت و بنزین و ظروف مردم را به غارت میبرند.

● شنبه ۱۰/۹- در ساعت ۱۱/۵ صبح در خیابان اردیبهشت دو جوان دانشجو که شمار میدادند بضرع گلوله سربازان به شهادت میرسند.

● نسرین امینی دانش آموز ۱۶ ساله یکی از مدرارس حوالی دانشگاه بضرع گلوله مأمورین سفاک به شهادت میرسد. مغز متلاشی شده این دخترک را در پارچه سفیدی در بهشت زهرا زیر طاق آو یزان کرده بودند.

ملت ما خواسته های خود را در اسلام محقق مینماید و امام خمینی را برهبری برگزیده زیرا که همه خصایف یک رهبر را در او متبلور مینماید.

پس از این سخنرانی کوتاه گفته شد که دانشجویان باین سمت میآیند، تحرکی در میان مأمورین بوجود آمده و شروع به تیراندازی میکنند در این موقع کارکنان بشدت شعارهای خود را تکرار می کنند.

حدود ساعت دوازده یک موتور سوار از روی پل تخت جمشید عبور مینماید و سربازان را از بالا بگلوله مینماید، در این تیراندازی سه نفر مورد اصابت قرار میگیرند، گفته میشود این سه، یک افسر و دو درجه دار بوده اند.

در این لحظات پانگ مرگ بر شاه سالن را می لرزاند.

این اجتماع با شکوه تا ساعت دو بعد از ظهر بطول میانجامد و در پایان کارکنان قرار میگذارند که فردا (چهارشنبه) صبح به پالایشگاه تهران رفته و از آنجا به بهشت زهرا بروند.

در ضمن انتظام در اواصل صبح بمیان کارکنان آمده و قصد سخنرانی داشته که با اجازه صحبت داده نشد.

در ساختمان مرکزی روی یک پارچه سفید که ما بین دو ستون نصب کرده بودند نوشته شده بود،

ما کارکنان صنع نفت خواستار برقراری

حکومت جمهوری اسلامی برهبری امام

خمینی هستیم.

• • •

گزارش تفصیلی از هیئت اعزامی امام خمینی به اهواز

روز یکشنبه ساعت ۳/۵ بعد از ظهر جلسه ای با شرکت هیئت اعزامی امام خمینی و اجتماع مردم اهواز در محل ساختمان اصلی شرکت نفت برگزار گردید. که در آن آقایان خزعلی، مهندس بازرگان ماموریت این هیئت را با ماموریت هیئت خلق ید و پیشرفت نهضت اسلامی فعلی را با نهضت ملی سالهای ۱۳۳۰ مقایسه کنید

آقای صیافیان روش و برنامه کلی هیئت را برای جمعیت تشریح نمود جلسه بعد از طرح سئوالات و پاسخ های لازم مقارن ساعت ۸ بعد از ظهر پایان یافت و جلسه بعد به ساعت ۸ صبح روز دوشنبه ۵۷/۱۰/۱۱ موقوف گردید.

سه شنبه پنجم دیماه- امروز کارکنان پالایشگاه تهران بتدریج در ساختمان مرکزی (تخت جمشید) گرد می آیند و حدود ساعت ده همراه با کارکنان اداره مرکزی در طبقه همکف اجتماع نموده و به دادن شعار برهلیه رژیم میپردازند، چهار رویی ارتشی و دو جیب حامل کماندوهای میانسال که بنظر میرسد از درجه داران و افسران گارد باشند به همراه عده ای سرباز جلوی ساختمان مسخر میگردند، مامورین درب مراجعین را بسته بودند و کارکنان فقط از درب مخصوص حق ورود داشتند.

«شعارهای تظاهرکنندگان چنین است»

شب تاریک مردم روز گردد، خمینی هفت بیروز گردد.
درد بر کارگر قهرمان، درد بر کارگران صنعت نفت ما.
اعتصاب، اعتصاب، مدرسه انقلاب، مشت گره کرده ما فردا
مسلل میشود،

دانشگاه سنگر آزادی نه لانه مزدوران

کارگر، کارگر، مشت توجوه ایمان تو

گاهی یکی از دوستان از شعرهای نوی روشنگرانه میخواند؛ گاه سرود و

یکی از کارکنان ضمن سخنرانی که با کلام مشهور امام حسین «ع» الا ترون ان الحق لا یثقل... شروع نمود گفت که ملت ما بارها و بارها با دادن خون های بسیار و راهپیمائیه و اعتصابات موضع خویش را در برابر نظام طاغوتی کشورمان اعلام داشته است و دیگر حاضر نیست زیر بار ستم استعمارگران برود و در اسارت ابرقذراتان چپ و راست باشد، بلکه بر اساس مکشبت میخواند که متکی بخود باشد و زیستن مستقل بهمه انسانها بیاموزد، و كذلك جملتانک امه وسطاً لنكونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً، لکن هنوز دشمن هر روز به دسیسه ای تازه دست میزند و تصور میکند که حرکت شجاعانه ملت ما تنها بر مبنای احساس سیاسی است و حال آنکه ملت ما دارای شناخت و بینش سیاسی است و فریب دشمنان را بخودشان باز نمیگرداند. ملت ما میدانند چرا مبارزه میکند و خواستار عدالت و استقلال فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

آخرین لحظه:

امروز (سه‌شنبه ۱۰/۱۲) تا ساعت ۵ بعد از ظهر یازده جسد به گورستان بهشت زهرا منتقل می‌شود. یکی از این شهدا بطور فیمی (با رنگار مسلل یا عامل دیگر) کشته شده بطوریکه یک پایش از ناحیه ران و دیگری از ناحیه زانو قطع شده بود.

تظاهرات در بیمارستان هزارتخت‌خوابی

روز پنجشنبه ۱۰/۷ ده هزار نفر در بزرگداشت و تشییع جنازه ۷ نفر از کسانیکه در مراسم تشییع جنازه دکتر کامران نجات‌اللهی شهید شده بودند شرکت کردند. این شهدا هنگامیکه در میدان مجسمه آزادی اجتماع کرده بودند هدف گلوله مأمورین سفاک مستقر در برابر دبیرخانه دانشگاه قرار می‌گیرند.

در این مراسم یکبار در مقابل ساختمان اصلی بیمارستان و یکبار هم در مقابل درب شمالی جمعیت تظاهر کننده بسختان چندتن از پزشکان و گویندگان گوش میدهند.

خلاصه اخبار این گردهمایی شرح ذیل می‌باشد:

۱- شرکت دخانیات ضمن ابلاغ همبستگی کامل خود با جنبش خواستار تحریم سیگارهای مارک خارج می‌شود و مردم را از خرید این سیگارها برحذر میدارد.

۲- کارکنان انحصاری رادیو و تلویزیون مجدداً از مردم درخواست می‌کنند علاوه بر بستن رادیو و تلویزیون آنتن‌های خود را پائین بیاورند.

● روز یکشنبه ۱۰/۳ در تظاهرات پیش از ظهر خیابان شاهرضا سرلشگر «فرامرز نوری» که با لباس کار ارتشی در ماشین پلیس بوده است با سنگ و چوب مضروب می‌شود و چون اسلحه گرم نداشته بکمک دشته مخصوص ارتشی موقت به فرار می‌شود. اتوبیل پلیس توسط مردم کاملاً خرد می‌شود.

● در تهران نود دختران مدرسه‌ای تظاهراتی براه می‌اندازند و پرچم مدرسه خود را آتش می‌زنند. مأمورین پلیس در تعقیب قضیه، ۴ نفر از دختران را بازداشت می‌کنند و برای شناخت عامل اینکار تحت شکنجه قرار می‌دهند و آنها ناچار دوست خود را معرفی می‌کنند. افراد پلیس شبانه ساعت ۱۰ بمنزل دختر محصل هجوم می‌برند و او را دستگیر می‌کنند و او را با پدرش به کلانتری می‌برند و در آنجا مورد آزار و اهانت قرار می‌دهند. پدر این دختر از شدت ناراحتی دچار سکه می‌شود و در می‌گذرد.

هفتم دیماه - نهضت آزادی ایران در اعلامیه‌ای زیر عنوان ... جنگ شاه و ملت... مقاومت شاه را در مقابل ملت بی‌حاصل اعلام نموده و باستناد بانکه وی دیگر هیچ پایگاهی در کشور ندارد، رفتن او را، تنها راه حل کلیه نابسامانیها و مشکلات موجود مملکت دانسته است. اعلامیه مزبور با بیان مطلب زیر پایان می‌پذیرد «مسلمانا اگر شاه در تکمیل اعتراف و تمهیدات پیام پانزده آبان پنجاه و هفت وعده صریح انصراف سلطنت و قصد استعفاي خود را اعلام کند و ملت اطمینان یابد، عوامل اخلاص و موجبات اضطراب محور گردیده چرخهای مملکت در جهت ترمیم و یرانیها و تعیین نظام صحیح مطلوب به حرکت درخواهد آمد»

● کارکنان شرکت مخابرات در اعلامیه‌ای ضمن اعلام همبستگی و ادامه انحصار خود در کنار کارکنان صنعت نفت، ذوب آهن، آموزش و پرورش، برق، سازمان آب، مطبوعات، رادیو تلویزیون و... نسبت بر رژیم شاه ابراز انزجار نموده و اضافه می‌نمایند، آن دسته از کارکنان را که به ماهیت رژیم پی برده و بما ملحق می‌شوند با نقوش باز پذیرفته و سازشکاران را از صفوف خویش طرد مینماییم.

● جامعه روحانیت تهران طی اعلامیه‌ای در تاریخ ۹/۲۸ عمل فخرمانانه انحصاریون شرکت نفت و وزارت نیرو را ستوده‌اند و حمایت کامل خود را از آنان اعلام داشته‌اند.

● پزشکان - دندانپزشکان - داروسازان وابسته به جنبش ملی ایران طی اعلامیه‌ای ضمن ابراز تنفر و انزجار در شکستن حریم بیمارستانها در شیراز، مشهد، اصفهان و تهران و... و اعلام همبستگی با پزشکان آگاه و مبارز خراسان و پشتیبانی از مبارزات مردم مسلمان ایران اضافه کرده‌اند که هر ماه در آمد یکروز خود را برای جبران بخشی از خدمات و ضایعات به ملت اختصاص می‌دهند و برای اینکار حسابی بشماره ۱۱۰۰ در بانک صادرات شعبه ۷۶۹ خیابان شاه و حساب جاری شماره ۱۹۹۹ بانک ملی شعبه میرداماد افتتاح کرده‌اند و نیز در روزهای تعطیل عمومی و عزای ملی برای درمان مصدومین و مجروحین در محل کارشان حاضر خواهند بود و در آبد این کار را برای درمان بیماران و کسانیکه در مسیر مبارزات جنبش ملی ضرر و زیان دیده‌اند صرف خواهند کرد.

تقدیم به پیشگاه امام خمینی

سروش قم

هزار چشمه ی همت جوشید .	و پرده ای میان تو و آفتاب نیست		
ابزار مغز شویی شیادان	و حرکت تو		
درهم شکست	حرکت روز است		
باز آ	آزاد و پرتوان		
باز آ	بی اذن و بی دخالت ماموران		
ای مهر بان معلم بیداری	و خطه های متحد جان		
ای رهبر نبرد رهایی	جان مجاهدان		
بیداری از سروش قم آمد	پرده کشیده شد		
و خانه های قبرگونه شکافت	پرده داران		
انسان ز خواب گران برخاست	ز نقش سلسله ی جباران		
آسمه سر	ز نقش شوم جهانخواران		
به شستن گناه ستمدیدی شگفت	شب هرگز اینهمه بیداری در پی نداشته		
قم را شنیدی و بر پا شدی	شب هرگز اینهمه بیداران در خود نداشته		
قم گفتی و همه بر پا شدند	ای روح ضد خواب		
و مهمه ی حقخواهان	ای روح دادگستر الله		
در خاک اولین	تو پیشتاز همه گردانی		
در صلصال	تو گرد رسولانی		
آسان نفس دمید	در عصر سوسه و آژ		
که از کویر کسالت	عصر توفیق آدمکشان		
	عصر تیبانی طراران		
	رشوه گران و شب طلبان		
	در شبترین شب تاریخ		
	تو مشرق تمام جهان		

هَمُّ قَائِدِیْن: برخیز و بیم ده
سوره مدثر آیه ۲

بزرگ و با احساس مسئولیت انقلابی، و جهان، سیاستمداری
با تقوی و مخلص و صادق را از دست دادند و فقدان او برای
عموم مردم حقپرست و آزادیخواه ضایعه ای بس بزرگ است.

آمزش و شادی روح آن مرحوم و موفقیت ملت رشید
الجزائر را در ادامه راه آن مرد بزرگ برای پیشرفت کشور و
تلاشهای او برای همبستگی بیشتر مسلمانان جهان از خدای
بزرگ و حکیم خواستاریم.

نهضت آزادی ایران
تهران- ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸
۷ دیماه ۱۳۵۷
۲۷ محرم ۱۳۹۹

در گذشت مجاهد فقید «هواری بومدین»
متن تلگراف تسلیتی که «نهضت آزادی ایران» به شورای
انقلاب الجزائر مخابره کرده است و ما عیناً آنرا نقل میکنیم

حضرت رابع بیطار- رئیس شورای انقلاب الجزائر
نهضت آزادی ایران، درگذشت مجاهد فقید «هواری
بومدین» را با کمال تأسف به ملت الجزائر و شما تسلیت
می گوید. ملت قهرمان و بزرگ و مسلمان الجزائر، رهبری
نستوه که عمری را در راه آزادی و استقلال و سپس پیشبرد و
اعتلای الجزائر صرف کرده، و مسلمانان جهان، برادری

دروود بر سر بازان و افسرانی که فرار انقلابی از ارتش را برگزیده اند.



۱۶ دسامبر ۱۹۷۸

۲۵ آذرماه ۱۳۵۷

۱۵ محرم ۱۳۹۹

خلیفه گری ارانته تهران اطلاعه

در تعقیب اطلاعیه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۵۷ - ۲ دسامبر ۱۹۷۸ (که به زبان ارمنی چاپ شده بود) با رضایت اطلاع حاصل شد که همکیشان عزیز بر طبق مفاد اطلاعیه قبلی از برگزاری مجالس جشن خودداری نموده و مینمایند. اینک که عید ژانویه نزدیک است ضمن تأیید مفاد اطلاعیه قبلی در مورد برگزار نکردن جشنهای عید ژانویه خاطر هموطنان عزیز را بمراتب زیر جلب می نماید.

- از برگزاری جشن ژانویه در مدارس ارانته خودداری شود.
- به معازنه داران توصیه میشود از تزیین و برترین معازنه خود بمناسبت عید ژانویه خودداری کنند.
- خلیفه گری بمناسبت عید ژانویه برنامه و یژه ای در رادیو و تلویزیون نتواند داشت.

اعلامیه جامعه ارانته آزادینخواه

ارمنی شرافتمند ایرانی

هنگامیکه برادر مسلمانان در راه صلح، آزادی و عدالت بخون خود غلطیده، سزوار نیست تودر جشن ژانویه پایکوبی کنی.

ژانویه تولد پیامبری است که بخاطر صلح، آزادی و عدالت بدست دژخیمان ظالم بالای دار رفت و حال که هموطنان بخاطر همان ایده، بخاطر خواسته های مسیح جان میبازند تونیز در ماتم آنها بنشین و در این عید عزادار باش.

در مبارزه بخاطر حق و حقیقت ارمنی و مسلمان دست در دست هم پیکار میکنند و در کنار هم جان میبازند تا بازماندگان پیروزی ملت را جشن بگیرند و آن جشن، جشن تولد مسیح است. جشن پیروزی افکار مسیح است. جشن واقعی ژانویه است و در آن زمان همه با هم جشن خواهیم گرفت و سرود کریسمس با سرود آزادی درهم خواهد آمیخت. جامعه ارانته آزادینخواه

۲۸ دسامبر ۱۹۷۸

۷ دیماه ۱۳۵۷

همبستگی با ارانته

کارکنان تولید و انتقال برق ایران (توانیر) و برق تهران، همانطور که در شماره گذشته اخبار اشاره شده بود، اعلامیه ای در تاریخ ۵۷/۱۰/۳ منتشر کرده اند و متذکر شده اند بخاطر آنکه اقلیت های مذهبی (ارانته) همبستگی خود را با ملت مبارز و مستمیده ایران اعلام داشته اند، از نظر احترام به همبستگی ملی در شب های میلاد مسیح (سوم دیماه و شب یازدهم دیماه) از قطع ساعات معمول برق در سراسر ایران خودداری خواهند کرد. همچنین برای اطلاع بیشتر هموطنان تذکر داده اند که قطع کردن برق در ساعاتی که منافع اکثر هموطنان مبارز و آگاه لطمه ای وارد بسازد حرکت سیاسی آنها در جهت پشتیبانی، و اعلام همبستگی با جنبش اسلامی ایران میباشد.

پیام امام خمینی

به مسیحیان آزاده جهان بمناسبت میلاد مسیح

بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات و سلام خدای بزرگ بر حضرت عیسی ابن مریم روح الله و پیغمبر عظیم الشان مریم عنرا و صدیقه هوا که با نفعه الهی چنین فرزند بزرگی را به تشنگان رحمت الهی تسلیم نمود.

درد بر روحانیون و احبار و رهبانان که با تعالیم عیسی مسیح نفس سرکششان را به آرامی دعوت میکنند درود بر ملت آزاده مسیح آنان که از تعالیم آسمانی عیسی روح الله برخوردارند.

من باسم ملت مظلوم ایران از شما ملت مسیح میخواهم که در روزهای متبرکه خود به ملت ما که گرفتار سلطان ستمکارند دعا کنید و فرج آنان را از خدای بزرگ بخواهید.

من از شما ملت بزرگ میخواهم که سران بعضی از کشورهای مسیحی را که با قدرت شیطانی خود از شاه ستمگر پشتیبانی میکنند و ملتی را در زیر فشار ظلم خرد میکنند هشدار دهید و آنان را به تعالیم مسیح آشنا کنید.

من از روحانیات مسیح میخواهم که سران بعضی از کشورهای قدرتمند را نصیحت کنند و پشتیبانی آنان را از کسی که پشت به تعالیم آسمانی نموده تقبیح نمایند.

قرآن کریم حضرت مسیح را به عظمت یاد نمود و حضرت مریم را تزیه فرمود. بر ملت مسیح است که دین خود را به ملت مسلم ادا کند.

والسلام

روح الله الموسوی الخمينی

..... ملت آگاه ایران، شجاعانه مبارزات خود را ادامه دهید که اگر لحظه‌ای غفلت کنید؛ تمام خونهایکه در راه اسلام و آزادی داده‌اید هدر می‌رود و چنان ضربه‌ای به شما وارد میکنند که نفس‌هایتان قطع و فریادهای هقتان در گلو شکسته شود.

من به عموم ملت دلیر اعلام میکنم که رژیم سلطنتی غیر قانونی و مجلسین غیر ملی و غیر قانونی و حکومت غیر قانونی و غاصب و یاغی است. اطاعت از این دستگاه اطاعت از طاغوت و حرام است. اطاعت از شاه مخلوع و دولت یاغی جرم است در قانون و حرام است در شرع. قسمتی از پیام امام خمینی در مورد روی کار آمدن دولت جدید

اراده ملت در این که نگذارند جنبش خاموش شود آنچنان قوی است که ارتش با تمام قدرتش قادر به کسب موفقیت نیست و این در حالیکه که در نقاط دیگر دنیا شورشها پراحتی سرکوب میشوند. در شیلی یک کودتا کافی بود. در تونس نصف روز فشار به مردم برای تثبیت قدرت کافی است. در همه جا ارتش خود را بدون استفاده از اسلحه به مردم تحمیل میکند. در ایران اصلاً چنین نیست. حکومت نظامی و دولت نظامی هزاران نفر را از سال گذشته تا کنون کشته و شاه هنوز پاهایش بر روی زمین نیست. امواج به زمین نمی‌خورند. انسان بخود می‌گوید وقتی خواهد رسید که این مردم بدون ترس از نتیجه یا مرگ پخیابانها خواهند ریخت و خود را آماج گلوله خواهند نمود بدون آنکه بتوانند این گلوله‌ها را جواب دهند. تری آنها خسته نمیشود.

نقل قول از یک خارجی (قسمتی از مقاله نول ابرواتور مورخ ۲۰ نوامبر)

هموطن مسلمان و مبارز

اکنون یکماه و سه هفته از حیات این نشریه خبری میگذرد. در این مدت به یاری خدا و علیرغم مشکلات توانسته‌ایم ۱۱ شماره آنرا بدست شما برسانیم. خدا را شکر میکنیم و از او توفیق خدمت بیشتر میطلبیم.

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنَ الْحَقِّ قَلِيلًا وَمَا قُتِرْنَا عَنْهُ قَلِيلًا

احساس وظیفه و نیاز به انتشار چنین نشریه‌ای هنگامی دست داد که دولت غاصب نظامی منتخب شاه، برای سرکوبی خونین جنبش انقلابی میهن ما و کشتار بی حد و حصر مبارزین مجاهد ارتباط خبری مردم را بکلی قطع کرده، با دست باز و خیال راحت و بزعم باطل خود، دور از چشم خدا و خلق او به قتل عام مخالفین در تهران و شهرستانها پرداخته بود. هم مطبوعات را تعطیل کرده و هم دانشگاهها و مدارس را بسته بود. هم رادیو و تلویزیون در اشغال نظامیان بود و هم مسجد و منبر در کنترل آنها.

بیش از همه شهرستانها آماج حملات سیمانه این جانان مزدور بود. اگر در تهران بخاطر حضور مخبرین خارجی مختصری ملاحظه میکردند، در شهرستانها مانع و رادعی

نمی‌شناختند و برای چند صباحی بیشتر ماندن چنان کردند که روی خونخواران عالم سپید شد. خوشبختانه ملت بیدار ما بزودی خلاء مطبوعات و رسانه‌های گروهی را با انتشار اعلامیه‌ها و نشریات خبری پرکرد و همانطور که ما در شماره ۸ «اخبار جنبش اسلامی» سفارش و پیش‌بینی کرده بودیم، بزودی این اوراق مردمی سطح دیوار خیابانها و کوچه‌ها را پوشاند و صدها نشریه و اعلامیه از طرف سازمانهای مختلف دولتی و ملی منتشر گشت.

یُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نَسْرَاللَّهِ بِأَقْوَابِهِمْ وَاللَّهُ مَتَمُّ نُورِهِ و لو كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
ما هم در کنار سایر برادران، در ابلاغ پیام شهدان، گرچه تجربه چندانی نداشتیم، بطور ناشناس وارد گود شدیم تا سهم خود گوشه‌ای از جنایات رژیم دیکتاتوری جلاذ را بر سر ما سازیم و حماسه‌های مردم قهرمان خویش را منعکس نمائیم و نگذاریم این اسناد گرانبها به سینه فراموشی سپرده شوند.

اما شرایط تازه‌ای که با آزادی نسبی مطبوعات حاصل شده، نقش ما را شکل دیگری بخشیده است. گرچه مطلوب هرگز حاصل نشده و هنوز در مسیر هدف نهائی خویش یعنی

حاکمیت الله، بجای طاغوت و استقرار نظام قسط اسلامی راه درازی در پیش داریم ولی به مقتضای شرایط، وظیفه تازه‌ای فرا راهمان نهاده شده است. اگر تاکنون به گزارش اخبار انقلاب در شهرستانها بسنده میکردیم، اکنون دیگر اخبار کسری را مطبوعات در سطح وسیعتر و با امکانات بیشتر با اطلاع مردم میرسانند. آنچه میماند تجزیه تحلیل اخبار و حوادث است و احتمالاً درج آنچه شاید بقلم و مصلحت آنها نیاید ولی بهرحال با فاصله زمانی بیشتر و شاید حجم کمتر، تا خدا چه خواهد و چه پیش آید.

اللَّهُمَّ وَفِيَّالْمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

شهرستانها

ملایر

جمعه ۹/۳۰ - امروز مردم این شهر در گورستان «شمس آباد» بر مزار شهید «احمد وفائی» اجتماع کردند و تظاهراتی بر علیه رژیم سفاک نمودند در این مراسم چند سخنرانی در مورد فلسفه شهادت و زندگی شهید وفائی ایراد شد و جمعیت در حال تظاهرات وارد شهر گشته و پس از طی چند خیابان متفرق شدند. در تمام مراحل مأمورین مسلح همراه جمعیت بودند و به شدت مراقبت میکردند.

سه شنبه ۱۰/۵ -

● مردم از صبح زود خود را برای استقبال از آیت الله مدنی آماده میکنند. عده‌ای برای استقبال از ایشان خود را به قم و اراک رسانده بودند. همه در هیجان و تب و تاب بودند و دقیقه‌شماری میکردند. ساعت ۱۲ ظهر انتظار بسرآمد، دیده بوسی و فشردن دست مبارزین چقدر لذت بخش است. ابتدا نوبت روحانیون آگاه و پیششار ملایر بود (حجت الاسلام میرشاهولد - عباسی - و برادر شهید وفائی) و بعد هم نوبت مردم حق طلب و مبارز ملایر... انگار روز عید بود یا طلوع صبح... صبح پیروزی.

مردم با صف طولی که به مشایعت ایشان آمده بودند با شادی و سرور وارد شهر شدند اما شادی که دیری نپایید. نزدیکی شهربانی ملایر چماق بدستهای درباری انتظار میکشیدند درست مثل حیوان درنده که در انتظار طعمه باشد! ناگهان با چوب و چماق حمله کردند و چندین ماشین را

خرد کردند و چندین نفر را مجروح. اما سنگ همیشه در خانه صاحب خود شیر است.

مردم آنها را تعقیب کردند و دو نفرشان را در بازار دستگیر کردند و با وجودیکه فریاد مرگ بر شاه می کشیدند آن دورا بشدت مضروب کردند و حتی تصابی بنام «بهرام چوبین» که رهبری آنها را داشت اجالش دوامی نیاورد و همان شب ضرب گلوله مجاهدین، از پای درآمد و مردم نشان دادند که سفارش امام خمینی را درست فهمیده‌اند.

در مسیر راه ملایر - همدان، تمام پاسگاهها با کبسه‌های شن سنگر بندی کرده بودند؛ انگار با قوای متفقین در جنگ هستند. در عوض روستاهای اطراف، یعنی مردم، مردم واقعی، با برافراشتن پرچمهای سبز و سرخ، و تمشالهایی از امام خمینی، و غریو «مرگ بر شاه» از کاروان استقبال می کردند.

پنجشنبه ۱۰/۷

● امروز بخاطر هجوم چماق بدستها به کاروان مستقبلین موجی از تظاهرات و اعتراض شهر را فرا گرفت. روستاهای اطراف شهر اعلام کردند برای مقابله با چماق به دستها به شهر خواهند ریخت ولی با توصیه روحانیون از این کار فعلاً خودداری کرده‌اند.

در غروب همین روز مردم در گورستان شمس آباد مجدداً بر مزار شهید «احمد وفائی» اجتماع کردند و تظاهراتی انجام دادند.

جمعه ۱۰/۸

● امروز مجدداً راهپیمایی و تظاهرات انجام شد.

شنبه ۱۰/۹

● امروز بمناسبت عزای ملی و تعطیل سراسری، ۵۰ هزار نفر از طبقات مختلف این شهر به تظاهرات و راهپیمایی پرداختند. و حجت الاسلام «میرشاهولد» (روحانی بزرگ شهر) طی یک سخنرانی جالب، مسئله احتکار نفت و کمبود مصنوعی آنرا از طرف رژیم محکوم کردند.

همدان

دوشنبه ۴ دیماه

امروز عالم مجاهد آیه الله «مدنی» پس از استقبال باشکوهی که در ملایر از ایشان بعمل آمده بود، وارد همدان شدند. مشایعتی که از ایشان بعمل آمد کم سابقه بود و بکبری چشم دشمنان مردم نشان دادند که تا چه حد با روحانیون مجاهد و متقی پیوند دارند. ۲۵۰ هزار نفر زن و مرد، از شهر و روستا، با غریو شعارهای اسلامی مقدم ایشان را گرمای

داشتند. شهر بحالت تعطیل-سراسری و کاملاً در کنترل مردم بود. اتوبیله‌ها با چراغهای روشن و نواختن بیق در خیابانها حرکت میکردند و مأمورین همگی پنهان شده بودند. هنگام ورود آیه‌الله مدنی به شهر چندتن از روستائیان نمایندگان روستای خود (علیرض جمحاق بدست‌های دولتی) با نهضت اصیل اسلامی اعلام همبستگی کردند.

سه‌شنبه ۵ دیماه

● امروز مردم شهر در معیت آیه‌الله مدنی برای سپاس و طلب رحمت، بر مزار شهدا حاضر شدند و برای کسانی که با خون خود نهضت را آبیاری کردند، فاتحه‌ای قرائت نمودند و سپس آقای مدنی سخنرانی کردند و روی دو نکته تکیه نمودند اول مسئله احتکار نفت و بنزین توسط رژیم مکار بخاطر شکستن مقاومت ملت و دوم خونخواهی شهیدان و ادامه راه آنها تا پیروزی نهایی.

پنجشنبه ۷ دیماه

● امروز مرکز قمار و عیاشی «جهان نما» و اداره اطلاعات و جهانگردی واقع در خیابان پهلوی با انفجار بمب نیرومندی منفجر شدند و کافه رستوران «ستار» (صنم) باتش کشیده شد.

جمعه ۸ دیماه

● ۲۰۰ هزار نفر از طبقات مختلف مردم در معیت استادان و دانشجویان دانشگاه «بویلی» امروز در سوگ استاد و دانشجوی شهید پلی تکنیک تهران تظاهرات عظیمی انجام دادند.

شنبه ۹ دیماه

● بمناسبت عزای ملی و تعطیل سراسری کشور، درسوگ شهیدان اصفهان و نجف آباد و ... مردم همدان هماهنگ سایر شهرها به تظاهرات و سوگواری پرداختند.

روستائیان اطراف شهر از جمله «نیلجه» دره مرادبیک- نرفرجان- حصار برج و ... «باغریو مرگ بر شاه و درود بر خمینی به مردم شهر پیوستند و راهپیمایی بزرگی انجام دادند. در این مراسم چندتن از روحانیون پیشگام و وکلای با وجدان سخنرانی نمودند و مردم نماز ظهر و عصر را در میدان بزرگ شهر بر پا کردند.

یکشنبه ۱۰ دیماه

● امروز شهر از مأمورین انتظامی کاملاً پاک شده است و انتظامات شهر را جوانان به عهده دارند. چهار راهها، پمپ‌های بنزین و نفت فروشی‌ها تماماً در اختیار مردم است.

نہاوند

پنجشنبه هفتم دیماه- از ساعت ده صبح ده هزار نفر برای تشییع جنازه «اکبر سوی» جوان دیلمه ۱۸ ساله‌ای که گلوله طرف راست سینه‌اش را شکافته بود از خیابان قیصریه بسمت غسالخانه آقاز به حرکت کردند، در نزدیکی شهربانی عده‌ای از جوانان به مأمورین حمله میکنند و شعارهای ... مرگ بر این پلیس بی شرافت ... و ... مرگ بر سلطنت سگ صفت پهلوی ... میدهند. اما سایر مردم و روحانیون جلو حمله به کلاتری را میگیرند.

هنگام غسل شهید آقای «حیدری» و «علیرادیان» (از روحانیون آگاه و مبارز سخنرانی مینمایند.

پس از انجام غسل شهید حدود ۲۰۰ نفر از زنان شرکت کننده در مراسم، با آهنگی که مخصوص شیهای عروسی است جسد را بمیان جمعیت آورده و از آنجا به امامزاده‌ای که سایر شهداء در آن آرامیده‌اند حمل میکنند و در بازگشت بتظاهرات خود هیجان و شدت بیشتری میبخشند بطوریکه پلیس دخالت نموده و مبادرت به تیراندازی میکند و یکنفر را کشته و چندین نفر را مجروح میازد.

● جمعه هشتم دیماه- بدنبال تظاهرات روز قبل جمعیت زیادی از طرف قیصریه و از خیابان پهلوی حرکت کردند و در میدان شهر بهم پیوستند و از آنجا بطرف خانه ستوان «بهرائی» حرکت کردند ولی متأسفانه خانه خالی بود و اثاثیه آنرا قبلاً تخلیه کرده بودند.

مردم تیرهای خانه را آتش زدند و بحرکت خود ادامه دادند اما کمی بعد خیر رسید خانه آقای «اشرفی» (فرهنگی) را که در خیابان ۱۹ دی قرار داشت مأمورین شهربانی و ژاندارمری بسرپرستی ستوان بهرائی و نصرتی، ابتدا غارت و بعد با انفجار بمب آتش زده‌اند و قبلاً ساکنین خانه‌های اطراف را برای جلوگیری از اطفاء حریق تهدید بقتل کرده‌اند.

مأمورین سفاک شهربانی سپس به منزل حاج درویش و داروخانه ایشان و همچنین داروخانه دیگری بنام «نبوی» حمله میکنند و آنها را آتش میکشند و تعداد زیادی از مغازهای مردم را خرد میکنند و پس از تیراندازی پراکنده و

دروود بر سر بازان و افسرانی که فرار انقلابی از ارتش را برگزیدند.

ارباب مردم به شهربانی بر میگردد و شب هنگام مجدداً وارد عمل میشوند و خانه «جواد رضی» را با آتش میکشند و اعلام میکنند که خانه تمام فرهنگیان مخالف را آتش میزنیم.

اصفهان

رویدادهای ذیل طی دو هفته گذشته در اصفهان بوقیع

مییوندد:

۱- ارامنه جلفای اصفهان اعلام همبستگی با مسلمانان میکنند و اعلام مینمایند از گرفتن جشن کریسمس و ژانویه خودداری خواهند کرد.

۲- بیانک صادرات شعبه بهار حمله میشود و کلیه موجودی آن مصادره میگردد.

۳- آیت الله طاهری از زندان آزاد شده و هنگام ورود بشهر مود استقبال مردم قرار میگیرد.

۴- جلسات خطابه در مسجد حکیم همه روزه ادامه داشته است.

۵- در تاریخ چهارم دیماه یکی از مأمورین ساواک از مردم کتک مفصلی میخورد و در بیمارستان میبرد.

۶- یکی از شهدای اخیر بنام «حسن شریفی ولدانی» شناسائی میگردد. نامبرده نزدیک مسجد حکیم هدف گلوله قرار میگیرد.

● شبیه نهم دیماه- آتش و دود از خیابانهای مغربه شهر زبانه میکشد، درست صحنه بعد از جنگ و بیماراران است. شیشه‌های مغازه‌ها خرد شده و درو پیکر آن کف خیابان ریخته است.

مردم مجدداً جمع میشوند و جنازه نوجوانی را که از ناحیه صورت مود اصابت گلوله قرار گرفته بود بدون روپوش سردست بلند میکنند و راه میافتند.

پلیس مجدداً تیراندازی میکند و مردم را به عقب میراند اما بتدریج جمعیت زیاد میشوند و به ۱۰ هزار نفر میرسند، همه با گرز و خنجر و هر آنچه داشتند.

خبر میرسد روستائیان اطراف برای کمک به مردم، به شهر وارد شده‌اند. پلیس یوحشت میافتد و از همدان نیروی کمکی میطلبد و یزودی دو هلیکوپتر با ۸۰ نفر کمکی وارد نهند میشوند.

مردم جنازه را بخاک سپرده و برمیگشتند که دوباره با حمله و تیراندازی پلیس مواجه میشوند. این مأمورین وحشی حیوان صفت چنگیزوار آنچه از هجوم روزهای قبل سالم مانده بود منهدم نمودند و تا توانستند آتش زدند. از دار و خانه ابتدای بازار سرداب گرفته تا مسجد جوانان. از مغازه‌ها آنچه بردشان میخورد و قابل حمل بود به غارت بردند و سپس حتی یخچالهای قصابی و لبنیات فروشی‌ها را منهدم کردند.

● یکشنبه دهم دیماه- امروز مأمورین برای قدرت نمائی با سپر و کلاه‌نخودهای مخصوص در خیابانها ظاهر شدند و ساعت ۱۱/۵ راه را بستند و مجدداً برای ارباب مردم شروع به تیراندازی کردند و عده‌ی زیادی را مجروح نمودند.

مأمورین مردم را با کتک مجبور به شمار جاوید شاه میکردند. به یکی از رانندگان ضمن تهدید گفته بودند اگر عکس شاه نداری صدتومانی جلو ما شینت بزن!

● جمعه هشتم دیماه- جمعیت کثیری از مسجد حکیم بطرف دانشگاه حرکت میکنند و در آنجا اجتماع مینمایند و پس از چند سخنرانی براه پیمائی خود خاتمه میدهند.

● شبیه نهم دیماه- حدود ۶۰۰ هزار نفر از طبقات مختلف مردم از مسجد سید بطرف دانشگاه براه پیمائی پرداخته و در جلوی درب شرقی دانشگاه اجتماع مینمایند. سپس آیت الله طاهری و آقای پروش سخنرانی و افشاگری نموده، مردم را بمقاومت دعوت مینمایند. در این روز مأمورین مستر در هوانیروز (نسل استقرار جنب دانشگاه) بطرف مردم تیراندازی مینمایند و تعدادی شهید و مجروح میگرددند از جمله مقتولین آقای موحیدیان (بازاری معروف) میباشد.

● سه شنبه دوازدهم دیماه و چهارشنبه سیزدهم- گروههای کثیری از مردم بصورت جمعی از نقاط مختلف شهر بطرف مسجد حکیم حرکت مینمایند و سپس در آنجا اجتماع مینمایند و پس از افشاگری و دعوت مردم به مقاومت، بطور آرام پراکنده میشوند.

حدود ظهر مامورین مرد کارگری را که بدنبال الاغش امرار معاش میکردند هدف گلوله قرار میدهند و گلوله به الاغ اصابت کرده او را می کشند.

بهبهان

از یک هفته پیش هر شب سه مغازه در این شهر بغارت میروند. در بهبهان حکومت نظامی اعلام نشده است ولی افراد نظامی و پلیس خود سرانه در هنگام تاریکی هوا مزاحم مردم شده و هر کس را که بخواهند دستگیر می نمایند.

در یکی از مغازه‌هایی که شبانه مورد سرقت قرار گرفته بود کسربند یک پلیس وعینکی که بعداً معلوم شد مال سروان داودی یکی از شکنجه‌گران بلند شهر بانی است پیدا شده در تظاهرات روزهای ۱۰ و ۱۱ دیماسه نفر شهید و ۱۲ نفر زخمی گردیدند. در این تظاهرات ۴۰ نفر که اکثر آنها دانش‌آموز بودند دستگیر شدند سه نفر شهید این شهر یکی طلبه و یکی مکانیک و یک نفر دیگر بچه سه ساله‌ای بود که در بغل مادرش تیر خورده. دو نفر از زخمیها روز بعد نیز درگذشتند.

هنگام حمل جنازه طلبه جوان به زادگاهش به «کلهکیلو به» تظاهرات ضد رژیم شید انجام میگردد که عده‌ای کشته وعده‌ای زخمی می‌شوند تعداد کشته‌شدگان حدود ۵ نفر می‌باشد و یکی از زخمی‌شدگان آقای «میراحمد رهبر» روحانی معروف بویر احمد و کلهکیلو به است.

بخاطر این جریان در روزهای بعد در منطقه «لنده وسوق» در نزدیک دهنشت دو پاسگاه خلع سلاح می‌شوند.

هر شب در پشت بامهای بهبهان همچنان صدای «الله اکبر» و شعارهای ضد رژیمی طنین انداز است و پلیس با وجود تیراندازی از مکانهای مرتفع بسمت مردم، نتوانسته صدای رسای مردم مسلمان را خاموش نماید و از سوی دیگر هفته‌ای نیست که در آن حداقل یک لانه جاسوسی و یا خانه پلیس توسط مردم بهبهان منجر نگردد.

رئیس شهربانی بهبهان دارای عادت وحشیانه و حیوانی عجیبی است او هر کسی را دستگیر می‌کند گاز می‌گیرد؟ و حتی این کار را روز روشن در خیابان بسر مردم در می‌آورد. خانواده‌ای که یکی از اعضایش دستگیر شده بود وقتی بعد از یک هفته موفق می‌شوند او را ملاقات کنند مشاهده می‌نمایند که در بازوان و ساقهای پا و در گردن او آثار دندان این حیوان عجیب وجود دارد.

امروز به مناسبت عزای عمومی و سالگرد حوادث خونین قم، راهپیمائی عظیمی با شرکت بیش از ۳۵۰ هزار نفر از میدان آستانه آغاز میشود. هنگام حرکت با وجود اینکه تانکها وزره پوشها در خیابان آذر توفیق کرده بودند، آقای خلخالئی از یکی از آنها بالا رفته و بعنوان منیر از آن استفاده می‌کند و خطاب به مردم و نظامیان سخنرانی می‌نماید. سپس طلبه‌ای بالای تانک رفته سخنرانی می‌نماید. بعد از سخنرانی مردم به مزار شهدا می‌روند و پس از طی ۱۳ کیلومتر در ساعت ۴ بعد از ظهر، پس از سخنرانی کوتاهی در صحن حضرت مصومه، متفرق می‌شوند.

شب هنگام مردم برای شعار دادن به خیابانها می‌آیند. در خیابان آذر مامورین به مردم می‌گویند هر چه می‌خواهید بگوئید اما از کوچه خارج نشوید و سنگ پرتاب نکنید ولی مردم دادها را اعتنائی به گفته آنها نمی‌کنند و لاستیک‌ها را آتش زده و مواد منفجره صادره به درون آتش می‌اندازند و در برخورد با نظامیان یک فرمانده را کشته و ۵ سرباز را زخمی می‌کنند.

امروز عده‌ای از جوانان شهر پس از شناسائی، به خانه سروان «افاضلی» که در خیابان دور شهر قرار دارد حمله کردند و کلبه و اسلحه‌ها را منهدم نمودند و در معرض تماشای رهگذران قرار دادند. سروان افاضلی از عاملین اصلی کشتار سال قبل قم بوده و مدتی است متواری می‌باشد و ظاهراً در شهرهای دیگر مشغول به جنایت است.

یکشنبه ۱۰/۱۰

● امروز از صبح نیروهای ارتش در خیابانها ونقاط حساس شهر مستقر شده و تظاهرات را بشدت سرکوب می‌کنند. در محل بازار بزازها عده زیادی مجروح می‌شوند و در میدان آستانه در ساعت ۱۰/۵ بعد از ظهر یک کماندو با فرمانده‌اش هدف گلوله قرار می‌گیرند و کشته می‌شوند.

دوشنبه ۱۰/۱۱

امروز مراسم تشییع جنازه شهداء از محل امام حسن عسگری شروع می‌شود و مردم از طریق جاده کاشان شهداء را تا قبرستان بقیع تشییع می‌کنند. هدایت و کنترل جمعیت را آقای حاج کلانتر عهده‌دار می‌باشند.

تعداد زخمی‌ها و شهدای امروز گفته می‌شود ۱۷ نفر بوده است که ۱۰ نفر از آنها فوت کرده‌اند و یکی از آنها هدف ۶ گلوله قرار گرفته بود.

چالوس

چون بیست و چهار ساله‌ای بنام «هرج پور» که شب اول ماه محرم مورد اصابت گلوله قرار گرفته، در بیمارستان تحت معالجه بود هفته گذشته شهید میشود. این مسلمان فعال بخش عمده‌ای از مبارزات مردم چالوس و نوشهر را هدایت میکرد.

پانزده هزار نفر از مردم چالوس در معیت روحانیون، جنازه این شهید را در مسافت هشت کیلومتر تشییع میکنند.

● در روز جمعه هشتم دیماه مجلس ختمی در مسجد جامع نوشهر برای این شهید برگزار میگردد که پلیس حمله میکند و با گاز اشک‌آور و تیراندازی مردم را متفرق مینماید.

گرگان

در روزهای نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم دیماه در شهرستان گرگان تظاهرات عظیم مردم بر علیه رژیم حاکم هماهنگ با سایر شهرستانهای ایران بر پا گردید که در حین تظاهرات نظامیان اقدام به تیراندازی بسوی مردم نمودند و در نتیجه دهها نفر زخمی و تعدادی کشته شدند، اسامی تعدادی از شهدا و مجروحین که تاکنون پست ما رسیده بقرار ذیل است

مجروحین:

- ۱- علی زاهدی
- ۲- عیسی غفوری
- ۳- سید نظام میرحسینی
- ۴- عباس قربانی
- ۵- نصرالله کریمی
- ۶- ملکزاد میرخان
- ۷- علی بابا کردی
- ۸- علی کردی
- ۹- کریم هادی نژاد
- ۱۰- اصغر سلطانیان
- ۱۱- کوکب شهریاری
- ۱۲- رمضان قربانی
- ۱۳- صدیقه بیگم شریف موسوی

شهدا:

- ۱- حمزه طیبی ۱۹ ساله
- ۲- یزدان شیخ نژاد ۲۲ ساله

رشت

در تظاهرات روزهای هشتم و نهم دیماه شهر رشت هشت نفر کشته میشوند. یکی از شهداء «ابراهیم جعفری» دبیر فعال دبیرستان بوده است که از تشییع جنازه‌اش جلوگیری میشود. در تشییع جنازه سایر شهدا، پلیس مجدداً تیراندازی میکند و جمعی دیگر را مجروح میسازد و تا ساعت ده و نیم شب تیراندازی ادامه پیدا میکند، مردم به گاراژ «جمشید فرزانه» که یکی از مزدوران پلیس است حمله میکنند.

رودسر

در تظاهرات روز جمعه هشتم دیماه این شهر دو نفر شهید و چندین نفر مجروح میشوند. روز شنبه نیز تظاهرات ادامه داشته است.

لاهیجان

بدنبال تظاهرات وسیع، مأمورین بخانه «زین العابدین قربانی» روحانی شهر هجوم میبرند و در و پنجره‌های آنرا خرد میکنند.

صوفه‌سرا

در تظاهرات روز شنبه نهم دیماه سه نفر کشته میشوند.

آستانه

بعد از تظاهرات وسیع این شهر، مأمورین بازار را با آتش میکشند.

لنگرود

تشییع جنازه یکی از روحانیون شهر بظواهرات راه‌پیمایی بزرگی تبدیل میشود.

شهباز و خرم‌آباد

بخاطر زدنی و دستبرد مأمورین بخانه‌ها، جوانها پاسداری و حفاظت شهر را بهعهده گرفته‌اند.

خوانسار

در تظاهرات وحشیانه موافقین که توسط مأمورین انتظامی حمایت میشد، نمازه‌های مردم مورد هجوم قرار گرفته و اجناس آنها تاراج میشود.

در این تظاهرات هفت نفر کشته و عمده‌ای زخمی میشوند.

دروود بر کارکنان افتخارآفرین صنایع نفت جنوب.

گلیابگان

ساعت ۸/۵ صبح امروز «اویسی» با هواپیمای نظامی با بار زیاد که قسمت اصلی آن جواهرات گرانبها بوده است ایران را بسمت امریکا ترک کرد.

امروز بجای سر بازار ارتشی، سر بازار هوانیروز در شهر پخش شده بودند و بخصوص در حوالی دانشگاه جوانان و دانشجویان را دستگیر می کردند.

صبح امروز جسد سه جوان که شب قبل در خیابانهای فقیرنشین جنوب میدان آزادی (شیاد) کشته شده بودند بر روی زمین دیده شد.

سخنرانی حفاظتی

در ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۱۰/۱۳ ستوان یکم احمدی افسر ضد اطلاعات نیروی هوایی، در سالن سخنرانی پایگاه یکم نیرو هوایی یک سخنرانی حفاظتی ایراد کرد. بمحض شروع صدای سرفه و هیس و هیس خلبانها و همافرا و درجه داران به عنوان اعتراض بلند شد. این سخنرانی برای افراد حاضر در این جلسه بیشتر بیک نمایش مضحک شباهت داشت تا یک سخنرانی حفاظتی. ناطق بمحض اینکه خواست بنحو موهنی از رهبر عظیم الشان آیت الله خمینی نام ببرد اعتراض حاضرین بوسیله سرفه و هیس و هیس پی در پی اظهار می شد. تا جائیکه مجبور شد صحبت خود را در این مورد قطع کند. او با بیان این جمله که «من یک نظامی هستم و با هیچ حزب و گروه و دسته‌ای کار ندارم و اگر بمن دستور بدهند برادرم را بکشم خواهم کشت» نفرت و انزجار حاضرین را برانگیخت.

یکی دیگر از فرمایشات ایشان که با این حرف میخواست افراد را تحت تأثیر قرار دهد این بود که شب گذشته یکی از نظامیان بچه کوچکش را به یکی از بیمارستانها میرود ولی دکتر گفته من ۲۸ تخت خالی دارم ولی بچه ترا بستری نمیکنم چون دوستانت تا صبح بیش از این تعداد زخمی و کشته برای ما می فرستند.

یکی دیگر از حرفهای مضحک او این بود که چریکهای اهل فلسطین به شاه گفته اند ما ۴۰۰ میلیون دلار می گیریم و عواملمان را از ایران خارج می کنیم تا آرامش برقرار شود که اینهم با خنده و تمسخر حاضرین مواجه شد.

سپس با عصبانیت ادامه داده و گفت: شما می خندید در حالیکه مردم همکاران شما را میکشند چنانچه یک سرهنگ ضد اطلاعات که فردی شاه دوست بود توسط همین مردم تگه تگه شد و در خانه اش پاتش کشیده شد.

این اظهار سبب شادی بیشتر حاضرین شده که هر یک بنحوی این شادی را ابراز میکردند.

بیست و دوم آذر- در تظاهراتی که در یکی از بخشهای این شهرستان (گورگه) بر پا میشد، دو نفر کشته و عده‌ای مجروح میشوند ضمناً تعدادی کامیون که بین مأموران و تظاهرکنندگان حائل شده بود توسط مأمورین ژاندارمری بطور وحشیانه مورد هجوم قرار میگیرد و خسارتهائی بآنها وارد میشود. در این حمله مدارک رانندگان توسط مأمورین بسرقت میرود.

آخرین لحظه:

یکشنبه هفدهم دیماه- امروز اطلاع یافتیم که «آزهاری» نخست وزیر سابق دولت غاصب نظامی باتفاق همسرش (عفت الملوک) با در دست داشتن پاسپورت سیاسی، فردا ایران را ترک میکنند تا بدامان اربابان امریکائی اش پناهنده شوند.

رفسنجان ۵۷/۱۰/۹

مأمورین بطرف جمعیتی که در حال راهپیمائی بودند تیراندازی میکنند و در این حادثه یک نفر بنام «اکبر مقیمی» کشته و تعداد زیادی زخمی می شوند.

معاون اطلاعات شهربانی این شهر بنام «یداللهی» در ساعت ۵ بعد از ظهر مورد اصابت گلوله قرار میگیرد و بیمارستانهای رفسنجان از پذیرفتن وی خودداری می کنند. وی هم اکنون در کرمان بستری است و حالش وخیم می باشد.

کرمان ۵۷/۱۰/۱۲

مردم کرمان به همراه کارگران و کارمندان ذوب آهن دست براهپیمائی می زنند.

کارگران و کارمندان ذوب آهن اخیراً به منظور پشتیبانی از فرهنگیان متحضر در آموزش و پرورش دست از کار کشیده اند.

راور ۵۷/۱۰/۹

مأمورین بطرف جمعیتی که دست براهپیمائی زده بودند شلیک می کنند و در این حادثه یک نفر بنام «غلامحسین رشیدی» ۲۴ ساله کشته و ۳۰ نفر زخمی می شوند.

همچنین از بیمارستان هزارتختخواهی تا ساعت یک بعد از ظهر گزارش رسید که تا آن ساعت پنج جنازه به آنجا حمل شده است.

در بازرسی از منزل سرهنگ علی زیبایی (که شرح حمله مردم بمنزلش در اخبار شماره ۹ گذشت) از طرف مردم وسائل زیر کشف میگردد. گفته میشود یکی از شکنجه گاههای ساواک در آنجا قرار داشته است.

۱- دستگاه ناخن کش امریکائی (وسیله شکنجه)

۲- کفش برقی

۳- ماشین تایپ

۴- بی سیم

۵- نامه های جعلی و ارتباطی

۶- اثر پوست سوخته شده روی یکی از وسائل شکنجه

۷- قسمتهائی از دست و کتف انسان و نیز استخوان لگن خاصره

۸- چهار تخت چهار طبقه که زیر هر کدام محل آتش با ذغال سنگ تعبیه شده است (جهت سوزاندن دستگیرشدگان سیاسی). این تخت ها در چهار اطاق نسبتاً تاریک (سه اطاق در زیر زمین و یک اطاق در طبقه بالا) قرار داشته است.

طی روزهای گذشته مردم فوج فوج با وجود ممانعت نظامیان بدیدن این آثار می رفتند.

• • •

دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران طی اعلامیه ای مردم را دعوت باستقامت و پایداری نموده و بمنظور حمایت از مبارزه کارگران و کارکنان صنعت نفت و متجلی نمودن وحدت و یکپارچگی در مبارزه، از عموم مردم خواسته اند روز پنجشنبه چهاردهم دیماه را با روزه برگزار کنند.

• • •

سیزدهم دیماه - قضا ت و کارکنان دادگستری قطعه نامه ای منتشر کرده اند و طی آن ضمن اعلام همگامی با مردم آزاده در پیکار برای دستیابی به آرمانهای مقدس ملی و مذهبی برهبری امام خمینی، هر نوع مصالحه و ائتلاف و سازش را با رژیم فعلی ایران محکوم کرده اند.

شنبه نهم دیماه - در خیابان استخر جمعیت زیادی برای گرفتن نفت اجتماع کرده بودند. در اینموقع چند مزدور ارتشی بدون توجه به صف طولانی بجلوی صف میروند تا نفت بگیرند اما مردم بشدت اعتراض می کنند و بدنبال آن مشاجره و گفتگوی لفظی در میگیرد و مأمورین سفاک و خودسر دست به اسلحه می برند و بروی مردم شلیک می کنند و پنج نفر بنامهای ذیل را می کشند:

۱- عباس صفوی دانشجوی سال هفتم دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

۲- صاحب مغازه نفت فروشی ۵۵ ساله

۳- مرد ناشناس ۳۴ ساله

۴- مرد ناشناس ۲۴ ساله

۵- نرکیس اسپانیال ۱۴ ساله

شنبه نهم دیماه - ساعت شش بعد از ظهر صدای تیراندازی مسلسلهای تیر بار از یادگان عشرت آباد شنیده میشود که گفته میشود درگیری شدیدی بین نظامیان وجود داشته و تعدادی از طرفین کشته میگردند.

یکشنبه دهم دیماه - بدنبال تظاهرات روز ۱۰/۹ که بمناسبت اولین سالگرد کشتار دستجمعی شهر قم، در تهران بر پا شده بود امروز نیز در نقاط مختلف شهر تظاهراتی پراکنده اما همراه با خشونت بسیار بر پا شد.

در نواحی مرکزی شهر گروههایی از جوانان با آتش زدن لاستیک در وسط چهارراه ها و همچنین ایجاد موانعی در مسیر خیابانهای مردم نظاره گر را دعوت به تظاهرات میکردند و با شعارهای ... مرگ بر شاه... ما میگیم شاه نمیخوایم، نخست وزیر عوض میشه... بختیار سنگ جدید دربار... نفرت خود را از رژیم و سازشکاران ابراز میداشتند.

بطور کلی این تظاهرات در مسیر خیابانهای شاهرضا، ۲۴ اسفند، تخت جمشید، آیینهاور، نواب و خیابانهای منشعب از این مسیرها و همچنین در بعضی محلات نارمک از صبح برقرار بود.

در این تظاهرات مأمورین ارتش با راهنمایی مأمورین شهربانی مداخله کرده و به سرکوبی تظاهرکنندگان پرداختند، در این سرکوبی یکی از جوانان خیابان چمن شرقی بنام «امیر استادیان» از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در همان لحظات اول بشهادت نائل گشت.

بخش چهارم

اعلامیه‌های

امضادار اشخاص

اعلامیه دکتر سجابی دعوت برای کمک به شیعیان لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم

جنگهای داخلی لبنان و مسلمان کش بیرحمانه‌ای که در این مملکت جریان دارد سخت ناراحت کننده و دردآور است و خبرهائی که از شقاوت و رفتار غیرانسانی نسبت به مسلمانهای بی پناه این سرزمین میرسد هراسان با عاطفه‌ای را مضطرب و دلسوز ساخته است.

غیراز کشته‌های بی حساب که هنوز تعداد قطعی آنها معلوم نیست گاه در روزنامه می‌خوانیم که اطفال یتیم و گرسنه و آواره زباله کوچ را زیرورو میکنند تا قوت لایموتی پیدا کنند و یا می‌شنویم که اجساد کشتگان و یا آنها که از گرسنگی و یا نبودن وسیله معالجه و زخم‌بندی مرده‌اند در کنار راهها افتاده و بوگرفته و یا طعمه درندگان میشود و کسی نیست که آنها را جمع‌آوری و دفن کند و یا میگویند که سینه کشته‌شدگان مسلمان را با تبر علامت صلیب می‌شکافند و یا میخوانیم که صدها نفر را در یک جا در زیر آوار خفه و مدفون کرده‌اند و اخیراً شنیدیم که بعضی از محصوران تشنه و گرسنه تل‌زعترا را که تسلیم شده‌اند یک جا قتل عام کرده‌اند.

همه این مصائب بدست مسیحیان اغوا شده و ایادی باطنی آنان در اسرائیل و استعمار و هواخواهان آنها که کینه اسلام را بدل دارند صورت میگیرد و دولتها و قدرتهای بزرگ هم که با بیانیه‌ها و منشورهای پرصدای خود از آزادی و حمایت ملل ستم کشیده دفاع میکنند درمقابل این فجایع و هموطن‌کشی سکوت اختیار کرده‌اند.

بی‌اعتنائی این دولتها نسبت به وضع اسفبار لبنان عجیبی ندارد زیرا اختلاف و برادرکشی در لبنان مثل ممالک نظیر در آسیا و آفریقا ظاهراً بسود آنها و منافع استعماری

آنها است اما تعجب در این است که چگونه غالب هموطنان مسلمان خود ما نسبت به این جریان بی تفاوت و بی خیال مانده اند.

دین اسلام بما تعلیم ها داده و بر ما واجب ساخته که با جسم خود جهاد در پیشرفت حق کنیم و با مال خود مددکار درماندگان و یتیمان و بیماران باشیم و بایان و عمل خود راهنمای اشتباه کاران و گمراهان گردیم. اما چطور شده است که نسبت به برادران مصیبت زده خود در لبنان اینطور بی توجه شده ایم و در این موضوع مثل آشفته گیهای دیگر اجتماعی خود بی اعتناء مانده ایم.

ما به لبنان علاقه داریم و لبنان یکی از مراکز بزرگ اسلام و عالم تشیع است. ابوذر غفاری از اصحاب خاص رسول الله (ص) در همین سرزمین مسلمانها را به پاکی و پایداری در مقابل ستم و فساد فرا میخواند و علویت را پایه گذاری کرد. مقاومت مردم لبنان بر رهبری و کمک سایر مسلمانها در قرون وسطی اسلام را از بسیج عظیم ارو پا و جنگهای پر دامنه صلیبی حفظ کرد و از همین سرزمین بزرگانی چون شهید اول و شهید ثانی و اخیراً مرحومان سید محسن و سید شرف الدین جبل عاملی که با آثار علمی و قلمی خود حق بزرگ در ترویج و تحکیم اسلام دارند برخاستند و امروز لبنان مهمترین سنگر و پایگاه مقدم در مقابل دشمنان ریشه دار و کینه توز اسلام است.

اینجانب در توان خود نمی بینم و یا امکان آن وجود ندارد که خود به لبنان بروم و در آن عرصه جانگداز مجاور مردم مضطر و بی پناه آنجا قرار گیرم و اقلأ در حضور شریک درد و آلم آوارگان مسلمان باشم اما بخدا پناه میبرم که کهولت و ضعف مرا از کمترین خدمت و انجام وظیفه که از دور ممکن باشد بازدارد....

یکی از کارهای مقدور این است که بدین وسیله از همه برادران مسلمان تقاضا کنم که از بی توجهی بپرهیزند و حال بینوایان و بیماران بی دوا و مجروحان لاعلاج لبنان را از نظر دور ندارند و بدون جنجال و تظاهر و بنحویکه ایجاد شائبه برای مقامات مملکتی ایران نیز ننمایند بقدر وسع و بهر طریق که ممکنشان باشد یا خود به لبنان بروند و مستقیماً گوشه ای از کار درماندگان آنجا را بگیرند و یا بوسیله هر کس که مورد

اعتمادشان باشد(بشرط آنکه پی جوی اقدامات همان افراد مورد اطمینان نیز باشند)
بکمک آن مسلمانان ستم دیده بشتابند. شاید که رحمت و نصرت الهی شامل حال آن
مردم و ضمناً موجب توفیق و برکت در تلاش و مجاهدات نیکوکاران گردیده و انشاءالله
اجر جزیل بر اعمال خیرشان مترتب شود.

مسئله لبنان فاجعه ای برای عالم اسلام است و نحوه عکس العملان نسبت بآن
آزمایشی است که از جانب پروردگار نسبت بما میشود و ما بخدا از خشم و انتقامش پناه
میبریم.....

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظالمین.....

تهران- ۲۲ مردادماه ۵۵ مطابق ۱۷ شعبان ۱۳۹۶

بیدالله سحابی

اطلاعیه‌های شخصیت‌های اسلامی و ملی بمناسبت بزرگداشت مراسم ترحیم محمد همایون *

بسمه تعالی

با نهایت تأسف وفات رادمرد متقی محمد همایون بنیان‌گذار حسینیه ارشاد را به اطلاع آقایان دوستان محترم می‌رساند. مجلس ترحیم در ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر پنج‌شنبه ماه جاری در مسجد ارک منعقد خواهد بود. امید است در تجلیل خدمات مخلصانه آن مرحوم به خاندان رسالت علیهم السلام و تسلیت بازماندگان شرکت فرمایید. سید ابوالفضل موسوی زنجانی - رضا الموسوی زنجانی - محمد تقی شریعتی مزینانی - سید محمود طالقانی - سید صدرالدین بلاغی.

بسمه تعالی

با کمال تأسف در گذشت رادمرد صالح و باتقوا محمد همایون مؤسس حسینیه ارشاد را که از مروجین مکتب فکری و اعتقادی امام صادق (ع) بوده است به اطلاع عموم می‌رساند مجلس ختم آن مرحوم در ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر چهارشنبه پانزدهم صفرالمظفر ۱۳۹۷ هجری در مسجد ارک منعقد است.

سید مرتضی شبستری - مرتضی مطهری - سید محمد بهشتی -
هاشمی رفسنجانی - محمد مفتح - سید محمد خامنه‌ای - محمد جواد حجتی -
سید عبدالکریم موسوی اردبیلی - محمدرضا مهدوی - سید هادی خسروشاهی -
محمی الدین انواری - محمد جواد باهنر - علی اصغر مروارید - سید عبدالغفار سجادی -
جعفر شجونی - علی غفوری - فضل الله محلاتی - نجم الدین اعتمادزاده - علی

ه - انتشار این اطلاعیه‌ها در سال ۱۳۵۵ با توجه به خفقان موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، لذا اقدام به چاپ آن گردید.

حجتی - علی تهرانی - سیدرضا برقی - لاهوتی - مهدی باقری - سید محمد باقر
 مهدوی - امامی کاشانی - مصطفی ملکی - عباس توکلی کرمانی - هادی
 غفاری - موسوی خوئینی - اباذر بیدار اردبیلی - علی اکبر ناطق نوری - علی دوانی -
 سید مهدی امام جمارانی - مهدی کروی - مهدی شاه آبادی - موحدی ساوجی .

بسمه تعالی

در گذشت راد مرد نیکو و بزرگ، باقی گذارندهٔ عمل صالح مؤسسهٔ دینی و
 علمی حسینیۀ ارشاد و خدمتگزار صدیق راه حسین شهید(ع) محمد همایون را به اطلاع
 دوستان تقوا و فضیلت می رساند. مجلس یادبود آن مرحوم در ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر
 چهارشنبه پنجم بهمن ماه جاری در مسجد ارک برقرار است. حسین اخوان فرسچی -
 ابوالفضل احمدی - علی امیر پور - رضا اصفهانی - علی اصغر آشوری - ارتضاء -
 سید فخرالدین اردهالی - مهدی بازرگان - عبدالعلی بازرگان - فتح الله بنی صدر -
 محمد بسته نگار - امیر حسین پولادی - دکتر حبیب الله پیمان - عبدالعلی پرتوعلوی -
 دکتر تابنده - حاج علی تحریریان - عباس تحریریان - ابوالفضل توکلی - محمد
 توسلی - دکتر توانائیان - محمد مهدی جعفری - محمدرضا حکیمی - ابوالفضل
 حکیمی - مهدی حکیمی - فخرالدین حجازی - مهندس حریری - دکتر عباس
 حائری - حاج کاظم حاج طرخانی - احمد صدر حاج سیدجوادی - دکتر علی اصغر
 حاج سیدجوادی - عبدالله خزائی - دکتر علی خواجوی - عزت الله خلیلی - خوش
 صولتیان - محمد درویش - حسین دیانت مقدم - عباس رادنیان - عبدالله رادنیان - بهمن
 رضاخانی - جواد رفیق دوست - رحیمیان - رضازاده - محمدجواد رجائیان -
 عطاء الله زاهد - یوسف زمریان - دکتر کاظم سامی - دکتر یدالله سبحانی - دکتر کریم
 سنجابی - سیدغلامرضا سعیدی - دکتر شایورد - دکتر شبیانی - شاه حسینی -
 شانه چی - شریعت رضوی - سیدمحمد علی صفیر - علی صدری - حسین صبحدل -
 هاشم صباغیان - احمد صادق - دکتر عبدالحسین علی آبادی - احمد علیباثی -
 عزیزالله علاء الدینی - دکتر عالی - داریوش فروهر - فنائی - غلامرضا قدسی -

قمی راده - حسین کاشانی - مصطفی کتیرائی - شیخ غلامرضا کنی - ناصر
کلاری - گل احمر - عبدالکریم لاهیجی - قاسم لباسچی - محمود مانیان - ناصر
میناچی - حسین مهدیان - دکتر اسدالله مبشری - کاظم متحدین - هوشنگ
مصلحی - یاسر منصوریان - دکتر محمد ملکی - مصطفی میرخانی - علی اکبر
معین فر - محمد طایر ملیحی - محمد علی مرادی - مادرشاهی - محسنیان - منصور
ناظری - دکتر یحیی نظیری - حسن نزیه - دکتر عباس نکوفر - محمد علی نوید -
علی اشرف والی - یزدانیان.

نامه مهندس بازرگان به استاد محمد تقی شریعتی
بمناسبت شهادت دکتر علی شریعتی

بسمه تعالی

استاد اجل و پدر بزرگوار جناب آقای محمد تقی شریعتی قربانت گردم. قصد تشرف بمشهد و وظیفه خدمت در مجلس ترجمه دکتر علی خودمان برای همناله شدن با آن پدر خمیده‌داغ‌دیده و هزاران نفر ماتمزده بهت‌زده داشتم. گرفتاری و بی‌سعادت‌ی مانعم شد ناچار بدینوسیله عرض سلام و تسلیت مینمایم.

مصیبت نه چنان است که بتوان خاموش نشست و نه انحصار بجناب‌عالی و به خویشاوندان و همشهریان دارد. مصیبت مصیبت نسل رشد یافته تشنه شده حقیقت و فداکاری یک ملت است! بنده که در فوت مرحوم پدرم و مادرم این اندازه تأثر و تسلیت در هر رهگذر دریافت نکرده بودم.

علی که با ادراک و آثارش بسال روشنتر و صافتر میشد و جامعه را روشنتر میساخت شاخسار پرثمری از آن پدر پرفضل و اخلاص بود که در بحبوحه احتیاج و استقبال از سنگینی بار شکسته شد و با افتادن او امیدها و آرزوها بزمین ریخت.

مصیبت دیگر آنکه دوستان نتوانند در عذایش دور هم نشسته دعا کنند و فضائش را بگویند ولی سازمان دشمنی که در زمان حیات او را بدنام و از درس و ارشاد و دانشگاه برکنار کرد و نوشته‌هایش را مدرک جرم و بهانه‌شکنجه جوانان قرار میداد و خودش را در زندان و سپس در جدائی از مردم انداخته با فشارها و نقشه‌ها دق‌کشش کرد حالا تسلیت سرا و مدیحه‌خوانش میشود. البته به این خیال که طبق داستان‌هایی که از او شنیدیم مانند آن کناس کلاش مزینانی خود را به او بمالد تا آلوده‌اش کند...

علی با قلب و قلمش جوا بگوی مسائل فکری و مشکلات روانی جوانان مسلمان ما بود. مرگش مظهري از ابتلاهای خاص زمانه متلاطم معاصر گشت و درسی برای

مواجهه با مسائل علمی و مقاومت در برابر مشکلات اجتماعی.

از خداوند حکیم صبر و پاداش بزرگ برای پدری که غیر از علی فرزندان ارزنده دیگر تربیت و تحویل جامعه کرده است مسئله مینمایم و از نسل جوان پرشور می‌خواهم جنازه و خاطره‌اش را بجای ناله و یاس با صبر و امید و عزم بدوش بکشند و افکار و آثارش را مشایعت نمایند.

انالله وانا الیه راجعون

مهدی بازرگان

۶/تیر/۱۳۵۶

اعتراض مهندس بازرگان در مورد محکومیت مجدد آیت الله طالقانی به علمای اعلام و مراجع عظام

بسمه تعالی

محضر انور علمای اعلام و مراجع عظام دامت برکاتهم

در این مملکت بی پناه و پایه که امر و قضا و قانون در یک جا جمع شده، نه میتوان تظلم بنزد ظالم برد و نه قبول ظلم کرد و ساکت نشست، شکوه و درد دل بحضور پیشوایان دین و مامورین دفاع از حق و عدل می آورم تا ندائی و دعائی بطلبم. شاید بگوش دنیا و به اجابت خدا برسد.

حضرات عظام بخوبی آقای حاجی سید محمود طالقانی را میشناسند و از فضل و زهد و از مجاهدات دیرینه ایشان در اشاعه قرآن و ارشاد جوانان استحضار دارند. سید جلیل القدر را سازمان مدعی امنیت در دو سال قبل معلوم نیست بچه اتهام واهی همراه با عده دیگری از افاضل و اتقیاء روحانیت دستگیر نمود. سپس بدون ملاحظه کِیْرَسَن و کسالتهای عدیده مدت مدیدی معظم له را در زندانهای طاقت فرسا اسیر کرده است در حالیکه اظهار میشد زندانیان سیاسی ایران تماماً مارکسیست هستند. اخیراً نیز علیرغم ادعای دیگرشان که محاکمات ما قانونی و علنی است آیت الله طالقانی را بدون اطلاع حضور حتی افرادی از خانواده در دادگاههای نظامی (وشاید بطورغیابی) به ده سال محکوم کرده اند!

آیا آیت الله طالقانی کمونیست بی دین بوده یا جانی خرابکار؟

آیا کسانی که این مجتهد را بازداشت و محکوم کرده اند کوچکترین صداقت قضائی و شرعی داشته اند؟

آیا در سایه حکومت بقول خودشان دموکراتیک و مدافع حقوق بشر و مسلمان

نباید کمترین حق دفاع از آزادی و حیات برای افراد ملت خصوصاً زبدگان روحانیت وجود داشته باشد؟

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعزبها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله

مهدی بازرگان

۵۶/تیر/۲۹

۱۳۹۷/شعبان/۳

اعتراض دکتر سبحانی به دادرسی ارتش در مورد محکومیت مجدد آیت الله طالقانی

بسمه تعالی

دادرسی محترم ارتش

رای محکومیت حضرت آیه الله طالقانی بده سال زندان نزد مردم و خصوصاً جوامع علمی و اسلامی با حیرت و تأسف زیاد تلقی شده است. آیه الله طالقانی مردی است زاهد و متقی و عالمی است ذی فن که در ارشاد مردم و خصوصاً تربیت جوانان کمتر نظیر دارند و خدمات ارزنده اسلامی و اجتماعی ایشان همواره منشاء امید بسیار در اصلاح عمیق و اساسی جامعه و پیشگیری از انحرافات اخلاقی و فکری بوده است. بنابراین محکومیت سنگین آقای طالقانی در دادگاه غیرعلنی، در شرایطی که مقامات عالیه مملکت نیز حفظ حقوق قانونی انسانها و زندانیان سیاسی را لااقل طی مصاحبه ها و سخنرانی های خود لازم می شمردند، نمیتواند قابل توجیه باشد.

اینجانب که از سالها پیش واقف از خدمتگزاریهای علمی و دینی و اجتماعی جناب آقای طالقانی و پاکی نیت و حسن عمل و فداکاریهای ایشان در طریق خیر و اصلاح جامعه بوده ام، ایشان را از هزرها می دانم که بزبان ملت و مملکت و اجتماع باشد

مبرا میدانم، علیهذا با اجازه مقررات و قوانین موضوعه ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر پیشنهاد میکنم ترتیبی اتخاذ شود که حضرت آیت الله طالقانی در دادگاه تجدیدنظر از انتخاب وکیل غیرنظامی و محاکمه علنی در حضور ناظران برخوردار باشند و برای آنکه همگان از چنین محاکمه مطلع شده و علاقمندان، از جمله خود اینجانب، بتوانند در دادگاه حاضر شوند روز و ساعت محاکمه را در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یومیه و وسائل مقتضی دیگر اعلام فرمایند.

با احترام و تشکر قبلی

یدالله سبحانی

تهران- دروازه شمیران- خیابان فخرآباد شماره ۵۴

تلفن ۷۵۳۹۹۰

۱۳۵۶/تیر/۳۰

اعتراض وکلای انتخابی آیت الله طالقانی به رای دادگاه نظامی ایشان

بسمه تعالی

ریاست دیوانعالی کشور

رونوشت ریاست دادرسی ارتش

چون بقرار اطلاع حضرت آیت الله آقای سید محمود طالقانی اینجانبان را بعنوان وکلای خود تعیین و به دادگاه نظامی معرفی نموده اند لذا این لایحه تنظیم و تقدیم میگردد.

حضرت آیت الله طالقانی متعاقب دو سال بازداشت غیر قانونی در دادگاههای بدوی و تجدید نظر نظامی بده سال زندان محکوم شده اند.

صرفنظر از مساله عدم صلاحیت دادگاههای صادر کننده این رای مخالف قانون وجدان و فارغ از مدافعات ماهوی که بموقع خود اعلام خواهد گردید هیچیک از قواعد و مقررات آمره قانونی که دادگاههای نظامی بموجب قانون دادرسی و کیفر ارتش مکلف

باجرای آن هستند در این باصطلاح «دادرسی» رعایت نشده است.

۱—حق انتخاب وکیل، حق مطالعه پرونده، حق ملاقات و مذاکره و مشاوره با وکیل که در مواد ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۲۶، ۲۲۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش تصریح شده در مراحل بدوی و تجدیدنظر از معظم له سلب گردیده است و دادگاههای بدوی و تجدیدنظر نقض قانون را تا بدانجا رسانیده اند که حتی رعایت قواعد و مهلت های قانونی را هم که برای حفظ حقوق متهم و حرمت حق دفاع پیش بینی شده است ضروری تشخیص ننموده اند!

۲—دادگاههای بدوی و تجدید نظر برخلاف صریح ماده ۱۹۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش بنحو غیر علنی و در محیطی غیر متناسب با حق و عدل و قانون تشکیل شده است.

۳—از آنجا که با وجود تقاضای حضرت آیت الله طالقانی از هیچ یک از وکلای معرفی شده از ناحیه معظم له برای دفاع از ایشان دعوتی بعمل نیامده و جلسه تشریفاتی محاکمه در غیاب وکلای تعیینی ایشان تشکیل گردیده و حکم محکومیت غیر قانونی به یکی از شخصیت های والا و پراج مذهبی و ملی و علمی ایران تحمیل شده و با سانسور شدید مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی این موضوع از دیدگاه مردم ایران مکتوم مانده است امضاء کنندگان بعنوان وکلای حضرت آیت الله طالقانی ضمن اعتراض به رأی ظالمانه صادره از دادگاههای بدوی و تجدید نظر مستنداً بمواد ۲۶۸ و ۲۷۱ و ۲۷۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش تقاضای رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور را داریم.

اول شهریور ماه ۱۳۵۶

احمد صدر (حاج سید جوادی) — حسن نزیه — عبدالکریم لاهیجی وکلای دادگستری

اعتراض دکتر سحابی به افتراآت کیهان

بسمه تعالی

اداره روزنامه کیهان

در شماره ۱۰۲۸۵ مورخ ۱۶ مهرماه جاری آن روزنامه خبری تحت عنوان «تظاهرات عوامل مارکسیست اسلامی در پاریس و شهرری» درج شده بود که حاوی بسیاری از مطالب غیر واقع و تغییر مفاهیم و نسبتهای ناروا بوده و لذا از جهت توضیح و تکذیب آنمطالب، این نامه را تقدیم و بنام حق و قانون تفاضامیکنم که متن آنرا بدون تغییر در روزنامه دستور چاپ فرمائید و از حسن توجهی که در این باره مبذول خواهید داشت قبلاً تشکر میکنم.

۱- اینجانب از جمله افرادی بودم که روز جمعه ۱۵ مهرماه جاری بنابعدت عمومی که مضمون آن در ذیل صفحه ۳ نقل شده است بحکم وظیفه دینی و ملی و بخصوص که فرزند من هم جزء زندانیان ستمدیده سیاسی است بحضرت عبدالعظیم رفتم و در ساعت ۴/۵ بعدازظهر باتفاق چند صد نفر دیگر که حضور یافته بودند، بهمان نحو که در دعوت نامه قید شده بود، در صحن شمالی حرم در مراسم زیارت و دعا شرکت نمودم. پس از خاتمه دعا هم جمعیت با آرامش و سکوت متفرق گردید و من و همراهان نیز بشهر بازگشتیم.

در تهران شنیدم که پس از مراجعت ما، جمعی از شرکت کنندگان تازه وارد که همراه آنان عده‌ای از خانمهای دردمند منسوب بزندانیان بودند، چون دیر رسیده بودند، در سه راه ورامین و در محل پارکینگ زاویه مقدسه اجتماعی نموده و شعار و فریاد دادخواهی بلند کرده‌اند، ولی ماموران پلیس با ضرب و شتم با آنان رفتار نمودند و بشهادت ناظرین، عده‌ای از آنان واز جمله چند نفر از خانمهای محجبه را بسختی مضروب و بکلانتری منتقل و روانه زندان کرده‌اند. چنین مفاهیم از خبرآن روزنامه

مستفاد نمیشد.

۲- در چند جا از خبر روزنامه، از آیت الله خمینی بابی احترامی نام برده‌اید و دفاع ایشان را از مقررات دین بعنوان مخالفت‌های تحریک‌آمیز راجع باصلاحات ارضی و تساوی حقوق زن و مرد و غیره متذکر شده‌اید، در حالی که ایشان در مقام مرجعیت و فتوا، نظری جز دفاع از حریم دین و روشن بینی مردم بحقایق اسلام نداشته و ندارند.

وقتی دستگاه حاکمه بابی احترامی نسبت با آقای خمینی رفتار میکند و شما هم مجبور میشوید که در روزنامه خود از ایشان، و دوازده جناب ایشان مانند فرد مغرض خطا کار با کسرو تخفیف نام ببرید، آیا قلب و روح علاقمندان و تقاضاکنندگان از ایشان رازنجه و آزرده نمیسازید؟

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان بزشستی برد
در این اوقات که گفتارها و مصاحبه‌ها و نوشته‌های زیاد از طرف مقامات مختلف مملکت راجع با شفتگی اوضاع کشور و تنگناها و بحرانها و فسادهایی که در شئون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و زندگی عادی ما پدید آمده‌است، منتشر میشود و مردم را بخوشبینی و همکاری فرامیخوانند، آیا با این چنین بسی اعتنائی و بی حرمتی نسبت با اعتقادات باطنی مردم، انتظار همدلی و همکاری آنانرا میتوان داشت و آیا بارواج بی حد دروغ و ریا و تملق و سایر فسادها و بدون اقدام اساسی در رفع آنها امیدی برای اصلاح آشفستگی‌های موجود جامعه میتوان پیدا کرد؟

در چند جا از خبر روزنامه تأیید احتمالی آیت الله خمینی از آقای سید مهدی هاشمی را خطا و کار نادرستی از آقای خمینی جلوه داده‌اید اولاً چنین تاییدیه محقق و قطعی نمیباشد تا کتون کسی از آن جز آنچه در روزنامه‌های تهران نوشته شده و مامورانی که چنین خبر را بروزنامه‌ها داده‌اند چیزی نشنیده و یا نخوانده‌است. ثانیاً بفرض آنکه چنین دفاع صورت گرفته باشد، باتوجه بآنکه بی گناهی آقای هاشمی در قتل مرحوم شمس آبادی بحد شیاع رسیده و زبانه‌زد هر محفل و مقام است، چه خطا و امر خلافی صورت گرفته‌است؟ مگر کسی حق ندارد عقیده خود را درباره فردی که مورد محاکمه‌است و برای روشن شدن ذهن دادرسانی که آن فرد را محاکمه میکنند، ابراز

نماید؟ آنهم کسی که مرجع تقلید است و مورد ارجاع تظلم و دادخواهی .
اظهارنظر احتمالی در بیگناهی آقای هاشمی دلیل برعدم وجود جرم نسبت بقتل
فقید مرحوم آقای شمس آبادی نیست. باید دوازده جنجال و غرض ورزی و یاتحقیق و
دقت بیشتر مجرم و یامجرمین را شناخت و برطبق قانون آنرا محاکمه نمود.
۳- اماراجع با آقای لطف الله میثمی و فرزند من مهندس عزت الله سبحانی که
درچند جا از روزنامه آنراوا بسته و کارگردان گروه مارکیست اسلامی و تروریست
معرفی نموده اید.

ابتدا باید دید مارکیست اسلامی یعنی چه؟ این اصطلاح و شایعه آن از
مخترعات و ساخته و پرداخته های ماموران بدخواه و نفاق افکن امنیت مملکت است،
مسلمان مومن و عامل، ممکن نیست مارکیست باشد. همینطور که مارکیست ها
هم با اصول اسلام و عمل بمقررات دین پایبند نمی باشند. آنانکه ادعای مارکیسیم
اسلامی را می کنند و یاجنین ادعارا نسبت بدیگری میدهند، ادعایشان گرافه ای بیش
نیست. مهندس میثمی و فرزند من مهندس سبحانی مسلمان عامل اند و دلسی در گرو
مارکیسیم ندارند. خاطره و آگاهی من از آقای میثمی فقط مربوط به ایام دانشجویی
اوست و از دوره های بعد زندگی ایشان اطلاع کافی ندارم.

بنابر خبر روزنامه شما دوچشم آقای مهندس میثمی درگیرودارنابینا شده است و
گویا از یکدست هم محروم است و من نمیدانم با کدام رحم و انصاف این جوان مصدوم
را هنوز اسیر زندان نموده اند. این جوان بشهادت آنانکه او را میشناسند و بنقل قول از
آنانکه در زندان او را دیده اند، وی مسلمانی است مخلص و جز با آداب اسلامی عمل
نمیکند و بستگی بمارکیسیم ندارد.

فرزند من مهندس سبحانی قبلاً پنج سال متناوب و حالا شش سال متوالی است
که بجهت حقوقی و حق خواهی، ولی با اتهام واهی اقدام بر علیه امنیت کشور در زندان
است آنهم زندان تبعیدی در شیراز.

درموقعیکه محکومیت سنگین ۱۱ سال زندان جدید را برای فرزند من تعیین
می کردند، از اتهام جدید مارکیست اسلامی و تروریستی هیچ خبری نبود و چیزی از

این مقولات در پرونده محکومیت اصلی او منعکس نمیباشد، ولی حالا او را مارکسیست و تروریست و حتی گرداننده چنین گروهها معرفی مینمایند و شما هم این افتراهای سوزآور را در روزنامه خود منتشر مینمائید.

فرزند من مهندس عزت الله سبحانی بقدر وسع پویای راه خدا و آرزومند خدمتگزاری بخلق خدا است از تربیت خانوادگی و سازمان فکری و منش و روش و خاطره افرادی که او را می شناسند و با او زندگی کرده اند و حتی مامورانی که بنحوی با او در زندان در تماس بوده اند گواه بر این مصداق است.

از خدمات علمی و اجتماعی فرزند خود مهندس سبحانی در فواصل کوتاه آزادی که بین دوره های زندان داشته است بهتر است ذکر نمایم تا نه موجب طول کلام شود و نه احتمال ریا.

در اینجا لازم است متذکر شوم که در این نامه مطلقاً نظری در دفاع از دین و یا انتقاد از عقیده مارکسیسم نیست و اقتضای چنین بحث در اینجا نمیباشد.... آنچه فعلاً در توضیح آن مبادرت شده نسبتهای خلاف واقع و دور از حقیقتی است که برای انحراف افکار عمومی و تحریک بر علیه جمعی از مسلمانان گرفتار و بیگناه، بوسیله ایادی بدخواه در آن روزنامه و سایر روزنامه ها منتشر شده است.

این نسبتهای ناروا و اتهامات تازه سازی اساسی که برای زندانیان محروم و بیدفاع، ناراحتی ها و فشارهای روحی جدید ایجاد میکنند و برای فرزندان و مادران و همسران و دیگر بستگان در انتظار آنان نگرانی و زخم تازه ای بردل ریش آنان میگذارد، با هیچیک از موازین انسانیت و آزادی وفق نمیدهد و در این مقال بیان سرور شهیدان، در لحظات آخر حیات، در خطاب بماموران فریبکار عبیدالله و یزید ستمکار بهترین زبان حال و حسن ختام است که فرمود:

اگر برای شما دینی نیست و از فرجام اعمال ناپسند خود نمی هراسید، پس اقلاد در دنیای خود آزاد مرد باشید.

ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فكونوا احراراً فی دنیاکم

بدالله سبحانی - استاد سابق دانشگاه

اعلامیه گروهی از شخصیت‌های اسلامی و ملی بمناسبت مجلس ختم حاج سید مصطفی خمینی

بسمه تعالی

ضمن عرض تسلیت به محضر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی خمینی، ضایعهٔ اسف آور فقدان غیر مترقبهٔ عالم متقی مرحوم سید مصطفی خمینی را به عموم مسلمانان تسلیت می‌گوئیم. بدین مناسبت روزیکشنبه هشتم آبان ماه جاری ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در مسجد ارک مجلس ختمی برای بزرگداشت آن فقید عزیز تشکیل می‌شود.

دکتر محمد اسلامی، مهندس محمود امیراحمدی، مرتضی افشار- علی اسپهبدی- مهندس مهدی بازرگان- مهندس عبدالعلی بازرگان- محمد بسته‌نگار- عبدالعلی پرتو علوی- دکتر حبیب‌الله پیمان- مهندس رضا پویان- امیرحسین پولادی- حاج علی تحریریان- عباس تحریریان- محمد رضا توحیدی- مهندس محمد توسلی- سید محمد مهدی جعفری- فخرالدین حجازی- تقی حاج طرخانی- دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی- ابوالفضل حکیمی- مهندس حسین حریری- مهندس یزدان حاج حمزه- دکتر علی خواجوی- محمد درویش- مهندس ذبیح‌الله دبیر- ذوالقدر- بهمن رضاخانی- عباس رادنی- عبدالله رادنی- محمد جواد رجائیان- محمد راضی- شیخ مصطفی رهنما- دکتر یدالله سبحانی- دکر کریم سنجابی- ایرج سبحانی- دکتر فریدون سبحانی- سید عبدالغفار سجادی- دکتر کاظم سامی- محمد تقی شریعتی مزینانی- مهندس قاسم شکیب‌نیا- دکتر عباس شیبانی- دکتر باقرشایورد- شاه حسینی- محمد شانه‌چی- مهدی شفیق- مهدی شاملو- احمد صدر حاج سیدجوادی- احمد صادق- دکتر ابوالقاسم صادقی- مهندس هاشم صباغیان- مهندس منوچهر صنیع‌پور- سید محمود طالقانی- دکتر ابوالحسن طلوعی- مهندس یوسف طاهری- ابوالحسن طالقانی- حسین طالقانی-

جلال طاهری - احمد علی بابائی - عزیزالله علاءالدینی - دکتر حسین عالی -
 داریوش فروهر - قاضی - مهندس مصطفی کتیرائی - دکتر احمد کتیرائی - مرتضی
 کتیرائی - شیخ غلامرضا کنی - دکتر عبدالکریم لاهیجی - دکتر محمد باقر
 لواسانی - دکتر پرویز لولاوز - قاسم لباسچی - محمود مانیان - مهندس علی اکبر
 معین فر - دکتر ناصر میناچی - حسین مهدیان - مؤتمنی - هوشنگ مصلحی - محمد
 باقر مهدوی - مهندس مرتضی مقدم - یاسر منصوریان - مهندس حسین مقدم نیا -
 ابوالفضل مرتضایی - محمود مرتضائی فر - سید محمود میرفندرسکی - منوچهر
 مسعودی - کاظم متحدین - حسن نزیه - مهندس محمد تقی نکوفر - عباس نوری -
 حسین نائب حسینی - دکتر محمد علی واعظی - مهندس اکبر والی - دکتر
 سیف الله وحید - دکتر کاظم یزدی .

تحلیل ریشه‌های انحراف رژیم شاه و زمینه‌سازی انقلاب

بسمه تعالی

بیانیه درخواستهای همگانی

نظامی که در بیست و چهار سال اخیر قدرت سیاسی و اقتصادی را در کشور ما اعمال میکند با بحران آشکاری روبرو شده است. این بحران نتیجه ضروری سیاست و روش کشورداری هیئت حاکم ایران در این دوران بیست و چهار ساله است، این دوران از زمانی آغاز شد که گروه‌های حاکم ایران بیاری نیروهای جهانگستر توانائی یافتند که مردم را از حضور و دخالت در زندگی سیاسی و عمومی محروم سازند و حکومت متکی بر اراده مردم را از اعمال قدرت سیاسی بازدارند.

دست آورد این دوران بیست و چهار ساله را نمیتوان و نباید در مشکلات فنی و موضعی کنونی خلاصه کرد. این مشکلات خود چیزی جز برخی مظاهر و نتایج مختم رویه‌های مستمر نظام سیاسی و اجتماعی کنونی نیست.

واضعان قانون اساسی ایران چون دیگر پایه‌گذاران حکومت‌های مردم ب مردم در دنیا، به آثار نامطلوب حکومت‌های مطلقه در جریان تاریخ ایران و جهان کمال وقوف را داشتند و در پی آن بودند که نظامی را در جامعه رهائی یافته از استبداد بنیان نهند که از هر نوع بازگشت به دوران مالک الرقابی مصون باشد و در این راه بود که نظام سلطنت مشروطه را پایه‌ریزی کردند. اطلاق هر عنوان دیگری بر نظام مشروطیت در حکم نفی مشروطیت است و نشانه‌ای است از گرایش به بازگشت دوران مطلق العنانی و مالک الرقابی، و این خود بامبانی قدرت ملی در جهان امروز مغایرت دارد.

در جهان امروز آن نظام سیاسی شایسته احترام است که جامعه را بر اساس رعایت حقوق ذاتی و شئون و حیثیت انسانی افراد که اعلامیه حقوق بشر و میثاق‌های حقوق بشر مبین و مدافع آنهاست اداره کند.

دست آورد نظام حاکم بر ایران در بیست و چهار سال گذشته ایجاد محیطی است که در آن شأن و حیثیت حقوق انسانی افراد بطور مستمر پایمال میشود.

درجهان امروز، آن ملت قرین حیثیت و اعتبار سیاسی است که تعیین کننده سرنوشت خویش باشد. جلوگیری مداوم نظام حاکم از اعمال این حق مردم، سلب حیثیت سیاسی از ملت ایران است، فراهم آوردن امکان مشارکت همه افراد و گروههای اجتماعی در تعیین سرنوشت خود اعاده حیثیت سیاسی ملت ایران را تضمین میکند.

درجهان امروز آن قدرت سیاسی پذیرفتنی است که بر قهر و زور و فریب و نیرنگ استوار نباشد و تحمیق اکثریت و تطمیع اقلیت را روش خود نداند. قدرت سیاسی ایران با توسل به زور، با عوام فریبی و فریبکاری، با انتخاب منافع اقلیت بعنوان تنها معیار خیر و مصلحت عام، عملاً از خود سلب اعتبار نموده است.

درجهان امروز، آن قدرت اجرائی پذیرفتنی است که با آباد ساختن کامل مردم و در تعادل با قوای مقننه و قضائیه، وظائف خود را انجام دهد.

قدرت اجرائی که دست آورد نظام کنونی بر اساس تضعیف دائمی قوای مقننه و قضائیه و انکار ضرورت آگاهی مردم از امور عمومی و سلطه روز افزون و خود سرائی دستگاه اجرائی تحقق یافته است. دستاویز قدرت اجرائی در ادامه چنین طریقی، ادعای حفظ ثبات و امنیت سیاسی از یکسو و پیچیدگی مسائل تخصصی و فنی از سوی دیگر است. قوای سه گانه مملکتی، بعنوان مظاهر اراده مردم، یکسان وظیفه دار حفظ ثبات و امنیت سیاسی هستند و هیچ یک از این قوا بتنهائی نمیتواند خود را پاسدار ثبات و امنیت سیاسی بداند. اما در نظام سیاسی کنونی واقعیت اینست که یکی از قوای سه گانه یعنی قوه اجرائیه، حفظ ثبات و امنیت سیاسی را مستمسک گسترش خود سرانه قدرت خود قرار داده است. این امر نشانده آشکار عدم ثبات و امنیت سیاسی است و نتایج ناخوشایند آن انکار ناپذیر است، پیچیدگی مسائل تخصصی و فنی نیز نمیتواند ادامه سیاست پرده پوشی و استتار قدرت اجرائی را توجیه کند. این وظیفه هر قدرت اجرائی متکی به آراء عمومی است که از بکار بردن زبان و اصطلاحات اهل فن (که در دفاع و تسجیل منافع این گروه بوجود آمده است) پرهیز جوید و مسائل همگان را بزبان همگان بیان کند تا موجبات علاقمندی و مشارکت عمومی را در سرنوشت جامعه فراهم آورد.

درجهان امروز آن نظام اقتصادی پذیرفتنی است که در وابستگی بانظامهای

اقتصادی مسلط جهان گسترش نیابد و منافع اقلیت را بر منافع اکثریت ارجح نداند. دست آورد نظام حاکم بیست و چهار ساله کنونی، اقتصادی است که با مرجح داشتن منافع گروههای جهانی بر منافع ملی، منافع گروههای شهرنشین بر منافع گروههای روستائین و کوچ‌نشین، منافع اقلیت حکومت‌کننده بر منافع اکثریت حکومت‌شونده، منافع و امکانات کشور را در خدمت سرمایه‌های بین‌المللی نهاده است. بهره‌ای که از این طریق نصیب قدرت سیاسی حاکم می‌گردد موجبات ادامه حیات خودسرانه این قدرت را فراهم می‌آورد و رشد فعالیت واسطه‌کاران و دلال مشتریان را در کلیه سطوح واقعیت اجتماعی و اقتصادی ممکن می‌سازد. این اقتصاد در آنجا که حفظ و گسترش منافع قدرتهای جهانی و اقلیتهای داخلی اقتضا کند تا زیاده‌روی و اسراف در بکار گرفتن منابع داخلی و یا کوتاهی و امساک در بهره‌برداری از امکانات موجود همراه است. چنین نظام اقتصادی در خدمت خود نیست، در خدمت بیگانه است.

در جهان امروز آن محیط اجتماعی و سیاسی پذیرفتنی است که بر اساس اقدامات خودسرانه و خشونت‌آمیز، بر اساس استبداد و خفقان، بر اساس فساد و ارتشاء استوار نباشد. محیط اجتماعی و سیاسی که دست‌آورد نظام کنونی است بر اساس اعمال خشونت روزمره و پایدار در کلیه سطوح، بر اساس تحمیل و تشویق فساد و رشوه‌خواری، بر اساس ترویج بی‌علاقگی افراد بامور عمومی و اجتماعی، بر اساس محروم ساختن افراد از آزادی و حقوق مدنی و اجتماعی و منحرف ساختن افکار عمومی (از طریق جایگزین ساختن امور فرعی و خیالی بجای مسائل اصلی و واقعی و از طریق بازی الفاظ و جداساختن حرف از عمل) استوار است این چنین محیط اجتماعی و سیاسی از همه جهات باخیر و سعادت مردم تعارض دارد.

در جهان امروز گفتگو از فرهنگ زمانی پذیرفتنی است که آدمیان از امکان آزاد و کامل پرورش استعدادهای خود برخوردار باشند و دور از هرنوع فشار و اجبار زندگی مادی و معنوی خود را در زمینه‌های معاشی و عقیدتی و مذهبی تنظیم کنند. اگر نحوه گذران زندگی روزانه را نشانه دنیائی از فرهنگ مردم زمانه‌ای بدانیم، باید بپذیریم که دست‌آورد این دوران بیست و چهار ساله، فرهنگی است بر اساس تقلید کورکورانه، نفی

خویشتن و اثبات غیر، جلب نفع فردی بقیمت تجاوز بحقوق دیگران، زرق و برق تهی و چشمگیر و هوس‌ها، گسترش بی رویه و مفرط زندگی مصرفی، قلب تاریخ و مسخ مفاهیم گسترش میباید. چنین فرهنگی، که با فرهنگ گذشته ایران بیگانه است، شایستگی هیچ ملت پیشرو و هوشیاری را در این زمانه ندارد.

جامعه ایران با بحران عمیق روبرو است و در آنچه گذشت به مهمترین جلوه‌های این بحران اشاره کرده، آنچه واقع چنین وضع بحرانی را بوجود آورده از یکسو وابستگی حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منافع قدرتهای استعماری و از سوی دیگر فضای خفقان‌آور سیاسی و نفی آزادیهای اجتماعی است. در جهان امروز حدود و مابانی حیات ملی هر جامعه را از سوئی قوانین اساسی آن جامعه و از سوی دیگر میثاقها و تعهدات آن جامعه، در برابر جامعه بشری تعیین میکنند. نظام کنونی ایران با نقض قانون اساسی و عدم رعایت اعلامیه حقوق بشر این بحران را بوجود آورده است. جوهر قانون اساسی ایران اعلام اصل حاکمیت ملی است.

«قوای مملکت ناشی از ملت است، طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید» (اصل بیست و ششم متمم قانون اساسی). بنابراین منشاء قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه همانا اراده عام ملت ایران است و این قوای سه گانه بوکالت از جانب ملت تکالیفی را که قانون اساسی مقرر داشته است انجام میدهند.

قوانین اساسی ایران فقط حکومت مردم و نظام دموکراسی را مقرر داشته و نخستین بار در تاریخ ایران همه ضوابط مطلقیت و سنن کهن حکمرانی فردی و مبادی دولتهای گذشته را ملغی ساخته است. دموکراسی بر پایه رأی آزاد همگان قرار دارد. از این نظر نظام دموکراسی یک وجه دارد و بس. دموکراسی مجموعه حقوق مردم را در بر میگیرد. اگر رأی همگان بدون غل و غش در کار است دموکراسی هست. اگر نیست بازگشت به استبداد است.

پایه نظام دموکراسی آزادی بیان، آزادی رأی و آزادی اجتماعات است. از این رو است که قانون اساسی ایران بهمان اندازه که بر انتخابات آزاد ترجیح دارد بر آزادی اجتماعات هم مصراست. به حقیقت آزادی اجتماعات و احزاب جزء لاینفک

مشروطیت است. از این جهت نظام تک حزبی تحمیل شده نقض صریح قانون اساسی و نفی مشارکت آزاد مردم در تعیین سرنوشت خویش است. این شیوه عمل است که مردم را نسبت بامور عمومی بی اعتنا و بی تفاوت ساخته است. بی تفاوت بودن مردم دست آورد حکومتی است که باتکای قهر و زور سد آزادی شده است. به حقیقت استقلال ملی در آزادی است.

هیچگاه مملکت بدست مردم آزادیخواه تسلیم بیگانگان نشده است. بلکه هر خللی به استقلال و حاکمیت مملکت وارد آمده است بدست مسئولان اموری صورت گرفته که نه پای بنده به مسئولیت سیاسی خویش بوده اند و نه عزت آزادی را شناخته اند. بنابراین آزادی با احترام به حقوق بشر و حفظ استقلال مملکت و حاکمیت ملی ملازم است. ما این آزادی را میخواهیم.

منطق وجودی قانون اساسی ایران نفی اراده مطلقه است. اصل تفکیک و تعادل قوا تدبیر بزرگی در جهت محدود کردن قدرت نامشول و خودسرانه زمامداران است. بر همین مبنا قانون اساسی مسئولیت فردی و مشترک هیئت اجرایی را منحصرأ در برابر قوه مقننه تثبیت میکند: «وزرای دولت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند» (اصل چهل و چهارم متمم قانون اساسی).

در جهان امروز محدودیت قدرت سیاسی خاصه از این بابت ضرورت دارد که دولتها فن و دانش را به خدمت خویش گرفته اند، و چنان قدرتی یافته اند که اگر نظارت مداومی از جانب مردم برقرار نباشد قدرت اجرایی را به قدرت جبارانی مبدل میگردد که در تاریخ استبداد همانند ندارد. مرجعیت دولت وقتی پذیرفتنی است که حقوق افراد و گروههای اجتماعی محترم شناخته شود و دولت قدرت سیاسی رادرجهت برآورد خواستهای مردم بکار برد. حکومتی که به سرکوبی افکاری که خود نمی پسندد دست یازد و از تشکل جمعیتهای صنفی و سیاسی جلوگیری کند، حکومت دسته اقلیتی را بوجود میآورد که تنها حافظ منافع خویش است اینحالت، حالت نفی مرجعیت دولت در نظام دموکراسی است و حاصل آن دوگانگی میان دولت و ملت است. اعتراض بر حکومت در صور گوناگون آن (از بی تفاوتی و بی اعتمادی تا مقابله جوئی و قهر و ستیز)

از همین دوگانگی میان ملت و دولت سرچشمه میگیرد.

با توجه به علل و خصوصیات اصلی بحرانی که جامعه ایران را فرا گرفته است، با توجه به خطری که از این راه هستی جامعه را تهدید میکند، و با توجه به وظیفه ای که در چنین وضعی برعهده هر فرد و گروه است اعلام میداریم:

از آنجا که قانون اساسی ثمره مجاهدات ملت ایران و خونهای مجاهدان آزادی است و اراده افراد نمیتواند خللی در آن وارد کند، از آنجا که بنیان قانون اساسی بر اصل ناشی بودن قدرت از ملت استوار است، و از آنجا که حق مردم در تعیین آزادانه سرنوشت خویش حقی غیرقابل انتقال و خدشه ناپذیر است، و ایجاد هرگونه مانعی در این راه ولو بطور موقت و بهر بهانه و عنوان اساس حکومت مردم بر مردم را به مخاطره میاندازد هیچ مقامی حق ندارد ولو بطور موقت و بهر بهانه و عنوان، مانع اعمال حق حاکمیت مردم شود، یا خود را بجانشین اراده ملی یا برتر از آن بنماید. هر کس یا هر مقام که برخلاف این اصل عمل نماید قانون اساسی و اراده ملی را نفی کرده است. در اینحال اعتراض مردم برای بدست آوردن حاکمیت از دست رفته خود اجتناب ناپذیر میشود.

قانون اساسی ایران نظام سیاسی کشور را بر اصل تفکیک و تعادل قوای سه گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) استوار داشته است، و از آنجا که دوام چنین نظامی جز با رعایت اصل تفکیک و تعادل قوا ممکن نیست و هرگونه عدم تعادل به استیلای قوه مجریه و فراهم ساختن مبانی حکومت استبدادی میانجامد، هر نوع بدعتی در بهم زدن این تعادل و تضعیف قوای مقننه و قضائیه ضربه ای به حق حاکمیت مردم است و اعتراض مردم را به آن اجتناب ناپذیر مینماید.

عدم تمرکز سیاسی، اداری و اقتصادی و اعمال اراده آزاد افراد و گروههای مردم در تعیین سرنوشت خویش از راه نهادهای دموکراتیک و انجمنها و شوراهای ایالتی و ولایتی از وظائف دستگاه حکومتی است.

هر نوع اقدام و بدعتی در جهت خلاف این امر، اعتراض مردم را بآن اجتناب ناپذیر مینماید. از شرایط اساسی اعمال حق حاکمیت مردم، آگاهی عمومی از تمام

مسائل کشور و اقدامات دولت است، بنابراین هیچ مقامی حق ندارد ولو بطور موقت و یا بدستاویز مصالح عالی کشور هیچ یک از مسائل کشور و اقدامات دولت را از مردم پوشیده نگاهدارد و یا درباره آنان بنشر اطلاعات غلط یا دروغ پردازد. هرنوع بدعتی در راه استتار و یا تحریف حقایق اوضاع کشور اعتراض مردم را بآن اجتناب ناپذیر مینماید.

ابزار اساسی اعمال حق حاکمیت مردم، آزادی بیان و تبادل افکار و اندیشه‌ها و تشکیل اجتماعات است. هرنوع اقدام و بدعت در جلوگیری از تشکیل اجتماعات و آزادی بیان و تبادل افکار، اقدام بر ضد حق حاکمیت مردم است و اعتراض مردم را بآن اجتناب ناپذیر مینماید. عامل موثر رشد و پرورش و شخصیت افراد، برخورداری کامل و آزاد آنان از حقوق فرهنگی (آزادی در تنظیم زندگی روزانه، دسترسی آزاد بمنابع گوناگون اطلاع و خبر، درامان بودن عقاید، رفتار، گفتار و کردار از هرنوع خشونت و فشار مستقیم و غیر مستقیم، آشکار و پنهان) است، و هر جامعه‌ای وظیفه دارد امکانات لازم را برای شکوفائی شخصیت افراد خود فراهم کند. هرنوع اقدام یا بدعت در جهت گسترش قدرتهای پنهان و آشکار دستگاههای عمومی و خصوصی فعال در زمینه امور فرهنگی بنحوی که بارشد و پرورش شخصیت فردی و صیانت حریم زندگی خصوصی مغایرت و تضاد داشته باشد، اعتراض مردم را بآن اجتناب ناپذیر مینماید.

باتوجه بآنکه گذشت و باتوجه باینکه احیای حاکمیت مردم یگانه شرط لازم و ضروری دفع بحران کنونی است، ما امضاء کنندگان اعلام میداریم که نیل باین مقصود بزرگ ملی و رهائی بخش تنها با تحقق خواستههای زیر امکان پذیر است:

۱) اجرای تجزیه ناپذیر اصول قانون اساسی ایران.

۲) آزادی زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی.

۳) الغای نظام تک حزبی و آزادی احزاب، مجامع مذهبی و اتحادیه‌های

صنفی.

۴) آزادی مطبوعات و انتشارات.

۵) آزادی عقاید و نشر افکار.

۶) انحلال مجلسین شورای ملی و سنا، انحلال انجمنهای شهر و تشکیل انتخابات براساس آزادی رای همگانی.

۷) احیای استقلال قوه قضائیه و اعاده صلاحیت عام دادگاههای دادگستری و انحلال جمیع مراجع قضائی اختصاصی.

۸) انحلال کلیه سازمانها و دستگاههاییکه بازادبهای فردی و اجتماعی مردم تجاوز نموده و دراین راه از ارتکاب خشونتهای آشکار و نهان مستمراً روی گردان نبوده و نیستند.

۹) تعقیب و مجازات قانونی کلیه متجاوزان بحقوق اساسی و منافع مردم و جامعه.

۱۰) تحکیم و پیشبرد موجبات اجرای حقوق بشر از طریق الحاق ایران به «پروتکل ضمیمه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی».

ما امضاکنندگان این بیانیه بطور فردی و جمعی مسئولیت تدوین و امضای آنرا برعهده داریم و از افراد و گروههای اجتماعی دعوت میکنیم که درراه تحقق این خواستها و اجرای اصول قانون اساسی با ما همصدا شوند.

فریدون آدمیت - شمس آل احمد - ضیاء ابقی - عبدالعلی ادیب برومند - علی اکبر اکبری - عبدالله انوار - عبدالعلی بازرگان - مهندس مهدی بازرگان - محمد بسته نگار - صالح بنافنی - ناصر پاکدامن - باقر پرهام - بهمن پورشریعی - دکتر حبیب الله پیمان - دکتر نورعلی تابنده - حسین تحویلدار - محمد توسلی - محمد مهدی جعفری - علی اصغر حاج سیدجواد - ابوالفضل حکیمی - سیمین دانشور - حبیب الله ذوالقدر - عباس رادنیایا - محمد حسین روحانی - اکبر زرینه باف - غلامحسین ساعدی - دکتر کاظم سامی - دکتریدالله سجایی - منصور سروش - دکتر کریم سنجایی - علیجان شانسی - حسین شاه حسینی - هاشم صباغیان - احمد صدر - دکتر رحیم عابدی - عباس عاقلی زاده - ابوالفضل قاسمی - محمد قاضی - مهندس ابوالقاسم قندهاریان - اسلام کاظمیه - ابراهیم کریم آبادی - هوشنگ کشاورز - قاسم لارین -

عبدالکریم لاهیجی - علی متین دفتری - هدایت الله متین دفتری - رضا مرتضوی - فرخ
مروتی - منوچهر مسعودی - محمود معینی عراقی - مجتبیٰ مفیدی -
رحمت الله مقدم مراغه‌ای - حسین ملک - هدایت موسوی - نعمت میرزاده -
همانطق - حسن نزیه - منوچهر هزارخانی .

۱۱/آبان/۱۳۵۶

بسمه تعالی

تهران- ۲۵ اسفند ماه ۱۳۵۶

فاجعه خونین ۲۹ بهمن ماه تبریز و قتل و جرح عده کثیر از هموطنان ستم دیده ما در آن شهر که در چهلمین روز کشتار بی رحمانه مردم بی گناه مسلمان قم صورت گرفت ملت ایران را سخت متأثر و عزادار ساخته است.

بی اعتنائی و رفتار خصمانه دولت که مقصر اصلی فجایع و مسبب عصیان روز افزون همه طبقات می باشد و به جای عذرخواهی و استعفاء به قلب حقایق و تهمت و تظاهر به دروغ و ریا می پردازد و بر تشدید جراحات قلبی می افزاید بیش از پیش مردم را منزجر و مبهوت نموده است.

ما با عرض تسلیت به بازماندگان شهداء قم و تبریز و همدردی با مجروح شدگان و گرفتاران این دو شهر و همه آزادگان و دردمندان ایران اعلام می داریم که به عنوان اعتراض به وضع غیر قابل تحمل موجود و همگامی با مراجع عظام و پیشوایان روحانیت از برگزاری و شرکت در مراسم عید نوروز ۱۳۵۷ تا چهلم عزای هموطنان غیور تبریز خودداری خواهیم کرد.

... و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون...

محمد صادق اسلامی - عباس آهوکیش - مهندس مهدی بازرگان - محمد بسته‌نگار - مهندس سید صالح بنافتی - منوچهر پرشاد - اکبر پوراستاد - عبدالعلی پرتو علوی - امیر حسین پولادی - دکتر حبیب الله پیمان - دکتر نورعلی تابنده - مهندس عباس تاج - سید محمد مهدی جعفری - دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی - ابوالفضل حکیمی - دکتر علی خلاق - حشمت الله خضوعی - دکتر علی اصغر خبره زاده - حبیب الله ذوالقدر - عباس رادینا - اکبر زرینه باف - دکتر کاظم سامی - دکتر یدالله سبحابی - دکتر کریم سنجابی - دکتر عباس شیبانی - محمد شانه چی -

موسی شیخ زادگان - مهندس هاشم صباغیان - ناصر صدرالحفاظی - احمد صدر حاج
سیدجوادی - دکتر ابوالحسن طلوعی - دکتر رحیم عابدی - احمد علی بابائی - دکتر
حسین عالی - دکتر علیرضا فانی زاده - دکتر نظام الدین قهاری - اسلام کاظمیه -
مرتضی کتیرائی - مهندس مصطفی کتیرائی - مهندس محمد شهاب گنابادی - دکتر
عبدالکریم لاهیجی - هادی موتمنی - دکتر اسدالله مبشری - غلامرضا مرتضوی -
مهندس علی اکبر معین فر - منوچهر ملکی - مهندس رحمت الله مقدم - عبدالله
مولائی - سیدمصطفی میرخانی - دکتر ناصر میناچی - حسن نزیه - دکتر
کاظم یزدی - دکتر ابراهیم یونسی - علی اصغر تهرانچی .

دعوت مهندس بازرگان جهت بزرگداشت شهدای قم و تبریز

بسمه تعالی

چهل روز از فاجعه جانگداز یورش وحشیانه به مردم تبریز میگذرد، مردم مسلمان
ایران که بدنبال یورش به قم و تبریز عزادار بودند، باحمله وحشیانه اسرائیل به مردم مسلمان
جنوب لبنان دچار ماتمی دیگر شدند.

اکنون که علماء اعلام و مراجع عظام مخصوصاً حضرت آیت الله العظمی خمینی
اعلام عزای عمومی کرده اند، برای بزرگداشت شهدای قم و تبریز و ابراز انزجار از اعمال
خلاف انسانی صهیونیستها روز پنجشنبه ۱۳۵۷/۱/۱۰ از ۲ ساعت به ظهر در مسجد
آذربایجانیها واقع در انتهای بازار کفاشها گرد می آئیم.

مهدی بازرگان

اعلام جرم به دادستان تهران

بسمه تعالی

روز ۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۷ آقای مهندس بازرگان پس از ایجاد انفجار در مقابل آپارتمان مسکونی ایشان تلگرافی برای دادستان تهران فرستادند و متن آنرا هم منتشر نمودند. این متن بشرح زیر می باشد:

جناب آقای دادستان شهرستان تهران: در ساعت ۱۱ بعد از ظهر و یک بعد از نیمه شب و دو بعد از نیمه شب، شب گذشته (۱۳۵۷/۱/۱۹) سه بمب در منزل مسکونی اینجانبان مهندس مهدی بازرگان- دکتر کریم سنجابی و مهندس رحمت الله مقدم مراغه ای منفجر شده و خسارات هنگفتی ببار آورده است. عاملین انفجار در هر سه مورد اعلامیه های مشابهی خطاب به صاحب منزل از خود بجای گذارده اند به این مضمون که «آقای..... این اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام بشماست» مراتب بکلانتری های ۹ و نیاوران و کلانتری ۳ امانیه اعلام گردید و ضمن تشکیل پرونده مامورین بمحل اعزام شدند با انجام تحقیقات و معاینه خسارات مراتب صورت مجلس گردید لذا ضمن اعلام جرم تقاضای تامین جانی و مالی و رسیدگی به موضوع و تعقیب عاملین انفجار را داریم.

۲۳/فروردین/۱۳۵۷

نامه جمعی از شخصیت‌های اسلامی و سیاسی به نخست وزیر در مورد انفجار و دستگیری و آدم ربائی

بسمه تعالی

۲۸ فروردین ۱۳۵۷

جناب آقای آموزگار نخست وزیر

مسئلاً از واقعه بی سابقه گذاشتن بمب در خانه آقایان مهندس بازرگان و دکتر کریم سنجابی و مهندس رحمت الله مقدم مراغه‌ای و حاج محمود مانیان و انفجار آنها که موجب خرابیها و خسارات فراوان گردیده و نیز از ماجرای ربودن آقای دکتر حبیب الله پیمان در مقابل مطب (توأم با ایراد ضرب و شتم در بیابانهای اطراف تهران) بخوبی مطلع بوده و از نتایج آن وقوف کامل حاصل کرده‌اید، گرچه ما خوب میدانیم که جنابعالی در تصمیم گیری هیچ اختیاری ندارید ولی چون در مقامی قرار دارید که بطور قانونی مسئول کلیه امور هستید این نامه بعنوان شما نوشته می شود.

نکته قابل توجه مخصوص این است که در هر چهار محل انفجار بمب، نسخ متعددی یادداشت فتوکپی شده‌ای خطاب به صاحبخانه گذاشته شده است باین مضمون (آقای ... این اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام به شماست) و این اقدام پس از مصاحبه نماینده باصطلاح جناح پیشرو حزب رستاخیز راجع به تشکیل کمیته اقدام ملی صورت گرفته است.

ماهیت و نحوه اقدام در انفجار و دستگیری و آدم ربائی در مورد کسانی اعمال شده است که عضو جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر هستند و عملی جز در طریق احیاء حق حاکمیت ملی، همگامی با مراجع مذهبی در مخالفت با اقدامات ضددینی و ضد مردمی حکومت و حمایت از زندانیان بی گناه سیاسی انجام نداده‌اند تا کسی در مقام گرفتن انتقام از آنان باشد.

ما ضمن ابراز انزجار از چنین اربابها و تهدیدهای وحشیانه و محکوم کردن هر

نوع تلاش برای اغفال مردم و توطئه علیه مخالفان از افراد ملت، اعلام میکنیم که همه افراد ملت ایران و حتی جهان خارج میدانند که صحنه‌سازیهائی همچون خرابکاری و ارباب فوق از جمله دسیسه‌ها و نقشه‌هائی است که از طرف مغزهای بی‌منطق عاملان استبداد کشیده شده و به اجرا درمی‌آید تا از یک طرف ملت حق‌طلب را متهم به عدم رشد کنند و از طرف دیگر افکار عمومی مردم ایران و جهان را از ظلم و فساد و تعدیات بی‌حساب دستگاه حکومت منصرف و معطوف به مسائل دیگر سازند.

آقای آموزگار این مایه تأسف است که هیئت حاکمه خصوصاً مقام فرماندهی و رهبری منحصر به فرد آن (که شما و سایر مسئولان امور اختیارات و اقتدار حکومت را مربوط به آن مقام میدانید) بجای استفاده از منطق صحیح و مطلوب زمامداری و دعوت افرادی از میلیونها مردم ناراضی مملکت به مناظره و مباحثه در وسایل ارتباط جمعی به چوب و چماق و اسلحه سرد و گرم بالاخره به بمب متوسل میشود.

هیئت حاکمه از یک طرف ادعا میکند که در جهت گسترش آزادیهای از بین رفته و ایجاد فضای باز سیاسی قدم بر میدارد از طرف دیگر حتی کمترین نوشته انتقاد آمیز را در ساده‌ترین مسائل سیاسی و مملکت و کمترین اقدام فردی و جمعی را برای نیل به آزادیهای اولیه و اساسی تحمل نمیکند و بالعکس به تاکتیک مطرود و منفور ایجاد آشوب اغتشاش و برگراری تظاهرات اخیر از جمله تبریز که با اعزام مأمورین دولتی از تهران و با وسایل نقلیه دولتی و عمومی و اغفال بعضی از مردم آذربایجان صورت گرفته است مبادرت می‌نماید.

در پایان ناگزیر از بیان این واقعیت هستیم که با چنین اعمال و بفرض از بین بردن مبارزین هیچ فرد حق‌طلب ایرانی از این تهدیدها و اربابها کمترین هراسی به دل راه نمی‌دهد و از تنها راهی که برای احقاق حقوق از دست رفته خود در پیش گرفته برنمی‌گردد و نتیجه ادامه این گونه اعمال حکومت جز تغییر روش مسالمت‌آمیز ملت و تبدیل آن به قهر و خشونت و آشوب نخواهد بود و عمیقاً ایمان دارد که من الله التوفیق و علیه التکلان.

سید ابوالفضل موسوی زنجانی - عباس آهوچشم - محمد صادق اسلامی - محمد

بسته‌نگار - محمد بصیریان - سیدعباس بهشتی - سیدصالح بنافتی - عبدالعلی
 پرتوعلوی - علی اکبر پورااستاد - امیر حسین پولادی - مهندس عباس تاج - دکتر
 نورعلی تابنده وکیل پایه یک دادگستری - مهندس محمد توسلی - سید محمد مهدی
 جعفری - ولی الله چه پور - دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی - ابوالفضل حکیمی -
 رضا حاج علی اصغری - محمد درویش - خلیل الله رضائی - عباس رادنیا - حسن
 روحانی - اکبر زرینه باف - دکتر کاظم سامی - دکتر یدالله سبحانی - حسن
 سعیدی - حسین شاه حسینی - دکتر باقرشایورد - هاشم شبستری زاده - دکتر عباس
 شیبانی - محمد علی شیشه گر - موسی شیخ زادگان - احمد صدرحاج سیدجوادی وکیل
 پایه یک دادگستری - مهندس هاشم صباغیان - علی صدری - احمد علی بابائی -
 دکتر حسین عمالی - دکتر رحیم عابدی - حاج سید مجتبی قائمقامی - مرتضی
 کتیرائی - دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل پایه یک دادگستری - دکتر اسدالله مبشری
 وکیل پایه یک دادگستری - دکتر ناصر میناچی وکیل پایه یک دادگستری - منوچهر
 ملکی معیری - محمود مراتی - عبدالله مولائی نژاد - امرالله مقصودی - اصغر مولائی -
 کاظم متحدین - غلامرضا مرتضوی - مهندس علی اکبر معین فر - حسن نزیه وکیل پایه
 یک دادگستری - دکتر فرج الله ناصری.

مصاحبه مهندس بازرگان با مخبر تلویزیون بلژیک تا هنگامیکه شاه در این مملکت هست ایران آزادی را نخواهد دید

شخصی که ملاحظه میکنید مهندس مهدی بازرگان نام دارد. وی رهبر نهضت آزادی ایران است و برای اولین بار است که در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کرده است. بازرگان بعد از پایان تحصیلاتش در مدرسه سانترال پاریس، در دانشکده فنی ترمودینامیک تدریس میکرد و در آنجا به مقام ریاست نیز رسید. در سال ۱۹۵۱ م. مهدی بازرگان اولین رئیس شرکت نفت ملی شده ایران شد. بعد از چندین بار که بزندان افتاد در سال ۱۹۶۱ به ده سال زندان محکوم گردید که بعد از ۵ سال آزاد شد وی اکنون در تهران زندگی میکند و از تمام مسئولیت های دانشگاهی اش برکنار شده است. (مخبر تلویزیون بلژیک)

آقای مهندس بازرگان در یک مصاحبه با مخبر تلویزیون بلژیک در تاریخ ۲۳ می ۷۸ مطالب زیر را برای اطلاع افکار عمومی جهانیان اعلام داشته اند. هر بخشی از مطالب زیر در قسمتی از یک فیلم که جمعاً در حدود ۴۵ دقیقه بود آمده که ما بترتیب شماره بندی آورده ایم.

۱- مطابق سنت ایرانیان بستن بازار به عنوان اعتصاب عمومی تلقی میشود و همیشه نیز معنای سیاسی بسیار مهمی را در بردارد.

۲- شرکت عمومی در اظهار نظر و بستن تمام بازارها در تهران و بیش از ۴۰ شهر ایران یک امر بسیار عظیم و برای نخستین بار در تاریخ ایران یک حادثه عظیم و بی سابقه بوده است. لار واقع این امر بصورت یک فریاد ملی بود که البته از جانب مردم بطور خود جوشی و طبیعی انجام یافت، فریادی که میتوان آنرا بعنوان حکم محکومیت اکثریت عظیمی از مردم کشور علیه رژیم شاه و اداره مملکت دانست.

سؤال: روحیه کنونی نسل جوان در چه وضعی است؟

۳- جواب: نسل جوان و بخصوص دانشجویان ایرانی در داخل و خارج از کشور از اظهار

تفرغیله رژیم ترور و وحشت، خیانت و دروغگوئی شاه بازنایستاده اند و همین نسل جوان است که در معرض شدیدترین آزارها و شکنجه‌ها و انتقام جوئیهای پلیس قرار دارد. گشتی‌های پلیس با کلاهخود، غالباً دانشگاه‌های ما را بازرسی میکنند و بطور دائم در مقرهای کماندوئی خود آماده‌اند. درس و بحث نیز غالباً در نتیجه اعتصابهایی که بدنبال حمله کماندوهای پلیس و یا در اثر تظاهرات و امور دیگر پیش می‌آید تعطیل میگردد.

در حال حاضر استادان دانشگاه‌ها که غالباً جوان هستند از غربال ساواک و وزارت علوم و آموزش و پرورش رد شده و بدین ترتیب انتخاب شده‌اند. اینان در زیر کنترل دائمی قرار دارند تا نتوانند در کار خود از حدود تعیین شده تجاوز کنند. همه استادان قدیمی که متعلق به رژیم کم و بیش لیبرال بودند چون مستقل بوده و مورد احترام دانشجویان قرار داشتند نه تنها از دانشگاه بلکه از عرصه هرگونه فعالیت‌های تعلیماتی طرد شده‌اند، در واقع در حال حاضر میان هیئت آموزشی و اداری دانشگاه از یکسو و دانشجویان دانشگاه از سوی دیگر هیچگونه تفاهم و روابط دوستانه وجود ندارد. در نتیجه نسل جوان که از یکطرف زیر سلطه قهر و خشونت و رفتارهای وحشیانه حکومت قرار گرفته‌اند، از طرف دیگر از هرگونه پشتیبانی و اگر جرات کنم که بگویم از هرگونه جهت‌یابی اخلاقی و سیاسی محروم‌اند تا ناگزیر شدند یکی از دوراه را برگزینند: یا بطرف غفلت‌کاری غیر اخلاقی بگردند و یا بخشونت و مبارزه مسلحانه رونمایند یعنی نوعی عکس‌العمل‌های شدید.

۴- شاهنشاه (!) در یکی از مصاحبه‌های اخیر خود با روزنامه نگاران آلمانی گفته است که هم اوست که هرزمانی که به نظرش مناسب می‌آید به ملت خود آزادی میدهد و هرگاه هم که لازم ببیند آنرا پس میگیرد. شاه اصرار دارد که همه چیز از او ناشی میشود، و همه چیز بوی تعلق دارد و هم اوست که مبداء و منشاء همه چیز است. هرگونه قدرت و فکر و ابتکار و هرگونه اعتقاد و هرگونه مذهبی بایستی زیر فرمان او باشد. چند سال پیش استاندار اصفهان، که فکر میکنم استاندار اصفهان بود، در یکی از جلسات حزب واحد رستاخیز در مقام تجلیل و صحبت از شاه وی را شخص اول مملکت نامیده بود. آقای هویدا که در آن زمان نخست‌وزیر بود بلافاصله و پرا سرزنش کرد و گفت که: «مواظب باشید و شخص اول

مملکت نگوئید در مملکت یک شخص بیشتر وجود ندارد و همه ما نوکران و چاکران وی هستیم.» ملاحظه میفرمائید که آقای هویدا آنچه را که شاه میخواست خوب فهمیده است و از روی اتفاق و تصادف نبود که هویدا سیزده سال نخست وزیر و اولین دبیرکل حزب واحد رستاخیز بود که البته خود شاه وی را مقام دبیرکلی نصب کرده بود.

همه میدانند که مخالفین کنونی مرکب اند از ملیون و آزادیخواهان و مذهبیهون مسلمان. این مخالفان همیشه از اتحاد با احزاب کمونیستی و مارکسیستی سرباز زده و بازهم سرباز میزنند. علاوه بر این شما میدانید که جنبش مردمی در مرحله جدید خود خصوصاً توسط روحانیون شیعه رهبری میشود که بطور سنتی و عمیقاً مخالف ماتریالیسم هستند. آنچه را باید من اضافه کنم این است که تودهٔ مسلمان از رؤسای مذهبی خود با کمال میل پیروی میکنند خصوصاً اگر این رؤسا علیه رژیم که مورد تنفر مردم است موضع بسیار سخت و محکم داشته باشند. مسلماً میدانید که در اسلام میان دین و سیاست و یا میان ایمان و اجتماع جدائی وجود ندارد. شیعه خصوصاً ضد خلفاء است و از آغاز کار در معرض بسیاری از خشونت های اجتماعی قرار گرفته و مدافع پرشور حق و عدالت بوده و حاوی عناصر لازم برای شورش و عصیان و مقاومت در برابر رژیم های استبدادی نظیر رژیم کنونی ما میباشد. بنابراین تعجب آور نیست که جنبش ملی شدن صنعت نفت برهبری دکتر مصدق دارای جنبهٔ قوی اسلامی بود و قبل از آن نیز در هفتاد سال پیش انقلاب مشروطیت ایران را رؤسای مذهبی آغاز و هدایت کردند.

سؤال: مایلید دربارهٔ جنبهٔ سیاسی جنبش خود سخن بگوئید؟

جواب: با توجه به شرایط بسیار محدود و مضیقیتی که از لحاظ آزادی وجود دارد مخالفین وقت کافی و لازم اولاً برای متشکل شدن و ثانیاً برای تدوین و بیان بیانات خود نداشته اند. با این همه برخی نکات مسلم و مشترک برای همه وجود دارد.

الف—چیزی که همه خواستار آن هستند آزادیهای دموکراتیک ابتدائی است از قبیل آزادی بیان، آزادی مطبوعات و اجتماعات و البته با تمرین لازم.

ب— احترام و اجرای کامل و صادقانه (دربارهٔ ایندو نکته کامل و صادقانه

پافشاری میکنند) قوانین اساسی کشور. علاوه بر اینها نکته ای که مسلم هست اینست که مخالفین وافکارعمومی تقریباً بطورعام رژیم، وشاه را که رئیس آن است، محکوم میکنند. این رژیم واقعا برای کشور غیر قابل تحمل شده است و این خود شاه است که با استبداد و کشت و کشتار و نیز با سیاست نامطلوب خود در اداره امور کلیه طبقات را علیه خود برانگیخته است. در این معنی خود وی در واقع با سوق دادن طبقات مختلف از نسل جوان گرفته تا روحانیون علیه سیاست خود لیدر مخالفین است (اشاره بیکی از مصاحبات شاه با مخبرین خارجی، که خود را رهبر مخالفین خوانده بود. توضیح از پ.م)

سؤال: بنابراین بنظر شما بین رژیم فعلی و آزادی سازگاری وجود ندارد؟

جواب: کاملاً همین طور است. بایستی یکی از ایندو فدای دیگری شود. یکی از این دو باید خود را فدای دیگری کند تا هنگامیکه اعلیحضرت در این مملکت هست ایران روی آزادی را نخواهد دید.

اول اردیبهشت ۱۳۵۷

دعوت عام برای بزرگداشت شهدای یزد، جهرم، اهواز

بسمه تعالی

دراربعین شهدای یزد، جهرم واهواز که درراه آزادی ودینداری جان عزیزشان از دست رفته است، ضمن طلب مغفرت برای آن مظلومان وعرض تسلیت به بازماندگان آنان ودرهمگامی با جامعه محترم روحانیت تهران از دوستان وهمفکران دعوت مینمائیم در مجلس ختمی که روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ از ساعت ۹ صبح در مسجد جامع تهران تشکیل میشود مشارکت فرمایند.

مهدی بازرگان بدالله سبحانی احمد صدر حاج سید جوادی

اردیبهشت ۱۳۵۷

نامه مهندس بازرگان به ریاست شهر بانی کل کشور در مورد بمب گذاری منزل ایشان

تیمسار صمدیانپور

ریاست محترم شهر بانی کل کشور

بطوریکه استحضار دارند شنبه شب ۱۹ فروردینماه گذشته بمبی در خانه اینجانب واقع در ساختمان ده طبقه یاد خیابان غزالی (وسه نفر دیگر از آزادیخواهان مخالف دولت) با امضای مشکوک «سازمان زیرزمینی انتقام» بعنوان «اولین هشدار» منفجر گردید که موجب خرابی و خسارت به ساختمان و وحشت و ناراحتی خانواده ام و همسایگان آپارتمان گردید. از آن پس نیز مکرر تهدیدهای تلفونی شدیدتر از همان «سازمان» میرسد.

مراتب باستحضارتان رسید تا چنانچه شهر بانی کل کشور خود را مسئول امنیت شهر و حفظ جان مردم میدانند دستور فرمایند مراتب لازم و جلوگیری بعمل آید.

با احترام و امتنان

مهدی بازرگان

۵/ اردیبهشت/ ۱۳۵۷

اعلامیه گروهی از شخصیت‌های اسلامی و ملی بمناسبت بزرگداشت
مراسم ترحیم آقای علی اکبر لاجوردی (پدر آقای سید اسدالله
لاجوردی)

هوالباقی

مرحوم مغفور حاج سیدعلی اکبر لاجوردی که مردی با ایمان و فضیلت و خیرخواه بود برحمت ایزدی پیوست، برای تسلیت به بازماندگان مخصوصاً فرزند ارشدش، برادر ارجمند و ارزشمند ما آقای سید اسدالله لاجوردی در مجلس ترحیم فوق الذکر گرد آئیم و ایمان و تقوی و شرف و استقامت را ارج نهمیم.

احمد احمد - محمد صادق اسلامی - تقی الهی - محمود، سعید، محمد، هاشم، هادی، رضا، مهدی و تقی امانی - مهندس مهدی بازرگان - سید عباس بهشتی - محمد بسته‌نگار - اسدالله بادامچی - اکبر پوراستاد - ابوالفضل توکلی - سید مهدی جعفری - عزت‌الله خلیلی - ابوالفضل حیدری - علی حیدری - علی درخشان - محسن دانش - اصغر رخ‌صفت - جواد رفیق دوست - عبدالله رحمانی - مرتضی رحمانی - دکتریدالله سبحانی - مهدی سعید محمدی - احمد سعیدی - حسن سعیدی - مهدی شفیق - دکتر عباس شیبانی - مهندس هاشم صباغیان - احمد حاج سید جوادی - حبیب‌الله عسگر اولادی - حسن عالی مهر - دکتر حسین عالی - احمد علی بابائی - مهدی عراقی - مهدی فذاقی - محسن لبانی - ابراهیم معافی - قاسم نظیفی - ابوالفضل نظیفی - مصطفی میرخانی - عبدالله مولائی - جواد مقصودی *

اعتراض جمعی از اعضاء نهضت آزادی ایران و علاقمندان آن به محکومیت آقایان طالقانی و منتظری

بسمه تعالی

یکی از قربانیان بیگناه داد گاههای فرمایشی نظامی مجاهد بزرگ آیه الله طالقانی و آیت الله منتظری میباشند که بدون کوچکترین اساس قانونی به ده سال زندان محکوم شده اند.

آقای طالقانی با کهولت سن و بیماری مزمن قند اکنون علاوه بر بیماری شدید گوش به سستی قسمتی از بدن نیز مبتلا شده اند و با وجود این ناراحتی ها که ضرورت درمان و مراقبت فوری و مداوم را ایجاب می کند مقامات زندان او یس بابی اعتنائی و خشونت مرسوم و همیشگی خود نه اقدامی در جهت مداوای ایشان به عمل می آورند و نه اجازه می دهند که خانواده آقای طالقانی وسایل درمان ایشان را فراهم کنند.

ما ضمن اعتراض شدید به اینهمه بیعدالتی علنی در زندانهای ایران که در مورد کلیه زندانیان بیگناه سیاسی اعمال می شود افکار عمومی ملت ایران و محافل اجتماعی بین المللی را بشرایط محکومیت و زندانی بودن آقای طالقانی و منتظری خصوصاً و کلیه زندانیهای سیاسی ایران عموماً جلب می نمائیم. درجائی که حکومت ایران در برابر کلیه این مظالم علنی و مداوم سکوت اختیار کرده است از ملت ایران مصراً تقاضا داریم که صدای اعتراض خود را بهر وسیله ای که امکان دارد برای دریدن این پرده سکوت بلندتر کنند و از اتلاف جان و هستی پر برکت شریفترین فرزندان ایران که گناهی جز جهاد با ظلم و بیدادگری حکومت جبار و ستمگر ایران ندارند جلوگیری بعمل آورند.

سید محمد مهدی جعفری - احمد صدر حاج سید جوادی - عباس رادنی - محمد سته نگار - علی اصغر حاج سید جوادی

تهران

چهارشنبه ۲۰/ اردیبهشت/ ۱۳۵۷

دعوت شاه به مباحله

بسمه تعالی

تهران - سی ام اردیبهشت ۱۳۵۷

دفتر مخصوص شاهنشاهی

جناب آقای معینیان

اعلیحضرت همایونی علاقمندند برای ارائه نظریات خود ب مردم ایران و جهان و اثبات خدمات و ترقیات کشور، ارتباط مستقیم از طریق سخنرانیهای عمومی و مصاحبه های مطبوعاتی و رادیوتلو یزیونی برقرار فرمایند. از طرف دیگر معترضین و مخالفین را مارکسیستهای اسلامی و گروههای کوچک اخلا لگر که فریب خورده عوامفریبان یا مزدور بیگانگان هستند قلمداد میفرمایند.

نظر باینکه دعوت شوندگان در گفتگوها غالباً خبرنگاران یا افراد دست چین شده روزنامه های تحت سانسور یا حزب واحد هستند که با پرسشهای پیش ساخته نقشی جز تایید فرمایشات ملوکانه ندادند مصاحبه ها نمیتواند بلحاظ اطلاع مردم ارزشی و برای اقناع آنان اثری داشته باشد. ولی چنانچه صاحب نظران مخالف را احضار فرمایند مقابله توضیحات طرفین و دلایل مستند حقایق را آشکارتر و اثبات مطالب را قطعیت خواهد ساخت. ضمناً یک اقدام دموکراتیک و عمل جوانمردانه ای انجام گردیده فرصت داده میشود کسانی که در وسائل ارتباط جمعی و راه مطبوعات عمومی برویشان بسته است حق دفاع مشروع پیدا نمایند.

در هر حال اینجانب آمادگی و اشتیاق و درخواست خود را برای چنین مصاحبه تلو یزیونی و مباحله ملی (بتنهائی یا بهمراه چند نفر دیگر از مخالفین نظام حاضر) اعلام میداریم و فکر میکنیم شایسته مقام شاهنشاهی نیز چنین باشد که یک بار با معترضین

خود بجای چماق و مسلسل و تانک با سلاح منطق و قانون روبرو شوند.

با احترام و امتنان

مهدی بازرگان

(ساختمان یاد ۸۰ خیابان غزالی تهران)

موضوعات پیشنهادی:

نظام شاهنشاهی و قانون اساسی

کیفیت و کمیت مخالفین آزادیهای قانونی و خشونت‌های پلیسی

خدمات و ترقیات بعد از انقلاب

اعلامیه گروهی از شخصیت‌های اسلامی و ملی بمناسبت بزرگداشت سالروز شهادت دکتر شریعتی

بسم الله القاصم الجبارین

یکسال پیش

اندیشمندی بزرگ، ستیزنده‌ای سترگ، انسانی والا، پژوهنده‌ای دانا و مسلمانی آگاه، مهاجراً الی الله از میان ما رفت، او که شاهد زمانه بود شهید زمان شد و مرگ نابهنگامش ملتی را و امتی را سوگوار کرد.

به یاد «دکتر علی شریعتی» منادی اسلام راستین روز یکشنبه ۲۸ خرداد ماه در مسجد ارک از ساعت ۵ بعد از ظهر گرد هم خواهیم آمد تا یادآور ارزشهای بیشمارش باشیم.

حسینیه ارشاد

و رضا اصفهانی - حسین اخوان فرشچی - علی امیر پور - ابوالفضل احمدی -
مرتضی افشار - دکتر محمود احمدزاده - دکتر مصطفی اخلاقی - محمد صادق
اسلامی - دکتر وهاب آقائی - دکتر حسن اسلامی - دکتر اخوان - مهندس مهدی
بازرگان - دکتر علی زرگر - دکتر ترابعلی براتعلی - محمد بسته‌نگار - مهندس
عبدالعلی بازرگان - اکبر بیاتی - صدر بلاغی - فتح الله بنی صدر - عبدالعلی
پرتوعلوی - دکتر حبیب الله پیمان - دکتر ابوالقاسم پاکدامن - عزیزالله پورحمید -
امیرحسین پولادی - اکبر پوراستاد - مهندس محمد توسلی - دکتر عباس توسلی -
مهندس عباس توسلی - دکتر نورعلی تابنده - مهندس عباس تاج -
علی اصغر تهرانچی - ابوالفضل توکلی - دکتر توانائیان - دکتر علی اکبر جلالی -
سیدمحمد مهدی جعفری - سید ابراهیم حسینی - مهندس یزدان حاج حمزه - فخرالدین
حجازی - ابوالفضل حکیمی - دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی - مهندس حسین
حریری - دکتر عباس حائری - عزت الله خلیلی - محمدرضا حکیمی - مهدی

حکیمی - محمد درویش - محمد درخشان - دکتر محمود دل آسائی - ذوالقدر -
 عباس رادنیسا - عبدالله رادنیسا - بهمن رضاخانی - جواد رفیق دوست - حاج علی
 رحیمیان - محمد جواد رحیمیان - جعفر رضازاده - خلیل الله رضائی - عطاء الله زاهد -
 دکتر کاظم سامی - حاج سید غلامرضا سعیدی - دکتر یدالله سبحانی - دکتر فریدون
 سبحانی - مهدی شاه آبادی - موسی شیخ زادگان - حسن شریف - دکتر علی
 شریعتمداری - ناصر شاکری نژاد - دکتر عباس شیبانی - دکتر باقرشایورد - مهدی
 شاملو - هاشم شبستری زاده - حسین شاه حسینی - محمدشانه چی - شریعت رضوی -
 حاج سیدمرتضی شبستری - جعفر شجونی - ناصر صدرالحفاظی - محمد خوش صولتان -
 سیدمحمد علی صفیر - علی صدوری - حسین صبحدل - احمدصادق - احمد صدرحاج
 سید جوادی - سیدعبد الغفار سجادی - مهندس هاشم صباغیان - دکتر عبدالحسین
 طلوعی - مهندس یوسف طاهری - مهندس اکبر طاهری - سیدمحمود طالقانی - احمد
 علی بابائی - دکتر حسین عالی - دکتر عبدالحسین علی آبادی - عزیزالله
 علاءالدینی - مهدی عراقی - هادی غفاری - دکتر فضل نژاد - احمد فنائی - مرتضی
 فرید - ابوالحسن فرهی - غلامرضا قدسی - عبدالحسین قمی زاده - دکتر نظام الدین
 قهاری - حسین قربان - مرتضی کتیرائی - مهندس مصطفی کتیرائی -
 ناصر کمیلیان - شیخ غلامرضا کنی - ناصر کلاری - جلال گنجه ای - مهندس
 رضاگل احمر - مهندس شهاب گنابادی - علی موسوی گرمارودی - دکتر عبدالکریم
 لاهیجی - قاسم لباسچی - احمد مدرسی - دکتر مهدی ممکن - محمد مجتهد
 شبستری - علی اصغر مروارید - دکتر محمد مفتاح - محمد باقر مهدوی - مهندس
 مفیدی - کاظم متحدین - هوشنگ مصلحی - خسرو منصوریان - مصطفی میرخانی -
 محمد علی مرادی - مادرشاهی - حسین مقدم - مهندس جمشید منصوریان - مهندس
 اصغر معنوی - مهندس حمید مقدم - محمود مانیان - محسن محسنیان -
 سیدمحمد موسوی خوئینی - ناصر میناچی - حسین مهدیان - دکتر اسدالله مبشری -
 عبدالله مولائی - سیدمصطفی میرخانی - هادی مومنی - هرمز ممیزی - دکتر مدنی -
 دکتر محمد ملکی - حسن نزیه - دکتر عباس نکوف - منصور ناظری راد - مهدی

ناظمیان - حیدرعلی نجابتی - دکتر یحیی نظیری - محمد علی نوید - مهندس
غلامرضا نجفی - مهندس نقره کار - مهندس اکبر والی - دکتر پرویز ورجاوند -
علی اشرف والی - پردیس - خلیل هدایتی - مهندس مصطفی هاشمی - یزدانیان -
دکتر کاظم یزدی - محمد حسن یگانه - ناصر یگانه - مصطفی ملکی . *

* - خرداد ۱۳۵۷ -

بسمه تعالی

و نريد ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و

و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض

و اراده ما بر آنست که بر مستضعفان زمین منت بگذاریم (آنان را در جهت استفاده صحیح از امکانات درآوریم) و پیشوایانی قرار دهیم و وارثان واقعی زمین و نیروهای زمینی گردانیم و قدرت و تمکن را برایشان فراهم سازیم.

تشیع در طول تاریخ حیات انقلابی و خونین خود با تکیه بر دو اصل «امامت» و «عدالت» علاوه بر اصول دیگر اسلامی چه در دوران ائمه (دوران دو یست و پنجاه ساله) و چه در زمان غیبت (که در انتظار فرج و قیام قائم می باشد) حکومت‌های فاسد استبدادی و طاغوتی را به هیچ وجه به رسمیت نشناخته و با گفتن «نه» به وسیله مردم «مستضعف» و «ستم دیده» در تمام فراز و نشیب‌ها و شرایط متحول و گوناگون به مبارزه مستمر خود در راه امر به معروف و نهی از منکر و برقراری قسط و عدل ادامه داده است.

بدین جهت شاهد فجیع‌ترین کشتارها و قتل عام‌ها... از طرف حکام ظلم و جور می باشیم تا جایی که مجالس جشن و سرور تبدیل به عزا گشته و مردم در این محافل با یاد شهیدان خود و گریز به شهیدان کربلا شهادت و پیام شهیدان را به نسل‌های دیگر انتقال می دادند.

آگاهی به این مسئولیت و سنت مبارزه شیعه است که مرجع آگاه و عالیقدر آیت الله العظمی خمینی با توجه به آنچه که در این ایام بر ملت ما گذشته و خون‌هایی که ریخته شده است در پیام خود چنین می گوید:

«در حال حاضر ملت عزیز در عزای عزیزان خود نشسته چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند. شادمانی به روی اجساد به خون خفته فرزندان اسلام؟ شادمانی در مقابل تبعیدیانی که بر خلاف تمام موازین انسانی و قانونی

از اوطان خود بیرون رانده شده اند؟ ما که هنوز مادرهای داغدار جوانانمان سیاه پوشند؟» اکنون لازم است بدون هیچ گونه تشریفات که نشانهٔ عید و شادمانی باشد در تمام ایران در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ اجتماعات عظیم به پا کنند، و هر چه بیشتر کارهای ضد اسلامی و قانونی رژیم را افشاء کنند، و خوف را که از جنود ابلیس است از دل بیرون کنند، و در ادامهٔ نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است کوشش کنند و این چراغ فروزنده، هدایت را روشن و روشن تر نگاهدارند.

پانزده شعبان امسال که روز میلاد امام به حق قائم بالقسط مهدی موعود امام زمان عج با خون شهیدان حق و آزادی آراسته شده است و بار دیگر این تداوم و استمرار تاریخی تجلی پیدا کرده و مجالس جشن ملت نیز تبدیل به خاطره و یاد شهیدان عزیز گشته است.

بدین جهت در عصر روز پنجشنبه ۱۴ شعبان (۲۹ تیرماه ۱۳۵۷) شب میلاد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه از ساعت ۷/۵ بعد از ظهر منعقد می باشد.

حسین اخوان فرشچی - دکتر محمود احمدزاده - علی اکبر استاد - محمد صادق اسلامی - عبدالعلی اسپهبدی - مهندس مهدی بازرگان - محمد بسته نگار - مهندس عبدالعلی بازرگان - فتح الله بنی صدر - عبدالعلی پرتوعلوی - امیر حسین پولادی - مهندس محمد توسلی - مهندس عباس توسلی - دکتر نورعلی تابنده - مهندس عباس تاج - علی اصغر تهرانچی - ابوالفضل توکلی - سید محمد مهدی جعفری - ولی الله چه پور - مهندس یزدان حاج حمزه - ابوالفضل حکیمی - محمد درویش - عباس رادنیسا - جواد رفیق دوست - خلیل الله رضائی - دکتر یدالله سبحانی - دکتر فریدون سبحانی - حسین شاه حسینی - دکتر عباس شیبانی - دکتر باقر شایورد - مهدی شاملو - محمد شانه چی - احمد صادق - احمد صدر حاج سیدجوادی - مهندس هاشم صباغیان - دکتر عبدالحسین طلوعی - مهندس اکبر طاهری - دکتر حسین عالی - مرتضی کتیرائی - مهندس مصطفی کتیرائی - مهندس رضا گل احمر - مهندس شهاب گنابادی - دکتر عبدالکریم لاهیجی - احمد مدرسی - دکتر مهدی ممکن - سید محمد باقر مهدوی - کاظم متحدین - خسرو منصوریان - مصطفی میرخانی -

محمود مانیان — حسین مهدیان — عبدالله مولاٹی — دکتر محمد ملکی — حسن نزیہ —
دکتر عباس نکوفر — مهندس نجفی — مهندس نقرہ کار — مهندس اکبر والی — مهندس
مصطفی ہاشمی — دکتر کاظم یزدی .
آدرس : خیابان پهلوی چهارراه راه تخت جمشید (ضلع شمال غربی) .

نامه دعوت کنندگان مراسم نیمه شعبان به شهربانی کل کشور

شهربانی کل کشور

امضاکنندگان زیر ضمن دعوتی از عموم مردم خواسته بودیم تا در مراسمی که در شب نیمه شعبان برای بزرگداشت میلاد حضرت حجة بن الحسن امام عصر عجل الله تعالی فرجه در زمینی واقع در نبش خیابان پهلوی و تخت جمشید تشکیل می شود شرکت کنند. برای استفاده از زمین و تسطیح و آماده کردن آن از آقای مهندس هاشم صباغیان خواسته بودیم کارهای مقدماتی و تدارکاتی آن را سرپرستی کنند. روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه از کلانتری محل درخواست شد اجازه دهند این مجلس در محل تعیین شده که محصور به چهاردیواری هم هست تشکیل گردد. ولی با کمال تأسف بنا بدستور ریاست شهربانی از برگزاری این مراسم مذهبی جلوگیری بعمل آمد که سبب بروز حوادث نامطلوبی گردید و متعاقباً روز شنبه ۳۱ تیرماه آقای مهندس صباغیان را در محل کار بازداشت کرده بود به کمیته شهربانی بردند.

ما بدین وسیله اعلام می کنیم که اگر اقدام برای انعقاد مجلس میلاد امام غائب جرم به حساب می آید، ما همه در آن شریک بوده و تقاضا داریم مانند آقای صباغیان بازداشتمان نمائید و اگر جرم و خلافی روی نداده است ایشان را آزاد کنید.

حسن اخوان فرشچی - دکتر محمود احمدزاده - علی اکبر استاد -
محمدصادق اسلامی - عبدالعلی اسپهبدی - مهندس مهدی بازرگان - محمد بسته
نگار - مهندس عبدالعلی بازرگان - فتح الله بنی صدر - عبدالعلی پرتوعلوی - امیرحسین
پولادی - مهندس محمد توسلی - مهندس عباس توسلی - دکتر نورعلی تابنده - مهندس
عباس تاج - علی اصغر تهرانچی - ابوالفضل توکلی - سیدمحمد مهدی جعفری -
ولی الله چه پور - ابوالفضل حکیمی - محمد درویش - عباس رادنیای - جواد رفیق
دوست - خلیل الله رضائی - دکتر یدالله سبحانی - دکتر فریدون سبحانی - حسین شاه
حسینی - دکتر عباس شیبانی - دکتر باقرشایورد - مهدی شاملو - محمد شانه چی -

احمد صادق - احمد صدر حاج سیدجوادی - دکتر عبدالحسین طلوعی - مهندس اکبر طاهری - دکتر حسین عالی - احمد علیبابائی - مرتضی کتیرائی - مهندس رضا گل احمد - مهندس شهاب گنابادی - دکتر عبدالکریم لاهیجی - احمد مدرسی - دکتر مهدی ممکن - سید محمد باقر مهدوی - کاظم متحدین - خسرو منصوریان - مصطفی میرخانانی - محمود مانیان - حسین مهدیان - عبدالله مولائی - دکتر محمد ملکی - دکتر عباس نکوفر - مهندس محمدعلی نجفی - مهندس عبدالحمید نقره کار - مهندس اکبروالی - مهندس مصطفی هاشمی - دکتر کاظم یزدی.

۱۳۵۷/۵/مرداد

رونوشت:

- ۱- روزنامه کیهان
- ۲- روزنامه اطلاعات
- ۳- جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

اعلامیه جمعی از رجال روحانی و سیاسی منفرد و سازمانهای اسلامی وملی به رژیم شاه

بسمه تعالی

ابلاغ ملت ایران به شاه و دولت و ارتش و به دولتهای خارجی

بدنبال راه پیمائیهای عظیم عمومی روزهای تاسوعا و عاشورا (۱۹ و ۲۰ آذرماه ۱۳۵۷) که اولی مصادف و بمناسبت روز جهانی حقوق بشر نیز بوده و بشهادت مطبوعات خارجی بیش از دو میلیون نفر مردم پایتخت و میلیونها نفر در شهرهای بزرگ و کوچک کشور فداکارانه و داوطلبانه در آنها شرکت کرده بودند و یک فراندوم ملی مردم ایران و تائید رهبری آیه الله العظمی خمینی محسوب میشود، امضاء کنندگان ذیل وظیفه دینی و ملی خود دانستیم که بنمایندهای از طرف ملت ایران و با توجه به قطعنامه های مصوب راهپیمائیهای مراتب زیرا را اختصاصاً به شاه و به دولت و ارتش و همچنین از طریق سفارتخانه های مقیم تهران به دولتهای محترم خارجی ابلاغ نمائیم.

این راهپیمائیهای در تائید و تکمیل تظاهرات و اعتراضات فراگیر دو ساله اخیر از قبیل بازار بندیهای سراسری، اجتماعات مکرر صنوف مختلف مردم و بالاخره اعتصابهای همبستگی و پشتیبانی دانشجویان و کارگران و همچنین کارمندان ادارات و مؤسسات دولتی و خصوصی و هیئت های آموزشی ایران صورت گرفته است.

اینک به منظور احتراز از انهدام کشور و اعاده نظم و امنیت رسماً اعلام مینمائیم

که:

۱- شاه ایران محمد رضاشاه پهلوی در اثر مخالفت مستمر با قانون اساسی، پایمال کردن حقوق مردم و زیر پا گذاشتن سوگندهای گذشته از سلطنت ایران مخلوع بوده و لازم است شخصاً استعفا دهند و اختیارات خود را به یک شورای موقت مورد قبول ملت واگذار نمایند.

۲- دولت ارتشبد از هاری غیرقانونی میباشد.

۳- امرای ارتش و افسران و سربازان لازم است خود را کنار ملت قرار دهند و آنها که به تحریکات ناجوانمردانه و کشتارهای انتقام‌جویانه مردم عاصی بیگناه میپردازند بدانند که این جنایتها کمترین نتیجه برای ابقای نظام حاکم ندارد.

۴- دولتهای خارجی توجه نمایند که شاه و دولت حاضر از نظر ملت ایران غیرقانونی و غاصب میباشند و هرگونه روابط رسمی و توافق و همکاری و پشتیبانی از شاه ایران ناقض حقوق بشر و دشمنی با ملت ایران است.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نهضت آزادی ایران

نهضت رادیکال ایران

جنیش

جمعیت حقوق دانان ایران

انجمن اسلامی مهندسين

انجمن اسلامی پزشگان

انجمن اسلامی معلمان

جمعیت از رجال روحانی و سیاسی منفرد

۲۶/آذر/۱۳۵۷

پیوست‌ها

- توضیحات
- فهرست آیات قرآن
- فهرست اسامی اشخاص
- فهرست اماکن و مؤسسات
- فهرست احزاب و جمعیتها ، گروهها و فرق
- فهرست کتب ، نشریات ، روزنامه‌ها و بیانیه‌ها

توضیحات :

- در فهرست اسامی اشخاص ، افرادی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بشهادت رسیده‌اند ، با علامت (*) و افرادی که در تظاهرات خیابانی مجروح گردیده‌اند ، با علامت (+) مشخص شده‌اند .
- رقم کل شهدائی که آمار آنها در نشریه‌های اخبار جنبش اسلامی از تاریخ ۵۷/۸/۲۹ تا تاریخ ۵۷/۱۰/۱۸ ذکر گردیده ۱۷۱۱ نفر می‌باشد که در میان آنها از ۱۱۲ نفر بطور مشخص نامبرده شده است .
- رقم کل مجروحینی که آمار آنها در نشریه‌های مذکور آمده است ۳۵۱۲ نفر می‌باشد که از ۱۲۱ نفر بطور مشخص نامبرده شده است .
- بدیهی است ارقام فوق بدلیل محدودیت‌ها و شرایط اختناق حاکم در جامعه نمی‌تواند از دقت لازم برخوردار باشد و این باتوجه به جو موجود در زمان انتشار نشریات ، امری غیر قابل اجتناب بوده است .
- در فهرست اماکن و مؤسسات ، اسامی کلیه اماکن یک شهر از قبیل خیابانها و میادین در زیرنام شهر مربوطه قرار گرفته‌اند .
- مساجد ، بیمارستانها ، پادگانها و دانشگاهها بدلیل اهمیتشان از نظم فوق مستثنی بوده و بطور مستقل آورده شده‌اند .

فهرست آیات قرآن و روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار و کلمات قصار

- بسم الله الرحمن الرحيم
 ۱۹۳۰۱۸۲
 كذلك جعلناكم امة " وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا " (بقره - ۱۴۳) ۱۷۹
 انا لله و انا اليه راجعون (بقره - ۱۵۶) ۲۰۰
 ولنبلونكم بشىء " من الخوف والجوع ونقص من الاموال و الانفس والشرات و بشرا الصابرين الذين اذا
 اصابتهم مصيبتهم قالوا ان الله و انا اليه راجعون (بقره - ۱۵۶) ۹۶
 الا ان نصر الله قريب (بقره - ۲۱۴) ۹۳
 ولا يحسبن الذين كفروا انما نملى لهم خيرا لانفسهم، انما نملى لهم ليزدادوا اثما " ولهم عذاب
 مهين (آل عمران - ۱۷۸) ۷۷
 يا ايها الذين آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون (آل عمران - ۲۰۰) ۹۳
 ان كيد الشيطان كان ضعيفا (نساء - ۷۶) ۲۵
 الذين آمنوا يقاتلون في سبيل الله و الذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا اولياء الشيطان ،
 ان كيد الشيطان كان ضعيفا (نساء - ۷۶) ۶۳
 فضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا " عظيما " (نساء - ۹۵) ۱۰
 و كذلك جعلنا في كل قرية اكابر محرسيهم و فيها ما يمكرون الا بانفسهم و ما يشعرون (انعام - ۲۲)
 ۵۶
 (توبه - ۵۱ و ۵۲) ۹۲
 ربنا لاتجعلنا فتنة للقوم الظالمين (يونس - ۸۵) ۱۹۵
 ان الله لا يهدي كيد الخائنين (يوسف - ۵۲) ۹۱
 واما ما ينفع الناس فيمكث في الارض (رعد - ۱۷) ۱۶
 فاما الزبد فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض (رعد- ۱۷) ۲۲
 مثل الذين كفروا بربهم اعمالهم كرماد اشتدت بالريح في يوم عاصف . لا يقدرون ما كسبوا على شىء
 ذلك هو الضلال البعيد (ابراهيم - ۱۸) ۳۹
 كلمه طيبه كسجره طيبه اصلها ثابت و فرعها في السماء توتى اكلها كل حين باذن ربها
 (ابراهيم - ۲۴) ۱۷
 وسيقلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون (شعراء - ۲۲۷) ۲۲۰، ۷۶
 ومكروا مكرا " و مكروا مكرا " وهم لا يشعرون (نمل - ۵۰) ۱۰۶
 و نريد ان نمس على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين و نمكن لهم في الارض
 (قصص - ۵) ۲۲۸
 مثل الذين اتخذوا من دون الله اولياء كما مثل العنكبوت اتخذت بيتا " و ان اوهن البيوت لبيوت العنكبوت
 (عنكبوت - ۴۱) ۱۵
 ولنبلونكم حتى تعلم المجاهدين منكم و الصابرين ونبلوا اخباركم (محمد - ۳۲) ۱۰۰
 و الذين تبوءوا الدار و الايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم و... (حشر - ۹) ۱۷۶
 يريدون ليطفئوا نور الله بافواههم و الله متم نوره ولو كره المشركون (صف - ۸) ۱۸۳
 قم فانذر (مدثر - ۳) ۱۸۱
 بسم الله القاصم الجبارين ۲۳۵
 الله اكبر ۱۸۷، ۱۷۱
 لا اله الا الله، الله اكبر ۱۶۴، ۱۵۶

- من الله التوفيق وعليه التكلان
 ٢٢٢ قم فاستقم
 ١٥٥ اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا فبلغناه
 ١٨٣ اللهم وفقنا لما تحب وترضى
 ١٨٤ الحمد لله قاصم الجبارين - مبير الظالمين - مدرك الهاربين - نكال الظالمين - صريح المستصرخين
 ٩٥
 ٢٥٢ اللهم انا نرغب اليك في دوله الكريمه تعزبها الاسلام و اهله وتذلل بها النفاق واهله
 ١٥٦ فلم يرغب المومن بلىقا ربه محققا " (امام حسين)
 ١٥٦ فاني لا ارى الموت الاحياء ولا الحيوه مع الظالمين الا برما (امام حسين)
 ١٧٩ الاترون ان الحق لا يعمل (امام حسين)
 ٢٥٨ ان لم يكن لكم دين وكنتم لا تخافون المعاد فكونوا احرارا " في دنياكم (امام حسين)

فهرست اسامی اشخاص

ت، الف

۱۷۵	ابوترابی، دکتر		آتابای، ابوالفتح
۱۹۴	ابوذر غفاری	۱۵۱	آتابای، پروانه
۱۵۲	ابوسعیدی، مهدی	۱۴۹	آتابای، پریسا
۱۶۹	احترامی، ابراهیم *	۱۴۹	آتابای، کامبیز
۲۳۱	احمد، احمد	۱۵۲	آتاتورک، کمال
۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵	احمدزاده، دکتر محمود	۵۰	آدمیت، فریدون
۱۷۲	احمدنیا، فریدون +	۲۱۸	آذر، فیروز
۱۸۹	احمدی، ستوان یکم	۱۲۴	آرام، بیژن
۲۳۵، ۱۹۷	احمدی، ابوالفضل	۱۴۹	آرامی، حشمت‌الله *
۱۴۹	احمدی، شیرین	۱۱۵	آرزومانیان، رازمیک
۱۴۹	اخباری، هوشنگ	۱۴۹	آریان‌پور، ایرج
۱۲۴	اخلاقی، تاجر بازار *	۱۵۳	آزاد، حسین +
۲۳۵	اخلاقی، دکتر مصطفی	۱۷۲	آزمایش، محسن
۱۵۱	اخوان، جعفر	۱۵۱	آزمون، ستاره
۱۵۱	اخوان، حبیب	۱۴۹	آزمون، منوچهر
۲۳۵	اخوان، دکتر	۱۵۲، ۱۱۵	آشوری، علی‌اصغر
۱۴۹	اخوان، محمد علی	۱۹۷	آغاچانی، منوچهر +
۱۵۱	اخوان، محمود	۱۷۲	آقائی، دکتر وهاب
۲۴۱	اخوان فرسچی، حسن	۲۳۵	آل احمد، جلال
۲۳۹، ۲۳۵، ۱۹۷	اخوان فرسچی، حسین	۳۵ - ۳۳	آل احمد، شمس
۱۶۰	ادهم *	۲۱۸	آل طیب
۲۱۸	ادیب پرومند، عبدالعلی	۱۶۰	آموزگار، جمشید
۱۱۵	ادیبی، پرویز *	۱۵۲، ۵۵، ۴۱، ۴۰، ۲	
۱۷۳	اریابها، امیر *	۲۲۴، ۲۲۳	
۱۵۲	اریابی، هوشنگ	۱۴۹	آموزگار، حمید
۱۹۷	ارتضاه	۲۲۴	آهوچشم، عباس
۱۵۱	ارجمند، سیروس	۲۳۰	آهوکیش، عباس
۱۴۹	اردلان، پربوش	۲۴	آیزنهاور، دویت
۱۱۵	اردلان، دکتر	۱۵۳	ایتهاج، آذر
۱۹۷	اردهالی، سیدفخرالدین	۱۶۱	ابراهیمی *
۱۱۵، ۲۶	ازهارى، ارتشید محمدرضا	۱۷۸	ابراهیمی، جلال *
۱۲۶، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۶، ۱۸۹، ۲۴۳		۱۵۹	ابراهیمی، شاهزاده *
۱۴۹	ازهارى، حسین	۱۱۵	ابراهیمی، محسن *
۱۸۹	ازهارى، عفت‌الطوک	۱۷۷	ابراهیمی، مریم *
۱۹۰	اسپانیال، نرکیس *	۲۱۸	ابقی، ضیاء
۲۳۹، ۲۰۹ (علی)	اسپهبدی، عبدالعلی	۲۰۸، ۱۵۳، ۷۹	ابن‌زیاد، عبیدالله
۲۴۱		۱۵۷	ابوالحسنی، استوار رضا

۱۷۴	الموتی ، غلامعلی	+	۲۴۱ . ۲۳۹	اسناد . علی اکبر
۲۳۱	الهی ، تقی		۱۳۳	* استادنیا ، اصغر
۱۹۷	امام جمارانی ، حجت الاسلام سید مهدی		۱۹۰	* استادیان ، امیر
۱۵۴ . ۱۴۵ . ۱۲۷	امام رضا (ع)		۲۱	استالین ، ژوزف
۲۳۹ . ۲۳۸ . ۱۵۴	امام زمان (ع)		۱۶	اسدآبادی ، سیدجمال الدین
۱۵۲	امامی ، سیدحسن		۱۸۱ . ۱۷۸	* اسدی پور ، حسن
۱۹۷	امامی کاشانی ، حجت الاسلام حسن		۱۵۳	اسفندیاری ، نوری
۲۳۱	امامی ، تقی		۱۲۵	* اسلامی
۲۳۱	امامی ، رضا		۱۷۷	* اسلامی ، اصغر
۲۳۱	امامی ، سعید		۲۳۵	اسلامی ، دکتر حسن
۲۳۱	امامی ، محمد		۲۲۰ . ۲۰۹	اسلامی ، دکتر محمد
۲۳۱	امامی ، محمود		۲۳۱ . ۲۲۴ . ۲۲۰	اسلامی ، محمدصادق
۲۳۱	امامی ، مهدی		۲۴۱ . ۲۳۹ . ۲۳۵	
۲۳۱	امامی ، هادی		۱۴۱	اسماعیلی شمشادی ، محمد
۲۳۱	امامی ، هاشم		۱۸۵	اشرفی
۲۰۹	امیراحمدی ، مهندس محمود		۱۵۳	اشرفی ، جمشید
۲۳۵ . ۱۹۷	امیرپور ، علی		۱۷۲	* اشکیکی ، تقی
۱۶۵	امیرفضلی ، سرلشکر		۲۳۵ . ۱۹۷	اصفہانی ، رضا
۱۱۹	امیری ، حاج مهدی	*	۱۵۲	اصفیا ، صفی
۱۶۹	امیری ، حسین	+	۱۴۹	اصفیا ، فاطمه (فرانسواز)
۱۶۹	امیری ، محمد	+	۱۹۶	اعتمادزاده ، حجت الاسلام نجم الدین
۱۱۵ . ۱۰۲ . ۲۴	امینی ، دکتر علی		۱۵۱	اعتماد مقدم ، سرتیب
۱۷۴	امینی ، علی	+	۱۷۳	* اعرابی ، حمید
۱۷۸	امینی ، نسرین	*	۱۴۹	اعلائی ، سنار
۱۶۸ . ۱۱۵	انتظام ، عبدالله		۱۵۳	اعلم ، جمشید
۱۴۶	اندرزیخش ، رئیس ساواک کرمانشاه		۱۸۷	افاضلی ، سروان
۱۴۹	انصاری ، پاشا		۱۴۹	افخمی ، گورش
۱۴۹	انصاری ، سروانه		۱۲۴	افخمی ، مصطفی
۱۵۲ . ۱۲۸ . ۱۱۷ . ۴۱	انصاری ، هوشنگ		۱۵۹	* افشار ، عباس
۲۱۸	انوار ، عبدالله		۲۳۵ . ۲۰۹	افشار ، مرتضی
۱۹۶	انواری ، حجت الاسلام محی الدین		۱۷۳	* افغانی ، حسن
۱۶۳ . ۱۵۱ . ۱۱۴	اویسی ، ارتشید غلامعلی		۱۷۲	اکبری ، پرویز
۱۸۹ . ۱۷۲			۲۱۸	اکبری ، علی اکبر
۱۸۰ . ۱۵۱	ابادی ، سیهید (دکتر)		۱۷۴	اکبری ، محمد حسن
۱۴۹	ابادی ، نازیلا		۱۵۱	اکمل ، خسرو
۱۷۸	ایران شاهی ، قاسم	*	۱۵۱	القانیان ، حبیب
۱۷۵	ایران منش ، علی		۱۴۹	القانیان ، سروناز

۱۲۱	بشارت، حبیب‌الله	۱۷۵	ایزدی، دکتر
۱۵۹	بشارت، شهید	۱۵۱	ایزدی، علی
۲۲۵	بصیریان، محمد	۱۶۱	* ایمانی
۱۴۹	بقائی، کیومرث		ب، پ، ت، ث
	بلاغی، حجت‌الاسلام سید صدرالدین	۱۲۹	بابکچی
۲۳۵، ۱۹۶		۲۷	باتمانقلیچ، سرلشکر
۲۲۵، ۲۱۸	بنافتی، مهندس سید صالح	۲۳۱	بادامچی، اسدالله
۲۲۵		۱۹۷، ۳۰۲	بازرگان، مهندس عبدالعلی
۱۵۲	بنکدار، علی محمد	۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵، ۲۱۸، ۲۰۹	
۱۵۲	بنی‌پور، احمد	۱۱۳، ۶۹، ۵۰، ۳	بازرگان، مهندس مهدی
۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵، ۱۹۷	بنی‌صدر، فتح‌الله	۲۰۲ - ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۷۹، ۱۷۶، ۱۶۴، ۱۴۴	
۱۵۹	بنی‌هاشمی، مصطفی *	۲۲۶، ۲۲۳ - ۲۲۵، ۲۱۸، ۲۰۹	
۷۲	بوتو، ذوالفقارعلی	۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۱ - ۲۲۹	
۱۴۹	بوذرجمهری، ناهید	۱۶۸	باقری، علی
۱۳۵	بورگریو، آر.دی	۱۹۷	باقری‌کنی، حجت‌الاسلام مهدی
۱۷۲	بوستان‌زاد، رضا	۱۳۱	بانرمن، رابرت
۱۷۲	بوستان‌زاد، محمودرضا	۱۳۹	باهتر، حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد
۱۳۵	بوشهری (شوهر اشرف)	۱۹۶	
۱۸۱	بومدین، هواری	۱۵۱	بختیار، آقاخان
۱۴۹	بها، شهرناز	۲۷	بختیار، تیمور
۱۵۷	بهداری، نماینده مجلس	۱۵۱	بختیاری، رستم امیر
۱۵۱	بهداری، کریم پاشا	۱۵۱	بختیاری، هدایت‌الله
۱۴۹	بهداری، مینا	۱۴۹	بخشیان
۱۵۲	بهبهانی، عنایت	۱۵۱	بدرهای، سهید
۱۵۳	بهرامی، بهرام	۳۲	* بدیع زادگان، علی اصغر
۱۴۹	بهرامی، محمود	۱۱۵	براتی، بهزاد
۲۳۱، ۲۲۵	بهشتی، سیدعباس	۲۳۵	برانعلی، ترابعلی
	بهشتی، حجت‌الاسلام دکتر سید محمدحسینی	۱۶۵	* برادران، حسن
۱۹۶		۱۵۲	برخورداریان، شاهین
۱۸۵	بهبهرائی	۱۵۱	برخورداریان، محمدتقی
۲۳۵	بیاتی، اکبر	۱۹۷	برقعی، حجت‌الاسلام سیدرضا
۱۹۷	بیدار اردبیلی، حجت‌الاسلام ابانر	۱۶۷	بروجردی، ملک محمد
۱۶۵	بیدار بخت	۱۷۴	بزرگ، خیرالله
۱۸۵	بیدامی، ستوان	۲۴	* بزرگ‌نیا، مصطفی
۱۶۶	بیزن‌زاده	۱۵۱	بزرگمهر، جمشید
۱۸۱	بیطار، رابع	۲۱۸، ۲۰۹، ۱۹۷	بسته‌نگار، محمد
۱۳۲	بیل، (کارمند شرکت نفت)	۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۲۵، ۲۲۰	

۱۵۹۰۱۵۷۰۱۵۴۰۱۵۱۰۱۵۰۰۱۴۸-۱۴۵	۱۷۴	بی‌نیاز، مریم	+
۱۸۰۰۱۷۹۰۱۷۱۰۱۷۰۰۱۶۵۰۱۶۲۰۱۶۱	۱۲۷	پارسا، سرهنگ	
۲۳۳۰۲۲۹- ۲۲۶۰۲۱۱۰۱۹۰۰۱۸۵۰۱۸۳	۱۴۹	پارسا، سیرانوش	
۲۴۳	۱۲	پارسانژاد	
۱۴۲	۲۳۵	پاکدامن، دکتر ابوالقاسم	
۱۵۱	۲۱۸	پاکدامن، ناصر	
۱۵۱	۱۴۹	پاکروان، عبدالله	
۱۵۱	۱۷۳	پالو، عباس	✱
۱۴۹	۱۲۳	پالیزبان	
۱۶۰	۱۴۹	پر تو، معصومه	✱
۱۹۷۰۹۲۰۶۹۰۳	۲۲۰۰۲۰۹۰۱۹۷	پرتوعلوی، عبدالعلی	
۲۳۵۰۲۲۳۰۲۲۰۰۲۱۸۰۲۰۹	۲۴۱۰۲۳۹۰۲۳۵۰۲۲۵		
۱۲۵	۲۳۷	پر دیس	✱
۱۴۶	۲۲۰	پر شاد، منوچهر	
۱۷۲	۲۱۸	پرهام، باقر	+
۲۲۰۰۲۱۸۰۱۹۷	۱۴	پروند	
۲۴۱۰۲۳۹۰۲۳۵۰۲۲۵	۲۸۶	پرورش، علی اکبر	
۲۳۵۰۲۲۵۰۲۲۰	۲۳۱۰۲۲۵۰۲۲۰	پوراستاد، علی اکبر	
۲۴۱۰۲۳۹	۲۳۹۰۲۳۵		
۱۳۲	۱۲۸	پورجعفرنیا	+
۱۵۳	۲۳۵	پورحمید، عزیزالله	
۱۶۰	۲۱۸	پورشریعتی، بهمن	✱
۲۰۹۰۱۹۷	۲۲۵۰۲۲۰۰۲۰۹۰۱۹۷	پولادی، امیرحسین	
۲۰۹۰۱۹۷	۲۴۱۰۲۳۹۰۲۳۵		
۲۱۸	۱۵۲	پویان، انوشیروان	
۱۴۹	۱۴۹	پویان، پروانه	
۱۵۲۰۴۱	۲۰۹	پویان، مهندس رضا	
۱۶۰	۱۵۱۰۱۱۵	پهلبد، مهرداد	
۱۶۰	۱۱۵	پهلوان، عباس	
۱۵۳	۱۵۱۰۱۴۲۰۱۳۵	پهلوی، اشرف	
۱۲۳	۱۴۵۰۵۰۰۱۲	پهلوی، رضاشاه	✱
۲۳۵۰۱۹۷	۱۲۴	پهلوی، غلامرضا	
۱۷۵	۱۵۱۰۱۴۱۰۱۲۰۰۴۹	پهلوی (دبیا)، فرح	✱
۲۰۹	۴۱۰۴۰۰۲۷۰۲۶	پهلوی، محمدرضاشاه	
۲۴۱۰۲۳۹۰۲۳۵	۸۹-۷۷۰۷۳-۶۹۰۶۶-۵۴۰۵۲-۴۵		
۲۰۹۰۱۹۷۰۳۰۲	۱۲۸۰۱۲۷۰۱۱۵۰۱۰۷۰۱۰۴-۹۷۰۹۳		
۲۴۱۰۲۳۹۰۲۳۵۰۲۲۵۰۲۱۸	۱۴۳۰۱۴۱۰۱۴۰۰۱۳۲-۱۳۰		

۱۷۴	جوراب دوزها، یوسف	+	۲۳۵، ۱۲۶	نوسلی، دکتر غلامعباس
۱۵۳	جهانگیری، سرلشکر		۱۷۴	توفیقی، داوود
۱۳۰	چالغونت، لرد		۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵، ۲۳۱، ۱۹۷	توکلی ابوالفضل
۱۱۵	چشم، صادق	*	۱۳۶	توکلی، استوار
۱۵۵، ۱۴۶	چنگیزخان مغول		۱۷۵، ۱۷۰	توکلی، حسن
۱۸۴	جوین، بهرام		۱۷۰	توکلی، حسین
۱۶۰، ۱۱۵	چهارالنگ (گروهیان)		۱۷۴	توکلی فر، حسین
۲۴۱، ۲۳۹، ۲۲۵	چهپور، ولی الله		۱۹۷	توکلی کرمانی، حجت الاسلام عباس
۲۳۵، ۲۰۹، ۰۳	حاج حمزه، مهندس یزدان		۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵، ۲۲۱	تهرانچی، علی اصغر
۲۳۹			۱۹۷، ۱۳۹، ۱۲۶	تهرانی، شیخ علی آقا
۱۸۵	حاج درویش		۱۷۲	تفیدر، امیر
۲۰۹، ۱۹۷	حاج سیدجوادی، دکتر علی اصغر		۱۴	ثابت پاسال
۲۳۵، ۲۳۲، ۲۲۵، ۲۲۰، ۲۱۸			۱۶۹	ثابتهی، جواد
۲۰۹	حاج طرخانی، تقی		۱۵۱	ثابتهی، پرویز
۱۹۷	حاج طرخانی، حاج کاظم		۱۴۹	ثابتهی، پوران دخت
۲۲۵	حاج علی اصغری، رضا		۱۵۲	ثابتهی، هوشنگ
۱۸۷	حاج کلانتر		۱۶۷	ثقفیان
۱۶۹	حاجی حداد	+		ج' ح' ح' ح'
۲۳۵، ۱۹۷	حائری، دکتر عباس		۱۵۲	جابر انصاری، همايون
۱۲۸	حبیبيان	+	۱۷۲	جادوسخن، مهرداد
۲۳۵، ۲۰۹، ۱۹۷	حجازی، فخرالدین		۱۵۲	جالینوس، مصباح
۱۵۱	حجت، سپهبد علی		۱۹۴	جبل عاملی، آیت الله سید شرف الدین
۱۹۷	حجتی کرمانی، حجت الاسلام علی		۱۹۴	جبل عاملی، سید محسن
	حجتی کرمانی، حجت الاسلام محمد جواد		۱۷۴	جعفریورناصری، علی
۱۹۶			۱۷۵	جعفرزاده، اسفندیار
۱۴۹	حریری، فریده		۱۹۶	جعفر صادق (ع)، حضرت امام
۲۰۹، ۱۹۷، ۰۳	حریری، مهندس حسین		۱۸۸، ۱۷۲	جعفری، ابراهیم
۲۳۵			۱۶۰	جعفری، سروان
۱۶۶	حسابی، سرهنگ		۲۱۸، ۲۰۹، ۱۹۷، ۰۳	جعفری، سید محمد مهدی
۱۷۷	حسینی، (ماء مور آگاهی)		۲۳۹، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۲۵، ۲۲۰	
۱۳۷	حسین ابن علی (ع)، حضرت امام		۲۴۱	
۱۹۷، ۱۷۹، ۱۷۰، ۱۵۸، ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۴۰			۱۵۲، ۲۹	جعفریان، محمود
۱۱۶	حسین زاده، رضا		۱۳۲	جک، (کارمند شرکت نفت)
۱۷۷	حسین عسگری، اسماعیل		۲۳۵	جلالی، دکتر علی اکبر
۱۲۷	حسینی، (شکنجهگر)		۱۶۹	جنگ آزما، عباس
۱۷۵، ۱۷۰	حسینی	*	۱۷۷	جوادی پور، حسین
۱۴۸	حسینی، ماء مور شهربانی		۱۷۵	جوادی، حجت الاسلام
۱۲۱	حسینی، پاسان		۱۶۹	جوادی، غلامعلی

۱۹۶	خسروشاهی، حجت الاسلام سیدهادی	۲۳۵	حسینی، سیدابراهیم
۱۵۲، ۱۵۱	خسروشاهی، محمد	۱۵۸	حقیقی، استوار
۲۲۰	خضوعی، حشمت الله	۱۴۹	حکمت، بابک
۲۲۰	خلاتی، دکترعلی	۱۷۴	حکیم جواد، غلامحسین +
۱۸۷	خلخال، حجت الاسلام صادق	۲۲۰، ۲۱۸، ۲۰۹، ۱۹۷	حکیمی، ابوالفضل
۱۴۹	خلعتبری، رضا	۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۵، ۲۲۵	
۲۳۵، ۲۳۱، ۱۹۷	خلیلی، عزت الله	۲۳۵، ۱۹۷	حکیمی، محمدرضا
	خمینی، آیت الله العظمی روح الله الموسوی	۲۳۶، ۱۹۷	حکیمی، مهدی
۸۴، ۸۲، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۶۹، ۶۵، ۲۷، ۴، ۰۳		۱۶۹	حمیدپور، سیدمحمدحسین +
۱۱۵، ۱۰۳-۱۰۱، ۹۹، ۹۴، ۹۱، ۹۰، ۸۷		۱۶۲	حنایی، رضا
۱۳۷، ۱۳۵، ۱۳۳، ۱۲۸-۱۲۳، ۱۲۰-۱۱۸		۳۲	حنیف نژاد، محمد
۱۶۱، ۱۵۸، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۴۷-۱۴۱، ۱۴۰		۱۸۵	حیدری
۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۸-۱۶۴، ۱۶۲		۲۳۱	حیدری، ابوالفضل
۲۰۹، ۲۰۶، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۵-۱۸۱، ۱۷۹		۱۶۹	حیدری، حیدر +
۲۴۳، ۲۳۸، ۲۲۱		۱۶۸، ۱۳۶	حیدری، سروان
۱۳۵	خمینی، حجت الاسلام حاج سیدمصطفی	۲۳۱	حیدری، علی
۲۰۹		۱۵۱، ۱۱۴	غادمی، سیهیدمحمد
۱۲۴	خنجری، دکتر	۱۷۴	خالو، حسین رضامحمد +
۲۰۹، ۱۹۷	خواجوی، دکترعلی	۱۳۹	خانم‌های، حجت الاسلام سیدعلی
۱۱۵	خواجه	۱۹۶	خانم‌های، حجت الاسلام سیدمحمد
۱۱۴	خوانساری، پرویز	۲۲۰	خیره زاده، دکترعلی اصغر
۱۳۸	خوانساری، احمد	۱۴۹	خبیر، پیری ناز
۲۳۶، ۱۹۷	خوش‌صولتان، محمد	۱۴۸	خداپاری، فرماندار همدان
۱۳۵	خوش‌کیش	۱۵۲	خردجو، ابوالقاسم
۱۴۹	خوش‌کیش، ژیمان	۱۵۱	خرم، محمدعلی
۱۵۲	خوش‌کیش، یوسف	۱۱۵	خروش، ناصر
۱۵۲	خیامی، احمد	۱۹۷	خزاشی، عبدالله
۱۵۱، ۱۴	خیامی، محمود	۱۷۹، ۱۷۶	خزعلی، حجت الاسلام
۱۵۱	خیمبر، جمشید	۲۲۰	خزوعی، حشمت الله
۱۷۲	خیراندیش، جلیل +	۱۵۱	خزیمه علم
	د، ذ، ر، ز، ژ	۱۵۱	خزیمه علم، فاطمه
۱۷۵، ۱۷۰	دادبین، مهندس	۱۴۹	خسرو، مجتبی
۱۴۹	دادستان، محمودرضا	۱۵۱	خسروانی، سیهید
۱۳۲	دارکینز، جو	۱۴۹	خسروانی، فاطمه
۱۵۷	دارابی +	۱۵۲	خسروانی، عطاء الله
۲۳۱	دانش، محسن	۱۷۴	خسروپرویز، صدیق +
۲۱۸	دانشور، سیمین	۱۴۱	خسروداد، سرلشکر

۱۵۲	رحیمی، رسول	۱۸۷	داوودی، سروان
۲۳۶، ۱۹۷	رحیمیان، حاج علی	۱۷۸	داوودی، محمد *
۲۳۶	رحیمیان، محمدجواد	۱۴۷	دباغ، فضل الله +
۱۷۳	رحیمی فر، یوسف *	۲۰۹	دبیر، مهندس ذبیح الله
۲۳۱	رخصفت، اصغر	۱۷۴	درافشان، حسین +
۱۲۶، ۱۱۸، ۱۱۷	رزاقی *	۲۳۱	درخشان، علی
۱۶۱	رستگاری، ستوان	۲۳۶	درخشان، محمد
۱۸۹	رشیدی، غلامحسین *	۲۳۶، ۲۲۵، ۲۰۹، ۱۹۷	درویش، محمد
۱۵۲	رشیدیان، سیف الله	۲۴۱، ۲۳۹	
۱۷۴	رضا، محمد +	۱۱۵	دشتی، علی
۲۳۶، ۲۰۹، ۱۹۷	رضاخانی، بهمن	۲۳۶	دل آسائی، دکتر محمود
۲۳۶، ۱۹۷	رضازاده، جعفر	۱۹۷	دوانی، حجت الاسلام علی
۳۲	رضائی، شهید *	۱۳۰	دودبور، ژرار
۱۳۶	رضائی، پاسبان حسن	۱۵۱	دولوقاجار، یری
۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۲۵	رضائی، خلیل الله	۱۵۳	دها، محسن
۱۵۳	رضائی، شهریار	۱۳۹	دهقان، (معاون ساواک)
۱۵۳، ۱۱۴، ۱۴	رضائی، علی	۱۶۹	دهقانی، جواد +
۱۱۷	رضوانی، پروفیسور	۱۶۳	دهقانی، مسعود *
۱۸۶	رضی، جواد	۱۹۷	دیانت مقدم، حسین
۱۷۸	رطبی، مرتضی *	۱۵۱	دیبا، ابوالحسن
۱۷۲	رفیعی، شهرام +	۱۵۱	دیبا، امیرناصر
۲۳۹، ۲۳۶، ۲۳۱، ۱۹۷	رفیق دوست، جواد	۱۵۱، ۱۴۱، ۱۲۰، ۴۹	دیبا (پهلوی)، فرح
۲۴۱		۱۵۱	دیبا، دکتر محمدحسن
۱۵۱	رمزی عطائی، حسن	۱۷۴	ذاکرائی، حسین +
۱۴۹	رمضانی، عباس	۱۷۴	ذاکرائی، محمد +
۱۷۵	رنجبر *	۲۳۶، ۲۲۰، ۲۱۸، ۲۰۹	ذوالقدر، حبیب الله
۲۲۵	روحانی، حسن فریدون	۲۲۵، ۲۲۰، ۲۱۸، ۲۰۹، ۱۹۷	رادنیا، عباس
۱۱۷	روحانی، دکتر	۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۳۲	
۱۵۹	روحانی، رحمت *	۲۳۶، ۲۰۹، ۱۹۷	رادنیا، عبدالله
۲۱۸	روحانی، محمدحسین	۲۰۹	راضی، محمد
۱۴۹	روحانی، مظفر	۱۵۳	رام، مصطفی قلی
۱۵۲، ۹۸، ۴۳'	روحانی، منصور	۱۵۲	رام، هوشنگ
۱۵۹	روحی، احسان *	۲۰۹، ۱۹۷	رجائیان، محمدجواد
۱۸۷	رهبر، میراحمد +	۱۶۹	رجب زاده، احمد +
۱۴۹	رهنما، شادان	۲۳۱	رحمانی، عبدالله
۲۰۹	رهنما، شیخ مصطفی	۲۳۱	رحمانی، مرتضی
۱۴۹	رهنما، علیرضا	۱۴۹	رحیمی، انوشیروان

۱۹۶	سجادی، حجت‌الاسلام سید عبدالغفار	۱۵۱	ریاحی، سیهید
۲۳۶۰۲۰۹		۱۴۹	ریاحی، فریدون
۲۰۹	سحابی، ایرج	۱۴۹	ریاضی، شهباز
۲۳۶۰۲۰۹۰۳	سحابی، دکتر فریدون	۱۵۳	ریاضی، عبدالله
۲۴۱۰۲۳۹		۱۱۵	ریاضی، فرشته *
۱۶۴۰۱۶۳۰۱۴۴	سحابی، دکتریدالله	۱۶۹	+ زارع، رسول
۲۰۸۰۲۰۵۰۲۰۳۰۲۰۲۰۱۹۷۰۱۹۵۰۱۹۳		۱۶۹	+ زارع، رضا
۲۳۶۰۲۳۱۰۲۲۹۰۲۲۵۰۲۲۰۰۲۱۸۰۲۰۹		۱۴۹	زالتاش، پروین
۲۴۱۰۲۳۹		۲۳۶۰۱۹۷	زاهد، عطاالله
۲۰۸۰۲۰۷	سحابی، مهندس عزت‌الله	۱۵۱	زاهدی، اردشیر
۱۶۹	+ سرداری، برات‌الله	۱۸۸	+ زاهدی، علی
۱۲۱	سروری، سرهنگ	۱۴۹	زاهدی، محسن
۲۱۸	سروش، منصور	۱۴۹	زاهدی، مهناز
۲۳۱	سعیدمحمدی، مهدی	۱۵۳	زاهدی، هما
۲۳۱	سعیدی، احمد	۲۳۵	زرگر، دکتر علی
۲۳۱۰۲۲۵	سعیدی، حسن	۲۲۵۰۲۲۰۰۲۱۸	زربینه‌بافت، اکبر
۲۳۶۰۱۹۷	سعیدی، سید غلامرضا	۱۳۸	* زلمانی، رضا
۱۶۱	* سقائی	۱۷۵	* زمانی، رضا
۱۷۴	+ سلطانی، محمد	۱۶۹	+ زمانی، علی‌اکبر
۱۸۸	+ سلطانیان، اصغر	۱۹۷	زمردیان، یوسف
۱۷۴	سلیمانی، غلامحسین	۱۳۰	زند، سیامک
۱۶۳	سمسارزاده، دکتر	۱۷۲	+ زنده‌دل، رضا
۱۶۴۰۱۶۳۰۱۴۴	سنجایی، دکترکریم	۱۱۵	زهناب‌فرد
۲۲۹۰۲۲۳۰۲۲۲۰۲۲۰۰۲۱۸۰۲۰۹۰۱۹۷		۱۹۰۰۱۶۳	زیبائی، سرهنگ‌علی
۱۶۹	+ سودمند، محسن	۱۵۵	زینب (ع)، حضرت
۱۸۵	* سوری، اکبر		س، س
۷۰۰۶۶	سولیوان، ویلیام	۶۳۰۵۱	سادات، انور
۱۶۱	+ سید صالحی	۱۵۳	سادات، رکن‌الدین
۱۶۹	+ سیدی، سیدتقی	۲۱۸	ساعدی، غلامحسین
۲۳۶	شاکری‌نژاد، ناصر	۱۶۹	ساکت‌ریاضی، استوارحسین
۱۴۹	شالچیان، ترانه	۱۷۴	سالم‌کار، کاظم
۱۴۹	شالچیان، نوشین	۱۴۹	سام، ابراهیم
۲۴۱۰۲۳۹۰۲۳۶۰۲۰۹	شاملو، مهدی	۲۲۰۰۲۱۸۰۲۰۹۰۱۹۷	سامی، دکتر کاظم
۲۱۸	شانسی، علیجان	۲۳۶۰۲۲۵	
۲۳۶۰۲۲۰۰۲۰۹۰۱۹۷	شانه‌چی، محمد	۱۷۵	ساوه، عبدالحسین
۲۴۱۰۲۳۹		۱۵۲	ستوده، فتح‌الله
۲۳۶۰۱۹۷	شاه‌آبادی، حجت‌الاسلام مهدی	۱۴۹	ستوده، کامبیز

۲۰۷، ۲۰۶	شمس آبادی، آیت الله	۲۱۸، ۲۰۹، ۱۹۷	شاه حسینی، حسین
۱۴۹	شمعی، فیروز	۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۲۵	
۱۵۲	شهبازی، شاهپور	۱۷۴	شاهرودی، پرویز +
۱۴۹	شهرستانی، یاسمن	۱۵۲	شاهقلی، منوچهر
۱۸۸	شهریاری، کوکب	۱۴۹	شاهقلی، همایون
۱۹۴	شهبداول	۱۷۴	شاه محمدی، محمد +
۱۹۴	شهبذاتانی	۱۷۴	شاه محمدی، محمدباقر +
۲۰۹، ۱۹۷، ۱۶۳	شیبانی، دکترعباس	۱۷۴	شاهین ساز، ناصر
۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۳۱، ۲۲۵، ۲۲۰	شیبانی، محمدعلی	۲۲۵، ۲۰۹، ۱۹۷	شایورد، دکتر باقر
۱۵۲	شیبانی، محمدعلی	۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۶	
۱۵۲، ۹۸	شیخ الاسلام زاده، دکتر	۲۳۶، ۱۹۶	شبیستری، حاج سید مرتضی
۱۴۹	شیخ الاسلام زاده، سعدی	۲۳۶، ۲۲۵	شبیستری زاده، هاشم
۱۵۲	شیخ بهائی، رضا	۲۳۶، ۱۹۶	شجونی، حجت الاسلام جعفر
۲۳۶، ۲۲۵، ۲۲۱	شیخ زادگان، موسی	۱۲۹	شرافتی
۱۸۸	شیخ نژاد، یزدان	۱۵۹	شرعی
۱۲۶، ۱۱۵	شیرازی، آیت الله العظمی	۲۴	شریعت رضوی، آذر *
۱۷۷، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۶۹		۲۳۶، ۱۹۷	شریعت رضوی (شریعتی)، پوران
۱۵۹	شیردل، علی *		شریعتمداری، آیت الله العظمی سید کاظم
۲۲۵	شیشهگر، محمدعلی	۱۴۱، ۱۲۶	
	ص، ض، ط، ظ	۲۳۶	شریعتمداری، دکترعلی
۱۱۴	صابر، بیوک	۱۹۶	شریعتی مزینانی، استاد محمد تقی
۱۷۲	صابری، مظاهر +	۲۰۹، ۱۹۹	
۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۰۹، ۱۹۷	صادق، احمد	۳۵، ۳۳، ۳	شریعتی (مزینانی)، دکترعلی *
۳۲	صادق، ناصر *	۱۷۷، ۱۶۷، ۱۵۵، ۱۱۹، ۱۰۱، ۹۴، ۹۱	
۱۱۵	صادقی، حسین *	۲۳۵، ۱۹۹	
۲۰۹	صادقی، دکتر ابوالقاسم	۲۳۶	شریف حسن
۱۶۸	صادقی، منصور	۱۴۹	شریف امامی، بابک
۱۵۲	صالح، جهانشاه	۱۲۴، ۱۱۵	شریف امامی، جعفر
۱۷۴	صالحی، حسین +	۱۸۸	شریف موسوی، صدیق بیگم
۱۷۷	صالحی، سروان *	۱۴۷	شریفی، ایوب
۱۱۴	صالحی، مهندس	۱۴۹	شریفی، زانت
۱۴۹	صانعی، فریبرز *	۱۸۶	شریفی ولدائی، حسن
۲۰۹، ۱۹۷، ۱۷۹، ۰۳	صابغانیان، مهندس هاشم	۱۵۱	شفا، شجاع الدین
۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۳۱، ۲۲۵، ۲۲۱، ۲۱۸		۲۳۱، ۲۰۹	شفیق، مهدی
۲۳۶، ۱۹۷	صبحدل	۱۴۸	شکری، ستوان
۱۴۹	صدر، شیرین	۱۷۴	شکوفه فر، حسن
۲۳۶، ۲۲۱	صدرالحفاظی، ناصر	۲۰۹	شکیب نیا، مهندس قاسم
۱۳۹	صدر کیوان، نماینده مجلس	۱۷۴	شعاعی پور، علی +

۲۳۶،۲۰۹	طاهری قزوینی، مهندس یوسف	۱۶۴،۱۵۸	صدر حاج سید جوادی، احمد
۱۶۱	طلوع *	۲۲۹،۲۲۵،۲۲۱،۲۱۸،۲۰۹،۲۰۴،۱۹۷	
۲۲۱،۲۰۹	طلوعی، دکتر ابوالحسن	۲۴۲،۲۳۹،۲۳۶،۲۳۲،۲۳۱	
۲۴۲،۲۳۹،۲۳۶	طلوعی، دکتر عبدالحسین	۱۲۸	صدری، تیمسار
۱۷۲	طلوعی، شهرام *	۲۳۶،۲۲۵،۱۹۷	صدری، علی
۱۵۱	طوفانیان، ارتشبد	۱۶۶	صدریه
۱۸۸	طیبی، حمزه *	۱۴۹	صدقیانی، مهناز
۱۵۱	ظلی، دریادار	۱۷۰،۱۵۸،۱۴۲	صدوقی، آیت الله
۱۵۲	ظهبیری، احمد	۱۱۵	صرعی زاده، علی *
	ع، غ	۱۸۱	صفارزاده، طاهره
۲۲۵،۲۲۱،۲۱۸	عابدی، دکتر رحیم	۱۵۳	صفاری، پرویز
۱۵۹	عارفی کاموئی، رضا	۱۲۲	صفدری
۱۶۹	عاقلی، حسن +	۱۱۵	صفری، گروهان
۲۱۸	عاقلی زاده، عباس	۱۹۰	صفوی، عباس *
۲۲۱،۲۱۰،۱۹۷	عالی، دکتر حسین	۲۳۶،۱۹۷	صغیر، سید محمد علی
۲۴۲،۲۳۹،۲۳۶،۲۳۱،۲۲۵		۲۳۰	صمدیانپور، تیمسار
۱۴۹	عالیخانی، محمدرضا	۲۰۹	صنیع پور، مهندس منوچهر
۱۵۲	عالیخانی، منوچهر	۱۴۹	صنعی، بهاره
۲۳۱	عالی مهر، حسن	۱۵۱	صنعی، سپهبد
۱۷۸	عالی نسب، حمید *	۱۴۹	صنعی، محمدرضا
۱۷۴	عامری، محمد حسین +	۱۴۹	صیرفی، احمد رضا
۱۵۲	عاملی، باقر	۱۵۱	ضرغام، سپهبد امیر
۱۴۹	عاملی، مهرداد	۱۵۱	ضرغامی، سپهبد
۱۷۳	عباسی، افضل *	۷۲،۵۱	ضیاء الحق
۱۴۸	عباسی، حجت الاسلام	۱۴۹	ضیائی، رضا
۱۷۳	عباسی، محمدرضا *	۱۵۲	ضیائی، طاهر
۱۲۵	عبدالحمید (روحانی ساری)	۱۴۴،۱۱۷	طالقانی، آیت الله سید محمود
۱۶۷	عبداللهی	۲۳۲،۲۰۹،۲۰۴ - ۲۰۱،۱۹۶،۱۶۳	
۱۱۹	عبداللهی، پیشنماز	۲۳۶	
۲۰۸،۱۵۳،۷۹	عبیدالله ابن زیاد	۲۰۹	طالقانی، ابوالحسن
۱۷۴	عدنی، قدرت الله +	۱۷۴	طالقانی، اصغر
۲۳۶،۲۳۱	عراقی، مهدی	۲۰۹	طالقانی، حسین
۱۷۸	عرب، حسن *	۱۶۷	طاووسی
۱۲۸	عرفات، باسر (ابوعمار)	۱۸۶	طاهری، آیت الله
۱۷۲	عزیزی، استاندار خراسان	۰۲۱۰	طاهری، جلال
۲۳۱	عسگر اولادی، حبیب الله	۱۷۴	طاهری، حاج علی +
۱۷۷	عسگری، اسمعیل حسین *	۱۷۴	طاهری، علی +
۱۶۱	عصاری، جواد *	۲۴۲،۲۳۹،۲۳۶	طاهری، مهندس اکبر

۱۵۳	فخر شقافی، ارسطو	۱۵۱	مضد، ابونصر
۱۷۵	فدائی، علی	۱۲۷	مضدی، (شکجهگر ساواک)
۲۳۱	فذاقی، مهدی	۱۱۶	مطارپور، رضا
۱۴۹	فرح، مسعود	۱۴۹	عظیمی، پاریس
۱۸۷	فرح پور	۱۶۱	عظیمی، حاج حسین
۱۷۲	فرح بخش، غلام	۱۴۹	عظیمی، محمود
۱۷۴	فرد، علی	۱۵۲	علا، فریدون
۱۵۱	فردوست، سپهبد	۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۷	علاءالدینی، عزیزالله
۱۸۸	فرزانه، جمشید	۱۲۵	علامه، محمود
۱۷۱	فرزین، سرهنگ	۱۵۹	علاشیان، قاسم
۱۴۹	فرشچی، بهروز	۲۵	علم، اسدالله
۱۴۹	فرشچی، بهروز	۲۳۶، ۱۹۷	علی آبادی، دکتر عبدالحسین
۱۵۵، ۹۸، ۵۹، ۲۶	فرعون	۲۲	علی ابن ابی طالب (ع)، حضرت امام
۱۵۲	فرمانفرمایان، خداداد	۱۵۳، ۱۲۷	
۲۱۰، ۱۹۷، ۱۶۴، ۱۶۳	فروهر، داریوش	۱۲۷	علی ابن موسی الرضا (ع)، حضرت امام
۱۲۲	فرهادی، لاجین	۱۵۴، ۱۴۵	
۲۳۶	فرهی، ابوالحسن	۲۲۵، ۲۲۱، ۲۱۰، ۱۹۷	علی بابائی، احمد
۲۳۶	فرید، مرتضی	۲۴۲، ۲۳۶، ۲۳۱	
۲۲۵	فریدون روحانی، حسن	۱۷۳	علیجانی، ابوالفضل
۱۲۳	فریدی، نوروز	۱۲۸	علیزاده
۱۶۱	فشتنقی	۱۴۸	علیزاده، اسد
۲۳۶	فضلی نژاد، دکتر	۱۶۹	علیزاده، علیرضا
۱۵۲، ۱۱۴	فلاح، دکتر رضا	۱۸۵	علیرادپان
۱۴۹	فلاح، فریدون	۱۸۲	عبسین مریم (ع)، حضرت روح الله
۲۳۶، ۱۹۷	فنائی، احمد	۱۲۹	غروی، حجت الاسلام شیخ جواد
۱۶۸	فیصلی (نماینده مجلس)	۱۲۷	غروی، آیت الله
۲۹	قاسمی، احمد	۱۶۱	غضنفری، سعید
۲۱۸	قاسمی، ابوالفضل	۱۲۵	غفاری، آقا
۱۷۴	قاسمی، فریدون	۱۵۲	غفاری، فرخ
۲۱۸، ۲۱۰	قاضی، محمد	۲۳۶، ۱۹۷	غفاری، حجت الاسلام هادی
۲۲۵	قائم مقامی، حاج سید مجتبی	۱۶۹	غفاربان، علی اکبر
۱۶۰	قدرانیان، ستوان وظیفه	۱۷۳	غفوری، حسن
۱۲۸	قدرت، یدالله	۱۸۸	غفوری، عیسی
۲۳۶، ۱۹۷، ۱۱۸	قدسی، غلامرضا	۱۶۰	غلامیان
۱۷۸	قدیمی، رسول		ف، ق
۲۳۶	قربان، حسین	۱۷۴	فارسیانی، محمدرضا
۱۸۸	قربانی، رمضان	۲۲۱	فانی زاده، دکتر علیرضا

۲۲۱۰۲۱۰۰۱۹۸	کتیرائی، مهندس مصطفی	۱۸۸	قربانی، زین العابدین
۲۳۹۰۲۳۶		۱۸۸	قربانی، عباس +
۱۸۸	کردی، علی +	۱۵۱	قربیب، هرمز
۱۸۸	کردی، علی بابا +	۱۶۱	قسکائی *
۱۹۷۰۱۶۳	کروبی، حجت الاسلام مهدی	۱۷۸	قشقاغی، حسین *
۱۳۲	کریستونگ	۱۱۵	قشقاغی، لیلا *
۲۱۸	کریم آبادی، ابراهیم	۱۷۴	قصابی، زهرا +
۱۷۴	کریم زاده، هوشنگ +	۱۵۱	قطبی، احمد
۱۷۸	کریمی، حسین *	۱۵۱	قطبی، رضا
۱۴۱	کریمی، سرهنگ	۱۶۹، ۱۵۴، ۱۴۶، ۱۱۵	قمی، آیت الله
۱۸۸	کریمی، نصر الله +	۱۷۱	
۱۷۷	کریمی، هادی *	۲۳۶، ۱۹۸	قمی زاده، عبدالحسین
۱۷۴	کشاوری، غلامرضا +	۱۱۴	قنات آبادی، شمس
۲۱۸	کشاوری، هوشنگ	۱۷۷	قنبری، ماء مور آگاهی
۱۶۹	کفشدار، محمد +	۲۴	قندجی، ناصر *
۱۶۹	کلابی، حسن +	۲۱۸	قندهاریان، مهندس ابوالقاسم
۲۳۶، ۱۹۸	کلاری، ناصر	۱۵۳	قوامیان، محمد هادی
۱۷۷	کلالی، سرهنگ	۲۳۶، ۲۲۱	قهاری، دکتر نظام الدین
۱۷۳	کلانتری بکتا، زهرا *		ک، گ
۱۷۰	کمالی، تیمسار	۱۳۱، ۱۳۰، ۱۱۸، ۱۱۴، ۱۰۲	کارتر، جیمی
۱۷۵	کمالی، جلال	۱۵۴	
۱۷۱	کمالی، سرهنگ	۱۷۵	کازرونی، سرگرد
۲۳۶	کمیلیان، ناصر	۱۵	کاسترو، فیدل
۱۶۹	کنابی، حسن	۱۵۱	کاشانی، احمد
۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۸	کنی، شیخ غلامرضا	۱۹۸	کاشانی، حسین
۱۶۷	کوچکزاده	۱۴۹	کاشانی، سهراب
۱۵۱	کورس، حسن	۱۴۸	کاشانی، محسن
۱۶۹	کوهی، غلامرضا +	۱۴۹	کاظم زاده، فرشته
۱۶۰	کهبازی *	۱۵۳	کاظمی، داوود
۱۴۹	کیانیور، عبدالرضا	۲۲۱، ۲۱۸	کاظمیه، دکتر اسلام
۱۵۲	کیانیور، غلامرضا	۱۱۸	کالاهان (جیمز)
۱۶۳	کیانی، سرلشگر	۱۷۲	کامرانی، حسین +
۱۳۹	کیوان، صدر	۱۶۹	کاوندی، عباس +
۱۴۹	گرچی، همایون	۱۲۳	کیگانی
۱۷۳	گروسی، قاسم *	۲۱۰	کتیرائی، دکتر احمد
۱۷۶، ۱۶۷	گرین، پلادوارد	۲۳۶، ۲۲۵، ۲۲۱، ۲۱۰	کتیرائی، مرتضی
۱۶۹	گلابتون، حبیب +	۲۴۲، ۲۳۹	

۱۳۰	ماس، رابرت	۲۳۹، ۲۳۶، ۱۹۸	گل احمر، مهندس رضا
۱۲۶	مالک اشتر نخعی	۲۴۲	
۲۲۳، ۲۱۰، ۱۹۸	مانیان، حاج محمود	۱۵۴	گلبایگانی، آیت الله العظمی محمد رضا
۲۴۲، ۲۴۰، ۲۳۶		۱۵۹	
۱۱۶	ماهیار، ظاهر	۱۹۶	گلزاده غفوری، حجت الاسلام دکتر علی
۱۵۱	مبشر، ایرج	۱۴۹	گلسرخ، محمود
۲۲۵، ۲۲۱، ۱۹۸	مبشری، دکتر اسدالله	۲۳۶، ۲۲۱	گنابادی، مهندس محمد شهاب
۲۳۶		۲۴۲، ۲۳۹	
۲۳۶، ۲۲۵، ۲۱۰، ۱۹۸	متحدین، کاظم	۲۳۶	گنجه‌ای، جلال
۲۴۲، ۲۳۹		۱۷۴	گنجه‌ای باف، حمید +
۱۵۱	متقی، امیر	۱۴۹	گنجی، فرشته
۲۱۹	متین دفتری، علی	۱۵۲	گنجی، منوچهر
۲۱۹	متین دفتری، هدایت الله	۱۴۹	گودرزی، ناصر
۱۵۲	مجبتی، عبدالحسین	۱۷۴	گودرزی‌ها، مجید +
۲۳۶	مجتهد شبستری، حجت الاسلام محمد	۱۴۹	گوهری، مهشید
۱۷۴	مجیدی، امین علی +	۱۵۱	گیلان‌شاه، عباس
۱۴۹	مجیدی، منصور	۱۶۱	گیلانی، سید اسد
۱۵۷	محبی، سروان	۱۵۳	گیو، ارباب رستم
۳۲	محسن، سعید *		
۲۳۶، ۱۹۸	محسینیان، محسن	۲۳۱	لاجوردی، سید اسدالله
۱۶۱	محمد، میان توفیل	۲۳۱	لاجوردی، سید علی اکبر
	(رهبر جماعت اسلامی پاکستان)	۱۵۱	لاجوردی، حبیب
۱۹۳	محمدابن عبداللہ (ص)، حضرت	۱۵۲	لاجوردی، محمد
۱۶۹	محمدپور، صادق +	۲۱۸	لارین، قاسم
۱۱۸	محمدنقی، تقی *	۲۹۰، ۱۲	لاشانی
۱۱۵	محمدی، محمد علی *	۱۹۷	لاهوئی، آیت الله محمد
۱۵۷	محلانی، حجت الاسلام فضل الله	۲۱۰، ۲۰۴، ۱۹۸	لاهیجی، عبدالکریم
۱۹۶		۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۲۵، ۲۲۱، ۲۱۹	
۱۷۳	محمودیان	۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۸	لباسچی، قاسم
۱۷۳	محمودیان، ابوالفتح *	۲۳۱	لبانی، محسن
۱۷۳	محمودیان، احمد *	۱۱۵	لتیاسوندی، حسین *
۱۷۳	محمودیان، حسین *	۲۱۰	لواسانی، دکتر محمد باقر
۱۷۴	محمودیان، عباس +	۲۱۰	لولاور، دکتر پرویز
۱۷۴	محمودیان، مصطفی +	۱۳۱	لهفلت، و.
۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۶	مدرسی، احمد	۱۶۷، ۱۳۱، ۱۱۶	لینک، جرج
۱۸۴	مدنی، آیت الله	۲۳۶، ۱۹۸	مادرشاهی
۲۳۶	مدنی، دکتر سید حسن	۱۴۰، ۱۳	مارکس، کارل

۱۴۹	معین زاده، فرشته	۱۷۴	مدنیان، اصغر	+
۱۴۹	معینی، کوروش	۲۲۵	مرآتی، محمود	
۲۳۳	معینیان (رئیس دفتر شاه)	۱۶۹	مرادی، رضا	+
۲۱۹	معینی عراقی، محمود	۲۳۶، ۱۹۸	مرادی، محمد علی	
۱۳۸	مغربی، محمود	۲۱۰	مرتضی، ابوالفضل	
۱۳۴	مفتح، حجت الاسلام دکتر محمد	۲۱۰	مرتضائی فر، محمود	
۲۳۶، ۱۹۶		۲۱۹	مرتضوی، رضا	
۱۵۲	مفرح، محمد علی	۲۲۵، ۲۲۱	مرتضوی، غلامرضا	
۱۶۶	مفید، حسین (امام جماعت)	-	مرعشی نجفی، آیت الله العظمی سید شهاب	
۱۶۳	مفیدی، دکتر	۱۷۱، ۱۴۰، ۱۱۵	الدین	
۲۱۹	مفیدی، مجتبی	۱۵۲	مرعشی، بدرالدین	
۲۳۶	مفیدی، مهندس	۱۳۹، ۱۱۷	مرعشی، آقا	
۲۳۶	مقدم، حسین	۲۳۶، ۱۹۶	مروارید، حجت الاسلام علی اصغر	
۱۷۴	مقدم، مختار	۲۱۹	مروتی، فرخ	+
۲۳۶	مقدم، مهندس حمید	۱۸۲	مریم (ع)، حضرت	
۲۱۰	مقدم، مهندس مرتضی	۱۵۱	مزمین، منوچهر	
۲۱۹	مقدم مراغه‌ای، مهندس رحمت الله	۱۷۴	مستانه، حمید	+
۲۲۳-۲۲۱		۱۵۲	مستوفی، باقر	
۲۱۰	مقدم نیا، حسین	۱۱۴	مسعودی، محمد علی	
۱۸۹	مقیبی، اکبر	۲۱۹، ۲۱۰	مسعودی، منوچهر	✳
۲۲۵	مقصودی، امیرالله	۱۸۲	مسیح (ع)، حضرت عیسی	
۲۳۱	مقصودی، جواد	۱۷۵	مشارزاده، عباس	
۵۷	مکدونالد	۱۷۵	مشارزاده، محمدرضا	
۲۱۹	ملک، حسین	۱۵۳	مصاحب، دکتر شمس الملوک	
۱۷۴	ملک حسینی، حاج سیدکرامت	۲۲۸، ۲۴، ۱۳، ۱۲	مصدق، دکتر محمد	
۱۲۸	ملکوتی	۱۵۲	مصدقی، تقی	+
۲۴۲، ۲۴۰، ۲۳۶، ۱۹۸	ملکی، دکتر محمد	۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۸	مصلحی، هوشنگ	
۲۳۷، ۱۹۷	ملکی، حجت الاسلام مصطفی	۱۹۶	مطهری، آیت الله مرتضی	
۲۲۵، ۲۲۱	ملکی معیری، منوچهر	۱۶۹	مظاهری، رضا	+
۱۹۸	ملیحی، محمد طاهر	۲۳۱	معافی، ابراهیم	
۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۶	ممکن، دکتر مهدی	۱۴۹	معتمد باقری، فائزه	
۲۳۶	ممیزی، هرمز	۱۴۹	معتمدی، الهه	
۲۳۲، ۱۵۹	منتظری، آیت الله حسینعلی	۱۴۹	معتمدی، ندیم	
۱۳۰	منصف، محمود	۱۷۴	مغظی، هادی	+
۱۴۹	منصور، علی	۲۳۶	معنوی، مهندس اصغر	
۱۶۹	منصور، علی اصغر	۲۲۱، ۲۱۰، ۱۹۸	معین فر، مهندس علی اکبر	+
۱۵۳	منصوری، مصطفی	۲۲۵		

۱۴۹	مهدوی، امیر هوشنگ	۱۵۳	منصوریان، جعفر
۱۹۷	مهدوی، حجت الاسلام سید محمد باقر	۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۸	منصوریان، خسرو (پاسر)
۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۱۰		۲۴۲، ۲۳۹	
۱۹۶	مهدوی کئی، آیت الله محمد رضا	۲۳۶	منصوریان، مهندس جمشید
۲۴۰، ۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۸	مهدیان، حسین	۱۶۹، ۱۵۸	منفرد *
۲۴۲		۱۲۴	منوچهری
۱۱۷	مهران، حسنعلی	۲۳۶، ۲۲۱، ۲۱۰	موتضی، هادی
۱۶۹	مهری، علی اصغر	۱۵۸	موحد، امام جماعت
۲۰۷، ۱۴۴	میثمی، مهندس لطف الله	۱۸۶	موحدیان *
۱۵۸	میراب	۱۹۷	موحدی ساوجی، حجت الاسلام علی
۱۱۴	میراشرفی	۱۶۱	مودودی، مولانا ابوالاعلی
۱۵۷	میرجعفری		(رهبر جماعت اسلامی پاکستان)
۱۸۸	میرحسینی، سید نظام	۱۱۵	موسوی
۱۸۸	میرخان، ملکزاد	۱۲۹	موسوی
۲۳۱، ۲۲۱، ۱۹۸	میرخانی، سید مصطفی	۱۶۷	موسوی
۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۶		۱۶۹	موسوی، براتعلی
	میرزاده (میرزا زاده)، نعمت (م. آزر م)	۱۴۸	موسوی، داود
۲۱۹، ۱۲۹		۱۱۶	موسوی، محمد علی
۲۹، ۱۲	میرزا کوچک خان جنگلی *	۳۰۲	موسوی، مهندس میرحسین
۱۸۴، ۱۴۸	میرشاهولد، حجت الاسلام	۲۱۹	موسوی، هدایت
۲۱۰	میرفندرسکی، سید محمود		موسوی اردبیلی، آیت الله سید عبدالکریم
۱۵۲	میگده، فریدون	۱۹۶	
۱۷۴	میرمیران، حسین	۱۶۲	موسوی خراسانی
۱۶۹	میرهادی، سرلشگر		موسوی خوشنویی ها، حجت الاسلام سید محمد
۲۲۵، ۲۲۱، ۲۱۰، ۱۹۸	میناچی، دکتر ناصر	۲۳۶، ۱۹۷	
۲۳۶		۱۶۹	موسوی زاده، هادی
	ن، و	۱۹۶	موسوی زنجانی، آیت الله حاج سید رضا
۱۳۸، ۱۳۶	ناچی، سرلشگر		موسوی زنجانی، آیت الله سید ابوالفضل
۲۲۵	ناصری، دکتر فرج الله	۲۲۴، ۱۹۶	
۲۱۹	ناطق، هما	۲۳۶	موسوی گرمارودی، علی
۱۹۷	ناطق نوری، حجت الاسلام علی اکبر	۱۶۹	موسوی ممنی
۲۳۶، ۱۹۸	ناظری راد، منصور	۲۲۵	مولائی، اصغر
۲۳۷	ناظمیان، مهدی	۲۳۱، ۲۲۵، ۲۲۱	مولائی (نژاد)، عبدالله
۱۷۰	نامجو، حمید *	۲۴۲، ۲۴۰، ۲۳۶	
۱۷۵	نامجو، علی *	۱۵۲	مهندی، هوشنگ
۱۱۴	نامدار، احمد	۹۸	مهدوی
۲۱۰	نایب حسینی، حسین	۱۷۵، ۱۷۰	مهدوی *

۱۶۹	نوری، حسن	+	۱۶	نائینی، آیت الله
۲۱۰	نوری، عباس		۱۳۸	نبوی، عباس
۱۷۱	نوغانی		۲۳۷	نجابتی، حیدر علی
۲۳۷، ۱۹۸	نوید، محمد علی		۱۶۵، ۱۶۳	نجات الهی، مهندس کامران
۱۵۲	نویدی، امیر		۱۸۰، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۳	
۱۴۲	نہاوندی، دکتر		۱۶۹	نجاعی، میرزا رضا
۱۴۹	نہاوندی، شہروز		۲۴۰، ۲۳۷	نجفی، مهندس غلامرضا
۱۵۲، ۱۱۵	نہاوندی، ہوشنگ		۲۴۲	نجفی، مهندس محمد علی
۱۵۲	نیاز مند، رضا		۱۲۹، ۱۲۸	نجم آبادی
۱۷۴	نیشابوری، اسمعیل	+	۱۴۹	نجم آبادی، فرحناز
۲۹۰، ۱۲	نیکخواہ، پرویز		۲۲۱، ۲۱۹، ۲۱۰، ۲۰۴، ۱۹۸	نزہہ، حسن
۱۵۲	نیکپور، علی		۲۴۰، ۲۳۶، ۲۲۵	
۱۵۲، ۱۵۰	نیکبئی، غلامرضا		۱۲۸	نژند
۱۴۹	نیکبئی، فرشاد		۱۸۵	نصرتی
۲۴	نیکسون، ریچارد		۴۱	نصیری، تیمسار محمد (رئیس ساواک)
۲۱۰	واعظی، دکتر محمد علی		۱۵۱، ۱۱۷، ۱۱۵، ۹۸	
۶۴	والدہام، کورت		۱۷۲	نظری، اردشیر
۲۳۷، ۱۹۸	والی، علی اشرف		۱۲۲	نظری، حاج اکبر
۲۴۲، ۲۴۰، ۲۳۷، ۲۱۰	والی، مهندس اکبر		۱۲۲	نظری، حاج محمد
۱۴۹	وثوقی نیا، عباس		۲۳۷، ۱۹۸	نظیری، دکتر حبیبی
۱۲۹	وحداد، مهندس		۲۳۱	نظیفی، ابوالفضل
۲۱۰	وحید، دکتر سیف الله		۲۳۱	نظیفی، قاسم
۱۵۲	وحیدی، ایرج		۱۷۴	نقدی پور، حسین
۱۴۹	وحیدی، سورن		۲۴۰، ۲۳۷	نقرہ کار، مهندس عبدالحمید
۱۵۲	ودیعہ، کاظم		۲۴۲	
۲۳۷	ورجاوند، دکتر پرویز		۱۱۶	نقشینہ، دکتر
۱۷۰	ورہرام، تیمسار		۲۴۲، ۲۴۰، ۲۳۶، ۱۹۸	نکوفر، دکتر عباس
۱۴۹	وزیری، فرشید		۲۱۰	نکوفر، مهندس محمد تقی
۱۸۴، ۱۴۸	وفائی، احمد	■	۴۷	نگودین دیم
۱۵۳	وکیلزادہ، مرتضی		۱۵۱	نمازی، حسن
۱۵۲	ولیان، عبدالعظیم		۱۱۵	نواصری، منصور
۱۴۹	ولیان، ہما		۱۲۹	نوائی
۱۵۱	وہابزادہ، احمد		۱۸۰	نوذری، فرامرز
۱۴۹	وہابزادہ، امیر پرویز		۱۵۱	نورائی، سر لشکر
		ہ، ی	۱۲۹	نوروزی، تیمسار
۱۳۱	ہاردی، پیتھر		۱۶۹	نوروزی، رمضان
۱۸۸	ہادی نواد، کریم	+	۱۷۸	نوری

۱۴۹	یوسفی، شراره	۲۰۷، ۲۰۶	هاشمی، سید مهدی
۲۲۱	یونسی، دکتر ابراهیم	۲۴۲، ۲۴۰، ۲۳۷	هاشمی، مهندس مصطفی
			هاشمی رفسنجانی، حجت الاسلام علی اکبر
		۱۹۶	هاشمی نژاد، حجت الاسلام سید عبدالکریم
		۱۶۹، ۱۲۶	
		۱۵۱	هاشمی نژاد، سیهید
		۱۴۹	هدایت، فرامرز
		۲۳۷	هدایتی، خلیل
		۱۵۲	هدایتی، علی اصغر
		۱۴۹	هدایتی، هما
		۱۸۸	هرج پور
		۲۱۹	هزارخانی، منوچهر
		۷۰	هلمز، ریچارد
		۱۵۲	همایون، داریوش
		۱۹۷، ۱۹۶	همایون، محمد
		۱۱۷، ۱۱۵، ۴۱، ۴۰، ۲	هویدا، امیرعباس
		۲۲۸، ۲۲۷، ۱۵۰	
		۱۴۹	هویدا، مجید
		۱۲۹	یاری، علی
		۱۴۲	یاسینی
		۱۵۳	یاسینی، منصور
		۱۸۹	یداللهی
		۱۵۲	یزدان پناه، عزت الله
		۱۵۱، ۱۴۲	یزدانی، هژبر
		۲۳۷، ۱۹۸	یزدانیان
		۱۶۹	یزدجردی، فرماندار نظامی
		۱۶۲، ۱۶۱	یزدی، دکتر ابراهیم
		۲۴۰، ۲۳۷، ۲۲۱، ۲۱۰	یزدی، دکتر کاظم
		۲۴۲	
		۲۰۸، ۱۵۵، ۱۳۵	یزیدین معاویه
		۱۴۹	یگانه، جلال
		۱۷۲	یگانه، محمد
		۲۳۷	یگانه، محمد حسن
		۲۳۷	یگانه، ناصر
		۵۷	یمانی، زکی
		۱۵۹	یوسفیور، محمد

فهرست اماکن و موسسات

الف، ۲

۱۵۶	— باغ ملی، میدان		
۱۲۱	— پهلوی، بیمارستان	۱۸۰، ۱۲۹	آب، سازمان
۱۵۷	— حاوسیان، ده	۱۶۵، ۱۶۰، ۱۳۹، ۱۳۵، ۱۱۵	آبادان
۱۵۶	— خمینی، میدان	۱۶۸	
۱۲۱	— راه آهن، بیمارستان	۱۶۸	— پالایشگاه
۱۵۷	— سنجان، ده	۹۷	— رفس، سینما
۱۲۱	— قدس، بیمارستان	۱۷۳	آب گیلک، روستا
۱۲۱، ۱۱۸	— ماشین سازی، کارخانه	۱۳۹، ۱۲۹	آب و برق خوزستان
۱۵۷	— مرزگران، ده	۱۲۴	آتش نشانی، تهران
۱۵۷	— هزاوه، ده	۲۲۴، ۱۴۴	آذربایجان
۸۴، ۸۲، ۸۱، ۷۳، ۷۲، ۶۱، ۵۸	ارتش	۳۵	آرامکو، شرکت
۱۲۹-۱۲۶، ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۱۵، ۱۰۴، ۸۶		۱۸۸	آستانه
۱۳۳-۱۳۲، ۱۴۵، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۶		۱۷۵	آستانه اشرفیه
۱۶۸-۱۶۵، ۱۵۷، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۵۰		۱۹۳، ۱۳	آسیا
۲۴۳، ۲۰۳، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۷۸		۱۴۷	آشتیان
۲۴۴		۱۷۶، ۱۲۲، ۱۱۶	آغاچاری
۱۴۱	— اداره تسلیحات	۱۹۳، ۶۴، ۱۳	آفریقا
۱۵۳	— اداره مهندسی	۹۷	آفریقای جنوبی
۲۰۳-۲۰۲	— دادرسی	۱۷۲	آگاهی، اداره مشهد
۱۲۷	— رکن ۲	۴۶، ۱۳	آلمان
۱۷۷، ۱۷۲	— فروشگاه	۱۲۱، ۱۱۸	آلومینیم سازی اراک، کارخانه
۱۵۲	— گارد شاهنشاهی (جاویدان)	۱۷۵، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۰۸	آمل
۱۶۶، ۱۵۳		۱۸۹، ۱۷۵	آموزش و پرورش کرمان
۱۸۹، ۱۸۶، ۱۵۳، ۱۴۱	— هوانیروز	۵۸، ۵۰-۴۷، ۴۴، ۴۰، ۳۴، ۱۳، ۲	آمریکا
۱۴۴، ۱۲۳	اردبیل	۹۷، ۸۷، ۸۶، ۸۱، ۷۲، ۷۰، ۶۶، ۶۴، ۶۳	
۱۴۷	اردستان	۱۵۰، ۱۴۴، ۱۴۲، ۱۲۸، ۱۲۴، ۱۱۵، ۱۰۲	
۱۷۴	اردکان	۱۸۹، ۱۷۲، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۲، ۱۵۴	
۱۷۴	— فرمانداری	۱۶۵، ۱۳۳، ۱۳۱	— سفارت
۱۵۴، ۶۴	اردن	۴۶	آمریکای جنوبی
۲۳۵، ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۶	ارشاد، حسینه	۱۱	آمریکای لاتین
۱۳۱، ۱۲۸، ۱۲۴، ۵۶، ۴۹، ۴۶، ۱۴	اروپا	۱۶۴	اتکا، شرکت
۱۹۴		۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۷، ۱۴۳، ۱۲۱، ۱۱۸	اراک
۴۹	اروپای شرقی	۱۸۴	
۵۰	اروپای غربی	۱۲۱، ۱۱۸	— آلومینیم سازی، کارخانه
۸۸	اریتره	۱۵۷	— ایجان، ده

۱۳۶	— سروش، خیابان	۱۲۹	استانداردها، اداره
۱۳۸	— سی و سه پل، بلوار	۲۲۱، ۱۹۳، ۱۵۶، ۱۵۴، ۹۷، ۸۶	اسرائیل
۱۴۵	— شاه عباس، فلکه	۱۶۴	— شرکت هواپیمایی (العال)
۱۳۸	— شهناز، خیابان	۱۳۱	اسکا، کمپانی
۱۳۸	— شیخ بهائی، خیابان	۱۴۲	اشرف پهلوی، مدرسه
۱۳۸	— طالقانی، خیابان	۱۳۶، ۱۳۱، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۸، ۶۵	اصفهان
۱۴۵، ۱۳۶	— طوقچی، فلکه	۱۶۹، ۱۶۵، ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۴۵، ۱۴۳، ۱۳۸	
۱۳۸	— عبدالرزاق، خیابان	۲۲۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۰، ۱۷۰	
۱۳۹، ۱۳۶	— عسگریه، بیمارستان	۱۳۸	— آپادانا، خیابان
۱۴۵		۱۳۸	— آتشگاه، خیابان
۱۳۸	— عسگریه، درمانگاه	۱۳۸	— آذر، پل
۱۳۸	— عسگریه، محله	۱۳۸	— آذر، خیابان
۱۳۶	— فروردین، چهارراه	۱۳۸	— آئینه، بلوار
۱۴۵	— فروغی، خیابان	۱۳۶، ۱۱۸	ابن سینا، خیابان
۱۳۸	— کهن دژ، خیابان	۱۳۸	— احمدآباد، خیابان
۱۳۸	— کهنه، میدان	۱۴۵	— بازار
۱۴۵	— کمال اسمعیل، خیابان	۱۳۸	— بزرگمهر، خیابان
۱۳۸	— گلزار، خیابان	۱۳۸	— بستون، حمام
۱۳۶	— مدرس، خیابان	۱۳۸	— تخته فولاد، قبرستان
۱۳۸	— ملکه آباد، سه راه	۱۷۰، ۱۴۵، ۱۱۸	— ثریا، بیمارستان
۱۳۶	— هزارتختخواهی، بیمارستان	۱۳۶	— جرجانی، بیمارستان
۱۶۳، ۱۵۲	اصناف، اداره	۱۴۵	— جمشید، فلکه
۱۵۲، ۱۳۰	اطاق بازرگانی و صنایع و معادن	۱۳۸	— جی، خیابان
۱۸۵	اطلاعات و جهانگردی، اداره	۱۳۸	— چهارباغ، خیابان
۱۲۸، ۸۴، ۸۳	افغانستان	۱۳۸	— چهارباغ خواجه
۱۸۱، ۱۳	الجزایر	۱۴۵	— حسین آباد، محله
۲۲۲	امانیه، کلانتری	۱۳۸	— خمینی، خیابان
۱۲۹، ۱۲۴	امور استخدامی و اداری، سازمان	۱۲۲	— خمینی، میدان
۱۲۸	اندونزی	۱۳۸	— خواجه، پل
۱۴۲، ۱۲۹	انرژی اتمی، سازمان	۱۳۸، ۱۳۶	— خواجه، محله
۱۳۲ — ۱۳۰، ۹۷، ۸۸	انگلستان	۱۳۸	— دروازه دولت
۱۱۷، ۶۴، ۵۷	اوپک	۱۳۶	— درویشها، کوچه
۱۲۸	اوقاف	۱۳۶	— رحمت آباد
۱۴۴	اهر	۱۳۶	— رضاهلوی، بیمارستان
۱۲۷، ۱۲۲، ۱۱۶، ۱۱۵، ۷۲، ۶۵	اهواز	۱۳۸	— زاهدی، خیابان
۱۷۹، ۱۷۶، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۰، ۱۳۹، ۱۳۵		۱۴۵	— ساواک
۲۲۹		۱۳۶	— سیاهان، بیمارستان

۱۵۲	بانک تهران	۱۶۷	- باغ ملی
۱۳۵	بانک سپه	۱۶۰	- بهبهانی، مدرسه
۱۸۶	بانک صادرات، اصفهان	۱۶۰	- بهشت آباد
۱۵۲	بانک صنایع	۱۶۷	- بیست و چهارمتری، خیابان
۱۷۸	بانک عمران	۱۶۷	- پهلوی، خیابان
۱۵۰، ۱۴۹، ۱۳۵، ۱۲۹	بانک مرکزی	۱۳۱	- تاسیسات نفتی
۱۸۰، ۱۷۷، ۱۵۲، ۱۴۲، ۱۳۵	بانک ملی	۱۷۶، ۱۶۷	- جندی شاپور، بیمارستان
۱۳۹، ۱۲۶	بجنورد	۱۱۶	- زندان
۱۳۲	بحرین	۱۳۹	- سیروس، خیابان
۱۳۷	بrazجان	۱۶۸، ۱۶۷، ۱۱۶	- صنایع فولاد
۱۲۳	- بیمارستان	۱۶۷	- عباسیه
۴۶	برزیل	۱۶۰	- کمپلو، ناحیه
۱۲۹، ۱۲۴، ۱۱۴	برنامه بودجه، سازمان	۱۶۷	- کیان پارس، خیابان هفدهم
۱۶۵، ۱۵۲	بروجرد	۱۳۹	- مولوی، خیابان
۱۱۸	بروکسل	۱۵۲	ایران ناسیونال
۱۴۲	بلژیک، تلویزیون	۱۱۸	ایرلند
۲۲۶	بل هلیکوپتر، شرکت		ب، پ، ت، ث
۱۳۱	بندر شاهپور	۱۱۸، ۱۰۹، ۱۰۶، ۹۵، ۸۵، ۶۸، ۶۵	بازار
۱۲۲	بندرعباس	۱۶۷، ۱۵۶، ۱۳۴، ۱۳۲، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۴	
۹۶	بنیاد پهلوی	۲۲۶	بازار آستانه
۱۶۸، ۱۴۹، ۱۴۲	بوشهر	۱۸۸	بازار اصفهان
۱۵۶، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۱	بویراحمد	۱۴۵	بازار برازان، قم
۱۸۷	بهبهان	۱۸۷	بازار تهران
۱۸۷، ۱۳۲، ۱۲۲، ۱۱۶	بهشت رضا، مشهد	۲۲۶، ۱۶۵، ۱۳۴	بازار چهار سوکوکچک، تهران
۱۶۹، ۱۵۶	بهشت زهرا، تهران	۱۲۴	بازار زرکرها، تهران
۱۳۳، ۱۲۷، ۱۲۴	بهشت زهرا، تبریز	۱۲۴	بازار سرداب، نهاوند
۱۸۰ - ۱۷۸، ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۳۵، ۱۳۴	بهشت معصومه، قم	۱۸۶	بازار سید عزیزالله، تهران
۱۴۰	بهشهر	۱۲۴	بازار کفاشها، تهران
۱۵۶	بهشهر، گروه صنعتی	۲۲۱، ۱۲۴	بازار یزد
۱۲۲، ۱۲۰	بیجار	۱۲۳	بازرسی شاهنشاهی
۱۵۱	بیرجند	۱۵۱	بافران، روستای نائین
۱۱۹	بیمارستان آریا، تهران	۱۴۷	بانک اسلامی، اهواز
۱۳۹	بیمارستان امام رضا، مشهد	۱۱۵	بانک ایرانیان
۱۱۶	بیمارستان امیر علم، تهران	۱۴۲	بانک پارس
۱۷۷	بیمارستان بازرگانان، تهران	۱۵۲	بانک تعاون و توزیع
۱۶۵		۱۵۲	بانک توسعه صنعتی
۱۳۳		۱۵۲	

بیمارستان هزارتختخوابی، تهران، ۱۳۰، ۱۶۲	۱۲۳	بیمارستان برازجان
۱۹۰، ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۶۳	۱۳۳	بیمارستان بهادران، تهران
۱۴۱	۱۳۳	بیمارستان بهاور، تهران
۱۴۱	۱۴۸	بیمارستان پارس، تهران
۱۵۴	۱۲۱	بیمارستان پهلوی، اراک
۱۵۳، ۱۴۱	۱۱۶	بیمارستان پهلوی، شوشتر
۱۹۰، ۱۴۱	۱۷۰، ۱۴۵، ۱۱۸	بیمارستان ثریا، اصفهان
۱۷۰	۱۳۶	بیمارستان جرجانی، اصفهان
۱۵۳	۱۳۳	بیمارستان جرجانی، تهران
۱۶۴	۱۷۶، ۱۶۷	بیمارستان جندی‌شاپور، اهواز
۲۲۶، ۲۰۵، ۱۵۳، ۱۲۹، ۱۲۴، ۱۱۵		بیمارستان داریوش‌کبیر (دکتر علی‌شریعتی)، تهران
۲۲۶	۱۶۴، ۱۳۰	بیمارستان دهخدا، قزوین
۱۶۲، ۱۶۱، ۷۲، ۶۴	۱۷۴	بیمارستان راه‌آهن، اراک
۱۶۸	۱۲۱	بیمارستان رضا پهلوی، اصفهان
۱۱۹	۱۳۶	بیمارستان رضای پهلوی، تهران
۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۳، ۱۱۹	۱۱۴	بیمارستان سیاهان، اصفهان
۱۷۹، ۱۳۵	۱۳۶	بیمارستان سعدی، شیراز
۱۱۹	۱۵۷، ۱۴۶	بیمارستان سوانح، تهران
۱۱۹	۱۳۳	بیمارستان سوم شعبان، تهران
۱۲۲	۱۳۳، ۱۲۴	بیمارستان سینا، تهران
۱۷۷، ۱۷۲	۱۳۰	بیمارستان شاه‌سماعیل، قزوین
۱۱۴	۱۷۴	بیمارستان شاهرضا (هدف‌هم شهریور)، مشهد
۱۵۲، ۱۱۷	۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۱۷	
۱۶۲، ۱۵۶، ۱۴۴، ۱۳۶، ۸۲، ۷۲، ۶۵	۱۷۴، ۱۷۲	
۲۲۴، ۲۲۱، ۲۲۰، ۱۷۰	۱۳۳	بیمارستان شفا بحیثیان، تهران
۱۴۰	۱۴۱	بیمارستان شهربان، تهران
۱۱۹	۱۱۷	بیمارستان شهنواز، مشهد
۱۶۲	۱۳۳	بیمارستان طرفه، تهران
۱۳۹	۱۳۹، ۱۳۶	بیمارستان عسگریه، اصفهان
۱۵۱	۱۴۵	
۱۲۹	۱۲۴	بیمارستان فیروزآبادی، شهری
۵۰	۱۲۱	بیمارستان قدس، اراک
۱۴۷	۱۷۴	بیمارستان کوروش‌کبیر، قزوین
۵۶	۱۶۲	بیمارستان مشهد
۱۹۳	۱۶۴	بیمارستان نامداران، تهران
۱۳۱، ۱۲۹	۱۳۶	بیمارستان هزارتختخوابی، اصفهان
۱۲۹		

تونس	۱۸۳	— بیست و چهار اسفند (مجسمه) ، میدان
تهران	۱۱۴۰۹۰۰۶۵۰۵۴۰۵۳۰۴۱۰۲۱	۱۹۰۰۱۸۰۰۱۷۸۰۱۶۳
	۱۳۳ — ۱۳۱۰۱۲۷۰۱۲۴۰۱۲۳۰۱۱۷	— پارس ، بیمارستان ۱۴۸
	۱۵۱۰۱۴۷۰۱۴۳۰۱۴۱۰۱۴۰۰۱۳۷۰۱۳۵	— پاسیفیک ، سینما ۱۷۸
	۱۸۰۰۱۷۸۰۱۶۳ — ۱۶۱۰۱۵۶۰۱۵۵۰۱۵۳	— بالایشگاه ۱۲۸۰۱۲۳۰۱۱۹
	۲۲۶۰۲۲۴۰۲۲۰۲۰۳۰۱۹۵۰۱۹۰۰۱۸۳	۱۷۹۰۱۳۵۰۱۲۹
	۲۳۴۰۲۳۳۰۲۲۹	— پهلوی ، چهارراه ۱۶۵
	۱۶۶	— پهلوی ، خیابان ۱۶۵۰۱۴۰۰۱۲۷
	۱۱۶	۲۴۱۰۲۴۰
	۱۸۹	— پیچ شمیران ۱۱۷
	۱۹۰۰۱۴۴	— تخت جمشید ، چهارراه ۲۴۰
	۱۳۴	— تخت جمشید ، خیابان ۱۳۳۰۱۲۳
	۱۷۸	۲۴۱۰۱۹۰۰۱۷۹۰۱۷۸۰۱۶۵۰۱۶۳۰۱۴۰
	۱۳۳	— تخت طاووس ، خیابان ۱۷۸۰۱۴۰
	۱۹۹۰۱۹۷۰۱۹۶	— تنکابن ، خیابان ۱۱۷
	۲۳۵۰۲۰۹	— تهران پارس ۱۶۶۰۵۴
	۱۹۰	— تهران نو ۱۸۰
	۱۲۷	ثریا ، خیابان ۱۶۴۰۱۶۳۰۱۴۰۰۱۳۳
	۵۴	— جرجانی ، بیمارستان ۱۳۳
	۱۶۵	— جردن ، خیابان ۱۲۹
	۱۳۳	— حوادیه ، محله ۵۴
	۱۶۴۰۱۲۷	— جی ، پادگان ۱۴۱
	۱۴۰	— جیبون ، خیابان ۱۲۷
	۲۲۶۰۲۲۱۰۱۶۵۰۱۳۴۰۱۲۴	— جیت سازی ، چهارراه ۱۶۶
	۱۲۴	— حافظ ، خیابان ۱۶۵۰۱۴۰
	۱۳۳	— خراسان ، خیابان ۱۳۴
	۱۴۰	— خیام ، درمانگاه ۱۲۴
	۱۴۱	— دامپزشکی ، خیابان ۱۲۷
	۵۴	— دربند ، هتل ۱۴۲
	۵۸	— درواز شمیران ۲۰۳
	۱۴۰	— دزوس ، منطقه ۱۳۴۰۱۱۴
	۱۲۷	— دکتر علی شریعتی (داربوش)
	۱۳۳۰۱۲۷	بیمارستان ۱۶۴۰۱۳۰
	۱۳۳	— دولت آباد ، محله ۵۴
	۱۶۳	— رامسر ، خیابان ۱۳۴۰۱۳۳
	۱۳۳	— رضا پهلوی ، بیمارستان ۱۱۴
	۱۳۴۰۱۳۳۰۱۲۷۰۱۲۴	— ری ، خیابان ۱۳۳
	۱۸۰۰۱۷۹۰۱۷۸۰۱۵۶۰۱۴۹	
آرامگاه ، خیابان	۱۶۶	
— آریا ، بیمارستان	۱۱۶	
— آزادی (شهباد) ، میدان	۱۸۹	
— آیزنهاور ، خیابان	۱۹۰۰۱۴۴	
— اتابک ، خیابان	۱۳۴	
— اردبیهشت ، خیابان	۱۷۸	
— ارزنگی ، کوچه	۱۳۳	
— ارک ، مسجد	۱۹۹۰۱۹۷۰۱۹۶	
— استخر ، خیابان	۱۹۰	
— اعدام ، میدان	۱۲۷	
— افسریه ، محله	۵۴	
— امیراعلم ، بیمارستان	۱۶۵	
— امیرکبیر ، خیابان	۱۳۳	
— ایرانشهر ، خیابان	۱۶۴۰۱۲۷	
— بابائیان ، خیابان	۱۴۰	
— بازار فرش فروشها	۲۲۶۰۲۲۱۰۱۶۵۰۱۳۴۰۱۲۴	
— بازار گلزار	۱۲۴	
— بازرگانان ، بیمارستان	۱۳۳	
— باغ حکیم ، کوچه	۱۴۰	
— باغ شاه ، پادگان	۱۴۱	
— باغ فیض ، محله	۵۴	
— بریانک ، خیابان	۵۸	
— بلوار	۱۴۰	
— بوذرجمهری ، خیابان	۱۲۷	
— بهادران ، بیمارستان	۱۳۳	
— بهار ، خیابان	۱۶۳	
— بهاور ، بیمارستان	۱۳۳	
— بهشت زهرا	۱۳۴۰۱۳۳۰۱۲۷۰۱۲۴	

۱۷۷	— قدیم شمیران، خیابان	۲۰۵	— زاویه، پارکینگ
۵	— قیطریه، محله	۱۲۷	— سپه، خیابان
۵۸	— کاروانسرا سنگی، محله	۱۳۳	— سپه، میدان
۱۴۰	— کریمخان زند، خیابان	۱۳۳	— سپهبدزاهدی، خیابان
۱۵۳	— لویزان، یادگان	۱۲۴	— سرای سیروس
۱۲۴	— مسجد جمعه، چهارراه	۱۵۶، ۱۳۳	— سرچشمه، خیابان
۱۶۳	— ملکالشعرای بهار، خیابان	۱۵۴	— سلسبیل، خیابان
۱۴۰	— نادرشاه، خیابان	۱۴۲	— سلطنت آباد، خیابان
۱۹۰	— نارمک، محله	۵۴	— سلیمانیه، محله
۱۶۴	— نامداران، بیمارستان	۱۳۳	— سوانح، بیمارستان
۱۳۳	— ناهید، سرا	۱۳۳، ۱۲۴	— سوم شعبان، بیمارستان
۱۹۰	— نواب، خیابان	۱۲۴	— سید عزیزالله، خیابان
۱۴۰	— نواب جنوبی، خیابان	۱۳۰	— سینا، بیمارستان
۱۶۵، ۱۶۴	— ویلا، خیابان	۱۴۰	— سینا، خیابان
۱۶۴، ۱۴۰، ۱۲۷	— هاشمی، خیابان	۱۷۸	— شانتهانی، کوچه
۱۳۰	— هزارتختخوابی، بیمارستان	۱۴۰	— شاه، خیابان
۱۹۰، ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۶۳، ۱۶۲	— یاد، ساختمان	۱۳۴، ۱۲۴	— شاهپور، خیابان
۲۳۴، ۲۳۰	— ثبت، اداره	۱۹۰، ۱۸۰، ۱۴۳	— شاهرضا، خیابان
۱۵۲	— ثقفیان، طلافروشی	۱۳۳	— شفا یحیائیان، بیمارستان
۱۶۷	— ج، چ، ح، خ	۵۴	— شمیران نو، محله
۱۲۸	— جده، (عربستان)	۱۶۴	— شوش، خیابان
۱۷۶	— جندبشاپور، مرکز پزشکی	۱۶۵، ۱۳۳	— شهباز، خیابان
۱۳۱	— جنرال الکتریک، شرکت	۱۵۶	— شهدا، میدان
۲۲۹، ۱۶۰، ۷۲	— جهرم	۱۴۱	— شهربانی، بیمارستان
۱۸۸	— چالوس	۱۳۳	— طرفه، بیمارستان
۴۹	— چکسلواکی	۱۲۴	— عباسآباد، خیابان
۱۷۲	— چوکا، کارخانه	۱۹۰، ۱۴۱	— عشرتآباد، یادگان
۸۸	— حبشه	۱۲۴	— سعینالدوله، خیابان
۱۷۵	— حدید، گروه توحیدی	۱۶۴	— غار، میدان
۲۰۵، ۱۲۷	— حضرت عبدالعظیم	۲۳۴، ۲۳۰	— غزالی، خیابان
۱۵۹	— حوزه علمیه، قم	۱۲۷	— غیاثی، خیابان
۱۶۸	— خارک	۲۰۳	— فخرآباد، خیابان
۱۶۹	— خاشی	۱۵۳، ۱۴۱	— فرحآباد، یادگان
۱۵۴	— خاورمیانه	۱۶۴	— فرحزاد، خیابان
۱۸۰، ۱۳۹، ۹۶	— خراسان	۱۶۵، ۱۶۴، ۱۲۷	— فردوسی، میدان
۱۸۸	— خرمآباد	۱۶۴	— فرصت، خیابان
		۱۶۵	— فیضآباد، خیابان

۲۰۳	دیوانعالی کشور	۱۶۸۰۱۳۱۰۱۱۹۰۱۱۵۰۶۵	خرمشهر
۵	دولت موقت	۷۸۰۷۱۰۷۰	خلیج فارس
۱۸۹۰۱۸۰۰۱۵۲۰۲۲	ذوب آهن ایران	۱۲۳۰۱۱۹	خمین
۱۱۴۰۱۱۳۰۱۰۲۰۹۸۰۴	رادبو تلویزیون	۱۸۸۰۱۶۱۰۱۵۶	خوانسار
۱۵۲۰۱۴۹۰۱۴۷۰۱۴۲۰۱۴۱۰۱۳۴۰۱۲۹		۱۱۹۰۱۱۵	خوزستان
۱۸۳۰۱۸۲۰۱۸۰۰۱۷۴۰۱۶۷۰۱۶۵۰۱۵۶			د، ذ، ر، ز، ژ
۲۳۲		۲۰۵۰۲۰۳۰۲۰۱	دادگاه نظامی
۱۸۹۰۱۰۸	راور، کرمان	۱۷۱۰۱۴۰۰۱۳۹۰۱۲۶	دادگستری، مشهد
۱۲۹	راه و ترابری، وزارت	۱۵۳۰۱۲۹	دارائی، وزارت
۱۸۸۰۱۷۲	رشت	۱۵۳	دانشکده پزشکی
۱۷۰	رضائیه	۱۸۵۰۱۷۳۰۱۶۳	دانشکده پلی تکنیک
۱۷۰	- قوچک، پادگان	۱۳۴	دانشکده تربیت معلم
۱۸۹۰۱۶۸۰۱۳۶۰۱۲۲	رفسنجان	۲۲۶۰۲۵	دانشکده فنی
۱۶۸	- معین زاده، خیابان	۱۳۹	دانشکده کشاورزی شیراز
۱۸۸۰۱۷۴	رودسر	۸۱۰۶۸۰۶۵۰۵۹۰۲۷ - ۲۳۰۴	دانشگاه
۲۰۵۰۱۵۴۰۱۲۷۰۱۲۴۰۵۴	ری	۱۲۶۰۱۱۴۰۱۱۳۰۱۰۹ - ۱۰۶۰۱۰۱۰۹۵	
۱۶۹۰۱۵۷	زابل	۱۸۳۰۱۶۵۰۱۴۹۰۱۴۷۰۱۴۴۰۱۴۱۰۱۳۴	
۱۶۹	زاهدان	۲۲۷	
۱۷۴	زرنند	۶۵۰۲۵	دانشگاه آریامهر
۱۴۰	زرتق، روستای سراب	۱۲۴	دانشگاه ابوریحان بیرونی
۱۵۶۰۱۲۳۰۱۲۰	زنجان	۱۱۸	دانشگاه اصفهان
۲۳۲۰۱۷۸۰۱۴۱	زندان اوین	۱۸۵	دانشگاه بوعلی
۱۱۶	زندان اهواز	۱۳۹۰۲۵	دانشگاه پهلوی شیراز
۱۷۷۰۱۷۲	زندان زنان، مشهد	۱۷۰۰۱۴۰	دانشگاه تبریز
۱۷۵	زندان سنجج	۱۶۷۰۱۶۴۰۱۲۶۰۲۵	دانشگاه تهران
۱۷۶	زندان کارون	۱۹۰۰۱۸۰	
۱۷۱۰۱۶۸	زندان مشهد	۱۸۰۰۱۶۴	- دبیرخانه
۴۶	زاین	۱۷۶	دانشگاه جندی شاپور
	س، ش	۱۴۲۰۲۵	دانشگاه ملی
۱۲۵	ساری	۱۸۰	دخانیات، شرکت
۱۲۵	- پای ساعت، میدان	۱۵۱۰۱۳۰۰۱۱۴۰۱۴	دربار
۱۲۵	- فرهنگ، میدان	۱۳۹	دزفول
۱۲۵	- قارون، خیابان	۲۳۳	دفتر مخصوص شاهنشاه
۱۲۵	- ماه فروچک، ده	۱۷۷	دلیمان
۱۲۵	- ملا مجدالدین، گورستان	۱۶۲	دماوند
۱۲۵	- ولیعهد، میدان	۱۲۲۰۱۱۶	دوگنبدان
۱۸۰۰۱۲۹	سازمان آب	۱۸۷	دهدشت

۱۸۱	شورای انقلاب الجزایر	۱۵۲	سازمان برق ، تهران
۱۴۴۰۱۲۳۰۱۱۵۰۸۸۰۴۹۰۲۲	شوروی	۱۲۹۰۱۲۴۰۱۱۴	سازمان برنامه و بودجه
۱۶۰۰۱۳۹۰۱۱۶	شوشتر	۱۶۵۰۱۵۲	
۱۱۶	— پهلوی ، بهارستان	۱۲۴	سازمان کشتیرانی
۱۵۲	شهرداری	۱۵۲	سازمان گسترش صنایع
۱۳۹	— اداره نوسازی	۱۲۴	سازمان مرکز آموزش مدیریت دولتی
۱۴۷	شهرضا	۲۵۶۰۶۴	سازمان ملل متحد
۱۸۸	شهبسوار	۱۴۶	سازمان نظام پزشکی
۰۱۴۰۰۱۳۹۰۱۳۷۰۱۱۸۰۱۱۶	شیراز	۱۵۲	سازمان نقشه برداری
۲۰۷۰۱۸۰۰۱۷۴۰۱۶۵۰۱۵۷۰۱۵۶۰۱۴۶		۲۳۰۱۲۰۱۱۰۳۰۲	ساواک (سازمان امنیت)
۱۱۹	— پالایشگاه	۶۵۰۵۸۰۵۶۰۵۳۰۴۱۰۳۱	۲۹۰۲۷ — ۲۵
۱۳۹	— دانشکده کشاورزی	۱۲۷۰۱۲۶۰۱۱۶۰۱۱۴۰۱۰۱۰۷۳۰۶۹	
۱۵۷۰۱۴۶	— سعدی ، بیمارستان	۱۴۶۰۱۴۵۰۱۴۲۰۱۴۰۰۱۳۶۰۱۳۵۰۱۳۰	
۱۵۷	— سعدی ، کلبه	۱۷۲۰۱۶۶۰۱۶۳۰۱۵۷۰۱۵۱۰۱۵۰۰۱۴۸	
۱۱۸	— مصدق ، فلکه	۲۲۷۰۱۹۰۰۱۸۶۰۱۷۶۰۱۷۳	
۱۸۳	شیلی	۱۴۰۰۱۲۳	سراب ، اردبیل
	ص ، ض ، ط ، ظ	۱۲۰	سنقر کلیائی
۱۴۱	صاحبقرانیه ، کاخ	۱۷۵۰۱۲۲	سندج
۱۴۵۰۱۱۷	صحن امام رضا (ع)	۱۲۲	— پهلوی ، خیابان
۱۸۷۰۶۴	صحن حضرت معصومه (ع)	۱۵۴	سودان
۱۵۲	صنایع پتروشیمی	۶۴	سومالی
۱۶۷۰۱۱۶	صنایع فولاد ، اهواز	۱۵۰	سوئیس
۱۴۲	صندوق خدمات درمانی	۱۵۴۰۱۳۲۰۷۰	سیا
۱۶۸۰۱۲۲	صنعت نفت	۱۷۷۰۱۳۹	سیرجان
۱۶۰	صنعت نفت مارون	۱۷۸	سینما پاسیفیک ، تهران
۱۸۸۰۱۷۲	صومعه سرا	۹۷	سینما رکس ، آبادان
۱۶۷	طاووسی ، زرگری	۱۷۲	سینما شهر فرنگ ، مشهد
۹۹۰۹۶	طیس	۶۴	شاخ آفریقا
۶۴	ظفار	۱۵۳۰۱۳۵	شاهرود
		۱۵۴	— پادگان
	ع ، غ	۱۵۲	شرکت گاز
۲۷	عراق	۱۲۹۰۱۲۳۰۱۱۹۰۱۱۵۰۱۱۴	شرکت نفت
۱۲۸۰۵۷۰۳۵	عربستان سعودی	۱۶۵۰۱۶۰۰۱۵۲۰۱۴۲۰۱۳۵۰۱۳۲۰۱۳۱	
۱۲۸	عرفات (مکه معظمه)	۲۲۶۰۱۸۰۰۱۷۹۰۱۷۶۰۱۷۵۰۱۶۸۰۱۶۷	
۲۲۷۰۱۶۵	علوم و آموزش عالی ، وزارت	۱۷۹۰۱۲۹۰۱۲۸	— اداره مرکزی
۶۴	عمان	۱۵۲	شرکت واحد
۱۲۸	غار حرا ، (مکه معظمه)	۵	شورای انقلاب

۱۵۹	— حوزه علمیه		
۱۵۹	— کهنه، میدان	۹۶	فارس
۱۴۰	فوجان	۱۳۲	فاستروبیلا رکانستراکشن، شرکت
۹۶	قبر و گازرین	۱۲۵	فخرآباد، آبادی
	ک.گ	۱۵۲	فدراسیون فوتبال
۹۶	کاخک	۱۵۰۰۱۴۲۰۴۸	فرانسه
۸۸	کاخ نیاوران	۱۳۹	فردوس
۱۶۸۰۱۳۷۰۱۳۶	کازرون	۱۶۵۰۱۵۰	فرودگاه مهرآباد
۱۵۹۰۱۵۶۰۱۴۷۰۱۱۸۰۱۱۶۰۶۵	کاشان	۱۶۷	فرهنگ، اداره اهواز
۱۸۷۰۱۶۹		۱۶۲	فوریان
۱۵۹	— دروازه فین	۱۸۹۰۱۳۵۰۱۲۸۰۶۴	فلسطین
۱۵۹	— زیارتگاه پنجه‌شاه	۱۲۳	فیروزآباد
۱۵۹	— زیارتگاه حبیب‌ابن موسی	۷۰	فیلیپین
۱۵۹	— شاه عباس، فلکه	۵۴	قاسم‌آباد، شاهی
۱۵۹	— قاضی اسدالله، فلکه	۱۶۲	قائن
۱۵۹	— کمال الطلک، میدان	۱۷۳	قزوین
۱۵۹	— مسجد آقابزرگ	۱۷۳	— آب گیلک، روستا
۲۳۸۰۱۳۳	کربلا	۱۷۳	— حسینه
۱۷۴۰۱۶۵	کرج	۱۷۴	— دهخدا، بیمارستان
۱۶۵	— امیری، خیابان	۱۷۴	— شاه اسماعیل، بیمارستان
۱۶۵	— قزوین، خیابان	۱۷۳	— غسالخانه
۱۶۵	— مطهری، خیابان	۱۷۴	— کورش‌کبیر، بیمارستان
۱۲۰۰۱۱۹	کردستان	۱۷۳	— مسجدالنبی
۱۲۶۰۱۲۵۰۱۲۲۰۱۲۱۰۱۰۸۰۱۰۱	کرمان	۱۷۳	— مقبره شاهزاده حسین
۱۸۹۰۱۷۵۰۱۷۰۰۱۵۸۰۱۵۶۰۱۳۶			قم
۱۸۹۰۱۷۵	— آموزش و پرورش	۱۷۴۰۱۵۹۰۱۵۶۰۱۳۶۰۱۲۷۰۱۲۶۰۱۲۱	
۱۲۵	— برج ساعت	۲۲۱۰۲۲۰۰۱۹۰۰۱۸۷۰۱۸۴۰۱۸۱۰۱۷۷	
۱۷۵	— جویبار، بخش	۱۷۷	— آذر، خیابان
۱۷۵	— جویبار، گورستان	۱۷۷	— آسیدحسن، کوچه
۱۷۰	— صاحب‌الزمان، گورستان	۱۸۷	— آستانه، میدان
۱۳۷۰۱۳۳۰۱۲۰۰۱۱۹۰۱۱۶	کرمانشاه	۱۲۶	— ارم، خیابان
۱۴۸۰۱۴۶		۱۸۷	— امام حسن عسکری (ع)، محله
۱۱۹	— بهار، خیابان	۱۸۷	— بازاربزازان
۱۱۹	— پالایشگاه	۱۸۷	— بقیع، گورستان
۱۳۷	— جعفرآباد، ده	۱۵۶	— بهشت معصومه
۱۱۹	— صباغ، مسجد	۱۵۹	— تره‌بار، میدان
۱۱۶	— فردوسی، خیابان	۱۷۷	— چهارمردان، خیابان

۱۴۱	مراغه	۱۷۶	کرنج، آغاچاری
۱۲۹، ۱۲۴	مرکز آمار ایران	۱۴۸	کنگاور
۱۵۲	مرکز انتقال خون	۱۴۸	- دبیرستان ابن سینا
۱۴۴	مرند	۱۶۷	کوروش شهر، اهواز
۲۲۱	مسجد آذربایجانیهها، تهران	۱۵۴، ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۴	کویت
۱۵۹	مسجد آقا بزرگ، کاشان	۱۸۷	کپکلیویه
۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۶	مسجد ارک، تهران	۱۳۰، ۱۱۴	کیش، جزیره
۲۳۵، ۲۰۹	مسجد ابا عبدالله الحسین، تهران	۱۶۸، ۱۶۰، ۱۲۲، ۱۱۶	گچساران
۱۶۶	مسجد امام خمینی، کرمان	۱۸۸، ۱۵۶	گرگان
۱۵۸	مسجد المهدی، تهران نو	۱۶۸، ۱۲۳	کرمنشهر
۱۳۵	مسجد النبی، (مدینه مکرمه)	۱۸۹	گلپایگان
۳۴	مسجد النبی، قزوین	۱۳۱، ۱۲۹	گمرک، اداره
۱۷۳	مسجد تکیه بازار، آشتیان	۱۲۹	گمرکات جنوب
۱۴۷	مسجد تهرانی، دروس	۱۳۹	گناباد
۱۳۴	مسجد جامع، اصفهان	۱۲۳	گناوه
۱۳۸	مسجد جامع، بوشهر	۱۸۹	گوگد، بخش گلپایگان
۱۲۷	مسجد جامع، تهران		م. ل
۲۲۹	مسجد جامع، رفسنجان	۹۶	لار
۱۶۸	مسجد جامع، ساری	۱۶۱	لاهور (هندوستان)
۱۲۵	مسجد جماع، قوچان	۱۸۸	لاهیجان
۱۲۶	مسجد جامع، کرج	۲۲۱، ۱۹۵ - ۱۹۳	لبنان
۱۶۵	مسجد جامع، کرمان	۱۴۶، ۱۳۰	لندن
۱۷۷	مسجد جامع، ملایر	۱۸۷	لند موسوق، منطقه بهبهان
۱۲۲	مسجد جامع، نوشهر	۱۸۸	لنگرود
۱۸۸	مسجد جامع، نیشابور	۴۹	لهستان
۱۲۱، ۱۲۰	مسجد جوانان، نهاوند	۱۲۱، ۱۱۸	ماشین سازی اراک، کارخانه
۱۸۶	مسجد چهارباغ، اصفهان	۱۰۱، ۴۱ (مجلسین شورای ملی و سنا)	مجلس
۱۴۵	مسجد چهارده معصوم، ملایر	۲۱۸، ۲۱۵، ۱۸۳، ۱۵۷، ۱۴۶، ۱۴۲، ۱۳۴	محللات
۱۴۸	مسجد حبیب شيراز	۱۷۷	- حسینه
۱۷۴	مسجد حبیب خانی، ملایر	۱۷۷	مخابرات، شرکت
۱۴۸	مسجد حسین، شوشتر	۱۸۰، ۱۲۹، ۱۲۴	مخابرات اصفهان، اداره کل
۱۶۰	مسجد حضرت زینب	۱۲۳	مخابرات گچساران، شرکت
۱۵۸، ۱۴۸	مسجد حکیم، اصفهان	۱۲۲	مخابرات بزد
۱۸۶	مسجد حکیم، زابل	۱۲۳	مرکز آموزش مدیریت دولتی، سازمان
۱۵۷	مسجد رحیم خان، اصفهان	۱۲۴	مدرسه عالی آرشام
۱۳۸	مسجد رضا، ساری	۱۲۶	مدرسه عالی بازرگانی
۱۲۵		۱۷۲	

۱۶۸	— زندان	۱۳۹۰۱۳۸۰۱۳۶	مسجد سید، اصفهان
۱۷۷۰۱۷۲	— زندان زنان	۱۸۶۰۱۴۵	
۱۷۷	— شاهرخ، خیابان	۱۴۰	مسجد شعبان، تبریز
	— شاهرضا (مقدم شهریور)،	۱۲۲	مسجد صاحب الزمان، گچساران
۱۵۸۰۱۵۷۰۱۱۷	بیمارستان	۱۱۹	مسجد صباغ، کرمانشاه
۱۷۴۰۱۷۲۰۱۷۰—۱۶۷		۱۱۵	مسجد صدر، آبادان
۱۷۲	— شاهرود، خیابان	۱۳۸	مسجد صدرخواجو، اصفهان
۱۷۲	— شهدا، میدان	۱۵۸	مسجد فاطمیه، کرمان
۱۷۲	— شهر فرنگ، سینما	۱۳۴	مسجد قبا، تهران
۱۱۷	— شهنار، بیمارستان	۱۶۹۰۱۲۵	مسجد کرمان
۱۴۵۰۱۱۷	— صحن امام رضا (ع)	۱۵۶	مسجد محمد ابراهیم، اراک
۱۴۵	— طبرسی، خیابان	۱۳۶	مسجد مصری، اصفهان
۱۷۷۰۱۷۲	— فروشگاه ارتش	۱۲۲	مسجد مصلی، اصفهان
۱۷۷	— کلانتری ۱ و ۵	۱۷۰	مسجد ملا اسمعیل، یزد
۱۳۹	— کورش، پارک	۱۶۲	مسجد مهدی، قائن
۱۷۷	— کوه سنگی	۱۲۴	مسجد جمعه، بازار تهران
۱۲۶	— لشکر، چهارراه	۱۶۸	مسجد سلیمان
۱۱۸	— مدرسه قلی خان	۱۳۹۰۱۲۷۰۱۲۶۰۱۲۰۰۱۱۷۰۱۱۵	مشهد
۱۴۵	— مردم، خیابان	۱۶۸۰۱۶۲۰۱۵۶۰۱۵۴۰۱۴۶۰۱۴۵۰۱۴۰	
۱۶۲	— مشهد، بیمارستان	۱۹۹۰۱۸۰۰۱۷۷۰۱۷۲۰۱۷۱۰۱۶۹	
۱۳۹	— ملک آباد	۱۷۱	— آب، فلکه
۱۷۲۰۱۶۹	— نادری، چهارراه	۱۷۲	— احمدآباد، خیابان
۱۱۵	— نادری، خیابان	۱۴۲	— اداره آگاهی
۱۴۵۰۱۲۶	— نواب، مدرسه	۱۷۲۰۱۷۱	— استانداری
۱۷۷	— هایت، هتل	۱۱۷	— اقبال، دبیرستان
۱۲۶	— هفده شهریور، خیابان	۱۷۷	— امام رضا، بیمارستان
۱۵۴۰۱۳	مصر	۱۲۶	— برق، فلکه
۱۵۲	— معاملات خارجی، اداره	۱۷۱۰۱۴۵	— بهار، خیابان
۱۸۴۰۱۴۸	ملایر	۱۶۹۰۱۵۶	— بهشت رضا
۱۸۴	— شمس آباد، گورستان	۱۷۷۰۱۷۲	— پیسی کولا، ساختمان
۱۳۹	ملک آباد، مشهد	۱۴۵	— پشته بالا، خیابان
۱۲۸	منی (مکه معظمه)	۱۷۱۰۱۴۵۰۱۳۹	— تهران، خیابان
۱۴۷	مهاباد، روستای اردستان	۱۴۵	— خسروی، خیابان
	ن و	۱۴۵	— خسروی نو، خیابان
۱۴۷	نائین	۱۴۵۰۱۲۶	— خمینی، خیابان
۱۷۰۰۱۶۹۰۱۶۵۰۱۶۲۰۱۵۸	نجف آباد	۱۶۹	— خمینی (مجسمه)، میدان
۱۸۵۰۱۷۵		۱۷۱۰۱۴۰۰۱۳۹۰۱۲۶	— دادگستری

۱۷۵	— کلانتری ششم بهمن	۱۴۷	نظنز
۱۸۵	— نیلجه، روستا	۱۴۶	نظام بزشکی، سازمان
۷۸۰۷۱۰۷۰	هند، اقیانوس	۵۴	نعمت آباد
۱۶۴	هوایمائی اسرائیل (العال)، شرکت	۱۸۵	نهاوند
۱۳۱	هوایمائی بریتیش ارویز	۱۸۶	— بازار سرداب
۱۳۱	هوایمائی پان آمریکن	۱۸۵	— پهلوی، خیابان
۱۵۲۰۱۵۱۰۱۴۲۰۱۱۴	هوایمائی ملی ایران	۱۸۵	— غسالخانه
۱۶۵		۱۸۵	— قیصریه، خیابان
۲۳۴۰۲۳۰	یاد، ساختمان	۱۸۵	— نبوی، داروخانه
۱۷۴	یاسوج	۱۱۷	نیاوران، ارتفاعات
۱۵۶۰۱۵۴۰۱۴۸۰۱۲۳۰۱۱۶۰۷۲	یزد	۸۸	نیاوران، کاخ
۲۲۹۰۱۷۰۰۱۶۸۰۱۵۸		۲۲۲	نیاوران، کلانتری
۱۴۸	— انستیتو	۱۴۲۰۱۲۹	نیروی، وزارت
۱۲۳	— بازار	۱۶۰۰۱۵۱۰۱۳۲۰۱۲۷	نیروی دریایی
۱۲۸	— شاه، میدان	۱۷۶	
۱۷۰	— میدد، ده	۱۲۱۰۱۲۰	نیشابور
۱۴۸	— میرچخماق، میدان	۲۰۵	ورامین، سه راه
۱۷۳	یونایتد پیرس، خبرگزاری	۲۲۷	وزارت آموزش و پرورش
		۱۵۳	وزارت اقتصاد
		۱۵۳	وزارت بازرگانی
		۱۵۱	وزارت جنگ
		۱۲۹	وزارت دادگستری
		۱۵۳۰۱۲۹	وزارت دارائی
		۱۵۳۰۱۲۹	وزارت راه و ترابری
		۱۵۳	وزارت کشاورزی
		۲۲۷۰۱۶۵	وزارت علوم و آموزش عالی
		۱۸۰۰۱۲۹	وزارت نیرو
		۱۱۸۰۶۴	ویتنام

ه.ی

همدان ۱۶۱۰۱۵۸۰۱۵۳۰۱۴۸۰۱۱۶۰۱۰۸

۱۸۶ - ۱۸۴۰۱۷۵۰۱۶۸

۱۸۵	— پهلوی، خیابان
۱۸۵	— تفریحان، روستا
۱۸۵	— حصار برج، روستا
۱۸۵	— دره، مراد بیگ، روستا
۱۸۵	— ستار (صنم)، کافه رستوران
۱۶۱	— فشتیق، قریه

فهرست احزاب، جمعیتها، گروهها و فرق

آزادخواهان حبشه	۸۸	جامعه بازرگانان و پیشه‌وران مسلمان، اهواز
آسوری، اقلیت	۵۶	۱۷۶
آلمانی	۲۷۲۰۱۳۱۰۱۴	جامعه پزشکی شهرستان قم
آمریکائی	۱۳۲۰۱۳۱۰۱۲۹۰۹۷۰۹۴	۱۴۵۰۱۳۸
	۱۶۵۰۱۳۸	جامعه روحانیت اصفهان
اتحاد اسلام، حزب	۱۲	۲۲۹۰۱۸۵
اتحاد ملی پاکستان، جبهه	۷۲	جامعه کارکنان بانک مرکزی ایران
ارامنه	۱۸۲۰۱۶۵۰۵۶	۱۵۰
ارامنه تهران، خلیفه‌گری	۱۸۲	جماعت اسلامی پاکستان
ارامنه جلفای اصفهان	۱۸۶	۱۶۱
استالینیستها	۲۱۰۲۰۰۱۸	جماعت اسلامی لاهور
اسرائیلی	۹۷۰۹۴	۱۵۸۰۱۵۵۰۱۴۴
افغانستانی	۱۲۸	۱۶۱
الجزایر، شورای انقلاب	۱۸۱	جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
الفتح	۱۲۸۰۱۵	۲۴۴۰۲۴۲۰۲۲۳۰۱۷۴۰۱۷۳۰۵
امیرالیستها/امیرالیسم	۴۰۰۳۰۰۲۹۰۱۴	جمعیت حقوق بشر آمریکا
	۷۱۰۷۰۰۶۶۰۶۳۰۵۲۰۴۸۰۴۶۰۴۴۰۴۲	جمعیت حقوق‌دانان ایران
	۱۴۶۰۱۴۴۰۱۰۶۰۱۰۱۰۹۷۰۷۷۰۷۵۰۷۲	جنش
	۱۶۲	۲۴۴
امل، سازمان	۳۰	جنبش مسلمانان مبارز
انتقام، سازمان زیرزمینی	۲۲۳۰۲۲۲۰۶۹	۹۲۰۹۱۰۴۰۳
	۲۳۰	جنبش مسلمانان مبارز ایران
انجمن اسلامی پزشکان	۲۴۴	۹۱۰۳
انجمن اسلامی پزشکان ایرانی در ایالات		چریکهای فدائی اسلام
متحده آمریکا	۱۶۶	۱۶۸
انجمن اسلامی معلمان	۲۴۴	چریکهای فلسطینی
انجمن اسلامی مهندسين	۲۴۴	چماق بدستان
انجمن ایران و آمریکا، مشهد	۱۷۷۰۱۷۲	۱۲۶۰۱۲۵۰۱۲۰۰۱۰۱
انجمن ایران و انگلیس، مشهد	۱۷۷	۱۵۷۰۱۴۸۰۱۴۷۰۱۴۶۰۱۴۵۰۱۴۳۰۱۳۷
انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی، هند	۱۴۲	۱۸۵۰۱۷۶۰۱۷۰۰۱۶۸۰۱۶۷۰۱۶۱۰۱۵۸
انجمنهای اسلامی دانشجویی آمریکا	۱۶۲	حش، گروه
انگلیسی	۱۳۲۰۱۳۱	۳۵
بدر، واحد عملیاتی	۱۲۶	حرکه المحرومین
بهاشیان	۱۶۹۰۱۲۵	۳۰
بیرولتاریا	۲۹۰۲۰۰۱۴	خاندان سلطنتی (پهلوی)
توده، حزب	۱۶۳۰۳۴۰۱۶۰۱۳۰۱۲	۴۸۰۴۵۰۴۱
جامعه ارامنه آزادخواه	۱۸۲	۱۴۶۰۱۴۴۰۹۴۰۷۲

۱۲۹	کارکنان پالایشگاه تهران	۱۰۲۰۵۰	روحانیت مترقی
۱۸۹۰۱۸۰	کارکنان ذوب آهن	۸۳۰۱۳	روسها
۱۸۰۰۱۴۹۰۱۴۲	کارکنان رادیو تلویزیون	۱۵۳	زرتشتیان
۱۸۰	کارکنان سازمان آب	۱۴۰۰۱۲۴۰۴۸۰۴۷	زندانیان (سیاسی)
۱۴۲	کارکنان سازمان مدیریت صنعتی	۲۰۵۰۲۰۲۰۲۰۱۰۱۷۶۰۱۷۱۰۱۶۸۰۱۴۴	
۱۸۰	کارکنان شرکت مخابرات	۲۳۴۰۲۲۳۰۲۱۷	
۱۳۱۰۱۲۸۰۱۲۳۰۱۲۲	کارکنان شرکت نفت		ستاد برگزاری نمازهای عید فطرو راهپیماییهای
۱۸۰۰۱۷۶۰۱۶۷۰۱۶۰۰۱۵۵۰۱۳۵۰۱۳۲		۵	میلیونی انقلاب و استقبال از امام
۱۹۰		۴۹۰۲۱۰۱۸	سازمان فدائیان خلق
۱۲۴	کارکنان کادر فنی شرکت مخابرات		سازمان مجاهدین خلق ایران / مجاهدین ۲۰۱
۱۶۶۰۱۶۵	کارکنان گمرک	۵۱۰۴۹۰۳۰۲۱۰۱۹۰۱۸۰۱۶۰۱۱-۹	
۱۲۳	کارکنان مخابرات همدان	۱۴۴۰۱۰۶۰۱۰۱۰۱۰۰۹۴۰۷۲۰۵۹	
۱۲۴	کارکنان مرکز آموزش مدیریت دولتی		سازمان مجاهدین خلق مارکسیست،
۱۸۰۰۱۵۵	کارکنان مطبوعات و چاپخانهها	۲۰۰۱۷	استالینیست
۱۷۰	کارکنان و استادان دانشگاه تبریز	۱۵۴	سازمان ملی دانشگاهیان
۱۶۵۰۱۴۲	کارکنان هواپیمائی ملی	۱۱۹	سنجایی، ایل
۱۴۲	کارگران مسلمان مبارز صنعت نفت		سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات
۱۵۰۰۱۳۵۰۱۲۹	کارمندان بانک مرکزی	۱۴۲۰۱۲۴	
۱۶۴		۱۶۹۰۱۲۲	سنی، اهالی
۱۳۵	کارمندان بانک ملی	۱۸۱	شورای انقلاب الجزایر
۱۴۲	کارمندان بیمه ایران	۱۲۲۰۱۹۴۰۱۶۹۰۱۰۲۰۷۵	شیعه / شیعیان
۱۲۴	کارمندان سازمان امور اداری و استخدامی	۲۳۸۰۲۲۸	
۱۲۴	کارمندان سازمانهای برنامه و بودجه	۱۹۴۰۱۹۳	شیعیان لبنان
۱۲۴	کارمندان مرکز آمار ایران	۶۳۰۵۸۰۵۷	صهیونیستها / صهیونیسم
۱۸۹	کارمندان و کارگران ذوب آهن کرمان	۲۲۱۰۷۵۰۷۲	
۱۵۵	کانون نویسندگان	۱۲۸	فتح، سران مجاهد
۱۴۲	کانون وکلای دادگستری	۱۵	فتح، سوسیالیستها
۴۹۰۲۰۰۱۷۰۱۳	کمونیست / بلوک کمونیستی	۴۹۰۲۱۰۱۸	فدائیان خلق
۲۲۸۰۱۲۵۰۸۸۰۸۷۰۸۳		۱۴۲	فرانسویان
۵	کمیته اعتصابات امام خمینی	۱۲۸	فلسطینی
	کمیته امام خمینی سرپرست سفارت و	۱۹۰	قضات و کارکنان دادگستری
۵	کنسولگریهای ایران در آمریکا		کارکنان آموزش و پرورش، فرهنگیان، معلمان
۱۸۰۰۱۳۷	کمیته امداد امام خمینی	۱۸۰۰۱۷۷۰۱۷۵۰۱۶۷۰۱۴۸۰۱۴۴۰۱۲۶	
۱۷۴	کمیته دفاع از مجروحین و مصدومین	۱۸۹	
۲۷	کنفدراسیون دانشجویان	۱۴۲	کارکنان ادارات مرکزی بانک ملی
۲۳۳۰۲۰۸۰۲۰۷۰۲۰۵	مارکسیست اسلامی		کارکنان اداره خارجه بانک مرکزی ایران ۱۴۹
		۱۸۲۰۱۸۰۰۱۶۵	کارکنان برق (توانیر)

۱۲۰۸	مارکسیست‌ها / گروه‌های مارکسیستی
۲۲۸۰۲۰۱۰۳۲۰۲۹۰۲۲۰۱۹۰۱۵۰۱۳	
۱۵۹	مدرسین حوزه علمیه
۱۹۳۰۱۸۲	مسیحیان
۱۱۳۰۱۹۰۱۰۵۰۵-۱	نهضت آزادی ایران
۲۴۴۰۲۳۲۰۲۲۶۰۱۸۱۰۱۸۰	
۱۶۲	نهضت آزادی ایران در آمریکا
۲۴۴	نهضت رادیکال ایران
۱۱	نهضت چریکی آمریکای لاتین
۳۴	نیروی سوم
۱۲۶	وحدت، گروه چریکی
۱۲۶	- واحد عملیاتی بدر
۱۲۶	- واحد عملیاتی مالک اشتر
	هیئت اعزامی امام خمینی به تاسیسات نفت
۰۱۷۹۰۱۱۳۰۵	جنوب
۱۷۹	هیئت خلع بد
۱۲۴	هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی
۱۳۰	هیئت مدیره سندیکاها
۱۵۱۰۵۶	یهودی/کلیمی، اقلیت

فهرست کتب ، نشریات ، روزنامه‌ها ، بیانیه‌ها

۱۴۲	کانون وکلای دادگستری، بیانیه	۱۴۵	آلیک، روزنامه
۱۴۲	کوش، نشریه	۱۴۲	آیت‌الله صدوقی، اعلامیه
۲۴۲، ۲۰۵	کیهان، روزنامه	۲۶	اتحاد، مجله
۸۷	لوموند، روزنامه	۱۵۵	اخبار جنبش خراسان، نشریه
	مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان	۲۴۲، ۶۵	اطلاعات، روزنامه
۵	مهندس بازرگان، کتاب	۱۵۵	پیام اصفهان، نشریه
۱۳۰	نیوزویک، مجله	۱۵۵	پیام قم، نشریه
۱۸۳	نوول ابزرواتور	۱۳۰	تایمز لندن، روزنامه
۱۵۵	نشریه‌خبری مشترک	۱۸۲	جامعه‌آرامنه آزادخواه، اعلامیه
۱۳۱	ورلد نیوز، روزنامه	۱۵۵	جبهه‌ملی، نشریه‌خبری
۹۷	هرالد تریبیون، روزنامه	۳۳	حر، کتاب دکتر شریعتی
	هیئت علمی دانشکده حقوق و دانشگاه ملی،	۲۱۱، ۲۰۳	حقوق بشر، اعلامیه‌جهانی
۱۴۲	بیانیه	۲۱۴	
		۳۴	حسی در میقات، کتاب جلال آل احمد
		۳۵	
		۱۸۲	خلیفه‌گری ارامنه‌تهران، اطلاعیه
			دانشگاهیان طرفدار جمهوری اسلامی، اعلامیه
		۱۴۲	
		۱۳۱	دیلی اکسپرس، روزنامه
		۱۳۰	دیلی تلگراف، روزنامه
		۱۳۲	دیلی میل، روزنامه
		۱۴۲	سازمان انرژی اتمی، قطعنامه
			سازمان مجاهدین خلق، بیانیه‌تغییر مواضع
		۲۲ - ۱۶، ۱۲، ۲	ایدئولوژیک
			سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات،
		۱۴۲	بیانیه
			شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس
		۵	بازرگان، کتاب
		۱۸۲، ۱۴۶، ۱۳۷، ۱۰۳، ۸۱، ۳۱	قرآن
			کارکنان ادارات مرکزی بانک ملی، اعلامیه
		۱۴۲	
		۱۴۲	کارکنان رادیو تلویزیون ملی ایران، پیام
		۱۴۲	کارکنان سازمان مدیریت صنعتی، بیانیه
		۱۴۲	کارکنان هواپیمائی ملی، اعلامیه
			کارگران مسلمان مبارز صنعت نفت، اعلامیه
		۱۴۲	